

شما می‌توانید کتاب مقدّس را دری کنید!

# لوقای تاریخ‌نگار:

## کارهای رسولان

به قلم:

استاد باب آتلی

استاد فن تفسیر (کتاب مقدّس)

از سری تفاسیر راهنمای مطالعه

عهد جدید، جلد ۳

سازمان Bible Lessons International

شهر مارشال، ایالت تگزاس

## فهرست مندرجات

### تفسیر

۳	.....	مقدمه‌ای بر کتاب کارهای رسولان
۱۱	.....	کارهای رسولان فصل ۱
۳۱	.....	کارهای رسولان فصل ۲
۶۸	.....	کارهای رسولان فصل ۳
۸۸	.....	کارهای رسولان فصل ۴
۱۰۹	.....	کارهای رسولان فصل ۵
۱۲۹	.....	کارهای رسولان فصل ۶
۱۳۹	.....	کارهای رسولان فصل ۷
۱۵۷	.....	کارهای رسولان فصل ۸
۱۷۰	.....	کارهای رسولان فصل ۹
۱۸۷	.....	کارهای رسولان فصل ۱۰
۲۰۱	.....	کارهای رسولان فصل ۱۱
۲۱۲	.....	کارهای رسولان فصل ۱۲
۲۲۴	.....	کارهای رسولان فصل ۱۳
۲۴۳	.....	کارهای رسولان فصل ۱۴
۲۵۴	.....	کارهای رسولان فصل ۱۵
۲۶۷	.....	کارهای رسولان فصل ۱۶
۲۸۰	.....	کارهای رسولان فصل ۱۷
۲۹۷	.....	کارهای رسولان فصل ۱۸
۳۰۹	.....	کارهای رسولان فصل ۱۹
۳۲۲	.....	کارهای رسولان فصل ۲۰
۳۳۴	.....	کارهای رسولان فصل ۲۱
۳۴۵	.....	کارهای رسولان فصل ۲۲
۳۵۵	.....	کارهای رسولان فصل ۲۳
۳۶۳	.....	کارهای رسولان فصل ۲۴
۳۷۰	.....	کارهای رسولان فصل ۲۵
۳۷۶	.....	کارهای رسولان فصل ۲۶
۳۸۸	.....	کارهای رسولان فصل ۲۷
۳۹۹	.....	کارهای رسولان فصل ۲۸

## مقدمه‌ای بر کتاب کارهای رسولان

توضیحات مقدماتی

- ا. کتاب کارهای رسولان پیوندی ضروری میان روایات مربوط به زندگی عیسی (اناجیل)، موعظه آن روایات در اعمال، تفسیرشان و کاربرد آنها در رسالات عهد جدید است.
- ب. کلیسای اولیه دو مجموعه از نوشتجات عهد جدید را پرورد و منتشر ساخت که عبارت بودند از: (۱) اناجیل (چهار انجیل) و (۲) رسالات (نامه های پولس). اما با پیدایش بدعت‌ها در مسیح‌شناسی قرن دوم، ارزش کتاب کارهای رسولان به روشنی نمایان گردید. کتاب کارهای رسولان محتوا و هدف موعظه رسولان (*kerygma*) و نتایج شگفت‌انگیز انجیل را هویدا می‌نماید.
- ج. دقت تاریخی کتاب کارهای رسولان توسط اکتشافات باستان‌شناسی نوین، خصوصاً در رابطه با موضوع صاحب‌منصبان دولتی رومی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است (به عنوان مثال واژه *stratēgoi* در ۱۶: ۲۰، ۲۲، ۳۵، ۳۶ [که برای فرماندهان معبد نیز در لوقا ۲۲: ۴، ۵۲؛ اعمال ۴: ۱؛ ۵: ۲۴-۲۶ به کار رفته است]؛ *politarchas* ۱۷: ۶، ۸؛ و *proto* اعمال ۲۸: ۷، ر.ک. *Roman Society and Roman Law in the New Testament* نوشته A. N. Sherwin-White) این امر بازتابی از یک نوشته منصفانه، متعادل و مورد تحقیق قرار گرفته از لحاظ تاریخی/الهیاتی می‌باشد.
- د. عنوان کتاب را می‌توان در متون یونانی باستان با شکل‌های کمی متفاوت یافت:

- (۱) متن آلف عبری «A» (نسخه سینائینه)، ترتولیان، دیدیموس، و یوسبوس دارای عنوان «اعمال» هستند (ASV, NIV)
- (۲) متون B (نسخه واتیکانیه)، D (*Bezae*) در یک پذیره، آیرنیوس، ترتولیان، سریانی و آتاناسیوس دارای عنوان «اعمال رسولان» هستند. (KJV, RSV, NEB)
- (۳) متون A<sup>2</sup> (اصلاح نخست متن اسکندریه)، E، G، و کریسوستوم دارای «اعمال رسولان مقدس» است.
- این امکان وجود دارد که واژه های *praxeis* و *praxis* (کارها، روش‌ها، رفتار، عمل‌کردها، رویه معمول) نشانگر اسلوب ادبی مدیترانه‌ای برای مشخص کردن زندگی و کارهای افراد مشهور و بانفوذ باشد (به عنوان مثال یوحنا، پطرس، استیفان، فیلیپ، پولس). احتمالاً کتاب در اصل عنوانی نداشته است (مانند انجیل لوقا).
- ه. دو متن متمایز سنتی برای اعمال وجود دارد. نام متن کوتاهتر آلکساندرین است (P<sup>74</sup>, MSSP<sup>45</sup> الف عبری، C, B, A). چنین به نظر می‌رسد که متون اصلی مربوط به خانواده غرب (P<sup>48</sup>, P<sup>38</sup>, P<sup>29</sup> و D) جزئیات بسیار بیشتری را دربردارند. بر اساس سنت‌های کلیسای اولیه، این امر که جزئیات مزبور را نویسنده اصلی وارد کرده یا اینکه کاتبان بعدها آنها را گنج‌نیده اند مورد شک و تردید است. اکثر پژوهشگران متون کتاب مقدس بر این عقیده اند که متون غربی دارای افزودگی‌های بعدی هستند زیرا: (۱) می‌کوشند تا متون سخت و نامأنوس را رتوش و درست کنند؛ (۲) جزئیات اضافی می‌افزایند؛ (۳) عبارتهای مشخصی را برای تأکید بر این امر که عیسی همان مسیح است اضافه می‌کنند؛ (۴) در سه قرن اول میلادی، نویسندگان مسیحی از آنها نقل قولی نکرده اند (ر.ک. F. F. Bruce, *Acts: Greek Text* صص. ۶۹-۸۰). برای مباحثاتی با جزئیات بیشتر به *Textual Commentary on the Greek New Testament* نوشته Bruce M. Metzger از انتشارات انجمن‌های متحد کتاب مقدس صص. ۲۵۹-۲۷۲ مراجعه کنید.
- به سبب شمار زیاد افزودنی‌های متأخر، در این تفسیر به تمامی گزینه‌های متنی نخواهیم پرداخت. فقط و فقط در صورتی که یک گزینه متفاوت متنی در تفسیر یک بخش مشخص ضروری باشد، در این تفسیر به آن خواهیم پرداخت.

### نویسنده

- ا. در کتاب، نام و نشانی از نویسنده ذکر نشده است، اما دلالت قوی بر نویسنده بودن لوقا وجود دارد.
- (۱) بخشهای منحصر به فرد و شگفت‌انگیز با ضمیر "ما" (۱۶: ۱۰-۱۷ [سفر دوم بشارتی در فیلیپی]؛ ۲۰: ۵-۱۵؛ ۲۱: ۱-۱۸ [پایان سفر سوم بشارتی] و ۲۷: ۱-۲۸: ۱۶ [پولس به عنوان زندانی به روم اعزام می‌شود]) به قوت بر لوقا به عنوان نویسنده دلالت دارند.
- (۲) ارتباط میان سومین انجیل و اعمال با مقایسه لوقا ۱: ۴-۱ با اعمال ۱: ۱-۲ به روشنی آشکار می‌شود.

- ۳) از لوقا، یک پزشک غیریهودی، در کولسیان ۴: ۱۰-۱۴، فیلمون ۲۴، و ۲ تیموتائوس ۴: ۱۱ به عنوان یکی از همراهان پولس نام برده شده است. لوقا تنها نویسنده غیریهودی در عهد جدید است.
- ۴) کلیسای اولیه متفق القول شهادت می داد که لوقا نویسنده کتاب کارهای رسولان است.
- أ) بخشی از متن موراتوری (۱۸۰-۲۰۰ م. از روم بیان می دارد: "توافق دارد با لوقای پزشک")
- ب) نوشته های آیرینیوس (۱۳۰-۲۰۰ م.)
- ج) نوشته های کلمنت اسکندریه (۱۵۶-۲۱۵ م.)
- د) نوشته های ترتولیان (۱۶۰-۲۰۰ م.)
- ه) نوشته های اریجن (۱۸۵-۲۵۴ م.)
- ۵) شواهد داخلی اسلوب نگارش و واژگان (خصوصاً اصطلاحات پزشکی) مؤید نویسنده بودن لوقا هستند. ( Sir William Ramsay و Harnack).
- ب. سه منبع اطلاعاتی در مورد لوقا در دسترس ما قرار دارد:
- ۶) سه متن در عهد جدید (کولسیان ۴: ۱۰-۱۴؛ فیلمون ۲۴؛ تیموتائوس ۴: ۱۱) و خود کتاب اعمال.
- ۷) پیش گفتار کتاب ضد-مارسیون در قرن دوم درباره لوقا (۱۶۰-۱۸۰ م.)
- ۸) اوسیبوس، مورخ کلیسای اولیه در قرن چهارم در کتاب تاریخ کلیسا، ۳: ۴ می گوید: "لوقا که از لحاظ اجدادی اهل انطاکیه و از نظر شغلی پزشک بود، در همراهی اصلی خود با پولس و نیز همراهی دورتر با سایر رسولان، نمونه هایی از شفای جانها را که از ایشان دریافت کرده بود در دو کتاب الهامی خود یعنی: انجیل و اعمال رسولان برای ما برجای گذاشته است."
- ۹) نمایه ای مرکب از شخصیت و خصوصیات لوقا چنین است:
- أ) یک غیریهودی (در کولسیان ۴: ۱۲-۱۴ در زمره اپفراس و دیماس آمده، نه همراه با دستیاران یهودی)
- ب) از اهالی انطاکیه سوریه (پیش گفتار کتاب ضد-مارسیون بر انجیل لوقا) یا فیلیپی مقدونیه ( Sir William Ramsay در مورد اعمال ۱۶: ۱۹)
- ج) پزشک (ر.ک. کولسیان ۴: ۱۴)، یا دست کم مردی تحصیل کرده
- د) در اواسط میانسالی، پس از گشایش کلیسا در انطاکیه به مسیح ایمان آورد (پیش گفتار ضد-مارسیون)
- ه) همراه پولس در سفرهایش (بخشهایی در اعمال که ضمیر "ما" در آن آمده است)
- و) غیرمتاهل
- ز) سومین انجیل و اعمال را نگاشت (مقدمه ها، اسلوب نگارش و واژگان یکسان)
- ح) در سن ۸۴ سالگی در Boeotia درگذشت
- ج. ایرادات وارد شده به نویسنده بودن لوقا
- ۱۰) موعظه پولس بر کوه مریخ در آتن حاوی مقوله ها و اصطلاحات فلسفه یونان (رجوع کنید به اعمال ۱۷)، اما در رومیان ۱-۲، به نظر می رسد که پولس هرگونه "زمینه مشترک" (سرشت، شهادت اخلاقی درونی) را عبث و بی فایده می شمارد.
- ۱۱) موعظه ها و سخنان پولس در اعمال، او را به عنوان یک یهودی مسیحی ترسیم می کند که برای موسی احترام زیادی قایل است، اما نامه های پولس، شریعت را به عنوان موضوعی مشکل ساز و زودگذر، کم بها جلوه می دهند.
- ۱۲) موعظه پولس در اعمال حاوی آن تمرکز بر آخرت شناسی که در رسالات اولیه اش می باشد، نیست (یعنی در ۱ و ۲ تیموتائوس).

۱۳) اینگونه تناقضات در اصطلاحات، اسلوب و موضوعات مورد تأکید جالب است اما قطعی و جامع نیست. اگر همین ضوابط را در مورد اناجیل به کار ببریم، می بینیم که عیسی در اناجیل هم‌منظر با عیسی انجیل یوحنا بسیار متفاوت است. با اینحال شمار بسیار کمی از پژوهشگران این امر را که هر دو بازتاب زندگی عیسی هستند، منکر می شوند.

د. هنگامی که نویسنده اعمال را زیر سؤال می آوریم، در واقع منابع لوقا را مورد بحث قرار می دهیم زیرا بسیاری از پژوهندگان (مانند C. C. Torrey)، بر این عقیده اند که لوقا در اکثر موارد در پانزده باب اول، از منابع آرامی (یا نقل قولهای سینه به سینه) استفاده کرده است. اگر این نظریه صحیح باشد، لوقا مولف این کتاب است نه نویسنده آن. حتی در سخنرانی های آخر پولس نیز لوقا تنها به ارائه خلاصه سخنرانی بجای نقل قول کلمه به کلمه اکتفا می کند. استفاده لوقا از منابع دیگر به اندازه نویسنده بودن او می تواند یک مسئله اساسی باشد.

## تاریخ نگارش

- ا. مباحث و اختلاف نظرها بر سر زمان نگارش اعمال بسیار است، اما وقایع موجود در اعمال از حدود ۳۰ الی ۶۳ میلادی را پوشش می دهد (پولس در اواسط دهه ۶۰ م. از زندان روم آزاد و و احتمالاً در کشاکش جفاهای ۶۵ م. در زمان امپراتوری نرون دوباره دستگیر و کشته شد).
- ب. اگر سرشت دفاعی کتاب در مورد دولت روم را در نظر بگیریم، نگارش کتاب را می توان در دو تاریخ تخمین زد: (۱) پیش از ۶۴ م. (آغاز جفای نرون به مسیحیان روم) و/یا (۲) شورش مربوط به یهودیان در ۶۶-۷۳ م.
- ج. اگر بکوشیم توالی انجیل لوقا و اعمال را در نظر بگیریم، آنگاه تاریخ نگارش انجیل بر تاریخ نگارش اعمال اثر گذار خواهد بود. از آنجایی که سقوط اورشلیم توسط تیتوس در ۷۰ م. پیشگویی شده بود (در لوقا ۲۱)، اما شرحی از آن داده نشده است، به نظر می رسد که نگارش اعمال پیش از ۷۰ م. باشد. در این صورت، تاریخ نگارش اعمال در پی آمد نگارش انجیل، مدتی پس از آن تخمین زده می شود.
- د. در صورتی که پایان غیرمنتظره کتاب ما را ناراحت کند (پولس هنوز در زندان روم است، F.F. Bruce)، آنگاه تاریخ نگارش به اواخر دوره اول زندانی بودن پولس در ۵۸-۶۳ م. مربوط می شود.
- ه. برخی از تاریخهای مربوط به وقایع تاریخی که در اعمال به ثبت رسیده اند:

۱. قحطی فراگیر در امپراتوری کلودیوس (اعمال ۱۱: ۲۸، ۴۴-۴۸ م.).
۲. مرگ هیروдіس آگریپا اول (اعمال ۲۰: ۱۲-۲۳، بهار ۴۴ م.).
۳. پروکنسولی سرجیوس پولس (اعمال ۱۳: ۷، که در ۵۳ م. منصوب شد)
۴. تبعید یهودیان از روم توسط کلودیوس (اعمال ۱۸: ۲، ۴۹ م. [؟])
۵. پروکنسولی گالیو، اعمال ۱۸: ۱۲ (۵۱ یا ۵۲ م. [؟])
۶. پروکنسولی فلیکس (اعمال ۲۳: ۲۶؛ ۲۴: ۲۷، ۵۲-۵۶ م. [؟])
۷. جایگزینی فلیکس توسط فستوس (اعمال ۲۴: ۲۷، ۵۷-۶۰ م. [؟])
۸. افسران رومی یهودیه

ا) فرمانداران

- (۱) پنطیوس پیلاطس، ۲۶-۳۶ م.
- (۲) مارسوس، ۳۶-۳۷ م.
- (۳) مارولوس، ۳۷-۴۱ م.

ب) در سال ۴۱ م. اسلوب فرمانداری در سیستم اداری روم تغییر کرد و روشی اجرایی بر خود گرفت. کلودیوس، امپراتور روم، هیرودیس آگریپاس اول را در ۴۱ م. شخصاً منصوب کرد.

ج) پس از مرگ هیرودیس آگریپاس اول در ۴۴ م.، اسلوب فرمانداری تا سال ۶۶ م. بازسازی شد:

(۱) آنتیوس فلیکس

(۲) پورسیوس فستوس

## هدف و ساختار

أ. یکی از اهداف کتاب کارهای رسولان سندیت بخشیدن به رشد سریع پیروان عیسی از ریشه یهودی به خدمت بشارتی جهانی، از بالاخانه در بسته به کاخ قیصر بود:

(۱) این الگوی جغرافیایی پیرو اعمال ۱: ۸، یعنی مأموریت بزرگ کتاب کارهای رسولان است (متی ۲۸: ۱۹-۲۰).

(۲) گسترده شدن جغرافیایی به روشهای گوناگون توصیف شده است:

أ) استفاده از شهرهای بزرگ و مرزهای ملی. در اعمال از ۳۲ کشور، ۵۴ شهر و ۹ جزیره مدیترانه ای یاد شده است. سه شهر عمده در آن عبارتند از اورشلیم، انطاکیه و روم (ر.ک. اعمال ۹: ۱۵).

ب) استفاده از افراد مهم و کلیدی. کتاب کارهای رسولان را تقریباً می توان به دو قسمت مساوی بر اساس خدمات پطرس و پولس تقسیم کرد. نام بیش از ۹۵ نفر در این کتاب ذکر شده است اما اشخاص مهم در آن عبارتند از: پطرس، استیفان، فیلیپ، برنابا، یعقوب و پولس.

ج) دو یا سه اسلوب ادبی که متناوباً در اعمال به چشم می خورد و به نظر می رسد که بازتابی از تلاش هشیارانه نویسنده در ساختار نگارشش باشند، عبارتند از:

(۱) عبارتهای تلخیصی	(۲) عبارتهای رشد یابنده	(۳) استفاده از اعداد
۱:۱ - ۶:۷ (در اورشلیم)	۲: ۴۷	۳: ۴۱
۶: ۸ - ۹: ۳۱ (در فلسطین)	۵: ۱۴	۴: ۴
۹: ۳۲ - ۱۲: ۲۴ (در انطاکیه)	۶: ۷	۵: ۱۴
۱۲: ۲۵ - ۱۵: ۵ (در آسیای صغیر)	۹: ۳۱	۶: ۷
۱۶: ۶ - ۱۹: ۲۰ (در یونان)	۱۲: ۲۴	۹: ۳۱
۱۹: ۲۱ - ۲۸: ۳۱ (در روم)	۱۶: ۵	۱۱: ۲۴، ۲۱
	۱۹: ۲۰	۱۲: ۲۴
		۱۴: ۱
		۱۹: ۲۰

ب. کتاب کارهای رسولان آشکارا مربوط می شود به سوء تفاهمی که در مورد مرگ عیسی در اثر خیانت بوجود آمده بود. ظاهراً مخاطب لوقا غیریهودیان هستند (تئوفیلوس، که احتمالاً افسری رومی بود). او از (۱) موعظه های پطرس، استیفان و پولس استفاده می کند

تا تمهیدات یهودیان را نشان بدهد و (۲) از دید مثبت صاحب منصبان دولتی رومی در مورد مسیحیت بهره برداری می کند. رومیان دلیلی برای ترس از پیروان عیسی نداشتند.

(۱) موعظه‌ها و سخنرانی‌های رهبران مسیحی

أ. پطرس، ۲: ۱۴-۴۰؛ ۳: ۱۲-۲۶؛ ۴: ۸-۱۲؛ ۱۰: ۳۴-۴۳

ب. استیفان، ۷: ۱-۵۳

ج. پولس، ۱۳: ۱۰-۴۲؛ ۱۷: ۲۲-۳۱؛ ۲۰: ۱۷-۲۵؛ ۲۱: ۲۲-۴۰؛ ۲۱: ۲۳؛ ۱-۶؛ ۲۴: ۱-۲۱؛ ۲۶: ۱-۲۹

(۲) تماس با صاحب منصبان دولتی

أ. پنتیوس پیلاتوس، لوقا ۲۳: ۱۳-۲۵

ب. سرگیوس پولس، اعمال ۱۳: ۷، ۱۲

ج. قاضیان اعظم فیلیپی، اعمال ۱۶: ۳۵-۴۰

د. گالیو، اعمال ۱۸: ۱۲-۱۷

ه. مقامات ایالت افسس، اعمال ۱۹: ۲۳-۴۱ (خصوصاً آیه ۳۱)

و. کلودیوس لیسپاس، اعمال ۲۳: ۲۶

ز. فلیکس، اعمال ۲۴

ح. فستوس، اعمال ۲۴

ط. آگریپاس دوم، اعمال ۲۶ (خصوصاً آیه ۳۲)

ی. پوبلیوس، اعمال ۲۸: ۷-۱۰

(۳) از مقایسه موعظه‌های پطرس و پولس، آشکارا معلوم است که پولس یک بدعت‌گزار نیست بلکه با وفاداری حقایق انجیل رسولان را

اعلام می‌دارد. حقایق اساسی درباره عیسی (*kerygma*) یکسان است!

ج. لوقا نه فقط از مسیحیت در برابر دولت روم دفاع می‌کرد، بلکه مقصودش دفاع از پولس در مقابل کلیسای غیریهودیان نیز بود. پولس مکرراً توسط گروه‌های یهودی مورد حمله قرار می‌گرفت (یهودی‌گرایان غلاطیه، "بزرگ رسولان" در قرن ۱۰-۱۳؛ و گروه‌های یهودیان یونانی (گنوسی‌گرایان کولسی و افسس). لوقا به هنجار بودن پولس را با نمایش آشکارای قلب و الهیات وی در سفرها و موعظه‌هایش نشان می‌دهد.

د. هرچند مقصود از نگارش کتاب اعمال، ارائه یک کتاب آموزه‌ای نبوده است، اما این کتاب عناصر موعظه رسولان اولیه را که آقای C. H. Dodd آن را "*Kerygma*" (حقایق اساسی درباره عیسی) می‌خواند، بیان می‌نماید. این عناصر به ما کمک می‌کند تا دریابیم احساس آنان در مورد اصول اساسی انجیل، خصوصاً هنگامی که مرگ و قیام عیسی را بیان می‌داشتند، چه بوده است.

## سرفصل ویژه: حقایق اساسی در مورد کلیسای اولیه

- ا. وعده های خدا در عهد عتیق اکنون با آمدن عیسی که همان مسیح موعود است، تحقق یافته اند (اعمال ۲: ۳۰؛ ۳: ۱۹، ۲۴؛ ۱۰: ۴۳؛ ۲۶: ۶-۷، ۲۲؛ روم ۱: ۲-۴؛ ا تیمو ۳: ۱۶؛ عبر ۱: ۱-۲؛ ۱ پتر ۱: ۱۰-۱۲؛ ۲ پتر ۱: ۱۸-۱۹).
- ب. خدا عیسی را در هنگام تعمیدش به عنوان مسیح موعود، مسح کرد (اعمال ۱۰: ۳۸).
- ج. عیسی خدمت خود را پس از تعمیدش در جلیل آغاز کرد (اعمال ۱۰: ۳۷).
- د. مشخصه خدمت او انجام کارهای نیک و به ظهور آوردن عجایب (معجزات) به واسطه قدرت خدا بود (مرقس ۱۰: ۴۵؛ اعمال ۲: ۲۲؛ ۱۰: ۳۸).
- ه. مسیح موعود مطابق قصد ازلی خدا بر صلیب شد (مرقس ۱۰: ۴۵؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ اعمال ۲: ۲۳؛ ۱۳-۱۵، ۱۸؛ ۴: ۱۱؛ ۱۰: ۳۹؛ ۲۶: ۲۳؛ روم ۸: ۳۴؛ ۱۰: ۳۴؛ ۱۷-۱۸؛ ۱۵: ۳؛ ۱۵: ۳؛ ۱۹: ۲، ۳؛ ۱۸: ۱۰؛ یوحنا ۱۰: ۴).
- و. او از مردگان برخیزانیده شد و به شاگردانش ظاهر گردید (اعمال ۲: ۲۴، ۳۱-۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۱۰: ۴۱-۴۰؛ ۱۷: ۳۱؛ ۲۶: ۲۳؛ روم ۸: ۳۴؛ ۱۰: ۹؛ ۱۵: ۴-۷، ۱۲ به جلوه؛ اتسا. ۱: ۱۰؛ ا تیمو. ۳: ۱۶؛ اپطرس ۱: ۳؛ ۲: ۲؛ ۱۸، ۲۱).
- ز. خدا عیسی را سرافراز و مکرم گردانید و او را "خداوند" نامید (اعمال ۲: ۲۵-۲۹، ۳۳-۳۶؛ ۳: ۱۳؛ ۱۰: ۳۶؛ روم ۸: ۳۴؛ ۱۰: ۹؛ ا تیمو ۳: ۱۶؛ عبر ۱: ۳؛ اپطرس ۳: ۲۲).
- ح. او روح القدس را بخشید تا جماعت تازه خدا را تشکیل دهد (اعمال ۱: ۸؛ ۱۴-۲: ۱۸، ۳۸-۳۹؛ ۱۰: ۴۴-۴۷؛ اپطرس ۱: ۱۲).
- ط. او برای داوری و احیای همه چیزها باز خواهد آمد (اعمال ۳: ۲۰-۲۱؛ ۱۰: ۴۲؛ ۱۷: ۳۱؛ ۱۵: ۲۰-۲۸؛ اتسا. ۱: ۱۰).
- ی. تمامی کسانی که پیام انجیل را می شنوند باید توبه کنند و تعمید گیرند (اعمال ۲: ۲۱، ۳۸؛ ۳: ۱۹، ۴۳؛ ۴۷-۴۸؛ ۱۷: ۳۰؛ ۲۶: ۲۰؛ روم. ۱: ۱۷؛ ۱۰: ۹؛ اپطرس ۳: ۲۱).

این نمایه به عنوان اعلامیه اصلی کلیسای اولیه شناخته می شود، هر چند نویسندگان مختلف عهد جدید ممکن است بخشی را نادیده گرفته یا بر قسمتهای دیگر در موعظه هایشان تأکید گذاشته باشند. انجیل مرقس به تمامی، از نزدیک پیرو دیدگاه پطرس از *kerygma* است. مرقس بر اساس سنت به عنوان بیان کننده ساختار موعظه هایی که پطرس در روم کرد، شناخته می شود. او این موعظه ها را کتباً در انجیلش ارائه کرده است. متی و لوقا هر دو پیرو ساختار اساسی مرقس هستند.

ه. فرانک ستاگ در کتاب تفسیر خود، *The Book of Acts, The Early Struggle for an Unhindered Gospel*، از این نظریه دفاع می کند که هدف اولیه همانا جابه جا شدن پیام مربوط به عیسی (انجیل) از یک یهودی گرایی ملی محض به پیامی جهانی برای تمامی نوع بشر بوده است. تفسیر آقای ستاگ بر هدف (اهداف) لوقا از نوشتن کتاب کارهای رسولان تمرکز دارد. خلاصه و تحلیل خوبی از تئوریهای مختلف در صفحات ۱-۱۸ ارائه شده است. آقای ستاگ بر روی اصطلاح "بی پروا" در ۲۸: ۳۱، که روشی غیرمعمول برای پایان بخشیدن به یک کتاب است، به عنوان کلید اصلی درک تأکید لوقا بر انتشار مسیحیت و پیروزی آن بر تمامی موانع و مرزها، تمرکز می نماید.

و. هر چند به روح القدس بیش از پنجاه مرتبه در کتاب کارهای رسولان اشاره شده، اما نام آن "اعمال روح القدس" نیست. در یازده باب از کتاب کارهای رسولان هیچگونه اشاره ای به روح القدس نشده است. در نیمه اول کتاب اول بیش از همه جا از روح القدس یاد شده است. در این قسمت لوقا از منابع دیگر نقل قول کرده است (احتمالاً اصل آن منابع به زبان آرامی نگاشته شده بود). اعمال برای روح القدس به منزله اناجیل برای عیسی نیست! منظور کم بها کردن مکان روح القدس نیست، بلکه مقصود حفظ افکارمان از ساختن الهیات مربوط به روح القدس به طور جامع و اساسی از روی کتاب کارهای رسولان می باشد.



ز. کتاب کارهای رسولان برای تعلیم آموزه طراحی نشده است (ر.ک. *How to Read the Bible For All Its Worth*). نوشته Fee and Stuart صص. ۹۴-۱۱۲). به عنوان مثال تلاش برای بنا کردن الهیات طرز ایمان آوردن به مسیح از روی کتاب کارهای رسولان است که الهیاتی مردود می باشد. ترتیب و عناصر ایمان آوردن به مسیح در اعمال متفاوت است؛ بنابراین روش هنجار و قاعده مند چیست؟ باید از رسالات برای این امر مدد جست.

با این وجود جالب است که برخی از پژوهشگران (از جمله: Hans Conzelmann) لوقا را از این منظر می نگرند که قصدش تغییر جهت تفکر قرن اولی قریب الوقوع بودن قیامت به سمت خدمت صبورانه در برخورد با Parousia به تأخیر افتاده است. پادشاهی خدا هم اکنون با قدرت آمده و زندگی ها را تغییر می دهد. عملکرد کلیسا در زمان حاضر در کانون توجه قرار می گیرد و نه امید به قیامت.

ح. یک هدف محتمل دیگر اعمال، همان چیزی است که در روم. ۹-۱۱ آمده است مبنی بر اینکه: چرا یهودیان مسیح موعود یهود را رد کردند و کلیسا اکثراً از غیریهودیان تشکیل شد؟ در جای جای اعمال، سرشت جهانی انجیل به روشنی جار زده می شود. عیسی ایشان را به تمامی جهان فرستاد (ر.ک. ۱: ۸). یهودیان او را رد می کنند اما غیریهودیان به وی پاسخ می دهند. پیام او به روم می رسد.

این امکان وجود دارد که قصد لوقا نشان دادن این امر است که مسیحیت یهودی (پطرس) و مسیحیت غیریهودی (پولس) می توانند در کنار هم به حیات و رشد خود ادامه دهند! آنها در رقابت با هم نیستند بلکه در بشارت به جهان به هم پیوند شده اند.

ط. تا آنجا که به هدف نگارش مربوط می شود، من با F. F. Bruce (New International Commentary ص ۱۸) موافقم که از آنجا که انجیل لوقا و اعمال در اصل یک جلد کتاب بوده اند، پیش گفتار انجیل لوقا (۱: ۱-۴) به عنوان پیش گفتار کتاب کارهای رسولان نیز عمل می کند. لوقا هر چند خود شاهد عینی تمامی وقایع نبود، اما به دقت آنها را مورد بررسی و تحقیق قرار داد و با استفاده از چهارچوب تاریخی، ادبی و الهیاتی خود، بدرستی ثبتشان کرد.

بدین سان، اوقا چه در انجیل خود و چه در این روایت، می خواهد واقعبینانه تاریخی و مرجع مطمئن بودن الهیاتی (لوقا ۱: ۴) عیسی و کلیسا را به ثبوت برساند. شاید کانون توجه اعمال موضوع تحقیق یافتن باشد (بی پروا، ر.ک. ۲۸: ۳۱، که واپسین واژه در کتاب کارهای رسولان است). این موضوع با کلمات و عبارات گوناگون به نقل درآمده است (ر.ک. *Interpreting the Book of Acts* نوشته Walter L. Liefeld صص. ۲۳-۲۴). انجیل یک چاره اندیشی بعدی یا یک نقشه دوم و یا یک چیز تازه نیست. انجیل نقشه از پیش تعیین شده خداست (ر.ک. اعمال ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۳: ۲۹).

## سبک

ا. کتاب کارهای رسولان برای عهد جدید مانند کتاب یوشع در ۲ پادشاهان، یک روایت تاریخی است. روایت تاریخی کتاب مقدسی نشانگر واقعبینانه آن است، ولی در عین حال کانون توجه آن تاریخ نگاری یا ثبت وقایع به صورت جزء به جزء نیست. اینگونه روایت، رخدادهای خاصی را که شخصیت خدا، شخصیت انسانها، چگونه می توانیم نزد خدا پارسا باشیم، و یا اینکه خدا می خواهد ما چگونه زندگی کنیم، برمی گزیند.

ب. مشکل تفسیر روایت کتاب مقدسی آن است که نویسندگان هرگز در متن موضوعات زیر را ذکر نمی کنند: (۱) هدف آنها چیست، (۲) حقیقت اصلی چیست، یا (۳) چگونه باید از آنچه ثبت شده تقلید کنیم. خواننده باید در مورد سئوالهای زیر تفکر نماید:

- ۱) چرا این واقعه به ثبت رسیده است؟
- ۲) واقعه مزبور چه ارتباطی با موضوعات قبلی کتاب مقدس دارد؟
- ۳) حقیقت الهیاتی مرکزی در این واقعه چیست؟
- ۴) آیا متن ادبی حائز اهمیت است؟ (واقعه قبلی یا بعدی چیست؟ آیا این موضوع مربوط به جایی دیگر است؟)
- ۵) متن ادبی چقدر بزرگ است؟ (گاهی روایات بسیاری از یک موضوع یا هدف الهیاتی سخن می گویند.)

ج. روایت تاریخی نباید تنها مرجع یک آموزه باشد. اغلب چیزهایی به ثبت رسیده که ارتباط جزئی با هدف نویسنده دارد. روایت تاریخی می تواند نمایانگر حقایق ثبت شده در بخشهای دیگر کتاب مقدس نیز باشد. این امر که واقعه ای رخ داده، به معنی آن نیست که اراده خدا برای همه ایمانداران در همه اعصار وضعیتی مشابه است (مانند: خودکشی، چند همسری، جهاد دینی، برداشتن مارها و غیره).

د. بهترین بحث کوتاه در مورد چگونگی تفسیر روایت تاریخی را می توان در کتاب گوردون فی و داگلاس استوارت: *How to Read the Bible for All Its Worth* صفحات ۷۸-۹۳ و ۹۴-۱۱۲ یافت.

### فهرست کتب مربوط به زمینه تاریخی

کتابهای جدید در مورد اعمال در زمینه قرن اولی آن توسط پژوهشگران سبکهای باستانی منتشر شده اند. این فهرست توسط آقای بروس ام. مینتر ویرایش شده است.

- ا. *The Book of Acts in Its Theological Setting*
- ب. *The Book of Acts in Its Graeco-Roman Setting*
- ج. *The Book of Acts and Paul in Roman Custody*
- د. *The Book of the Acts in Its Palestinian Setting*
- ه. *The Book of Acts in Its Diaspora Setting*
- و. *The Book of Acts in Its Theological Setting*

کتابهای زیر نیز بسیار مفید هستند:

- ۱. A. N. Sherwin-White, *Roman Society and Roman Law in the New Testament*
- ۲. Paul Barnett, *Jesus and the Rise of Early Christianity*
- ۳. James S. Jeffers, *The Greco-Roman World*

### قرائت نوبت اول (ر.ک. صفحه vi مقدمه)

کتاب حاضر یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس می کنید. هر یک از ما می باید در نوری که پیشرویش قرار گرفته گام بردارد. شما، کتاب مقدس و روح القدس در تفسیر کتاب مقدس نقش اول را دارید. شما نمی بایست از این وظیفه شانه خالی کنید و فقط آن را بر دوش مفسر کتاب مقدس بگذارید.

تمامی کتاب مورد نظران از کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوع مرکزی کتاب را به زبان خود بازگو کنید.

- ۱. موضوع کل کتاب
- ۲. روش نگارش (سبک)

### قرائت نوبت دوم (از روی «راهنمای مطالعه درست کتاب مقدس» صفحات vi-vii مقدمه)

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خودتان از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که فرارویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس و روح القدس در این تفسیر نقش اول را ایفا می کنید. نباید از زیر این بار شانه خالی کنید و آن را بر دوش مفسر بیندازید.

تمامی کتاب مورد نظر از کتاب مقدس را برای دومین بار در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را نشانه بگذارید و هر موضوع را در یک جمله ساده بیان کنید.

- ۱. موضوع بخش ادبی نخست
- ۲. موضوع بخش ادبی دوم
- ۳. موضوع بخش ادبی سوم
- ۴. موضوع بخش ادبی چهارم
- ۵. الی آخر...

**کارهای رسولان فصل ۱**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین\***

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
پیش گفتار	مقدمه	مقدمه؛ مسیح قیام	پیش گفتار	مقدمه
۵-۱:۱	۳-۱:۱	۵-۱:۱	۵-۱:۱	۵-۱:۱
	وعده روح القدس			
صعود عیسی مسیح	۸-۴:۱	صعود	عیسی به آسمان بالا برده می شود	صعود
۱۱-۶:۱		۱۱-۶:۱	۶:۱	۸-۶:۱
	عیسی به آسمان صعود می کند		۹-۷:۱	
	۱۱-۹:۱			۱۱-۹:۱
انتخاب جانشین یهودا	دعا در بالاخانه	اجتماع ۱۲ شاگرد	جانشین یهودا	گروه رسولان
۱۴-۱۲:۱	۱۴-۱۲:۱	۱۴-۱۲:۱	۱۴-۱۲:۱	۱۴-۱۲:۱
	انتخاب متیاس			جانشین یهودا
۲۶-۱:۱۵	۲۶-۱:۱۵	۲۶-۱:۱۵	۱۷-۱۵:۱	۲۰-۱۵:۱
			۱۹-۱۸:۱	
			۲۰:۱	
			۲۲-۲۱:۱	۲۲-۲۱:۱
			۲۶-۲۳:۱	۲۶-۲۳:۱

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیش‌ارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

\* اگرچه پاراگراف بندی‌ها الهام الهی نیستند، با این وجود نقش بسیار مهمی را در فهم مقصود نویسنده اصلی ایفا می کنند. هر کدام از ترجمه‌های امروزی به گونه‌ای متفاوت، پاراگراف‌ها را تقسیم بندی و فصل اول را خلاصه کرده‌اند. هر ترجمه به گونه‌ای متفاوت و به روشی ویژه خودش این کار را انجام داده است. وقتی که ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس را مطالعه می کنید، شایسته است از خودتان بپرسید که تقسیم بندی آیات و موضوعات کدام ترجمه به نوعی شما را در درک کلام خدا کمک می کنند. در مطالعه هر یک از بخش‌های کتاب مقدس، لطفاً ابتدائاً متن کلام خدا را مطالعه کنید و تلاش نمایید که موضوع (و پاراگراف‌های) آن را تشخیص دهید. سپس برداشت خود را با ترجمه‌های مدرن (امروزی) مقایسه کنید. تنها زمانی که منظور و منطق نویسنده اصلی را درک کنیم، می توانیم کلام خدا را به راستی درک نماییم. به یاد داشته باشید که نویسندگان اصلی کلام خدا، تنها کسانی بودند که الهام روح القدس را بصورت مکتوب برای ما نوشتند و ما حق نداریم که در اصل متن کلام خدا، هیچگونه تغییر و یا اصلاحی انجام دهیم. خوانندگان کلام وظیفه دارند که حقیقت این کلام الهامی را درک کرده، در زندگی روزمره خود، آن را بکار ببرند. لطفاً توجه بفرمایید که تمام اصطلاحات تکنیکی و مختصر شده، در ضامم یک، دو، سه، و چهار توضیح داده شده‌اند.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

## مطالعه واژگان و عبارتها

### متن مؤده برای عصر جدید: اعمال ۱: ۵-۱

تئوفیلوس عزیزم، من در اولین نامه خود درباره تمام کارها و تعالیم عیسی از ابتدا تا روزی که به وسیله روح القدس دستورات لازم را به رسولان برگزیده خود داد و به آسمان برده شد به تو نوشتم: <sup>۳</sup> او پس از مرگ، با دلایل بسیار، خود را زنده، به این افراد نشان داد و مدت چهل روز بارها به ایشان ظاهر شد و درباره پادشاهی خدا با آنها گفت و گو کرد. <sup>۴</sup> وقتی او هنوز در بین آنان بود به ایشان گفت: «اورشليم را ترك نكنيد بلكه در انتظار آن وعده پدر، که در خصوص آن به شما گفته بودم، باشید. <sup>۵</sup> یحیی با آب تعمید می داد، اما بعد از چند روز شما با روح القدس تعمید خواهید یافت.»

۱: «من در اولین نامه خود ... نوشتم» این یک فعل ماضی نامشخص میانی اخباری است و ترجمه تحت اللفظی آن "درست کردم" می باشد. لوقا آشکارا نویسنده دو کتاب انجیل لوقا و اعمال است (لوقا ۱: ۱-۴ را با اعمال ۱: ۱-۲ مقایسه کنید). اصطلاح "کتاب" در یونانی برای روایت تاریخی به کار می رفت. از لحاظ فنی (یعنی در یونانی کلاسیک) این واژه در خود به طور ضمنی نشان می داد که دستکم سه نگاشته در میان بوده است. یقیناً امکان دارد که از پایان غیرمعمول اعمال بتوان چنین برداشت کرد که نقشه لوقا این بود که کتاب سومی را نیز بنویسد. برخی از متأهین حتی بر این باورند که آنچه ما اکنون رسالات شبانی می خوانیم (۱ تیموتائوس، ۲ تیموتائوس و تیتوس) احتمالاً توسط لوقا به نگارش درآمده اند.

▣ "تئوفیلوس" این نام تشکیل شده است از (۱) خدا (تئوس) و (۲) محبت برادرانه (فیلوس). می توان آن را چنین ترجمه کرد: "دوستدار خدا"، "دوست خدا"، یا "محبوب خدا".

عنوان "عالیجناب" در لوقا ۱: ۳ می توانست عنوانی محترمانه برای یک صاحب منصب رومی باشد (ر.ک. اعمال ۲۳: ۲۶؛ ۲۴: ۳؛ ۲۶: ۲۵) و احتمالاً مربوط می شد به رتبه چابک سواران در جامعه رومی. او را می توان بانی اصلی نگارش، رونوشت برداری و انتشار دو کتاب لوقا برشمرد. در سنتهای کلیسا، نام وی T. Flavius Clemens، آمده که پسر عمومی دومیتین بود.

▣ "تمام کارها و تعالیم عیسی از ابتدا" رجوع به انجیل لوقا است. شگفت انگیز است که لوقا می گوید: "همه" کارهایی که عیسی کرد، زیرا انجیل لوقا (مانند سایر اناجیل هم نظر) در انتخاب آنچه در مورد زندگی و تعالیم عیسی بسیار گزینشی عمل کرده اند.

۲: «تا روزی که ... به آسمان برده شد» چند واژه یونانی مختلف برای توصیف صعود عیسی به آسمان به کار برده شده است:

۱. analambanō، برداشته شدن (اعمال ۱: ۲، ۱۱، ۲۲، ر.ک. تیمو ۳: ۱۶)، که در ترجمه هفتاد پادشاهان ۲: ۹، ۱۱ برای

انتقال ایلیا به آسمان نیز به کار رفته است و همچنین مورد مشابه در ۱ مکابیان ۲: ۵۸.

۲. epairō، بالا کشیدن، بالا بردن، افراشتن (اعمال ۱: ۹)

۳. analēpsis، (لوقا ۹: ۵۱، شکلی از شماره ۱)

۴. diistēmi، جدا شدن

۵. anabainō، صعود کردن (یوحنا ۶: ۶۲)

در اناجیل متی و مرقس این واقعه به ثبت نرسیده است. انجیل مرقس در ۱۶: ۸ به پایان می رسد، ولی یکی از سه متن که بعداً به آن اضافه شده است رخداده مزبور را در ۱۶: ۱۹ شرح می دهد (analambanō).

□ «به وسیله روح القدس» این نخستین باری است که از «روح القدس»، که شخصیت حائز اهمیت در اعمال است، یاد شده. در عهد عتیق، «روح خدا» (*ruach*) نیرویی بود که قصد و اراده ی هوه (یهوه) را عملی می ساخت، اما هیچ اشاره ای به شخصیت داشتن وی نشده است (یکتاپرستی عهد عتیق). اما در عهد جدید شخصیت و تشخیص روح به طور کامل به تحریر درآمده است.

۱. می توان به او کفر گفت (متی ۱۲: ۳۱؛ مرقس ۳: ۲۹)
۲. او تعلیم می دهد (لوقا ۱۲: ۱۲؛ یوحنا ۱۴: ۲۶)
۳. او شهادت می دهد (یوحنا ۱۵: ۲۶)
۴. او مجاب و راهبری می کند (یوحنا ۱۶: ۷-۱۵)
۵. "او" خطاب شده است (hos، افس ۱: ۱۴)
۶. غمگین می شود (افس ۴: ۳۰)
۷. می توان خاموشش ساخت (۱ تسالونی ۵: ۱۹)

متون معتقدان به تثلیث در مورد سه شخص نیز سخن می گویند (نگاه کنید به سرفصل مخصوص: تثلیث در ۲: ۳۲-۳۳)

۱. متی ۲۸: ۱۹

۲. ۲ قرن ۱۳: ۱۴

۳. ۱ پطرس ۱: ۲

روح القدس با عملکرد انسان پیوند دارد.

۱. اعمال ۱۵: ۲۸

۲. روم. ۸: ۲۶

۳. ۱ قرن ۱۲: ۱۱

۴. افس ۴: ۳۰

۵. ۱ تسالونی ۵: ۱۵

از همان ابتدای کتاب کارهای رسولان بر نقش روح تأکید شده است. روز پنطیکاست نه شروع کار روح القدس، بلکه فصلی تازه در کار او بود. عیسی همواره روح القدس را در خود داشت. تعمیم او نیز نه آغاز کار روح بلکه فصلی تازه از کار او بود. لوقا کلیسا را برای فصلی تازه از خدمت موثر آماده می سازد. عیسی همچنان کانون توجه است، روح القدس همچنان قدرت موثر است و محبت خدای پدر، بخشش و احیای تمامی نوع بشر به شباعت او هدف اصلی می باشد!

□ «دستورات لازم را ... داد» اشاره به اطلاعاتی است که در انجیل لوقا ثبت نشده ند، اما ذکر آنها در متی ۲۸: ۱۸-۲۰ و اعمال ۱: ۸ آمده است.

□ «دستورات لازم ... داد» ماضی غیر معین میانی (در ظاهر مجهول و در معنی معلوم) در وجه وصفی است. برخی از پژوهشگران آن را اشاره به ۱: ۸ می دانند (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴: ۴۵-۴۷ یا لوقا ۲۴: ۴۹). کلیسا عملکردی دوجانبه دارد: (۱) بشارت و بلوغ مسیحی. هر ایماندار به مسیح باید برای نایل آمدن به این دو، منتظر قدرت و تجهیز خدا باشد. (۲) سایر پژوهشگران این کلمه را اشاره به "اورشلیم را ترک نکنید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید" (ر.ک. آیه ۴؛ لوقا ۲۴: ۴۹).

□ «رسولان» به جدول اسامی رسولان در ۱: ۱۳ نگاه کنید.

□ «برگزیده خود»: کلمه «برگزیده» (eklegō، ماضی نامعین اخباری) در دو معنا به کار رفته است. معمولاً در عهد عتیق این فعل به خدمت اشاره دارد نه به نجات، اما در عهد جدید به طور معمول به نجات روحانی اشاره می‌کند. در اینجا به نظر می‌رسد که هر دو معنا در مد نظر است (ر.ک. لوقا ۶: ۱۳).

۱: ۳ «خود را زنده به این افراد نشان داد» احتمالاً اشاره به سه بار ظاهر شدن عیسی در اتاق بالاخانه به تمامی آن گروه در یکشنبه شبهای پیاپی است، اما می‌تواند به سایر ظاهر شدن‌ها نیز اشاره داشته باشد (ر.ک. اقرن ۱۵: ۵-۸). قیام عیسی برای اثبات حقانیت انجیل نقش تعیین کننده ای دارد (ر.ک. ۲: ۲۴، ۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۵؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۷، ۳۴، ۳۳، ۳۰؛ ۱۷: ۳۱؛ و خصوصاً اقرن ۱۵: ۱۲-۱۹، ۲۰). در زیر جدولی از ظاهر شدن‌های عیسی پس از قیام آمده که از صفحه ۱۸۵، کتاب *Jesus and the Rise of Early Christianity* نوشته Paul Barnett برداشت شده است.

یوحنا	متی	لوقا	۱ قرن‌تیا
مریم (یو ۲۰: ۱۵)	زنان (متی ۲۸: ۹)	ظاهر شدن مسیح در اورشلیم	
		شمعون (لو ۲۴: ۳۴)	قیافا (اقرن ۱۵: ۵)
		دو نفر در راه عموآس (لو ۲۴: ۱۵)	
		شاگردان (لو ۲۴: ۳۶)	دوازده (اقرن ۵: ۱۵)
ده شاگرد (یو ۲۰: ۱۷)			
یازده شاگرد (یو ۲۰: ۲۶)			

### ظاهر شدن‌های عیسی در جلیل

بیش از ۵۰۰ ایماندار (اقرن ۱۵: ۶؛ احتمالاً مربوط به متی ۲۸: ۱۶-۲۰) یعقوب (اقرن ۷: ۱۵)

هفت شاگرد (یو ۲۱: ۱)

شاگردان (متی ۲۸: ۱۶-۲۰)

### ظاهر شدن‌های عیسی در اورشلیم

همهٔ رسولان (اقرن ۷: ۱۵)

صعود (لو ۲۴: ۵۰-۵۱)

۳: ۱

NASB, NRSV, NIV «با دلایل بسیار»

NKJB «به دلایل [غیر قابل انکار] بسیار»

TEV «بارهای زیاد به روشهایی مستدل و بلا تردید»

NJB «با براهین بسیار»

واژه *tekmērion* در عهد جدید فقط در همین یک جا به کار رفته است. بحث قابل ملاحظه ای در مورد اصطلاحات به کار رفته ادبیات یونانی در صفحه ۶۲۸ کتاب *The Vocabulary of the Greek Testament* نوشته Moulton and Milligan آمده که در آن عبارت مزبور به معنای «شواهد مدلل» ارائه شده است. این اصطلاح در کتاب حکمت سلیمان ۵: ۱۱؛ ۱۹: ۳ و سوم مکابیان ۳: ۲۴ نیز آمده است.

□ «پس از مرگ» ایمانداران یهودی با سختی زیاد این جنبه از انجیل را می پذیرفتند (ر.ک. اقرن ۱: ۲۳). رنج بردن مسیح موعود در عهد عتیق مورد اشاره قرار گرفته است (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ مز ۲۲؛ اش ۵۳؛ و لو ۲۴: ۴۵-۴۷ را مورد توجه قرار دهید). این یک تصدیق اکید الهیاتی بر موعظه رسولان بود (*kerygma*) ر.ک. به عنوان مخصوص در ۲: ۱۳).

لوقا اغلب از مصدر فعال ماضی نامعین *paschō* (رنج بردن) برای اشاره به صلیب عیسی استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۹: ۲۲؛ ۱۷: ۲۵؛ ۲۲: ۱۵؛ ۲۴: ۲۶، ۴۶؛ اعمال ۱: ۳؛ ۳: ۱۸؛ ۹: ۱۶؛ ۱۷: ۳). احتمال دارد لوقا این اسلوب را از انجیل مرقس برگرفته باشد (ر.ک. ۸: ۳۱).

□ «بارها به ایشان ظاهر شد» در عهد جدید ده یا یازده روایت از ظاهر شدن عیسی پس از قیام به ثبت رسیده است. اما اینها تنها چند نمونه هستند و فهرست قطعی به ما نمی دهند. ظاهراً عیسی در طی این دوره می آمد و می رفت، ولی نزد گروهی ماندگار نبود.

□ «چهل روز» این یک اصطلاح عهد عتیقی برای یک دوره زمانی نامشخص بلندتر از یک ماه قمری است. در اینجا چهل روز، مربوط به زمانی میان جشنهای سالیانه یهود یعنی عید فصح و پنطیکاست (یعنی میان یک دوره پنجاه روزه) است. لوقا تنها منبع این اطلاعات است. از آنجا که تاریخ صعود عیسی یک مسئله اساسی نیست (نویسندگان مسیحی نیز تا قرن چهارم م. اشاره ای به آن نمی کنند)، باید دلیل دیگری برای آوردن این رقم وجود داشته باشد. این رقم می تواند مربوط به ماندن موسی بر کوه سینا، سالهای سرگردانی اسرائیل در بیابان، زمان آزمایش عیسی باشد و یا دلیل دیگری که برما آشکار نیست، اما بدیهی است که تاریخ مذکور به خودی خود یک مسئله اساسی نیست.

□ «درباره پادشاهی خدا با آنها گفت و گو کرد» ناستیکها مدعی بودند که عیسی اطلاعات رمزی و سری را برای آن گروه در دوره میان فصح و پنطیکاست آشکار می ساخت. یقیناً این یک ادعای کذب است. روایت همراه شدن عیسی با دو نفری که به عموآس می رفتند، نمونه خوبی از تعالیم پس از قیام عیسی است. به زعم من، عیسی شخصاً به رهبران کلیسا از عهد عتیق، پیش گویی ها و متنهاى مربوط به زندگی، مرگ، قیام و بازگشت دوباره خود را نشان می داد. به عنوان خاص: پادشاهی خدا که در زیر آمده رجوع کنید.

### عنوان خاص: پادشاهی خدا

ی هوه (یهوه) در عهد عتیق به عنوان پادشاه اسرائیل (ر.ک. اسمو. ۸: ۷؛ مز. ۱۰: ۱۶؛ ۲۴: ۷-۹؛ ۲۹: ۱۰؛ ۴۴: ۴؛ ۸۹: ۱۸؛ ۹۵: ۳؛ اش. ۴۳: ۱۵؛ ۴۴: ۴، ۶) و مسیح موعود پادشاه آرمانی قلمداد می شد (ر.ک. مز. ۲: ۶). با تولد عیسی در بیت لحم (۴-۶ ق.م.) پادشاهی خدا با قدرت و رهایی جدیدی به داخل تاریخ بشریت راه یافت (عهد جدید، ر.ک. ار. ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حز. ۳۶: ۱۷-۳۶). یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی را علامت می داشت (ر.ک. متی ۳: ۲؛ متی ۱: ۱۵). عیسی به روشنی تعلیم می داد که پادشاهی خدا در شخص او و تعالیمش حضور دارد (ر.ک. متی ۴: ۱۷، ۲۳؛ ۹: ۳۵؛ ۱۰: ۷؛ ۱۱: ۱۱-۱۲؛ ۱۲: ۱۲؛ ۲۸: ۱۶؛ ۱۹: ۱۶؛ مرقس ۱۲: ۳۴؛ لوقا ۱۰: ۱۱، ۱۱؛ ۲۰: ۱۲؛ ۳۱-۳۲؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۷: ۲۱). با اینحال این پادشاهی مربوط به آینده نیز می شود (ر.ک. متی ۱۶: ۲۸؛ ۲۴: ۱۴؛ ۲۶: ۲۹؛ مرقس ۹: ۱؛ لوقا ۲۱: ۳۱؛ ۲۲: ۱۶، ۱۸).

در موارد هم نظر اناجیل مرقس و لوقا به عبارت: "پادشاهی خدا" برخورد می کنیم. این موضوع مشترک، تعالیم عیسی درباره سلطنت کنونی خدا در قلب انسانهاست که روزی در تمامی زمین به کمال می رسد. این امر در دعای عیسی در متی ۶: ۱۰ نیز انعکاس یافته است. انجیل متی که برای یهودیان نگاشته شد، عبارتی را به کار می برد که در آن نام خدا آورده نشود (پادشاهی آسمان)، در حالیکه مرقس و لوقا برای غیریهودیان نوشتند و هر دو از نام خدا در این عبارت استفاده کردند.

دلیل وجود تش مزبور دو بار آمدن مسیح بود. کانون توجه عهد عتیق فقط بر یک آمدن مسیح خدا - که آمدنی پر جلال، نظامی، به جهت داوری- بود، اما عهد جدید نشان می دهد که او نخستین بار به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و شاه فروتن زکریا ۹: ۹ آمد. دو عصر یهود یعنی عصر شرارت و عصر جدید عدالت بر روی هم قرار گرفته اند. عیسی در حال حاضر در قلب ایمانداران سلطنت می کند، اما روزی بر تمامی خلقت سلطنت خواهد نمود. او به همان گونه ای که در عهد عتیق پیشگویی شد، خواهد آمد. ایمانداران در میانه "آنچه در حال حاضر وجود دارد" و "آنچه هنوز واقع نشده" پادشاهی خدا زندگی می کنند (ر.ک. *Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth* نوشته Gordon D. Fee and Douglas صص. ۱۳۱-۱۳۴)

	۴:۱
«آنان را جمع کرد»	NASB
«چون با ایشان جمع شد»	NKJV
«وقتی او هنوز در بین آنان بود»	NRSV
«چون آنان گرد هم آمدند»	TEV
«درحالیکه با ایشان می بود»	TEV <sup>a</sup>
«درحالیکه با ایشان غذا می خورد»	TEV <sup>b</sup> , NIV
«در حالیکه با ایشان سر سفره بود»	NJB, KNOX

آیات ۴-۵ یکی از ظاهر شدنهای عیسی را به عنوان نمونه ای از ظاهر شدنها و دلایل بسیار دیگر مورد استفاده قرار می دهند. اصطلاح *sunalizamenos* را می توان به گونه های متفاوت هجی کرد. املای متفاوت، معنی را تغییر می دهد.

۱. حرف a بلند - جمع/گردهمایی
۲. حرف a کوتاه - غذا خوردن با (به طور تحت اللفظی: «با نمک»)
۳. حرف Au (ترکیبی) - ماندن با

مشخص نیست منظور کدام بوده است، ولی لوقا ۲۴: ۴۱-۴۳ (ر.ک. یوحنا ۲۱) شرح می دهد که عیسی با گروه رسولان غذا خورد، که بر بدن قیام کرده او دلالت داشت (ر.ک. آیه ۳).

□ «اورشليم را ترك نكنيد» این فرمان در لوقا ۲۴: ۴۹ درج شده است. بخش اول کتاب کارهای رسولان، مرور بخش پایانی انجیل لوقا است، که به خواننده کمک می کند تا به دو کتاب به گونه ای متصل به یکدیگر فکر کند.

□ «در انتظار وعده پدر... باشید» در ۲: ۱۶-۲۱ پطرس این عبارت را به پیشگویی آخرت شناسی یوئیل ۲: ۲۸-۳۲ مربوط می سازد. آنان ده روز تا پنطیکاست منتظر ماندند. لوقا مشخصاً "وعده پدر" را همانا روح القدس برمی شمارد (ر.ک. لوقا ۴: ۴۹؛ اعمال ۲: ۳۳). عیسی پیشتر از این با ایشان درباره آمدن عیسی در یوحنا ۱۴-۱۶ سخن گفته بود. اما این امکان وجود دارد که لوقا وعده پدر را فقط یک چیز نمی پنداشت (یعنی فقط آمدن روح القدس)، بلکه وعده نجات اسرائیل در شخص مسیح را در عهد عتیق نیز جزء همین وعده برمی شمرد (ر.ک. اعمال ۲: ۳۹؛ ۱۳: ۳۲، ۳۳؛ ۲۶: ۶).

□ «پدر» عهد عتیق نخستین بار از استعاره خانوادگی خصوصی پدر در مورد خدا استفاده می کند: (۱) ملت اسرائیل اغلب به عنوان «پسر» یهوه (ی هوه) توصیف می شود (ر.ک. هوشع ۱۱: ۱؛ ملا ۳: ۱۷)؛ (۲) حتی پیش از آن در تشبیه تمثیل خدا به عنوان پدر مورد استفاده قرار گرفته است (۱: ۳۱)؛ (۳) در تشبیه ۳۲: ۵-۶ اسرائیل «فرزندان او» و خدا «پدر» توصیف شده است؛ (۴) این تمثیل در مز ۱۰۳: ۱۳ تصریح شده و در مز ۶۸: ۵ (پدر یتیمان) به پیش رفته است؛ و (۵) در کتابهای انبیا این استعاره امری رایج است (ر.ک. اش. ۱: ۲؛ ۶۳: ۸؛ اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۶۳: ۱۶؛ ۶۴: ۸؛ ار. ۳: ۱۹؛ ۴: ۳۱؛ ۹).

عیسی به زبان آرامی سخن می گفت، این بدان معناست که در بسیاری از جاها وقتی به «پدر» برمی خوریم، واژه یونانی پاتِر (Pater) بازتاب واژه آرامی آبا (Abba) است (ر.ک. ۱۴: ۳۶). این اصطلاح خانوادگی «آبا» منعکس کننده صمیمیت عیسی با پدر است؛ آشکار کردن این صمیمیت برای شاگردانش ما را نیز دلگرم می سازد تا با پدر آسمانی صمیمی باشیم. اصطلاح «پدر» به ندرت به جای یهوه (ی هوه) در عهد عتیق مورد استفاده قرار گرفته است (در ادبیات عالمان دینی یهود نیز اغلب وجود ندارد)، اما عیسی به کرات و به گونه ای فراگیر آن را به کار می گیرد. این یک مکاشفه عمده در ارتباط جدید ایمانداران با خدا به واسطه مسیح است (ر.ک. متی ۶: ۹).

۱: ۵ «یحیی» هر چهار انجیل (ر.ک. متی ۳: ۱-۱۲؛ مرقس ۱: ۲-۸؛ لوقا ۳: ۱۵-۱۷؛ یوحنا ۱: ۶-۸، ۱۹-۲۸) خدمت یحیی تعمید دهنده را بازگو می کنند. «یحیی» نام مختصر شده اسم عبرانی یوحانان به معنی «یهوه رثوف است» یا «هدیه یهوه» بود. نام او حائز اهمیت است زیرا مانند



تمامی اسامی کتاب مقدسی، به هدف خدا از زندگی او اشاره دارد. یحیی آخرین نبی عهد عتیق محسوب می شد. نبی دیگری پس از ملاکی در حوالی ۴۳۰ ق.م. در اسرائیل ظهور نکرده بود. حضور او به خودی خود موجب هیجان روحانی عظیمی در میان قوم اسرائیل گردید.

□ «**تعمید با آب**» تعمید گرفتن یکی از آیین رایج در میان یهودیان قرن اول و دوم، البته فقط در مورد جدیدالایمانان بود. اگر کسی از زمینۀ غیریهودی می خواست کاملاً فرزند اسرائیل محسوب شود، باید سه تکلیف انجام می داد: (۱) ختنه، اگر مرد بود؛ (۲) تعمید با فرو رفتن در آب، در حضور سه شاهد؛ و (۳) در صورت امکان، گذراندن یک قربانی در معبد. در فرقه های مختلف قرن اول فلسطین، مانند اسین ها، ظاهراً تعمید یک تجربه رایج و مکرر بود. اما در میان یهودیان به طور کل، زمینه های این آیین تشریفاتی شستشو بدین شرح بود: (۱) به عنوان نمادی از طهارت روحانی (ر.ک. اش. ۱: ۱۶)؛ و (۲) به عنوان یک آیین معمول که کاهنان انجام می دادند (ر.ک. خروج ۱۹: ۱۰؛ لاو. ۱۵).

□ «**شما با روح القدس تعمید خواهید یافت**» این یک مضارع مفعولی اخباری است. آرایه مفعولی آن می توان به خاطر متی ۳: ۱۱؛ لوقا ۳: ۱۶ به عیسی اشاره داشته باشد. حرف اضافه یونانی ۷۸ می تواند به معنی «در»، «با»، یا «توسط» باشد (یعنی به عنوان یک وسیله، ر.ک. متی ۳: ۱۱). منظور این عبارت می تواند دو واقعه باشد: (۱) مسیحی شدن، (ر.ک. اقر. ۱۲: ۱۳) یا (۲) در این مضمون، وعده القای قدرت روحانی برای خدمت موثر. یحیی تعمید دهنده اغلب از خدمت عیسی با این عبارت یاد می کرد، (ر.ک. متی ۳: ۱۱؛ مرقس ۱: ۸؛ لوقا ۳: ۱۶-۱۷؛ یوحنا ۱: ۳۳). این تعمید در تقابل با تعمید یحیی قرار دارد. مسیح موعود عصر جدید روح القدس را تأسیس خواهد کرد. تعمید او با «در» یا «توسط» روح القدس خواهد بود. در میان فرقه های مسیحی بحث های فراوانی در این مورد وجود داشته است که این امر به چه رخدادی در تجربه مسیحی اشاره می کند. برخی آن را اشاره به تجربه قدرت بخشی پس از نجات، یعنی نوعی برکت ثانوی قلمداد می کنند. من شخصاً معتقدم که این تعمید اشاره به مسیحی شدن دارد (ر.ک. اقر. ۱۲: ۱۳). من پرشدنها و تجهیزشدنهای بعدی را انکار نمی کنم، اما معتقدم که فقط یک تعمید روحانی اولیه در مسیح وجود دارد که در آن ایمانداران با مرگ و قیام مسیح یکی می شوند (ر.ک. روم. ۶: ۳-۴؛ افس. ۴: ۵؛ کول. ۲: ۱۲). این کار آغازین روح القدس در یوحنا ۱: ۸-۱۱ توصیف شده است. چنانکه من برداشت می کنم، اعمال روح القدس عبارتند از:

۱. الزام به گناه

۲. آشکار کردن حقیقت درباره مسیح

۳. راهبری به پذیرش انجیل

۴. تعمید دادن در مسیح

۵. الزام ایمانداران در هنگام تکرار گناه

۶. ایماندار را به شباهت مسیح در آوردن

□ «**بعد از چند روز**» این اشاره ای به عید یهود یعنی پنتیکاست است که هفت هفته پس از فصح برگزار می شد. این عید به یادبود مالکیت خدا بر محصول گندم بود و پنجاه روز پس از فصح برپا می گردید (ر.ک. لاو. ۲۳: ۱۵-۳۱؛ خروج ۳۴: ۲۲؛ تثنیه ۱۶: ۱۰).

### متن مؤده برای عصر جدید: اعمال ۱: ۶-۱۱

پس هنگامی که همه دور هم جمع بودند از او پرسیدند: «خداوندا، آیا وقت آن رسیده است که تو بار دیگر سلطنت را به اسرائیل بازگردانی؟»<sup>۷</sup> عیسی پاسخ داد «برای شما لزومی ندارد، که تاریخها و زمانهایی را که پدر در اختیار خود نگه داشته است، بدانید.<sup>۸</sup> اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دورافتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود.»<sup>۹</sup> همین که عیسی این را گفت، در حالی که همه نگاه می کردند، بالا برده شد و ابری او را از نظر ایشان ناپدید ساخت.<sup>۱۰</sup> هنگامی که او می رفت و چشمان آنان هنوز به آسمان دوخته شده بود، دو مرد سفیدپوش در کنار آنان ایستادند<sup>۱۱</sup> و پرسیدند: «ای مردان جلیلی، چرا اینجا ایستاده اید و به آسمان نگاه می کنید؟ همین عیسی که از پیش شما به آسمان بالا برده شد، همان طوری که بالا رفت و شما دیدید، دوباره به همین طریق باز خواهد گشت.»

۱: ۶ «**از او پرسیدند**» این زمان ماضی غیر کامل نشان می دهد که این عمل یا مکرراً در گذشته انجام شده یا آغاز انجام آن بوده است. ظاهراً شاگردان این سؤال را بارها پرسیده بودند.

□ «خداوند» اصطلاح یونانی «خداوند» (*kurios*) می تواند به مفهومی کلی به کار رود یا در مفهوم الهیاتی پیشرفته مورد استفاده قرار گیرد. این اصطلاح می تواند به معنی «آقا»، «جناب»، «سرور»، «مالک»، «شوهر» یا «خدا-انسان کامل» باشد (ر.ک. یوحنا ۹: ۳۶، ۳۸). کاربرد عهد عتیقی این اصطلاح (عبری: *adon*) از اکراه یهودیان در تلفظ نام خدای عهد، یهوه، برمی خاست که شکل متعددی فعل عبری «بودن» بود (ر.ک. خروج ۳: ۱۴). آنان از شکستن فرمان اول که می گفت: «نام مرا برای مقاصد شیرانه بر زبان میاور» (ر.ک. خروج ۲۰: ۷؛ تثیه ۵: ۱۱) بیم داشتند. بنابراین، چنین می اندیشیدند که اگر این نام را بر زبان نیاورند، آن را به مقصد شیرانه و یهوده به کار نخواهند برد. پس واژه عبری *adon* را جایگزین آن کردند که مترادف واژه یونانی *kurios* (خداوند) بود. نویسندگان عهد جدید از این اصطلاح برای توصیف الوهیت کامل مسیح استفاده کردند. عبارت «عیسی خداوند است» اعتراف ایمان عمومی و فرمول تعمید کلیسای اولیه بود (ر.ک. روم. ۱۰: ۹-۱۳؛ ۱ قرن. ۱۲: ۳؛ فیل. ۲: ۱۱).

□ «آیا وقت آن رسیده است که تو دیگر سلطنت را به اسرائیل بازگردانی» آنها همچنان دیدگاهی کاملاً ملی گرایانه یهودی داشتند (ر.ک. مز. ۱۴: ۷؛ ار. ۳۳: ۷؛ هوشع ۶: ۱۱؛ لوقا ۱۹: ۱۱؛ ۲۴: ۲۱). احتمالاً درباره موقعیت اداری خود نیز سؤال می کردند. این سؤال الهیاتی همچنان موجب بحث و مجادله های فراوان است. در اینجا می خواهم بخشی از تفسیر خود درباره مکاشفه را که درباره همین مسئله است، در زیر بیاورم:

«انبیای عهد عتیق در مورد احیای سلطنت یهودیان در فلسطین به مرکزیت اورشلیم پیش گویی می کنند و می گویند تمامی ملت های روی زمین برای ستایش و خدمت پادشاهی که از نسل داود است جمع خواهند شد. اما این موضوع هرگز در کانون توجه رسولان عهد جدید واقع نشده است. آیا عهد عتیق الهام خدا نیست (ر.ک. متی ۵: ۱۷-۱۹)؟ آیا نویسندگان عهد جدید وقایع تعیین کننده زمان آخر را از قلم انداخته اند؟

منابع گوناگون اطلاعاتی کتاب مقدس در مورد آخر زمان از این قرارند:

۱. انبیای عهد عتیق
۲. نویسندگان مکاشفه ای (ر.ک. حز. ۳۷-۳۹؛ دانیال ۷-۱۲)
۳. نویسندگان یهودی دوران سکوت میان دو عهد کتابهای مکاشفه ای غیر کانونی (مانند اخنوخ)
۴. شخص عیسی مسیح (ر.ک. متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱)
۵. نوشته های پولس (ر.ک. اقر. ۱۵؛ ۲قر ۵؛ اتسا. ۴؛ اتسا. ۲)
۶. نوشته های یوحنا (کتاب مکاشفه)

آیا تمامی اینها به روشنی تمامی دستور کار (وقایع؛ تاریخ نگاری، اشخاص) زمان آخر را تعلیم می دهند؟ اگر نه، چرا؟ مگر تمام اینها (به جز نوشتجات بین العهدی یهود) الهامی نیستند؟

روح القدس حقایق را به نویسندگان عهد عتیق بر اساس اصطلاحات و مقوله های قابل درک آنان، آشکار ساخت. اما در مکاشفه پیش رونده، روح این دیدگاههای آخرت شناسی را تا حدی جهانی توسعه بخشیده است (ر.ک. افس. ۲: ۱۱-۱۳). برخی از نمونه های مربوطه به قرار زیر است:

۱. شهر اورشلیم به عنوان تشبیهی از قوم خدا (صهیون) به کار رفته است و در عهد جدید، تصویری از پذیرش خدا نسبت به تمامی افراد توبه کار و ایمان آورنده (اورشلیم جدید مکاشفه ۲۰-۲۲) بدست می دهد. گسترش الهیاتی یک شهر واقعی و فیزیکی به قوم خدا در وعده خدا از پیش خبر داده شده تا بشریت سقوط کرده در پید. ۳: ۱۵ را حتی پیش از تشکیل قوم یهود یا پایتخت یهودی، رهایی بخشد. حتی فراخوانی ابراهیم نیز (ر.ک. پید. ۱۲: ۳) غیر یهودیان را در برمی گرفت.
۲. در عهد عتیق، دشمنان عبارت بودند از کشورهای خاور نزدیک باستان، اما در عهد جدید در معنایی گسترده تر تبدیل شدند به مردمان بی ایمان، ضد خدا و کسانی که از شیطان الهام می گیرند. نبرد از مقابله ای جغرافیایی و منطقه ای به مقابله ای کیهانی تبدیل شده است.

۳. وعده سرزمینی که در عهد عتیق تا این حد از قوم اسرائیل جدایی ناپذیر است (وعده های پدران قوم) اکنون تبدیل به تمامی روی زمین شده است. اورشلیم جدید بر زمینی جدید فرود می آید، نه فقط صرفاً بر سرزمینی در خاور نزدیک (ر.ک. مکا. ۲۰-۲۲).

۴. نمونه های دیگر دیدگاههای نبوتی عهد عتیق که گسترش یافته اند عبارتند از: (۱) نسل ابراهیم اکنون کسانی هستند که از لحاظ روحانی خسته شده اند (ر.ک. روم. ۲: ۲۸-۲۹)؛ (۲) پسران عهد اکنون شامل غیریهودیان نیز می شود (ر.ک. هوشع ۱: ۹؛ ۲: ۲۳؛ روم. ۹: ۲۴-۲۶؛ همچنین لائو. ۲۶: ۱۲؛ خروج ۲۹: ۴۵؛ ۲ قرن. ۶: ۱۶-۱۸ و خروج ۱۹: ۵؛ تثنیه ۱۴: ۲؛ تیطس ۲: ۱۴)؛ (۳) معبد اکنون کلیسای محلی (ر.ک. اقرن. ۳: ۱۶) یا فرد ایماندار است (ر.ک. اقرن. ۶: ۱۹)؛ و (۴) حتی اسرائیل و عبارات توصیف مشخصه آن اکنون به تمامی قوم خدا اشاره دارد (ر.ک. غلا ۶: ۱۶؛ ۱ پتر. ۲: ۵، ۹-۱۰؛ مکا. ۱: ۶)

الگوی نبوتی تحقق یافته، گسترده شده و مضمون حال بسیاری شده است. عیسی و نویسندگان رسالات زمان آخر را مانند انبیای عهد عتیق ارائه نمی دهند (ر.ک. *The Future of The Kingdom in Prophecy and Fulfillment* نوشته Martin Wyngaarden). مفسران معاصر که می کوشند الگوی عهد عتیق را به صورت تحت اللفظی یا هنجاری نشان بدهند، کتاب مکاشفه را به صورت یک کتاب بسیار یهودی تحریف می کنند و عبارات عیسی و پولس را به گونه ای جدا جدا و مبهم معنی می کنند! نویسندگان عهد جدید انبیای عهد عتیق را نفی نمی کنند بلکه مفهوم جهانی و نهایی نوشته های آنها را تبیین می نمایند.

۷:۱

«برای شما لزومی ندارد، که تاریخها و زمانهایی را که پدر در اختیار خود نگاه داشته است، بدانید.»

NASB

«از شما نیست که زمانها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید.»

NKJV

«از شما نیست که زمانها و دورانها را بدانید.»

NRSV

«زمانها و مناسبتها»

TEV

«از شما نیست که زمانها و تاریخها را بدانید.»

NJB

اصطلاح «زمانها» (*chronos*) به معنی «دوران» یا «اعصار» (یعنی گذشت زمان) است، در حالیکه اصطلاح «اوقات» (*kairos*) «زمان وقایع یا فصلهای خاص» معنی می دهد (ر.ک. تیطس ۱: ۲-۳). در کتاب *Louw and Nida: Greek-English Lexicon* چنین می خوانیم که این دو اصطلاح مترادف هستند و مدت زمان را نشان می دهند (ر.ک. اتسا. ۵: ۱). واضح است که ایمانداران نباید بکوشند تاریخهای مشخصی را تعیین کنند؛ حتی عیسی نیز زمان بازگشت خود را نمی دانست (ر.ک. متی ۲۴: ۳۶؛ مرقس ۱۳: ۳۲). ایمانداران می توانند به طور کلی زمانها را دریابند اما باید آماده و فعالانه در همه زمانها منتظر رخدادی عینی و واقعی بمانند (ر.ک. متی ۲۴: ۳۲-۳۳). تأکید دو جانبه عهد جدید درباره بازگشت ثانوی عیسی این است که ایشان باید **فعال** و **آماده** باشند. مابقی امور به خدا مربوط می شود!

۸: ۱ «اما ... قدرت خواهید یافت» توجه داشته باشید که آمدن روح القدس با قدرت و شهادت پیوند دارد. اعمال درباره «شهادت دادن» (یعنی *martus*) است. این موضوع در تمامی کتاب حکمفرماست (ر.ک. ۱: ۸، ۲۲؛ ۲: ۳۲؛ ۳: ۱۵؛ ۵: ۳۲؛ ۱۰: ۴۱، ۳۹؛ ۱۳: ۳۱؛ ۲۲: ۲۰، ۲۶؛ ۱۶: ۱). به کلیسا مأموریت داده شده است تا به انجیل مسیح شهادت بدهد! رسولان شاهدان زندگی و تعلیم عیسی بودند و اکنون به زندگی و تعلیم او شهادت می دادند. شهادت موثر فقط بوسیله قدرت روح القدس به انجام می رسد.

□ «اورشلیم ... یهودیه ... سامره ... دورافتاده ترین نقاط عالم» نمای کلی جغرافیایی اعمال چنین است: اورشلیم، بابهای ۱-۷؛

یهودیه و سامره، بابهای ۸-۱۲؛ دورافتاده ترین نقاط عالم (یعنی روم)، بابهای ۱۳-۲۸. این نمای کلی می تواند هدف و ساختار ادبی نویسنده را مشخص نماید. مسیحیت یک فرقه از یهودیت نیست بلکه جنبشی جهانی از یک خدای حقیقی است که وعده هایش در عهد عتیق را تحقق می بخشد تا بشریت سرکش را به مشارکت با خود بازگرداند (ر.ک. پید. ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵؛ اش. ۲: ۲؛ ۴: ۵۶؛ ۷: ۱۹؛ ۴۶).

نخستین رهبران یهودی که با ترجمه هفتاد آشنا بودند و وعده های نبوتی در مورد اینکه یهوه اورشلیم را احیا و سرافراز می سازد و جهانیان را به اورشلیم می آورد، می دانستند و در انتظار تحقق کلمه به کلمه این وعده ها بودند. آنها در اورشلیم باقی ماندند (ر.ک. ۸: ۱). اما انجیل

دیدگاه‌های عهد عتیق را گسترش بخشید و اساساً تغییر داد. فرمان جهان شمول (ر.ک. متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ اعمال ۱: ۸) به ایمانداران می‌گفت که به تمامی جهان بروند و منتظر نباشند تا جهان به سوی ایشان بیاید. اورشلیم عهد جدید استعاره ای از آسمان است (ر.ک. مکا. ۲۱: ۲)، نه یک شهر فلسطینی.

۱: ۹ «**بالا برده شد**» این واقعه را صعود می‌نامیم. عیسی‌ای قیام کرده به جایگاه ازلی جلال خود بازمی‌گردد (ر.ک. لوقا ۲۴: ۵۰-۵۱؛ یوحنا ۶: ۲۲؛ ۲۰: ۲۷؛ افس. ۴: ۱۰؛ ۱ تیمو. ۳: ۱۶؛ عبر. ۴: ۱۴؛ ۱ پطرس ۳: ۲۲). فاعل متعدی این عمل خدای پدر است.

▣ «**ابری**» ابرها نشانه حائز اهمیت آخرشناختی بودند. ابرها به سه طریق مختلف در عهد عتیق به کار رفته اند: (۱) برای نشان دادن حضور فیزیکی خدا، ستون ابر جلال (ر.ک. خروج. ۱۳: ۲۱؛ ۱۶: ۱۰؛ اعد. ۱۱: ۲۵)؛ (۲) برای پوشانیدن قدوسیت خدا تا اینکه انسان او را نبیند و نمیرد (ر.ک. خروج ۳۳: ۲۰؛ مز. ۱۸: ۹؛ اش. ۶: ۵)؛ و (۳) برای حمل و نقل الوهیت (ر.ک. مز. ۱۰۴: ۳؛ اش. ۱۹: ۱). در دانیال ۷: ۱۳ ابرها مرکبی برای مسیح موعود بودند. این نبوت در دانیال بیش از ۳۰ بار در عهد عتیق مورد اشاره قرار گرفته است. همین ارتباط مسیح موعود با ابرهای آسمان را می‌توان در متی ۲۶: ۶۴؛ مرقس ۱۳: ۲۶؛ ۱۴: ۶۲؛ اعمال ۱: ۹، ۱۱؛ ۱ تسلا. ۴: ۱۷ مشاهده کرد.

۱: ۱۰ «**چشمان آنان هنوز به آسمان دوخته شده بود**» این یک زمان غیرنقلی است. آنها همچنان با شدت و حدت می‌نگریستند تا بتوانند عیسی را هر چه بیشتر بنگرند. حتی پس از ناپدید شدن وی از نظرشان، همچنان به نگریستن ادامه دادند.

این عبارت مشخصه نوشته های لوقاست (ر.ک. لوقا ۴: ۲۰؛ ۲۲: ۵۶؛ اعمال ۱: ۱۰؛ ۳: ۱۲؛ ۴: ۱۱؛ ۶: ۱۵؛ ۷: ۵۵؛ ۱۰: ۴؛ ۱۱: ۶؛ ۱۳: ۹؛ ۱۴: ۹؛ ۲۳: ۱، به غیر از لوقا و اعمال فقط دو مرتبه در ۲۲ قرن تیان ۳ در کل عهد جدید آمده است). مفهوم ضمنی آن عبارت است از: «مشتاقانه نگریستن»، «ژل زدن»، یا «خیره شدن و چشم دوختن».

▣ «**به آسمان**» مردمان در زمان قدیم معتقد بودند که بهشت در بالای آسمانهاست، ولی امروزه بالا واژه ای نسبی است. در لوقا ۲۴: ۳۱ عیسی ناپدید شد. این الگوی بهتری برای فرهنگ امروزی ماست. بهشت جایی در آن بالا نیست بلکه احتمالاً در یک بعد زمانی و مکانی دیگر قرار دارد. آسمان یک سمت و جهت نیست بلکه یک شخصیت است!

▣ «**دو مرد سفیدپوش**» در عهد جدید اغلب فرشتگان با لباس تابناک سفیدشان مشخص می‌شوند، (ر.ک. لوقا ۲۴: ۴؛ یوحنا ۲۰: ۱۲). فرشتگان در هنگام تولد، وسوسه، جتسیمانی، بر سر قبر و اینجا در هنگام صعود عیسی، ظاهر شدند.

۱: ۱۱ «**مردان جلیلی**» لوقا در کتاب کارهای رسولان چند بار ذکر می‌کند که شاگردان عیسی اصلاً جلیلی بودند (ر.ک. ۲: ۷؛ ۱۳: ۳۱). تمامی آن دوازده شاگرد به غیر از یهودای اسخریوطی از اهالی جلیل بودند. ساکنان یهودیه به اهالی این منطقه با نظر حقارت می‌نگریستند زیرا جمعیت بزرگ غیریهودی داشت و «کاشر» (یعنی سخت‌گیر) نسبت به انجام سنتهای شفاهی (تلمود) نبود.

▣ «**عیسی... باز خواهد گشت**» برخی از متألّهین می‌کوشند تا میان عیسی و مسیح تمایز ایجاد کنند. اما، این فرشتگان تصریح می‌کنند که عیسی همان کسی است که آنها می‌شناسند، همان عیسی باز خواهد گشت. مسیح جلال یافته و صعود کرده همچنان همان عیسی ناصری است. او خدا/انسان باقی می‌ماند.

عیسی به همان شکل که رفت، بر روی ابرهای آسمان باز خواهد گشت (ر.ک. متی ۱۰: ۲۳؛ ۱۶: ۲۷؛ ۲۴: ۳۹، ۳۷، ۳۷، ۲۶؛ ۶۴؛ مرقس ۸: ۳۸-۳۹؛ ۱۳: ۲۶؛ لوقا ۲۱: ۲۷؛ یوحنا ۲۱: ۲۲؛ ۱۵: ۲۳؛ ۱ تسلا. ۱: ۱۰؛ ۴: ۱۶؛ ۲ تسلا. ۱: ۷؛ ۱۰: ۲؛ ۱، ۸؛ یعقوب ۵: ۷-۸؛ ۲ پطرس. ۱: ۱۶؛ ۳: ۱۲، ۴؛ یوحنا ۲: ۲۸؛ مکا. ۱: ۷). بازگشت ثانوی عیسی موضوع تکرار شونده و اصلی عهد جدید است. یکی از دلایل دیرکرد کلیسای اولیه در ثبت انجیل، انتظار آنها به بازگشت قریب الوقوع مسیح بود. تأخیر غیرمنتظره او، مرگ رسولان، و سربر آوردن بدعتها همه و همه نهایتاً کلیسا را بر آن داشت تا زندگی و تعالیم عیسی را به شکل کتبی ثبت کند.

## متن مؤده برای عصر جدید: اعمال ۱: ۱۲-۱۴

آنگاه رسولان از کوه زیتون، که فاصله آن تا اورشلیم فقط یک کیلومتر است، به اورشلیم بازگشتند.<sup>۱۳</sup> به محض اینکه به شهر وارد شدند، به بالاخانه‌ای که محل اقامت آنان بود رفتند. پطرس و یوحنا، یعقوب و اندریاس، فیلیپس و توما، برتولما و متی، یعقوب فرزند حلفی و شمعون فدایی و یهودا فرزند یعقوب در آنجا بودند.<sup>۱۴</sup> ایشان همه با زنها و مریم مادر عیسی و برادران او دور هم جمع می‌شدند تا وقت خود را صرف دعا نمایند.

۱۲: ۱ «بازگشتند» لوقا ۲۴: ۵۲ اضافه می‌کند: «با شادی عظیم».

□ «کوه زیتون» به نظر می‌رسد در تضاد با لوقا ۲۴: ۵۰ (بیت عنیا)؛ اما لوقا ۱۹: ۲۹ و ۲۱: ۳۷ را با مرقس ۱۱: ۱۱-۱۲ و ۱۴: ۳ مقایسه کنید. اما تپه ای که کوه زیتون نامیده می‌شد، یک تپه به بلندای ۲.۵ مایلی بود و در حدود ۳۰۰-۴۰۰ فوت بالاتر از اورشلیم قرار داشت که از بیت عنیا مقابل دره قدرون و از همان بالا در طول معبد کشیده می‌شد. در نبوت آخرشناختی عهد عتیق از این کوه نام برده شده است (ر.ک. زکریا ۱۴: ۴). عیسی بارها در آنجا با شاگردانش به دعا نشست و احتمالاً همانجا اردو زدند.

□ «فاصله آن... فقط یک کیلومتر است» عالمان دینی تعیین کننده فاصله مجاز سفر یهودیان در روز سبت بودند (ر.ک. خروج ۱۶: ۲۹؛ اعد. ۳۵: ۵). این فاصله حدود ۲۰۰۰ ذراع (یا قدم) بود که عالمان دینی به عنوان حداکثر فاصله ای می‌دانستند که می‌توان در روز سبت طی کرد و شریعت موسی را نشکست.

۱۳: ۱ «بالاخانه» این احتمالاً همان مکانی بود که آنها شام آخر را صرف کردند (ر.ک. لوقا ۲۲: ۱۲؛ مرقس ۱۴: ۱۴-۱۵). سنت کلیسا بیان می‌دارد که آنجا در طبقه بالای (طبقه دوم یا سوم) خانه یوحنا مرقس قرار داشت (ر.ک. اعمال ۱۲: ۱۲)، که موعظت پطرس را در انجیل مرقس ثبت نمود. این بالاخانه که ۱۲۰ نفر را در خود جای می‌داد، می‌بایست اتاق جادار و بزرگی بوده باشد.

□ «آنان» این یکی از فهرستهای ارائه شده از اسامی رسولان است (ر.ک. متی ۱۰: ۲-۴؛ مرقس ۳: ۱۶-۱۹؛ و لوقا ۶: ۱۴-۱۶). این فهرستها همگی یکسان نیستند. اسامی و ترتیب قرار گیری آنها متفاوت است. اما همواره همان اشخاص در سه گروه چهارنفری نام برده شده اند. پطرس همواره در ابتدا و یهودا در انتهای فهرست قرار می‌گیرند. این سه گروه چهارنفری شاید به این دلیل دسته‌بندی شده بودند که به ترتیب هر گروه از آنان به تناوب به خانه و کاشانه شان بازمی‌گشتند تا تهیه لازم را برای خانواده هایشان ببینند.

### جدول اسامی رسولان

متی ۱۰: ۲-۴	مرقس ۳: ۱۶-۱۹	لوقا ۶: ۱۴-۱۶	کارهای رسولان ۱: ۱۲-۱۸
شمعون (پطرس)	شمعون (پطرس)	شمعون (پطرس)	پطرس
اندریاس (برادر پطرس)	یعقوب (پسر زبدی)	اندریاس (برادر پطرس)	یوحنا
یعقوب (پسر زبدی)	یوحنا (برادر یعقوب)	یعقوب	یعقوب
یوحنا (برادر یعقوب)	اندریاس	یوحنا	اندریاس
فیلیپس	فیلیپس	فیلیپس	فیلیپس
برتولما	برتولما	برتولما	توما
توما	متی	متی	برتولما
متی (باجگیر)	توما	توما	متی
یعقوب (پسر حلفی)	یعقوب (پسر حلفی)	یعقوب (پسر حلفی)	یعقوب (پسر حلفی)
تدی	تدی	شمعون (غیور)	شمعون (غیور)
شمعون (غیور)	شمعون (غیور)	یهودا (پسر یعقوب)	یهودا (پسر یعقوب)
یهودا (اسخریوطی)	یهودا (اسخریوطی)	یهودا (اسخریوطی)	یهودا (اسخریوطی)

- «**پطرس**» اغلب یهودیان جلیل دارای یک نام یهودی (مثلاً شمعون، به معنی (شنیدن) و یک نام یونانی (که در جایی داده نشده) بودند. عیسی به او لقب «صخره» می‌دهد. این اسم در یونانی *Petros* و در آرامی *Cephas* (کیفا) است (ر.ک. یوا: ۱؛ ۴۲؛ متی ۱۶: ۱۶).
- «**اندریاس**» در یونانی به معنی «مردانه» است. از یوحنا ۱: ۲۹-۴۲ درمی‌یابیم که اندریاس یکی از شاگردان یحیی تعمید دهنده بود و توسط برادرش پطرس به عیسی معرفی شد.
- «**فیلیپس**» در یونانی «دوستدار اسب» معنی می‌دهد. فراخوانی او در یوحنا ۱: ۴۳-۵۱ به تفصیل شرح داده شده است.
- «**توما**» در عبری به معنی «دوقلو» یا دیدیموس است (ر.ک. یوحنا ۱۱: ۱۶؛ ۲۰: ۲۴؛ ۲۱: ۲).  
□ «**برتولما**» به معنای «پسر بطلمیوس» می‌باشد. امکان دارد او همان نتنائیل انجیل یوحنا باشد (ر.ک. یوحنا ۱: ۴۵-۴۹؛ ۲۱: ۲۰).
- «**متی**» در عبری «هدیه یهوه» معنی می‌دهد. اشاره به لاوی است (ر.ک. ۲: ۱۳-۱۷).
- «**یعقوب**» نامی عبری است. در فهرست اسامی شاگردان، دو تن یعقوب نامیده می‌شدند. یکی از آنان برادر یوحنا بود (ر.ک. مرقس ۱۷: ۳) و یکی از اعضای حلقه نزدیکتر و صمیمیتر با عیسی بود (که عبارت بودند از: پطرس، یعقوب و یوحنا). این یعقوب را یعقوب صغیر (کوچکتر) می‌خوانند.
- «**شمعون غیور**» لقب او در متن یونانی مرقس «قانونی» آمده است (همچنین در متی ۱۰: ۴). مرقس که انجیل خود را خطاب به رومیان نگاشت، شاید نخواست اصطلاح داغ سیاسی «غیور» را که به جنبش پارتیزانهای یهودی ضدرومی اطلاق می‌شد، به کار ببرد. اما لوقا با همین لقب از او یاد می‌کند (ر.ک. لوقا ۶: ۱۵ و اعمال ۱: ۱۳). لقب قانونی می‌تواند مأخوذ از چند مورد باشد:

۱. از اهالی قانای جلیل

۲. از اصطلاح عهد عتیقی که اهل کنعان را تاجر می‌خوانند

۳. از لقب کلی‌های کنعان

اگر نامگذاری لوقا درست باشد، آنگاه «غیور» از واژه آرامی به معنی «مشتاق» برگرفته شده است (ر.ک. لوقا ۶: ۱۵؛ اعمال ۱: ۱۷). دوازده شاگرد برگزیده عیسی از گروه‌های مختلف و گاه غیرهم‌فکر بودند. شمعون یکی از اعضای گروه ملی‌گرایی بود که از بیرون راندن قدرت روم با استفاده از خشونت دفاع می‌کردند. اینگونه به نظر می‌رسد که شمعون و لاوی (یعنی متی باجگیر) در حالت عادی در یک اتاق با هم نمی‌ماندند.

- «**تدی**» او را «لبی» (ر.ک. متی ۱۰: ۳) یا «یهودا» (ر.ک. لوقا ۶: ۱۶، یوحنا ۱۴: ۲۲؛ اعمال ۱: ۱۳) نیز می‌خوانند. تدی و لبی هر دو به معنی «فرزند محبوب» هستند.

□ «**یهودای اسخریوطی**» در این فهرست، دو شمعون، دو یعقوب و دو یهودا وجود دارد. «اسخریوط» ممکن است مأخوذ از دو چیز باشد: (۱) «مردی از قریوت» (ر.ک. یوشع ۱۵: ۲۵) یا (۲) «مرد خنجر» یا «آدمکش»، که بدین معناست که او نیز مانند شمعون، یکی از غیوران بوده است.

۱: ۱۴ «**اینان همه (به یکدل)**» این اصطلاحی مرکب از «همین» (*homo*) و «احساس و فکر» (*thumos*) است. این یکدلی یک پیش شرط نبود چراکه جو موجود جوی از انتظار بود. این اصطلاح مکرراً در اعمال آمده است (در مورد ایمانداران، ر.ک. ۱: ۱۴؛ ۲: ۴۶؛ ۴: ۲۴؛ ۵: ۱۲؛ ۱۵: ۲۵؛ و در مورد سایرین در ۷: ۵۷؛ ۸: ۶؛ ۱۲: ۱۸؛ ۱۲: ۱۹؛ ۲۹).

۱۴: ۱	NASB
«دور هم جمع می‌شدند»	NKJV
«مواظب می‌بودند»	NRSV
«همواره...وقف می‌کردند»	TEV
«بارها جمع می‌شدند»	NJB
«دائماً جمع می‌شدند»	

این اصطلاح (*pros* و *kaptereō*) به معنی مصمم یا پایدار بودن و یا با ایستادگی درگیر بودن است. لوقا اغلب از این اصطلاح استفاده می کند (ر.ک. ۱: ۱۴؛ ۲: ۴۶، ۴۲؛ ۴: ۶؛ ۸: ۱۳؛ ۱۰: ۷). فعل غیر کامل پیچیده است.

□ «با زنها» اینان گروهی از زنان بودند که با عیسی و رسولان سفر می کردند و برایشان تهیه می دیدند (ر.ک. متی ۲۷: ۵۵-۵۶؛ مرقس ۱۵: ۴۰-۴۱؛ لوقا ۸: ۲؛ ۲۳: ۴۹؛ و یوحنا ۱۹: ۲۵).

«برادران او» ما اسامی چند تن از برادران ناتنی عیسی را می دانیم: یهودا، یعقوب (ر.ک. به عنوان خاص در ۱۲: ۱۷)، و شمعون (ر.ک. متی ۱۳: ۵۵؛ مرقس ۶: ۳ و لوقا ۲: ۷). آنان زمانی بی ایمان بودند (ر.ک. یوحنا ۷: ۵)، اما اکنون در میان گروه شاگردان قرار داشتند.

### عنوان خاص: زنانی که با عیسی و شاگردانش سفر می کردند

یوحنا ۱۹: ۲۵

لوقا ۸: ۲؛ ۲۳: ۴۹

مرقس ۱۵: ۴۰-۴۱

متی ۲۷: ۵۵-۵۶

مریم، مادر عیسی	مریم مجدلیه	مریم مجدلیه	مریم مجدلیه
خاله او، همسر کلثوپاس	یونا، همسر خوزا (مباشر هیرودیس)	مریم، مادر یعقوب کوچک و یوشا	مریم، مادر یعقوب و یوسف
مریم مجدلیه	سوسن و بسیاری کسان دیگر	سالومه	مادر پسران زبیدی (یعقوب و یوحنا)

### ذیلاً یادداشتهایی در مورد این زنان که از تفسیر مرقس ۱۵: ۴۰-۴۱ برگرفته شده، آمده است:

«در آنجا عده‌ای زن هم بودند که از دور نگاه می کردند» گروه رسولان کسانی را داشتند که از لحاظ مالی و خدماتی (مانند پختن غذا، شستن و غیره) آنها را خدمت می کردند و آنها گروهی زن بودند (ر.ک. آیه ۴۱؛ متی ۲۷: ۵۵؛ لوقا ۸: ۳).

«مریم مجدلیه» مجدل شهری کوچک در سواحل دریای جلیل در سه مایلی شمال تیریه بود. مریم از جلیل پس از اینکه عیسی او را از هفت دیو آزاد کرد (ر.ک. لوقا ۸: ۲) از پی عیسی می رفت. برخی غیرمنصفانه به او برجسب فاحشه بودن زده اند اما در هیچ کجای عهد جدید مدرکی برای این امر وجود ندارد.

«مریم مادر یعقوب کوچک و یوشا» در متی ۲۷: ۵۶ از او به عنوان «مادر یعقوب و یوسف» یاد شده است. در متی ۲۸: ۱ او «مریم دیگر» خوانده شده است. سؤال اصلی اینجاست که همسر او که بوده است؟ از یوحنا ۱۹: ۲۵ می توان این احتمال را داد که اوزوجه کلثوپاس بوده باشد، اما پسر او یعقوب «پسر حلفی» خوانده شده است (ر.ک. متی ۱۰: ۳؛ مرقس ۳: ۱۸؛ لوقا ۶: ۱۵).

«سالومه» او مادر یعقوب و یوحنا، که در حلقه دوستان نزدیکتر عیسی بودند، است و همسر زبیدی (ر.ک. متی ۲۷: ۵۶؛ مرقس ۱۵: ۴۰؛ ۱۶: ۱-۲).

### در ادامه یادداشتهایی از این زنان از کتاب تفسیر من در مورد یوحنا ۱۹: ۲۵ آمده است:

«نزدیک صلیبی که عیسی به آن میخکوب شده بود، مادر عیسی به اتفاق خواهرش، مریم زن کلثوپاس و مریم مجدلیه ایستاده بودند» بحث و جدل بر سر اینکه آیا در اینجا ۴ نام آمده یا ۳ نام بسیار زیاد است. احتمال دارد که از چهار نفر یاد شده باشد زیرا نمی شود نام دو خواهر مریم باشد. خواهر مریم، سالومه در مرقس ۱۵: ۴۰ و متی ۲۷: ۵۶ معرفی شده است. اگر این موضوع صحت داشته باشد، آنگاه می توان چنین برداشت کرد که یعقوب و یوحنا پسر خاله های عیسی بوده باشند. بر اساس یک سنت قرن دوم میلادی (Hegesippus) کلثوپاس برادر یوسف بوده است. مریم مجدلیه کسی بود که عیسی هفت دیو از او اخراج کرد و نخستین کسی بود که عیسی برگزید تا پس از قیامتش بر وی ظاهر شود (ر.ک. ۲۰: ۲-۱؛ ۱۱-۱۸؛ مرقس ۱۶: ۱؛ لوقا ۲۴: ۱-۱۰).

### متن مؤده برای عصر جدید: اعمال ۱: ۱۵-۲۶

<sup>۱۵</sup> در آن روزها پطرس در برابر ایمانداران که عده آنان روی هم یکصد و بیست نفر بود ایستاد و گفت: «ای ایمانداران، لازم بود پیشگویی کتاب مقدس دربارهٔ یهودا، راهنمای دستگیر کنندگان عیسی، که روح القدس به زبان داوود نموده بود، به حقیقت بییوندد،<sup>۱۷</sup> زیرا او یکی از ما بود و در مأموریت ما شرکت داشت.<sup>۱۸</sup> او با پولی که از بابت اجرت شرارت خود دریافت نمود، قطعه زمینی خرید و در آن با سر سقوط کرد و از میان پاره شد و تمام روده‌هایش بیرون ریخت<sup>۱۸</sup> و این امر به اطلاع جمیع ساکنان اورشلیم رسید و آن قطعه زمین را به زبان خودشان 'حقل دما' یعنی 'مزرعه خونین' نامیدند.»<sup>۲۰</sup> پطرس ادامه داد و گفت: «زیرا در کتاب زبور نوشته شده است: 'مسکن او ویران باد و دیگر کسی در آن ساکن نشود. و همچنین آمده است: 'مأموریتش نیز به دیگری سپرده شود.'<sup>۲۱</sup> بنابراین یک نفر که پیوسته در تمام مدتی که عیسی خداوند با ما رفت و آمد داشت،<sup>۲۲</sup> یعنی از روزی که یحیی به تعمید پرداخت تا روزی که عیسی از میان ما بالا برده شد، در جرگه ما بوده است باید به عنوان گواه بر رستاخیز او به جمع ما بییوندد.»<sup>۲۳</sup> آنگاه نام دو نفر را که یکی یوسف معروف به برسابا (که لقب یوستس هم داشت) و دیگری متیاس بود، برای این خدمت پیشنهاد کردند<sup>۲۴</sup> و دعا کرده گفتند: «ای خداوندی که از قلوب همهٔ انسانها آگاهی، به ما نشان بده که کدام یک از این دو نفر را انتخاب کرده‌ای<sup>۲۵</sup> که جانشین یهودا بشود؛ زیرا که او سمت خدمت و رسالت خود را از دست داد تا به جایی که سرنوشت او بود برود.»<sup>۲۶</sup> پس قرعه انداختند و قرعه به نام متیاس درآمد و به این ترتیب او در شمار آن یازده رسول درآمد.

*Commentary, Acts* نوشته F. F. Bruce صفحه ۴۴، پانوش ۴۷.

۱: ۱۵ «در آن روزها» معنی لغوی واژه یونانی (*en tais hēmerais*) معادل «در این روزها» است. این عبارت معمولاً در ابتدای بابهای (یعنی بابهای ۱ الی ۱۵) اعمال به کار رفته است (ر.ک. ۱: ۱۵؛ ۲: ۱۸؛ ۵: ۳۷؛ ۶: ۱؛ ۷: ۴۱؛ ۹: ۳۷؛ ۱۱: ۲۷؛ ۱۳: ۴۱). لوقا از مشاهدات شاهدان عینی استفاده می کند. او در بابهای نخست کتاب کارهای رسولان (ر.ک. ۲: ۴۶، ۴۷؛ ۳: ۲؛ ۵: ۱۶؛ ۵: ۱۷؛ ۱۱: ۳۱؛ ۱۹: ۹) نیز به گونه ای معمول و مبهم، شاخص زمانی «هر روز» (*kath hēmeran*) را به کار می برد. پس از باب ۱۵، لوقا شخصاً با بسیاری از وقایعی که ثبت می کند، آشناست. او باز هم به طور معمول از واژه "روز" استفاده می کند، اما نه با عبارات مبهم و رایج بابهای نخست.

□ «پطرس ایستاد» پطرس ظاهراً سخنگوی رسولان است (ر.ک. متی ۱۶). او نخستین موعظه کلیسایی را پس از نزول روح القدس (ر.ک. اعمال ۲) و دومین موعظه را در اعمال ۳ ایراد کرد. عیسی پس از قیام خود اول بر او ظاهر شد (ر.ک. یوحنا ۲۱ و اقر. ۱۵: ۵). نام عبری او «شیمئون» است (ر.ک. ۱۵: ۱۴؛ ۲ پط. ۱: ۱). این اسم در یونانی «شمعون» نوشته می شود. واژه «پطرس» (*Petros*) واژه ای یونانی به معنی «صخره جدا شده» است. در زبان آرامی این نام «کیفا» (*Cephas*) یا «سنگ» است (ر.ک. متی ۱۶: ۱۸).

□ «عده آنان روی هم یکصد و بیست نفر بود» این جمله ای معترضه در متن یونانی<sup>۴</sup> UBS است (اما نه آیات ۱۸-۱۹). این گروه حتماً شامل یازده رسول، زنانی که عیسی را همراهی می کردند و سایر شاگردانی بودند که طی موعظت و خدمات شفای عیسی به او ایمان آورده بودند. امکان دارد این عدد بر اساس تفکرات علمای دینی یهود از گستره پیروان یک رهبر، عددی نمادین باشد. (مثلاً برای ۱ تا ۱۰ ر.ک. سن هندی ۱: ۶)

۱: ۱۶ «کتاب مقدس» تمامی اشارات عهد جدید به «کتاب مقدس» (به غیر از ۲ پط. ۳: ۱۵-۱۶) مربوط به عهد عتیق است (مثال: متی ۵: ۱۷-۲۰؛ ۲ تیمو ۳: ۱۵-۱۷). در این قسمت بر الهام گرفتن داود از روح القدس نیز تأکید می شود (ر.ک. ۲ پط. ۱: ۲۱). همچنین به گونه ای ضمنی بر کانونی بودن «کتب» کتاب مقدس عبری صحیح گذارده می شود.

□ «لازم بود» این واژه یونانی (*dei*) به معنای ضرورت داشتن است. یک فعل لازم اخباری ناکامل است که به نقل قول اول در آیه ۲۰ اشاره دارد.

این اصطلاح مشخصه ای از احساس لوقا نسبت به زندگی عیسی و کلیسای اولیه در امتداد عهد عتیق است (ر.ک. لوقا ۱۸: ۳۱-۳۴؛ ۲۲: ۲۴؛ ۳۷: ۴۴). لوقا اغلب از این اصطلاح استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۲: ۴۹؛ ۴: ۴۳؛ ۹: ۲۲؛ ۱۱: ۴۲؛ ۱۲: ۱۲؛ ۱۳: ۳۳؛ ۱۶: ۱۴؛ ۱۵: ۳۲؛ ۱۷: ۲۵؛



۱:۱۸؛ ۱:۱۹؛ ۵:۲۱؛ ۹:۲۲؛ ۷:۳۷؛ ۲۴:۲۶؛ ۷:۲۶؛ اعمال ۱:۱۶؛ ۳:۲۱؛ ۴:۱۲؛ ۵:۲۹؛ ۹:۱۶؛ ۱۴:۲۷؛ ۱۵:۵؛ ۱۶:۳۰؛ ۱۷:۳؛ ۱۹:۳۶؛ ۲۱:۲۰؛ ۳۵:۲۳؛ ۱۱:۲۴؛ ۱۹:۲۵؛ ۲۴:۱۰؛ ۲۶:۹؛ ۲۷:۲۶؛ ۲۱:۲۴؛ ۲۶:۲۷. اصطلاح مزبور به معنی «الزامی است»، «ضروری است»، «غیرقابل اجتناب است» می‌باشد. انجیل و رشد و بالندگی او اتفاقی نیست بلکه نقشه از پیش تعیین شده خدا و تحقق کلام عهد عتیق است (ترجمه هفتاد).

■ «به حقیقت بیبوند» هنگامی که شخص این نقل قولهای عهد عتیق را می‌خواند (آیه ۲۰)، باید توجه داشته باشد که نیت نویسنده مزامیر لو دادن یهودا نبوده است. رسولان عهد عتیق را در پرتو آنچه با عیسی تجربه کرده بودند، تفسیر می‌نمودند. به این کار، تفسیر از روی نشانه شناسی می‌گویند. شاید عیسی شخصاً الگوی اینگونه تفسیر را به هنگام همگام شدن با دو شاگردش در راه عموآس، به آنها آموخت (ر.ک. لوقا ۲۴:۱۳-۳۵، خصوصاً آیات ۲۵-۲۷). مفسرین اولیه مسیحی میان وقایع عهد عتیق و زندگی و تعالیم عیسی تشابهاتی می‌دیدند. آنان عیسی را به عنوان تحقق نبوتی تمامی عهد عتیق برمی‌شمردند. ایمانداران امروزی باید نسبت به این طرز برخورد هشیار باشند! آن نویسندگان الهام یافته عهد جدید در سطح خاصی از مکاشفه و آشنایی شخصی با زندگی و تعالیم عیسی قرار داشتند. ما حقیقت و اقتدار شهادت آنان را تأیید می‌کنیم اما نمی‌توانیم روش آنها را بازسازی کنیم.

■ «یهودا» ارتداد یهودا موجب انتخاب یک رسول جایگزین شد، نه مرگ او. در آیه ۲۰ ب، به اعمال یهودا به عنوان تحقق یک نبوت نگاه شده است. عهد جدید انتخاب رسول دیگری را پس از مرگ یعقوب به ثبت نرسانیده است (ر.ک. اع ۱۲:۲). در زندگی یهودا رازها و فجایع زیادی وجود دارد. او احتمالاً تنها رسول غیرجلیلی بود. سمت خزانه‌داری گروه رسولان بر عهده وی گذاشته شد (ر.ک. یوحنا ۱۲:۶). متهم گردید که از آن پول در طی دورانی که عیسی با آنان بود، می‌دزدد. گفته می‌شود که او تحقق نبوت و وسیله حمله شیطان بود. نیت‌های وی هرگز ذکر نشده‌اند، ولی ندامت و پشیمانی‌اش سبب شد تا پس از بازگرداندن پولی که بابت خیانت به عیسی گرفت، دست به خودکشی بزند. گمانه‌زنی‌های بسیار درباره یهودا و نیت‌های وی انجام شده است. در انجیل یوحنا اغلب به او و تهمت‌هایی که متوجهش بود، اشاره می‌شود (۶:۷۱؛ ۱۲:۴؛ ۱۳:۳۹؛ ۲۶:۱۸؛ ۲۳:۵). در نمایش "Jesus Christ Superstar" که چندی پیش ساخته شد، یهودا را یکی از پیروان وفادار ولی سرخورده عیسی به تصویر درمی‌آورد که کوشید به زور عیسی را به انجام نقش خود به عنوان مسیح موعود یهودیان وادارد - به این ترتیب، به زعم او دولت روم سرنگون می‌شد، شروران مجازات می‌گشتند و اورشلیم پایتخت جهان می‌گردید. اما یوحنا نیت‌های او را طمع-کارانه و از سربداندیشی ترسیم می‌کند.

مشکل اصلی همانا موضوع الهیاتی قدرت مطلق خدا و اراده آزاد انسان است. آیا خدا یا عیسی، یهودا را به اشتباه انداختند؟ آیا در صورتی که شیطان بر یهودا تسلط داشت یا خدا پیش‌گویی کرده موجب خیانت وی به عیسی گردید، باید خود او را مسئول اعمالش بشماریم؟ کتاب مقدس اشاره مستقیمی به این سؤالها نمی‌کند. خدا تاریخ را در سلطه خود دارد؛ او از وقایع آینده آگاه است، اما بشر مسئول انتخابها و اعمال خود می‌باشد. خدا عادل است و کسی را به اشتباه نمی‌اندازد.

آقای William Klassen کتاب جدیدی در دفاع از یهودا به نام *Judas Betrayor or Friend of Jesus?* (یهودا، خائن به عیسی یا دوست او؟) در سال ۱۹۹۶ توسط انتشارات Fortress Press به چاپ رسانیده است. من موافق نظر این کتاب نیستم، ولی باید بگویم کتاب جالبی است و فکر انسان را به چالش برمی‌انگیزاند.

■ «راهنمای دستگیر کنندگان عیسی» در زیر نقل قولی از کتاب تفسیر من در مورد متی ۲۶:۴۷-۵۰ آورده شده است:

«بحث و جدل زیادی درباره انگیزه یهودا وجود دارد. باید گفت که این موضوع همچنان در هاله ابهام باقی است. بوسه او از عیسی در آیه ۴۹ یا: (۱) نشانه‌ای برای سربازان در شناسایی و دستگیر کردن عیسی بود (ر.ک. آیه ۴۸)؛ و یا (۲) از نظریه امروزی حمایت می‌کند که او می‌کوشید تا عیسی را وادارد تا دست به کار شود (ر.ک. ۲۷:۴). در سایر انجیل اظهار شده است که او از همان ابتدا یک دزد و بی‌ایمان بود (ر.ک. یوحنا ۱۲:۶).

از لوقا ۲۲: ۵۲ به ترکیب آن جماعت پی می‌بریم. سربازان رومی در آن میان بودند زیرا آنها تنها کسانی بودند که قانوناً شمشیر حمل می‌کردند. پلیس معبد نیز که به طور معمول چماغ داشتند، آنها را همراهی می‌کردند. نمایندگان شورای عالی یهود نیز در جماعت دستگیرکنندگان عیسی حضور داشتند (ر.ک. آیات ۴۷، ۵۱).  
 ۱۷: ۱ یهودا را عیسی برگزید، او سخنان عیسی را شنید، معجزات عیسی را دید، توسط عیسی به مأموریت فرستاده شد، در بالاخانه حضور یافت و در همه وقایع شرکت داشت، ولی با این وجود به عیسی خیانت کرد!

۱۸: ۱

«با سر سقوط کرده، از میان پاره شد» NASB, NKJV, NRSV, NJB, NIV  
 «در آن با سر سقوط کرد و از میان پاره شد» TEV

امکان دارد که «با سر سقوط کرد» اصطلاح پزشکی برای «از شدت تورم دچار پارگی شدن» باشد (ر.ک. *The Vocabulary of the Greek Testament* نوشته Moulton and Milligan، صص. ۵۳۵-۵۳۶)، که در برخی از ترجمه‌های انگلیسی می‌توان یافت (به عنوان مثال: Phillips و Moffatt و Goodspeed). بحث قابل توجهی در مورد برداشتهای مختلف از مرگ یهودا (متی ۲۷: ۵ در برابر اعمال ۱: ۱۸) را می‌توانید در کتاب *Hard Sayings of the Bible* صص. ۵۱۱-۵۱۲ بخوانید.

□ «قطعه زمینی خرید» آیات ۱۸-۱۹ در پراوتز قرار دارند (ر.ک. ترجمه‌های NASB و NKJV و NRSV و NJB و NIV). نویسنده این اطلاعات را برای فهم بهتر خواننده ارائه داده است. از متی ۲۷: ۶-۸ درمی‌یابیم که کاهنان این قطعه زمین را در تحقق نبوت کتاب عهد عتیق خریدند (ر.ک. متی ۲۷: ۹). این پول یهودا بود که از نظر کاهنان حرام بود و از آن برای خرید زمین یک گورستان بهره جستند. آیات ۱۸-۱۹ بیان می‌دارد که یهودا در همان قطعه زمین در گذشت. این اطلاعات در مورد مرگ یهودا در جای دیگری تکرار نشده است.

۱۹: ۱

«حقلدما، که مزرعه خون است» NASB, NRSV  
 «حقل دما، که مزرعه خون است» NKJV  
 «حقل دما یعنی مزرعه خونین» TEV  
 «مزرعه خونین، حقل-دما» NJB

این ترجمه‌ای یونانی از واژه‌ای آرامی است. برگردان یکنواخت از یک زبان به زبان دیگر همواره کار دشواری است. با وجود اشکال گوناگون املائی یونانی، واژه آرامی به معنی «زمین خون» است. این واژه می‌تواند به معانی زیر باشد: (۱) زمینی که با خون بها خریداری شده (ر.ک. متی ۲۷: ۷ الف)؛ (۲) زمینی که در آن خون ریخته شده است (ر.ک. اعمال ۱: ۱۸)؛ یا (۳) زمینی که قاتلان و غریبان در آن دفن می‌شدند (ر.ک. متی ۲۷: ۷ ب).

۱: ۲۰ اینها دو نقل قول از مزامیر هستند. نقل قول اول از مز. ۶۹: ۲۵ است. در اصل جمله با ضمیر جمع بوده است. این نقل قول به عنوان فرمول لعنت در مورد یهودا به کار رفته است. نقل قول دوم از مز. ۱۰۹: ۸ (ترجمه هفتاد) است. این نقل قول نیز زمینه‌ای برای جایگزینی یهودا که در آیات ۲۱-۲۶ آمده، بدست می‌دهد.

۲۰: ۱

«منصب» NASB, NKJV, NJB  
 «مقام نظارت» NRSV  
 «مأموریت» TEV

در ترجمه هفتاد، اصطلاح *episkopē* دلالت ضمنی بر مسئولیت یا خدمت یک افسر را دارد (ر.ک. اعد. ۴: ۱۶؛ مز. ۱۰۹: ۸). این مسئولیت در نظام روحانیان کلیسای کاتولیک رومی، مقامی را شکل داد. اما در زبان یونانی، واژه مزبور به سادگی برای یک رهبر شهری یونانی اطلاق می‌شد (ر.ک. NIV)، به همان شکل که در میان یهودیان، شیخ (*prestuteros*) اصطلاحی برای یک رهبر بود (مثال: پید. ۵۰: ۷؛

خروج ۳: ۱۶،۱۸؛ اعد. ۱۱: ۱۶،۲۴،۲۵،۳۹؛ تثنيه ۲۱: ۲،۳،۴،۶،۱۹،۲۰ و سایر قسمتها). بنابراین به غیر از مورد یعقوب، پس از مرگ رسولان، «ناظر» یا «شیخ» اشاره به شبان کلیسا دارد (ر.ک. اعمال ۲۰: ۱۷،۲۸؛ تیطس ۱: ۵،۷؛ فیل. ۱: ۱).

۱: ۲۱-۲۲ «باید» این همان واژه *dei* است (ر.ک. آیه ۱۶). ظاهراً پطرس احساس می کرد که دوازده رسول به نوعی نمایانگر دوازده قبیله اسرائیل یا نمادی دیگر هستند که نباید از بین بروند.

۱: ۲۱-۲۲ اینها ویژگیهای رسول بودن است. توجه داشته باشید که این امر بیانگر حضور ایمانداران دیگر به غیر از دوازده رسول است که در تمامی طول خدمات عیسی بر زمین، او را پیروی می کردند. اینها معیارهایی بودند که برخی برای رد کردن رسول بودن پولس مورد استفاده قرار دادند.

لوقا ظاهراً این دو آیه را در اینجا جای داده تا ارجحیت شهادت رسولان را نشان دهد، نه انتخاب متیاس را که بعدها چیزی درباره اش نمی شنویم. کلیسا و کتب عهد جدید براساس زندگی و تعالیم عیسی بنا می شود ولی شاهدان عینی، شهادت معتبر، شهادت منتخب الهیاتی و عهد جدید نیز نقش زیادی در این میان دارند. در اینجا مسئله ای الهیاتی در میان است، نه نمادگرایی عدد «دوازده»!

## عنوان خاص: عدد دوازده

دوازده همواره عددی نمادین در سازماندهی است:

۱. خارج از کتاب مقدس
  - أ. دوازده صورت فلکی
  - ب. دوازده ماه سال
۲. در عهد عتیق
  - أ. پسران یعقوب (قبیله های یهود)
  - ب. بازتاب یافته در:
    - (۱) دوازده ستون مذبح در خروج ۴:۲۴
    - (۲) دوازده جواهر پیش سینه کاهن اعظم (که نشانگر قبیله های اسرائیل بودند) در خروج ۲۸:۲۱
    - (۳) دوازده نان در مکان مقدس خیمه اجتماع در لاو. ۵:۲۴
    - (۴) دوازده جاسوس اعزامی به کنعان در اعد. ۱ (یک نماینده از هر قبیله)
    - (۵) دوازده عصا (یکی برای هر قبیله) در عصیان قورح در اعد. ۱۷:۲
    - (۶) دوازده سنگ یوشع در یو. ۴: ۳،۹،۲۰
    - (۷) دوازده منطقه تدارکاتی سلیمان در ۱ پاد. ۴:۷
    - (۸) دوازده سنگ مذبح ایلیا برای یهوه در ۱ پاد. ۱۸:۳۱
۳. در عهد جدید
  - أ. دوازده رسول برگزیده
  - ب. دوازده سبد نان (یکی برای هر رسول) در متی ۱۴:۲۰
  - ج. دوازده تخت که رسولان عهد جدید بر آنها می نشینند (اشاره به ۱۲ قبیله اسرائیل) در متی ۱۹:۲۸
  - د. دوازده لشکر فرشتگان برای نجات عیسی در متی ۲۶:۵۳
  - ه. نمادگرایی مکاشفه
    - (۱) ۲۴ پیر و ۲۴ تخت در ۴:۴
    - (۲) ۱۴۴۰۰۰ (۱۲ ضربدر ۲) در ۷:۴؛ ۱۴:۱۴؛ ۱۶:۳
    - (۳) دوازده ستاره بر تاج زن در ۱:۱۲
    - (۴) دوازده دروازه، دوازده فرشته که بازتاب دوازده قبیله در ۲۱:۱۲ هستند
    - (۵) دوازده سنگ بنای اورشلیم جدید با نام دوازده رسول بر آنها در ۲۱:۱۴
    - (۶) دوازده هزار تیر پرتاب در ۲۱:۱۶ (اندازه شهر جدید، اورشلیم جدید)
    - (۷) دیوار ۱۴۴ ذراعی در ۲۱:۷
    - (۸) دوازده دروازه از مروارید در ۲۱:۲۱
    - (۹) درختان اورشلیم با دوازده نوع میوه (هر ماه یک نوع) در ۲:۲۲

۲۳:۱ «نام دو نفر را ... پیشنهاد کردند» در یک نسخه یونانی تفاوتی وجود دارد که نشانگر مسئله ای الهیاتی در این عبارت است:

۱. estēsan «آنها پیشنهاد کردند» در نسخه های ۴ (آلف عبری) و A و B و C و D<sup>۱</sup> و E

۲. Estesēn «او پیشنهاد کرد» در نسخه D\* و نسخه آگوستین

در شماره یک، نمونه ای از شرکت تمام گروه رسولان در رأی گیری برای جایگزین مناسب یهودا است (شکلی از مدیریت گروهی، ر.ک. ۱۵: ۲۲)، اما اگر شماره دو درست باشد، گواهی از برتری پطرس بر سایرین است (ر.ک. ۱۵: ۷-۱۴، ۱۱). تا جایی که به مدارک مربوط به نسخه های یونانی مربوط می شود، شماره یک صحیح است (UBS<sup>4</sup> به آن درجه «A» می دهد).

□ «یوسف ... متیاس» عهد جدید اطلاع بیشتری درباره این دو مرد نمی دهد. باید به یاد داشت که اناجیل و اعمال، تاریخ نگاری دقیق غربی نیست، بلکه نوشته های برگزیده الهیاتی برای معرفی عیسی و نشان دادن چگونگی اثرگذاری پیام آن بر جهان است.

۲۴:۱

NASB «کیست که از قلوب همه انسانها آگاه باشد»

NKJV «کیست که از دل همه آگاه باشد»

NRSV «تو از دل همه آگاهی»

TEV «[تو] از قلوب همه انسانها آگاهی»

NJB «تو می توانی دل همه را بفهمی»

این یک کلمه مرکب است: «قلوب و آگاهی» (ر.ک. ۱۵: ۸). این امر بازتابی از حقیقت عهد عتیق است (ر.ک. ۱ سمو. ۲: ۷؛ ۱۶: ۷؛ ۱ پاد.

۸: ۳۹؛ ۲ تو. ۲۸؛ ۹؛ ۲ تو. ۶؛ ۳۰؛ ۷؛ ۹؛ ۴۴؛ ۲۱؛ امثال ۱۵؛ ۱۱؛ ۲۱؛ ۲؛ ار. ۱۱؛ ۲۰؛ ۱۷؛ ۹-۱۰؛ ۲۰؛ ۱۲؛ لوقا ۱۶؛ ۱۵؛ اعمال ۱؛ ۲۴؛ ۱۵؛ ۸؛ روم. ۸: ۲۷). خدا کاملاً ما را می شناسد و با اینحال دوستان دارد (ر.ک. روم. ۸: ۲۷).

شاگردان تأیید می نمایند که یهوه نیت آنان و نیت آن دو کاندیدا را می داند. آنها اراده خدا را در انجام این گزینش می طلبند (ماضی

غیر معین میانی). عیسایی که آن دوازده را برگزید، اکنون با خدای پدر بود.

### عنوان خاص: قلب

واژه یونانی *kardia* در ترجمه هفتاد و نیز در عهد جدید برای برگردان واژه عبری *lēb* به کار رفته است. این واژه به طریقه های مختلف مورد استفاده قرار می گیرد (ر.ک. *A Greek-English Lexicon* گردآوری شده توسط Bauer Arndt, Gingrich and Danker صص. ۴۰۳-۴۰۴).

۱. مرکز زندگی فیزیکی، تشبیهی از شخص (ر.ک. اعمال ۱۴؛ ۱۷؛ ۲ قرن. ۳: ۲-۳؛ یعقوب ۵: ۵)

۲. مرکز زندگی روحانی (اخلاقی)

أ. خدا دل انسان را می شناسد (ر.ک. لوقا ۱۶؛ ۱۵؛ روم ۸: ۲۷؛ ۱ قرن. ۱۴؛ ۲۵؛ اتسا. ۲: ۴؛ مکا ۲: ۲۳)

ب. زندگی روحانی بشریت شمرده می شود (ر.ک. متی ۱۵؛ ۱۸-۱۹؛ ۱۸؛ ۳۵؛ روم. ۶؛ ۱۷؛ ۱ تیمو. ۱؛ ۲ تیمو. ۲؛ ۲۲؛ اپطر. ۱: ۲۲)

۳. مرکز تفکر زندگی (یعنی قوه درک، ر.ک. متی ۱۳؛ ۱۵؛ ۲۴؛ ۴۸؛ اعمال ۷؛ ۲۳؛ ۱۶؛ ۱۴؛ ۲۸؛ ۲۷؛ روم. ۱؛ ۲۱؛ ۱۰؛ ۶؛ ۱۶؛ ۱۸؛ ۲ قرن. ۴؛

۶؛ افس. ۱: ۱۸؛ ۴؛ ۱۸؛ یعقوب ۱: ۲۶؛ ۲ پطر. ۱: ۱۹؛ مکا. ۱۸؛ ۷؛ در ۲ قرن. ۳؛ ۱۴-۱۵ و فیل. ۴؛ ۷، قلب مترادف با فکر است).

۴. مرکز خواست (یعنی اراده، ر.ک. اعمال ۵؛ ۱۱؛ ۲۳؛ ۱ قرن. ۴؛ ۵؛ ۳۷؛ ۲ قرن. ۹؛ ۷)

۵. مرکز احساسات (ر.ک. متی ۵؛ ۲۸؛ اعمال ۲؛ ۳۷؛ ۲۶؛ ۷؛ ۵۴؛ ۲۱؛ ۱۳؛ روم ۱: ۲۴؛ ۲ قرن. ۲؛ ۴؛ ۷؛ ۳؛ افس. ۶؛ ۲۲؛ فیل. ۱: ۷)

۶. مکان منحصر به فرد فعالیت روح القدس (ر.ک. روم. ۵؛ ۵؛ ۲ قرن. ۱؛ ۲۲؛ ۴؛ ۶ [یعنی مسیح در قلبهای ما، افس. ۳: ۱۷])

۷. قلب تشبیهی از اشاره به تمامیت شخص است (ر.ک. متی ۲۲؛ ۳۷، نقل قول از تثنیه ۶: ۵). افکار، نیتها و رفتاری که به قلب نسبت داده

می شود کاملاً نشانگر چگونگی شخصیت فرد است. عهد عتیق استفاده های قابل توجهی از این اصطلاحات می کند.

- ا. پیدا. ۶: ۸؛ ۲۱، «خدا در دل خود محزون گشت» (همچنین هوشع ۱: ۸-۹)
- ب. تشبیه ۴: ۲۹؛ ۵: ۶، «با تمامی دل و تمامی جان خود»
- ج. تشبیه ۱۰: ۱۶، «دل نامختون» و روم. ۲: ۲۹
- د. حز. ۱۸: ۳۱-۳۲، «دل تازه»
- ه. حز. ۳۶: ۲۶، «دل تازه» در برابر «دل سنگی»

۱: ۲۵ «جایی که سرنوشت او بود» این حسن تعبیری از «لعنت شدگی» است. شیطان از او برای رسیدن به مقاصدش سود جست (ر.ک. لوقا ۲۲: ۳؛ یوحنا ۱۳: ۲۷، ۲). اما یهودا مسئول انتخابها و رفتار خود است (ر.ک. غلا. ۶: ۷).

۱: ۲۶ «قرعه انداختند» این کار زمینه ای عهدعتیقی دارد که مربوط می شود به استفاده کاهن اعظم از اوریم و تمیم در لا. ۱۶: ۸ یا افرادی که از همین شیوه استفاده می کردند (ر.ک. امثا. ۱۶: ۳۳؛ ۱۸: ۱۸). سربازان رومی نیز بر لباسهای عیسی قرعه انداختند (ر.ک. لوقا ۲۳: ۳۴). اما این آخرین باری است که در عهد جدید برای دانستن اراده خدا، از این شیوه استفاده می شود. اگر کسی بخواهد صحت این روش را بیازماید، باید بداند که اگر این شیوه برای گرفتن تصمیمات روحانی به صورت قاعده در بیاید، مایه تأسف بسیار خواهد گردید (مثلاً روش باز کردن کتاب مقدس با چشم بسته و انگشت گذاشتن بر یک آیه، برای دانستن اراده خدا!). ایمانداران باید بر اساس ایمان زندگی کنند نه بواسطه روشهای مکانیکی تعیین اراده خدا (مثل نشانه بر پشم گوسفند، ر.ک. داو. ۶: ۳۶، ۱۷-۴۰).

■ «متیاس» اوسیبوس می گوید او در فرستادن آن هفتاد تن به مأموریت شرکت داشته است (ر.ک. لوقا ۱۰). سنتهای متأخرتر بر این ادعا هستند که او در اتیوپی شهید گردید.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل افکار

این یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید. این پرسشها که برای بحث و تبادل افکار مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب فکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا عیسی به مدت ۴۰ روز با شاگردانش به سر می برد؟
۲. «تعمید در روح» چیست؟
۳. چرا آیه ۷ حائز اهمیت است؟
۴. چرا صعود عیسی اهمیت دارد؟
۵. چرا پطرس احساس می کرد ضروری است که کسی جایگزین یهودا شود؟
۶. چگونه پولس می تواند یک رسول باشد در حالیکه ویژگیهای رسالت در ۱: ۲۱-۲۲ را ندارد؟

**کارهای رسولان فصل ۲**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
روز پنطیکاست ۴-۱:۲	نزول روح القدس ۴-۱:۲	روز پنطیکاست ۴-۱:۲	نزول روح القدس ۴-۱:۲	نزول روح القدس ۴-۱:۲
			واکنش جمعیت	
۱۳-۵:۲	۱۳-۵:۲	۱۳-۵:۲	۱۳-۵:۲	۱۳-۵:۲
خطابه پطرس برای جمعیت	موعظه پطرس	موعظه پطرس	موعظه پطرس	پیام پطرس در پنطیکاست
۲۱-۱۴:۲	۲۱-۱۴:۲	۲۱-۱۴:۲	۳۹-۱۴:۲	۲۱-۱۴:۲
۲۸-۲۲:۲	۲۸-۲۲:۲	۲۸-۲۲:۲		۲۸-۲۲:۲
۳۵-۲۹:۲	۳۵-۲۹:۲	۳۶-۲۹:۲		۳۶-۲۹:۲
۳۶:۲	۳۶:۲			
نخستین تغییرها ۴۲-۳۷:۲		فراخوان توبه ۴۲-۳۷:۲		۴۲-۳۷:۲
	۳۹-۳۸:۲		رشد کلیسای زنده	
ایمان آوردن مسیحیان اولیه ۴۲:۲	۴۲-۴۰:۲		۴۷-۴۰:۲	
	روش زندگی ایمانداران			روش زندگی ایمانداران
۴۳:۲	۴۷-۴۳:۲	۴۷-۴۳:۲		۴۷-۴۳:۲
۴۵-۴۴:۲				
۴۷-۴۶:۲				

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه viii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر ...

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲: ۱-۴

وقتی روز پنتیکاست رسید، همه ایمانداران با هم در یکجا جمع بودند. ناگهان صدایی شبیه وزش باد شدید از آسمان آمد و تمام خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، پر ساخت. <sup>۳</sup> در برابر چشم آنان زبانه‌هایی مانند زبانه‌های آتش ظاهر شد، که از یکدیگر جدا گشته و بر هر یک از آنان قرار گرفت. <sup>۴</sup> همه از روح‌القدس پر گشتند و به طوری که روح به ایشان قدرت بیان بخشید، به زبانه‌های دیگر شروع به صحبت کردند.

۲: ۱ «پنتیکاست» این عید سالیانه یهود را «عید هفته‌ها» نیز می‌نامند (ر.ک. خروج ۲۲: ۳۴؛ تث. ۱۶: ۱۰). اصطلاح «پنتیکاست» به معنای «پنجاهم» است. این عید پنجاه روز (هفت هفته) پس از فصح برگزار می‌شد (یعنی با شمارش از روز دوم عید فطیر). در روزگار عیسی، برپایی این عید به سه منظور بود: (۱) یادبود اعطای شریعت به موسی (ر.ک. به جشنها ۱: ۱)؛ (۲) شکرگزاری از خدا برای برداشت محصول؛ و (۳) اهدای نوبرهای محصول گندم (به عنوان نشانه‌ای از مالکیت یهوه بر تمامی محصول). زمینه عهد عتیق در خرو. ۲۳: ۲۶-۱۷؛ ۳۴: ۲۲؛ لاو. ۲۳: ۱۵-۲۱؛ اعد. ۲۸: ۲۶-۳۱ و تث. ۱۶: ۹-۱۲ موجود است.

۲: ۱

NASB, NRSV «فرا رسید»

NKJV «کاملاً فرا رسید»

TEV «رسید»

NJB «از راه رسید»

از لحاظ لغوی: «پر شده بود». مصدر مفعولی در زمان حال است. این یک انتصاب الهی و تحقق اراده الهی بود. استفاده از این فعل فقط در نوشته‌های لوقا موجود است (ر.ک. لوقا ۸: ۲۳؛ ۹: ۵۱؛ اینجا و استعاره‌ای مشابه در لوقا ۲: ۶). تاریخ بشر توسط یهوه رقم می‌خورد. M. R. Vincent در جلد اول صفحه ۲۲۴ *Word Studies* به ما یادآور می‌شود که یهودیان این روز را به عنوان یک ظرف می‌دیدند که باید پر می‌شد. وقت پنتیکاست کاملاً فرارسیده بود! این زمانی نیز بود که خدا به طور خاص عصر روح‌القدس را، یعنی شروع کلیسا را تأسیس نمود.

□ «همه ایمانداران با هم در یکجا جمع بودند» مفهوم این عبارت، اتحاد و یگانگی در مکان و در فکر است (ر.ک. ۱: ۱۴). مشخص نیست این واقعه در کجا رخ داد. احتمالاً محل وقوع آن در «بالاخانه» بود (ر.ک. اعمال ۱: ۱۳؛ ۲: ۲)، اما در جایی از معبد نیز نامی به میان آمده است (ر.ک. لوقا ۲۴: ۵۳).

۲: ۲ «صدایی شبیه وزش باد شدید از آسمان آمد» در تمامی این بخش، تأکید بر روی صداست، نه باد و آتش. این واقعه مشابه پیدا. ۳: ۸ است. در عهد عتیق، واژه روواخ (*ruah*) به معنی نفس، باد و نیز روح‌القدس به کار می‌رود (ر.ک. حز. ۳۷: ۹-۱۴)؛ در عهد جدید از واژه یونانی نوما (*pneuma*) برای باد و روح‌القدس استفاده می‌شود (ر.ک. یوحنا ۳: ۵-۸). واژه به کار رفته برای باد در این آیه *pnoē* است. این واژه فقط در اینجا و نیز در ۱۷: ۲۵ استفاده شده است. در آیه ۴، واژه *pneuma* در مورد روح‌القدس به کار رفته است.

۲: ۳ «زبانه‌هایی مانند زبانه‌های آتش... از یکدیگر جدا گشت» این متن ظاهراً واقعه‌ای همراه با صدا و نور را توصیف می‌کند. آتش نورانی در ابتدا یکپارچه بود، اما از هم جدا شد و بر هر یک از مومنین قرار گرفت. هر که در بالاخانه بود اعم از رسولان، اعضای خانواده عیسی و شاگردان دیگر، تأییدی آشکار از نزول روح‌القدس بر خود را داشت. کلیسا متحد بود!

در عهد عتیق، آتش مظهر: (۱) حضور الوهیت؛ (۲) داوری (ر.ک. اش. ۶۶: ۱۵-۱۸)؛ یا (۳) طهارت (ر.ک. خرو. ۳: ۲؛ تث. ۵: ۴ و

متی ۳: ۱۱) است. لوقا با این قیاس می‌کوشد تا واقعه‌ای منحصر به فرد از ظهور فیزیکی روح‌القدس را بیان نماید.



عید پنطیکاست در میان یهودی گرایان به عنوان جشنی برای اعطای شریعت به موسی در کوه سینا درآمده بود (در کدام زمان، نامشخص است، تا قرن دوم میلادی و احتمالاً بسیار زودتر از آن، این امر جا افتاده بود). بنابراین صدای بلند باد و آتش می توانست یادآور هیبت نزول یهوه بر کوه حوریب باشد (ر.ک. خرو. ۱۶:۱۹).

□ «هر یک از آنان» تفاوتی میان رسولان و دیگر شاگردان از زن و مرد نبود (ر.ک. یوئیل ۲: ۲۸-۳۲؛ اعمال ۲: ۱۶-۲۱).

۴:۲ «همه از روح القدس پرگشتند»: «پر شدن» تکرارپذیر است (ر.ک. ۲: ۴؛ ۴: ۴؛ ۸: ۳۱؛ ۶: ۵؛ ۳: ۵؛ ۷: ۵۵؛ ۹: ۱۷؛ ۱۱: ۲۴؛ ۱۳: ۹). این امر به مفهوم روزانه شبیه مسیح شدن است (ر.ک. افس. ۵: ۱۸ در مقایسه با کول. ۳: ۱۶). این موضوع با تعمید روح القدس که نشانگر تجربه اولیه مسیحی یا الحاق شخص به بدن مسیح (ر.ک. اقرن. ۱۲: ۱۳؛ افس. ۴: ۴-۵) تفاوت دارد. پر شدن عبارت از یافتن قدرت روحانی برای خدمت موثر، و در اینجا به منظور بشارت، است! به یادداشت ۳: ۱۰ نگاه کنید.

۴:۲

«شروع به صحبت کردن با زبانهای دیگر نمودند»	NASB, NRSV
«شروع به صحبت کردن به زبانهای دیگر نمودند»	NKJV
«به زبانهای دیگر شروع به صحبت کردند»	TEV
«شروع به صحبت کردن به زبانهای متفاوتی نمودند»	NJB

در معنای لغوی واژه (*heterais glōssais*) به معنای «زبانهای دیگر» است. ترجمه «زبانهای مختلف» بیانگر درک این اصطلاح بر اساس متن آیات ۶ و ۱۱ است. برگردان ممکن دیگر «اظهارات جذبه ای» بر اساس اقرن. ۱۲-۱۴ و احتمالاً اعمال ۲: ۱۳ است. تعداد زبانهای مختلفی که ادا می شد مشخص نیست، اما شمارشان زیاد بود. حاصل جمع تمامی کشورها و مناطق آیات ۹-۱۱، بیش از بیست است. در آن جمع ۱۲۰ نفری، احتمالاً تعدادی به یک زبان سخن می گفتند.

خدا کاری منحصر به فرد و مقتدرانه کرد تا این گروه کوچک زنان و مردان هراسیده و منتظر در آن بالاخانه، اعلام کنندگان دلیر انجیل گردند (از زن و مرد). نشانه اولیه نزول روح القدس موعود هر چه بود، بیانگر تأیید پذیرفته شدن گروههای دیگر (به طور مثال: سامریان، افسران رومی و غیریهودیان) توسط خدا نیز بود. «زبانها» در اعمال همواره نشانه ای برای ایمانداران بود مبنی بر اینکه انجیل بر محدودیت دیگر نژادی و جغرافیایی چیره شده است. تفاوت آشکاری میان زبانهای اعمال و خدمات بعدی پولس در قرنتس وجود دارد (ر.ک. اقرن. ۱۲-۱۴). از لحاظ الهیاتی این امکان وجود دارد که پنطیکاست در تقابل مستقیم با برج بابل (ر.ک. پید. ۱۰-۱۱) قرار بگیرد. هنگامی که انسانها سرکش و مغرور مدعی استقلال شدند (یعنی از پراکنده شدن و پر کردن زمین امتناع ورزیدند)، خدا اراده خود را با چند زبان کردن آنها اعمال نمود. اکنون در عصر جدید روح القدس، ملی گرایی که انسانها را از اتحاد با هم بازمی داشت (یعنی از اینکه در یک پادشاهی آخر شناختی وارد شوند)، برای ایمانداران برگردانیده شده است. مشارکت مسیحی فراتر از هر مرز انسانی (اعم از سن، جنسیت، طبقه، جغرافیا و زبان) بازگشت به پیش از عواقب پیدایش ۳ است.

□ «به طوریکه روح به ایشان قدرت بیان بخشید» فعل لازم غیر کامل اخباری به معنی: روح شروع به قدرت بخشیدن به آنها کرد. واژه «قدرت بیان» (*apophtheggomai*) یک مصدر حال متعدی (به ظاهر مجهول و در معنی معلوم) است. این اصطلاح فقط توسط لوقا در کتاب اعمال مورد استفاده قرار گرفته است (ر.ک. ۲: ۴، ۱۴؛ ۲۶: ۲۵). در ترجمه هفتاد برای سخن گفتن انبیا به کار رفته است (یعنی در سخنگویی به الهام روح القدس، ر.ک. تث. ۳۲: ۲؛ آتو. ۲۵: ۱؛ حز. ۱۳: ۱۹، ۹؛ میکا ۵: ۱۱؛ زکر. ۱۰: ۲).

شخصاً این تفسیر را به تفسیر کلاسیک ریشه یابی لغت یونانی با معنای «صدای بلند»، «برانگیختن به سخنگویی» یا «سخنرانی بدیع در سطح بالا» ترجیح می دهم. لوقا با ترجمه هفتاد آشنایی داشت و تحت تأثیر واژگان آن بود.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲: ۵-۱۳

در آن زمان یهودیان خداپرست از جمیع ملل زیر آسمان، در اورشلیم اقامت داشتند. وقتی آن صدا به گوش رسید، جمعیت گرد آمدند و چون هر کس به زبان خود سخنان ایمانداران را شنید، همه غرق حیرت شدند و در کمال تعجب اظهار داشتند: «مگر همه این کسانی که صحبت می کنند جلیلی نیستند؟ پس چطور است که هر یک از ما پیام آنان را به زبان خودمان می شنویم؟»<sup>۹</sup> اما که از پارتیان و مدایان و عیلامیان و اهالی بین النهرین و یهودیه و کپدوکیه و پنطس و استان آسیا<sup>۱۰</sup> و فریجیه و پمفلیه و مصر و نواحی لیبی که متصل به قیروان است و زائران رومی،<sup>۱۱</sup> هم یهودیان و هم آنانی که دین یهود را پذیرفته اند، و اهالی کریت و عربستان هستیم، شرح کارهای بزرگ خدا را به زبان خودمان می شنویم.»<sup>۱۲</sup> همه حیران و سرگردان به یکدیگر می گفتند: «یعنی چه؟»<sup>۱۳</sup> اما بعضی مسخره کنان می گفتند: «اینها از شراب تازه مست شده اند.»

۵: ۲ «خداپرست» این اصطلاح به معنی «خوب نگاه داشتن چیزی» است (ر.ک. ترجمه هفتاد لاو. ۱۵: ۳۱؛ میکا ۷: ۲). در مورد یهودی گرایی قرن اول میلادی، مفهوم آن احترام گذاشتن به خدا و سنتهای مشایخ است (یعنی: سنتهای سینه به سینه منتقل شده که تلمود را تشکیل می داد). اینها مردان دین دار و پرهیزکار بودند (ر.ک. ۸: ۲؛ ۲۲: ۱۲؛ لوقا ۲: ۲۵).

□ «از جمیع ملل زیر آسمان» همه مردان یهودی به شدت ترغیب می شدند تا در سه عید سالیانه اصلی در محل معبد (ر.ک. تث. ۱۶: ۱۶)، شرکت کنند (ر.ک. لاو. ۲۳). حاضران عبارت بودند از (۱) احتمالاً زائران که از تمامی منطقه مدیترانه برای عید فصح به اورشلیم آمده بودند و تا پنطیکاست همانجا مانده بودند و (۲) ساکنان دائمی که از جایی در خارج از اورشلیم آمده بودند (ر.ک. به کاربرد این واژه در ۴: ۱۶؛ ۷: ۲۴؛ ۹: ۳۲، ۲۲).

۶: ۲ «وقتی آن صدا به گوش رسید» می تواند اشاره به (۱) صدای وزش باد شدید (ر.ک. آیه ۲) یا (۲) صدای ایمانداران که به زبانهای دیگر سخن می گفتند (ر.ک. آیه ۴)، باشد.

۴: ۲

NASB, NRSV, NJB «مات و مبهوت»

«گیج»

NKJV

«غرق حیرت»

TEV

در اصل به معنی "خود را جمع کردند" در معنای "توقف کردند یا ساکت شدند" است (ر.ک. لوقا ۸: ۴۵؛ ۱۹: ۴۳؛ ۲۲: ۶۳). گاهی این اصطلاح به استعاره برای فکر و احساسات نیز به کار می رود (ر.ک. لوقا ۸: ۳۷؛ ۱۲: ۵۰ و شکل دیگری از این اصطلاح در لوقا ۲۱: ۲۵). در ترجمه هفتاد از همین اصطلاح در پید. ۱۱: ۷-۹، در رابطه با تشویش زبانها در برج بابل، استفاده شده است. من معتقدم که پنطیکاست بازگشت نمادین از ملی گرایی آغاز شده در برج بابل است که اول برای تنبیه ارتداد گناه آلود بشریت از اراده خدا برای پراکنده شدن و دوم به منظور حفاظت از بشریت از جهانی تک دولتی آغاز شد. *The Jerome Biblical Commentary* جلد ۲، صفحه ۱۷۲ نیز با استفاده از واژه *diamezizō* در اعمال ۲: ۳، که به ندرت به کار می رود اما در ترجمه هفتاد تث. ۳۲: ۸ برای پراکندگی از برج بابل مورد استفاده قرار گرفته، بر این دیدگاه تأکید می ورزد. ایمانداران دیگر از لحاظ ملیت جدا از هم نیستند!

□ «جمعیت گرد آمدند» مفهوم ضمنی آن این است که این واقعه در محوطه معبد رخ داده است زیرا جمعیت زیاد نمی توانست در یک بالاخانه یا کوچه های باریک اورشلیم گرد آید.

□ «هر کس به زبان خود سخن ایمانداران را شنید» ممکن است این رویداد، معجزه ای شنیداری بوده باشد، نه گفتاری (ر.ک. آیات ۸ و ۱۱). در صورتی که هر کس از آن جماعت بزرگ در عین حال به زبانی دیگر سخن می گفت، اغتشاش زیادی بوجود می آمد. این برگشت الهیاتی برج بابل است (ر.ک. پید. ۱۱).

واژه یونانی *dialektos* (ر.ک. آیه ۸) در اینجا، ریشه واژه انگلیسی "dialect" به معنی گویش است. لوقا اغلب از این واژه در اعمال استفاده می کند (ر.ک. ۱: ۱۹؛ ۲: ۸؛ ۶: ۲۱؛ ۲۲: ۴۰؛ ۲۶: ۱۴). در اینجا به معنی «زبان» مورد استفاده قرار گرفته است. اما در این متن، منظور از گویش (زبان) می تواند معنی نیز باشد. این یهودیان به زبان مادری خود درباره عیسی می شنیدند. این به معنی نشانه تأییدی برای آنها از حقیقت این پیام جدید، درباره خدا بود.

۷:۲ به تمامی واژگان متفاوتی که بیانگر احساسات بالا در این متن است، توجه کنید:

۱. *sunechō* «غرق حیرت شدند» (آیه ۶)
۲. *existēmi*، «در کمال تعجب» (آیه ۷)
۳. *thaumazō* «حیران» (آیه ۷، ۱۲)
۴. *diaporeō* «سرگردان» (آیه ۱۲)

▣ «مگر همه این کسانی که صحبت می کنند جلیلی نیستند» این پرسش لفظی بخاطر لهجه شمالی آنان پرسیده شد (یعنی همان گویش ایشان، ر.ک. متی ۲۶: ۷۳). کلمه «مگر» برگردان واژه یونانی *idou* است که بیست و سه بار در کارهای رسولان و نیز انجیل لوقا به کار رفته است.

۹:۲ «پارتیان و مادبان و عیلامیان و اهالی بین النهرین» همگی آنان از جلگه هلالی شکل حاصلخیز اطراف بین النهرین بودند، همان جایی که ابراهیم فراخوانده شد (اور کلد، ر.ک. پید. ۱۱: ۲۸) و اسرائیل و یهودا در آنجا به اسارت رفتند (آشور، بابل).

▣ «یهودیه» چرا یهودیه در میانه دو کشور نامربوط آمده است؟ چرا این منطقه بدون حرف اضافه صحیح خود به کار رفته است؟ چرا باید مردمان یهودیه از اینکه جلیلی ها به زبان آرامی سخن می گفتند، تعجب نمایند؟ به سبب این پرسشها، بسیاری معتقدند خطای رونوشت برداری در اینجا رخ داده و این واژه به ملیت دیگری اشاره دارد.

۱. ترولیان، آگوستین - ارمنستان

۲. ژروم - سوریه

۳. کریسوستوم، اراسموس - هندوستان

۴. برای مطالعه چند پیشنهاد جدید ر.ک. Bruce M. *A Textual Commentary on the Greek New Testament* نوشته

Metzger ص. ۲۹۳

۹:۱۰ «کپدوکیه و پنطس و استان آسیا و فریجیه و پمفلیه» اینها گروههای ساکن در ترکیه امروزی بودند.

۱۰:۱۰ «مصر و نواحی لیبی که متصل به قیروان است» اینها گروههای ساکن در شمال آفریقا بودند.

▣ «زائران رومی» زائران یهودی که در این برهه از زمان به مسیح ایمان آوردند، ممکن است تشکیل دهندگان اولیه کلیسای روم بوده باشند.

▣ «آنانی که دین یهود را پذیرفته اند» اشاره به غیریهودیانی است که به یهودیت گرویده بودند و ضرورت داشت: (۱) شریعت موسی را نگاه دارند؛ (۲) مردانشان ختنه شوند، (۳) خود را در برابر شاهدان تعمیم دهند؛ و (۴) در زمان ممکن، در معبد یک قربانی بگذرانند. آنها در اورشلیم حاضر بودند زیرا تمامی مردان یهودی موظف به شرکت در سه عید که سالیانه برگزار می شد، بودند (ر.ک. خرو. ۲۳ و لاو. ۲۳)

۱۱:۲ «اهالی کریت» جزیره بزرگی که در دریای مدیترانه و در نزدیکی ترکیه قرار داشت. امکان دارد این جزیره به عنوان نماینده تمامی جزایر دریای اژه به کار رفته باشد.

□ «اهالی... عربستان» اشاره به نسلهای عیسو است. آنان قبیله های بی شمار عرب را تشکیل می دادند که در جنوب خاور نزدیک پراکنده شده بودند. این فهرست نمایانگر یهودیان قرن اول در تمامی جهان شناخته شده بود. شاید کنایه ای باشد از هفتاد زبان جهان که نماد یهودیان از کل بشریت بود (ر.ک. لوقا ۱۰). همین ایده در تث. ۸: ۳۲ در ترجمه هفتاد نیز به چشم می خورد.

۲: ۱۲ زائران مزبور، این واقعه خاص را نشانه ای حائز اهمیت دانستند. پطرس از فرصت استفاده می کند تا به پرسشهای آنان پاسخ دهد.

۲: ۱۳ «مست شده اند» این یک فعل اضافی مفعولی اخباری کامل است که اظهار می دارد رسولان آنقدر شراب نوشیده اند که مست و سرخوش شده اند.

□ «شراب تازه» یک تعبیر از شرایط موجود آن بود که پیروان عیسی مست کرده اند (ر.ک. افس. ۵: ۱۸ الف). اما مستی چگونه می توانست تواناییهای زبانی آنان را تشریح کند؟ یقین دارم که جو هیجان و شادی در آنجا موج می زد.

### عنوان خاص: دیدگاه کتاب مقدس در مورد الکل (تخمیر) و الکی شدن (اعتیاد)

#### ۱. اصطلاحات کتاب مقدسی

##### أ. عهد عتیق

(۱) *Yayin* - این اصطلاح عمومی برای شراب، ۱۴۱ بار به کار رفته است. ریشه این اصطلاح نامعلوم است زیرا ریشه عبری ندارد. این واژه همواره به معنی آب میوه، معمولاً آب انگور تخمیر شده بکار می رود. چند متن نمونه عبارتند از: پید. ۹: ۲۱؛ خرو. ۲۹: ۴۰؛ اعد. ۱۵: ۱۰، ۵.

(۲) *Tirosh* - به معنی «شراب تازه». به سبب شرایط آب و هوایی شرق نزدیک، تخمیر از حدود شش ساعت پس از گرفتن آب میوه آغاز می شد. این واژه اشاره به شرابی دارد که در حال تخمیر شدن است. متون نمونه عبارتند از: تث. ۱۲: ۱۷؛ ۱۸: ۴؛ اش. ۶۲: ۸-۹؛ هوشع ۴: ۱۱.

(۳) *Asis* - این واژه آشکارا به نوشیدنی های الکی اشاره دارد (یوئیل ۱: ۵؛ اش. ۴۹: ۲۶).

(۴) *Sekar* - اصطلاحی برای «نوشیدنی الکی قوی» است. ریشه عبری آن به معنی «مست» یا «مستی» به کار می رود. به این نوشیدنی چیزی می افزودند تا سرخوشی را بیشتر کند. معادل واژه *yayin* است (ر.ک. امث. ۲۰: ۱؛ ۳۱: ۶؛ اش. ۲۸: ۷).

##### ب. عهد جدید

(۱) *Oinos* در زبان یونان معادل *yayin* است که در بالا توضیح داده شد.

(۲) *Neos oinos* (شراب تازه) - معادل یونانی *tirosh* (ر.ک. مرقس ۲: ۲۲)

(۳) *Gleuchos vinos* (شراب شیرین، *asis*) - شراب در اولین مراحل تخمیر (ر.ک. اعمال ۲: ۱۳).

#### ۲. کاربرد کتاب مقدسی

##### أ. عهد عتیق

(۱) شراب هدیه ای از جانب خداست (پید. ۲۷: ۲۸؛ مز. ۱۰۴: ۱۴-۱۵؛ جامعه ۹: ۷؛ هوشع ۲: ۸-۹؛ یوئیل ۲: ۲۴؛ ۱۹: ۹؛ ۱۳: زکر. ۱۰: ۷)

(۲) شراب بخشی از قربانیها بود (خرو. ۲۹: ۴۰؛ لاو. ۲۳: ۱۳؛ اعد. ۱۵: ۱۰؛ ۷: ۲۸؛ ۱۴: تث. ۱۴: ۲۶؛ داو. ۹: ۱۳).

(۳) شراب به عنوان دارو به کار می رود (۲ سمو. ۱۶: ۲؛ امثا. ۳۱: ۶-۷).

(۴) شراب می تواند یک مشکل واقعی باشد (نوح - پید. ۹: ۲۱، لوط - پید. ۱۹: ۳۳، ۳۵؛ سامسون - داو. ۱۶: ۱۹؛ نابال - ۱ سمو. ۲۵: ۳۶؛ اوریا - ۲ سمو. ۱۱: ۱۳؛ آمون - ۲ سمو. ۱۳: ۲۸؛ ایله - ۱ پاد. ۱۶: ۹؛ بنهدد - ۱ پاد. ۲۰: ۱۲؛ حاکمان - عاموس ۶: ۶؛ و زنان - عاموس ۴).

- ۵) شراب را می توان بد استعمال کرد (امثا. ۲۰: ۱؛ ۲۳: ۲۹-۳۵؛ ۳۱: ۴-۵؛ اش. ۵: ۲۲، ۱۱؛ ۱۹: ۱۴؛ ۲۸: ۷-۸؛ هوشع ۴: ۱۱).
- ۶) مصرف شراب برای برخی از گروهها ممنوع بود (کاهنان در حال انجام وظیفه، لاو. ۱۰: ۹؛ حز. ۴۴: ۲۱؛ نذیره ها، اعد. ۶: ۶ و حاکمان، امث. ۳۱: ۴-۵؛ اش. ۵۶: ۱۱-۱۲؛ هوشع ۷: ۵).
- ۷) شراب در صحنه های مربوط به زمان آخر به کار رفته است (عاموس ۹: ۱۳؛ یوئیل ۳: ۱۸؛ زکر. ۹: ۱۷).
- ج. نوشتجات بین الهیدین
- ۳) میانه روی در استفاده شراب بسیار کمک کننده است (اکلسیاستیکوس ۳۱: ۲۷-۳۰).
- ۴) علمای دینی می گویند: «شراب بهترین دارو هاست، جایی که شراب نباشد، وجود داروها ضروری می گردد.» (BB 58b).
- د. عهد جدید

- ۱) عیسی مقدار زیادی آب را به شراب تبدیل کرد (یوحنا ۲: ۱-۱۱).
- ۲) عیسی شراب می نوشید (متی ۱۱: ۱۸-۱۹؛ لوقا ۷: ۳۳-۳۴؛ ۲۲: ۱۷ به بعد).
- ۳) در روز پنطیکاست، پطرس متهم به مستی با «شراب تازه» شد (اعمال ۲: ۱۳).
- ۴) شراب را می توان بجای دارو مصرف کرد (مرقس ۱۵: ۲۳؛ لوقا ۱۰: ۳۴؛ آتیمو. ۵: ۲۳).
- ۵) رهبران نباید شراب زیاد بنوشند. این به معنی اجتناب کامل از آن نیست (آتیمو. ۳: ۳؛ ۸: ۳؛ تیطس ۱: ۷؛ ۲: ۳؛ ۱ پطرس. ۴: ۳).
- ۶) شراب در صحنه های مربوط به زمان آخر وجود دارد (متی ۲۲: ۱ به بعد؛ مکا. ۱۹: ۹).
- ۷) مستی پلید و رقت آور است (متی ۲۴: ۴۹؛ لوقا ۱۱: ۴۵؛ ۲۱: ۳۴؛ ۱۱-۱۳: ۶؛ ۱۰: ۵؛ غلا. ۵: ۲۱؛ ۱ پطرس. ۴: ۳؛ روم. ۱۳: ۱۳-۱۴).

### ۳. دیدگاه الهیاتی

#### ا. دیدگاه منطقی

- ۱) شراب هدیه ای از جانب خداست.
- ۲) مستی مسئله ای اساسی است.
- ۳) ایمانداران در برخی از فرهنگها باید آزادیهای خود را به خاطر انجیل محدود کنند (متی ۱۵: ۱-۲۰؛ مرقس ۷: ۱-۲۳؛ ۱۳: ۱-۸؛ روم. ۱۴: ۱-۱۵؛ ۱۳: ۱۴).
- ب. تمایل به تخطی از محدودیت پذیری
- ۱) خدا سرمنشأ همه چیزهای نیکوست (خلقت "بسیار نیکو" است، پید. ۱: ۳۱).
- ۲) بشریت سقوط کرده، با تخطی از محدودیتهایی که خدا قرار داده، تمامی هدایای خدا را بد استعمال می کند.
- ج. سوء استعمال در وجود ماست نه در وسایلی که در دستمان قرار می گیرند. در خلقت جهان مادی هیچ چیز پلیدی وجود ندارد (ر.ک. مرقس ۷: ۱۸-۲۳؛ روم. ۱۴: ۲۰؛ ۱۴: ۲۰؛ ۱۴: ۲۰؛ ۲۵-۲۶؛ آتیمو. ۴: ۴؛ تیطس ۱: ۱۵).

### ۴. فرهنگ یهودیان و تخمیر در قرن اول

- ا. تخمیر در آب و هوای گرم با شرایط غیربهداشتی، خیلی زود یعنی حدود ۶ ساعت پس از کوبیدن انگور آغاز می شود.
- ب. سنت یهود بیان می دارد که وقتی کف کمی بر روی سطح پیدا شد (نشانه تخمیر)، شراب برای دادن ده یک شراب آماده است (Ma aseroth ۱: ۷). به این شراب، «شراب تازه» یا «شراب شیرین» می گویند.
- ج. پس از یک هفته، تخمیر شدید اولیه به پایان می رسد.

د. تخمیر ثانویه حدود ۴۰ روز به طول می انجامید. در این حالت، محصول بدست آمده را «شراب کهنه» می نامیدند و گذرانیدن آن بر ذیح مجاز بود (*Edhuyyoth* ۶: ۱).

ه. شرابی که روی لرد خود می ماند (شراب کهنه) شراب خوبی محسوب می شد، اما می بایست پیش از مصرف، خوب صاف می شد.  
و. شرابی که یک سال از تخمیرش می گذشت، شراب خوب می نامیدند. بیشترین دوره ای که شراب را می توانستند انبار کنند، سه سال بود. به آن شراب، «شراب کهنه» می گفتند و با آب رقیقش می کردند.  
ز. در یکصد سال گذشته با ایجاد شرایط بهداشتی و افزودنیهای شیمیایی، می توان تخمیر را به تأخیر انداخت. در جهان باستان روند طبیعی تخمیر قابل توقف نبود.

#### ۵. عبارات پایانی

أ. نگذارید تجربه شما، الهیات و تفسیرتان از کتاب مقدس، عیسی و فرهنگ قرن اول یهود و/یا مسیحی را زیر سؤال ببرد! آنها آشکارا کاملاً از استعمال شراب و نوشیدنیهای الکلی پرهیز نمی کردند.  
ب. من مدافع استفاده از الکل در جمع نیستم. اما، بسیاری بر موضع کتاب مقدس در این مورد اغراق می کنند و مدعی تقوای برتر براساس جهت گیری فرهنگی/فرقه ای هستند.  
ج. از نظر من، رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ و آقرنتیان ۸-۱۰ دیدگاه و راهنماییهای براساس محبت و احترام به ایمانداران دیگر و نیز انتشار انجیل در همه فرهنگها را ارائه کرده اند و نه بر پایه آزادی فردی یا انتقاد و ایراد گیری. اگر کتاب مقدس تنها منبع ایمان و رفتار ماست، پس شاید لازم باشد درباره این مسئله دوباره ببیندیشیم.  
د. اگر ما بر پرهیز کامل از نوشیدن مسکرات به عنوان اراده خدا، پافشاری کنیم، رفتار عیسی یا فرهنگهای امروزی (مثلا اروپا، اسرائیل یا آرژانتین) را که به طور معمول شراب می نوشند، چگونه ارزیابی می کنیم؟

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲: ۱۴-۲۱

<sup>۱۴</sup> اما پطرس با آن یازده رسول برخاست و صدای خود را بلند کرد و خطاب به جماعت گفت: «ای یهودیان و ای ساکنان اورشلیم، توجه کنید: بدانید و آگاه باشید که <sup>۱۵</sup> برخلاف تصور شما، این مردان مست نیستند؛ زیرا اکنون ساعت نه صبح است <sup>۱۶</sup> بلکه این همان چیزی است که یوئیل نبی گفت: <sup>۱۷</sup> خدا می فرماید در زمان آخر چنین خواهم کرد: از روح خود بر همه مردم فرو خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد و جوانان شما رؤیاها و پیران شما خوابها خواهند دید. <sup>۱۸</sup> آری، حتی بر غلامان و کنیزان خود در آن روزها از روح خود فرو خواهم ریخت و ایشان نبوت خواهند کرد. <sup>۱۹</sup> و در آسمان شگفتیها و بر روی زمین نشانههایی ظاهر خواهم نمود، یعنی خون، آتش و دود غلیظ. <sup>۲۰</sup> پیش از آمدن آن روز بزرگ و پر شکوه خداوند، خورشید تاریک خواهد شد و ماه رنگ خون خواهد گرفت <sup>۲۱</sup> و چنان خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت.

۲: ۱۴ «پطرس» فکرش را بکنید، از میان تمامی رسولان، پطرس کسی بود که اولین موعظه مسیحی را ایراد کرد! کسی که آشنایی با عیسی را سه بار منکر شد (ر.ک. لوقا ۲۳)! تغییر حالت پطرس از بزدلی و انکار به شجاعت و دیدگاه روحانی، یکی دیگر از شواهد طلوع عصر روح القدس با قدرت تغییر دهنده او در زندگی هاست. این نخستین موعظه ثبت شده او در کتاب اعمال است. این موعظه محتوا و تأکید پیام رسولات را به ما نشان می دهد. پیامهای رسولان بخش مهمی از اعمال را شکل می دهند.



□ «ساعت سوم» یا همان ساعت ۹ صبح. آن موقع از روز، وقت گذراندن قربانی صبحگاهی روزانه در معبد و زمان دعای مخصوص یهودیان بود. «ساعت سوم» شاخص یهودیان از وقت بود. نویسندگان عهد جدید (خصوصاً یوحنا) هر دو شاخص زمانی یهودیان و رومیان را به کار می‌برند.

۲: ۱۶ «این همان چیزی است که یوئیل نبی گفت» نقل قول از یوئیل ۲: ۲۸-۳۲ از ترجمه هفتاد. ممکن است شخص عیسی منبع شناسایی تحقق این متن نبوتی بوده باشد (ر.ک. لوقا ۲۴: ۲۷).

۲: ۱۷ «در زمان آخر» احتمالاً این تغییری است که لوقا در متن ترجمه هفتاد داده است. در عهد عتیق این عبارت اشاره دارد به زمان آخر و عصر بازگشت مسیحایی. در عهد جدید، «زمان آخر» مربوط می‌شود به برهم افتادگی دو عصر یهود. عصر جدید از جسم‌گیری عیسی در بیت‌لحم آغاز شد و تا زمان بازگشت دوباره او ادامه دارد. ما در تنش میان «آنچه تا حال رخ داده» و «آنچه هنوز انجام نشده» در پادشاهی خدا، زندگی می‌کنیم.

### عنوان خاص: این عصر و عصر آینده

انبیای عهد عتیق به آینده به عنوان دنباله زمان حال می‌نگریستند. برای آنان، آینده زمان اعاده جغرافیایی اسرائیل است. اما حتی ایشان نیز روزی جدید در آینده می‌دیدند (ر.ک. اش. ۶۵: ۱۷؛ ۶۶: ۲۲). با ادامه پشت کردن خودسرانه نسلهای ابراهیم به یهوه (حتی پس از بازگشت از اسارت)، در ادبیات مکاشفه ای میان عهدی یهودیان الگوی تازه ای شکل گرفت (بطور مثال در اول خنوخ، چهارم عزرا، دوم باروخ). این نوشته‌ها میان دو عصر تمایز قایل می‌شوند: عصر حاضر شریر که تحت سلطه شیطان است، و عصر آینده عدالت که روح خدا آن را تحت تسلط دارد و توسط مسیح موعود (که اغلب جنگجویی پرتحرک تصویر می‌شد) تأسیس خواهد گردید.

در این حوزه از الهیات (آخرشناختی) پیشرفت آشکاری وجود دارد. متألهین به آن «مکاشفه تدریجی» می‌گویند. عهد جدید این حقیقت جهانی جدید در مورد دو عصر را تأیید می‌نماید (که گونه ای دوگانگی موقتی است) به جدول زیر توجه بفرمایید:

عبرانیان	پولس	عیسی
۲: ۱	رومیان ۱۲: ۲	متی ۱۲: ۳۲
۵: ۶	۱ قرن. ۱: ۲۰؛ ۲: ۶؛ ۳: ۱۸	متی ۱۳: ۲۲ و ۲۹
۳: ۱۱	۲ قرن ۴: ۴	
	غلاطیان ۱: ۴	
	افس. ۱: ۲۱؛ ۲: ۷؛ ۳: ۱۲؛ ۶: ۱۲	مرقس ۱۰: ۳۰
	۱ تیمو. ۶: ۱۷	
	۲ تیمو. ۴: ۱۰	لوقا ۱۶: ۸
	تیطس ۲: ۱۲	لوقا ۱۸: ۳۰
		لوقا ۲۰: ۳۴-۳۵

در الهیات عهد جدید، این دو عصر یهود، به خاطر غیرمنتظره بودن و نیز چشم‌پوشی از پیشگویی‌های مربوط به دوبار آمدن مسیح موعود، همپوشی دارند. جسم‌گیری عیسی نبوت‌های عهد عتیق در مورد تأسیس عصر جدید را تحقق بخشید. اما، عهد عتیق بر او به هنگام آمدنش به عنوان داوود و سردار فاتح نیز چشم دارد، در حالیکه در هنگام آمدن اول او فقط در صورت خدمتگزار رنج‌بر (ر.ک. اش. ۵۳)،



با فروتنی و افتادگی (ر.ک. زکر. ۹: ۹) ظاهر شد. او با قدرت بازخواهد گشت درست همانگونه که عهد عتیق پیشگویی کرده است (ر.ک. مکا. ۱۹). این تحقق دو مرحله ای موجب شده است که پادشاهی خدا در حال حاضر (تأسیس شده) و در عین حال در آینده (کاملاً برقرار نشده) باقی بماند. این همانا تنش عهد جدید در مورد آنچه انجام شده ولی هنوز کامل نشده، است.

- «**خدا می فرماید**» ترجمه آن در Codex Bzae، نسخه D، به زبان یونانی *kurios* (خداوند) آمده است. آیا *kurios* اشاره به یهوه عهد عتیق است یا به عیسی، مسیح موعود؟ امکان دارد تلاش نویسنده برای روشن کردن سخنگوی این کلام یعنی *Theos* (خدا) بوده باشد.
- «**از روح خود بر همه مردم فرو خواهیم ریخت**» به عنصر جهان شمول این عبارت توجه کنید (ر.ک. آیه ۳۹). تمامی مرزهای سنتی قدیمی در مسیح فرو می ریزد (ر.ک. ۱ قرن. ۱۲: ۱۳؛ غلا. ۳: ۲۸؛ افس. ۳: ۶؛ کول. ۳: ۱۱). هرچند در یوئیل ۲ اشاره ای به تمایز میان یهود و غیریهود نشده است، با توجه به آیه ۳۸، مفهوم ضمنی آن این است که تمایزی میان این دو وجود ندارد. یهوه روح خود را با تمامی انسانهایی (در اصل: «تمامی بشر») که به شباهت او آفریده شدند، به شراکت می گذارد، چنانکه در پید. ۱: ۲۶-۲۷ بیان شده است.
- «**پسران و دختران شما نبوت خواهد کرد ... حتی بر غلامان و کنیزان خود ... از روح خود فرو خواهیم ریخت**» توجه کنید که هیچگونه تمایز جنسیتی در میان نیست.

## عنوان خاص: زنان در کتاب مقدس

### ۱. عهد عتیق

- ا. زنان از لحاظ فرهنگی، به عنوان دارائی محسوب می شدند.
  ۱. در فهرست دارایی، نامشان می آمد (خروج ۲۰: ۱۷)
  ۲. طرز رفتار با کنیزان (خروج ۲۱: ۷-۱۱)
  ۳. نذر زنان توسط قیم مرد او قابل انحلال یا ممانعت است (اعداد ۳۰)
  ۴. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۰-۱۴؛ ۲۱: ۱۰-۱۴)
- ب. در عمل توازنی در میان بود.
  ۱. مرد و زن در شباهت خدا آفریده شدند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷)
  ۲. احترام به پدر و مادر (خروج ۲۰: ۱۲ [تث. ۵: ۱۶])
  ۳. تکریم مادر و پدر (لاویان ۱۹: ۳؛ ۲۰: ۹)
  ۴. مردان و زنان می توانستند نذیره باشند (اعداد ۶: ۱-۲)
  ۵. دختران ارث می بردند (اعداد ۲۷: ۱-۱۱)
  ۶. بخشی از قوم وعده بودند (تثنیه ۲۹: ۱۰-۱۲)
  ۷. به تعلیم پدر و مادر گوش فراده (امثال ۱: ۸؛ ۶: ۲۰)
  ۸. پسران و دختران هیمان (از خاندان لاوی) در معبد موسیقی می نواختند (اتوا. ۲۵: ۵-۶)

۹. پسر و دختر در عصر جدید نبوت خواهند کرد (یوئیل ۲: ۲۸-۲۹)

ب. زنان در نقش رهبری بودند

۱. مریم، خواهر موسی، نبیه خوانده می شد (خروج ۱۵: ۲۰-۲۱)
۲. زنانی که خدا به آنها موهبت بخشیده بود تا برای خیمه مقدس پارچه بیافند (خروج ۳۵: ۲۵-۲۶)
۳. دبوراه، نیز نبیه ای بود (ر.ک. داو. ۴: ۴) که همه قبیله های اسرائیل را رهبری کرد (داوران ۴: ۴-۵؛ ۵: ۷)
۴. حلده نبیه ای بود که یوشیای پادشاه از وی خواست تا "کتاب شریعت" که تازه پیدا شده بود، بخواند و تفسیر کند (۲ پاد. ۲۲: ۱۴؛ ۲ توا. ۳۴: ۲۲-۲۷)
۵. ملکه استر، زنی خداترس بود که یهودیان را در پارس نجات داد.

## ۲. عهد جدید

أ. از لحاظ فرهنگی چه در میان یهودیان و چه در جهان یونانی-رومی، زنان شهروندان درجه دوم محسوب می شدند و حقوق و مزایای اندکی داشتند. (مقدونیه در این میان استثنا بود.)

ب. زنان در نقش رهبری

۱. الیزابت و مریم، زنان خداترس آماده به خدمت خدا بودند (لوقا ۱-۲)
۲. حنا، زن خداترس خدمتگزار در معبد خدا بود (لوقا ۲: ۳۶)
۳. لیدیا، ایماندار و رهبر کلیسای خانگی (اعمال ۱۶: ۱۴، ۴۰)
۴. چهار دختر باکره فیلیس نبیه بودند (اعمال ۲۱: ۸-۹)
۵. فیبی، شماسه کلیسای کنخریه (روم. ۱۶: ۱)
۶. پریسکا (پرسکله)، همکار پولس و معلم آپولس (اعمال ۱۸: ۲۶؛ روم. ۱۶: ۳)
۷. مریم، طرفینا، طریفوسا، پرسیس، جولیا، خواهر نیرياس، چند زن همکار پولس بود (روم. ۱۶: ۶-۱۶)
۸. یونياس، احتمالاً یک رسول زن بوده است (روم ۱۶: ۷)
۹. افودیه و سنتیخی، همکاران پولس (فیل. ۴: ۲-۳)

## ۳. چگونه یک ایماندار امروزی میان نمونه های واگرای کتاب مقدس توازن ایجاد کند؟

أ. چگونه می توان حقایق تاریخی یا فرهنگی را که فقط در متن اصلی کاربرد دارند، از حقایق صادق ابدی برای تمامی کلیساها و همه ایمانداران در تمامی اعصار، تشخیص داد؟

۱. باید نیت نویسنده الهام یافته اصلی را بسیار جدی بگیریم. کتاب مقدس کلام خداست و تنها منبع ایمان و رفتار ماست.

۲. باید متنهایی که آشکارا شرایط تاریخی را در نظر دارند، خوب بررسی کنیم.

أ) آیین (مذهبی و مناجاتی) اسرائیل (ر.ک. اعمال ۱۵؛ غلا. ۳)

ب) یهودی گرایی قرن اول میلادی

ج) عبارات مشروط تاریخی آشکار پولس در اقرنتیان

۱) نظام قانونی روم بت پرست (قرن ۱). ۶)

۲) برده ماندن (قرن ۱). ۷: ۱-۳۵)

۳) تجرد و بیوگی (قرن ۱). ۷: ۱-۳۵)

۴) باکره ها (قرن ۱). ۷: ۳۶-۳۸)

۵) غذای قربانی بتها (قرن ۱). ۱۰: ۲۳-۳۳)

۶) اعمال ناشایست در شام خداوند (قرن ۱). ۱۱)

۳. خدا خود را به طور کامل و واضح به فرهنگی خاص در زمانی مشخص آشکار ساخت. ما باید این مکاشفه را جدی بگیریم، اما نه با تطبیق کامل با شرایط خاص تاریخی آن. کلام خدا به زبان انسانی و خطاب به فرهنگی مشخص در یک زمان مشخص نگاشته شد.

ب. تفسیر کتاب مقدسی باید در طلب نیت اصلی نویسنده باشد. نویسنده در روزگار خود چه می گفت؟ این برای تفسیر خوب یک پرسش اساسی و حیاتی است. اما پس از آن باید این امر را در زمان خودمان به کار ببریم. مسئله رهبری زنان از اینجا ناشی می شود (مشکلی تفسیری واقعی می تواند مربوط به تعریف این اصطلاح باشد. آیا به غیر از شبانان که رهبری کلیسا را برعهده داشتند، نقشهای رهبری دیگری نیز وجود داشت؟ آیا شماسه‌ها و نیه‌ها نیز نقش رهبری داشتند؟) کاملاً واضح است که پولس در قرن ۱۴: ۳۴-۳۵ و تیمو. ۲: ۹-۱۵ اظهار می دارد که زنان نباید رهبری پرستش عمومی را برعهده بگیرند! اما کاربرد امروزی آن چیست؟ نمی خواهیم فرهنگ پولس یا فرهنگ خودم باعث شود که کلام خدا و اراده او به خاموشی گراید. ممکن است روزگار پولس بسیار محدود بوده باشد، اما روزگار من هم بسیار بی حد و مرز است. احساس ناراحتی می کنم از اینکه بگویم سخنان و تعالیم پولس بستگی به شرایط دارد، متعلق به قرن اول بوده یا حقایقی محلی محسوب می شود. من که هستم که بگذارم فکر و فرهنگم سخنان یک نویسنده تحت الهام الهی را بلا اثر کند؟! اما با نمونه زنان رهبر در کتاب مقدس چه کنم (حتی در نوشته های پولس، ر.ک. روم ۱۶)؟ یک مثال خوب از این موضوع، بحث پولس درباره پرستش عمومی در قرن ۱۱-۱۴ است. در ۱۱: ۵، به نظر می رسد که او اجازه می دهد زنان با سر پوشیده، در ملاء عام موعظه و دعا کنند، اما در ۱۴: ۳۴-۳۵ دستور می دهد آنها ساکت بمانند! شماسه‌ها (ر.ک. روم ۱۶: ۱) و نیه‌ها (ر.ک. اعمال ۲۱: ۹) در کلیساها وجود داشتند. همین گوناگونی در بیان است که مرا مجاز می گرداند تا نصایح پولس (در مورد ممنوعیتهای مربوط به زنان) را به عنوان نصایحی محدود به قرن اول در

قرن‌تس و افسس، بازشناسم. در هر دو کلیسا زنانی که تازه به آزادی دست یافته بودند، مسئله ساز شدند (ر.ک. *Corinth After Paul Left* نوشته Bruce Winter) و کلیسایشان را در رسانیدن پیام مسیح به جامعه خود، دچار مشکل کردند. آزادی آنان می بایست محدود می شد تا انجیل موثرتر بشارت داده شود.

روزگار ما درست مقابل روزگار پولس است. در روزگار ما اگر به زنان دوره دیده و ماهر در سخنوری اجازه داده نشود تا پیام انجیل را برسانند، یا مجاز به رهبری نباشند، امکان دارد رسانیدن پیام انجیل دچار اشکال شود! هدف غایی پرستش عمومی چیست؟ مگر بشارت و شاگردی نیست؟ آیا می توان با زنان رهبر خدا را خشنود کرد و او را جلال داد؟ به نظر می رسد جواب کل کتاب مقدس به این سوال مثبت باشد!

می خواهیم به پولس توسل بجویم؛ الهیات من در اصل پولسی است. نمی خواهم بیش از حد تحت تأثیر فمینیسم مدرن قرار بگیرم! در عین حال احساس می کنم کلیسا در پاسخگویی به حقایق آشکار کتاب مقدس، مانند عدم اقتضای برده داری، نژادپرستی، تعصب خشک و جنسیت گرایی بسیار کند عمل می کند. در نشان دادن واکنش مناسب به سوء رفتار با زنان در جهان امروزی نیز کند بوده است. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می کند. من جرأت نمی کنم بگذارم متنی که مربوط به فرهنگی خاص بوده است، بار دیگر آنها را زیر یوغ بگیرد. بیان یک نکته دیگر نیز ضروری به نظر می رسد: من به عنوان مفسر کتاب مقدس به خوبی می دانم که کلیسای قرن‌تس بسیار از هم گسیخته بوده است. در آنجا اعضا به عطایای روحانی شان بسیار می بالیدند و بها می دادند. زنان ممکن است گرفتار این اشتباه شده باشند. همچنین ایمان دارم که افسس تحت تأثیر معلمین دروغین بود که از زنان بهره می جستند و از آنان به عنوان سخنگویان خود در کلیساهای خانگی افسس استفاده می کردند.

ج. پیشنهاداتی برای مطالعه بیشتر در این زمینه:

*How to Read the Bible For All Its Worth*, Gordon Fee and Doug Stuart (pp.61-67)

*Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics*, by Gordon Fee

*Hard Sayings of the Bible*, Walter C. Kaiser, Peter H. Davids, F. F. Bruce and Manfred T. Branch (pp. 613-616)

□ «نبوت» دستکم دو راه برای درک این اصطلاح وجود دارد: (۱) در نامه های به قرتیان، این اصطلاح اشاره به در میان گذاشتن یا اعلام انجیل اشاره دارد (ر.ک. ۱۴: ۱؛ اعمال ۲: ۱۷)؛ (۲) کتاب اعمال از انبیایی یاد می کند (ر.ک. ۱۲: ۲۷؛ ۱۳: ۱؛ ۱۵: ۳۲؛ ۲۲: ۱۰، و حتی نبیه هایی در ۲۱: ۹) که آینده را پیشگویی می کردند.

مشکل موجود با این اصطلاح در این است که عطای نبوت در عهد جدید چه ارتباطی با انبیای عهد عتیق دارد؟ در عهد عتیق، انبیا نویسندگان کلام خدا بودند. در عهد جدید این وظیفه به دوازده رسول و یاری گران آنان سپرده شده است. همانگونه که واژه "رسول" به عنوان عطایی دائمی شناخته می شود (ر.ک. به افس. ۴: ۱۱)، مقام نبوت نیز چس از مرگ آن دوازده رسول با وظایفی متفاوت دائمی است. الهام گیری برای نوشتن کلام خدا دیگر وجود ندارد (ر.ک. یهودا ۳، ۲۰). وظیفه اولیه انبیای عهد جدید این است که انجیل را اعلام کنند، اما وظیفه دیگرشان نیز احتمالاً این است که چگونه می توان حقایق عهد جدید را در شرایط و نیازهای جاری به کار برد.

□ «جوانان ... پیران» توجه داشته باشید که هیچگونه تمایز سنی وجود ندارد.

۱۸: ۲ «حتی بر غلامان و کنیزان خود» توجه کنید که هیچگونه تبعیض اجتماعی-اقتصادی در میان نیست. پطرس به نبوت یوئیل واژه "نبوت" را افزوده است. این واژه در متن عبری مازورتیک یا ترجمه یونانی هفتاد نیست، بلکه از آیه ۱۷ برداشت می شود.

۱۹-۲۰: ۲ این زبان مکاشفه ای، آشکارا به دلیل در اینجا آمده که پطرس بیان می دارد نبوت به تحقق پیوسته است، هرچند هیچیک از این نشانه های طبیعی مشخص، احتمالاً به غیر از تاریکی به هنگام بر صلیب بودن عیسی، رخ نداده بود. این زبان به گونه ای تصویری از آمدن خالق و داور، سخن می گوید. شاید آمدن او در عهد عتیق، آمدن او به منظور برکت دادن و داوری بود. تمامی خلقت از آمدن او به حرکت درمی آید (ر.ک. اش. ۱۳: ۶ به بعد و عاموس ۵: ۱۸: ۲۰). در نبوت عهد عتیق، هیچگونه تمایز آشکاری میان جسم گیری (آمدن اول) و Parousia (آمدن دوم) وجود ندارد. یهودیان فقط منتظر یکبار آمدن یک داور/نجات دهنده

۲۰: ۲ "روز بزرگ و پرشکوه خداوند" واژه "پرشکوه" از همان ریشه *epiphaneia* است که اغلب در مورد بازگشت ثانوی عیسی به کار می رود (ر.ک. آتیمو. ۶: ۱۴؛ تیطس ۲: ۱۳).

### عنوان خاص: بازگشت ثانوی عیسی

در اصل یونانی "*Parousia*" به معنی "حضور" است و در مورد دیدار سلطنتی به کار می رفت. سایر واژگان عهد جدید برای بازگشت ثانوی عبارتند از: (۱) "*epiphaneia*" ظهور روبرو؛ (۲) "*apokalupis*" پرده برداری؛ و (۳) "روز خداوند" و گونه های مختلف این عبارت.

عهد جدید به طور کلی در چهارچوب دیدگاه جهانی عهد عتیق نگاشته شده است که بیانگر:

۱. یک عصر جاری پلید و سرکش
۲. عصر آینده جدیدی از عدالت
۳. عصر آینده توسط کمک روح از طریق کار مسیح موعود (آن مسح شده) خواهد آمد

انگاشت الهیاتی مکاشفه تدریجی الزامی است زیرا نویسندگان عهد جدید انتظار اسرائیل را کمی تعدیل کرده اند. به عوض آمدن نظامی، ملی گرایی (اسرائیل) مسیح موعود، او دو مرتبه می آید. نخستین آمدنش، جسم گیری الوهیت در تولد عیسی ناصری از مریم بود. او به عنوان "خادم رنجبر" غیرنظامی و فاقد داور اشعیا ۵۳، و نیز سوار افتاده دل کره الاغ (و نه اسب جنگی یا قاطر سلطنتی) زکریا ۹: ۹ به جهان آمد. نخستین

آمدنش عصر جدید مسیحایی پادشاهی خدا بر زمین را پایه‌گذاری کرد. در یک معنا، پادشاهی خدا در جهان است، اما البته از نظر دیگر هنوز راه طولانی جهت برقراری دارد. همین تنش میان دو آمدن مسیح موعود است که از یک نظر برهم نهش دو عصر یهود است که دیده نمی‌شد یا دستکم در عهد عتیق هنوز آشکار نشده بود. در واقع، این دو بار آمدن بر التزام YHWH به نجات تمامی نوع بشر تأکید دارد (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خرو. ۱۹: ۵ و موعظه انبیا، خصوصاً اشعیا و یونس).

کلیسا اکنون در انتظار تحقق نبوت عهد عتیق نیست زیرا اکثر نبوت‌های آن به نخستین آمدن مسیح اشاره دارد (ر.ک. *How to Read the Bible For All Its Worth*, pp. 165-166). ایمانداران در انتظار آمدن پرشکوه شاه شاهان و خدای خدایان قیام کرده هستند، یعنی تحقق تاریخی عصر جدید عدالت بر زمین همانگونه که در آسمانهاست (ر.ک. متی ۶: ۱۰). آنچه عهد عتیق ارائه می‌دهد غیردقیق و ناکامل است. او باز خواهد آمد درست همانگونه که انبیا در قدرت و اقتدار YHWH پیشگویی کردند. آمدن ثانوی یک اصطلاح کتاب مقدسی نیست بلکه مفهومی است که از دیدگاه جهان‌شمول و چهارچوب کلی عهد جدید استنباط می‌شود. خدا همه چیز را درست خواهد کرد. مشارکت میان خدا و بشر که به صورت او آفریده شد، احیا خواهد گردید. شرارت مورد داوری قرار خواهد گرفت و از میان خواهد رفت. اهداف خدا از بین نمی‌روند زیرا چنین چیزی امکان ندارد!

۲: ۲۱ «هرکه» بار دیگر عنصر جهان شمول دیده می‌شود (ر.ک. آیات ۱۷ و ۳۹). عیسی بخاطر گناه/گناهان تمامی جهان مرد (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ I تیمو. ۲: ۴؛ II پتر ۳: ۹). توجه کنید که روح‌القدس بر تمامی بشریت خواهد ریخت (ر.ک. آیه ۱۷).

□ «بخواند» این یک ماضی نامعین شرطی میانی است. پاسخ انسان بخشی از نقشه نجات خداست (ر.ک. یوئیل ۲: ۳۲؛ یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ و رومیان ۱۰: ۹-۱۳). فرد فرد انسانها خوانده شده اند تا توبه کنند و به انجیل ایمان آورند؛ معما اینجاست که چرا برخی به نجوای روح‌القدس پاسخ می‌دهند (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵) و برخی دیگر جوابی نمی‌دهند (ر.ک. II قرن. ۴: ۴).

□ «نام خداوند» اشاره به شخصیت یا تعالیم عیسی درباره خودش است. این امر شامل عنصر شخصی و الهیاتی می‌گردد.

### عنوان خاص: نام خداوند

این یک عبارت عهدجدیدی رایج برای حضور شخصی و قدرت فعال خدای تثلیث در کلیساست. عبارت مزبور نه یک فرمول جادویی، بلکه توسل جستن به شخصیت خداست.

اغلب این عبارت اشاره به خداوندی عیسی است (ر.ک. فیل. ۲: ۱۱)

۱. در هنگام اعتراف ایمان شخص به عیسی در موقع تعمید گرفتن (ر.ک. روم. ۱۰: ۹-۱۳؛ اعمال ۲: ۳۸؛ ۸: ۱۶، ۱۲؛ ۱۰: ۴۸؛ ۱۹: ۵؛ ۲۲: ۱۶؛ I قرن. ۱: ۱۳، ۱۵؛ یعقوب ۲: ۷)
۲. در هنگام بیرون راندن ارواح شریر (ر.ک. متی ۷: ۲۲؛ مرقس ۹: ۳۸؛ لوقا ۹: ۴۹؛ ۱۰: ۱۷؛ اعمال ۱۹: ۱۳)
۳. در هنگام شفا (ر.ک. اعمال ۳: ۱۶، ۶؛ ۴: ۱۰؛ ۹: ۳۴؛ یعقوب ۵: ۱۴)
۴. در وقت انجام یک خدمت (ر.ک. متی ۱۰: ۴۲؛ ۱۸: ۵؛ لوقا ۹: ۴۸)

۵. در هنگام اعمال تنبیه کلیسایی (ر.ک. متی ۱۸: ۱۵-۲۰)
  ۶. در وقت موعظه به غیریهودیان (ر.ک. لوقا ۲۴: ۴۷؛ اعمال ۹: ۱۵؛ ۱۷: ۱۷؛ روم. ۱: ۵)
  ۷. در دعا (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴؛ ۱۵: ۱۶؛ ۲: ۲۳؛ آقرن. ۱: ۲)
  ۸. روشی برای اشاره به مسیحیت (ر.ک. اعمال ۲۶: ۹؛ آقرن. ۱: ۱۰؛ II تیمو. ۲: ۱۹؛ یعقوب ۲: ۷؛ I پطر. ۴: ۱۴)
- ما هر کاری اعم از اعلام انجیل، خدمت، امداد، شفا، بیرون راندن ارواح شریر و غیره را در شخصیت عیسی، قدرت او و تدارکات وی و به نام او انجام می دهیم.

□ «**نجات خواهد یافت**» عبارت مزبور در این متن اشاره به نجات روحانی دارد در حالیکه احتمالاً در کتاب یوئیل همین عبارت در معنای رهایی فیزیکی از غضب خدا است (ر.ک. آیه ۴۰). واژه "نجات یافتن" در عهد عتیق به معنی نجات جسمی به کار رفته است (ر.ک. متی ۹: ۲۲؛ مرقس ۶: ۵۶؛ یعقوب ۵: ۱۴، ۲۰). اما در عهد جدید استعاره ای است نجات روحانی یا رهایی از غضب خداست (مثال: یعقوب ۱: ۲۱؛ ۲: ۱۴؛ ۴: ۱۲).

قلب خدا برای نجات مردان و زنانی که به شباهت او و برای مشارکت آفریده شدند، می تپد!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲: ۲۲-۲۸

۲۲ «ای مردان اسرائیلی به این سخنان گوش دهید. عیسی ناصری مردی بود، که مأموریتش از جانب خدا به وسیله معجزات و شگفتی‌ها و نشانه‌هایی که خدا توسط او در میان شما انجام داد، به ثبوت رسید، همان طوری که خود شما خوب می دانید. ۲۳ شما این مرد را، که بر طبق نقشه و پیشدانی خدا به دست شما تسلیم شد، به وسیله کفار به صلیب میخکوب کردید و کشتید. ۲۴ اما خدا او را زنده کرد و از عذاب مرگ رهایی داد. زیرا محال بود، مرگ بتواند او را در چنگ خود نگه دارد. ۲۵ داوود درباره او می فرماید: 'خداوند را همیشه پیش روی خود می دیدم زیرا او در دست راست من است تا لغزش نخورم. ۲۶ به این سبب دلم مسرور گردید و زبانم از شادمانی فریاد می کرد و بدن فانی من در امید ساکن خواهد شد، ۲۷ از آن رو که جانم را در دنیای مردگان ترک نخواهی کرد و نمی گذاری که بنده امین تو فساد را ببیند. ۲۸ تو راههای حیات را به من شناسانیده‌ای و با حضور خود مرا از شادمانی پر خواهی کرد!'»

۲: ۲۲ «ای مردان اسرائیلی» شنوندگان، شاهدان عینی وقایع هفته آخر زندگی زمینی عیسی بودند. آنها اطلاعات دست اول از موضوع صحبت پطرس داشتند. حدود سه هزار تن از کسانی که بینش روحانی داشتند، در این موعظه اول، پاسخ مثبت دادند (ر.ک. آیه ۴۱).

□ «**گوش دهید**» این یک ماضی نامعین امری فاعلی است. ظهور فیزیکی روح، توجه آنان را جلب کرد؛ اکنون نوبت شنیدن پیام انجیل بود.

□ «**عیسی ناصری**» در اصل "عیسی نصرانی" است که متفاوت با "عیسی ناصری" می باشد و به زعم بسیاری با آن تفاوتی ندارد. اما این عبارت، روش نامعمولی برای بیان نام عیسی بود. این امکان وجود دارد که عبارت مزبور بیانگر عنوان مسیحایی یعنی "شاخه" است (ر.ک. اش. ۴: ۴؛ ۶: ۱۳؛ ۱۱: ۱۰، ۱۰؛ ۱۴: ۱۹؛ ۵۳: ۲؛ ارمیا ۲۳: ۵؛ ۳۳: ۱۵-۱۶؛ زکر. ۳: ۸؛ ۶: ۱۲-۱۳). اصطلاح عبری *nezzer* به معنی "شاخه" می باشد.

## عنوان خاص: عیسی نصرانی

در عهد جدید از اصطلاحات مختلف یونانی برای معرفی عیسی استفاده شده است:

الف. اصطلاحات عهد جدید

۱. ناصره (Nazareth) - شهری در جلیل (ر.ک. لوقا ۱: ۲۶؛ ۲: ۴، ۵۱، ۳۹؛ ۴: ۱۶؛ اعمال ۱۰: ۳۸). این شهر در منابع

معاصر مورد اشاره قرار نگرفته اما در کتیبه های متأخرتر وجود دارد.

برای عیسی، ناصری بودن مایه افتخار نبود (ر.ک. یوحنا ۱: ۴۶). اشاره به این مکان در نوشته بالای صلیب عیسی، نشانه ای از تحقیر یهودیان بود.

۲. Nazarenos - به نظر می رسد اشاره به مکانی جغرافیایی نیز دارد (ر.ک. لوقا ۴: ۳۴؛ ۲۴: ۱۹).

۳. Nazo-raios - ممکن است اشاره به یک شهر باشد، اما می تواند بازی با اصطلاح مسیحایی عبری "شاخه" نیز باشد

(netzer ر.ک. اش. ۴: ۲؛ ۱۱: ۱؛ ۵۳: ۲؛ ار. ۲۳: ۵؛ ۳۳: ۱۵؛ زکر. ۳: ۸؛ ۶: ۱۲). لوقا از این اصطلاح برای عیسی در

۱۸: ۳۷ و اعمال ۲: ۲۲؛ ۳: ۶؛ ۴: ۱۰؛ ۶: ۱۴؛ ۸: ۲۲؛ ۸: ۲۶؛ ۵: ۲۶؛ ۹ استفاده می کند).

ب. کاربردهای تاریخی در خارج از عهد جدید. این عنوان دارای کاربردهای تاریخی دیگر نیز هست.

۱. نشانگر یک گروه بدعت آمیز یهودی (پیش از مسیحیت).

۲. در محافل یهودیان برای توصیف ایمانداران به مسیح به کار می رفت (ر.ک. اعمال ۵: ۲۴؛ ۱۴: ۲۸؛ ۲۲: ۲۲).

۳. اصطلاحی رایج برای مشخص کردن ایمانداران در کلیساهای سوریه (آرامی) شده بود. در کلیساهای یونانی بود که

ایمانداران با عنوان "مسیحیان" بازشناخته می شدند.

۴. مدتی پس از سقوط اورشلیم، فریسیان در Jamnia تجدید سازماندهی کردند و انگیزشی برای مجزا شدن رسمی

کنیسه از کلیسا ایجاد نمودند. به عنوان نمونه یکی از وردهای لعنت علیه مسیحیان در "خوشابه حالهای هجدهم" از

Berakoth 28b-29a موجود است که در آن از ایمانداران به عنوان "نصرانیان" یاد شده است.

"باشد که نصرانیان و بدعتگران در لحظه ای ناپدید شوند؛ آنان از کتاب

محو خواهند گردید و نامشان با وفاداران نگاهشته نخواهد شد."

ج. دیدگاه نویسنده

من از اینهمه املاهای مختلف ناصری بسیار شگفت زده شده ام، هر چند می دانم که در عهد عتیق نمونه های دیگری

از این مورد وجود دارد، مثلاً نام "یوشع" در عبری املاهای متفاوتی دارد. با این وجود، بخاطر (۱) نزدیکی زیاد با اصطلاح مسیحایی "شاخه"؛ (۲)

همراه با معنای ضمنی منفی آن؛ (۳) همراه با عدم وجود یا کمبود مدارک لازم معاصر در مورد وجود شهر ناصره در جلیل، من همچنان نسبت به

معنای دقیق آن مردد هستم؛ و گذشته از اینها (۴) این نام از دهان یک روح پلید در معنایی آخرشناختی بیان شده است (با این مضمون که: "آیا تو

آمده ای تا ما را از بین ببری؟")

به منظور مطالعه فهرست کامل مطالعات انجام شده گروهی از دانش پژوهان بر روی این واژه رجوع کنید به: Colin Brown (ed),

*New International Dictionary of New Testament Theolog*, vol. 2, p. 346

□ «مردی... مأموریتش از جانب خدا» وجه معلوم مفعولی کامل. عبارت مزبور به معنی: "توسط نشانه‌ها به ثبوت رسید" است. خدا به وضوح و مکرراً خود را در سخنان و زندگی عیسی آشکار ساخت. این شنوندگان اورشلمی اینها را دیده و شنیده بودند!

□ «به وسیله معجزات و شگفتی‌ها و نشانه‌ها» شنوندگان، شاهدان عینی تمامی آنچه عیسی در اورشلیم در هفته آخر زندگی اش انجام داد، بودند.

واژه "شگفتی‌ها" (*teras*) به معنی نشانه ای غیرعادی بود که معمولاً در آسمانها رخ می دهد، مانند آیات ۱۹-۲۰. واژه "نشانه‌ها" (*se-meion*) بیانگر واقعه خاصی است که معنا یا اهمیت خاصی را می رساند. این واژه ای کلیدی در انجیل یوحنا است (هفت نشانه خاص، ر.ک. ۲: ۱۱-۱؛ ۴: ۴۶-۵۴؛ ۵: ۱۸-۱؛ ۶: ۱-۱۵، ۱۶-۱؛ ۹: ۱-۱۱؛ ۱۱-۱؛ ۱۳-۱۵). نشانه‌ها همواره در پرتوی مثبتی دیده نمی شوند (ر.ک. یوحنا ۲: ۱۸؛ ۴: ۴۸؛ ۶: ۲). در اینجا به عنوان دنباله ای از مظاهر قدرت که نشانگر شروع شدن عصر جدید روح القدس هستند، به کار رفته است!

جالب است که پطرس در اولین موعظه اش (دستکم در این خلاصه ای که در اعمال ۲ آمده است)، وقتی را صرف بیان زندگی و تعالیم اولیه عیسی نمی نماید. تحقق نبوت عهد عتیق، مرگ و قربانی از پیش تعیین شده او و قیام پرشکوهش نکات اصلی هستند.

۲: ۲۳ «این مرد» شاید این یک اصطلاح اهانت آمیز بوده باشد (ر.ک. ۵: ۲۸؛ ۶: ۱۳؛ لوقا ۲۳: ۱۴؛ یوحنا ۹: ۱۶؛ ۱۸: ۲۹)، اما در اعمال ۲۳: ۹ و ۲۰: ۳۱-۳۲ در معنای منفی بکار نرفته است.

۲۳: ۲	
NASB	«طبق نقشه و پیشدانی خدا»
NKJV	«اراده قطعی»
NRSV	«نقشه قطعی»
TEV	«نقشه خود خدا»
NJB	«تبت عمدی»

واژه یونانی آن *Horizo*- در شکل وجه معلوم مفعولی کامل است. در اصل به معنی تصمیم گرفتن، نصب کردن یا قرار دادن می باشد. در عهد عتیق برای قرار دادن حدود زمین یا تمایلات به کار می رود. لوقا اغلب از آن استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال ۲: ۲۳؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۱: ۲۹؛ ۱۷: ۳۱، ۲۶). صلیب برای خدا واقعه ای غیرمنتظره نبود، بلکه او آن را همواره به عنوان سازوکار برگزیده (یعنی همانا نظام قربانی لاویان ۱-۷) خود برای رهایی بخشیدن بشریت سرکش در نظر داشت (ر.ک. پیدایش ۳: ۱۵؛ اش. ۵۳: ۱۰؛ مرقس ۱۰: ۴۵؛ II قرن ۵: ۲۱).

مرگ عیسی تصادفی نبود. خدا نقشه آن را کشید (ر.ک. لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۳: ۲۹؛ ۲۶: ۲۲-۲۳). عیسی آمد تا برصلیب بمیرد (ر.ک. مرقس ۱۰: ۴۵)!

□ «پیشدانی خدا» واژه *prognosis* (از پیش دانستن) که فقط در اینجا و I پطرس ۱: ۲ بکار رفته است. برای ما ایجاد تطابق میان این تصور کلی که خدا تمامی تاریخ بشر را می داند با اراده آزاد بشر، دشوار می نماید. خدا موجودیتی ازلی و ابدی و روحانی است محدودیتی در بعد زمانی ندارد. هرچند او تاریخ را تحت تسلط خود دارد و آن را شکل می دهد، انسانها مسئول نیتها و اعمال خود هستند. پیشدانی تأثیری بر محبت و گزینش الهی ندارد. اگر چنین بود، محبت و گزینش وی بستگی به تلاش و شایستگی انسان در آینده داشت. خدا قادر مطلق است و چنین خواسته که پیروان عهد او دارای آزادی انتخاب در پاسخ دادن به وی باشند (ر.ک. روم. ۸: ۲۹؛ I پطرس. ۱: ۲۰).



دو افراط در این حوزه از الهیات وجود دارد: (۱) نسبت افراطی آزادی انسان: برخی می گویند خدا انتخابها و اعمال آینده انسان را نمی داند (خداشناسی باز، که تعمیمی از تفکر فرابردی فلسفی است) و (۲) نسبت افراطی سلطه و سیادت الهی: که در آن خدا برخی را برمی گزیند تا به آسمان بروند و برخی را تا راهی جهنم شوند (supralapsarianism، کالونیسیم دوجانبه). من مز. ۱۳۹ را به هر دو ترجیح می دهم!

□ «شما» پطرس استدلال می کند که گناه مرگ عیسی به گردن همین شنوندگان اورشلمی است (ر.ک. ۳: ۱۳-۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۳۹؛ ۱۳: ۲۷، ۲۸). آنها نه از کسانی بودند که خواستار بر صلیب شدن او شدند؛ نه اعضای شورای عالی یهود بودند که او را نزد پیلاتس بردند و نه افسران یا سربازان رومی بودند که عیسی را مصلوب کردند، اما آنها نیز درست مثل ما مسئول مرگ عیسی بودند. گناه و سرکشی بشر، مرگ را بر عیسی تحمیل کرد!

□ «به صلیب میخکوب کردید» از لحاظ لغوی به معنی "محکم کردن" (*apospse-gnumi*) است. این اصطلاح فقط در همینجا در عهد جدید به کار رفته است. مفهوم ضمنی آن شامل میخکوب کردن و بستن بر روی صلیب می گردد. در ۵: ۳۰، همین عمل، "بر دار آویختن" توصیف شده است. رهبران یهود نمی خواستند عیسی را به جرم کفر گفتن مانند استیفان (ر.ک. اعمال ۷)، سنگسار کنند، بلکه می خواستند او مصلوب شود (کتاب Louw and Nida بیان می دارد که این *hapax legomenon* می تواند مترادف *stauroo* به معنی مصلوب کردن باشد [صفحه ۲۳۷، پانوش ۹]). احتمالاً دلیل این کار آنها مربوط به لعنت تشبیه ۲۱: ۲۳ بوده است. در اصل این لعنت همراه بود با برچوب آویختن و تدفین نامناسب، اما در روزگار عیسی، علمای دینی آن را با بر صلیب کشیدن یکی می دیدند. عیسی لعنت شریعت عهد عتیق را بجای تمامی ایمانداران متحمل شد (ر.ک. غلا ۳: ۱۳؛ کول. ۲: ۱۴).

□ «کفار» در اصل: "مردان بی شریعت" و اشاره به رومیان است.

۲: ۲۴ «خدا او را زنده کرد» عهد جدید تأکید می کند که هر سه شخصیت تثلیث در رستاخیز عیسی فعالیت داشتند: (۱) روح القدس (ر.ک. روم ۸: ۱۱)؛ (۲) خدای پسر (ر.ک. یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸)؛ و بارها به (۳) خدای پدر اشاره شده است (ر.ک. اعمال ۲: ۳۲، ۲۴؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۷، ۳۴، ۳۳، ۳۰؛ ۱۷: ۳۱؛ روم. ۶: ۴، ۹). اعمال خدای پدر موید قبول زندگی، مرگ و تعالیم عیسی است. این دیدگاه اصلی موعظه اولیه رسولان است. ر.ک. به عنوان خاص: *Kerigma* در ۲: ۱۴.

□ «از عذاب مرگ رهایی داد» این اصطلاح می تواند به دو معنی زیر باشد: (۱) تحت اللفظی، دردهای زایمان (یونانی کلاسیک، ر.ک. روم. ۸: ۲۲)؛ (۲) استعاره ای از مشکلات پیش از آمدن ثانوی (ر.ک. متی ۲۴: ۸؛ مرقس ۱۳: ۸؛ I تسلا. ۵: ۳). احتمالاً بازتابی از واژه های عبری "دام" یا "نله" در مز. ۱۸: ۴-۵ و ۱۱۶: ۳ است که استعاره های عهد عتیق از داوری می باشد (ر.ک. اش. ۱۳: ۶-۸؛ ار. ۴: ۳۱).

□ «زیرا محال بود، مرگ بتواند او را در چنگ خود نگه دارد» یوحنا ۲۰: ۹ نیز قیام عیسی را به نبوت عهدعتیق مربوط می داند (ر.ک. آیات ۲۵-۲۸).

۲: ۲۵ «داوود درباره او می فرماید» این نقل قولی از مز. ۱۶: ۸-۱۱ است. پطرس اظهار می دارد که مز. ۱۶ مسیحایی است (ر.ک. پولس در ۱۳: ۳۶) و اینکه این مزموور مستقیماً به عیسی اشاره دارد. قیام عیسی امید مزموورنویس و ایمانداران عهدجدید است.

□ «پیش روی خود می دیدم» این اصطلاح در اناجیل بکار نرفته بلکه در اعمال مورد استفاده قرار گرفته تا ایمان ایمانداران به عملی شدن وعده های انجیل را توصیف کند (ر.ک. ۲۳: ۶؛ ۲۴: ۱۵؛ ۲۶: ۷، ۶؛ ۲۸: ۲۰). اصطلاح مزبور اغلب در نوشته های پولس در معانی گوناگون در رابطه با نقشه رهایی جاودانی خدا به کار می رود.

## عنوان خاص: امید

پولس اکثر اوقات از این واژه به مصداقهای مختلف اما مربوط به هم استفاده می کند. امید معمولاً مربوط به منتهای ایمان ایماندار (ر.ک. I تیمو. ۱: ۱) می شود. می توان آن را به عنوان جلال، حیات جاویدان، نجات نهایی، آمدن ثانوی و غیره بیان کرد. انجام وعدهها حتمی است اما عنصر زمانی آن در آینده و نامعلوم می باشد.

۱. آمدن ثانوی (ر.ک. غلا. ۵: ۵؛ افس. ۱: ۱۸؛ ۴: ۴؛ تیطس ۲: ۱۳)
۲. عیسی امید ماست (ر.ک. I تیمو. ۱: ۱)
۳. حضور ایماندار در برابر خدا (ر.ک. کول. ۱: ۲۲-۲۳؛ I تسا. ۲: ۱۹)
۴. امید به عالم بالا (ر.ک. کول. ۱: ۵)
۵. نجات و رهایی نهایی (ر.ک. I تسا. ۴: ۱۳)
۶. جلال خدا (ر.ک. روم. ۵: ۲؛ II قرن. ۳: ۷-۱۲؛ کول. ۱: ۲۷)
۷. نجات غیریهودیان توسط مسیح (ر.ک. کول. ۱: ۲۷)
۸. اطمینان از نجات (ر.ک. I تسا. ۵: ۸-۹)
۹. حیات جاویدان (ر.ک. تیطس ۱: ۲؛ ۳: ۷)
۱۰. آزادی تمامی خلقت (ر.ک. روم. ۸: ۲۰-۲۲)
۱۱. به کمال رسیدن فرزند خواندگی (ر.ک. روم. ۸: ۲۳-۲۵)
۱۲. عنوانی برای خدا (ر.ک. روم. ۱۵: ۱۳)
۱۳. راهنمای عهدعتیق برای ایمانداران عهدجدید (ر.ک. روم. ۱۵: ۴)

۲۷: ۲ «دنیای مردگان» این واژه یونانی برای مکانی به کار می رفت که مردگان را در خود نگاه می داشت. معادل آن در عبری عهد عتیق: *Sheol* است. در عهد عتیق، زندگی پس از مرگ به عنوان موجودیتی هشیار همراه با خانواده شخص توصیف می شد، اما در آن موجودیت هیچگونه شادی یا مشارکتی وجود نداشت. تنها مکاشفه پیش رونده عهد جدید است که زندگی پس از مرگ (یعنی بهشت و جهنم) را با وضوح بیشتری شرح می دهد.

## عنوان خاص: مردگان کجا هستند؟

### ۱. عهد عتیق

- أ. همه انسانها به *She'ol* (ریشه اصلی آن نامشخص است) می روند. این روشی برای اشاره به مرگ یا قبر است، خصوصاً در ادبیات حکمت آمیز و اشعیا. در عهد عتیق این مکانی گذرا، همراه با هوشیاری اما فاقد شادی بود (ر.ک. ایوب ۱۰: ۲۱-۲۲؛ ۳۸: ۱۷؛ مز. ۱۰۷: ۱۴، ۱۰).
- ب. مشخصات *She'ol*
۱. در ارتباط با داوری خدا (آتش)، تث. ۳۲: ۲۲
  ۲. در ارتباط با تنبیه پیش از روز داوری، مز. ۱۸: ۴-۵
  ۳. در ارتباط با *Abaddon* (ویرانی)، درعین حال گشوده در برابر خدا، ایوب ۲۶: ۶؛ مز. ۱۳۹: ۸؛ عام. ۲: ۹

۴. در ارتباط با "گودال" (قبر)، مز. ۱۶: ۱۰؛ اش. ۱۴: ۱۵؛ حز. ۳۱: ۱۵-۱۷
۵. شروران زنده به داخل *She'ol* سقوط می کنند، اعد. ۱۶: ۳۳، ۳۰؛ مز. ۵۵: ۱۵
۶. تشبیه به حیوانی با دهانی گشاده شده است، اعد. ۱۶: ۳۰؛ اش. ۵: ۱۴؛ ۱۴: ۹؛ حبق. ۲: ۵
۷. مردمان ساکن در آن *Shades* خوانده می شوند، اش. ۱۴: ۹-۱۱

## ۲. عهد جدید

- أ. ترجمه *She'ol* عبری، در یونانی *Hades* (جهان نادیدنی) است
- ب. مشخصات هاویه (*Hades*)
۱. اشاره به مرگ است، متی ۱۶: ۱۸
۲. در پیوند با مرگ است، مکا. ۱: ۱۸؛ ۶: ۸؛ ۲۰: ۱۳-۱۴
۳. اغلب همچون مکانی برای تنبیه دائمی (*Gehenna*) تلقی می شود، متی ۱۱: ۲۳ (نقل قول از عهدعتیق)؛ لوقا ۱۰: ۱۵-۲۳: ۲۴
۴. اغلب مشابه گور است، لوقا ۱۶: ۲۳
- ج. ممکن است تقسیم بندی داشته باشد (علمای دین یهود)
۱. بخش مربوط به عادلان، بهشت است (در واقع این نام دیگری برای آسمان می باشد، ر.ک. II قرن. ۱۲: ۴؛ مکا. ۲: ۷)، لوقا ۲۳: ۴۳
۲. بخش مربوط به شروران، *Tartarus* نامیده می شود، II پتر. ۲: ۴، که فرشتگان پلید در آن نگاهداری می شوند (ر.ک. پید. I؛ ۶؛ خونخ)
- د. جهنم (*Gehenna*)
۱. انعکاسی از عبارت عهدعتیقی: "وادی پسران حنوم" (در جنوب اورشلیم) است. آنجا مکانی برای پرستش مولک (*Molech*)، خدای آتش فینقیان بود که فرزندانشان را برایش قربانی می کردند (ر.ک. II پاد. ۱۶: ۳؛ ۲۱: ۶؛ II توآ. ۲۸: ۳؛ ۳۳: ۶)، این کار در لاو. ۱۸: ۲۱؛ ۲۰: ۲-۵ ممنوع اعلام شده بود.
۲. ارمیا آن را از مکانی برای پرستش بتها به محل داوری YHWH تغییر داد (ر.ک. ارم. ۷: ۳۲؛ ۱۹: ۶-۷). آنجا تبدیل شد برای داوری آتشین جاودانی در I خونخ ۹۰: ۲۶-۲۷ و سیب. ۱: ۱۰۳.
۳. یهودیان در روزگار عیسی چنان از شرکت اجدادشان در پرستش بتها بوسیله قربانی فرزندانشان هراسان بودند که این مکان را به محل جمع آوری زباله اورشلیم تبدیل کردند. بسیاری از تشبیهات عیسی در مورد داوری جاودانی، از این قطعه زمین مربوط می شد (آتش، دود، کرمها، بوی تعفن، ر.ک. مرقس ۹: ۴۴، ۴۶). واژه *Gehenna* را فقط عیسی بکار برده است (به غیر از یعقوب ۳: ۶).
۴. استفاده عیسی از *Gehenna*
- أ. آتش، متی ۵: ۲۲؛ ۱۸: ۹؛ مرقس ۹: ۴۳
- ب. دائمی، مرقس ۹: ۴۸ (متی ۲۵: ۴۶)
- ج. محل هلاکت (چه روحی و چه جسمی)، متی ۱۰: ۲۸
- د. مترادف با *She'ol*، متی ۵: ۲۹-۳۰؛ ۱۸: ۹
- ه. مشخص کننده پلیدان به عنوان "پسر جهنم"، متی ۲۳: ۱۵

و. نتیجه حکم داوری، متی ۲۳: ۳۳؛ لوقا ۱۲: ۵

ز. مفهوم *Gehenna* مترادف است با مرگ ثانوی (ر.ک. مکا. ۲: ۱۱؛ ۲۰: ۱۴، ۶) یا دریاچه آتش (ر.ک. متی ۱۳: ۴۲، ۵۰؛ مکا. ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۱۴، ۱۰-۱۵؛ ۲۱: ۸). امکان دارد که دریاچه آتش محل حضور دائمی انسانها (از *She'ol*) و نیز فرشتگان پلید (از *Tartarus*، II پطر. ۲: ۴؛ یهوذا ۶ یا هاویه، ر.ک. لوقا ۸: ۳۱؛ مکا. ۹: ۱-۱۰؛ ۲۰: ۱، ۳) باشد.

ح. نه برای انسانها، بلکه برای شیطان و فرشتگانش درست شده بود، متی ۲۵: ۴۱

ه. بخاطر همپوشانی *She'ol, Hades* و *Gehenna*، این امکان وجود دارد که:

۱. در اصل همه انسانها به *Se'ol* یا *Hades* (هاویه) می رفتند

۲. تجربه آنها در آنجا (چه خوب و چه بد) پس از روز داوری تشدید می گردد اما مکان شروران همانجا باقی می ماند

(به همین جهت است که در ترجمه قدیمی *KJV, hades* (گور) به عنوان *gehenna* (جهنم) ترجمه شده است.

۳. تنها متنی که در عهد جدید به عذاب پیش از داوری اشاره می کند، مثلی است که لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ (ایلغازر و مرد

ثروتمند) است. *She'ol* به عنوان مکانی برای تنبیه در حال حاضر نیز توصیف شده است (ر.ک. تث. ۳۲: ۲۲؛ مز.

۱۸: ۵-۱). با این وجود هیچکس نمی تواند یک مثل را پایه ای برای آموزه الهی بسازد

### ۳. حالت میانی بین مرگ و قیامت (برزخ)

أ. عهد جدید تعلیم "نامیرایی روح" را که یکی از دیدگاههای روزگار قدیم در مورد زندگی پس از مرگ است، ترویج نمی دهد.

۱. روح انسان پیش از حیات فیزیکی آنها وجود دارد

۲. روح انسان پیش از حیات فیزیکی او و پس مرگ جسمانی اش ابدیت دارد

۳. اغلب به بدن فیزیکی به عنوان زندان نگریسته می شود و است که گویی مرگ رهایی یافتن به سوی حالت

موجودیت پیشین است

ب. عهد جدید اشاره به حالت بدون بدن میان مرگ و قیامت می کند

۱. عیسی درباره جدایی میان بدن و روح سخن می گوید، متی ۱۰: ۲۸

۲. شاید ابراهیم اکنون بدنی داشته باشد، مرقس ۱۲: ۲۶-۲۷؛ لوقا ۱۶: ۲۳

۳. موسی و ایلیا در واقعه تبدیل هیئت، دارای بدن فیزیکی هستند، متی ۱۷

۴. پولس اظهار می دارد که در هنگام باز آمدن مسیح، ارواح همراه او، اول بدنی تازه می یابند، II تسلا. ۴: ۱۳-۱۸

۵. پولس اظهار می دارد که ایمانداران بدن جدید روحانی شان را در روز قیامت خواهند یافت، I قرن. ۱۵: ۲۳، ۵۲

۶. پولس بیان می کند که ایمانداران به *Hades* نمی روند، بلکه از هنگام مرگ با عیسی هستند، II قرن. ۵: ۶، ۸؛ فیل.

۱: ۲۳. عیسی بر مرگ چیره شد و عادلان را به آسمان نزد خود برد، I پطر. ۳: ۱۸-۲۲.

### ۴. آسمان

أ. این واژه به سه معنا در کتاب مقدس به کار رفته است.

۱. جو موجود در اطراف زمین، پید. ۱: ۱۸؛ اش. ۴۲: ۵؛ ۴۵: ۱۸

۲. آسمانهای پر ستاره، پید. ۱: ۱۴؛ تث. ۱۰: ۱۴؛ مز. ۱۴۸: ۴؛ عبر. ۴: ۱۴؛ ۷: ۲۶

۳. جایگاه تخت خدا، تث. ۱۰: ۱۴؛ I پاد. ۸: ۲۷؛ مز. ۱۴۸: ۴؛ افس. ۴: ۱۰؛ عبر. ۹: ۲۴ (آسمان سوم، II قرن. ۱۲: ۲)

ب. کتاب مقدس درباره زندگی پس از مرگ مطلب زیادی آشکار نمی کند. احتمالاً از این سبب که انسانهای حیوط کرده ظرفیت درک آن را ندارند (ر. ک. I قرن. ۲: ۹).

ج. آسمان هم یک مکان است (ر. ک. یوحنا ۱۴: ۲-۳) و هم یک شخصیت می باشد (ر. ک. II قرن. ۵: ۶۸). آسمان می تواند باغ عدن بازیافت شده (پید. ۱-۲؛ مکا. ۲۱-۲۲) باشد. زمین پاکیزه و اعاده خواهد گردید (ر. ک. اعمال ۳: ۲۱؛ روم. ۸: ۲۱؛ II پط. ۳: ۱۰). صورت خدا (پید. ۱: ۲۶-۲۷) در مسیح اعاده شده است. صمیمیت باغ عدن بار دیگر امکان پذیر شده است.

با این وجود، شاید این توصیفها (آسمان همچون یک شهر مکعب شکل بزرگ در مکا. ۲۱: ۹-۲۷) استعاری باشند نه واقعی و تحت اللفظی. I قرن. ۱۵ تفاوت میان بدن جسمانی و بدن روحانی را به بذر و گیاه بزرگ شده تشبیه می کند. دیگر بار I قرن. ۲: ۹ (نقل قولی از اش. ۶۴: ۴ و ۶۵: ۱۷) یک امید و وعده بزرگ است! می دانم که وقتی خداوند را ببینیم، همانند او خواهیم بود (ر. ک. I یوحنا ۳: ۲).

#### ۵. منابع مفید

الف. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*

ب. Maurice Rawlings, *Beyond Death's Door*

□ «و اجازه نخواهی داد که قدوس تو فساد را به بیند» این اشاره آشکار به مسیح موعود در ارتباط با مرگ است، اما نه فساد آن موعود، آن مسح شده و مقدس (ر. ک. مز. ۴۹: ۱۵ و ۸۶: ۱۳).

۲۸: «مرا از روی خود به خرمی سیر گردانیدی» این عبارت حاوی تجربه ای شخصی و شادی بخش با خدای پدر (آیات ۲۲-۲۸) در آسمان بواسطه مرگ مسیح موعود است (ر. ک. اش. ۵۳: ۱۰-۱۲). همین دیدگاه مثبت از شراکت شخصی با خدا در زندگی پس از مرگ در ایوب ۱۴: ۱۴-۱۵؛ ۱۹: ۲۵-۲۷ به ثبت رسیده است.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲: ۲۹-۳۶

۲۹ «ای برادران درباره جلد ما داوود صریحاً باید بگویم که او نه فقط مرد و به خاک سپرده شد، بلکه آرامگاه او نیز تا به امروز در میان ما باقی است. ۳۰ و چون او نبی بود و می دانست که خدا برای او سوگند یاد کرده است، که از نسل او یک نفر را بر تخت سلطنت بنشانند، ۳۱ از قبل، رستاخیز مسیح را پیش بینی نموده درباره آن گفت: 'او در دنیای مردگان ترک نشد و جسد او هرگز فاسد نگردید.' ۳۲ خدا همین عیسی را پس از مرگ زنده کرد و همه ما بر آن گواه هستیم. ۳۳ حال که عیسی به دست راست خدا بالا برده شده است، روح القدس موعود را از پدر یافته و به ما افاضه کرده است، شما این چیزها را می بینید و می شنوید. ۳۴ زیرا داوود به عالم بالا صعود نکرد اما خود او می گوید: 'خداوند به خداوند من گفت: به دست راست من بنشین ۳۵ تا دشمنان را زیر پای تو اندازم.' ۳۶ «پس ای جمیع قوم اسرائیل، یقین بدانید که خدا این عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح کرده است.»

۲: ۲۹-۳۱ دنبال کردن تحلیل پطرس از این مزموور برای خوانندگان غربی امروزی کار آسانی نیست، زیرا او از شیوه تفسیر علمای یهود استفاده می کند (در مورد کتاب عبرانیان نیز همین امر صدق می نماید). شاید پطرس این بحث را در کنیسه درباره آمدن مسیح موعود شنیده و اکنون دریافته است که اشاره آن، به عیسی ناصری است.

۲: ۲۹ پطرس نشان می دهد که مز. ۱۶، هر چند به گونه ای اشاره به داود دارد (خصوصاً ۱۶: ۱۰ ب)، اما کاملاً مربوط به وی نیست.

۲: ۳۰ "نبی بود" یهودیان می پنداشتند که خدا از طریق انبیا سخن می گوید. موسی را نبی می خواندند (ر.ک. ت. ۱۸: ۱۸). کتابهای یوشع، داوران، I و II سموئیل و I و II پادشاهان در کانون عهد عتیق یهود به عنوان "انبیای پیشین" نامیده می شدند. پس از مرگ ملاکی که آخرین نبی بود، علمای یهود پنداشتند که نبوت متوقف شده است. در این معناست که از دید یهودیان (نویسنده کتاب مقدس)، داود، یک نبی تلقی می شود. پیش از این در عهد عتیق، خدا به یعقوب نشان داد (ر.ک. پید. ۴۹) که مسیح موعود از قبیله یهودا است. در II سمو. ۷، خدا آشکار ساخت که مسیح موعود از نسل سلطنتی داود خواهد بود. در مز. ۱۱۰، او چنین هویدا ساخت که مسیح موعود از نسل کهنانی ملکی صدق نیز می باشد (ر.ک. آیات ۳۴-۳۵).

□ «خدا برای او سوگند یاد کرده است، که از نسل او یک نفر را بر تخت سلطنت بنشانند» این اشاره ای خلاصه یا مرکب از II سمو. ۷: ۱۱-۱۶؛ مز. ۸۹: ۳-۴ یا ۱۳۲: ۱۱ است و نشان می دهد که قصد و نیت قدیم الهی بر آن است که عیسی ناصری آن را تحقق بخشد. مرگ و رستاخیز عیسی نقشه دوم خدا نبود، بلکه نقشه از پیش تعیین شده وی برای رهایی، پیش از آفرینش جهان بود (ر.ک. افس. ۲: ۱۱-۳: ۱۳).

۲: ۳۱ «مسیح» این برگردان یونانی از واژه "ماشیح" عبری به معنی "آن مسح شده" است. عیسی نه فقط پسر داود، پادشاه اسرائیل بود، بلکه پسر خداست و بر تخت سلطنت آسمانی جلوس کرده است (ر.ک. مز. ۱۱۰).

□ «او در دنیای مردگان ترک نشد، و جسد او هرگز فاسد نگردید» این جمله در متن ترجمه جدید NASB از فهرست نقل قولهای عهد عتیق خط خورده است. اما آشکارا اشاره به مز. ۱۶ دارد.

۲: ۳۲-۳۳ «خدا ... عیسی ... روح القدس» هر چند واژه "تثلیث" هرگز در کتاب مقدس به کار نرفته است، عقیده به خدای تثلیث بواسطه این حقایق، الزامی است: (۱) الوهیت عیسی و (۲) شخصیت روح القدس. کتاب مقدس این مفهوم را با اشاره به هر سه شخصیت تثلیث در یک متن واحد در میان می گذارد (ر.ک. اعمال ۲: ۳۲-۳۳؛ متی ۲۸: ۱۹؛ I قرن ۱۲: ۴-۶؛ II قرن ۱: ۲۱-۲۲؛ ۱۳: ۱۴؛ افس. ۴: ۴-۶ و I پط. ۱: ۲).

### عنوان خاص: تثلیث اقدس

به عملکرد هر سه شخصیت تثلیث توجه کنید. اصطلاح "تثلیث"، کتاب مقدسی نیست و نخستین بار ترتولیان آن را ابداع کرد، اما مفهومی فراگیرنده است.

۱. اناجیل

أ. متی ۳: ۱۶-۱۷؛ ۲۸: ۱۹ (و معادلای آن)

ب. یوحنا ۱۴: ۲۶

۲. اعمال - اعمال ۲: ۳۲-۳۳، ۳۸-۳۹

۳. پولس

أ. رومیان ۱: ۴-۵؛ ۵: ۱۵؛ ۸: ۱-۴؛ ۸-۱۰

ب. I قرن. ۲: ۸-۱۰؛ ۱۲: ۴-۶

ج. II قرن. ۱: ۲۱؛ ۱۳: ۱۴

د. غلاطیان ۴: ۴-۶

ه. افسسیان ۱: ۳-۱۷؛ ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۴-۱۷؛ ۴: ۴-۶

و. I تسالونیکیان ۱: ۲-۵

ز. II تسالونیکیان ۲: ۱۳

ح. تیطس ۳: ۴-۶

۴. پطرس - I پطرس ۱: ۲

۵. یهودا - آیات ۲۰-۲۱

به این موضوع در عهد عتیق اشاره شده است:

۱. استفاده از جمع بندی برای خدا

أ. نام *Elohim* جمع است، اما وقتی برای خدا به کار می رود همواره فعل مفرد دارد

ب. ضمیر "ما" در پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۳: ۲۲؛ ۱۱: ۷

ج. "واحد" در *Shema* (بشنو ای اسرائیل) تثنیه ۶: ۴ جمع است (همانگونه که در پید. ۲: ۲۴؛ حز. ۳۷: ۱۷ است).

۲. فرشته خداوند به عنوان نماینده قابل رویت الهی

أ. پیدایش ۱۶: ۷-۱۳؛ ۲۲: ۱۱-۱۵؛ ۱۳: ۱۱، ۱۳؛ ۴۸: ۱۵-۱۶

ب. خروج ۳: ۴، ۲؛ ۱۳: ۲۱؛ ۱۴: ۱۹

ج. داوران ۲: ۱؛ ۶: ۲۲-۲۳؛ ۱۳: ۳-۲۲

د. زکریا ۳: ۱-۲

۳. خدا و روح القدس از هم مجزا هستند، پیدایش ۱: ۱-۲؛ مزمو ۱۰۴: ۳۰؛ اش. ۶۳: ۹-۱۱؛ حز. ۳۷: ۱۳-۱۴

۴. خدا (YHWH) و مسیح موعود (*Adon*) از هم مجزا هستند، مزمو ۶: ۴۵؛ ۷-۶؛ ۱۱۰: ۱؛ زکریا ۲: ۸-۱۱؛ ۱۰: ۹-۱۲

۵. مسیح و روح القدس از هم مجزا هستند، زکریا ۱۲: ۱۰

۶. هر سه با هم در اش. ۴۸: ۱۶؛ ۶۱: ۱ مورد اشاره قرار گرفته اند.

الهیت عیسی و شخصیت روح القدس برای ایمانداران اولیه سختگیر و توحیدگرا مشکلاتی را بوجود آورد:

۱. ترتولیان - خدای پسر را مادون خدای پدر دانست

۲. اریجن - ذات الهی خدای پسر و روح القدس را مادون و فروتر برشمرد

۳. آریوس - الهیت خدای پسر و روح القدس را رد کرد

۴. مونارکیانسم - معتقد به تسلسل ظهور خدا بودند

تثلیث یک قاعده نشو و نما یافته تاریخی است که توسط اصول کتاب مقدسی به اطلاع رسیده است:

۱. الهیت کامل عیسی، برابر با خدای پدر، در سال ۳۲۵ م. توسط شورای نیقیه تصدیق شد

۲. شخصیت و الهیت کامل روح القدس برابر با خدای پدر و خدای پسر توسط شورای کنستانتینوپل (۳۸۱ م.) تصدیق شد

۳. آموزه تثلیث در کتاب *De Trinitate* آگوستین به طور کامل بیان شده است

این موضوع به راستی اسرارآمیز است. اما به نظر می رسد عهد جدید تجلیات یک ذات الهی با سه شخصیت جاودانی را تصدیق می کند.

۲: ۳۲ «خدا همین عیسی را پس از مرگ زنده کرد» به یادداشت کامل در ۲: ۲۴ مراجعه کنید.

□ «همه ما بر آن گواه هستیم» اشاره به کسانی است که مسیح قیام کرده را دیدند. به جدول ظاهر شدنهای عیسی پس از قیامش در کتاب: Paul Barnett, *Jesus and the Rise of Early Christianity*, p. 185 و در مورد ۱: ۳ (صفحه ۹) مراجعه کنید.

۲: ۳۳ «به دست راست خدا» تشبیه انسانی برای نشان دادن محل قدرت، اقتدار و شفاعت (ر.ک. ۱ یوحنا ۲: ۱)، که از مز. ۱: ۱۱۰ (که بیش از سایر مزامیر در عهد جدید نقل قول شده است) یا مز. ۱۶: ۱۱۸ برگرفته شده است. خدا روح جاودانی است که در تمامی آفرینش مادی و روحانی حضور دارد. انسانها باید زبان و مفاهیم زمینی را به کار ببرند تا از او سخن بگویند اما تمامی این سخنان: (۱) نفی (۲) تحلیل یا (۳) استعاره و تشبیه هستند. حتی واژه "پدر" برای توصیف خدا یا "پسر" برای توصیف عیسی، تشبیهی هستند. تمامی تشبیهات در جایی فرومی شکنند. هدف از استفاده از آنها بیان حقیقت یا مفهومی مرکزی درباره الوهیت است. مراقب ملالغطی شدن، باشید! یقیناً شما انتظار ندارید که وقتی به آسمان بروید یک مرد پیر، یک مرد جوان و یک کبوتر سفید ببینید!

□ «روح القدس موعود» در عهدعتیق وعده روزگار جدید عدالت با رهنمود داده شده است که توسط کار مسیح موعود عملی می شود.

۱. یوحنا ۷: ۳۹، روزگار جدید فرارسیده است

۲. غلا. ۳: ۱۴، برکت ابراهیم (ر.ک. پید. ۱۲: ۳) اکنون در دسترس تمامی جهانیان است

۳. افس. ۱: ۱۳، ایمانداران در این عصر جدید توسط روح القدس مَهر شده اند.

□ «می بینید و می شنوید» در این موعظه به طور مستمر بر اینکه شنوندگان شاهدان عینی هستند، تأکید می شود (آیات ۳۶، ۳۳، ۳۲، ۲۲، ۱۴). آنها می دانستند آنچه پطرس می گوید حقیقت دارد زیرا خودشان در همانجا حاضر بودند. وکلای دادگستری این منبع اولیه را مدرک می خوانند.

۲: ۳۴ «خداوند به خداوند من گفت» نقل قولی از مزور ۱: ۱۱۰ است. عیسی از این جمله در متی ۲۲: ۴۱-۴۶ استفاده کرد. در عهدجدید، این آیه نشانگر دوجانبه بودن پادشاهی است؛ عیسی در حال حاضر در دست راست خدا است، اما دشمنانش هنوز پای انداز او نشده اند. به عنوان خاص: پادشاهی خدا در ۱: ۳ مراجعه کنید.

۲: ۳۶ «ای جمیع قوم اسرائیل» اشاره به مردم و رهبری یهودیان است، یعنی همان کسانی که مخاطب پطرس هستند. او اظهار می دارد که نبوت عهدعتیق در عیسای ناصری به تحقق و اوج خود رسیده است. به عنوان خاص: پادشاهی خدا در ۱: ۳ مراجعه کنید.

۲: ۳۶

NASB «به یقین بدانید»

NKJV «با اطمینان آگاه باشید»

NRSV «با قطعیت بدانید»

TEV «مطمئناً بدانید»

NJB «می تواند قطعی باشد»

بازتاب دو واژه یونانی است: قید *aphalo-s* به معنی "با اطمینان بستن" (کنایه ای از یقین داشتن، ۱۶: ۲۳) و فعل حال معلوم امری *gino-sko-*، به معنی "دانستن". این شاهدان عینی هفته آخر حضور عیسی در اورشلیم، مرگ و قیام او نمی توانستند به حقیقت سخنان پطرس شک کنند.



□ «**خداوند و مسیح**» می توان واژه "خداوند" (*kurios*) را به معنای کلی یا در معنای خاص الهیاتی به کار برد. این واژه می تواند به معنی "آقا"، "ارباب"، "سرور"، "مالک"، "شوهر" یا "خدا-انسان کامل" باشد. استفاده از این واژه در عهدعتیق (*adon*) به سبب احتراز یهودیان از به زبان آوردن نام خدای عهد، YHWH، بود که شکل متعدی فعل عبری "بودن" (ر.ک. خروج ۳: ۱۴) است. آنان می ترسیدند فرمان خدا را که می گفت: "نام یهوه خدای خود را بباطل مبر" بشکنند (ر.ک. خرو. ۲۰: ۷؛ تث. ۵: ۱۱). آنها چنین می پنداشتند که اگر این نام را بر زبان نیاورند، نخواهند توانست آن را به باطل ببرند. به همین سبب در عوض از واژه عبری *adonai* استفاده می کردند که دارای معنی مشابه با واژه یونانی *Kurios* (خداوند) داشت. نویسندگان عهدجدید از این واژه برای توصیف الوهیت کامل مسیح استفاده می کردند. عبارت "عیسی خداوند است" یک اعتراف عمومی به ایمان و قاعده ای در هنگام تعمید کلیسای اولیه بود (ر.ک. روم. ۱۰: ۹-۱۳؛ I قرن. ۱۲: ۳؛ فیل. ۲: ۱۱).

"مسیح" معادل یونانی واژه عبری *messiah* (ماشیح) به معنی "مسح شده" (ر.ک. ۲: ۳۶، ۳۱؛ ۳: ۲۰، ۱۸؛ ۴: ۲۶؛ ۵: ۴۲؛ ۸: ۵؛ ۹: ۲۲؛ ۱۷: ۳؛ ۱۸: ۲۸؛ ۲۶: ۲۳) است. مفهوم ضمنی آن چنین بود: "کسی که خدا برای انجام کار خاصی فراخوانده و تجهیز کرده است." در عهدعتیق سه گروه از رهبران مسح می شدند: کاهنان، پادشاهان و انبیا. عیسی هر سه مقام مسح شده را به کمال رسانید (ر.ک. عبر. ۱: ۲-۳). لوقا با استفاده از هر دو عنوان عهدعتیقی برای عیسی ناصری، اظهار می دارد که او هم الوهیت دارد (ر.ک. فیل. ۲: ۶-۱۱) و هم مسیح موعود است (ر.ک. لوقا ۲: ۱۱). به یقین این امر زمینه را برای اعلام (*kerigma*) سایر موعظه های اعمال آماده می سازد.

□ «**همین عیسی را که شما مصلوب کردید**» پطرس ساکنان اورشلیم مخاطب خود را به دو گانه گویی در مرگ عیسی متهم می سازد. تمامی انسانهای جبوط کرده به طور مساوی در این گناه دخیل هستند. ر.ک. یادداشت ۲: ۲۳.

□ «**همین عیسی**» این ترکیب "همین عیسی" (ر.ک. ۲: ۳۶، ۳۲، ۲۳) عیسی تاریخی را با مسیح قیام کرده و جلال یافته در سخنان پطرس پیوند می دهد. هر دو مفهوم حقیقی و واقعی هستند. تمایز کتاب مقدسی میان عیسی در زندگی اولیه اش و عیسی که به او ایمان بسته ایم وجود ندارد!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲: ۳۷-۴۲

۳۷ وقتی آنها این را شنیدند دلهایشان جریحه دار شد و از پطرس و سایر رسولان پرسیدند: «ای برادران، تکلیف ما چیست؟» ۳۸ پطرس به ایشان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما برای آمرزش گناهانتان به نام عیسی مسیح غسل تعمید بگیرید که روح القدس یعنی عطیه خدا را خواهید یافت، ۳۹ زیرا این وعده برای شما و فرزندان شما و برای کسانی است که دور هستند، یعنی هر که خداوند، خدای ما او را بخواند.» ۴۰ پطرس با سخنان بسیار دیگر شهادت می داد و آنان را ترغیب می کرد و می گفت: «خود را از این اشخاص نادرست برهانید.» ۴۱ پس کسانی که پیام او را پذیرفتند تعمید یافتند و در همان روز در حدود سه هزار نفر به ایشان پیوستند. ۴۲ آنان همیشه وقت خود را با شنیدن تعالیم رسولان و مشارکت ایمانداران و پاره کردن نان و دعا می گذرانیدند.

۲: ۳۷ «**دلهایشان جریحه دار شد**» واژه مرکب یونانی *kata* و *nusso* است. ریشه این واژه در یوحنا ۱۹: ۳۴ در مورد فرو کردن نیزه به پهلوی عیسی به کار رفته است. موعظه پطرس، حقیقت انجیل را در گوش شنوندگان فرو می کند. این امر آشکارا اشاره به الزام روح القدس پیش از نجات افراد است (ر.ک. یوحنا ۱۶: ۸-۱۱).

۲: ۳۸ «**توبه کنید**» این یک فعل ماضی نامعین امری معلوم است که معنای تصمیم جدی گرفتن را در خود دارد. اصطلاح عبری که برای توبه به کار می رفت به معنی تغییر رفتار بود. اصطلاح یونانی حاوی معنای تغییر فکر بود. توبه کردن عبارت از تمایل به تغییر است. این امر به معنی قطع کامل گناه نمی باشد بلکه تمایل به راضی کردن خدا در عوض راضی کردن خویش است. ما به عنوان انسانهای سقوط کرده برای خویشتن زندگی می کنیم، اما به عنوان ایمانداران، زندگی ما برای خداست! از نظر خدا، توبه و ایمان برای نجات ضروری هستند (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛

اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱). عیسی فرمود: "اگر توبه نکنید... ناپود خواهید شد" (ر.ک. لوقا ۱۳: ۳، ۵). توبه، اراده خدا برای انسان سقوط کرده است (ر.ک. II پطرس ۳: ۹، حز. ۱۸: ۳۲، ۳۰، ۲۳). راز قادر مطلق بودن خدا و اراده آزاد انسان را می توان به روشنی بوسیله توبه، به عنوان لازمه نجات نشان داد. اما، تناقض یا دوگانگی دیالکتیک موجود در آن این است که توبه هدیه ای از جانب خداست (ر.ک. ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸ و II تیمو. ۲: ۲۵). همواره در عرضه کتاب مقدسی از فیض اولیه خدا و پاسخ ضروری مبنی بر عهد انسان، تنش وجود دارد. عهد جدید مانند عهد عتیق ساختاری "اگر-آنگاه" دارد. واژه های فراوانی در عهد جدید به کار رفته است که به موضوع توبه مربوط می شود.

متن روشنگر در این زمینه، II قرن. ۷: ۸-۱۱ است. اصطلاحات مربوطه عبارتند از: (۱) "ناراحتی/حزن/غم" (*dupe-* آیات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱) که از لحاظ اخلاقی خنثی است؛ (۲) "پشیمانی" (*metamelomai* آیات ۸، ۱۰) به معنی "اندوه از رفتار گذشته". این واژه در مورد یهودا (ر.ک. متی ۲۷: ۳) و عیسی (ر.ک. عبر. ۱۲: ۱۶-۱۷) مورد استفاده قرار گرفته است؛ و (۳) "توبه" (*metanoneo-* آیات ۹، ۱۰، ۱۱) به معنی تغییر عقیده دادن، شخصیت تازه یافتن و جهتی تازه در روش زندگی، است. غم، مشخصه توبه نیست بلکه مشخصه اصلی آن اشتیاق به تغییر و همنا شدن با اراده خداست. عنوان خاص زیر در مورد "توبه" از کتاب تفسیر من درباره II قرن تیان ۷ برداشت شده است.

### عنوان خاص: توبه

توبه (همراه با ایمان) یکی از ملزومات عهد چه در عهد عتیق (*Nacham*، I پاد. ۸: ۴۷؛ *Shuv*، I پاد. ۸: ۴۸؛ حز. ۱۴: ۶؛ ۱۸: ۳۰؛ یوئیل ۲: ۱۲-۱۳؛ زکر. ۱: ۳-۴) و چه در عهد جدید است.

۱. یحیای تعمید دهنده (متی ۳: ۲؛ مرقس ۱: ۴؛ لوقا ۳: ۳۸)

۲. عیسی (متی ۴: ۱۷؛ مرقس ۱: ۱۵؛ ۲: ۱۷؛ لوقا ۵: ۳۲؛ ۱۳: ۵؛ ۳: ۱۵؛ ۷: ۱۷؛ ۳)

۳. پطرس (اعمال ۲: ۳۸؛ ۳: ۱۹؛ ۸: ۲۲؛ ۱۱: ۱۸؛ II پطرس ۳: ۹)

۴. پولس (اعمال ۱۳: ۱۳؛ ۲۴: ۱۷؛ ۳۰؛ ۲۰: ۲۱؛ ۲۶: ۲۰؛ روم. ۲: ۴؛ II قرن. ۲: ۹-۱۰)

اما توبه چیست؟ آیا اندوهگین شدن یا قطع گناه کردن است؟ بهترین فصل کتاب عهد جدید برای درک تفاوت معانی ضمنی این مفهوم، II قرن تیان ۷: ۸-۱۱ است که در آن سه واژه یونانی مرتبط، اما در عین حال متفاوت بکار رفته اند.

۱. "ناراحتی/حزن/غم" (*dupe-* ر.ک. آیات ۸ [دوبار]، ۹ [سه بار]، ۱۰ [دو بار]، ۱۱). این واژه به معنی اندوه یا پریشانی است و معنای الهیاتی خنثی دارد.

۲. "توبه" (*metanoeo-* ر.ک. آیات ۹، ۱۰). این واژه ترکیبی از "فکر" و "پسین"، به معنی تفکری جدید، طرز تفکری تازه، در پیش گرفتن برخورداردی جدید با زندگی و خدا است. توبه حقیقی چنین است.

"پشیمانی" (*metanoeo-* ر.ک. آیات ۸ [۲ بار]، ۱۰). این واژه ترکیبی از "توجه/بیم" و "پسین" است. در مورد یهودا در متی ۲۷: ۳ و عیسو در عبر. ۱۲: ۱۶-۱۷ مورد استفاده قرار گرفته است. حاوی معنای اندوه از عواقب عمل است و نه اندوه از اعمال انجام شده. توبه و ایمان در رفتار مربوط به عهد الزامی هستند (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۲: ۴۱، ۳۸؛ ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۰: ۲۱). از برخی متون چنین برداشت می شود که خدا توبه را می بخشاید (ر.ک. اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸؛ II تیمو. ۲: ۲۵). اما در اکثر متون، توبه به عنوان پاسخ الزامی انسان به عهد پیشنهادی نجات رایگان خدا، تلقی می شود (بازگشت به مشارکت خانوادگی، ر.ک. لوقا ۱۵: ۲۰-۲۴).

معنی هر دو واژه عبری و یونانی، ضرورتاً معنی کامل توبه را دربردارد. واژه عبری حاوی معنی "تغییر رفتار" و واژه یونانی حاوی "تغییر فکر" است. شخص نجات یافته فکر و دلی تازه دریافت می کند. او به گونه متفاوت می اندیشد و زندگی می نماید. در عوض پرسش: "این چه نفعی برای من دارد؟"، سوال او اکنون این است که: "اراده خدا چیست؟" توبه یک احساس گذرا یا بی گناهی مطلق نیست، بلکه رابطه ای جدید با خدای قدوس است که به تدریج شخص ایماندار را مقدس می گرداند.

□ «**تعمید بگیرید**» این یک فعل ماضی نامعین امری متعدی است (ر.ک. NASB, NKJV). در کتاب *Acts* نوشته Curtis Vaughan، پانوشت جالبی در صفحه ۲۸ وجود دارد:

"واژه یونانی "تعمید بگیرید" فعل امری سوم شخص و واژه "توبه کنید"، فعل امری دوم شخص است. این تغییر شکل از حالت امری مستقیمتر دوم شخص به حالت غیرمستقیم سوم شخص "تعمید گرفتن" حاوی معنی ضمنی است که درخواست اولیه پطرس همانا توبه کردن می باشد."

این امر دنباله روی از تأکید موعظه یحیای تعمید دهنده (ر.ک. متی ۳: ۲) و عیسی (ر.ک. متی ۴: ۱۷) است. به نظر می رسد که توبه کردن، کلید روحانی و تعمید گرفتن، بیان ظاهری این تغییر روحانی می باشد. عهد جدید هیچگونه نشانی از ایمانداران تعمید نگرفته ندارد! برای کلیسای اولیه، تعمید گرفتن همانا به منزله اعتراف عمومی به ایمان بود. این کار اعتراف به ایمان به مسیح در برابر عموم است، نه سازوکاری برای نجات یافتن! لازم به یادآوری است که اشاره ای به تعمید گرفتن در دومین موعظه پطرس وجود ندارد، اما توبه کردن در آن موعظه نیز مورد اشاره قرار گرفته است (ر.ک. ۳: ۱۹؛ لوقا ۲۴: ۱۷). عیسی رسم تعمید را برجای گذاشت (ر.ک. متی ۳: ۱۳-۱۸). عیسی امر به تعمید گرفتن کرد (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹). مسئله امروزی ضرورت تعمید گرفتن برای نجات یافتن در عهد جدید عنوان نشده است؛ چرا که در آن از همه ایمانداران انتظار می رود که تعمید بگیرند. در عین حال می بایست در برابر اعتقاد مکانیکی به پیروی از مراسم دینی برای رستگاری ایستاد! نجات مسئله ای مربوط به ایمان است، نه موضوعی مربوط به قرار گرفتن در جای صحیح، ادای کلمات درست و انجام مراسم صحیح!

□ «**به نام عیسی**» این اصطلاحی عبرانی (بازتاب یوئیل ۲: ۳۲) در اشاره به شخصیت یا صفات مشخصه عیسی است. شاید قاعده تعمید کلیسای اولیه که احتمالاً شخص تعمید گیرنده آن را تکرار می کرده چنین بوده: "من ایمان دارم که عیسی خداوند است" (ر.ک. روم. ۱۰: ۹-۱۳). این جمله تأکید بر آموزه و اعتماد شخصی بر عیسی دارد. در مأموریت بزرگ متی ۲۸: ۱۹-۲۰ ادای نام خدای تثلیث قاعده تعمید گرفتن است. دیگرار باید در برابر اعتقاد مکانیکی به پیروی از مراسم دینی برای رستگاری ایستادگی کرد! این قاعده و روش انجام تعمید نیست که کلید اصلی است بلکه قلب شخص تعمید گیرنده.

۲: ۳۸

«برای آموزش گناهانتان»	NASB, NJB, NIV
«برای بخشایش گناهان»	NKJV
«باشد که گناهان شما بخشوده شود»	NRSV
«تا اینکه گناهان شما بخشوده شود»	TEV

مسئله الهیاتی در اینجا اینست که "برای" (*eis*) چه عملکردی دارد؟ آیا آموزش به "توبه" یا "تعمید گرفتن" مربوط است؟ آیا آموزش وابسته به توبه و/یا تعمید است؟

کاربردهای ممکن *eis* زیادند. رایجترین کاربرد آن "به امید" یا "به قصد" است. اکثر پژوهشگران تعمیدی (Baptist) معنای "بخاطر" را به دلایل الهیاتی برمی گزینند، اما این معنا رتبه پایینتری دارد. اغلب پیش فرضهای ما حتی در این سطح از تحلیل دستوری نیز دخالت می کنند. ما باید بگذاریم کتاب مقدس در هر متن سخن بگوید و سپس مترادفهای آن را بررسی کنیم؛ فقط به این صورت می توانیم الهیات نظام مند خود را شکل بدهیم. تمامی مفسرین از لحاظ تاریخی، فرقه ای و تجربی، مشروط عمل می کنند.

آموزش از طریق ایمان به مسیح موضوعی است که در موعظه های اعمال تکرار می شود (مثال: پطرس: ۲: ۳۸؛ ۳: ۱۹؛ ۵: ۳۱؛ ۱۰: ۴۳؛ و پولس: ۱۳: ۳۸).

□ «عطای روح القدس را خواهید یافت» یک فعل آینده میانی (ظاهراً مجهول ولی معلوم) اخباری است. عطای روح القدس عبارت بود از: (۱) نجات محفوظ؛ (۲) حضوری ماندگار؛ (۳) تجهیزی برای خدمت؛ و (۴) شباهت یافتن پویا به مسیح. ما نباید موارد مربوط به روند نجات یافتن یا ترتیب آنها را با زور و فشار برآورد کنیم زیرا در کتاب اعمال، معمولاً این روند متفاوت است. هدف از نگارش اعمال، نه تعلیم قاعده استاندارد یا سلسله مراتب الهیاتی (ر.ک. به صفحات ۹۴-۱۱۲ کتاب: *How to Read the Bible for All Its Worth*)، بلکه ثبت اتفاقات بوده است.

آیا یک مفسر کتاب مقدس باید از این متن برای دریافت سلسله مراتب کارهای مربوط به نجات یافتن به این ترتیب کند: توبه کردن، تعمید گرفتن، آموزش و سپس دریافت عطای روح القدس؟ الهیات من چنین می گوید که روح القدس از ابتدا فعال است (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵) و در تمامی روند الزام (ر.ک. یوحنا ۱۶: ۸-۱۲)، توبه (ر.ک. ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸؛ II تیمو. ۲: ۲۵) و ایمان، نقشی حساس دارد. روح القدس از ابتدا تا انتها اولویت دارد و ضروری است (ر.ک. رومیان ۸: ۹). یقیناً او در آخر صف قرار نمی گیرد!

□ ۲: ۳۹ «این وعده برای شما و فرزندان شما ... است» این دیدگاهی عهد عتیقی، منفرد، چند ملیتی و خانوادگی بود (ر.ک. خروج ۲۰: ۵-۶ و تث. ۵: ۹-۱۰؛ ۷: ۹). ایمان فرزندان تحت تأثیر والدین قرار داشت و از مسئولیتهای والدین محسوب می شد (ر.ک. تث. ۴: ۹؛ ۶: ۲۰-۶؛ ۲۵: ۱۱؛ ۱۵: ۳۲؛ ۴۶). این تأثیرگذاری متحد جنبه ای ترسناک در پرتو متی ۲۷: ۲۵ می یابد ("خون این مرد به گردن ما و فرزندان ما باشد").

وعده تأثیر ایمان چند ملیتی به من یاری می دهد تا اطمینان یابم که خدا از ایمان من برای تأثیر گذاشتن، برکت و حفاظت نسلهایم استفاده می کند. این امر مسئولیت شخصی را رد نمی کند، بلکه عنصر تأثیر مشترک را می افزاید. ایمان من و خدمت وفادارانه ام به مسیح بر خانواده من و خانواده های فرزندانم تا چند نسل تأثیرگذار است (ر.ک. تث. ۷: ۹). چه امید تسلی بخش و وعده انگیزه دهنده ای! ایمان در میان خانواده ها پیش می رود!

□ «برای کسانی که دور هستند» مخاطبین پطرس، یهودیان هستند. این عبارت در اصل اشاره به یهودیان در اسارت بود که باید به سرزمین وعده بازمی گشتند (ر.ک. اش. ۵۷: ۱۹). اما در عین حال در همین متن، به نظر می رسد اشاره به غیریهودانی که از شناخت *YHWH* بسیار دور بودند (ر.ک. اش. ۴۹: ۱؛ زکر. ۱: ۲۶-۲۷) باشد. مژده انجیل آن است که یک خدای حقیقی وجود دارد (توحید) که تمامی انسانها را به شباهت خود آفرید (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷)، که می خواهد با همه آنها مشارکت داشته باشد (ر.ک. I تیمو. ۲: ۴؛ II پطرس. ۳: ۹). این امید اتحاد و یگانگی تمامی انسانها در مسیح است. در او دیگر یهود-غیریهود، بنده-آزاد، مرد-زن متفاوت نیستند بلکه همگی یگانه اند (ر.ک. افس. ۲: ۱۱-۱۳). عصر جدید روح القدس، اتحادی غیرمنتظره را به بار آورده است!

□ «هر که خداوند خدای ما او را بخواند» این یک فعل ماضی نامعین میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم) شرطی است. در اصل این عبارت اشاره به یهودیت پراکنده شده، داشت. خدا همواره قدم اول را بر می دارد (آوای میانی، ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). از حز. ۱۸: ۳۲؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ I تیمو. ۲: ۴؛ II پطرس. ۳: ۹، می دانیم که او همه مردمان را تا حدودی به سمت خود فرامی خواند. اما آنها باید به دعوت او پاسخ دهند (که همان وجه شرطی است).

واژه های "هر که" و "همه" در کتاب مقدس مترادف محسوب می شوند (اش. ۵۳: ۶، "همه" را با اش. ۵۳: ۱۱، ۱۲، "بسیاری" مقایسه کنید یا روم ۵: ۱۸، "همه" را با روم. ۵: ۱۹ "بسیاری" مقایسه نمایید). قلب خدا برای مردمان گمشده که به شباهت او و مشارکت با او آفریده شده اند، می طپد!

□ ۲: ۴۰ «با سخنان بسیار دیگر» این مدرکی لفظی است که نشان می دهد موعظه های ثبت شده در اعمال تلخیص شده هستند. در مورد تعالیم و موعظه های عیسی در اناجیل نیز همین امر صادق است. پیش فرض ما بر آن است که این خلاصه نویسی ها نیز دقیق و الهامی هستند. در جهان قرن اول میلادی تعریف سینه به سینه وقایع و از حفظ کردن آنها متداول بود.

□ «شهادت می داد» این اصطلاح یونانی (*dia* به علاوه *marturomai*) در نوشته های لوقا رایج است (ر.ک. ۲: ۴۰؛ ۸: ۲۵؛ ۱۰: ۴۲؛ ۱۸: ۵؛ ۲۰: ۲۴، ۲۳، ۲۱؛ ۲۳: ۱۱؛ ۲۸: ۲۳؛ لوقا ۱۶: ۲۸). ضرورت و نهایی بودن انجیل چنان است که نمی توان آن را نادیده گرفت، چه در گفتن و چه در شنیدن.

□ «آنان را ترغیب می کرد» انسان باید به دعوت خدا در مسیح پاسخ دهد (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ روم. ۱۰: ۹-۱۳). این همان دوگانگی میان قدرت مطلق خدا و اراده آزاد انسان است (ر.ک. فیل. ۱: ۱۲-۱۳).

۴۰: ۲

NASB, NKJB,  
NRSV, TEV  
NJB  
«نجات یابید»  
«خود را برهانید»

شکل تغییر یافته این عبارت یک فعل ماضی نامعین امری متعدی است، ولی آنچه در ترجمه های NRSV, TEV, NJB مشاهده می شود آوای میانی دارد. این تنشی الهیاتی در ارتباط با نجات است. آیا همه کار را خدا انجام می دهد یا شنونده نیز باید به خدا اجازه بدهد تا در زندگی او عمل کند؟

واژه یونانی "نجات یافتن" (*so-so-*) بازتابی از مفهوم عبری (*yasha*) در مورد رهایی جسمی است (ر.ک. یعقوب ۵: ۱۵، ۲۰)، در حالیکه در عهد جدید، این واژه حاوی معنی رهایی یا نجات روحانی است (ر.ک. یعقوب ۱: ۲۱؛ ۲: ۱۴؛ ۴: ۱۲).

#### عنوان خاص: صرف افعال یونانی بکار رفته برای نجات

نجات یک محصول نیست بلکه یک ارتباط است. هنگامی که شخص به مسیح اعتماد می کند، نجات به انجام نمی رسد بلکه تازه آغاز می شود! نجات یک سیاستگذاری بیمه آتش سوزی نیست، بلیطی به سوی بهشت نیز نمی باشد بلکه زندگی پویایی در جهت شباهت یافتن به مسیح است. در زبان آمریکایی ضرب المثلی وجود دارد که می گوید هر قدر زوجی بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه همدیگر می شوند. این هدف نجات یافتن است!

نجات به عنوان یک عمل کامل شده (ماضی نامعین)

- اعمال ۱۱: ۱۵

- رومیان ۸: ۲۴

- II تیموتائوس ۱: ۹

- تیطس ۳: ۵

- رومیان ۱۳: ۱۱ (ترکیب ماضی نامعین با جهت دهی آینده)

نجات به عنوان حالتی از بودن (کامل)

- افسسیان ۲: ۵۸

نجات به عنوان روندی ادامه دار (حال)

- I قرن تیان ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲

- II قرن تیان ۲: ۱۵

- I پطرس ۳: ۲۱

نجات به عنوان کمال یافتن در آینده (آینده در فعل یا مضمون)

- (مفهوم ضمنی در متی ۱۰: ۲۲، ۲۴: ۱۳؛ مرقس ۱۳: ۱۳)
- رومیان ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۳: ۹
- I قرن تیان ۳: ۱۵؛ ۵: ۵
- فیلیپیان ۱: ۲۸
- I تسالونیکیان ۵: ۸-۹
- عبرانیان ۱: ۱۴؛ ۹: ۲۸
- I تیموتائوس ۴: ۱۶
- I پطرس ۱: ۵، ۹

بنابراین، نجات با تصمیم اولیه ایمان آغاز می شود (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ روم. ۱۰: ۹-۱۳)، اما پی آمد آن می بایست ایمان عملی در روند زندگی باشد (ر.ک. روم. ۸: ۲۹؛ غلا. ۳: ۱۹؛ افس. ۱: ۴؛ ۲: ۱۰)، که روزی آشکارا تکمیل خواهد شد (ر.ک. I یوحنا ۳: ۲). این حالت نهایی، جلال یافتن خواننده می شود. موضوع بالا را می توان چنین نمایش داد:

۱. نجات اولیه - عادل شمردگی (نجات یافتن از مجازات گناه)
۲. نجات پیش رونده - تقدیس (نجات از قدرت گناه)
۳. نجات نهایی - جلال یافتن (نجات از حضور گناه)

□ «اشخاص نادرست» شاید این کنایه ای از ت. ۳۲: ۵ و مز. ۷۸: ۸ باشد. ریشه عهدعتیق برای واژه های "راست"، "راست کار"، "عادل"، "عدالت" از "نی رودخانه" می آمد. این واژه تعبیری تشبیهی، نی اندازه گیری، یا معیاری مستقیم گردید. خدا این استعاره را برای توصیف شخصیت خود برگزید. خدا معیار اندازه گیری است! اکثر واژگان در مورد گناه به زبان عبری و یونانی اشاره به انحراف از این معیار را دارند (همان نادرست بودن، منحرف شدن). تمامی انسانها نیازمند نجات یافتن و احیا شدن هستند.

۴۱: ۲

NASB «پذیرفتند»

NKJV «با خوشی پذیرفتند»

NRSV «خوش آمد گفتند»

TEV «ایمان آوردند»

NJB «قبول کردند»

این یک فعل ماضی نامعین میانی وصفی از *apodechomai* است. Louw and Nida در کتاب *Greek-English Lexicon*، سه

کاربرد این واژه را فهرست کرده اند (ر.ک. جلد دوم، صفحه ۲۸).

۱. خوش آمدگویی به یک فرد

۲. پذیرش چیزی یا کسی به عنوان چیز یا شخص درست و پاسخ مناسب به او

۳. دریافت حقیقت یا ارزش چیزی یا کسی

لوقا اغلب از این واژه استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۸: ۴۰؛ ۹: ۱۱؛ اعمال ۲: ۴۱؛ ۱۸: ۲۷؛ ۲۴: ۳؛ ۲۸: ۳۰). انجیل عبارت از خوش آمدگویی به

یک فرد، قبول و ایمان آوردن به درستی او، و زندگی شبیه زندگی آن فرد را دنبال کردن است. هر سه این موارد اساسی و تعیین کننده اند.

□ «**تعمید یافتند**» تعمید گرفتن یک توقع مذهبی از یهودیان نبود. گروندگان به یهودیت خود را تعمید می دادند، اما یهودیان چنین کاری نمی کردند. این یک واقعه مذهبی جدید برای شنوندگان بود. عیسی تعمید یافت؛ عیسی به ما فرمود تا تعمید بگیریم - این هم یک توجیه روشن! عهد جدید با ایمانداران تعمید نیافته ناآشناست. به نظر می رسد که این کار انفکاک از آشکارا یهودی گرای و آغازی برای قوم جدید خدا بوده باشد.

□ «**سه هزار نفر**» این یک عدد گرد شده، ولی بزرگ است. پیام پطرس به این شاهدان عینی به هدف خورد. آنان آماده بودند تا پرش لازم ایمان را انجام دهند.

۱. عیسی، مسیح موعود بود

۲. مسیح موعود می بایست رنج می کشید

۳. ایمان به او تنها راه آمرزش الهی بود

۴. تعمید امری مقتضی بود

این امر مستلزم عزمی جزم، فوری و تغییر زندگی بود (و امروز هم هست!) به عنوان خاص: *Kerygma* در ۲: ۱۴ مراجعه کنید.

□ ۲: ۴۲ «**آنها همیشه وقت خود را با ... می گذرانیدند**» لوقا اغلب از این مفهوم استفاده می کند (ر.ک. ۱: ۱۴؛ ۲: ۴۲، ۴۶؛ ۶: ۴؛ ۸: ۱۳؛ ۱۰: ۷). به کارهایی که آنان به هنگام گردهم آیی انجام می دادند توجه کنید: (۱) تعلیم (ر.ک. ۲: ۴۲؛ ۴: ۱۸؛ ۵: ۴۲، ۲۸، ۲۵، ۲۱)؛ (۲) مشارکت؛ (۳) پاره کردن نان (احتمالاً اشاره به شام خداوند است)؛ و (۴) دعا (ر.ک. آیات ۴۳-۴۷). اینها چیزهایی است که باید به نوایمانان آموخت! این نوگرویدگان گرسنه حقیقت و جمع آمدن بودند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲: ۴۳-۴۷

۴۳ در اثر عجایب و نشانه‌های بسیاری که توسط رسولان به عمل می آمد، خوف الهی بر همه چیره شده بود. ۴۴ تمام ایمانداران با هم متحد و در همه چیز شریک بودند. ۴۵ مال و دارایی خود را می فروختند و نسبت به احتیاج هر کس بین خود تقسیم می کردند. ۴۶ آنان هر روز در معبد بزرگ دور هم جمع می شدند و در خانه‌های خود نان را پاره می کردند و با دلخوشی و صمیمیت با هم غذا می خوردند. ۴۷ خدا را حمد می کردند و مورد احترام همه مردم بودند و خداوند هر روز کسانی را که نجات می یافتند، به جمع ایشان می افزود.

۲: ۴۳ «**خوف الهی بر همه چیره شده بود**» این یک فعل اخباری مجهول (به ظاهر مجهول ولی معلوم) ناکامل است. واژه انگلیسی "phobia" از این واژه به معنی "تشویش" یا "ترس" گرفته شده است. حضور و قدرت خدا موجب ایجاد جوی مقدس شده بود و حتی گناهکاران نجات نیافته نیز به قدوسیت زمانی و مکانی واقف شده بودند!

۲: ۴۴ «**همه ایمانداران**» ر.ک. به یادداشت ۳: ۱۶.

□ «**در همه چیز شریک بودند**» این تجربه اولیه "شراکت" موفق نبود (ر.ک. ۴: ۳۲-۵: ۱۱). این بدان معنا نیست که این کار اصلی جهانی است، بلکه تلاشی برای نشان دادن محبت، ایمان یا شراکتی با پشتیبانی چند جانبه محسوب می شود. این نمونه خوبی است که نشان می دهد منظور از درج همه چیزهایی که در کتاب مقدس به ثبت رسیده، کاربری جهانی نیست! این ایمانداران اولیه محبت زیادی نسبت به همدیگر داشتند. یکاش ما نیز این محبت و احساس حضور و قدرت خدا را در میانمان داشتیم (ر.ک. یوحنا ۱۷: ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۱)!!

۲: ۴۶ «**به یکدل**» کلیسای اولی با این یکدلی بازشناخته می شود (ر.ک. ۱: ۱۴؛ ۲: ۴۶؛ ۴: ۲۴؛ ۵: ۱۲). این بدان معنا نیست که همه آنها در همه موارد با همدیگر موافق بودند، بلکه نشان می دهد که دل و فکرشان در مورد اولویتهای پادشاهی خدا در عوض تقدم فهرست امور شخصی شان، به هم تنیده شده بود.

□ «در معبد بزرگ» آنها احتمالاً در "رواق سلیمان" جمع می شدند (ر.ک. ۳: ۱۱؛ ۵: ۱۲). عیسی در آنجا تعلیم می داد (ر.ک. یوحنا ۱۰: ۲۳). رواق یا ایوان سلیمان، ایوانی سرپوشیده در جانب شرقی صحن خارجی غیریهودیان در معبد بزرگ هیرودیس بود (ر.ک. یوسفوس، *Antiq.* ۱۵:۱۱:۳). معلمان یهود در اینجا تعلیم می دادند. مردم معمولاً در آنجا جمع می شدند تا تعالیم را بشنوند.

توجه داشته باشید که کلیسای اولیه در معبد بزرگ و همچنین احتمالاً در کنیسه های محلی شرکت می کردند تا زمانی که معلمان یهود نفرینی را درست کردند (حدود ۷۰م). که اعضای کنیسه ها را وادار به نفرین عیسی می کرد. این امر موجب انفکاک میان کلیسا و یهودی گرایی شد. ایمانداران اولیه عبادت هفتگی خود را انجام می دادند و در روز یکشنبه برای بزرگداشت رستاخیز عیسی جمع می شدند.

□ «در خانه ها نان را پاره می کردند» در صورتی که "شکستن نان" تعریفی اختصاصی برای شام خداوند باشد (ر.ک. لوقا ۲۲: ۱۹ و مخصوصاً در مضمونهای شام محبت [ا قرن. ۱۱: ۱۷-۲۲؛ ۱۱ پط. ۲: ۱۳-۱۴؛ یهودا ۱۲] در کلیسای اولیه، به عنوان مثال در اعمال ۷: ۲۰)، آنگاه این عبارت اشاره به برگزاری عشاء ربانی روزانه در منازل محلی است (اما باید اذعان داشت که این عبارت در مورد صرف غذای معمولی نیز در لوقا ۲۴: ۳۵، ۳۰ بکار رفته است). در مورد سنتهای فرقه ای خشک خود درباره زمان، مکان، زمان تناوب و روش برگزاری شام خداوند، مواظب باشید.

۴۷: ۲	NASB
«خوشی و صداقت قلبی»	NKJV
«خوشی و ساده دلی»	NRSV
«دلهایی خوشحال و بخشنده»	TEV
«دلهایی خوشحال و فروتن»	NJB
«خوشحال و سخاوتمند»	

برگردانهای متفاوت دومین واژه نشانگر دشوار بودن ترجمه واژه یونانی *aphelote-s* است. این واژه از لحاظ لغوی به معنی نرمی یا صافی است، اما به عنوان استعاره ای به معنی "سادگی"، "صمیمیت" یا "فروتنی" نیز مورد استفاده قرار می گرفته است ( Louw and Nida). به عنوان خاص: قلب در ۱: ۲۴ مراجعه کنید.

۴۷: ۲	NASB, NKJV
«از لطف همه مردم برخوردار بودند»	NRSV
«مورد احترام همه مردم بودند»	TEV
«از احترام همه مردم بهره مند بودند»	NJB
«همه با بزرگی به ایشان می نگرستند»	

این عبارت اشاره به پذیرفته شدن مسیحیان در میان مردم اورشلیم است. تمامی اقشار و طبقات اجتماعی نظر خوبی نسبت به این ایمانداران اولیه داشتند. مسیحیان تهدیدی برای مقامات رومی یا صلح عمومی نبودند (یکی از اهداف نگارش کتاب اعمال). در ابتدای کلیسا انفکاک میان آن با یهودی گرایی معلمان یهود وجود نداشت.

□ «خداوند ... می افزود» این یک فعل اخباری معلوم ناکامل است. کتاب مقدس بر قدرت مطلق خدا تأکید دارد. هیچ چیز خارج از اراده خدا رخ نمی دهد. اما این روش عهدعتیقی برای اثبات توحید (یعنی علیت یگانه) مورد سوء تفاهم قرار گرفته است. می خواهیم در اینجا دو عنوان خاص را بگنجانیم، یکی در مورد نیاز به ایجاد تعادل و دیگری در مورد عهد. امیدوارم این عناوین نوری با خود بیاورند، اما آتش افروزی نکنند!



## عنوان خاص: گزینش / تقدیر و نیاز به تعادلی الهیاتی

گزینش، آموزه ای شگفت انگیز است. با این وجود، مفهوم آن فراخوانده شدن بخاطر تبعیض نیست بلکه این فراخوانی برای آن است که شخص مجرا و وسیله ای برای نجات دیگران شود! در عهد عتیق، این اصطلاح اصولاً در عهد عتیق برای انجام خدمت و در عهد جدید، برای خدمتی که منجر به نجات می شود، مورد استفاده قرار می گیرد. کتاب مقدس هرگز میان تناقض ظاهری قادر مطلق بودن خدا و اراده آزاد انسان آشتی ایجاد نمی کند بلکه هر دو را تأیید می نماید! نمونه خوبی از این تنش کتاب مقدسی میان رومیان ۹، گزینش مطلق خدا و رومیان ۱۰، پاسخ مقتضی بشریت است (ر.ک. ۱۰: ۱۳، ۱۱).

کلید گشایش این تنش الهیاتی را می توان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی برگزیده خداست و همه افراد بشر بالقوه در او برگزیده شده اند (کارل بارت). عیسی جواب مثبت خدا به نیاز بشریت است (کارل بارت). افسسیان ۱: ۴ در روشن کردن این موضوع اظهار می دارد که هدف از این تقدیر، رفتن به بهشت نیست بلکه مقدس (شبیبه عیسی) شدن است. ما اغلب مجذوب مزایای انجیل می شویم و مسئولیتهای آن را نادیده می گیریم! فراخوانی خدا (گزینش) هم برای زمان حاضر است و هم برای ابدیت!

آموزه‌ها در ارتباط با سایر حقایق بوجود می آیند، نه به عنوان حقایق مجزا و نامربوط به همدیگر. یک تمثیل خوب می تواند مجموعه ستارگان در برابر یک ستاره مجزا باشد. خدا حقیقت را به طریقه شرقی عرضه کرده است، نه به شیوه غربی. ما نباید تنش ایجاد شده مناظره برانگیز (به ظاهر متناقض) میان حقایق دوگانه نمای الهیاتی را از میان برداریم (مانند: خدای ماورا در برابر خدای همه جا حاضر، امنیت در برابر بردباری؛ عیسی همتراز با خدای پدر در مقابل عیسی خدمتگزار خدای پدر؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی در برابر شریک عهد و غیره).

دیدگاه الهیاتی "عهد"، قادر مطلق بودن خدا (که همواره ابتکار عمل را در دست دارد و برنامه ریزی می کند) را با پاسخ ایمان همراه الزام اولیه و توبه دائمی انسانها، یگانگی می بخشد (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۰: ۲۱). برحذر باشید که با متون کتاب مقدسی نکوشید تا یک جنبه از این دوگانگی‌ها را ثابت کنید و جنبه دیگر را کم بها تلقی نمایید! مراقب باشید که فقط آموزه مورد علاقه یا سیستم الهیاتی خود را به کرسی ننشاند!

## عنوان خاص: عهد

واژه عهدعتیقی *berith*، به معنی عهد، به سادگی قابل برگرداندن نیست. در زبان عبری هیچگونه فعلی برای این واژه وجود ندارد. تمامی تلاشها برای استنتاج یک معنای ریشه ای از آن به پاسخ متقاعد کننده‌ای نرسیده است. اما مرکزیت آشکار این مفهوم، پژوهشگران را بر آن داشته تا کاربرد آن را بیازمایند تا معنی اصلی آن را دریابند.

عهد، وسیله ای است که خدا به دعوی انسانهای آفریده خود رسیدگی می کند. مفهوم عهد، پیمان یا توافق نامه در درک مکاشفه کتاب مقدسی نقشی اساسی دارد. تنش میان قادر مطلق بودن خدا و اراده آزاد انسان به روشنی در مفهوم عهد مشاهده می گردد. برخی از معاهدات بر اساس ماهیت، عملکردها و اهداف خداست. از جمله:

۱. آفرینش به خودی خود (ر.ک. پید. ۱-۲)

۲. فراخوانی ابراهیم (ر.ک. پید. ۱۲)

۳. عهد با ابراهیم (ر.ک. پید. ۱۵)

۴. حفاظت از نوح و وعده به او (ر.ک. پید. ۶-۹)

اما ماهیت عهد مستلزم یک پاسخ است

۱. بواسطه ایمان، آدم باید از خدا اطاعت کند و از میوه درختی که در وسط باغ عدن است، نخورد (ر.ک. پید. ۲)

۲. بواسطه ایمان، ابراهیم باید خاندان خود را ترک گوید، از خدا پیروی نماید و ایمان داشته باشد که در آینده صاحب نسلهای بسیار می گردد (ر.ک. پید. ۱۲، ۱۵)

۳. بواسطه ایمان، نوح باید کشتی بزرگی به دور از آب بسازد و حیوانات را جمع کند (ر.ک. پید. ۶-۹)

۴. بواسطه ایمان، موسی اسرائیلیان را از مصر بیرون آورد و رهنمودهای مشخصی برای زندگی مذهبی و اجتماعی با وعده برکات و لعنتها دریافت داشت (ر.ک. تث. ۲۷-۲۸)

در "عهد جدید"، همین گونه تنش در مورد ارتباط خدا با بشریت عنوان می شود. این تنش را می توان آشکارا از مقایسه جز. ۱۸ با جز. ۳۶: ۲۷-۳۷ مشاهده کرد. آیا عهد مبنی بر اعمال فیض آمیز خداست یا پاسخ ضروری انسان؟ این مسئله هیجان انگیز عهد عتیق و جدید است. اهداف هر دو عهد یگانه اند: (۱) احیای مشارکت از دست رفته در پید. ۳ و (۲) تشکیل جمع مردمانی عادل که ماهیت و شخصیت خدا را بازتاب می دهند. عهد تازه از امیا ۳۱: ۳۱-۳۴ مسئله این تنش را با زدودن کارکرد انسان به عنوان طرفی که می بایست پذیرفته شود، حل می کند. شریعت خدا، در عوض عملکردی ظاهری، تمایلی درونی می گردد. هدف قوم خداپرست عادل همان باقی می ماند که بود، اما اسلوب و روش آن تغییر می کند. بشریت سقوط کرده نشان داد که برای انعکاس صورت و شباهت خدا نامناسب است (ر.ک. روم. ۳: ۹-۱۸). مشکل اصلی، عهد نبود بلکه گناهکاری و ضعف انسان مسئله ساز بود (ر.ک. روم. ۷؛ غلا. ۳).

همان تنش میان عهدهای شرطی و غیرشرطی عهد عتیق در عهد جدید نیز وجود دارد. نجات کاملاً بخاطر کار انجام شده عیسی مسیح، رایگان است اما مستلزم توبه و ایمان می باشد (چه در ابتدا و چه به طور پیوسته در ادامه آن). نجات از یک سو اعلامیه‌ای رسمی است و از سوی دیگر فراخوانی برای شبیه مسیح شدن می باشد، از یک سو یک بیانیه اخباری از پذیرفته شدن است و از سوی دیگر فرمانی برای مقدس شدن می باشد! ایمانداران به جهت عملکرد خودشان نجات نیافته اند، بلکه نجات یافته اند از این جهت که اطاعت کنند (ر.ک. افس. ۲: ۸-۱۰). زندگی خداپسندانه مدرک و دلیل نجات می گردد، نه روش دستیابی به نجات.

۴۷:۲

NASB, NRSV «به تعداد ایشان»

NKJV «به کلیسای ایشان»

TEV «به جمع ایشان»

NJB «به اجتماع ایشان»

عبارت *epi to auto* در یونانی کلاسیک و Koine مورد استفاده قرار می گیرد (ترجمه هفتاد و اعمال ۱: ۱۵؛ ۲: ۴۷؛ ۱۱: ۱۱؛ ۲۰؛ ۱۴: ۲۳)، و معنی آن "جمع آمدن" است. در این بخش از عهد جدید این عبارت اشاره به جلسه کلیسایی دارد. بنابراین، خداوند هر روز به کلیسا (یعنی جمع کلیسا) می افزود.

□ «کسانی را که نجات می یافتند» عبارت "خداوند (خدا یا مسیح) می افزود" یک فعل اخباری معلوم ناکامل است، اما این عبارت دارای فعل حال مجهول وصفی است. عامل اجرایی آوای مجهول، خداوند است. "نجات یافتگان" در یک روند پویا هستند. نجات با اعتقاد یافتن/توکل کردن/ایمان روزانه آغاز می شود. نجات ارتباطی است که مبتکر آن خدا/روح القدس است (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵)، اما این تجربه پویاست. نجات یافتن، بلیطی برای رفتن به بهشت یا بیمه عمر نیست، بلکه یک ارتباط روزانه، پویا و ایمانی است. به عنوان خاص: صرف افعال یونانی به کار رفته برای نجات در ۲: ۴۰ مراجعه کنید.

## پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

این یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب فکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. رئوس مطالب موعظه پطرس را تهیه کنید
۲. مقصود و هدف از پنتیکاست چه بود؟
۳. نبوت یوئیل چه ارتباطی با مضمون این متن دارد؟
۴. شرح دهید که پطرس چگونه از متن عهد عتیق استفاده می کند.

**کارهای رسولان فصل ۳**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
درمان مفلوج	شفای گدای لنگ	شفا در دروازه زیبا	شفای لنگ مادرزاد	شفای مرد مفلوج در دروازه معبد بزرگ
۱۰-۱:۳	۱۰-۱:۳	۱۰-۱:۳	۱۰-۱:۳	۱۰-۱:۳
خطابه پطرس به مردم	پیام پطرس در معبد	موعظه پطرس	موعظه در رواق سلیمان	پیام پطرس در رواق سلیمان
۱۶-۱۱:۳	۱۶-۱۱:۳	۱۶-۱۱:۳	۲۶-۱۱:۳	۲۶-۱۱:۳
۲۴-۱۷:۳	۲۶-۱۷:۳	۲۶-۱۷:۳		
۲۶-۲۵:۳				

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii)**

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر ...

**نگرشی بر حسب مضمون متن**

در فصلهای ۳-۵ تنشی در اورشلیم میان تعالیم عیسی و معجزات رسولان به چشم می خورد. چهارچوب زمانی پنج فصل اول کتاب اعمال حدوداً یک سال است.

أ. پطرس و یوحنا مرد مفلوج را شفا می دهند، ۳: ۱-۴: ۳۱ (نمونه ای از اعمال ۲: ۴۳)

۱. شفا به خودی خود

۲. دومین موعظه پطرس در شرح آن شفا

۳. واکنش و محاکمه (سومین موعظه پطرس در برابر شورای عالی یهود)

۴. جفا آغاز می شود

ب. تلاشی برای زندگی در شراکت، اعمال ۴: ۳۲-۵: ۱۱

۱. یگانگی اولیه ایمانداران

۲. مشکلات بوجود آمده توسط حنانيا و سفيره

ج. روابط کلیسای اولیه با علمای یهود، ۵: ۱۲-۴۲

۱. زندگی کلیسا

۲. حسادت شورای یهود

۳. پادرمیانی یک فرشته

۴. چهارمین موعظه پطرس

۵. واکنش و مجازات

### عنوانهای عیسی در فصلهای ۳-۴

۱. عیسی ناصری، ۳: ۴؛ ۱۰: ۴

۲. بنده خود عیسی، ۳: ۲۶، ۱۳؛ ۴: ۲۷

۳. آن قدوس و عادل، ۳: ۱۴

۴. رئیس حیات، ۳: ۱۵

۵. مسیح، ۳: ۲۰، ۱۸؛ ۴: ۱۰

۶. نبی، ۳: ۲۲

۷. احتمالاً به کنایه در عنوان "ذریه ابراهیم"، ۳: ۲۵-۲۶

۸. سنگ سر زاویه، ۴: ۱۱

### مطالعه عبارات و واژگان

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۳: ۱-۱۰

۱ یک روز در ساعت سه بعد از ظهر که وقت نماز بود، پطرس و یوحنا به معبد بزرگ می‌رفتند. ۲ در آنجا مردی مفلوج مادرزاد بود که هر روز او را در جلوی در معبد بزرگ، که به «دروازه زیبا» معروف بود، می‌گذاشتند تا از کسانی که به درون معبد بزرگ می‌رفتند صدقه بگیرد. ۳ وقتی پطرس و یوحنا را دید که به معبد بزرگ می‌روند تقاضای صدقه کرد. ۴ اما پطرس و یوحنا به او خیره شدند و پطرس به او گفت: «به ما نگاه کن.» ۵ او به خیال اینکه چیزی از آنان خواهد گرفت، با چشمانی پُر تَوَقُّع به ایشان نگاه کرد. ۶ اما پطرس گفت: «من طلا و نقره ندارم، اما آنچه دارم به تو می‌دهم. به نام عیسی مسیح ناصری به تو دستور می‌دهم، بلند شو و راه برو.» ۷ آنگاه پطرس دست راستش را گرفت و او را از زمین بلند کرد. فوراً پاها و قوزک پاها و قوت گرفتند. ۸ او از جا پرید، روی پاها و خود ایستاد و به راه افتاد و جست‌وخیز کنان و خدا را حمدگویان به اتفاق ایشان وارد معبد بزرگ شد. ۹ همه مردم او را روان و حمدگویان دیدند. ۱۰ و وقتی پی بردند که او همان کسی است که قبلاً در جلوی «دروازه زیبا» می‌نشست و صدقه می‌گرفت از آنچه برای او اتفاق افتاده بود، غرق تعجب و حیرت شدند.

۳: ۱ «پطرس و یوحنا به معبد بزرگ می‌رفتند» یک فعل اخباری معلوم ناکامل است. عادت تمامی شاگردان اولیه این بود که هر روز به معبد بزرگ بروند (ر.ک. لوقا ۲۴: ۵۳؛ اعمال ۲: ۴۶). پیروان اصلی عیسی در فلسطین در مکانهای زیر عبادت می‌کردند: (۱) معبد بزرگ (اگر هر روز به آنجا نمی‌رفتند، دستکم در روزهای خاص در آنجا بودند)؛ (۲) کنیسه محلی (هر شنبه)؛ و (۳) با سایر ایمانداران در روز یکشنبه. این الگو مدت زمان زیادی دنبال می‌شد. این ایمانداران فرقی میان ایمانشان به عیسی به عنوان مسیح موعود و یهودیت نمی‌دیدند. آنها خود را به

عنوان "قوم یا جماعت اسرائیل" می نگرستند. به همین دلیل بود که نام *ekklesia* را برای گروه خود برگزیدند. در ترجمه هفتاد عبارت عهدی عبری: "جماعت (*qahal*) اسرائیل" بدین گونه ترجمه می شد.

یهودیان پس از سقوط اورشلیم، طی یک اقدامی رسمی، قسم نامه ای تدوین کردند (در رد عیسی به عنوان مسیح) تا عضویت در کنیسه های محلی را انحصاری نمایند. در این هنگام بود که کلیسا به طور یکپارچه، یکشنبه را روز عبادت خود تعیین کرد (روز یادبود قیام عیسی؛ روزی که عیسی سه مرتبه در آن بالاخانه به شاگردان ظاهر شد).

یوحنا اغلب در کتاب اعمال، پطرس را همراهی می کند (ر.ک. ۱: ۱۳؛ ۳: ۱۱، ۴، ۳؛ ۴: ۱۹، ۱۳؛ ۸: ۱۴). یقیناً این امکان وجود دارد که کلیسای اولیه در اورشلیم دارای گروههای رهبری بوده که نمایندگان جوانب و تأکیدات مختلف انجیل بودند. احتمالاً پطرس و یوحنا نسبت به بشارت به غیریهودیان گشاده رویی بیشتری داشتند (ر.ک. آیات ۸، ۱۰)، در حالیکه یعقوب (برادر ناتنی عیسی) دارای هویتی با عنصر یهودی-گرای میانه رو، بود. پس از شورای اورشلیم در اعمال ۱۵ تمامی این گروهها تا حدودی تغییر کردند.

■ «در ساعت نهم، وقت نماز» این عبارت به معنی نه ساعت پس از طلوع آفتاب بود. یهودیان (یعنی فریسیان) طبق سنت، هر روز ساعت ۹ صبح، ۱۲ ظهر، و ۳ بعدازظهر (احتمالاً بر اساس مز. ۵۵: ۱۷) نماز می خواندند. این متن اشاره به زمان قربانی عصر، در ساعت ۳ بعدازظهر بود (قربانی صبح در ساعت ۹ صبح برگزار می شد). مردم زیادی در این ساعت از روز در معبد بودند (ر.ک. ۱۰: ۳۰).

۳: ۲ «مردی را که لنگ مادرزاد بود» تمامی کسانی که معمولاً در معبد حضور داشتند از وضعیت آن مرد باخبر بودند ("هر روز او را... می گذاشتند" فعل مجهول ناکامل است)؛ بنابراین، احتمال هیچگونه نیرنگی در مورد شفای او نمی توانست وجود داشته باشد (ر.ک. ۳: ۱۰؛ ۴: ۲۲). این شفا تحقق نبوت دوران مسیحایی عهدعتیق بود (ر.ک. اش. ۳۵: ۶). یهودیان آیتی می خواستند؛ عیسی آیات زیادی به ایشان بخشید، اما آنان چشم بینا برای دیدن نداشتند.

در اینجا تناقض تکان دهنده ای از بیماری که هر روز بر درخانه خدا می نشست وجود دارد. در واقع، برعلیه شرکت فعال اینگونه مردمان در عبادت ممنوعیهایی نیز وجود داشت (برای خدمت به عنوان کاهن، ر.ک. لاو. ۲۱: ۱۶-۲۴). انجیل عرضه کننده روزی جدید است. در این پادشاهی جدید، حتی به یک حبشی (بدون وجود سد نژادی) اخته (بدون وجود سد فیزیکی) نیز خوش آمد گفته می شود (ر.ک. ۸: ۲۶-۴۰).

■ «که به دروازه زیبا معروف بود» محل دقیق این دروازه نامشخص است. امکان دارد این همان دروازه نیکانور باشد که با برنز قرنسس ساخته شده بود (Flavius Josephus, *Antiq.* 15.11.3; *Wars* 5.5.3). این درگاه میان صحن غیریهودیان و صحن زنان بود. در شرق معبد جای داشت و روبروی کوه زیتون در نزدیکی رواق سلیمان قرار داشت.

■ «تا از کسانی که به درون معبد بزرگ می رفتند صدقه بگیرد» صدقه دادن یا پول دادن به فقرا، یک بخش لازم و ضروری در ایمان یهود بود (ر.ک. متی ۶: ۱-۴؛ لوقا ۱۱: ۴۱؛ ۱۲: ۳۳؛ اعمال ۱۰: ۳۱، ۴؛ ۲۴: ۱۷). معمولاً هر هفته مبلغی در کنیسه های محلی جمع آوری می شد و سپس بین فقرا غذا توزیع می کردند، اما ظاهراً برخی از فقرا هر روز در محوطه معبد بزرگ مشغول گدایی می شدند.

### عنوان خاص: صدقه دادن

۱. اصطلاح صدقه دادن

أ. این اصطلاح در میان یهودی گرایان شکل گرفت (در دوران ترجمه هفتاد).

ب. اصطلاح مزبور اشاره به بخشش دادن به فقرا و/یا نیازمندان دارد.

ج. واژه انگلیسی صدقه دادن نیز برگرفته از اصطلاح یونانی *elee-mosune* است.

۲. تصور کلی در عهد عتیق

أ. مفهوم کمک کردن به فقرا در کتب تورات (نوشته های موسی، پیدایش-تثنیه) بیان شده است.

(۱) متن نمونه، تثنیه ۱۵: ۷-۱۱

(۲) "خوشه چینی"، واگذاشتن بخشی از محصول برای فقرا، لاو. ۱۹: ۹؛ ۲۳: ۲۲؛ تثنیه ۲۴: ۲۰

(۳) "سال سبت"، اجازه دادن به فقرا برای خوردن محصول سال هفتم که سال نکاشتن زمینهای کشاورزی بود، خروج ۲۳: ۱۰-۱۱؛ لاو. ۲۵: ۲-۷.

ب. این مفهوم کلی در ادبیات حکمت پرورده شد (نمونه های گزینشی)

(۱) ایوب ۵: ۸-۱۶؛ ۲۹: ۱۲-۱۷ (شروان توصیف شده در ۲۴: ۱-۱۲)

(۲) مزامیر ۱۱: ۷

(۳) امثال ۱۱: ۴؛ ۱۴: ۳۱؛ ۲۱: ۱۶؛ ۲۱: ۱۳، ۳

۳. توسعه در یهودی گرایی

أ. نخستین قسمت از میسناه در مورد چگونگی رفتار با فقرا، نیازمندان و لاویان محلی است.

ب. نقل قولهای برگزیده

(۱) "چنانکه آب، آتش مشتعل را فرومی نشاند، صدقه دادن نیز کفاره گناه است" (جامعه) (که به عنوان حکمت بن سیراخ نیز شناخته می شود ۳: ۳۰، NRSV)

(۲) "صدقه دادن را در خزانه خود ذخیره کن و تو را از هر مصیبتی خواهد رهانید" (جامعه ۲۹: ۱۲، NRSV)

(۳) "زیرا کسانی که مطابق راستی عمل می کنند در هر کار کامیاب خواهند شد. به همه کسانی که به عدالت رفتار می کنند از اموال صدقه بده و مگذار چشم تو به پیشکشی که می دهی غبطه خورد. رویت را از کسی که فقیر است برمگردان و خدا از تو روی برنخواهد گردانید. اگر اموال زیاد داری، به تناسب آن هدیه ای آماده کن؛ اگر مال تو اندک است، مترس از اینکه مطابق مال اندک خود هدیه بدهی. بدینسان برای خود گنج نیکویی برای روز ضرورت خواهی اندوخت. زیرا صدقه دادن از مرگ رهایی می بخشد و تو را از گرفتاری در ظلمت محفوظ می دارد." (توبیت ۴: ۶-۱۱، NRSV)

(۴) "دعا و روزه نیکوست، اما برای شخص عادل، صدقه دادن بهتر از این دو است. اندک داشتن با عدالت بهتر از مکنه با خطاکاری است. صدقه دادن بهتر از ذخیره طلاست. زیرا صدقه دادن از مرگ نجات می بخشد و هرگونه گناه را می زداید. کسانی که صدقه می دهند از عمری سرشار بهره مند می گردند." (توبیت ۱۲: ۸-۹، NRSV)

ج. نقل قول آخر از توبیت ۱۲: ۸-۹ نشان دهنده بروز مشکل است. اعمال انسان/ لیاقتهای شخصی به عنوان سازوکار آموزش و فراوانی و نعمت نگریسته می شود.

گسترش مفهوم صدقه دادن در ترجمه هفتاد مشاهده می شود که در آن اصطلاح یونانی (*elee-mosune*) برای صدقه دادن مترادف با عدالت (*dikaiosune*) محسوب گردید. این دو واژه جایگزین همدیگر در ترجمه واژه عبری *hesed* (محبت و وفاداری خدا در عهد، ر.ک. ت. ۶: ۲۵؛ ۲۴: ۱۳؛ اش. ۱: ۲۷؛ ۲۸: ۱۷؛ ۵۹: ۱۶؛ دان. ۴: ۲۷) شدند.

د. رفتار عطف آمیز انسانی به خودی خود، هدف اصلی برای دستیابی به کامیابی شخصی در این دنیا و نجات یافتن به هنگام مرگ گردید. عمل صدقه دادن در عوض نیت و انگیزه پشت عمل، از لحاظ الهیاتی برتری یافت. خدا به دل می نگرد، آنگاه عمل دست ما را داوری می کند. این تعلیم معلمان یهود، به گونه ای در تلاش برای بدست آوردن عدالت شخص گم شد (ر.ک. میکا ۶: ۸).

۴. واکنش عهد جدید

أ. اصطلاح صدقه دادن در بخشهای زیر یافت می شود

۱. متی ۶: ۱-۴

۲. لوقا ۱۱: ۴۱؛ ۱۲: ۳۳

۳. اعمال ۳: ۲-۳؛ ۱۰: ۳۱؛ ۲۴: ۱۷

ب. عیسی در موعظه بالای کوه (متی ۵-۷)، با عنوان کردن موارد زیر به درک سنتی یهودیان از عدالت اشاره می کند (ر.ک. II

کلمنت ۱۶: ۴):

۱. صدقه دادن

۲. روزه گرفتن

۳. دعا کردن

برخی از یهودیان به رفتار خود توکل داشتند. قرار بود این رفتارها از محبت قلبی به خدا، کلام او و برادران و خواهران هم عهد سرچشمه بگیرد، نه از منفعت یا عدالت شخصی! فروتنی و محرمانه انجام دادن این اعمال رهنمودهای اصلی رفتار درست هستند. اصل مطلب دل انسان است. دل انسان به شدت شرور است. خدا باید آن را عوض کند. دل تازه از خدا تقلید می کند!

۳: ۳ انگیزه اصلی آن مرد فقط گرفتن مبلغی پول بود (ر.ک. آیه ۵)

۴: ۳ «به او خیره شدند» به یادداشت ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

□ «به ما نگاه کن» آنان خواستار توجه کامل او بودند (*blepo*-شکلی از فعل ماضی نامعین اخباری معلوم است).

۳: ۵ رسولان از لحاظ مالی افراد ثروتمندی نبودند، اما به منابع روحانی خدا دسترسی داشتند (ر.ک. آیه ۶)

۳: ۶ «به نام عیسی مسیح: ۲۱: ۱۲» نام" در اصطلاح عبری از یک شخصیت سخن می گوید (ر.ک. لوقا ۹: ۴۸، ۴۹؛ ۱۰: ۱۷؛ ۲۱: ۱۲، ۱۷؛

۲۴: ۴۷). شاید این سخن برای آن مرد تکان دهنده بوده باشد. عیسی مجرمی ملعون و به تازگی مصلوب شده بود که این غریبه (یعنی پطرس) وی را "ماشیح" (یا در ترجمه یونانی "مسیح" [the Christ]) می خواند.

□ «ناصری» به عنوان خاص در ۲: ۲۲ مراجعه کنید.

□ «بخرام» فعل حال اخباری معلوم است. پطرس و یوحنا مانند عیسی از این فرصت برای نشان دادن محبت و قدرت خدا و همچنین تأکید

بر پیام انجیل (ر.ک. آیه ۹) سود بردند. واقعه شفا، توجه عبادت کنندگان یهودی را جلب کرد (ر.ک. آیه ۱۲ به بعد).

۳: ۷ این روایت یک شاهد عینی از چندین واقعه مرتبط با هم است که به تفصیل و به گونه ای زنده، آنها را برای لوقا شرح داده است.

□ «در ساعت» واژه یونانی *parachre-ma*، که لوقا ده بار از آن در انجیل خود و شش بار در اعمال استفاده کرده است (ر.ک. ۳: ۷؛ ۵:

۱۹؛ ۱۲: ۲۳؛ ۱۳: ۱۱؛ ۱۶: ۳۳؛ ۲۶). در تمامی عهد جدید فقط متی است که دو مرتبه این واژه را بکار برده است. در ترجمه هفتاد بارها از آن



استفاده شده است. لوقا اغلب اصطلاحات و عبارات این ترجمه یونانی عهد عتیق را به کار می برد. او یقیناً چه از طریق مراوده با پولس رسول یا درگیر بودن در تعالیم مسیحی با نوایمانان، به خوبی با عهد عتیق آشنایی داشته است.

۳: ۸ «برجسته بایستاد» این یک فعل حال وصفی میانی (ر.ک. آیه ۹) است. مرد شروع به قدم زدن در اطراف آن بخش از معبد کرد. موقعیتی از این چشمگیرتر برای در میان گذاشتن مژده انجیل وجود نداشت!

۳: ۱۰ آنان، مرد را می شناختند (فعل اخباری معلوم ناکامل، آنان شروع به تشخیص هویت او کردند). او غریبه یا بازدید کننده ای نا آشنا نبود. هر روز او را بر دروازه معبد بزرگ می دیدند و عبور می کردند! اما نمایندگان عیسی عبور نکردند بلکه در قدرت پنتیکاست عمل نمودند!

□ «غرق تعجب» در اصل "پر از تعجب". لوقا اغلب از این عبارت استفاده می کند. انسانها می توانند "پر از" بسیاری چیزها شوند (یعنی مشخصات گوناگون) از جمله:

۱. غضب، لوقا ۴: ۲۸؛ ۶: ۱۱
۲. ترس، لوقا ۵: ۲۶
۳. حسادت، اعمال ۵: ۱۷؛ ۱۳: ۴۵
۴. شورش و به هم ریختگی، اعمال ۱۹: ۲۹
۵. تعجب و حیرت، اعمال ۳: ۱۰
۶. روح القدس، لوقا ۱: ۶۷، ۴۱، ۱۵؛ اعمال ۲: ۴؛ ۴: ۳۱، ۸؛ ۹: ۱۷؛ ۱۳: ۹

پطرس و یوحنا می خواستند تمامی کسانی که غرق تعجب و حیرت شدند (توجهشان به آن مرد جلب شد)، غرق انجیل شوند!

□ «تعجب و حیرت» این دو واژه نیز در نوشته های لوقا رایج هستند.

۱. تعجب، *thambos* لوقا ۳: ۶؛ ۵: ۹؛ اعمال ۳: ۱۰ و *ektambos* در ۳: ۱۱
۲. حیرت

أ. *ekstasis* لوقا ۵: ۲۶؛ اعمال ۳: ۱۰؛ ۱۰: ۱۱؛ ۵: ۲: ۱۷

ب. *existe-mi* لوقا ۲: ۴۷؛ ۸: ۵۶؛ ۲۴: ۲۲؛ اعمال ۲: ۱۲، ۷؛ ۸: ۱۱، ۹؛ ۹: ۲۱؛ ۱۰: ۴۵؛ ۱۲: ۱۶

محبت و اعمال خدا همواره موجب حیرت و شگفتی است (این واژگان یونانی در ترجمه هفتاد برای بیم و ترس از خدا به کار رفته است،

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۳: ۱۱-۱۶

۱۱ در حالی که او به پطرس و یوحنا چسبیده بود و از آنان جدا نمی شد، جمیع مردم با حیرت در ایوان سلیمان به طرف آنان دویدند. ۱۲ وقتی پطرس دید که مردم می آیند گفت: «ای اسرائیلیان چرا از دیدن این امر تعجب می کنید؟ چرا به ما خیره شده اید؟ خیال می کنید که ما این شخص را با تقوی و نیروی خود شفا داده ایم؟ ۱۳ خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را به جلال رسانیده است. آری، شما عیسی را به مرگ تسلیم نمودید و در حضور پیلطس او را رد کردید، در حالی که پیلطس تصمیم گرفته بود او را آزاد کند. ۱۴ شما بودید که آن پاک مرد خدا، یعنی آن مرد عادل را انکار کردید و آزادی یک نفر قاتل را خواستار شدید ۱۵ و به این طریق آن سرچشمه حیات را کشتید، اما خدا او را پس از مرگ زنده کرد و ما شاهد این واقعه هستیم. ۱۶ قدرت نام عیسی، این شخص را که می بیند و می شناسید نیرو بخشیده است. به وسیله ایمان به نام او این کار انجام شده است. آری، در حضور جمیع شما ایمان به عیسی او را سالم و تندرست کرده است.

ر.ک. پید. ۱۵: ۱۲؛ خرو. ۲۳: ۲۷؛ تث. ۲۸: ۲۸).

۳: ۱۱ «در حالیکه او به پطرس ... چسبیده بود» یک فعل حال وصفی معلوم. تصور می‌کنم او همانطور که مریم مجدلیه در آن باغ به عیسی چسبیده بود، خود را به پطرس چسبانید (ر.ک. یوحنا ۲۰: ۱۶-۱۷).

□ «ایوان سلیمان» آنجا محوطه دراز سرپوشیده‌ای در جانب شرقی صحن امته‌ها بود (ر.ک. یوسفوس، *Antiq.* 20.9.7). چند ستون، سقف آن را نگاه می‌داشتند. این واقعیت که پایه‌های قدیمی معبد سلیمان در همان ناحیه قرار داشت، وجه تسمیه آن ایوان شده بود. عیسی اغلب اوقات در آنجا تعلیم می‌داد (ر.ک. یوحنا ۱۰: ۲۳).

۳: ۱۲ «آنگاه پطرس ملتفت شده» او حیرت و شگفتی آن جماعت را دید و از موقعیت استفاده کرد تا پیام انجیل را در میان بگذارد (این دومین موعظه ثبت شده در کلیسای جدیدالتاسیس است).

□ «مردان اسرائیلی» پطرس در ۲: ۲۲ نیز ایشان را بدینگونه خطاب کرد. مخاطبان او همچنان یهودیان هستند.

□ «چرا ... چرا» پطرس از آنها پرسید که چرا از وقوع یک شفای معجزه‌آسا تعجب کرده‌اند. آیا عیسی در هفته آخر زندگی خود اینگونه معجزات را انجام نداده بود؟

همچنین، چرا آنان با نگاهی ستایش‌آمیز به پطرس و یوحنا می‌نگرند، مگر آن معجزه کار ایشان بوده است؟ این آیتی به نشانه قابل اعتماد بود انجیل و قدرت نام مسیح قیام کرده بود.

روح‌القدس این معجزه را به دلایل مختلف انجام داد:

۱. برای تأیید رهبری پطرس و یوحنا

۲. برای کمک به مرد نیازمند

۳. برای شهادت به یهودیان حاضر در معبد

۳: ۱۳ «خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب» این عبارت نشانگر آن است که خدمت عیسی و انجیل، ارتباطی حیاتی به خدای عهد و مردمان عهد در عهد عتیق دارد (ر.ک. خرو. ۳: ۱۵، ۶؛ لوقا ۲۰: ۳۷).

مشخصه مسیحیت به نوعی می‌بایست رشد و نمای یهودیت باشد. یهودیان امروزی آن را انحراف از راست دینی خود می‌پندارند، اما برای نویسندگان عهد جدید این مشخصه، تحقق عهد عتیق بود. پیروان عیسی همانا ثمره وعده "عهد تازه" (ار. ۳۱: ۳۱-۳۴) هستند. اسرائیل مأموریتی که به او به عنوان کاهنان پادشاهی خدا در جهان، سپرده شده بود به انجام نرسانید (ر.ک. خرو. ۱۹: ۵-۶). اکنون این فرمان به کلیسا داده شده است (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). هدف خدا، احیای صورت خود در نوع بشر است تا اینکه قصد اولیه او برای مشارکت با ایشان به وقوع بپیوندد. اگر تنها یک خدا وجود داشته باشد (توحید و یک‌خدایی)، آنگاه وجود یک قوم خاص بی‌معناست، و تنها قومی قوم اوست که خدمتگزارانه اهداف خدا را در میان تمامی مردم جهان به انجام رساند.

□ «به جلال رسانیده است» این اصطلاح را می‌توان به روشهای مختلف درک کرد:

۱. بلافاصله در مضمون شفای مرد لنگ به نام عیسی

۲. در مضمون گسترده تر موعظه پطرس به عیسی قیام کرده و جلال یافته

۳. در مضمون عهد عتیقی عیسی به عنوان ماشیح موعود

۴. در انجیل یوحنا این اصطلاح همواره توسط شخص عیسی در مورد برص‌لیب شدنش به کار می‌رود (ر.ک. ۷: ۳۹؛ ۱۲: ۲۳؛ ۱۰: ۱۳؛

۳۱-۳۲؛ ۱۶: ۱۴؛ ۱۷: ۱).

## عنوان خاص: جلال

بیان معنای مفهوم کتاب مقدسی "جلال" کار دشواری است. جلال ایمانداران در این است که انجیل را درک کنند و جلال را به خدا بدهند نه به خودشان (ر.ک. ۱: ۲۹-۳۱؛ ارمیا ۹: ۲۳-۲۴).

در عهد عتیق، رایجترین واژه بکار رفته برای "جلال" (*kbd*) در اصل واژه ای تجارتي در مورد دو کفه ترازو ("سنگینی") بود. آنچه سنگین بود، ارزشمند یا دارای ارزش ذاتی محسوب می شد. اغلب مفهوم درخشندگی به واژه ای که فرّ و شکوه خدا را بیان می داشت، افزوده می شد (ر.ک. خرو. ۱۹: ۱۶-۱۸؛ ۲۴: ۱۷؛ اش. ۶۰: ۱-۲). تنها او شایسته و بزرگوار است. او درخشانتر از آن است که بشریت سقوط کرده بر وی چشم بدوزد (ر.ک. خرو. ۳۳: ۱۷-۲۳؛ اش. ۶: ۵). YHWH را واقعاً تنها می توان توسط مسیح شناخت (ر.ک. از. ۱: ۱۴؛ متی ۱۷: ۲؛ عبر. ۱: ۳؛ یعقوب ۲: ۱). واژه "جلال" تا حدودی مبهم است: (۱) می توان آن را مترادف با "عدالت خدا" برشمرد؛ (۲) می توان اشاره به "فدوسیت" و "کمال" اش دانست؛ یا (۳) می توان آن را اشاره به صورت خدا که نوع بشر به شباهت آن آفریده شدند، پنداشت (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶)، که بعدها بخاطر سرکشی مخدوش گردید (ر.ک. پید. ۳: ۱-۲۲). این واژه ابتدا در مورد حضور YHWH با قومش در دوران سرگردانی ایشان در بیابان در خرو. ۱۶: ۷، ۱۰؛ لاو. ۹: ۲۳؛ و اعد. ۱۴: ۱۰ بکار رفته است.

□ «بندۀ خود» اصطلاح "بنده" (*pais* در ترجمه هفتاد) عنوانی محترمانه در عهد عتیق بوده که برای یعقوب، موسی، یوشع و داود بکار رفته است (ر.ک. مز. ۱۰۵؛ لوقا ۱: ۶۹). این اصطلاح در سرودهای بنده اشعیا (مثال: ۴۲: ۱-۵؛ ۴۹: ۱-۷؛ ۵۰: ۴-۱۱؛ ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲) نیز در مورد (۱) قوم اسرائیل (ر.ک. ۴۱: ۸-۹؛ ۴۲: ۱۹؛ ۴۳: ۱۰؛ ۴۴: ۲۱؛ ۴۵: ۱) و نیز لوقا ۱: ۵۴) و (۲) ماشیح خدا (ر.ک. ۴۲: ۱؛ ۵۲: ۱۳؛ ۵۳: ۱۱) مورد استفاده قرار گرفته است. تمایز آشکاری میان جنبه قومی و فردی وجود دارد خصوصاً در آخرین سرود (اش. ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲). مضمون آن آشکارا نمی تواند اشاره به اسرائیل باشد. زیرا:

۱. قوم نمی تواند آن شخص بی گناه باشد که رهایی را به ارمان می آورد از آنجا که قوم سزاوار مجازات است (ر.ک. ا. ۵۳: ۵۸)
  ۲. در ترجمه هفتاد ضمیر "تو" در اش. ۵۲: ۱۴ به "او" تغییر یافته است (همچنین در آیه ۱۷). مترجمان یهودی پیش از تولد عیسی (احتمالاً حدود ۲۵۰-۱۵۰ ق.م.) این متن را به عنوان متنی مسیحیایی و در مورد یک فرد نگاه می کردند.
- Pais* در باره عیسی به عنوان بنده/مسیح موعود در اعمال ۳: ۲۶، ۱۳؛ ۴: ۳۰، ۲۷ بکار رفته است!

□ «عیسی» هنگامی که نام عیسی به تنهایی به کار می رود، معمولاً تأکید بر انسانیت اوست (ر.ک. آیه ۶).

□ «تسلیم نمودید ... رد کردید» ضمیر "شما" در اینجا مورد تأکید است! فقط رهبران یهود مسئول مرگ عیسی نبودند (ر.ک. آیه ۱۷؛ ۲۳: ۲). پطرس اشاره مخصوصی به پاسخهای جمعیت حاضر در برابر پیلطس می کند (ر.ک. لوقا ۲۳: ۱۸-۲۵). امکان دارد که برخی از حاضران در این جماعت نیز در آنجا بوده باشند، اما پطرس این جماعت را چنان مورد خطاب قرار می دهد که گویی آنها به صورت گروهی مسئولیت داشته اند (ر.ک. آیه ۱۵). قوم برگزیده خدا (یهودیان) مسیح خدا را "تسلیم" و "رد" کردند.

□ «پیلطس» به عنوان خاص زیر مراجعه کنید.

## عنوان خاص: پنطیوس پیلطس

۱. خصوصیات پیلطس:

أ. مکان و زمان تولد او نامعلوم است.

ب. از رتبه چابک سوار (طبقه بالاتر از متوسط جامعه روم)

ج. متأهل، مشخص نیست که فرزندان داشته یا نه

د. مقامات اداری پیشین او (که احتمالاً مقامات زیادی بوده اند) نامعلوم است

۲. شخصیت او:

ا. دو دیدگاه متفاوت

۱. فیلو (*Legatio and Gaium* ۲۹۹-۳۰۵) و یوسفوس (*Antiq. 18.3.1* و *Jewish Wars 2.9.2-4*) او را دیکتاتوری

بیرحم و بیدادگر توصیف کرده اند.

۲. عهد جدید (اناجیل، اعمال) می گویند او یک فرماندار رومی ضعیف النفس بود که به آسانی فریب می خورد

ب. پُل بارت در کتاب *Jesus and the Rise of Early Christianity* صفحات ۱۴۳-۱۴۴ توضیح شنیدنی ای از این دو دیدگاه

ارائه می دهد.

۱. پیلاطس در سال ۲۶ م. در زمان امپراتوری تیبیریوس، که طرفدار یهودیان بود (ر.ک. *Philo, Legatio and Gaium, 160-*

*161*) به فرمانداری منصوب شد، اما مشاور ضد-یهودی امپراتور، سِجانوس وی را به این سمت منصوب نمود.

۲. تیبیریوس به ناچار، قدرت سیاسی خود را به *L. Aelius Sefanus*، مشاور پرقدرتش واگذار کرده بود که در پشت تخت

امپراتوری قدرت واقعی را بدست داشت و از یهودیان منزجر بود (*Philo, Legatio land Gaium, 159-160*).

۳. پیلاطس دست نشانده سِجانوس بود و می کوشید تا به روشهای زیر وی را تحت تأثیر قرار دهد:

ا) وارد کردن معیارهای رومی در اورشلیم (۲۶ م.) که سایر فرماندار چنین نکرده بودند. این نمادهای خدایان رومی،

یهودیان را به آتش می کشید (ر.ک. *Josephus' Antiq. 18: 31; Jewish Wars 2.9.2-3*).

ب) ضرب سکه (۲۹-۳۱ م.) که دارای نقش خدایان روم بود. یوسفوس می گوید که او عمدتاً می کوشید تا فرهنگ و

قوانین یهود را براندازد (ر.ک. *Josephus, Antiq. 18.4.1-2*).

ج) گرفتن پول از خزانه معبد برای ساخت یک قنات در اورشلیم (ر.ک. *Josephus, Antiq. 18.3.2; Jewish Wars 2.9.3*).

د) کشتن چند تن از جلیلیانی که در هنگام عید فصح در اورشلیم قربانی می گذرانیدند (ر.ک. لوقا ۱۳: ۱۲).

ه) آوردن سپرهای رومی به داخل اورشلیم در ۳۱ م. پسر هیرودیس کبیر از او درخواست کرد تا آنها را بردارد، اما او

پذیرفت. پس نامه ای به تیبیریوس فرستادند و او دستور داد تا آن سپرها را برداشته از راه دریا به قیصریه بازگردانند (ر.ک.

*Philo, Legatio and Gaium, 299-305*).

و) بسیاری از سامریان را که بر کوه جرزیم در جستجوی اشیاء مقدس گمشده مذهب خود بودند، قتل عام کرد (۳۷/۳۶

م.). این کار موجب شد که سرپرست محلی پیلاطس (ویتلیوس، افسر ارشد سوریه) او را از مقامش معزول نموده به روم

بازفرستد (ر.ک. یوسفوس، *Antiq. 18. 4.1-2*).

ز) سِجانوس در سال ۳۱ م. اعدام شد و قدرت کامل سیاسی تیبیریوس اعاده شد، بنابراین، پیلاطس احتمالاً شماره های ۱، ۲،

۳ و ۴ را برای جلب اعتماد سِجانوس انجام داد. امکان دارد شماره های ۵ و ۶ تلاشهای وی برای جلب اعتماد تیبیریوس

بوده که نتیجه معکوس گرفته اند.

ح) آشکارا با وجود اعاده قدرت یک امپراتور دوستدار یهودیان و نامه شخصی تیبریوس به فرمانداران رومی در ملاطفت با یهودیان (ر.ک. Philo, Legatio and Gaium, 160-161) بود که رهبران یهود در اورشلیم با استفاده از ضعف سیاسی پیلطس در برابر تیبریوس او را با مهارت وادار به مصلوب کردن عیسی نمودند. این فرضیه ارائه شده توسط بارنت، دو دیدگاه مربوط به پیلطس را به شیوه ای قابل توجه به هم می پیوندد.

۳. سرنوشت او

ا. او درست پس از مرگ تیبریوس به روم رسید (۳۷ م.).

ب. دوباره به سمت قبلی خود منصوب نشد.

ج. زندگی اش از آن پس نامعلوم است. فرضیه های بسیاری در این مورد وجود دارد اما هیچیک قطعیت ندارد.

□ «در حالی که پیلطس تصمیم گرفته بود او را آزاد کند» اشاره ای است به لوقا ۲۳: ۲۲، ۱۴، ۴، هنگامی که پیلطس سه مرتبه گفت: "من در این مرد هیچ گناهی نمی بینم" و همچنین سه بار تلاش کرد تا عیسی را آزاد کند (ر.ک. لوقا ۲۳: ۲۲، ۲۰، ۱۶). بسیاری از پژوهشگران بر این اعتقادند که کتاب اعمال برای نشان دادن این امر نگاشته شده است که صاحب منصبان رومی، نشانی از ارتکاب خیانت در عیسی نیافتند. پیلطس توسط رهبری یهودیان وادار شد کاری را انجام بدهد که تمایلی به آن نداشت.

۳: ۱۴ «آن قدوس و عادل» این عبارت به روشنی بر بی گناهی و برائت عیسی صحه می گذارد. محاکمه او کاری بیهوده بود. این دو عنوان، در عهد عتیق به مسیح موعود نسبت داده شده اند (ر.ک. اش. ۵۳: ۱۱؛ اعمال ۷: ۵۲؛ ۲۲: ۱۴؛ یوحنا ۶: ۶۹). دیوها عیسی را در مرقس ۱: ۲۴؛ لوقا ۴: ۳۴، قدوس خدا خطاب کردند.

### عنوان خاص: عدالت

"عدالت" چنان عنوان خطیری است که هر دانشجوی کتاب مقدسی باید مطالعه گسترده شخصی درباره این مفهوم انجام دهد.

در عهد عتیق، شخصیت خدا، "دادگر" و "عادل" توصیف شده است. واژه بین النهرینی به خودی خود از نوعی نی رودخانه ای برگرفته شده است که برای ساخت وسایلی بکار می رفت که مانند شاغول بنایی، راست بود دیوارها و نرده ها را ارزیابی می نمود. خدا از این واژه به عنوان استعاره ای از ذات و ماهیت خود استفاده کرد. او لبه صاف (خط کشی) است که می توان راست بودن سایر چیزها را با آن ارزیابی کرد. این مفهوم مبین عدالت خدا و نیز شایستگی او برای داوری است.

انسان به شباهت خدا آفریده شد (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۳، ۹: ۶). نوع بشر برای هم صحبتی و معاشرت با خدا آفریده شد. تمامی آفرینش صحنه یا پرده نمایش کنشها و واکنشهای متقابل خدا و انسانیت است. خدا می خواست اشرف مخلوقات او، انسان، وی را بشناسد، دوست بدارد، خدمت کند و مانند او باشد! امانت و وفاداری انسان به آزمایش گذارده شد (ر.ک. پید. ۳) و نخستین زوج آفریده شد از این آزمایش مردود شدند. این امر به قطع شدن ارتباط میان خدا و انسان منجر گردید (ر.ک. پید. ۳: روم. ۵: ۱۲-۲۱).

خدا وعده بازسازی و اعاده آن مصاحبت را داد (ر.ک. پید. ۳: ۱۵). او این کار را بواسطه اراده خود و پسرش به انجام رسانید. انسانها از بازسازی شکاف ایجاد شده عاجز بودند (ر.ک. روم. ۱: ۱۸-۳: ۲۰).

پس از سقوط انسان، نخستین گام خدا برای تجدید مصاحبت، براساس عهد با انسان، دعوت بشریت به پاسخی همراه با توبه، وفاداری و اطاعت بود. آدمیان به سبب سقوط ناتوان از رفتار مناسب بودند (ر.ک. روم. ۳: ۲۱-۳۱؛ غلا. ۳). خدا شخصاً می بایست قدم اول را برای احیای بشریت عهدشکن برمی داشت. او این کار را به واسطه موارد زیر انجام داد:

۱. اعلام راستی و عدالت آدمیان گناهکار بواسطه کار مسیح (عدالت داد گاهی).
۲. بخشش رایگان عدالت به نوع بشر بواسطه کار مسیح (نسبت دادن عدالت).
۳. تأمین سکونت روح القدس که بوجود آورنده عدالت است در نوع بشر (عدالت اخلاقی).
۴. اعاده هم صحبتی و مشارکت باغ عدن بواسطه اعاده صورت خدا در ایمانداران (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷) توسط مسیح (عدالت ارتباطی).

با این وجود، خدا خواستار پاسخی بر مبنای عهد است. او حکم را صادر می کند (یعنی به رایگان می بخشاید) و تأمین کننده است اما انسانها می باید به دعوت و کار او پاسخ بدهند و به تکرار پاسخ خود در موارد زیر ادامه دهند:

۱. توبه
۲. ایمان
۳. اطاعت در سبک و اسلوب زندگی
۴. پایداری و ثبات قدم

بنابراین، عدالت، عملی متقابل و بر اساس عهد میان خدا و اشرف مخلوقات اوست. عدالت بر اساس ماهیت خدا، کار مسیح و توانبخشی روح القدس است، و هر فرد می باید شخصاً و با مداومت به گونه ای مناسب به آن پاسخ بدهد. این مفهوم را "برائت یا عادل محسوب شدن از راه ایمان" می نامند که در انجیل نمایان می گردد اما نامی به آن داده نشده است. پولس نخستین کسی است که بیش از صد بار با استفاده از اصطلاح یونانی "عدالت" به اشکال مختلف، معنای آن را تشریح می کند.

پولس که به عنوان یک معلم دینی تربیت شده بود، از واژه *dikaiousune* ترجمه هفتاد در برگردان واژه عبری *SDQ* استفاده می کند، نه از ادبیات یونانی. در نوشته های یونانی، این واژه مربوط به کسی است که خود را با انتظارات الهی یا جامعه وفق می دهد. در معنای عبری، واژه مزبور همواره دارای ساختاری در شرایط عهد است. YHWH، خدایی عادل، با اخلاق و دارای قوه ممیزه است. او خواستار آن است که قومش ذات و شخصیت او را بازتاب دهند. انسانیت بازخرید شده، آفرینشی تازه می گردد. این تازگی منجر به شیوه جدیدی از خداپرستی می شود (تمرکز کاتولیک رومی بر راست کرداری). از آنجا که حکومت اسرائیل بر پایه تئوکراسی بود، خط مشخصی میان امور غیرروحانی (هنجارهای اجتماعی) و امور روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در ترجمه واژه های عبری و یونانی، یعنی "انصاف/درستی" (در ارتباط با جامعه) و "عدالت" (در ارتباط با مذهب) تبیین می شود.

انجیل (مژده) عیسی آن است که بشر سقوط کرده به مصاحبت با خدا بازگردانیده شده است. استدلال پولس مبنی بر آن است که خدا بواسطه مسیح، گناهکار را بری از گناه می شمارد. این امر از راه محبت، رحمت و فیض خدای پدر؛ زندگی، مرگ، و قیام خدای پسر؛ و ایجاد تمایل و کشش توسط روح القدس به سوی انجیل، انجام پذیرفته است. پارساشمردگی عمل رایگان خداست، اما می بایست با زندگی خداپرستانه پیگیری شود (موضع گیری آگوستین، که هم تأکید اصلاح گرایان بر آزادی انجیل را برآورده می سازد و هم تأکید کلیسای کاتولیک رومی را بر

زندگی تغییر یافته همراه با محبت و وفاداری را تأمین می نماید). برای اصلاح گرایان، عبارت "عدالت خدا" یک مضاف الیه مفعولی است (به معنی عمل پذیرفته شدن بشر گناهکار توسط خدا [در مقام تقدیس قرار گرفتن])، در حالیکه برای کاتولیکها یک مضاف الیه فاعلی یعنی روند شبیه خدا شدن است (تقدیس پویای تجربی). در واقع هر دو این دیدگاهها صحیح است!!

من معتقدم که تمامی کتاب مقدس، از پیدایش ۴ تا مکاشفه ۲۰، تاریخچه ای از بازسازی مصاحبت باغ عدن توسط خداست. کتاب مقدس با مشارکت خدا و نوع بشر در صحنه ای زمینی (ر.ک. پید. ۱-۲) آغاز می شود و با همین صحنه خاتمه می یابد (ر.ک. مکا. ۲۱-۲۲). شباهت خدا و هدف اولیه او به حالت اول بازگردانیده می شود!

به منظور سندیت بخشیدن به مباحث فوق، به بخشهای منتخب از عهد جدید که در زیر آمده و نمایانگر واژگان یونانی است، توجه کنید:

۱. خدا عادل است (اغلب در ارتباط با داور بودن خدا)

أ. رومیان ۳: ۲۶

ب. II تسالونیکیان ۱: ۵-۶

ج. II تیموتائوس ۴: ۸

د. مکاشفه ۱۶: ۵

۲. عیسی عادل است

أ. اعمال ۳: ۱۴؛ ۷: ۵۲؛ ۲۲: ۱۴ (عنوان ماشیح)

ب. متی ۲۷: ۱۹

ج. I یوحنا ۲: ۱، ۲۹؛ ۳: ۷

۳. اراده خدا برای خلقتش، عدالت است

أ. لاویان ۱۹: ۲

ب. متی ۵: ۴۸ (ر.ک. ۵: ۱۷-۲۰)

۴. روشهای خدا برای تدارک و ایجاد عدالت

أ. رومیان ۳: ۲۱-۳۱

ب. رومیان ۴

ج. رومیان ۵: ۶-۱۱

د. غلاطیان ۳: ۶-۱۴

ه. اعطا شده از سوی خدا

(۱) رومیان ۳: ۲۴؛ ۶: ۲۳

(۲) I قرنیتیان ۱: ۳۰

(۳) افسسیان ۲: ۸-۹

و. دریافت شده از راه ایمان

(۱) رومیان ۱: ۱۷؛ ۳: ۲۶؛ ۴: ۱۳، ۵؛ ۳: ۹؛ ۳۰: ۱۰؛ ۴: ۶، ۱۰

(۲) I قرنیتیان ۵: ۲۱

ز. بواسطه کارهای خدای پسر

(۱) رومیان ۵: ۲۱

۲) II قرن تیان ۵: ۲۱

۳) فیلیپیان ۲: ۶-۱۱

۵. اراده خدا این است که پیروان او عادل باشند

أ. متی ۵: ۳-۴۸؛ ۷: ۲۴-۲۷

ب. رومیان ۲: ۱۳؛ ۵: ۱-۵؛ ۶: ۱-۲۳

ج. II قرن تیان ۶: ۱۴

د. I تیموتائوس ۶: ۱۱

ه. II تیموتائوس ۲: ۲۲؛ ۳: ۱۶

و. I یوحنا ۳: ۷

ز. I پطرس ۲: ۲۴

۶. خدا بر جهان به عدالت داوری خواهد کرد

أ. اعمال ۱۷: ۳۱

ب. II تیموتائوس ۴: ۸

عدالت از مشخصات خدا است که به رایگان از طریق مسیح در اختیار بشر گناهکار قرار می گیرد. عدالت:

۱. حکم خداست

۲. هدیه خداست

۳. عمل مسیح است

اما عادل شدن یک روند رو به جلو است که می بایست با شدت و پایداری آن را دنبال کرد؛ این روند روزی به هنگام باز آمدن مسیح به کمال خود می رسد. مصاحبت و مشارکت با خدا در هنگام نجات یافتن ما به شکل اول درآمد، اما در طول عمرمان به پیش می رود تا در هنگام مرگ یا ربوده شدنمان به برخوردی رو برو تبدیل شود!

در زیر نقل قول زیبایی از *Dictionary of Paul and His Letters* از IVP آمده است:

"کالوین، بیش از لوتر بر جنبه ارتباطی عدالت خدا تأکید می نماید. دیدگاه لوتر درباره عدالت خدا به نظر شامل جنبه حکم برانته دارد. کالوین بر ماهیت شگفت انگیز مراده یا افاضه عدالت خدا به ما تأکید دارد" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه ایماندار با خدا دارای سه جنبه زیر است:

۱. انجیل یک شخص است (تأکید کلیسای شرق و کالوین)

۲. انجیل، حقیقت و راستی است (تأکید آگوستین و لوتر)

۳. انجیل زندگی تغییر یافته است (تأکید کلیسای کاتولیک رومی)

تمامی این گزاره‌ها صحیح هستند و در مسیحیت سالم، استوار و کتاب مقدسی، می باید در کنار هم قرار گیرند. تأکید یا کم بها جلوه دادن بیش از اندازه هر یک از این جنبه‌ها، ایجاد مشکل خواهد کرد.

همگی ما باید:

به عیسی خوش آمد بگوییم!

به انجیل ایمان آوریم!

در پی شبیه شدن به مسیح باشیم!



□ «آزادی یک نفر قاتل را خواستار شدید» این سخن کنایه ای از این موضوع است که باراباس دقیقاً مرتکب جرمی شده بود که عیسی به آن متهم گردید- یعنی آشوب طلبی (ر.ک. لوقا ۲۳: ۱۸-۱۹، ۲۳-۲۵).

۱۵:۳

«حاکم حیات» NASB, NKJV

«خالق حیات» NRSV, NIV

«هادی حیات» TEV

«حاکم حیات» NJB

«پیش برنده زندگی» Moffatt

عنوان مزبور بازتابی از سه معنی ممکن واژه *arche-gos* است: (۱) بانی یا موسس (ر.ک. NRSV، عبر. ۲: ۱۰؛ ۱۲: ۲)؛ (۲) عامل آفرینش (ر.ک. یوحنا ۱: ۳؛ I قرن ۸: ۶؛ کول. ۱: ۱۶؛ عبر. ۱: ۲)؛ یا (۳) پیش قراول یا سردمدار (ر.ک. TEV, NEB, Moffatt، اعمال ۵: ۳۱). این واژه آشکارا متضاد با "قاتل" (آیه ۱۴) است.

□ «خدا او را از مردگان برخیزانید» معمولاً در عهد جدید بیان می شود که خدای پدر، خدای پسر را به عنوان نشانه ای از تأیید زندگی، تعالیم و مرگ جایگزین عیسی، از مردگان برخیزانید. عهد جدید همچنین مویب آن است که هر سه شخصیت تثلیث در قیام مسیح نقش داشتند: (۱) روح القدس (ر.ک. روم. ۸: ۱۱)؛ (۲) خدای پسر (ر.ک. یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸)؛ و (۳) خدای پدر (ر.ک. اعمال ۲: ۲۴، ۳۲؛ ۳: ۲۶، ۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۷، ۳۴، ۳۳؛ ۳۰؛ ۱۷: ۳۱؛ روم. ۶: ۴، ۹). این یک جنبه اساسی الهیاتی در *Kerygma* است. اگر این مورد صحت نداشته باشد، هیچ چیز دیگری حقیقت ندارد (ر.ک. I قرن ۱۵: ۱۲-۱۹).

□ «ما شاهد این واقعه هستیم» منظور می تواند دو مورد زیر باشد: (۱) تأکید بر منبع دست اول بودن: این شنوندگان خود شاهدان عینی بودند (ر.ک. ۲: ۲۲) یا (۲) اشاره به رسولان و شاگردان در بالاخانه (ر.ک. ۱: ۲۲؛ ۲: ۳۲). در این مضمون، مورد شماره ۲ بهتر به نظر می رسد.

۳: ۱۶ «به سبب ایمان» واژه یونانی "ایمان" (*pistis*) را می توان "ایمان"، "اعتقاد" یا "باور" ترجمه کرد و عبارت از پاسخ شرطی انسان به فیض بلاشرط خداست (ر.ک. افس. ۲: ۸-۹). در اصل معنای آن، باور ایماندار به قابل اعتماد بودن خدا (یعنی به شخصیت، وعده‌ها و مسیح خدا) یا ایمان آوردن به امانتداری خداست! در روایات انجیل و اعمال از شفاهای، سندیت دادن به جنبه روحانی (مربوط به عهد) واقعه کار دشواری است. کسانی که شفا یافته اند همواره "نجات" نمی یابند (ر.ک. یوحنا ۵).

**عنوان خاص: ایمان (PISTIS [اسم]، -PISTEUO [فعل]، PISTOS [صفت])**

أ. این واژه جایگاه پراهمیتی در کتاب مقدس دارد (ر.ک. عبر. ۱۱: ۱۶). موضوع موعظه های نخست عیسی، ایمان بود (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵). دستکم دو چیز در عهد جدید الزامی است: توبه و ایمان (ر.ک. ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۰: ۲۱).

ب. ریشه یابی:

۱. واژه "ایمان" در عهد عتیق معنای وفاداری، امانت یا قابل اعتماد بودن می داد و توصیفی از ماهیت و ذات خدا بود، نه انسانها.
۲. این واژه از واژه عبری (*emun, emunah*) می آمد که به معنی "یقین داشتن یا استواری" بود. ایمان نجات بخش عبارت از پذیرش فکری (دنباله ای از حقایق)، زندگی اخلاقی (روش زندگی) و در اصل سرسپردگی ارتباطی (خوش آمدگویی به یک شخص) و ارادی (یک تصمیم) نسبت به آن شخص است.

ج. کاربرد آن در عهد عتیق

باید بر این موضوع تأکید نمود که ایمان ابراهیم به مسیح در آینده نبود، بلکه به وعده خدا بود که او صاحب فرزند و نسلهایی خواهد شد (ر.ک. پید. ۱۲: ۲؛ ۱۵: ۲-۵؛ ۱۷: ۴-۸؛ ۱۸: ۱۴). ابراهیم به این وعده با توکل و اعتماد به خدا پاسخ داد. او هنوز تردیدها و مشکلاتی با این وعده داشت، که سیزده سال طول کشید تا به وقوع بپیوندد. با این وجود، ایمان ناکامل او را خدا پذیرفت. خدا مشتاق است تا با انسانهای پر از نقص و عیب که به او و وعده هایش با ایمان پاسخ می دهند، کار کند، حتی اگر ایمان آنان به اندازه یک دانه کوچک خردل باشد (ر.ک. متی ۱۷: ۲۰).

ج. کاربرد آن در عهد جدید

ترجمه واژه یونانی (-*pisteuo*) می تواند "باور داشتن"، "ایمان" یا "اعتماد" باشد. به عنوان مثال، این به صورت یک اسم در انجیل یوحنا وجود ندارد، اما از فعل آن اغلب استفاده شده است. در یوحنا ۲: ۲۳-۲۵ عدم اطمینانی از واقعی بودن سرسپردگی آن جماعت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر نمونه های کاربرد ظاهری از این واژه در یوحنا ۸: ۳۱-۵۹ و اعمال ۸: ۱۳، ۱۸-۲۴ به چشم می خورد. ایمان حقیقی کتاب مقدسی بیش از یک پاسخ اولیه است. این ایمان را باید در روند شاگردی، دنبال کرد (ر.ک. متی ۱۳: ۲۰-۳۱، ۲۲-۳۲).

د. کاربرد آن با حروف اضافه

۱. حرف اضافه *eis* به معنی "داخل یا بسوی است [در فارسی به غیر از اینها معنی به نیز می دهد]" است. این ساختار یگانه بر این امر

تکیه دارد که ایمانداران ایمان / اعتماد خود را در عیسی قرار می دهند

ا. به نام او (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ I یوحنا ۵: ۱۳)

ب. به او (یوحنا ۲: ۱۱؛ ۳: ۱۵، ۱۸؛ ۴: ۳۹؛ ۶: ۴۰؛ ۷: ۴۸، ۳۹، ۳۱، ۵؛ ۸: ۳۰؛ ۹: ۳۶؛ ۱۰: ۴۲؛ ۱۱: ۴۵، ۴۸؛ ۱۷: ۴۲؛ ۳۷، ۴۲؛ متی ۱۸: ۶؛ اعمال

۱۰: ۴۳؛ فیل. ۱: ۲۹؛ I پطرس. ۱: ۸)

ج. به من (یوحنا ۶: ۳۵؛ ۷: ۳۸؛ ۱۱: ۲۵، ۲۶؛ ۱۲: ۴۴، ۴۶؛ ۱۴: ۱۲، ۱۶؛ ۱۶: ۹؛ ۱۷: ۲۰)

د. به پسر (یوحنا ۳: ۳۶؛ ۹: ۳۵؛ I یوحنا ۵: ۱۰)

ه. به عیسی (یوحنا ۱۲: ۱۱؛ اعمال ۱۹: ۴؛ غلا. ۲: ۱۶)

و. به نور (یوحنا ۱۲: ۳۶)

ز. به خدا (یوحنا ۱۴: ۱)

۲. حرف اضافه *en* به معنی "در" است که در یوحنا ۳: ۱۵؛ مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۵: ۱۴ بکار رفته است.

۳. حرف اضافه *epi* به معنی "در" یا "بر روی" است که در متی ۲۷: ۴۲؛ اعمال ۹: ۴۲؛ ۱۱: ۱۷؛ ۱۶: ۳۱؛ ۲۲: ۱۹؛ روم. ۴: ۲۴، ۵؛ ۹: ۳۳؛

۱۰: ۱۱؛ I تیمو. ۱: ۱۶؛ I پطرس. ۲: ۶ مورد استفاده قرار گرفته است.

۴. حالت مفعولی بدون حرف اضافه مانند غلا. ۳: ۶؛ اعمال ۱۸: ۸؛ ۲۷: ۲۵؛ I یوحنا ۳: ۲۳؛ ۵: ۱۰

۵. حرف اضافه *hoti* به معنی "ایمان به اینکه"، متقاعد می سازد که باید به چه ایمان داشت

ا. عیسی، آن پاک مرد خداست (یوحنا ۶: ۶۹)

ب. عیسی، من هستم است (یوحنا ۸: ۲۴)

ج. عیسی در پدر است و پدر در اوست (یوحنا ۱۰: ۳۸)

د. عیسی، مسیح است (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)

ه. عیسی پسر خداست (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)

و. عیسی را پدر فرستاده بود (یوحنا ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۲۱، ۸)

ز. عیسی و پدر یک هستند (یوحنا ۱۴: ۱۰-۱۱)

ح. عیسی از سوی پدر آمد (یوحنا ۱۶: ۳۰، ۲۷)

ط. عیسی خود را با نام خدای عهد یعنی "من هستم" معرفی کرد (یوحنا ۸: ۲۴؛ ۱۳: ۱۹)

ی. ما با او زیست خواهیم کرد (روم. ۶: ۸)

عیسی مُرد و برخاست (I تسا. ۴: ۱۴)

□ بخش دوم آیه ۱۶ چنانکه در ادبیات حکمت آمیز عبری رایج است، به صورت مترادف و هم معنی بیان شده است.

۱. الف. "نام عیسی"

ب. "این شخص را نیرو بخشیده است"

ج. "که می بینید و می شناسید"

۲. الف. "ایمان به نام او"

ب. "او را سالم و تندرست کرده است"

ج. "در حضور جمیع شما"

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۳: ۱۷-۲۶

۱۷ «و اما ای اسرائیلیان، می دانم که شما مثل حکمرانان خود این کار را از روی غفلت انجام دادید. ۱۸ ولی خدا به این طریق به آن پیشگویی هایی که مدتها پیش به وسیله جمیع انبیا فرموده بود که مسیح او می آید تا رنج و آزار ببیند، تحقق بخشید. ۱۹ پس توبه کنید و به سوی خدا بازگشت نمایید تا گناهان شما آمرزیده شود. ۲۰ و زمان تجدید حیات از پیشگاه خداوند فرا رسد و خدا، عیسی یعنی آن مسیح موعود را که از پیش برایتان برگزیده بود بفرستد. ۲۱ همان طور که خدا به وسیله انبیای مقدس خود از مدتها پیش اعلام نموده، او باید تا زمانی که همه چیز تازه و نو شود، در آسمان بماند. ۲۲ موسی فرمود: 'خداوند خدای شما، از میان شما نبی ای مانند من برای شما برمی انگیزاند، باید به آنچه او به شما می گوید گوش دهید. ۲۳ و هر کس از اطاعت آن نبی سر باز زند باید از جمع بنی اسرائیل ریشه کن شود.' ۲۴ و همچنین تمام انبیا از سموئیل به بعد، یک صدا زمان حاضر را پیشگویی می کردند. ۲۵ شما فرزندان انبیا هستید و به این سبب در آن پیمانی که خدا با اجداد شما بست سهمی دارید، چنانکه خدا به ابراهیم فرمود: 'از نسل تو جمیع اقوام روی زمین برکت خواهند یافت.' ۲۶ هنگامی که خدا بنده خود عیسی را برگزید، او را قبل از همه نزد شما فرستاد تا شما را از راههای شرارت آمیزتان برگرداند و به این وسیله شما را برکت دهد.»

۳: ۱۷ «می دانم که شما ... این کار را از روی غفلت انجام دادید» این انعکاسی از سخنان عیسی بر روی صلیب است (ر.ک. لوقا ۲۳: ۳۴). اما حتی در جهل و نادانی شان نیز از لحاظ روحانی مسئول بودند! این عذر و بهانه به نوعی راهی برای کمک به آن مردم برای پذیرفتن مسئولیتشان بود (ر.ک. ۱۳: ۲۷؛ ۱۷: ۳۰؛ ۲۶: ۹؛ I قرن. ۲: ۸). بحث و استدلال خوبی درباره این مفهوم را می توان در Millard Erickson, *Christian Theology*, 2<sup>nd</sup> ed., pp. 583-585 یافت.

□ «مثل حکمرانان خود» لوقا اغلب تمایزی میان مردم و حکمرانانشان قابل می شود (ر.ک. لوقا ۷: ۲۹-۳۰؛ ۲۳: ۳۵؛ اعمال ۱۳: ۲۷؛ ۱۴: ۵). شاید تلاش او در نشان دادن این امر، مسئولیت متقابل هر دو گروه است. اکثر اوقات چنین اظهار می شود که عیسی همه یهودیان را به عنوان یک کلیت محکوم نمی کند، بلکه رهبران نامشروع آنان را (که از نسل هارون نبودند) ملعون می شمارد. دانستن این امر که لعنت کردن درخت انجیر (ر.ک. مرقس ۱۱: ۱۲-۱۴، ۲۰-۲۴) و مثل باغبانان ظالم تاکستان (ر.ک. لوقا ۲۰: ۹-۱۸) ملعون شمردن تمامی یهودیت قرن اول است یا فقط رهبران ایشان، کار دشواری است. به نظر می رسد که لوقا می خواهد نشان دهد منظور هر دو گروه بوده است!

۳: ۱۸ «مدتها پیش فرموده بود» انجیل یک پیش آمد برای خدا نبود بلکه نقشه ازلی و با قصد قبلی اوست (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ مرقس ۱۰: ۴۵؛ روم. ۱: ۲؛ اعمال ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸). موعظه های اولیه در کتاب اعمال (*kerygma*) عیسی را به عنوان تحقق وعده ها و نبوت های عهد عتیق معرفی می کند.

چندین جنبه از *Kerygma* (جنبه های اصلی الهیاتی موعظه ها در کتاب اعمال) در این آیات بیان شده است.

۱. ایمان به عیسی امری ضروری است

۲. انبیای عهد عتیق درباره شخص عیسی و کارهای عیسی نبوت کرده اند

۳. مسیح باید رنج بکشد

۴. آنها باید توبه کند

۵. عیسی باز خواهد آمد.

□ «خدا آن اخباری را که به زبان جمیع انبیای خود، پیش گفته بود» عیسی نبوت عهد عتیق را به انجام رسانید (ر.ک. آیه ۳۴، متی. ۵: ۱۷-۴۸). من چنین می پندارم که عیسی شخصاً به دو شاگردی که در راه عموآس بودند (ر.ک. لوقا ۲۴: ۱۳-۳۵) نبوتهای عهد عتیق را که مربوط به رنجها، مرگ و قیام او می شدند، نشان داد. آنان گفته های وی را برای رسولان بازگفتند و ایشان نیز به نوبه خود آنها را در موعظان نشان گنجاندند. به عنوان خاص: نبوت عهد جدید در ۱: ۱۱؛ ۲۷ مراجعه کنید.

□ «مسیح» این ترجمه یونانی از واژه عبری "ماشیح" به معنی مسح شده است. این واژه اشاره دارد به نماینده مخصوص خدا که زندگی و مرگش عصر جدید عدالت، یعنی همانا عصر جدید روح القدس را تأسیس می کند.

□ «رنج و آزار» در چندین متن عهد عتیق به این مورد اشاره شده است (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ مز. ۲۲؛ اش. ۵۳). این جنبه از ماشیحی که رنج می کشد، موجب حیرت یهودیان می گردد (ر.ک. I قرن. ۱: ۲۳). آنان در انتظار یک فرمانده نظامی فاتح بودند (ر.ک. مکا. ۲۰: ۱۱-۱۶). اما تأکید پولس (ر.ک. اعمال ۱۷: ۳؛ ۲۶: ۲۳) و نیز پطرس (ر.ک. I پطرس. ۱: ۱۰-۱۲؛ ۲: ۲۱؛ ۳: ۱۸) بر این جنبه از ماشیح است.

۳: ۱۹ «توبه کنید و ... بازگشت نمایید» واژه یونانی "توبه" به معنی یک تغییر فکر است. این فعل امری نامعین معلوم است از *metanoeo-* واژه عبری توبه در ترجمه هفتاد به معنی "تغییر رفتار" ("بازگشت" [*emistrepho-*] می تواند بازتاب واژه عبری *shub* باشد، ر.ک. اعد. ۳۰: ۳۶؛ تث. ۳۰: ۱۰؛ ۲) است. توبه و همچنین ایمان هر کدام یک بند ضروری عهد به هنگام نجات هستند (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵ و اعمال ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۰: ۲۱). توبه امری واجب و لازم الاجرا (ر.ک. لوقا ۱۳: ۳ و II پطرس. ۳: ۹)، و در اصل اشتیاق به تغییر کردن است. توبه هم یک عمل از روی اراده انسان است و هم هدیه ای از جانب خدا می باشد (ر.ک. اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸؛ II تیمو. ۲: ۲۵). به عنوان خاص در ۲: ۳۸ مراجعه کنید.

□ «تا گناهان شما محو گردد» معنی این عبارت: "پاک شدن"، "زدوده شدن" یا "محو شدن" است (ر.ک. کول. ۲: ۱۴؛ مکا. ۳: ۵؛ ۷: ۱۷؛ ۲۱: ۴). چه وعده ای! در جهان باستان، جوهر از اسید درست می شد و پاک کردن آن غیرممکن بود. این معجزه حقیقی فیض خداست (ر.ک. مز. ۵۱: ۱۰؛ ۱۱: ۱۳؛ اش. ۱: ۱۸؛ ۳۸: ۱۷؛ ۴۳: ۴۵؛ ۴۴: ۲۲؛ ار. ۳۱: ۳۴؛ میکا ۷: ۱۹). هنگامی که خدا کسی را می آمرزد، فراموش می کند (محو می سازد)!

۳: ۲۰ «زمان تجدید حیات» واژه یونانی به کار رفته (*anapsucho-*, *anapsuxis*) در اصل به معنی "فضای تنفس، آرامش، آسودگی" است (Baker, Arndt, Gingrich, and Danker, *A Greek-English Lexicon*, p. 63)، "طراوت یافتن بوسیله هوا" یا "بهبود زخم با هوا" (Kittle, *Theological Dictionary of the New Testament*, vol. 9, p. 663). تعمیم این استعاره می تواند طراوت یا احیای فیزیکی یا روحانی باشد.

در ترجمه هفتاد در مورد تقویت جسمی پس از جنگ (ر.ک. خرو. ۲۳: ۱۲؛ داوور. ۱۵: ۱۹؛ سمو. II ۱۶: ۱۴) یا تازگی احساسی در I سمو. ۱۶: ۲۳، بکار رفته است.

به نظر می رسد که پطرس به یک وعده عهدعتیق اشاره می کند، اما این عبارت در عهد عتیق بکار نرفته است. برای مردم بیابان نشین، وسعت معرف آزادی و خوشی است و فضای بسته نشانه اضطراب و آشفتگی می باشد. خدا در نظر داشت تا یک وسعت، یک دوره تازگی در فعالیت روحانی را به ارمغان آورد. این فعالیت مسیحایی در انجیل به بار آمد. "زمان تجدید حیات" در عیسای ناصری آمد. و اما در تکمیل آن،

عصر جدید روح القدس به بار می آید. در این مضمون مشخص، پطرس به بازگشت مسیح اشاره می کند. به نظر می رسد که عبارت مزبور مترادف با "زمانی که همه چیز تازه و نو شود" (آیه ۲۱) است. به عنوان خاص: Kerygma در ۲: ۱۴ مراجعه کنید.

□ «عیسی ... را بفرستد» این یک فعل ماضی نامعین شرطی معلوم است که نشانگر عنصری احتمالی می باشد. رفتار شنوندگان پطرس به نوعی، زمان به انجام رسیدن روحانی را تعیین می کرد (ر.ک. F. F. Bruce, *Answers to Questions*، که در آن اعمال ۳: ۱۹-۲۱ را به روم. ۱۱: ۲۵-۲۷ مربوط می سازد، صفحه: ۲۰۱).

کنار هم گذاشتن "عیسی" و "مسیح/ماشیح" ظاهراً این مفهوم را در بر دارد که پطرس مشخصاً مدعی مسیح بودن عیسای ناصری است. بعدها در عهد جدید، "خداوند"، "عیسی" و "مسیح" به کرات اکثراً به صورت اشاره ترکیبی به عیسی بکار برده می شوند (مثلاً: خداوند عیسی مسیح) تا تأکیدی بر مسیح بودن عیسی. این امر خصوصاً در مورد کلیساهایی که غیریهودیان در آن اکثریت داشتند صدق می کند.

□ «آن مسیح موعود را که از پیش برایتان برگزیده بود» این یک وجه وصفی مجهول کامل است. همین عبارت در مورد پیش-گزینی خدا در ۱۰: ۴۱؛ ۲۲: ۱۴؛ ۲۶: ۱۶؛ آمدن عیسی و مرگ او همواره در نقشه رهایی جاودانی خدا وجود داشت (ر.ک. ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۳: ۲۹).

در ترجمه هفتاد این اصطلاح بیانگر یک انتخاب است، اما بدون پیش دانی (یعنی از نظر لوقا، "پیش" به معنی از قبل است، ر.ک. خرو. ۴: ۱۳ و یوشع ۳: ۱۲) که در کاربرد واژگان در کتاب اعمال، امری بدیهی است. این موضوع نشان می دهد که فرستادن عیسی، به سبب انتخاب خدا برای برکت دادن و رهایی بوده است!

۳: ۲۱

NASB, NKJV «که می باید آسمان او را بپذیرد»

NRSV «که می باید در آسمان بماند»

TEV, NIV «او باید در آسمان بماند»

NJB «آسمان بایستی او را نگاه دارد»

فاعل این عبارت، "آسمان" است؛ مفعول آن "او" (یعنی عیسی) می باشد. در این عبارت دو فعل گونه وجود دارد. اول *dei* از مصدر *deo-*، به معنی "ضروری است" یا "می باید".

دومین فعل گونه، یک مصدر نامعین میانی (بظاهر مجهول و در معنی معلوم) از *dechomai* است. Harold K Moulton, *The Analytical Greek Lexicon Revised* می گوید در این متن معنی آن "در خود پذیرفتن و نگاه داشتن" (صفحه ۸۸) است. می توانید در ترجمه های بالا ببینید که معنی متن اصلی چگونه ارائه شده است. لوقا از این واژه بیش از تمامی نویسندگان عهد جدید استفاده می کند (۱۳ بار در انجیل لوقا و ۸ مرتبه در کتاب اعمال). کلمات را می بایست در پرتو استفاده در متن و منظور نویسنده معنا کرد و نه فقط از طریق ریشه یابی لغتی. لغت نامه ها (فرهنگ واژگان) تنها به تفکیک کاربرد واژه ها می پردازند. آنها تعیین کننده معانی نیستند!

NASB, NKJV, «تا زمانی»

NRSV

TEV «تا زمانی»

NJB «تا زمان»

این واژه در متن یونانی ترجمه UBS<sup>4</sup> موجود است. نمی دانم دلیل ترجمه NASB برای درج آن بصورت حروف کج که نشانگر آن است که این واژه در متن یونانی نیست اما برای خوانندگان انگلیسی زبان امروزی جهت درک معنی آمده، چیست.

در چاپ ۱۹۷۰ ترجمه NASB، این واژه به صورت کج نیامده و تنها حرف اضافه "the" بصورت کج آمده که صحیح است.

□ «تا زمانی که همه چیز تازه و نو شود» این عبارت اشاره به خلقت تازه دارد (ر.ک. متی ۱۷: ۱۱؛ و خصوصاً روم. ۸: ۱۳-۲۳). پلیدی عصیان انسان در پید. ۳ خنثی می شود و خلقت تازه و نو می گردد؛ مصاحبت با خدا از نو برقرار می شود. هدف اولیه آفرینش، نهایتاً تحقق می یابد.

□ «که خدا از بد عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود» انجیل مرقس با نقل قولی از ملاکی ۳: ۱ آغاز می شود. متی ۱: ۲۲-۲۳ به نبوت اش. ۷: ۱۴ اشاره می کند. لوقا از همین عبارت در لوقا ۱: ۷۰ استفاده کرد. یک جنبه از *Kerygma* (حقایق الهیاتی مرجع در موعظه های اعمال، به عنوان خاص در ۲: ۱۴ مراجعه کنید) این است که تولد، زندگی، مرگ و قیام عیسی، نبوت عهدعتیق را تحقق بخشیده است. خدمت عیسی یک پیشامد یا نقشه ثانوی نبود، بلکه نقشه از پیش تعیین شده خدا بود (ر.ک. ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۳: ۲۹). همه چیزها در کارند تا آنکه نو شدن کامل تمامی خلقت، که اراده خداست به انجام رسد.

۳: ۲۲ «موسی فرمود» عنوان "نبی"، در مورد ماشیح بکار رفته بود (ر.ک. ت. ۱۸: ۱۴-۲۲؛ خصوصاً: ۱۵-۱۸؛ یوحنا ۱: ۲۱، ۲۵). این ارائه مدرک درباره عیسی از شریعت موسی (که معتبرترین بخش کانون عهدعتیق برای یهودیان اعم از صدوقیان و فریسیان بود)، برای شنوندگان حاضر یهودی اهمیت زیادی داشت. عیسی همواره نقشه رهایی بخش خدا بود. او آمد تا بمیرد (ر.ک. مرقس ۱۰: ۴۵؛ II قرن. ۵: ۲۱). ۳: ۲۳ یک هشدار جدی که کنایه ای از ت. ۱۸: ۱۹ است. رد کردن عیسی چه در آن زمان و چه در حال حاضر، موضوعی جدی و جاودانی می باشد.

کنایه به کار رفته در مورد ت. ۱۸: ۱۴-۲۲ دارای بینشهای الهیاتی مهم زیر نیز هست:

۱. به جنبه های فردی و جمعی توجه کنید. هر نفس بشری می باید شخصاً به مسیح موعود پاسخ بدهد. بخشی از بدنه جمعی اسرائیل بودن در این مورد کفایت نمی کند.

۲. عبارت "ریشه کن شود" اشاره ای به "جنگ مقدس" است. خدا تا کستان خود را خرس خواهد کرد (یعنی اسرائیل را، ر.ک. روم. ۹-۱۱). کسانی که آن "نبی" را رد کنند، توسط خدا رد خواهند شد. موضوع نجات عبارت از پاسخ ایمان به مسیح خداست. خانواده، نژاد، اخلاقیات یا انجام مو به موی قوانین ارتباطی با معیارهای نجات عهد جدید ندارد بلکه فقط ایمان به مسیح، پاسخگوی این معیارهاست.

۳: ۲۴ «سموئیل» در کانون یهود، سموئیل یکی از "انبیای پیشین"، یعنی بخشی از دومین قسمت کانون عبری شمرده می شود. سموئیل در I سمو. ۳: ۲۰، نبی و نیز در I سمو. ۹: ۹؛ I تو. ۲۹: ۲۹ رای (شکل دیگری از واژه نبی) خوانده شده است.

□ «این ایام» "زمان تجدید حیات" (آیه ۲۰) و "زمانی که همه چیز تازه و نو شود" (آیه ۲۱) مربوط به تکمیل پادشاهی خدا هنگام بازگشت مسیح است، اما این عبارت اشاره به تأسیس پادشاهی مسیحایی دارد که به هنگام جسم گیری عیسی در بیت لحم یا دستکم تا همان روزهای اخیر، یعنی زمان میان دو ظهور مسیح بر روی زمین رخ می دهد. از عهدعتیق در درجه اول تنها یک آمدن مسیح موعود برداشت می شود. آمدن نخست عیسی به عنوان "بنده رنج کشیده" (آیه ۱۸) غیرمترقبه بود؛ اما بازگشت پر جلال وی به عنوان یک رهبر نظامی و داور، انتظار یهودیان را تشکیل می داد.

۳: ۲۵ پطرس یهودیان حاضر را فرزندان ابراهیم، مردمان عهد و پیمان، خطاب می کند. اما همین قوم عهد و پیمان می باید با ایمان و توبه به عیسی و انجیل پاسخ دهند و گرنه پذیرفته نخواهند شد (آیه ۲۳)!

عهد جدید (پیمان تازه) بر یک شخص و نه یک گروه نژادی، متمرکز است. در فراخوانی ابراهیم، عنصری جهانی وجود دارد (ر.ک. پید. ۱۲: ۳). این عرضه جهانی در مسیح فرارسیده است و در دسترس همگان می باشد (مخاطبان لوقا در درجه اول غیر یهودیان هستند. در انجیل او و کتاب اعمال این دعوت به کرات و به طور مخصوص بیان شده است).

□ «عهد» به عنوان خاص: عهد در ۲: ۴۷ مراجعه کنید.

□ «**جميع اقوام روی زمین برکت خواهند یافت**» وعده خدا به ابراهیم در پید. ۱۲: ۱-۳ مورد اشاره قرار گرفته است. به عنصر جهانی در پید. ۲۲: ۱۸ نیز توجه کنید. خدا ابراهیم را برگزید تا قومی را برگزیند، تا جهان را برگزیند (ر.ک. خرو. ۱۹: ۵-۶؛ افس. ۲: ۱۱-۳: ۱۳).

□ ۳: ۲۶ «**برای شما اولاً**» یهودیان بخاطر میراثشان از عهد، فرصت اول را برای شنیدن و درک پیام انجیل دارند (ر.ک. روم. ۱: ۱۶؛ ۹: ۵). اما آنان نیز می بایست مانند هر شخص دیگری به این پیام پاسخ دهند: توبه کنند، ایمان آورند، تعمید یابند، اطاعت کنند و پایدار بمانند.

□ «**بنده خود عیسی را برخیزانیده، فرستاد**» به یادداشت ۲: ۲۴ مراجعه کنید.

□ «**تا شما را برکت دهد**» این چیزی است که خدا برای تمامی نسل بشر در نظر دارد (ر.ک. پید. ۱۲: ۳). اما او ابتدا عیسی را به نزد گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل فرستاد!

□ «**به برگردانیدن هر یکی از شما از گناهانش**» نجات شامل تغییر فکر درباره گناه و در نتیجه تغییر در رفتار و اولویتهاست. این تغییر، گواهی بر ایمان آوردن حقیقی است! زندگی جاویدان مشخصاتی قابل رویت دارد!

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

این یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب فکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چه چیزی "دائمی" است؟
۲. چرا این شفا چنین مقتدرانه بود؟
۳. چرا مسیح رنج برده برای یهودیان تا این اندازه تکان دهنده بود؟
۴. چرا لوقا از پید. ۱۲: ۳ نقل قول می کند؟
۵. آیا نجات یهودیان با غیریهودیان تفاوتی دارد؟

**کارهای رسولان فصل ۴**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
پطرس و یوحنا در حضور برابر سنهدرین	پطرس و یوحنا در حضور شورای یهود	دستگیری و آزادی پطرس و یوحنا	پطرس و یوحنا دستگیر می شوند	پطرس و یوحنا در حضور شورای یهود
۴-۱:۴	۴-۱:۴	۴-۱:۴	۴-۱:۴	۴-۱:۴
			در حضور شورای یهود	
۱۲-۵:۴	۱۲-۵:۴	۷-۵:۴	۱۲-۵:۴	۲۲-۵:۴
	۱۲-۸:۴		ذکر نام عیسی ممنوع می شود	
۱۷-۱۳:۴	۱۷-۱۳:۴	۲۲-۱۳:۴	۲۲-۱۳:۴	
۲۲-۱۸:۴	۲۲-۱۸:۴			
دعای رسولان تحت جفا	ایمانداران برای شجاعت دعا می کنند		دعا برای شجاعت	ایمانداران برای شجاعت دعا می کنند
۲۶-۲۳:۴	۳۰-۲۳:۴	۳۱-۲۳:۴	۳۱-۲۳:۴	۳۱-۲۳:۴
۳۱-۲۷:۴	۳۱:۴			
مسیحیان	ایمانداران اموالشان را به شراکت می گذارند	شراکت در اموال (۴:۳۲-۵:۶)	شراکت در همه چیز	مشارکت ایمانداران
اولیه	۳۵-۳۲:۴	۱۱:۵-۳۲:۴	۳۷-۳۲:۴	۳۷-۳۲:۴
۳۲:۴				
۳۳:۴				
۳۵-۳۴:۴				
سخاوت برنابا				
۳۷-۳۶:۴	۳۷-۳۶:۴			

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...



## نگرشی بر اساس مضمون متن

- ا. آشکار است که تقسیم بندی بابها در کتاب اعمال، نابجا می باشد.
- ب. آیات ۱-۳۱ مربوط می شود به شفای مرد لنگ در باب ۳ و عواقب آن.
- ج. آیات ۳۲-۳۷ می بایست با باب ۵: ۱-۱۱ در یک قسمت قرار می گرفت.
- د. هر چند مشکلات ادامه دارد و افزوده می شود، اما روح القدس نیز بر فیض و قدرت خود می افزاید. کلیسا رشد می کند!
- ه. در رابطه با تأکید لوقا بر ماهیت پر محبت و بخشنده کلیسای اولیه در اورشلیم، مفسرین غربی معاصر باید مراقب دیدگاه یکجانبه کاپیتالیستی باشند. به نظر می رسد که لوقا بر همیاری داوطلبانه صحنه می گذارد. کتاب اعمال نمی تواند پشتیبان کمونیسم یا کاپیتالیسم باشد زیرا در آن زمان این گونه نگرشها وجود نداشت. متن کتاب را باید در پرتو روزگار مربوط به آن، نیت نویسنده و جهان شنوندگانش تفسیر کرد.

## مطالعه عبارات و واژگان

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۴: ۱-۴

۱ هنوز سخن ایشان با قوم به پایان نرسیده بود که کاهنان به اتفاق فرمانده پاسداران معبد بزرگ و پیروان فرقه صدوقی وارد شدند. ۲ آنان از اینکه رسولان، قوم را تعلیم می دادند و به آتکای رستاخیز عیسی، رستاخیز مردگان را اعلام می کردند، سخت ناراحت شده بودند. ۳ پس پطرس و یوحنا را گرفتند و چون نزدیک غروب بود تا روز بعد ایشان را در زندان نگه داشتند، ۴ اما بسیاری از کسانی که آن پیام را شنیده بودند، ایمان آوردند و تعداد مردان ایشان به حدود پنج هزار نفر رسید.

۴: ۱ «کاهنان» این واژه در نسخه های یونانی به ترتیب حروف الفبا: (آلف عبری)، A، D و E وجود دارد اما در نسخه C، «کاهنان اعظم» (*archiereis*) آمده است. ترجمه UBS<sup>4</sup> به واژه «کاهنان» رتبه B (تقریباً مسلم) می دهد. مضمون باب ۴ نشان می دهد که مخالفت ابراز شده از سوی کاهنان اعظم نبوده است (ر.ک. آیه ۶).

در عهد عتیق، قبیله لای (یعنی قبیله موسی و هارون) برگزیده شدند تا YHWH را در عوض «نخست زادگان» قوم، خدمت کنند (ر.ک. خرو. ۱۳). در میان این خاندان، خانواده های معینی با عناوین زیر مشغول به خدمت بودند: (۱) معلمان محلی شریعت؛ (۲) خادمان معبد؛ و (۳) کاهنانی که در معبد مأمور بجا آوردن مراسم مذهبی و خصوصاً گذراندن قربانیها بودند (ر.ک. لای. ۷-۱). کاهن اعظم فقط از خانواده موسی و هارون برگزیده می شد. به طور کلی هیچگونه ملکی در تقسیم بندی اراضی میان سایر قبیله های نسل یعقوب/اسرائیل، به این قبیله تعلق نمی گرفت. بخشی از چند شهر معین به ایشان داده می شد (۴۸ شهر لایوان وجود داشت، ر.ک. یوشع ۲۰). این خانواده های لای، از لحاظ مالی از راه ده یک معبد و ده یک محلی سه ساله، وابسته به سایر قبیلهها بودند.

این نظام با فتح فلسطین توسط رومیان به پایان رسید. مقام کهنات اعظم از روم خریداری می شد. این مقام دیگر یک مقام روحانی عهد عتیقی نبود، بلکه به قدرتی تجاری و سیاسی تبدیل شده بود.

کاهن اعظم وقت قیافا بود (ر.ک. متی ۲۶: ۳؛ لوقا ۳: ۲؛ یوحنا ۱۸)، اما قدرت اصلی در پشت این مقام، در دست کاهن اعظم پیشین یعنی حنانیا قرار داشت (ر.ک. لوقا ۳: ۲؛ یوحنا ۱۸: ۱۳، ۲۴؛ اعمال ۴: ۶). این خانواده از فرقه صدوقیان بودند.

□ «فرمانده پاسداران معبد بزرگ» این یکی از مقامهای اعطا شده به لایوانی که پس از کاهن اعظم قدرت را بدست داشتند، بود (ر.ک. یوسفوس، *Wars*، ۵: ۳، ۶). این فرمانده، بر پلیس معبد نظارت می کرد (ر.ک. اتوا. ۹: ۱۱؛ نحما ۱۱: ۱۱؛ لوقا ۲۲: ۵۲؛ اعمال ۵: ۲۴، ۲۶). در زبان عبری این مقام را «مرد کوه خانه (خدا)» می خواندند.

□ «صدوقیان» اینان، رهبران ثروتمند و سیاسی شورای عالی یهود بودند.

## عنوان خاص: صدوقیان

### ۱. منشأ گروه صدوقیان

ا. اکثر پژوهشگران بر این باورند که این نام از صادق، یکی از کاهنان اعظم دوران داود برگرفته شده است (ر.ک. II سمو. ۸؛ ۱۷؛ ۱۵: ۲۴). بعدها، سلیمان ابیاتار را بخاطر پشتیبانی از شورش ادونیا تبعید کرد (ر.ک. ۱. پاد. ۲: ۲۶-۲۷) و صادق را به عنوان تنها کاهن اعظم بازساخت (ر.ک. ۱. پاد. ۲: ۳۵). پس از بازگشت از اسارت بابل، این خط کهناتی باردیگر توسط یوشع یا یهوشع برقرار شد (ر.ک. حجی ۱: ۱). خاندان لاوی برای اداره معبد برگزیده شدند. بعدها کسانی را که از این خط کهناتی بودند و پشتیبانان ایشان را صدوقیان نامیدند.

ب. در قرن نهم میلادی، یکی از سنتهای معلمان دینی یهود (*Aboth* نوشته رابی ناتان) بیان می دارد که صادق شاگرد آنتیگونوس از سوخو (قرن دوم پیش از میلاد) بود. صادق یکی از گفته های استادش را در مورد "پادشاهی پس از مرگ" سوءتعبیر کرد و الهیاتی را پایه گذاری نمود که زندگی پس از مرگ را رد می کرد و قیامت بدن مردگان را نیز مردود می شمرد.

ج. بعدها یهودیان، صدوقیان را در میان خود به عنوان پیروان بوئتوس (*Boethusians*) لقب دادند. بوئتوس نیز یکی از شاگردان آنتیگونوس از سوخو بود. او الهیاتی مشابه صادق بوجود آورد که زندگی پس از مرگ را مردود می شمرد.

د. نام صدوقی، طبق اظهار یوسفوس (ر.ک. *Antiquities*, 13:10:5-6)، تا پیش از دوران یوحنا هیرکانوس (John Hyrcanus) (۱۳۵-۱۰۴ ق.م.) در جایی دیده نمی شود. در کتاب *Antiquities* 13: 5:9، یوسفوس بیان می دارد که "سه مکتب فکری" وجود داشت: فریسیان، و اسین ها.

ه. فرضیه دیگری که در این مورد وجود دارد مربوط به دوران آنتیوکوس ایفانوس چهارم (۱۷۵-۱۶۳ ق.م.)، از حاکمان سلوکیان بود که می کوشید کهنات یهود را تحت تأثیر فرهنگ یونانی قرار دهد. در دوران شورش مکابیان، کهنات جدیدی در روزگار شمعون مکابی (۱۴۲-۱۳۵ ق.م.) و نسلهای او آغاز شد (ر.ک. ۱. مکابیان ۱۴: ۴۱). این کاهنان اعظم حشمونی، احتمالاً سرمنشأ صدوقیان اشرافی بودند. فریسیان نیز در همان دوران از میان حَسیدیم ("جدا شدگان"، ر.ک. ۱. مکابیان ۲: ۴۲؛ ۷: ۲۳-۵) سربرآوردند.

و. فرضیه نوین (از T.W.Manson) در این مورد آن است که واژه صدوقی نوشتارگردانی واژه یونانی *sundikoi* است. این واژه به مقامات محلی اشاره دارد که واسطه قدرت روم بودند. این فرضیه می توان توجیهی برای برخی صدوقیان باشد که کاهنان اشرافی نبودند اما در شورای عالی یهود عضویت داشتند.

### ۲. اعتقادات مشخص:

ا. آنها حزب کهناتی محافظه کار فرقه ای از یهودیان در طی دوران قدرت حشمونیان و رومیان بودند.

ب. آنان بطور مخصوص علاقمند به امور، معاهدات، مراسم و آیین نماز معبد بزرگ بودند.

ج. آنان نوشته های تورات (از پیدایش تا آخر تثیبه) را معتبر می دانستند و سنت شفاهی (تلمود) را مردود می شمردند.

د. بنابراین، آنها بسیاری از آموزه های محبوب پرورده فریسیان را که در زیر آمده، نمی پذیرفتند:

۱. قیامت بدن مردگان (ر.ک. متی ۲۲: ۲۳؛ مرقس ۱۲: ۱۸؛ لوقا ۲۰: ۲۷؛ اعمال ۴: ۱-۲؛ ۲۳: ۸)

۲. فناپذیر بودن روح (ر.ک. *Aniquities* 18:1:3-4؛ *Wars* 2: 8: 14)

۳. وجود گروه فرشتگان مشغول به کار (ر.ک. اعمال ۲۳: ۸)

۴. آنها قانون "چشم به عوض چشم" (*lex talionis*) را تحت اللفظی می پنداشتند و از مجازات بدنی و مجازات مرگ

(در عوض جریمه های پولی) پشتیبانی می کردند.

۵. زمینه دیگر جدال الهیاتی ایشان، تقدیر الهی در مقابل اراده آزاد انسان بود. از سه گروه مورد اشاره یوسفوس:

۱. اسن‌ها به گونه ای، معتقد به تقدیر الهی بودند

۲. صدوقیان بر اراده آزاد انسان تأکید می‌ورزیدند (ر.ک. *Antiquities* 13:5:9؛ *Wars* 2:8:14)

۳. فریسیان به تعادلی میان این دو اعتقاد داشتند

و. از یک نظر، مجادلات میان این دو گروه (صدوقیان و فریسیان) بازتابی از تنش میان کاهنان و انبیای عهد عتیق بود.

تنش دیگر میان ایشان، این واقعیت بود که صدوقیان نماینده طبقه اجتماعی زمین داران اصیل و تربیت یافته بودند. آنها نسب اشراف زادگی داشتند (ر.ک. به کتاب یوسفوس: *Antiquities* 13:10:6; 18: 1: 4-5; 20: 9: 1)، در حالیکه فریسیان و کاتبان، عالمان و پرهیزکارانی از دل مردم آن سرزمین بودند.

تنش دیگر میان ایشان شاید از این امر ناشی می‌شد که نفوذ زرتشتی‌گرایی بر الهیات فریسیان مورد انزجار صدوقیان بود. از جمله: فرشته شناسی پیشرفته فریسیان، دوگانگی میان YHWH و شیطان و نگاه دقیق به زندگی پس از مرگ در بیانی فیزیکی پرهیجان. این گرافگویی‌های اسن‌ها و فریسیان واکنش بدی در صدوقیان بوجود می‌آورد. آنها موقعیتی محافظه کارانه بر اساس الهیات صرفاً موسایی در پیش گرفتند و تلاش می‌کردند گمانه زنی‌های سایر گروه‌های یهودی را خنثی نمایند.

### ۳. منابع و مراجع

ا. یوسفوس منبع اصلی اطلاعات در مورد صدوقیان است. موضع گیری یکطرفه او از یک سو به دلیل سرسپردگی اش به فریسیان بود و از سوی دیگر به علاقه اش در نقش کردن تصویری مثبت از زندگی یهودیان در چشم رومیان مربوط می‌گردید.

ب. سایر منابع اطلاعاتی، ادبیات معلمان یهود است. اما در این منابع نیز موضع گیری قوی یکجانبه ای وجود دارد. صدوقیان ارزش و اعتبار سنت شفاهی مشایخ (یعنی تلمود) را مردود می‌شمردند. این نوشته‌های فریسیان آشکارا مخالفانشان را با دید اغراق آمیز منفی توصیف می‌کند.

ج. هیچیک از نوشته‌های صدوقیان باقی نمانده است. با انهدام اورشلیم و معبد بزرگ در ۷۰م. تمامی مدارک و نفوذ این نخبگان کهناتی از بین رفت. آنان خواستار برقرار صلح منطقه ای بودند و تنها روش رسیدن به آن را در قرن اول میلادی، همکاری با رومیان می‌پنداشتند (ر.ک. یوحنا ۱۱: ۴۸-۵۰).

۲:۴

NASB, NKJV «سخت ناراحت شده بودند»

NRSV «خیلی دلخور شده بودند»

TEV «دلخور شده بودند»

NJB «بسیار دلخور شده بودند»

این اصطلاح نادر یونانی (در اینجا فعل حال وصفی میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم)) به معنی "سخت کار کردن بر چیزی" است و فقط در یک بخش دیگر در اعمال (۱۶: ۱۸) می‌توان آن را یافت. این اصطلاح در ترجمه هفتاد یا ترجمه Koine parugi مصری نیز دیده نمی‌شود.

رهبری صدوقیان از این موضوع ناراحت بود که رهبران مسیحی در میان جماعت معبد به نام عیسی تعلیم می دادند و قیام او را اعلام می داشتند (همان تعلیمی که صدوقیان مردود می شمردند و قیامت را نیز به طور کلی رد می کردند). از جمله بندی آیه ۲، این امکان نیز وجود دارد که رسولان نه تنها قیام مسیح، بلکه قیامت تمامی ایمانداران را نیز اعلام می داشتند (ر.ک. I قرن. ۱۵). مرگ نه فقط یک ایماندار، بلکه همه ایمانداران را از دست داده است!

۴:۳ «ایشان» در آیه ۲، این ضمیر مربوط می شود به پطرس و یوحنا و حتی احتمالاً مرد لنگ شفا یافته. در آیه ۳، این ضمیر مربوط می شود به کاهنان و پلیس معبد.

«دست بر ایشان انداخته» این فعل یونانی پهنه معنایی وسیعی دارد، اما لوقا اغلب از آن به معنی دستگیر کردن استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۲۰: ۱۹؛ ۲۱: ۱۲؛ اعمال ۵: ۱۸؛ ۱۲: ۱؛ ۲۱: ۲۷).

□ «تا روز بعد» شریعت یهود مانع از انجام محاکمه پس از غروب آفتاب بود. این رهبران می خواستند به موعظه/تعلیم رسولان هرچه زودتر خاتمه دهند. پس بجای بازداشت آنها در زندان عمومی، ایشان را شبانه در قسمتی از معبد زندانی کردند (ر.ک. ۵: ۱۸).

۴:۴ «کسانی که آن پیام را شنیده بودند، ایمان آوردند» هر دو فعل این جمله مرکب، ماضی نامعین است. ایمان از شنیدن آغاز می شود (ر.ک. روم. ۱۰: ۱۷). شنیدن انجیل (با کمک روح القدس، ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵؛ ۱۶: ۸-۱۱) منجر به ایمان به آن می گردد. به عنوان خاص: صرف افعال یونانی بکار رفته برای نجات در ۲: ۴۰ مراجعه کنید.

□ «تعداد مردان ایشان به حدود پنج هزار نفر رسید» توجه داشته باشید که این تعداد شامل زنان و بچه ها نمی شود. در عهد جدید اغلب این مفهوم ضمنی گنجانیده شده است که ایمان پدر به تمامی خانواده گسترش می یابد و همه خانواده را دربرمی گیرد (ر.ک. ۱۱: ۱۴؛ ۱۶: ۱۵، ۳۱، ۳۳). گروه شاگردان در بالاخانه ۱۲۰ تن بودند. در روز پنتیکاست ۳۰۰۰ نفر بدیشان پیوستند (ر.ک. ۲: ۴۱)؛ اکنون شمار ایمانداران به بیش از ۵۰۰۰ تن می رسید! کلیسا در اورشلیم به سرعت در حال رشد و شکوفایی بود!

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۴: ۵-۱۲

۵ روز بعد، رهبران یهود و مشایخ و علما در اورشلیم جلسه ای تشکیل دادند. ۶ «حنا» کاهن اعظم و قیافا و یوحنا و اسکندر و همه اعضای خانواده کاهن اعظم حضور داشتند. ۷ رسولان را احضار کردند و از آنان سؤال نمودند: «با چه قدرت و به چه نامی این کار را کرده اید؟» ۸ پطرس پر از روح القدس جواب داد: «ای سران قوم و ای مشایخ اسرائیل، ۹ اگر امروز به خاطر کار نیکویی که در مورد یک مرد علیل انجام شد، از ما بازپرسی می کنید و می خواهید بدانید که او به چه وسیله شفا یافته است، ۱۰ همه شما و همه قوم اسرائیل بدانید که این مرد که امروز به قدرت نام عیسی مسیح ناصری، که شما او را روی صلیب کشتید و خدا او را زنده گردانید، کاملاً شفا یافته و ایستاده است. ۱۱ این همان سنگی است که شما بنایان آن را خوار شمردید و رد کردید، ولی اکنون مهمترین سنگ بنا شده است. ۱۲ در هیچ کس دیگر، رستگاری نیست و در زیر آسمان هیچ نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است تا به وسیله آن نجات یابیم.»

۴:۵ «رهبران یهود و مشایخ و علما» شورای عالی یهود (۵: ۱۲، که از منطقه اورشلیم بودند، نام دیگر آن شورای یهود بود، ۲۲: ۵) متشکل بود از هفتاد رهبر یهودی. این شورا عالیترین بدنه سیاسی/مذهبی (پذیرفته شده از سوی دولت روم) در یهودیت روزگار مسیح بود. تصور کلی تشکیل آن (بر اساس سنت یهود) از عزرا و "مردان کنیسه بزرگ" ناشی می شد. در عهد جدید معمولاً با عبارت: "کاتبان، مشایخ و کاهنان اعظم" مورد اشاره قرار می گیرد (ر.ک. لوقا ۲۳: ۱۳؛ اعمال ۳: ۱۷؛ ۴: ۵، ۸؛ ۱۳: ۲۷).

## عنوان خاص: شورای عالی یهود (سنهدرین)

۱. منابع و مراجع

أ. عهد جدید

ب. فلاویوس یوسفوس و کتاب او: *Antiquities of the Jews*

ج. بخش میشنای تلمود (رساله "سنهدرین")

متأسفانه عهد جدید و یوسفوس در مورد نوشته های علمای یهود هم عقیده نیستند که چنانکه از آن برمی آید، دو شورای عالی یهود (سنهدرین) در اورشلیم وجود داشته است، یکی شورای کهناتی (صدوقیان)، که کاهن اعظم بر آن نظارت داشت و به امور شهری و قضاوت جنایی می پرداخت و دومی تحت نظارت فریسیان و کاتبان بود و به مسائل مذهبی و سنتی مربوط می شد. اما نوشته های علمای دینی که به ۲۰۰ میلادی بازمی گردد، بازتابی از وضعیت فرهنگی پس از سقوط اورشلیم توسط فرمانده رومی، تیطس، در ۷۰ م. می باشد. یهودیان زندگی مذهبی خود را در شهری به نام جامنیا دوباره مستقر ساختند و پس از آن (۱۱۸ م.) به جلیل نقل مکان کردند.

۲. واژه شناسی

مشکل شناسایی این بدنه قضایی، به سبب نامهای مختلفی است که به آنها خوانده می شود. بدنه های قضایی در جامعه یهودیان اورشلیم به نامهای زیر شناخته می شد:

أ. *Gerousia* - "سنا" یا "شورا". این قدیمیترین اصطلاحی است که تا اواخر دوران حکومت پارس به کار می رفت (ر.ک. یوسفوس: *Antiquities 12.3.3* و *II مکابیان ۱۱: ۲۷*). لوقا از این واژه در اعمال ۵: ۲۱ در کنار "سنهدرین" استفاده می کند. شاید بدینوسیله در نظر داشته آن شورا را برای خوانندگان یونانی زبان خود تبیین کند (ر.ک. *I مکابیان ۱۲: ۳۵*).

ب. *Synedrion* - "شورای عالی یهود (سنهدرین)". واژه ای که مرکب از *syn* (همراه با) و *hedra* (جایگاه نشستن) است. شگفت آور است که این واژه در زبان آرامی به کار می رفت ولی بازتابی از واژه یونانی بود. در انتهای دوره مکابیان، این واژه برای توصیف دادگاه عالی یهودیان در اورشلیم مورد پذیرش همگان بود (ر.ک. متی ۲۶: ۵۹؛ مرقس ۱۵: ۱؛ لوقا ۲۲: ۶۶؛ یوحنا ۱۱: ۴۷؛ اعمال ۵: ۲۷). مشکل در آنجا نمود می یابد که همین واژه برای دادگاههای قضایی محلی خارج از اورشلیم (دادگاههای کنیسه ای محلی) نیز مورد استفاده قرار می گرفت (ر.ک. متی ۵: ۲۲؛ ۱۰: ۱۷).

ج. *Presbyterion* - "شورای مشایخ" (ر.ک. لوقا ۲۲: ۶۶). این عنوانی عهدعتیقی برای رهبران قبایل بود. اما برای اشاره به دادگاه عالی در اورشلیم نیز مورد استفاده قرار می گرفت (ر.ک. اعمال ۲۲: ۵).

د. *Boule* - این واژه "شورا" را یوسفوس برای توصیف بدنه های گوناگون قضایی زیر بکار می برد (*Wars 2.16.2; 5.4.2*), اما در عهد جدید از آن استفاده نشده است: سنای روم؛ (۲) دادگاههای محلی رومی؛ (۳) دادگاه عالی یهود در اورشلیم؛ و (۴) دادگاههای محلی یهودی. از یوسف آریماتاییی به عنوان یکی از اعضای شورای عالی یهود (سنهدرین) با شکلی از این واژه (*bouleutes*) به معنی "شورایار"، ر.ک. مرقس ۱۵: ۴۳؛ لوقا ۲۳: ۵۰ نام برده شده است.

۳. توسعه تاریخی

گفته می شود که در اصل، عزرا موسس کنیسه بزرگ (ر.ک. *Targum on Song of Songs 6: 1*) در دوره پس از اسارت بود که به نظر می رسد ریشه شورای عالی یهود در روزگار عیسی گردید.

أ. در میشنا (تلمود) چنین گواهی شده است که دو دادگاه اصلی در اورشلیم وجود داشت (ر.ک. *Sanh. 7: 1*).

۱. یکی از آنها متشکل بود از ۷۰ (یا ۷۱) عضو (*Sand. 1: 6*) حتی بیان می دارد که موسی نخستین شورای یهود را در

اعد. ۱۱ پایه گذاری کرد، ر.ک. اعد. ۱۱: ۱۶-۲۵).

۲. یکی از آنها از ۲۳ عضو تشکیل می گردید (اما این یکی ممکن است اشاره به دادگاههای کنیسه ای محلی بوده باشد).

۳. برخی از پژوهشگران یهودی بر این باورند که سه شورای یهود در اورشلیم وجود داشت که هر یک متشکل از ۲۳ عضو بود. هنگامی که هر سه شورا با هم جمع می شدند، همراه با دو رئیس خود، "شورای عالی یهود" را که متشکل از ۷۱ عضو بود بوجود می آوردند (*Nasi and Av Bet Din*).

a. یک کهناتی (صدوقیان)

b. یک قانونی (فریسیان)

c. یک اعیانی (مشایخ)

ب. در دوره پس از اسارت، زروبابل از نسل داود و یوشع (یهوشع) از نسل هارون بازگشتند. پس از مرگ زروبابل، دیگر کسی از نسل داود باقی نماند و لذا ردای قضاوت به طور اختصاصی به کاهنان (ر.ک. به امکابیان ۱۲: ۶) و مشایخ محلی (ر.ک. نحما ۲: ۱۶؛ ۵: ۷) رسید.

ج. این نقش کهنات در تصمیم گیرهای قضایی را *Diodorus 40:3:4-5* در دوران حکومت فرهنگ یونان به ثبت رسانیده است.

د. نقش کهنات در حکومت در دوران حکومت سلوکی ها نیز ادامه یافت. یوسفوس در این مورد از آنتیوکوس "کبیر" سوم (۲۲۳-۱۸۷ ق.م.) در کتاب *Antiquities 12:138-142* نقل قول می کند.

ه. قدرت کهنات در طی دوره مکابیان نیز طبق گزارش یوسفوس در *Antiquities 13: 10:5-6; 13:15:5* ادامه داشت.

و. در دوره حکومت روم، فرماندار سوریه (*Gabinius*, ۵۷-۵۵ ق.م.) پنج "شورای یهود (سنهدرین)" منطقه ای را بنیاد نهاد (ر.ک. *Josephus' Antiquities 14:5:4; Wars 1:8:5*), اما این پنج شورا بعدها توسط دولت روم منحل گردید (۴۷ ق.م.).

ز. شورای عالی یهود درگیر مواجهه ای سیاسی با هیروودیس نیز شد (*Antiquities 14.9.3-5*) اما هیروودیس در سال ۳۷ ق.م. این مواجهه را تلافی کرد و دستور کشتن اکثر اعضای دادگاه عالی را صادر کرد (ر.ک. *Josephus' Antiquities 14.9.4; 15.1.2*).

ح. یوسفوس چنین بازگو می کند (ر.ک. *Antiquities 20.200,251*) که شورای عالی یهود بار دیگر تحت قدرت فرماندهان رومی (۶-۶۶ م.) دیگر بار قدرت و نفوذ قابل توجهی یافت (ر.ک. مرقس ۱۴: ۵۵). در عهد جدید به سه محاکمه در شورای عالی یهود تحت ریاست خاندان کاهن اعظم و صدور حکم آن دیده می شود:

۱. محاکمه عیسی (ر.ک. مرقس ۱۴: ۵۳-۱۵؛ ۱؛ یوحنا ۱۸: ۱۲-۲۳، ۲۸-۳۲)

۲. پطرس و یوحنا (ر.ک. اعمال ۴: ۳-۶)

۳. پوس (ر.ک. اعمال ۲۲: ۲۵-۳۰)

ط. هنگامی که یهودیان در سال ۶۶ م. شورش کردند، رومیان متعاقباً جامعه یهود و اورشلیم را در ۷۰ م. از بین بردند. شورای عالی یهود (سنهدرین) بطور ثابت منحل شد، هرچند که فریسیان در جامنیا کوشیدند تا دادگاه قضایی عالی (*Beth Din*) را به زندگی مذهبی (اما نه به حیات سیاسی یا شهری) یهود بازگردانند.

۴. عضویت

أ. نخستین اشاره به دادگاه عالی در اورشلیم در II توا. ۱۹: ۸-۱۱ به چشم می خورد. این دادگاه متشکل بود از (۱) لایویان؛ (۲) کاهنان؛ و (۳) سران خاندانها (یعنی مشایخ، ر.ک. امکاب. ۴: ۲۰؛ II مکاب. ۴: ۴۴).

ب. در طی دوره مکابیان دادگاه مزبور تحت سیطره (۱) خانواده های کهناتی صدوقیان و (۲) اعیان محلی (ر.ک. I مکاب. ۷: ۳۳؛ ۱۱: ۲۳؛ ۱۴: ۲۸) قرار داشت. بعدها در همین دوره، "کاتبان" (وکلائی وابسته به موسی، عموماً فریسیان) نیز ظاهراً توسط اعمال نفوذ سالومه، همسر آلکساندر جانائوس (۷۶-۶۷ ق.م.) به این جمع افزوده شدند. حتی گفته می شود که این زن، فریسیان را گروه غالب بر ایشان ساخت (ر.ک. کتاب یوسفوس: *Wars of the Jews 1:5:2*).

ج. در روزگار عیسی این دادگاه تشکیل می شد از:

۱. خانواده های کاهنان اعظم
۲. افراد محلی از خانواده های ثروتمند
۳. کاتبان (ر.ک. ۱۱: ۲۷؛ لوقا ۱۹: ۴۷)

۵. منابع مشاور

أ.

*Dictionary of Jesus and the Gospels*, IVP, pp. 728-732

ب.

*The Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible*, vol. 5, pp. 268-273

ج.

*The New Schaff-Herzog Encyclopedia of Religious Knowledge*, vol. 10, pp. 203-204

د.

*The Interpreter's Dictionary of the Bible*, vol. 4, pp. 214-218

ه.

*Encyclopedia Judaica*, vol. 14, pp. 836-839

۴: ۶ «حنا» نام او به یونانی: Hannas است و یوسفوس وی را Hannanos می خواند. به نظر می رسد این اسم از واژه عبری به معنی "رحیم" یا "بخشنده" (*hanan*) گرفته شده باشد.

در عهد عتیق، کهنات در تمامی عمر ادامه داشت و در خاندان هارون باقی می ماند. اما رومیان این مقام را تبدیل به وزنه ای سیاسی کرده بودند که خاندان لاوی می بایست خریداری کند. کاهن اعظم بر خرید و فروش در صحن زنان نظارت و شراکت می کرد. پاک کردن معبد توسط عیسی، خشم این خانواده را برانگیخت.

بنا به گفته فلاویوس یوسفوس، حنا از ۶-۱۴ م. کاهن اعظم بود. او توسط کیرینیوس، والی سوریه منصوب شد و والرئوس گراتوس وی را برکنار کرد. اقوام او (۵ پسر و ۱ نوه پسر) جانشین وی شدند. قیفا (۱۸-۳۶ م.)، دامادش (ر.ک. یوحنا ۱۸: ۱۳)، جانشین مستقیم او گردید. حنا قدرت اصلی در پشت این مقام بود. یوحنا وی را به عنوان اولین شخصی که عیسی را به نزدش بردند (ر.ک. ۱۸: ۱۳، ۱۹-۲۲) معرفی می کند.

□ «قیفا» او توسط والرئوس گراتوس، والی یهودیه (ر.ک. نسخه خطی *Io-nathas, D* ر.ک. NEB, NBB) از ۱۸-۳۶ م. به کهنات اعظم منصوب گردید.

□ «یوحنا» شاید منظور "یوناتان" باشد که به گفته یوسفوس یکی دیگر از پسران حنا بود که در سال ۳۶ م. پس از قیفا، کاهن اعظم گردید. اما در معیار UBS4، "Io-anne-s" (یعنی یوحنا) رتبه A (قطعی) دارد؛ حتی REB نیز به "یوحنا" بازمی گردد.

□ «اسکندر» اطلاعی از این مرد در دست نیست، اما احتمالاً او نیز مانند یوحنا، یکی از اعضای خانواده حنا یا یکی از اعضای رهبری حزب صدوقیان بوده است.

۴: ۷ «ایشان را در میان بداشتند» اعضای شورای یهود در نیم دایره ای روی یک سکوی بلند می نشستند.

□ «از آنان سؤال نمودند» در اصل "شروع به سؤال نمودند" که فعلی ناکامل است که می تواند به یکی از دو معنی زیر باشد: (۱) عملی پیوسته در زمان گذشته یا (۲) شروع یک عمل.

□ «**با چه قدرت و به چه نامی**» اشاره آنان بر این بود که شفای انجام شده با قدرت جادویی بوده است (ر.ک. ۱۹: ۱۳). آنها همین ترفند را برای عیسی نیز به کار برده بودند (ر.ک. لوقا ۱۱: ۱۴-۲۶؛ مرقس ۳: ۲۰-۳۰). از آنجایی که نمی توانستند معجزات را انکار کنند، می کوشیدند تا عیسی در روش یا منبع قدرت بیابند.

۴: ۸ «**پراز روح القدس**» روح القدس منبع حکمت و شجاعت رسولان بود (ر.ک. لوقا ۱۲: ۱۱-۱۲؛ ۲۱: ۱۲-۱۵). به یاد داشته باشید که این همان کسی بود که چند روز پیشتر، از روی ترس خداوند را انکار کرده بود (ر.ک. ۴: ۱۳). توجه کنید که پطرس "پر" شده بود (ر.ک. ۲: ۴؛ ۴: ۸، ۳۱). این امر نشان می دهد، تجربه پر شدن، تجربه ای تکرارشونده است (ر.ک. افس ۵: ۱۸). به یادداشت کاملتر در ۲: ۴ و ۳: ۱۰ مراجعه نمایید.

۴: ۹ «**اگر**» این یک جمله شرطی نوع اول است که به فرض درست بودن مقصود نویسنده آمده است.

□ «**اگر امروز از ما بازپرسی می شود**» این اصطلاح یونانی در اصل به معنی "رسیدگی در دادگاه" است (ر.ک. ۱۲: ۱۹؛ ۲۴: ۸؛ ۲۸: ۱۸؛ لوقا ۲۳: ۱۴). از همین اصطلاح برای یهودیان بیریه که کتاب مقدس را واری می کردند تا به دقت تفسیر پولس از آنها پی ببرند، به کار رفته است (ر.ک. ۱۷: ۱۱).

□ «**به خاطر کار نیکویی که در مورد یک مرد علیل انجام شد**» پطرس مدعی بی مناسبت بودن این محاکمه رسمی است که با محیطی خصومت آمیز در مورد یک معجزه عالی شفا و رحمت برگزار می شود. آنها می بایست در عوض خدا را بستانند!

□ «**صحت یافته است**» یک فعل اخباری مجهول کامل، به معنی سلامتی و صحت کامل پاهای آن مرد.

۴: ۱۰ «**همه شما و همه قوم اسرائیل بدانید**» یک فعل امری معلوم کامل. روح القدس به پطرس شجاعت بخشیده است. او توسط آن گروه قضایی مرعوب نشده است. رهبران یهود نتوانستند مسیح را در قبر نگاه دارند و حالا نیز نمی توانستند آن مردی را که شفا یافته در برابرشان ایستاده بود انکار نمایند!

□ «**به قدرت نام عیسی مسیح ناصری**» پطرس مشخصاً به پرسش آنها در مورد چگونگی واقعه شفا پاسخ می دهد. ر.ک. به عنوان خاص: عیسی ناصری در ۲: ۲۲.

□ «**که شما مصلوب کردید**» این حقیقت آشکار بود. آنها سایرین را واداشتند تا عیسی را بر صلیب بکشند. به عبارت "شما... کردید" در آیه ۱۱ توجه کنید که دیگر بار بر خطاکاری آنها صحنه می گذارد.

□ «**و خدا او را از مردگان برخیزانید**» عهد جدید تأکید دارد که هر سه شخص تثلیث در رستاخیز عیسی فعال بودند: (۱) روح القدس، روم. ۸: ۱۱؛ (۲) عیسی، یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸؛ و (۳) خدای پدر، اعمال ۲: ۲۴؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴؛ ۳۷؛ ۱۷: ۳۱؛ روم. ۶: ۴، ۹. این امر به منزله تأیید درستی زندگی و تعالیم عیسی درباره خدا و نیز پذیرش کامل مرگ جایگزین عیسی در حضور خداست. این یکی از جنبه های اصلی *Kerygma* (موعظه های کتاب اعمال) بود.

□ «**این شخص به حضور شما تندرست ایستاده است**» این یک بازی کلمات با واژه "ایستاده" است. مرد مفلوج برپا و به حضور ایشان ایستاده است.



۴: ۱۱ نقل قولی از مز. ۱۱۸: ۲۲، اما نه از ترجمه های مازورتیک یا هفتاد (ر.ک. افس. ۲: ۲۰؛ I پطر. ۲: ۴ به بعد). عیسی در مرقس ۱۲: ۱۰ و لوقا ۲۰: ۱۷ با ترجمه هفتاد، از این آیه در مورد خود نقل قول می کند. آیه مزبور بر تحقق نبوت عهد عتیق در مورد رد شدن ماشیح که نقشه ازلی قلبی خدا برای اسرائیل و جهان است، دلالت دارد. بیان آن موجب حیرت رهبران یهود در آن موقعیت گردید (ر.ک. I تیمو. ۲: ۵).

۴: ۱۱

«سنگ اصلی بنا»	NASB
«سنگ اصلی زاویه»	NKJV
«سنگ زاویه»	NRSV, NJB
«مهمترین سنگ بنا»	TEV

## عنوان خاص: سنگ زاویه

### ۱. کاربردهای عهد عتیق

أ. مفهوم سنگ به عنوان شی‌ای بادوام که شالوده محکم و خوبی را ایجاد می‌کند، برای توصیف YHWH به کار رفته است (ر.ک. مز. ۱:۱۸).

ب. پس از آن این مفهوم تبدیل به عنوانی مسیحایی گردید (ر.ک. پید. ۴۹:۲۴؛ مز. ۱۱۸:۲۲؛ اش. ۲۸:۱۶).

ج. همین مفهوم نمایانگر داوری YHWH بواسطه ماشیح گردید (ر.ک. اش. ۸:۱۴؛ دان. ۲:۳۴-۳۵، ۴۴-۴۵).

د. مفهوم سنگ، تبدیل به استعاره‌ای برای ساختمان شد:

۱) سنگ بنا، نخستین سنگی که نهاده می‌شد، دارای ایمنی بود و زاویه اصلی برای ادامه ساختمان می‌گردید، "سنگ زاویه" خوانده می‌شد.

۲) سنگ زاویه می‌توانست اشاره به نهادن آخرین سنگ در جایگاهش نیز باشد، که تمامی دیوار را با هم نگاه می‌داشت (ر.ک. زکر. ۴:۷؛

افس. ۲:۲۰، ۲۱)، و "سنگ سر زاویه" (در اصطلاح معماری "پوش سنگ") نامیده می‌شد که از واژه عبری *rush* (به معنی سر) بود.

۳) این استعاره می‌توانست اشاره به "کلید سنگ" نیز باشد که در مرکز طاقی درگاه قرار می‌گرفت و وزن تمامی دیوار را حمل می‌کرد.

### ۲. کاربردهای عهد جدید

أ. عیسی چندین بار در اشاره به خویشتن از مز. ۱۱۸ نقل قول کرد (ر.ک. متی. ۲۱:۴۱-۴۶؛ مرقس ۱۲:۱۰-۱۱؛ لوقا ۲۰:۱۷)

ب. پولس از مز. ۱۱۸ در ارتباط با رد کردن YHWH توسط اسرائیل بی‌ایمان و سرکش استفاده نمود (ر.ک. روم ۹:۳۳)

ج. پولس از مفهوم "سنگ سر زاویه" در افس. ۲:۲۰-۲۲ در اشاره به مسیح استفاده کرد

د. پطرس این مفهوم را در I پطر. ۲:۱-۱۰ در مورد عیسی بکار برده است. عیسی سنگ زاویه و ایمانداران سنگهای زنده هستند (ایمانداران به

منزله معبد، ر.ک. I قرن. ۶:۱۹) که بر او ساخته می‌شوند (عیسی معبد جدید است، ر.ک. مرقس ۵۸:۱۴؛ متی ۱۲:۶؛ یوحنا ۲:۱۹-۲۰).

یهودیان اساس امید خود را با نپذیرفتن عیسی به عنوان ماشیح، رد کردند. دهد و با ایشان خواهد بود، اما اگر چنین نکنند، معبد ویران خواهد شد

(ر.ک. I پاد. ۹:۱-۹)!

### ۳. اظهارات الهیاتی

أ. YHWH به داود/سلیمان اجازه ساختن معبد را داد. او به ایشان گفت که اگر عهد را نگاه دارند، او ایشان را برکت می‌دهد و با ایشان

خواهد بود، اما اگر چنین نکنند، معبد ویران خواهد شد (ر.ک. I پاد. ۹:۱-۹)!

- ب. یهودیت علما، بر شکل و آیین مذهبی متمرکز بود و از جنبه شخصی ایمان غفلت می ورزید (این اظهار در مورد همه علما صادق نیست؛ علمای خداپرست نیز در آن میان وجود داشتند). خدا به دنبال ارتباطی روزانه، شخصی و خدانشناسانه با کسانی است که به صورت و شباهت او آفریده شده اند (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷). لوقا ۲۰: ۱۷-۱۸ حاوی سخنان رعب آوری درباره داوری است.
- ج. عیسی از مفهوم معبد برای اشاره به بدن فیزیکی خود استفاده کرد. این امر مفهوم شخصی بودن معبد را ادامه می دهد و وسعت می بخشد. ایمان به عیسی به عنوان ماشیح کلید ارتباط با YHWH است.
- د. نجات به معنی بازبایی صورت خدا در نوع بشر است تا این مصاحبت و شراکت با خدا امکان پذیر گردد. هدف از مسیحیت اکنون شبیه مسیح شدن است. ایمانداران می بایست سنگهای زنده ای باشند که بر/در همکاری با مسیح (معبد جدید) بنا می شوند.
- ه. عیسی اساس ایمان ماست و سنگ سر زاویه ایمانمان می باشد (او الف و یاست). با این وجود او سنگ لغزش دهنده نیز هست. از دست دادن او همانا از دست دادن همه چیز است. میانه گیری در اینجا بی معناست!

۴: ۱۲ «در هیچ کس غیر از او نجات نیست» یک فعل منفی مضاعف قوی. در ابراهیم یا موسی نجات نیست (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۶؛ تیمو. ۲: ۵). چه ادعای تکان دهنده‌ای! بسیار محدود کننده و در عین حال واضح است که عیسی باور داشت که فقط از راه ارتباط شخصی با اوست که هر کسی می تواند خدا را بشناسد. پطرس با بی باکی این موضوع را به رهبری ممتاز یهودیان اعلام می دارد. عموماً این تهمتی است که به مسیحیت برای انحصارطلبی زده می شود. در اینجا هیچگونه راه میانه ای وجود ندارد. یا این عبارت صحیح است یا مسیحیت صحت ندارد!

□ «در زیر آسمان هیچ نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است» وجه وصفی مجهول "عطا نشده است" یک فعل کامل مجهول است. خدا این را مقدر کرده است! عیسی جواب او به نیاز روحانی نوع بشر است. هیچ نقشه دومی وجود ندارد! اگر می خواهید کتاب خوبی در مورد ادعاهای انحصارطلبانه مسیحیت بخوانید به: H.A.Netland, *Dissonant Voices: Religious Pluralism and the Question of Truth* مراجعه کنید.

□ «به مردم» به عنصر جهانی این عبارت توجه کنید (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ I تیمو. ۲: ۵؛ II پطرس. ۳: ۹).

□ «که بدان باید ما نجات یابیم» این عبارت دارای دو فعل گونه است.

۱. *Dei*، فعل حال اخباری معلوم، "باید ما"

۲. *So-the-nai*، مصدر مجهول نامعین از بن *so-zo*

واژه "نجات" دارای دو کاربرد در عهد جدید است.

۱. رهایی جسمی (در معنای عهد عتیق، ر.ک. متی ۹: ۲۲؛ مرقس ۶: ۵۶؛ لوقا ۱: ۷۱؛ ۶: ۹؛ ۷: ۵۰؛ اعمال ۲۷: ۲۰، ۳۱؛ یعقوب ۱: ۲۱؛ ۲: ۱۴؛ ۴: ۱۲؛ ۵: ۲۰)

۲. نجات روحانی (کاربردهای عهد جدید، ر.ک. لوقا ۱۹: ۱۰؛ اعمال ۲: ۲۱، ۴۰، ۴۷؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۵: ۱۱؛ ۱۶: ۳۰-۳۱)

مرد مفلوج هر دو اینها را تجربه کرد. رهبران دینی محتاج آن بودند که به عیسی به عنوان تنها امید خود برای پذیرش و آمرزش اعتماد کنند! انسانها نیازمند نجات هستند و عیسی تنها راه بر آورده شدن این نیاز است. نقل قول عهد عتیق در آیه ۱۲ نشان می دهد که عیسی نقشه ازلی خدا بوده است (ر.ک. اش. ۸: ۱۴-۱۵؛ ۲۸: ۱۴-۱۹؛ ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲).

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۴: ۱۳-۲۲

۱۳ وقتی آنان جسارت پطرس و یوحنا را مشاهده کردند و پی بردند که افرادی درس نخوانده و معمولی هستند، متعجب شدند و دانستند که از یاران عیسی بوده‌اند. ۱۴ وقتی شخص شفا یافته را همراه پطرس و یوحنا دیدند، نتوانستند گفتار آنان را تکذیب نمایند. ۱۵ پس به ایشان امر کردند، که از شورا بیرون بروند و سپس درباره این موضوع مشغول بحث شدند ۱۶ و گفتند: «با این افراد چه کنیم؟ چون همه ساکنان اورشلیم می‌دانند که معجزه‌های چشمگیر به وسیله ایشان انجام شده است و ما نمی‌توانیم منکر آن بشویم. ۱۷ اما برای اینکه این جریان در میان قوم بیش از این شایع نشود، به آنان اخطار کنیم، که دیگر درباره عیسی با کسی سخن نگویند.» ۱۸ آنگاه آنان را احضار کردند و به ایشان اخطار نمودند که به هیچ وجه به نام عیسی چیزی اظهار نکنند و تعلیمی ندهند. ۱۹ پطرس و یوحنا در پاسخ گفتند: «خودتان قضاوت کنید: در نظر خدا چه چیز درست است؟ از خدا اطاعت کنیم یا از شما؟ ۲۰ اما ما نمی‌توانیم از گفتن آنچه دیده‌ایم و شنیده‌ایم، دست برداریم.» ۲۱ آنان پطرس و یوحنا را پس از تهدید بسیار مرخص کردند، زیرا راهی نیافتند تا ایشان را تنبیه نمایند. از آن رو که همه خدا را برای آنچه صورت گرفته بود، حمد می‌گفتند. ۲۲ مردی که این معجزه شفا در مورد او انجام شده بود، بیش از چهل سال داشت.

۴: ۱۳ «بی علم» از واژه یونانی *agrammatos*، به معنی "نوشتن" همراه با پیشوند محرومیت. این امر می‌تواند به یکی از دو معنی زیر باشد: (۱) درس نخوانده یا بی علم بودن (ر.ک. Moulton, Milligan, *Vocabulary*, p.6) یا (۲) عدم تحصیل در مدارس علمای دینی یهود (ر.ک. Louw and Nida, A.T. Robertson, *Word Pictures in the Greek New Testament*, vol. 3, p. 52 و همچنین *Lexicon*, vol. 1, p. 328).

□ «اُمّی» از واژه *idio-te-s* که معمولاً "شخص عامی" یا "غیروارد به حرفه یا فن خاصی" ترجمه می‌شود. در اصل اشاره به مردم عادی در مقابل رهبران یا سخنگویان است. از این واژه در مورد افراد خارج از یک دسته یا گروه استفاده می‌شد (ر.ک. I قرن. ۱۴: ۱۶، ۲۳-۲۴؛ II قرن. ۱۱: ۶).

به ترجمه‌های مختلف این عبارت توجه کنید:

۴: ۱۳	
NASB, NKJV	«درس نخوانده و آموزش ندیده»
NRSV	«درس نخوانده و معمولی»
TEV	«افراد معمولی و درس نخوانده»
NJB	«افراد تحصیل نکرده»

□ «تعجب کردند» فعل اخباری معلوم ناکامل (مانند دو فعل بعدی). این افعال دلالت دارند بر شروع یک عمل یا عمل تکرار شونده در زمان گذشته (حالت اخباری). لوقا اغلب از این واژه استفاده می‌کند (۱۸ بار در لوقا و اعمال)؛ که معمولاً اما نه همیشه، دارای معنی مثبت است (ر.ک. لوقا ۱۱: ۳۸؛ ۲۰: ۲۶؛ اعمال ۴: ۱۳؛ ۱۳: ۴۱).

□ «ایشان را شناختند که از همراهان عیسی بودند» به واقع این امر یک تعریف مثبت بود. عیسی نیز در مدارس علمای یهود درس نخوانده بود، اما عهد عتیق را به خوبی می‌شناخت. او نیز همچون سایر کودکان یهودی بر حسب اقتضا به مدرسه کنیسه رفته بود (همچنانکه پطرس و یوحنا نیز از این امر مستثنی نبودند).

این رهبران شجاعت و قدرت پطرس و یوحنا را بازشناختند. آنان همین‌ها را در عیسی نیز دیده بودند.

۴: ۱۴ همه آن مرد مفلوج را می شناختند زیرا اغلب در کنار درگاه معبد نشسته بود. اما او دیگر نشسته بود! جماعت معبد این امر را نمی توانستند انکار کنند (ر.ک. آیات ۱۶، ۲۰).

۴: ۱۵ آنان از هر سه نفر ایشان خواستند تا بیرون بروند تا آنها به بررسی راهکارهای خود پردازند و به گونه ای آن واقعه را انکار و تکذیب نمایند (ر.ک. آیات ۱۷-۱۸).

۴: ۱۷-۱۸ نقشه آنان این بود! دیگر درباره عیسی سخن نگویند و به نام او به کسی کمک نکنید! اما با تمامی کسانی که خدا را برای آن شفا می ستودند، چه باید کرد (ر.ک. ۳: ۸-۹؛ ۴: ۱۶)؟

۴: ۱۹ «اگر» این یک جمله شرطی از درجه اول است که به منظور مباحثه بکار می رود نه برای بازگویی واقعیت. پطرس و یوحنا دستورات آنان را معتبر نمی دانستند (ر.ک. ۵: ۲۸).

□ «دوست» به عنوان خاص: عدالت در ۳: ۱۴ مراجعه کنید.

□ «قضاوت کنید» یک فعل امری معلوم نامعین است. آنان با سخنان، نیتها و اعمالشان بر خود لعنت می آوردند.

۴: ۲۰ پطرس و یوحنا قطعاً اظهار می دارند که نمی توانند منکر آنچه تجربه کرده اند بشوند و از اعلام آن دست برنخواهند داشت!

۴: ۲۱ «پس از تهدید بسیار» نمی دانم آنها دیگر چه تهدیدی داشتند. عیسی از مردگان برخاسته بود. آن مرد از بسترش برخاسته بود؛ آنها با پطرس و یوحنا چه می توانستند بکنند؟

□ «راهی نیافتند تا ایشان را تنبیه نمایند» شاید این عبارت نمایانگر هدف لوقا از نوشتن کتاب اعمال باشد. مسیحیت تهدیدی برای روم یا صلح در اورشلیم نبود. حتی شورای عالی یهود نیز نتوانست زمینه ای برای محکومیت رهبران مسیحی بیابد.

□ «به سبب قوم» شاهدان عینی وقایع اورشلیم، ارزش و اعتبار زیادی برای کلیسای اولیه قائل بودند (ر.ک. ۲: ۴۷). رهبران یهود از این محبوبیت ترسیده بودند (ر.ک. ۵: ۱۳، ۲۶).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۴: ۲۳-۳۱

۲۳ به محض اینکه این دو شاگرد از آنجا مرخص شدند، نزد دوستان خود بازگشتند و چیزهایی را که سران کاهنان و مشایخ به آنان گفته بودند، بازگو کردند. ۲۴ وقتی ایمانداران باخبر شدند، همه با هم به درگاه خدا دعا کردند و گفتند: «ای پروردگار، خالق آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنهاست، ۲۵ تو به وسیله روح القدس از زبان جده ما داوود بنده خود فرمودی: 'چرا مردم جهان شورش می کنند و قومها به باطل می اندیشند. ۲۶ پادشاهان جهان بر می خیزند و حکمرانان ایشان اجتماع می کنند، علیه خداوند و علیه مسیح او.' ۲۷ در واقع در همین شهر برضد بنده مقدس تو عیسی که تو منصوب فرمودی، اجتماع کردند. هیرودیس و پنطیوس پیلاتس، با غیر یهودیان و قوم اسرائیل دست به دست هم دادند ۲۸ و همه کارهایی را که تو با قدرت و اراده خود از پیش مقرر فرموده بودی به انجام رسانیدند. ۲۹ اکنون ای خداوند تهدیدات آنان را ملاحظه فرما و بندگانت را توانا گردان تا پیام تو را با شهامت بیان کنند. ۳۰ دست خود را به جهت شفا دادن و جاری ساختن عجایب و معجزاتی که به نام بنده مقدس تو عیسی انجام می گیرد دراز کن.» ۳۱ هنگامی که دعایشان به پایان رسید، ساختمان محل اجتماع آنان به لرزه درآمد و همه از روح القدس پرگشتند و کلام خدا را با شهامت بیان می کردند.

۴: ۲۳ آنها به آن بالاخانه نزد سایر رسولان بازگشتند.

۴: ۲۴ «به یکدل» این اتحاد قلبی و فکر مشخصه کلیسای اولیه بود (ر.ک. ۱: ۱۴؛ ۲: ۴۶؛ ۴: ۲۴؛ ۵: ۱۲؛ ۱۵: ۲۵). در این جو اتحاد هدفمند، قدرت روحانی و عملکرد متمرکز وجود دارد.

□ «**خداوند**» این واژه یونانی *despota* است که واژه انگلیسی *despot* (حاکم مطلق) از آن گرفته شده است و اشاره به شخصی است که اقتدار مطلق دارد! در اینجا منظور خدای پدر است (ر.ک. لوقا ۲: ۲۹ و مکا. ۶: ۱۰). این واژه در مورد عیسی نیز مورد استفاده قرار گرفته است (ر.ک. II پط. ۲: ۱ و یهودا ۴).

□ «**که آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنهاست آفریدی**» می تواند کنایه ای از خرو. ۲۰: ۱۱ باشد. در ۱۴: ۱۵ نیز دیگر بار از آن نقل قول شده و حقیقت موجود در آن در ۱۷: ۲۴ تبیین گردیده است.

۴: ۲۵ قرائتهای مختلف زیادی از بخش اول این آیه وجود دارد. قدیمیترین نسخه های خطی <sup>74</sup>P، آلف عبری، A و B حاوی ابهامهای مختلفی هستند. هر چند جمله بندی دقیق نامعلوم است، بار محوری متن آشکار می باشد. گزارش کاملی از این مشکل و فرضیه های واقع شده را می توان در کتاب زیر مطالعه کرد: Bruce M. Metzger, *A Textual Commentary on the Greek New Testament*, pp. 321-323.

□ «**که بوسیله روح القدس به زبان پدر ما ... داود**» اظهاری مبنی بر الهام عهد عتیق. این نقل قولی از ترجمه هفتاد از مزمو ۲: ۱-۲، مزموری سلطنتی مسیحایی است. مخالفت از سوی جهان مورد انتظار است، اما از سوی دیگر پیروزی YHWH نیز کاملاً قابل پیش بینی می باشد.

لوقا در اعمال، چندین بار از بخشهای عهد عتیق که به انجیل مربوط می شوند، نقل قول می کند:

۱. یوئیل ۲: ۱-۵ در اعمال ۲: ۱۶
۲. مزمو ۱۶: ۸-۱۱ در اعمال ۲: ۲۵
۳. اشعیا ۵۲: ۱۲-۵۳ در اعمال ۳: ۱۸
۴. تث. ۱۸: ۱۵-۲۰ در اعمال ۳: ۲۲
۵. پید. ۱۲: ۳؛ ۲۲: ۱۸ در اعمال ۳: ۲۵
۶. مزمو ۱۱۸: ۲۲ در اعمال ۴: ۱۱
۷. مزمو ۲: ۱-۲ در اعمال ۴: ۲۵-۲۶

مسیحیت نه یک موضوع تازه، بلکه به انجام رسیدن عهد عتیق است (ر.ک. متی ۵: ۱۷-۴۸).

□ «**امتها ... قومها ... سلاطین ... حکام**» چنین به نظر می رسد که گویی رسولان جمع بندی کلامی علمای دین یهود را بر "حکام" انجام می دهند. از یک نظر، آنان شورای عالی یهود را *Goyim* (امتها) خطاب می کنند!

□ «**هنگامه**» در اصل لغوی "خرناسه کشیدن از راه بینی" است. مفهوم این اصطلاح، تکبر گستاخانه است.

□ «**خداوند ... مسیح او**» توجه کنید که اینجا درباره YHWH و ماشیح با هم سخن گفته می شود. برای من شگفت آور است که آنها از مز. ۱: ۱۱۰ نقل قول نکرده اند!

یگانه پرستی همراه با اظهار قطعی الوهیت مسیح و شخصیت روح القدس بسیار مشکل است (ر.ک. آیه ۲۵). با این وجود این سه شخصیت الهی، شخصیتهای ازلی و ابدی در جای جای عهد جدید ظاهر می شوند. به یاد داشته باشید که تمامی نویسندگان عهد جدید به غیر از لوقا، یهودیان مسیحی یگانه پرست بوده اند. موضوعی اساسی (یعنی انجیل) موجب شده است که آنها از تثلیث حمایت قطعی بنمایند. به یادداشت کامل مربوط به تثلیث در ۲: ۳۲ مراجعه کنید.

۴: ۲۷ «**بنده قدوس تو عیسی که او را مسح کردی**» به این عناوین مسیحایی توجه کنید:

۱. قدوس (ر.ک. ۳: ۱۴؛ ۴: ۳۰)

۲. بنده (pais, ر.ک. ۳: ۱۳، ۴: ۲۶، ۴: ۲۵، ۲۷، ۳۰)

۳. مسح شده (-chrio، که واژه مسیح از آن گرفته شده است، ر.ک. لوقا ۴: ۱۸؛ اعمال ۴: ۲۷؛ ۱۰: ۳۸)

این آیه بیان می‌دارد که YHWH به چه شیوه‌های مختلفی عیسی را فرستاده و به او اختیار داده است. عیسی نقشه ازلی خداست و شیوه‌های و بازآفرینی وی می‌باشد (ر.ک. آیه ۲۸).

### عنوان خاص: مسح شدن در کتاب مقدس

ا. استفاده برای زیباسازی (ر.ک. تث. ۲۸: ۴۰؛ روت ۳: ۳؛ II سمو ۱۲: ۲۰؛ II تو. ۲۸: ۱-۵؛ دان. ۱۰: ۳؛ عامو. ۶: ۶؛ میکا ۶: ۱۵)

ب. استفاده برای میهمانان (ر.ک. مز. ۲۳: ۵؛ لوقا ۷: ۳۸، ۴۶؛ یوحنا ۱۱: ۲)

ج. استفاده برای شفا (ر.ک. اش. ۶: ۱؛ ارم. ۵۱: ۸؛ مرقس ۶: ۱۳؛ لوقا ۱۰: ۳۴؛ یعقوب ۵: ۱۴) [استفاده بهداشتی در حزق. ۱۶: ۹]

د. استفاده برای آماده‌سازی میت (ر.ک. پید. ۵۰: ۲؛ II تو. ۱۶: ۱۴؛ مرقس ۱۶: ۱؛ یوحنا ۱۲: ۳؛ ۷: ۱۹؛ ۳۹-۴۰)

ه. استفاده در مفهوم مذهبی (درمورد اشیاء، ر.ک. پید. ۲۸: ۱۸، ۲۰؛ ۳۱: ۱۳ [ستون]؛ خرو. ۲۹: ۳۶ [مذبح]؛ خرو. ۳۰: ۳۶؛ ۴۰: ۹-۱۶؛ لاو. ۸: ۱۰-۱۳؛ اعد. ۷: ۱) [خیمه اجتماع]

و. استفاده برای انتصاب رهبران

۱. کاهنان

ا) هارون (ر.ک. خرو. ۲۸: ۴۱؛ ۲۹: ۷؛ ۳۰: ۳۰)

ب) پسران هارون (ر.ک. خرو. ۴۰: ۱۵؛ لاو. ۷: ۳۶)

ج) عبارت یا عنوان معین (ر.ک. اعد. ۳: ۳؛ لاو. ۱۶: ۳۲)

۲. پادشاهان

ا) توسط خدا (ر.ک. I سمو. ۲: ۱۰؛ II سمو. ۱۲: ۷؛ II پاد. ۹: ۳؛ ۶: ۱۲؛ مز. ۴۵: ۷؛ ۸۹: ۲۰)

ب) توسط انبیا (ر.ک. I سمو. ۹: ۱۶؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۵: ۱؛ ۱۷: ۱۶؛ ۳: ۱۲-۱۳؛ I پاد. ۱: ۴۵؛ ۱۹: ۱۵-۱۶)

ج) توسط کاهنان (ر.ک. I پاد. ۱: ۳۴؛ II پاد. ۱۱: ۱۲)

د) توسط مشایخ (ر.ک. داو. ۹: ۸؛ ۱۵: ۲؛ سمو. II ۷: ۵؛ ۳: ۳؛ II پاد. ۲۳: ۳۰)

ه) عیسی به عنوان ماشیح پادشاه (ر.ک. مز. ۲: ۲؛ لوقا ۴: ۱۸ [اش. ۶۱: ۱]؛ اعمال ۴: ۲۷؛ ۱۰: ۳۸؛ عبر. ۱: ۹ [مز. ۴۵: ۷])

و) پیروان عیسی (ر.ک. II قرن. ۱: ۲۱؛ I یوحنا ۲: ۲۰، ۲۷ [chrisma])

۳. احتمالاً برای انبیا (ر.ک. اش. ۶۱: ۱)

۴. ابزار بی‌ایمان که رهایی الهی را به ارمغان آوردند

ا) کورش (ر.ک. اش. ۴۵: ۱)

ب) پادشاه صور (ر.ک. حزق. ۲۸: ۱۴)

۵. اصطلاح یا عنوان "ماشیح" به معنی "مسح شده" است.

□ «زیرا که فی الواقع بر بنده قدوس تو ... با هم جمع شدند» فهرستی از مخالفان عیسی در اورشلیم از این قرارند:

۱. هیرودیس، حاکم ادومی که دولت روم در فلسطین منصوب کرده بود

۲. پنطیوس پیلطس، فرماندار رومی (ریاست امور اداری) فلسطین

۳. غیریهودیان، که احتمالاً منظور سپاه روم یا نوگرویدگان به یهودیت است

۴. "قوم اسرائیل" که اشاره به مقامات یهود و جمعیت یهودیانی است که خواستار آزادی باراباس و مصلوب شدن عیسی گردیدند

۴: ۲۸ «تا آنچه را که دست و رأی تو از قبل مقدر فرموده بود، به جا آورند» خدا از پیش از آفرینش جهان، نقشه‌هایی خود را طرح کرده بود (ر.ک. متی ۲۵: ۳۴؛ یوحنا ۱۷: ۲۴؛ افس. ۱: ۴، I پط. ۱: ۲۰؛ مکا. ۱۳: ۸؛ اعمال ۲: ۱۳؛ ۳: ۱۸؛ ۱۳: ۲۹). دشمنان مسیح تنها اراده خدا را به انجام رسانیدند. عیسی آمده بود تا بمیرد (ر.ک. مرقس ۱۰: ۴۵). واژه ای که در اینجا "مقدر" ترجمه شده است، ترکیبی از حرف اضافه "پیش" و "تعیین حدود کردن" (ر.ک. روم. ۸: ۲۹؛ ۳۰؛ I قرن. ۲: ۷؛ افس. ۱: ۵، ۱۱).

متون صریح عهد جدید درباره تقدیر الهی در روم. ۸: ۲۸-۳۰؛ و افس. ۱: ۳-۱۴ است. این متون به وضوح، موید قدرت مطلق خدا هستند. او کاملاً همه چیزها، و از جمله تاریخ بشر را در ید قدرت خود دارد. نقشه‌هایی بخش از پیش تعیین شده خدا در طول زمان به انجام می‌رسد. اما این نقشه خودسرانه یا گزینشی نیست. این نقشه نه تنها بر اساس قدرت مطلق خدا و پیش‌دانی او، بلکه بر پایه شخصیت تغییرناپذیر او یعنی محبت، رحمت و فیض مستقل از لیاقت انسانها، است.

ما باید مراقب فردگرایی غربی (آمریکایی) خودمان و نیز غیرت انجیلی بودنمان که این حقیقت خارق‌العاده را رنگ می‌کند، باشیم. همچنین می‌باید در برابر قطبی شدن در مجادلات تاریخی، الهیاتی میان آگوستین و پلگیوس یا کالونیسیم و آرمینیانسیم از خود حفاظت کنیم. تقدیر الهی، آموزه‌ای به معنای ایجاد محدودیت برای محبت، فیض و رحمت خدا نیست و برخی از مردم را نیز از پذیرش انجیل محروم نمی‌سازد. این آموزه برای تقویت ایمانداران و چارچوبی برای جهان بینی ایشان است. محبت خدا شامل تمامی نوع بشر می‌گردد (ر.ک. I تیمو. ۲: ۴؛ II پط. ۳: ۹). خدا کنترل همه چیزها را در دست دارد. چه کسی یا چه چیزی می‌تواند ما را از او جدا سازد (ر.ک. روم. ۸: ۳۱-۳۹)؟ تقدیر الهی یکی از دو روش نگرش به زندگی را شکل می‌دهد. خدا به تمامی تاریخ در زمان حاضر می‌نگرد. انسانها محدود به زمان هستند. دورنمای نگاه ما و تواناییهای فکری مان محدود است. تضادی میان قدرت مطلق خدا و اراده آزاد انسان وجود ندارد. این امر ساختاری بر اساس عهد و پیمان دارد و نمونه‌ای دیگر از حقیقت کتاب مقدسی دوگانه‌های متناقض، دیالکتیک و تنش‌زاست. آموزه‌های کتاب مقدس از دیدگاههای مختلف ارائه شده‌اند. آنها اغلب ظاهراً متناقض هستند. حقیقت، تعادلی میان این دوگانه‌های به ظاهر متضاد است. ما نباید با برگزیدن یکی از این حقایق، تنش‌زدایی کنیم. نباید هیچیک از حقایق کتاب مقدس را به طور مجزا از سایر حقایق بنگریم.

موضوع مهم دیگر که باید در اینجا افزود آن است که هدف از برگزیدگی فقط رفتن به بهشت نیست بلکه شبیه شدن به مسیح در زمان حال نیز هست (ر.ک. افس. ۱: ۴؛ ۲: ۱۰)؛ ما برگزیده شده ایم تا "مقدس و بی‌عیب" باشیم. خدا می‌خواهد ما را تغییر و تبدیل دهد تا سایرین تغییر را ببینند و با ایمان به خدا در مسیح پاسخ دهند. تقدیر و سرنوشت از پیش تعیین شده یک برتری و مزیت نیست بلکه مسئولیت بر اساس عهد می‌باشد! ما نجات یافته ایم تا خدمت کنیم!

۴: ۲۹ «به کلام تو سخن گویند» این یک مصدر معلوم است. دعایی برای شجاعت دائمی (ر.ک. افس. ۶: ۱۹ و کول. ۴: ۳) و تأیید الهام الهی است (ر.ک. II تیمو. ۳: ۱۵-۱۷).

۴: ۲۹

NASB  
NKJV, NRSV,  
TEV  
NJB  
«با اعتماد کامل»  
«با شهامت کامل»  
«بدون ترس»



### عنوان خاص: جرأت/شهامت (PARRESIA)

این واژه یونانی ترکیبی از "همه" (*pan*) و "سخن" (*rhesis*) است. این آزادی یا شهامت در سخن گفتن، اغلب دارای معنای ضمنی شهامت در میانه مخالفت یا عدم پذیرش بود (ر.ک. یوحنا ۷: ۱۳؛ I تسال. ۲: ۲).  
در نوشته های یوحنا، اکثر اوقات این واژه (که ۱۳ بار بکار رفته) اشاره به اعلام عمومی است (ر.ک. یوحنا ۷: ۴؛ همچنین در نوشته های پولس: کول. ۲: ۱۵). اما گاهی از اوقات معنای ساده آن "روشن و واضح" است (ر.ک. یوحنا ۱۰: ۲۴؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۶: ۲۵؛ ۲۹).  
در کتاب اعمال، رسولان پیام خود درباره عیسی را به همان شیوه ای بیان می کنند که عیسی درباره پدر آسمانی و نقشه ها و وعده های او سخن می گفت (ر.ک. اعمال ۲: ۲۹؛ ۴: ۱۳، ۲۹، ۳۱؛ ۹: ۲۷-۲۸؛ ۱۳: ۴۶؛ ۱۴: ۳؛ ۱۸: ۲۶؛ ۱۹: ۸؛ ۲۶: ۲۶؛ ۲۸: ۳۱). درخواست دعای پولس نیز این بود که بتواند انجیل را با شهامت موعظه نماید (ر.ک. افسس. ۶: ۱۹؛ I تسال. ۲: ۲) و زندگی او انجیل باشد (ر.ک. فیل. ۱: ۲۰).  
امید به آخرت پولس در مسیح به او شهامت و اطمینان لازم برای موعظه انجیل در عصر شریع حاضر را می بخشید (ر.ک. II قرن. ۳: ۱۱-۱۲). او یقین داشت که پیروان عیسی به درستی رفتار می کنند (ر.ک. II قرن. ۷: ۴).  
این واژه جنبه دیگری نیز دارد. در رساله به عبرانیان کاربرد منحصر به فردی از شهامت در مسیح برای نزدیک شدن به خدا و سخن گفتن با او وجود دارد (ر.ک. عبر. ۳: ۴؛ ۶: ۱۶؛ ۱۰: ۱۹، ۳۵). ایمانداران کاملاً به صمیمیت با پدر از راه پسر پذیرفته شده اند!

۴: ۳۰ «به دراز کردن دست خود، به جهت شفا دادن» عبارتی در تشبیه به انسان، که خدا را در حال به ظهور درآوردن همدلی و قدرتش توصیف می کند. ظهور آیات شیوه ای برای تأیید پیام انجیل بود. این پیام اساساً با پیامی که آنها در تمامی طول عمرشان در کنیسه شنیده بودند تفاوت داشت.

۴: ۳۱ «مکانی که در آن جمع بودند به حرکت آمد» خدا این شاهدان را با تظاهر فیزیکی دیگری از قدرت و حضور خود، درست مانند پنتیکاست، تشویق کرد. واژه به کار رفته در اینجا به معنی وزش باد بر فراز یک کشتی بادبانی است.

□ «همه به روح القدس پر شده» توجه داشته باشید که بار دیگر در اینجا همه پر شدند (ر.ک. ۲: ۴؛ ۴: ۸، ۳۱؛ ۹: ۱۷؛ ۱۳: ۹؛ ۵۲). این پر شدن به منظور اعلام شجاعانه انجیل بود. همچنین توجه داشته باشید که به زبانها اشاره نشده است. در کتاب اعمال هرگاه به زبانها اشاره می شود، معمولاً در مضمونی بشارتی است که انجیل بر مرزهای فرهنگی- نژادی و/یا جغرافیایی غالب می شود.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۴: ۳۲-۳۵

۳۲ همه مؤمنان از دل و جان متحد شده بودند و هیچ کس دارایی خود را از آن خود نمی دانست؛ بلکه همه در اموال یکدیگر شریک بودند. ۳۳ رسولان به رستاخیز عیسی خداوند با قدرتی عظیم شهادت می دادند و خدا برکت فراوانی به آنها عطا می فرمود. ۳۴ هیچ کس در میان ایشان محتاج نبود. زیرا هر کس زمینی یا خانه ای داشت آن را می فروخت، پولش را می آورد ۳۵ و در اختیار رسولان می گذاشت و به این ترتیب بین محتاجان به نسبت احتیاجشان تقسیم می شد.

۴: ۳۲ «مومنین را یک دل و یک جان بود» روح اتحاد و یگانگی در میان مومنین (ر.ک. ۱: ۱۴) بازتابی از یگانگی خدای تثلیث بود (ر.ک. افسس. ۴: ۴-۶). همین واژگان در مرقس ۱۲: ۳۰ برای انعکاس نخستین فرمان در تث. ۶: ۴-۵ به کار رفته است.

□ «همه چیز را مشترک می داشتند» احساس و عملکرد آنان مانند یک خانواده بود. این نخستین تلاش کلیسا برای خدمت مالی بود. این خدمت داوطلبانه و همه جانبه ارائه می شد و اجباری در آن وجود نداشت. انگیزه اصلی آن محبت و توجه بود نه طبقه بندی دولتی و اجتماعی!

۴: ۳۳ «به قیامت ... شهادت می دادند» این حقیقت مرکزی پیام آنان بود (ر.ک. اقرن. ۱۵). عیسی زنده بود!

□ «و فیضی عظیم بر همگی ایشان بود» از نامه های پولس درمی یابیم که بعدها این کلیسا بسیار فقیر گردید (ر.ک. روم. ۱۵: ۳؛ غلا. ۲: ۱۰). فیض عظیم، مانند حیات وافر (ر.ک. یوحنا ۱۰: ۱۰) ارتباط زیادی با مادیات ندارد. توجه داشته باشید که فراوانی و وفور بر همه آنان بود، نه فقط بر رهبران، یا کسانی که دارای عطایای خاص بودند و یا کسانی در سطح خاص اجتماعی-اقتصادی قرار داشتند.

۴: ۳۴ اعضای کلیسا نسبت به همدیگر احساس مسئولیت می کردند. آنانی که امکاناتی داشتند، آن را در اختیار نیازمندان قرار می دادند (ر.ک. آیه ۳۵). این کمونیسم نیست بلکه محبت در عمل می باشد.

۴: ۳۵ «به قدمهای رسولان می نهادند» این اصطلاحی فرهنگی از بخشیدن چیزی به دیگری است. آنها وسایل و پول خود را پیش پای رسولان می نهادند زیرا جان و زندگیشان را پیش پای عیسی نهاده بودند.

□ «تقسیم می نمودند» فعل اخباری مجعول ناکامل است که نشان دهنده عملی پیوسته در زمان گذشته می باشد.

□ «به هر یک به قدر احتیاجش» در صفحه ۴۵۱-۴۵۳ کتاب Klein, Blomberg, and Hubbard's *Introduction to Biblical Interpretation*، تفسیر جالب توجهی وجود دارد که در بیان مارکس دو نقل قول از کتاب اعمال وجود دارد:

۱. "هر یک بر حسب مقدور خود" - ۱۱: ۲۹

۲. "به هر یک بر حسب احتیاجش"

مشکل تعبیری در اینجا وجود دارد که مردمان زمان ما می کوشند تا از کتاب مقدس برای پشتیبانی از چیزهایی استفاده کنند که هرگز در آن عنوان یا شناخته نشده است. کتاب مقدس را نمی توان به گونه ای معنا کرد که نویسنده و خوانندگان اصلی و اولیه آن هرگز چنان معنایی برایش قایل نبوده اند. ما می توانیم به شیوه های مختلف یک متن را در فرهنگ یا موقعیت خودمان به کار ببریم، ولی کاربرد مزبور می بایست کاملاً وابسته به منظور اصلی نویسنده باشد. هر متن کتاب مقدس فقط دارای یک معناست که می توان آن را به شیوه ها و مقاصد بسیاری به کار برد.

**متن مزده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۴: ۳۶-۳۷**

۳۶ مثلاً یوسف که رسولان او را برنابا یعنی تشویق کننده می نامیدند و از طایفه لاوی و اهل قبرس بود ۳۷ زمینی داشت. آن را فروخت و پولش را در اختیار رسولان گذاشت.

۴: ۳۶ «یوسف ... از سبط لاوی» عهد عتیق کاهنان را از داشتن زمین منع می کرد، اما صاحب منصبان رومی چیزهای زیادی را در فلسطین عوض کرده بودند.

□ «رسولان او را برنابا یعنی ابن الوعظ لقب دادند» معنی عمومی "برنابا" در زبان یونانی "پسر تشویق" می باشد. به زبان آرامی، معنی آن "پسر نبوت" است. او دوست پولس و همراه بشارتی وی بود. اوسیبوس، مورخ کلیسای اولیه، اظهار می دارد که او یکی از آن هفتاد تن در لوقا ۱۰ بوده است.

## عنوان خاص: برنابا

### ۱. خصوصیات

- أ. متولد قبرس (اعمال ۴: ۳۶)
- ب. از قبیله لاوی (اعمال ۴: ۳۶)
- ج. ملقب به "پسر تشویق/موعظه" (اعمال ۴: ۳۶؛ ۱۱: ۲۳)
- د. عضو کلیسای اورشلیم (اعمال ۱۱: ۲۲)
- ه. دارای عطایای روحانی نبوت و تعلیم (اعمال ۱: ۱۳)
- و. رسول خوانده می شد (اعمال ۱۴: ۱۴)

### ۲. خدمات

#### أ. در اورشلیم

۱. ملک خود را فروخت و همه پول آن را به رسولان داد تا به نیازمندان کمک کنند (اعمال ۴: ۳۷)

۲. رهبر در کلیسای اورشلیم (اعمال ۱۱: ۲۲)

#### ب. همراه پولس

۱. او یکی از نخستین کسانی بود که صحت ایمان آوردن پولس به مسیح را باور کرد (اعمال ۱۱: ۲۴).
۲. برای یافتن پولس به ترسوس رفت و او را برای کمک در کلیسای تازه تأسیس انطاکیه به آنجا برد (اعمال ۱۱: ۲۴-۲۶).
۳. کلیسای انطاکیه برنابا و سولس را با هدایایشان به جهت نیازمندان کلیسای اورشلیم، به آنجا اعزام داشتند (اعمال ۱۱: ۲۹-۳۰).

۴. برنابا و پولس به نخستین سفر بشارتی رفتند (اعمال ۱۳: ۱-۳)

۵. برنابا در قبرس (موطن خود)، رهبر گروه بود اما اندکی بعد پولس به عنوان رهبر بازشناخته می شد (ر.ک. اعمال ۱۳: ۱۳)

۶. آنان به منظور شرح و بیان مأموریت خود در میان غیریهودیان، به کلیسای اورشلیم گزارش دادند (ر.ک. اعمال ۱۵، که در آن زمان شورای اورشلیم خوانده می شد).

۷. برنابا و پولس نخستین بار در مورد قوانین خوراک یهودیان و شراکت با غیر یهودیان چنانکه در غلا. ۲: ۱۱-۱۴ ثبت شده، به مخالفت با هم برخاستند.

۸. برنابا و پولس برای سفر دوم بشارتی برنامه ریزی می کردند که مجادله ای بینشان بر سر یوحنا مرقس (ر.ک. کول. ۴:

۱۰)، پسرعموی برنابا در گرفت، که ایشان را در سفر اول بشارتی ترک گفته بود (ر.ک. اعمال ۱۳: ۱۳). پولس از به همراه

بردن وی در سفر دوم بشارتی امتناع ورزید و لذا این گروه از هم پاشید (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳۶-۴۱). این امر منجر به

تشکیل دو گروه گردید (برنابا/یوحنا مرقس و پولس/سیلاس).

### ۳. سنت کلیسا (اوسیوس)

أ. برنابا یکی از هفتاد فرستاده اعزامی عیسی بود (ر.ک. لوقا ۱۰: ۱-۲۰).

ب. او در جزیره موطن خود، قبرس به عنوان یک مسیحی شهید شد.

ج. ترتولیان می گوید که او کتاب عبرانیان را نگاشته است.

د. کلمنت اسکندریه اظهار می دارد که برنابا کتاب غیرکانونی رساله برنابا را نوشته است.

۴: ۳۷ «زمینی را که داشت» این عبارت معمول در زبان یونانی برای یک قطعه زمین نیست. امکان دارد که اشاره به قطعه زمینی برای کفن و دفن باشد. باب ۵ نشان دهنده عوامل بالقوه ممکن برای سوءاستفاده از این شیوه خدمت مالی است (یعنی: حسادت، دروغ و مرگ).

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. صدوقیان چه کسانی بودند؟ چرا تا این حد خشمگین بودند؟
۲. شورای عالی یهود (سنهدرین) چیست؟
۳. اهمیت مز. ۱۱۸ در چیست؟
۴. چرا آیه ۱۲ اینقدر اهمیت دارد؟
۵. تقدیر الهی در آیه ۲۸، اشاره به فردگرایی دارد یا به نقشه رهایی الهی؟ چرا؟
۶. آیا لوقا می کوشد تا ۴: ۳۲-۵: ۱۱ الگویی برای کلیسا قرار بدهد؟

**کارهای رسولان فصل ۵**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
حیله حنانیا و سفیره	حنانیا و سفیره	شراکت در اموال (۴: ۳۲-۵: ۱۱) ۴: ۳۲-۵: ۶	دروغ به روح القدس	حنانیا و سفیره
۵: ۱-۶	۵: ۱-۶		۵: ۱-۱۱	۵: ۱-۱۱
۵: ۷-۱۱	۵: ۷-۱۱	۵: ۷-۱۱		
	۵: ۹-۱۵			
وضعیت عمومی	معجزات و عجایب	دومین دستگیری رسولان	قدرت ادامه دار در کلیسا	عجایب و معجزات
۵: ۱۲-۱۶	۵: ۱۲-۱۶	۵: ۱۲-۲۱ الف	۵: ۱۲-۱۶	۵: ۱۲-۱۶
بازداشت و رهایی رسولان	آزادی رسولان		آزادی رسولان زندانی	آزار رسولان
۵: ۱۷-۱۸	۵: ۱۷-۲۱ الف		۵: ۱۷-۲۱	۵: ۱۷-۲۶
۵: ۱۹-۲۱ الف				
احضاریه برای حضور در شورای عالی یهود			بازجویی دوباره از رسولان	
۵: ۲۱ ب-۲۶	۵: ۲۱ ب-۲۶	۵: ۲۱ ب-۲۶		
۵: ۲۷-۳۳	۵: ۲۷-۲۸	۵: ۲۷-۳۲	۵: ۲۲-۳۲	۵: ۲۷-۳۲
	۵: ۲۹-۳۲	غمالانیل	نصیحت غمالانیل	
پادرمیانی غمالانیل	۵: ۳۳-۳۹ الف	۵: ۳۳-۳۹ الف	۵: ۳۳-۴۲	۵: ۳۳-۴۲
۵: ۳۴-۳۹ الف				
۵: ۳۹ ب-۴۱	۵: ۳۹ ب-۴۲	۵: ۳۹ ب-۴۲		
۵: ۴۲				

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

### مطالعه واژگان و عبارتها

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۵: ۱-۶

۱ اما شخصی به نام حنانيا با همسر خود سفيره قطعۀ زمینی را فروخت ۲ و با اطلاع زن خود مبلغی از پول آن را نگه داشت و بقیه را آورد و در اختیار رسولان نهاد. ۳ پطرس گفت: «ای حنانيا، چرا این طور تسلیم شیطان شدی تا او تو را وادار کند به روح القدس دروغ بگویی و مقداری از پول زمینت را نگاه داری؟ آیا وقتی آن را داشتی مال خودت نبود؟ ۴ آیا وقتی آن را فروختی باز هم در اختیار نبود؟ چطور شد که فکر چنین کاری کردی؟ تو نه به انسان، بلکه به خدا دروغ گفته‌ای.» ۵ همین که حنانيا این سخنان را شنید به زمین افتاد و جان سپرد و همه آنانی که این را شنیدند بسیار ترسیدند. ۶ آنگاه جوانان آمدند و او را کفن کرده به خاک سپردند.

۵: ۱ «حنانيا» نامی عبری به معنی "YHWH با فیض خود عطا کرده است" یا "YHWH فیاض است".

□ «سفیره» همسر حنانيا. نامی آرامی به معنی "زیبا". هر دوی ایشان ایماندار بودند.

۵: ۲ «نگه داشت» همین واژه (*nosphizomai*) در ترجمه هفتاد یوشع ۷: ۱ برای توصیف گناه عخان به کار رفته است. F. F. Bruce چنین اظهار می دارد که حنانيا برای کلیسای اولیه همان نقشی را داشت که عخان برای پیروزمندی اسرائیل در سرزمین وعده ایفا کرد. این گناه بالقوه می توانست به تمامی کلیسا صدمه بزند. واژه مزبور در تیطس ۲: ۱۰ نیز در مورد غلامانی که از اربابانشان دزدی می کنند.

□ «قدری از آن را آورده، نزد قدمهای رسولان نهاد» این تقلیدی مضحک از کار برنابا در ۴: ۳۷ بود. این زوج آزادی فروش یا عدم فروش ملک شخصیشان را داشتند (ر.ک. آیه ۴). آنان می توانستند آزادانه بخشی از آن یا همه مبلغ را به کار خداوند اختصاص دهند. اما حق نداشتند بخشی از مبلغ فروش را بدهند و مدعی شوند که همه آن را داده اند. انگیزه آنان و ریاکاریشان پرده از قلب ایشان برداشت (ر.ک. آیه ۴؛ لوقا ۲۱: ۱۴). خدا به دل می نگرد (ر.ک. I سمو. ۱۶: ۷؛ I پاد. ۸: ۳۹؛ I توا. ۲۸: ۹؛ امثال ۲۱: ۲؛ ارم. ۱۷: ۱۰؛ لوقا ۱۶: ۱۵؛ اعمال ۱: ۲۴؛ روم. ۸: ۲۷).

۵: ۳ «شیطان ... روح القدس» این آیه حضور دو نیروی روحانی را که در جهان ما و زندگیمان فعال هستند، نشان می دهد. در افس. ۲: ۲-۳ به سه دشمن انسانیت پس از پیدایش اشاره می کند: (۱) نظام جهانی سقوط کرده؛ (۲) وسوسه کننده شخصی؛ و (۳) نفس سقوط کرده ما.

#### عنوان خاص: شخصیت شوارت

این موضوع از جهات مختلف زیر، موضوع دشواری است:

۱. عهد عتیق نشانی از یک دشمن کبیر نیکویی ندارد، بلکه آشکار می سازد که یکی از خدمتگزاران YHWH، به بشریت انتخابی دیگر ارائه داد و همواره مدعی نوع بشر به سبب نادرستی و بی عدالتی اوست.
۲. دیدگاه دشمن بزرگ شخصی خدا در ادبیات و نوشته های دوران میانی عهد عتیق و عهد جدید (غیر کانونی) تحت نفوذ مذهب پارسیان (زرتشتیگری) شکل گرفت. این امر به نوبه خود بر علمای یهودی تأثیر زیادی گذاشت.

۳. عهد جدید، موضوعات عهد عتیق را در مواردی منتخب، با شدت تکان دهنده ای نشو و نما می دهد.

اگر کسی بخواهد شرارت از دیدگاه الهیات کتاب مقدس را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (بدین معنی که هر کتاب و نویسنده و سبکی را بطور جداگانه بررسی و مطلب بندی کند)، دیدگاههای بسیار متفاوتی از شرارت آشکار می گردد.

اما در صورتی که برای مطالعه درباره شر و پلیدی به کتابهای غیر کتاب مقدسی یا کتابهای ادیان جهان یا مذاهب شرق روی آوریم، آنگاه این نشو و نمای عهد جدید در سایه دوگانه پرستی ایرانیان باستان و روح گرایی یونانیان و رومیان قرار می گیرد.

اگر فرض اولیه ما اقتدار الهی کتاب مقدس باشد، آنگاه نشو و نمای این موضوع در عهد جدید را می بایست به عنوان مکاشفه پیش رونده الهی پذیریم. مسیحیان باید در برابر اعمال نفوذ فولکلور یهود و نیز ادبیات غرب (مانند دانت و میلتون) در تعیین دیدگاه کتاب مقدسی بایستند. این موضوع یقیناً در حوزه مکاشفه ای دارای رمز و راز و ابهام است. خدا چنین اراده کرده است که تمامی جوانب شرارت، خاستگاه آن و مقصودش را کشف نکند اما شکست هزیمتش را مکشوف ساخته است!

در عهد عتیق، به نظر می رسد که واژه شیطان یا مدعی به سه گروه متمایز از همدیگر مربوط باشد:

۱. مدعیان انسانی (I سمو. ۲۹: ۴؛ II سمو. ۱۹: ۲۲؛ I پاد. ۱۱: ۱۴، ۲۳، ۲۵؛ مز. ۱۰۹: ۶)

۲. فرشتگان مدعی (اعد. ۲۲-۲۳؛ زکر. ۳: ۱)

۳. مدعیان شیطانی (I تو. ۲۱: ۱؛ I پاد. ۲۲: ۲۱؛ زکر. ۱۳: ۲)

مدتی بعد، در دوران میان دو عهد است که مار پیدا. ۳ به عنوان شیطان معرفی می شود (ر.ک. کتاب حکمت ۲: ۲۳-۲۴؛ II خنوخ ۳۱: ۳) و حتی مدتی بعد این امر مورد اعتنای علمای دینی یهود نیز می گردد (ر.ک. *Sot* ب و *Sanh* ۲۹الف). "پسران خدا" در پید. ۶ نیز در I خنوخ ۵۴: ۶، به عنوان فرشتگان تلقی می گردند. اشاره من به این امر به منظور حمایت از دقت الهیاتی آن نیست بلکه می خواهم نشو و نمای آن الهیات را نشان بدهم. در عهد جدید در II قرن. ۱۱: ۳؛ مکا. ۹: ۱۲؛ این عملکردهای عهد عتیقی به فرشتگان و به شرارتی دارای شخصیت (یعنی شیطان) نسبت داده می شود.

منشأ شخصیت بخشی به شرارت در عهد عتیق بسیار مشکل و (بر اساس دیدگاههای مختلف) تا حدودی ناممکن است. یکی از دلایل این امر اعتقاد قوی اسرائیل به وحدانیت خداست (ر.ک. I پاد. ۲۲: ۲۰-۲۲؛ جامعه ۷: ۱۴؛ اش. ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶). علت همه چیز به YHWH نسبت داده می شد تا وحدانیت و برتری او نشان داده شود (ر.ک. اش. ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸، ۲۴؛ ۴۵: ۵-۶؛ ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۲).

منابع ممکن اطلاعات متمرکزند بر (۱) ایوب ۱-۲ که در آن به شیطان به عنوان یکی از "پسران خدا" (یعنی فرشتگان) یاد می شود، یا (۲) اش. ۱۴؛ حزق. ۲۸ که در آنها شاهان متکبر خاور نزدیک (بابل و صور) برای به تصویر کشیدن غرور شیطان مورد استفاده قرار می گیرند (ر.ک. I تیمو. ۳: ۶). من نسبت به این دیدگاه، احساسات متفاوتی دارم. حزقیال از استعارات موجود در باغ عدن استفاده کرده پادشاه صور را به شیطان تشبیه می کند (ر.ک. حز. ۲۸: ۱۲-۱۶) و پادشاه مصر را نیز به درخت معرفت نیک و بد تشبیه می نماید (حز. ۳۱). اما به نظر می رسد که اش. ۱۴ خصوصاً آیات ۱۲-۱۴ به توصیف یک عناد مربوط به فرشتگان به سبب غرور می پردازد. اگر خدا می خواست ذات مشخص و منشأ شیطان را به ما آشکار سازد، این طریق و مکانی بسیار معوج برای منظور مورد نظر است. ما باید در برابر این تمایل الهیات نظام مند که قسمتهای کوچک و مبهم گوناگون از عهد عتیق و عهد جدید، نویسندگان، کتاب و سبکهای مختلف را در هم می آمیزد تا آنها را به عنوان تکه های یک معماری تصویری الهی معرفی نماید، اجتناب کنیم.

آلفرد ادرشایم (*The Life and Times of Jesus the Messiah*) جلد دوم، ضمیمه های ۱۳ (صفحه ۷۴۸-۷۶۳) و ۱۶ (صفحه ۷۷۰-۷۷۶) بیان می دارد که علمای دین یهود بسیار تحت تأثیر دوگانه پرستی ایران باستان و تفکرات مربوط به دیوها قرار داشت. معلمان یهود منبع خوبی برای دریافت حقیقت در این زمینه نیستند. عیسی اساساً از تعلیمات کنیسه ای دوری می گزیند. به اعتقاد من دیدگاه علمای دین یهود مبنی بر واسطه گری و مخالفت فرشتگان در دادن شریعت به موسی در کوه سینا راهگشای ایجاد دیدگاه وجود فرشته ای کبیر است که دشمن YHWH و نوع بشر می باشد. دو خدای بزرگ ایرانیان باستان (زرتشتیان) یعنی *اهورامزدا* و *اهریمن*، که خدای نیکی و خدای شر بودند و این دیدگاه علمای دین یهود به دوگانه باوری محدود یهودیان در مورد YHWH و شیطان انجامید.

به یقین می توان گفت که در عهد جدید مکاشفه پیش رونده ای در مورد شرارت وجود دارد، اما نه با شرح و جزئیاتی که معلمان یهود اعلام می کردند. یک نمونه خوب از تفاوت میان این دو "جنگ در آسمان" است. سقوط شیطان ضرورتی منطقی می باشد، اما جزئیات آن ارائه نشده است. آنچه بیان شده نیز در سبکی مکاشفه ای پوشیده مانده است (ر.ک. مکا. ۱۲: ۴، ۷، ۱۲-۱۳). هر چند شیطان مغلوب می شود و به زمین تبعید می گردد، اما همچنان به عنوان یکی از خدمتگزاران YHWH عمل می کند (ر.ک. متی ۴: ۱؛ لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲؛ I قرن. ۵: ۵؛ I تیمو. ۱: ۲۰).

ما باید در این زمینه، کنجکاویمان را محدود کنیم. نیروی شخصی وسوسه و شرارت وجود دارند، اما همچنان فقط یک خدا هست و انسانها نیز همچنان مسئول گزینشهایشان باقی می مانند. جنگی روحانی، چه پیش و چه پس از نجات وجود دارد. پیروزی تنها در خدای تثلیث و از راه او بدست می آید و پایدار باقی می ماند. شرارت مغلوب شده است و از میان برداشته خواهد شد!

□ «**پر ساخته است**» این همان واژه ای است که برای روح القدس به کار رفته (ر.ک. افس. ۵: ۱۸). پر شدن مستلزم همکاری است! ما از چیزی پر هستیم! شیطان در این میان دخیل است، اما مسئولیت با خودمان می باشد (ر.ک. لوقا ۲۲: ۳-۶). پیشنهاد می کنم به کتاب *Three Crucial Questions about Spiritual Warfare*, by Clinton E. Arnold مراجعه کنید. این پر شدن همچنین گواهی بر نفوذ شیطانی در زندگی ایمانداران است (ر.ک. I یوحنا ۵: ۱۸-۱۹). به یادداشتهای ۲: ۴ و ۳: ۱۰ مراجعه نمایید.

□ «**تا روح القدس را فریب دهی**» آنان به پطرس و کلیسا دروغ گفتند، ولی در واقع روح القدس را فریب می دادند. از لحاظ الهیاتی این جمله مشابه سوالی است که عیسی از پولس در راه دمشق پرسید: "چرا بر من جفا می کنی؟" (ر.ک. اعمال ۹: ۴). پولس ایمانداران را مورد آزار و جفا قرار می داد، ولی عیسی آن را به خود گرفت چنانکه در اینجا نیز دروغ آنان را روح القدس نسبت به خود گرفت. این سخن باید کلامی هشداردهنده به ایمانداران امروز تلقی شود.

۵: ۴ «**به انسان دروغ نگفتی بلکه به خدا**» نه به این دلیل که آنان بخشی از آن مبلغ را نگاه داشتند بلکه بخاطر آنکه دروغ گفتند تا خود را روحانی نشان بدهند. توجه کنید که حتی عملی مهربانانه و بخششگرانه که با نیت بد انجام شود، یک گناه محسوب می شود. توجه داشته باشید که روح القدس مورد اشاره در آیه ۳ در اینجا خدا خوانده شده است.

□ ۵: ۵ «**افتاده، جان بداد**» در جهان باستان، آخرین نفس شخص گواه بر جدا شدن روح او بود (ر.ک. داوود. ۴: ۲؛ حزق. ۲۱: ۷ در ترجمه هفتاد). این اصطلاح نادر، در عهد جدید فقط در کتاب اعمال بکار رفته است (ر.ک. ۵: ۴، ۱۰؛ ۱۲: ۲۳). این نمونه ای از داوری در زمان وقوع است و مشابه داوری خدا بر پسران هارون در لاو. ۱۰ می باشد. گناه در پیشگاه خدا بسیار جدی است و به قیمت جان تمام می شود (ر.ک. II پاد. ۱۴: ۶؛ حز. ۱۸: ۴، ۲۰).

□ «**خوفی شدید بر همه ... مستولی گشت**» احتمالاً هدف از این داوری در زمان وقوع نیز همین بوده است. این واقعه با مرگ ناداب و ابیهو در لاو. ۱۰ و عَزَه در II سمو. ۶ در عهد عتیق قابل قیاس است. بر اساس I قرن. ۱۱: ۳۰؛ یعقوب ۵: ۲۰ و I یوحنا ۵: ۱۶-۱۷ این امکان وجود دارد که مرگ زود هنگام برخی از ایمانداران را نتیجه ارتکاب برخی از گناهان بدانیم. نگاه داشتن تعادل میان قدوسیت خدا (فراباشی) و پدر بودن خدا (حضور فراگیر) کار دشواری است.

۵: ۶ «**دفن نمودند**» یهودیان قرن اول میلادی (مانند زمان حاضر)، احتمالاً به دلیل پید. ۳: ۱۹ (ر.ک. مز. ۱۰۳: ۱۴؛ ۱۰۴: ۲۹) مردگان را مومیایی نمی کردند. میت را باید به سرعت، معمولاً در ظرف یک روز، دفن می کردند. به خاطر گناه و اهانت انجام شده هیچگونه مراسم یادبود یا مراسم دیگر مسیحی برای حنایا برگزار نشد.

### عنوان خاص: انجام مراسم تدفین

۱. بین النهرین

أ. یک تدفین مناسب برای داشتن زندگی خوش پس از مرگ، اهمیت زیادی داشت.

ب. نمونه ای از یک لعنت بین النهرینی چنین است: "زمین جسد تو را پس بزند".

۲. عهد عتیق

أ. تدفین مناسب بسیار اهمیت داشت (ر.ک. جامعه ۶: ۳).

ب. تدفین میت به سرعت زیاد انجام می شد (ر.ک. سارا در پید. ۲۳ و راحیل در پید. ۳۵: ۱۹ و به ت. ۲۱: ۲۳ توجه کنید).



ج. تدفین نامناسب نشانه ای از مردودیت و گناه بود.

۱. تثبیه ۲۸:۲۶

۲. اشعیا ۱۴:۲

۳. ارمیا ۸:۲؛ ۲۲:۱۹

د. در صورت امکان، جسد میت در مقبره یا مغاره ای خانوادگی در محدوده خانه شخص انجام می شد.

ه. جسد مردگان هرگز مانند مصریان مومیایی نمی شد. انسان از خاک گرفته شده و می باید به خاک بازگردد (مثال: پید. ۳: ۱۹؛ مز. ۱۰۳: ۱۴؛ ۱۰۴: ۲۹).

و. در یهودیت علمای دینی، برقرار کردن تعادل میان احترام گذاشتن به جسد و لمس نمودن آن با در نظر داشتن نجاست در اثر تماس با جسد مردگان، کار دشواری بود.

۳. عهد جدید

أ. تدفین به سرعت، یعنی به طور معمول در ظرف بیست و چهار ساعت، پس از مرگ انجام می شد. یهودیان اغلب سه روز مقبره را تحت نظر داشتند، زیرا معتقد بودند که جان مرده ممکن است در ظرف این مدت زمانی بازگردد (ر.ک. یوحنا ۱۱: ۳۹).

ب. تدفین شامل تمیز کردن و پیچیدن جسد با عطریات و کفن بود (ر.ک. یوحنا ۱۱: ۴۴؛ ۱۹: ۳۹-۴۰).

ج. تمایزی میان روند تدفین یا قرار دادن اشیاء درون مقبره بین یهودیان و مسیحیان فلسطین قرن اول میلادی وجود نداشت.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۵: ۲-۱۱

۷ پس از سه ساعت همسرش بدون اینکه از جریان آگاه شده باشد وارد شد. ۸ پطرس از او پرسید: «بگو بینم آیا زمین را به همین مبلغ فروختید؟» زن گفت: «آری به همین مبلغ.» ۹ پطرس به او گفت: «چرا هر دو همدست شدید که روح خداوند را بیازمایید؟ کسانی که شوهرت را دفن کرده اند هم اکنون در آستانه در هستند و تو را هم خواهند برد.» ۱۰ در همان لحظه او پیش پاهای پطرس افتاد و جان داد. جوانان که وارد شدند او را مرده یافتند و جسدش را بردند و پیش شوهرش دفن کردند. ۱۱ ترس عظیمی بر همه کلیسا و کسانی که این ماجرا را شنیدند چیره شد.

۵: ۷ «تخمیناً سه ساعت» این هشیاری نشانگر زنده بودن این واقعه در نظر یک شاهد عینی است. مشخصه نوشته های لوقا، توجه به جزئیات است. این امر سبک و روشهای تحقیق وی را منعکس می سازد.

۵: ۸ دروغ و تظاهر همچنان ادامه دارد!

۵: ۹ «آزمایش» دو واژه یونانی برای اشاره به آزمایش مورد استفاده قرار گرفته اند. واژه مورد استفاده در اینجا اشاره ضمنی دارد بر "آزمایش با نظری بر هلاکت". این احتمالاً بازتابی است از خرو. ۱۷: ۲ و تث. ۶: ۱۶ که در آنها نسبت به وسوسه/آزمایش YHWH هشدار داده می شود (ر.ک. مز. ۷۸: ۱۸ و ۴۱ و ۵۶).

### عنوان خاص: واژگان یونانی برای آزمایش و معانی آنها

دو واژه یونانی به معنای آزمایش کسی با قصد مشخص هستند.

أ. *Dokimazo-, dokimion, dokimasia*

این واژه در اصطلاحات فلزشناسی (metallurgy) برای آزمایش خلوص چیزی (یا به طور استعاری: شخصی) به وسیله آتش است. آتش، فلز واقعی را آشکار می سازد و ناخالصی آن را می سوزاند (عمل پالایش). این فرایند فیزیکی تمثیلی قدرتمند از آزمایش دیگران توسط خدا و

یا شیطان و/یا انسانهاست. این واژه فقط به جنبه مثبت آزمایش با دیدگاهی پذیرشگرانه به کار می رود.

در عهد جدید از این واژه برای آزمایش موارد زیر استفاده می شود:

۱. گاوها، لوقا ۱۴: ۱۹

۲. خودمان، I قرن. ۱۱: ۲۸

۳. ایمان ما، یعقوب ۱: ۳

۴. حتی خدا، عبرا. ۳: ۰

برون داد اینگونه آزمایشها مثبت تلقی می شود (ر.ک. روم. ۱: ۲۸؛ ۱۴: ۲۲؛ ۱۶: ۱۰؛ II قرن. ۱۰: ۱۸؛ ۱۳: ۳؛ فیل. ۲: ۲۷؛ I پتر. ۱: ۷).

بنابراین، اصطلاح مزبور بیانگر آن است که در شخص مورد آزمایش، وجود صفات زیرا تثبیت می شد:

۱. شایستگی

۲. نیکی

۳. اصالت

۴. ارزشمندی

۵. قابل احترام بودن

ب. *Peirazo-, peirasmus*

این واژه حاوی معنای تحت آزمایش قرار گرفتن به منظور یافتن خطا یا مردودیت است. اغلب از آن در رابطه با وسوسه عیسی در بیابان استفاده می شود.

۱. این واژه تلاش برای به دام انداختن عیسی را می رساند (ر.ک. متی ۴: ۱؛ ۱۶: ۱؛ ۱۹: ۳؛ ۲۲: ۱۸؛ مرقس ۱: ۱۳؛ لوقا ۴: ۳۸؛ عبر. ۲: ۱۸).

۲. این واژه (*peirazo-*) به عنوان یکی از عناوین شیطان در متی ۴: ۳؛ I: ۳؛ ۳: ۵ به کار رفته است.

۳. عیسی از این واژه برای آزمایش نکردن خدا استفاده می کند (ر.ک. متی ۱۴: ۷؛ لوقا ۴: ۱۲). واژه مزبور نشان دهنده تلاش برای چیزی مردود است (ر.ک. اعمال ۹: ۲۰؛ ۲۰: ۲۱؛ عبر. ۱۱: ۲۹).

۴. از آن در ارتباط با وسوسه و آزمایش ایمانداران استفاده شده است (ر.ک. I قرن. ۷: ۵؛ ۱۰: ۹؛ ۱۳: ۶؛ I: ۱؛ ۱: ۳؛ ۳: ۵؛ عبر. ۲: ۱۸؛ یعقوب ۱: ۲، ۱۳، ۱۴؛ I پتر. ۴: ۱۲؛ II پتر. ۲: ۹).

۵: ۱۰ واژه مورد استفاده برای توصیف "جوانان" (*neo-teroi*) در آیه ۶ با واژه *neanikoi* در آیه ۱۰ تفاوت دارد. مشخص نیست که این فقط واژگان مترادف مختلف نویسنده هستند یا منظور دو گروه متفاوت جوانان در کلیسا بوده است. هر دو واژه یونانی از یک ریشه هستند (*neos*).

۵: ۱۱ «خوفی شدید ... همه آنانی را که این را شنیدند، فرو گرفت» لوقا از واژه رایج *phobos* بارها به همین معنا استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۱: ۶۹؛ ۳: ۳۷؛ اعمال ۱۹: ۱۷). بار معنی آن برای ایمانداران وجود احترام، عزت و شگفتی است اما برای بی ایمانان حاوی ترس، وحشت و شوم بودن است (ر.ک. لوقا ۱۲: ۴-۵؛ عبر. ۱۰: ۳۱).

□ «کلیسا» این نخستین باری است که از واژه کلیسا در کتاب اعمال استفاده شده است، هرچند به نوعی در متن ۲: ۴۷ نیز مورد اشاره قرار می گیرد. این واژه یونانی *ekklesia* است. ریشه آن از ترکیب دو واژه به معنی "از" و "فراخوانده" است؛ بنابراین، واژه مزبور حاوی معنای فراخواندن الهی افراد به جدایی است. کلیسای اولیه این واژه را از مورد استفاده غیرمذهبی آن برگرفت (ر.ک. اعمال ۱۹: ۳۲، ۳۹، ۴۱) و بخاطر

استفاده ترجمه هفتاد از آن برای "جماعت" اسرائیل (ر.ک. اعد. ۳:۱۶؛ ۲۰:۴)، واژه مورد نظر را برگزید. آنان از این واژه برای خودشان به عنوان ادامه قوم خدا در عهد جدید استفاده می کردند. آنها اسرائیل جدید (ر.ک. روم. ۲: ۲۸-۲۹؛ غلا. ۶: ۱۶؛ I پتر. ۲: ۵، ۹؛ مکا. ۱: ۶)، و تحقق کار جهانی خدا بودند (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خرو. ۱۹: ۵-۶).

### متن مزده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۵: ۱۲-۱۶

۱۲ رسولان عجایب و نشانه‌های بی‌شماری در میان قوم انجام می‌دادند و با وحدت نظر در ایوان سلیمان جمع می‌شدند. ۱۳ هیچ‌کس خارج از جمع خودشان جرأت نمی‌کرد با آنان همنشین شود، اما مردم عموماً از ایشان تعریف می‌کردند. ۱۴ ولی بیش از پیش مردان و زنهای بسیاری به خداوند ایمان آوردند و به ایشان پیوستند. ۱۵ کار به جایی رسید که مردم، بیماران خود را در کوجه‌ها می‌آوردند و آنان را بر بستر و تشک می‌خوابانیدند تا وقتی که پطرس از آنجا می‌گذشت لافل سایه او بر بعضی از آنان بیفتد. ۱۶ عدّه زیادی از شهرهای اطراف اورشلیم آمدند و بیماران و کسانی را که گرفتار ارواح پلید می‌بودند آورده و همه شفا یافتند.

۵: ۱۲-۱۶ خلاصه ای کوتاه که از مشخصات متمایز کتاب اعمال است (ر.ک. ۲: ۴۳-۴۷ و ۴: ۳۲-۳۵).

۵: ۱۲ «عجایب و نشانه‌های بی‌شمار» یک وجه وصفی مجهول (ولی در معنا، معلوم) ناکامل. این دو واژه در نقل قول پطرس از یوئیل ۲ در اعمال ۲: ۱۹ آمده‌اند. معجزات به طور مکرر به ظهور می‌رسید (ر.ک. ۲: ۴۳؛ ۴: ۳۰؛ ۵: ۱۲؛ ۶: ۸؛ ۷: ۳۶؛ ۱۴: ۳؛ ۱۵: ۲۰). به یاد داشته باشید که معجزات به خودی خود نشانه‌ای از حضور الوهیت نیستند (ر.ک. متی ۲۴: ۲۴؛ و II تسا. ۲: ۹)، ولی روشی برای تأیید پیام مسیحی بوده و هست.

□ «همه به یکدل» یادداشت ۱: ۱۴ را ملاحظه کنید.

□ «ایوان سلیمان» ایوانی سرگشاده در میان محوطه معبد، در طول دیوار شرقی صحن امته‌ها بود. عیسی نیز اغلب در آنجا تعلیم می‌داد (ر.ک. یوحنا ۱۰: ۲۳). آنجا محل دستگیری اول پطرس و یوحنا بود.

۵: ۱۳

NASB

«دیگران جرأت نداشتند به ایشان ملحق شوند.»

NKJV, NRSV

«دیگران جرأت نداشتند به ایشان بیوندند.»

TEV

«هیچ‌کس خارج از جمع خودشان جرأت نمی‌کرد با آنان همنشین شود.»

NJB

«هیچ‌کس دیگر جرأت نداشت به ایشان بیوند.»

عبارت غیر معمول که به نظر می‌رسد برای توصیف جنبه منفی "ترس" به کار رفته است. در این متن از گروه‌های مختلفی نام برده شده است (ر.ک. آیات ۱۲-۱۶). برای اکثر آنها، این وقایع منجر به ایمان به مسیح (ر.ک. شماره ۵ و احتمالاً ۶ و ۷) یا تأیید ایمان به مسیح (یعنی گروه ۳) گردید.

۱. رسولان، آیه ۱۲

۲. قوم، آیات ۱۲، ۱۳

۳. ایمانداران (یعنی کسانی که به یکدل در ایوان سلیمان بودند)، آیه ۱۲

۴. سایرین (یعنی رهبران یهود)، آیه ۱۳

۵. نوایمانان، آیه ۱۴

۶. بیماران اورشلیم، آیه ۱۵

۷. بیماران و گرفتاران ارواح پلید از شهرهای اطراف، آیه ۱۶

مصدر میانی حال "ملحق شدن" در اصل به معنی "چسبیدن" است. لوقا اغلب از این واژه استفاده می کند، ولی در مفاهیم گوناگون. در اینجا واژه مزبور به این امر اشاره دارد که ایشان به آن گروه جدید (یعنی ایمانداران به عیسی به عنوان مسیح موعود)، نپیوستند.

۵: ۱۴ «ایمانداران» یک وجه وصفی معلوم زمان حال که اشاره به عملی مداوم و پیوسته دارد. عنوان خاص ۲: ۴۰ را ملاحظه کنید.

۵: ۱۴

NASB, TEV,  
NJB, NIV  
«در خداوند»  
NKJV, NRSV  
«به خداوند»

این شکل دستوری (در نظام هشت موردی) را می توان به عنوان حالت مفعولی ("به") یا حالت مکانی ("در") تلقی نمود. به اعتقاد من این روشی برای نشان دادن این امر است که ایمانداران متعلق به خداوندند. ما از آن او هستیم و او از آن ماست!

□ «بیش از پیش ... بسیاری ... به ایشان پیوستند» لوقا اغلب از عبارات خلاصه کننده در مورد رشد کلیسا استفاده می کند (ر.ک. ۲: ۴۷؛ ۵: ۱۴؛ ۶: ۷؛ ۹: ۳۱؛ ۱۲: ۲۴؛ ۱۶: ۵؛ ۱۹: ۲۰).

۵: ۱۵ «وقتی پطرس ... می گذشت، لااقل سایه او» معجزات در این مرحله به عنوان شیوه ای برای تأیید انجیل رایج بود. پطرس سخنگوی مشهود رسولان بود. همین شکل از تأیید بوسیله شفاهای در مورد پولس نیز رخ می داد (ر.ک. ۱۹: ۱۲).  
ما به عنوان مفسرین باید به یاد داشته باشیم که این نشانه های معجزه آسا به این منظور انجام می شدند که:

۱. همدردی خدا را نشان دهند

۲. حقیقت انجیل را آشکار سازند

۳. رهبران خوانده شده خدا را هویدا کنند

این نشانه ها در فرهنگی خاص و برای منظوری مشخص اعطا می شدند. اینکه خدا در آنجا آنها را به ظهور آورد، به خودی خود به معنی آن نیست که او در هر دوره از تاریخ و در همه فرهنگها همین نشانه ها را به ظهور می آورد. این بدان معنا نیست که خدا در همه اعصار فعال نمی باشد یا همدردی اش کمتر است، بلکه هدف این است که قوم خدا به ایمان گام بردارند نه به دیدار! معجزات ادامه دارند، اما نجات گناهکاران باید بزرگترین هدف باشد، نه شفای جسمانی کسانی که به هر تقدیر خواهند مرد!

به نظر من چنین می آید که خدا تغییری نکرده است. شخصیت، قدرت، همدردی و اشتیاق او برای نجات همگان همچنان باقی است، اما نظری الهیاتی به تاریخ نشان می دهد که دو دوره اصلی از نشانه های بارز ماوراءطبیعی از سوی خدا و نیز شیطان وجود داشته است:

۱. حول و حوش زمان جسم گیری مسیح و تشکیل کلیسای اولیه

۲. پیش از وقایع زمان آخر هنگامی که ایمانداران تحت آزار سخت قرار بگیرند

در زیر از A. T. Robertson, *Word Pictures in the New Testament*, جلد سوم، صفحه ۶۲ نقل قول می کنم:

"البته در سایه پطرس هیچگونه قدرت یا فضیلتی وجود نداشت. این درست مانند سایر موارد انجیل (متی ۹: ۲۰؛ مرقس ۶: ۵۶؛ یوحنا ۹: ۵) و نیز استفاده از دستمال پولس (اعمال ۱۹: ۱۲) ایمان همراه با خرافات بود. خدا حتی به ایمان خرافاتی نیز در صورتی که نشانگر ایمان واقعی باشد، احترام می گذارد. تعداد اندکی از مردم کاملاً فارق از خرافات هستند."

۵: ۱۶ «**جميع ايشان شفا يافتند**» اين يك فعل اخباري مجهول ناکامل است که بيان می دارد يکايک ايشان شفا يافتند (به عامل شفاهها اشاره نشده اما احتمالاً منظور روح القدس است)، يکی بعد از ديگری تا اينکه ديگر کسی باقی نماند!

این عبارت خلاصه است. آیا باید آن را تحت اللفظی تلقی کرد (یعنی هر یک از ایشان)؟ عیسی ایمان مطالبه می کرد یا از شفا به منظور (۱) تربیت رسولان یا (۲) دلیلی برای گوش سپردن جمعیت، استفاده می کرد.

از نظر من موضوع تکان دهنده این است که همه کسانی که در عهد جدید شفا یافتند، همزمان "نجات" نیافتند (یعنی به مسیح ایمان نیاوردند و حیات جاودانی نیافتند). شفای جسمانی جایگزینی ناچیز برای نجات روحانی است. معجزات فقط هنگامی حقیقتاً یاری دهنده اند که ما را با خدا آشتی بدهند. همه انسانها در جهانی سقوط کرده زندگی می کنند. اتفاقات بد رخ می دهند. خدا اغلب مداخله نمی کند، اما این امر دلیل عدم محبت و توجه او نیست. مراقب باشید که از خدا مطالبه عملی معجزه آسا در هر اتفاقی که در این عصر پدید حاضر رخ می دهد، ننمایید. او قادر مطلق است و ما نمی دانیم در هر شرایط خاص چه چیزهایی در پشت پرده است.

در اینجا می خواهم بخشی از یادداشتهای تفسیری خود را از II تیمو. ۴: ۲۰ درباره پولس و شفای جسمی بیاورم:

"سؤالهای زیادی وجود دارد که ما حتماً می خواهیم از نویسندگان عهد جدید بپرسیم. یکی از سؤالهایی که همه ایمانداران درباره اش می اندیشند درباره شفای جسمی است. در اعمال (ر.ک. ۱۹: ۱۲؛ ۲۸: ۷-۹) پولس می تواند شفا بدهد، اما اینجا و در II قرن. ۱۲: ۷-۱۰ و نیز فیل. ۲: ۲۵-۳۰ به نظر می رسد که او توانایی آن را ندارد. چرا برخی از مردم شفا می یابند و برخی نه؟ آیا پنجره زمانی خاصی برای شفا یافتن وجود دارد که اکنون دیگر بسته شده است؟

من یقیناً به پدری ماوراءطبیعی و رحیم ایمان دارم که هم شفاهای جسمی و نیز روحی بخشیده و همچنان می بخشد، اما چرا این دیدگاه شفا به نظر می رسد در عین حال هم حاضر است و هم به طور واضح غایب؟ فکر نمی کنم شفا مربوط به ایمان انسان باشد، زیرا مطمئناً پولس ایمان داشت (ر.ک. II قرن. ۱۲). احساس من این است که شفا یافتن و ایمان آوردن معجزاتی هستند که حقیقت و ارزش انجیل را تأیید می کنند و شواهد آنها را همچنان می توان در مناطقی از جهان مشاهده کرد که انجیل برای نخستین بار اعلام می شود. اما من معتقدم که خدا می خواهد ما به ایمان رفتار کنیم نه به دیدار. همچنین، خدا اغلب به دلایل زیر اجازه می دهد ایمانداران مبتلا به بیماریهای جسمی شوند: (۱) به عنوان تنبیه موقتی برای گناه، (۲) به عنوان عواقب زندگی در جهان سقوط کرده؛ و (۳) برای یاری دادن به ایمانداران تا از لحاظ روحانی بالغ شوند. مشکل من این است که هرگز نمی دانم کدام یک از اینها در هر مورد در جریان است! دعایم برای انجام اراده خدا در هر مورد بخاطر عدم ایمان نیست بلکه تلاشی صمیمانه است تا بگذارم خدای فیاض و رحیم، اراده خود را در زندگی هر فردی به انجام رساند."

□ «**ارواح پلید**» عنوان خاص زیر را ملاحظه کنید.

### عنوان خاص: دیوزدگی

- أ. مردم باستان معتقد به عالم ارواح و تجسم ارواح مردگان بودند. آنها برای نیروهای طبیعی، اشیاء طبیعی و خصیصه های ویژه انسانی قائل به شخصیت بودند. زندگی در پرتو اندرکنش این نهادهای روحانی با نوع بشر تعریف می شود.
- ب. این شخصیت بخشی تبدیل به پرستش خدایان متعدد گردید. معمولاً دیوها (جنها: *genii*) خدایان فرودست یا نیمه خدا (چه از نوع خوب و چه بد) بودند که زندگی فردی انسانها را تحت فشار قرار می دادند.
  ۱. بین النهرین، آشفستگی و کشمکش و ناسازگاری
  ۲. مصر، نظم و کارآیی
  ۳. کنعان، ر.ک. به: *W. F. Albright's Archaeology and the Religion of Israel*، چاپ پنجم، ص. ۶۷-۹۲

ج. عهد عتیق احتمالاً به خاطر پرستش خدای یگانه بر موضوع خدایان فرودست، فرشتگان یا دیوزدگی هیچگونه تأکیدی نمی کند (ر.ک. خرو. ۸: ۱۰؛ ۹: ۱۴؛ ۱۵: ۱۱؛ تث. ۴: ۳۵؛ ۶: ۴؛ ۳۳: ۲۶؛ مز. ۳۵: ۱۰؛ ۷۱: ۱۹؛ ۸۶: ۶؛ اش. ۴۶: ۹؛ ار. ۱۰: ۶-۷؛ میکا ۷: ۱۸). البته در آن به خدایان دروغین امته اشاره شده است (*Shedim*) ر.ک. تث. ۳۲: ۱۷؛ مز. ۱۰۶: ۳۷) و از برخی نیز نام می برد.

۱. *Se'im* (موجودات نیمه انسان و نیمه بز یا دیوهای پر مو، ر.ک. لائو. ۷: ۱۷؛ II تو. ۱۱: ۱۵)

۲. *Lilith* (مادینه، دیو اغواگر، ر.ک. اش. ۳۴: ۱۴)

۳. *Mavet* (واژه عبری مرگ که برای خدای کنعانیان در جهان زیرین استفاده می شد، *Mot*، ر.ک. اش. ۲۸: ۱۵، ۱۸؛ ار. ۹: ۲۱؛ و احتمالاً تث. ۲۸: ۲۲)

۴. *Resheph* (طاعون، ر.ک. تث. ۳۳: ۲۹؛ مز. ۷۸: ۴۸؛ حبق. ۳: ۵)

۵. *Dever* (آفت، ر.ک. مز. ۹۱: ۵-۶؛ حبق. ۳: ۵)

۶. *Az'azel* (نام نامشخص، اما امکان دارد مربوط به دیو بیابان یا اسم مکان باشد، ر.ک. لائو. ۱۶: ۸، ۱۰، ۲۶)

(این مثالها از *Encyclopaedia Judaica*، جلد ۵، ص. ۱۵۲۳ گرفته شده است.)

به هر وجه، هیچگونه دوگانه پرستی یا استقلال فرشتگان از YHWH در عهد عتیق وجود ندارد. شیطان یکی از خدمتگزاران YHWH است (ر.ک. ایوب ۱-۳؛ زکر. ۳)، نه یک دشمن (ر.ک. A. B. Davidson, *A Theology of the Old Testament*, pp. 300-306).

د. یهودیگری در طی دوران اسارت در بابل نشو و نما یافت (۵۸۶-۵۳۸ ق.م.) و از لحاظ الهیاتی تحت تأثیر دوگانه پرستی زرتشتیان ایران قرار گرفت که دارای یک خدای نیک به نام *مزد* یا *اهورامزدا* و دشمن پلید او به نام *اهریمن* بودند. این امر منجر به آن شد که در یهودیگری پس از اسارت، دوگانگی شخصی میان YHWH و فرشتگان او با شیطان و فرشتگانش که دیوها نیز خوانده می شدند، نشو و نما یابد.

الهیات یهودیگران در مورد شخصیت شرارت به خوبی در کتاب Alfred Edersheim's *The Life and Times of Jesus the Messiah*, vol.2, appendix XIII (pp. 749-863) and (pp. 770-776) به طور مستند شرح داده شده است. یهودیگری شرارت را به سه شیوه شخصیت بخشیده است:

۱. شیطان یا *Sammael*

۲. نیت شرارتبار (*yetzer hara*) در وجود نوع بشر

۳. فرشته مرگ

Edersheim اینها را به عنوان (۱) مدعی؛ (۲) وسوسه گر؛ و (۳) مجازات گر (جلد ۲، ص. ۷۵۶) مشخص می سازد. تفاوت الهیاتی مشخصی میان یهودیگری پس از اسارت و معرفی و تشریح عهد جدید از شرارت وجود دارد.

ه. عهد جدید، خصوصاً در اناجیل، بیانگر وجود و مخالفت موجودات روحانی پلید نسبت به انسانیت و نیز به YHWH است (در یهودیگری، شیطان دشمن نوع بشر بود، نه دشمن خدا). این موجودات با اراده، سلطه و پادشاهی خدا سر مخالفت دارند.

عیسی در مقابل این موجودات دیوآسا می ایستاد و آنها را اخراج می کرد، موجوداتی که توسط آدمیان به نامهای زیر نیز خوانده می شدند (۱) ارواح ناپاک، ر.ک. لوقا ۴: ۳۶؛ ۶: ۱۸، یا (۲) ارواح خبیث، ر.ک. لوقا ۷: ۲۱؛ ۸: ۲. عیسی به روشنی تمایزی میان بیماری (جسمی و فکری) و دیوزدگی قابل بود. او قدرت خود و بینش روحانی اش را با شناخت و بیرون راندن این ارواح شریر نشان می داد. آنها اغلب او را می شناختند و می کوشیدند تا معرفی اش کنند، اما عیسی شهادت ایشان را نمی پذیرفت، امر می کرد سکوت نمایند و ایشان را بیرون می راند.

در نامه‌های رسولان در عهد جدید عدم وجود هیچگونه اطلاعات درباره این موضوع تکان دهنده است. اخراج ارواح پلید هرگز به عنوان یکی از عطایای روحانی فهرست نشده است و هیچگونه روشی نیز برای این کار برای نسلهای آینده یا ایمانداران و کشیشان ارائه نگردیده است.

و. شرارت یک حقیقت است؛ شرارت شخصیت دارد؛ شرارت هم اکنون حاضر است. سرمنشأ و مقصد آن هرگز مکشوف نشده است. کتاب مقدس بیانگر واقعیت آن است و به شدت با نفوذ آن مبارزه می کند. اما شرارت در سطح خدای خالق نیست و کتاب مقدس دوگانه پرستی را ترویج نمی کند. خدا بر همه چیز کاملاً مسلط است؛ شرارت مغلوب، محکوم و کاملاً فانی است.

ز. قوم خدا باید در برابر شرارت مقاومت کنند (ر.ک. یعقوب ۴: ۷). آنها نمی توانند تحت تسلط شرارت باشند (ر.ک. ا یوحنا ۵: ۱۸)، اما ممکن است بوسیله آن وسوسه شوند و شهادت و نفوذشان آسیب ببیند (ر.ک. افس. ۶: ۱۰-۱۸). شرارت بخشی از مکاشفه کلام خدا در مورد جهان بینی مسیحی است. مسیحیان امروزی هیچگونه حقی برای تعریف دوباره شرارت (تفسیر از افسانه بیرون آمده Rudolf Baltmann)؛ شخصیت قابل نشدن برای شرارت (ساختارهای اجتماعی Paul Tillich)، یا تلاش برای تشریح کامل آن با اصطلاحات روانشناختی (Sigmund Freud) ندارند، زیرا نفوذ شرارت فراگیرنده است.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۵: ۱۷-۲۶

۱۷ در این هنگام کاهن اعظم و دستیاران او یعنی فرقه صدوقی از روی حسد اقداماتی به عمل آوردند: ۱۸ آنها رسولان را گرفتند و به زندان عمومی انداختند ۱۹ اما همان شب فرشته خداوند درهای زندان را باز کرد و آنان را بیرون برد و به ایشان گفت: ۲۰ «بروید و در معبد بزرگ بایستید و در مورد این حیات تازه با همه صحبت کنید.» ۲۱ پس آنان این را شنیدند و به آن عمل کردند و صبح زود به معبد بزرگ رفته به تعلیم پرداختند. کاهن اعظم و دستیاران او، اعضای شورا و مشایخ اسرائیل را فراخوانده جلسه‌ای تشکیل دادند و کسانی را فرستادند تا رسولان را از زندان بیرون بیاورند. ۲۲ وقتی مأموران وارد زندان شدند آنان را نیافتند. پس بازگشتند و گزارش داده گفتند: ۲۳ «ما دیدیم که درهای زندان کاملاً بسته بود و نگهبانان در جلوی درها سر خدمت حاضر بودند؛ ولی وقتی در را باز کردیم، هیچ کس را نیافتیم.» ۲۴ هنگامی که فرمانده پاسداران معبد بزرگ و سران کاهنان این را شنیدند، حیران ماندند که چه به سر رسولان آمده و عاقبت کار چه خواهد شد. ۲۵ در این هنگام شخصی جلو آمد و گفت: «زندان شما در معبد بزرگ ایستاده‌اند و قوم را تعلیم می دهند.» ۲۶ پس فرمانده با پاسداران معبد بزرگ رفت و آنان را آورد، البته بدون اعمال زور زیرا می ترسیدند که قوم آنان را سنگسار کنند.

۵: ۱۷ «به غیرت پر شدند» معنی ساده واژه یونانی به کار رفته: "به جوش آمدند" است. بنابراین، مضمون باید بیانگر غیرتمند شدن یا حسادت ایشان باشد. این امر نمایانگر نیت حقیقی رهبران مذهبی یعنی حسادت است! در انجیل، دشمنان اصلی عیسی فریسیان بودند، ولی در اعمال، دشمنان اصلی پیروان او صدوقیان بودند.

۵: ۱۸ چند باب نخست کتاب اعمال نمایانگر مشکلاتی هستند که کلیسای اولیه با آن روبرو بود. مشکلات از عصری تا عصر دیگر، یا فرهنگی تا فرهنگ دیگر متفاوتند اما خدا طرفدار ما و با ماست و به ما قدرت می بخشد تا پیروز شویم. هیچ چیز اعم از زندان، تحقیر عمدی، تهدید و غیره نمی تواند ایمانداران را از حضور و آرامش مسیح براباید (ر.ک. روم. ۸: ۳۱-۳۹).

۵: ۱۹ «فرشته خداوند» این عبارت به دو شیوه در عهد عتیق به کار می رفت:

۱. فرشته (ر.ک. پید. ۲۴: ۷، ۴۰؛ خرو. ۲۳: ۲۰-۲۳؛ ۳۲: ۳۴؛ اعد. ۲۲: ۲۲؛ داور. ۵: ۲۳؛ سمو. ۲۴: ۱۶؛ I تو. ۱۵: ۲۱ به بعد؛ زکر. ۱: ۲۸)

۲. روشی برای اشاره به YHWH (ر.ک. پید. ۱۶: ۷-۱۳؛ ۲۲: ۱۱-۱۵؛ ۳۱: ۱۱، ۱۳؛ ۴۸: ۱۵-۱۶؛ خرو. ۳: ۲، ۴؛ ۱۳: ۲۱؛ ۱۴: ۱۹؛ داو. ۲: ۱؛ ۶: ۲۲-۲۴؛ ۱۳: ۳؛ ۲۳: ۳؛ زکر. ۳: ۱-۲)

لوقا اغلب از این عبارت استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۱: ۱۱، ۱۳؛ ۲: ۹؛ اعمال ۵: ۱۹؛ ۷: ۳۰؛ ۸: ۲۶؛ ۱۲: ۷، ۱۱، ۲۳؛ ۱۰: ۳؛ ۲۷: ۲۳)، البته در معنای شماره ۱ در بالا. عهد جدید معنای شماره ۲ در بالا را به کار نمی برد مگر در اعمال ۸: ۲۶ و ۲۹ که در آن "فرشته خداوند" مترادف با روح القدس آمده است.

▣ «**درهای زندان را باز کرد**» این ماجرا مشابه تجربه پولس و سیلاس در فیلیپی است (ر.ک. اعمال ۱۶: ۲۶). زندگی پطرس در بسیاری از جهات مشابه زندگی پولس است. ممکن است این تشابه ادبی، از روی قصد و هدفی ابراز شده باشد.

۵: ۲۰ «**بروید ... بایستید و ... صحبت کنید**» اینها سه فعل امری به صورت زیر هستند:

۱. بروید، فعل امری زمان حال میانی (به ظاهر مجهول ولی در معنی معلوم)

۲. بایستید، وجه وصفی مجهول در معنا معلوم که به عنوان یک فعل امر بکار رفته است ( Friberg's, *Analytical Greek New Testament*, p. 379)

۳. صحبت کنید، فعل حال امری معلوم

فرشته مأموریت بشارتی برای رسولان داشت!

▣ «**با همه صحبت کنید**» این بار اصلی خدمت رسولان بود. شهادت، مشخصه زندگی جدید پر از روح ایشان بود، نه ترس.

۵: ۲۰

NASB «تمام پیام حیات»

NKJV «تمام کلمات این حیات»

NRSV «تمام این پیام در مورد حیات»

TEV «همه چیز در مورد این حیات تازه»

NJB «همه چیز در مورد این حیات تازه»

این عبارت درباره زندگی تازه سخن می گوید (*zoe*، حیات جاویدان) که فقط در انجیل عیسی مسیح یافت می شود. آنها هم از لحاظ روحانی (نجات) و هم جسمانی (بیرون از زندان) آزاد شده بودند. حال می باید همه چیز را به همه می گفتند!

۵: ۲۱ توجه داشته باشید که آزادی ماوراءطبیعی آنها به منزله آن نبود که دیگر هرگز به زندان نخواهند افتاد. تدارکات الهی نیز به معنی اتمام یا حل شدن تمامی مسائل در خدمات نیست (ر.ک. متی ۵: ۱۰-۱۲؛ روم. ۸: ۱۷؛ I پتر. ۴: ۱۲-۱۶)

▣ «**اهل شورا و تمام مشایخ بنی اسرائیل**» یادداشت مربوط به شورای یهود در ۴: ۱۵ را ملاحظه کنید. در ترجمه های دیگر به جای مشایخ، "سنا" آمده است. Curtis Vaughan در کتاب *Acts* ص. ۳۹-۴۰ بیان می دارد که اینان مشایخ اورشلیم بودند که در آن زمان از اعضای شورای عالی یهود نبودند (ر.ک. M.R. Vincent, *Word Studies*, جلد اول، ص. ۲۳۴)، اما در ترجمه های NASB و NIV چنین فرض شده که شورا و سنا مترادف همدیگر هستند.



۵: ۲۳ «بسته» این یک وجه وصفی مجهول کامل است. آنان می اندیشیدند که درهای زندان ایمن هستند و نگهبانان نیز ایستاده (وجه وصفی معلوم کامل)، ولی زندانیان رفته بودند.

۵: ۲۴ «حیران ماندند» لوقا از این اصطلاح چندین بار استفاده می کند. این شکل تشدید شده واژه یونانی *aporeo* (ر.ک. لوقا ۲۴: ۴؛ اعمال ۲۵: ۲۰) همراه با *dia* (ر.ک. لوقا ۹: ۷؛ اعمال ۲: ۱۲؛ ۵: ۲۴؛ ۱۰: ۱۷) است. معنی اصلی آن تردید، عدم اطمینان یا حیران ماندن است.

□ «عاقبت کار چه خواهد شد» شکل دستوری این جمله، **شرطی نوع چهارم** ناکامل است (*an* به علاوه وجه آرزویی میانی به ظاهر مجهول ولی در واقع معلوم). وجه آرزویی بیانگر سرگشتگی است (ر.ک. لوقا ۱: ۶۱-۶۲؛ ۳: ۱۵؛ ۸: ۹؛ ۱۵: ۲۶؛ ۲۳: ۲۲؛ اعمال ۵: ۲۴؛ ۸: ۳۱؛ ۱۰: ۱۷؛ ۲۱: ۳۳؛ ر.ک. James Allen Hewet, *New Testament Greek*, p. 195).

۵: ۲۶ «از قوم ترسیدند که مبادا ایشان را سنگسار کنند» این جمله نمایانگر محبوبیت کلیسای اولیه در میان عامه مردم (ر.ک. آیه ۱۳؛ ۲: ۴۷؛ ۴: ۲۱) و منشأ حسادت ادامه دار رهبران یهود بود.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۵: ۲۷-۳۲

۲۷ رسولان را آوردند و در برابر شورا بپا داشتند و کاهن اعظم بازپرسی را چنین آغاز کرده گفت: ۲۸ «مگر ما اکیداً به شما اخطار نکردیم که دیگر به این نام تعلیم ندهید؟ اما شما برخلاف دستور ما اورشلیم را با تعالیم خود پر کرده‌اید و می‌کوشید که خون این شخص را به گردن ما بیندازید.» ۲۹ پطرس و رسولان پاسخ دادند: «از خدا باید اطاعت کرد، نه از انسان. ۳۰ خدای نیاکان ما همان عیسی را که شما مصلوب کرده و کشتید زنده گردانید ۳۱ و به عنوان سرور و نجات‌دهنده با سرافرازی در سمت راست خود نشانید تا فرصت توبه و آمرزش گناهان را به بنی اسرائیل عطا فرماید ۳۲ و ما شاهدان این امور هستیم یعنی ما و روح‌القدس که خدا به مطیعان خود بخشیده است.»

۵: ۲۸

NASB, NRSV, TEV  
NKJV  
NJB  
«دستوراتی قاطع»  
«فرمانی قاطع»  
«هشدار جدی»

در ترجمه KJV "قدغن بلیغ نکردن" آمده است، از نسخه یونانی که شکل دیگری از نسخه های یونانی آلف عبری ۲، D و E است، اما در P<sup>74</sup>، آلف ستاره دار، A یا B وجود ندارد. وجه "منفی" می بایست بعدها توسط نسخه نویسان اضافه شده باشد. ساختار این جمله اصطلاحی سامی (ر.ک. لوقا ۲۲: ۱۵) مشابه وجه اتهامی هم ریشه در Koine یونانی است که در آن فعل (*parangello*) و مفعول بی واسطه (*parangelia*) هر دو از یک ریشه اند. این ساختار معنی اصلی اصطلاحات مربوطه را تشدید می کند. بسیاری از متألهین بر این اعتقادند که این جمله بازتابی از یک اصطلاح سامی است. جالب توجه است که این عبارت در Koine papyri یافت شده در مصر به معنی احضار شدن به دادگاه توسط یک مقام رسمی یا حکمی از دادگاه آمده است (ر.ک. Moulton and Milligan, *Vocabulary*, p. 481).

□ «این مرد» این امر نشاندهنده تحقیر عیسی توسط رهبران یهود است که هرگز به نام او اشاره نمی کنند. تلمود حتی او را "چنین و چنان" می خواند (ر.ک. M. R. Vincent, *Word Studies*, vol. 1T p. 234).

□ «خون ... را به گردن ما بیندازید» پطرس و یوحنا پیوسته بر این امر تأکید داشتند که این رهبران یهود بودند که مرگ عیسی را مهندسی کردند (ر.ک. آیه ۳۰؛ ۳: ۱۴-۱۵). این اتهامی است که استیفان نیز در ۷: ۵۲، بر ایشان وارد می کند.

۵: ۲۹ «باید» این واژه *dei* معنای ضرورت اخلاقی می دهد. این امر نشانگر تعهد رسولان به موعظه حقیقت، فارغ از عواقب آن است (ر.ک. ۴: ۱۹).

۵: ۳۰ «خدای پدران ما» این مسیحیان اولیه ایمان داشتند که وارثان و نسل روحانی راستین قوم خدا در عهد عتیق هستند (ر.ک. روم. ۲: ۲۸-۲۹؛ غلا. ۶: ۱۶؛ I پطر. ۳: ۵، ۹؛ مکا. ۱: ۶).

□ «عیسی را برخیزانید» عهد جدید تأکید دارد که خدای پدر عیسی را برخیزانید (ر.ک. اعمال ۲: ۲۴، ۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۲۷: ۳۱؛ روم. ۶: ۴، ۹) تا موید درستی و حقیقت تعالیم و زندگی عیسی باشد. این یک جنبه اصلی *Kerygma* است (ر.ک. I قرن. ۱۵).

□ «که شما به صلیب کشیده، کشتید» این مربوط می شود به لعنت ت. ۲۱: ۲۳. رهبران مذهبی یهود می خواستند عیسی، که مدعی بود مسیح موعود است، لعنت YHWH را تحمل کند. عیسی لعنت شریعت عهد عتیق را بخاطر ما (ر.ک. غلا. ۳: ۱۳؛ کول. ۱: ۱۴) متحمل شد (که گناهکاران حتماً خواهند مرد [ر.ک. حزق. ۱۸: ۴، ۲۰] و تمامی انسانها گناه کرده اند، ر.ک. روم. کول. ۱: ۱۵؛ II قرن. ۲: ۱۴). عیسی بره بی گناه خدا بود (ر.ک. یوحنا ۱: ۲۹؛ II قرن. ۵: ۲۱).

۵: ۳۱ «خدا بر دست راست خود بالا برد» عبارت "بالا برد" در یوحنا ۳: ۱۴ "بلند نمود" و در فیل ۲: ۹ "به غایت سرافراز نمود" ترجمه شده است. صلیب روش سرافرازی و پیروزی مسیح بود (ر.ک. کول. ۱: ۱۵؛ II قرن. ۲: ۱۴). تشبیه انسانی "درست راست" استعاره ای از مکان قدرت و اقتدار بود (ر.ک. متی ۲۶: ۶۴). خدا روحی ازلی و ابدی است. او بدن جسمانی ندارد.

□ «سرور» این آیه به وضوح و به طور مشخص موید مسیح بودن عیسی است. همین اصطلاح درباره عیسی در ۳: ۱۵ بکار رفته که "رئیس" ترجمه شده است. اصطلاح مزبور می تواند "رئیس"، "پیشرو" یا "سرور" معنی بدهد و در مورد موسس یک مدرسه یا خاندان نیز مورد استفاده قرار می گرفت (ر.ک. عبر. ۲: ۱۰؛ ۱۲: ۲).

□ «نجات دهنده» این اصطلاح در قرن اول در جهان یونانی-رومی قیصر به کار می رفت. او مدعی بود که نجات دهنده فرهنگ و صلح است. اصطلاح دیگری که قیصرهای روم برای خود به کار می بردند، اما مسیحیان آن را فقط و فقط در مورد عیسی استفاده می کردند، خداوند (*kurios*) بود.

جنبه دیگر واژه "نجات دهنده" آن است که در عهد عتیق از آن برای YHWH به کار می رفت (ر.ک. II سمو. ۲۲: ۳؛ مز. ۱۰۶: ۲۱؛ اش. ۴۳: ۴، ۱۱؛ ۴۵: ۱۵، ۲۱؛ ۴۹: ۲۶؛ ۶۰: ۱۶؛ ۶۳: ۸). نویسندگان عهد جدید اغلب الوهیت عیسی را با نسبت دادن عناوین YHWH در عهد عتیق به او اثبات می کردند. توجه داشته باشید که پولس چگونه در رساله خود به تیطس این کار را می کند:

۱. ۳: ۱، "نجات دهنده ما خدا"

۲. ۴: ۱، "نجات دهنده ما عیسی مسیح"

۳. ۱۰: ۲، "نجات دهنده ما خدا"

۴. ۱۳: ۲، "خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح"

۵. ۴: ۳، "نجات دهنده ما خدا"

۶. ۳: ۶، "نجات دهنده ما عیسی مسیح"

□ «تا اسرائیل را توبه و آموزش گناهان بدهد» نمایانگر هدف از مرگ عیسی (ر.ک. لوقا ۲۴: ۴۷ و اعمال ۲: ۳۸). برای نویسندگان عهد جدید غیرمعمول بود که به توبه به عنوان هدیه خدا اشاره کنند (ر.ک. اعمال ۱۱: ۱۸؛ II تیمو ۲: ۲۵). معمولاً توبه یکی از مقتضیات عهد جدید است (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵ و اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

اغلب اوقات کسانی که فقط بر نقش خدا در عهد جدید متمرکز هستند، از این آیه برای اثبات این امر استفاده می کنند که نجات تماماً از خداست و انسان هیچگونه مداخله ای در آن ندارد. اما این خود نمونه خوبی از مدرک نمودن یک متن برای گنجاندن یک نظام الهیاتی از پیش فرض شده است. کتاب مقدس به روشنی موید اولویت و لزوم آغازگری خداست، اما این موضوع را نیز مکشوف می سازد که دیدگاه "عهد" بستن به خوبی توصیفگر الگوی برگزیده الهی برای ایجاد ارتباط با انسان محتاج است. آزادی هدیه ای است که خدا از بدو آفرینش به انسان بخشیده است. خدا این هدیه/مسئولیت را زیرپانمی گذارد (ر.ک. روم. ۲: ۴؛ II قرن. ۷: ۱۰). او ما را به سوی خود می کشد، نظر ما را جلب می کند، بر روی ما کار می کند و راهی برای رهاییمان فراهم می آورد (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). اما انسانهای سقوط کرده باید با توبه، ایمان، اطاعت و پایداری به او پاسخ دهند و به پاسخشان ادامه دهند.

نقل قول قابل توجهی از Frank Stagg, *New Testament Theology*, p. 119 را در زیر می خوانیم:

"مردم نمی توانند به توبه دست یابند بلکه تنها آن را دریافت می کنند، با این وجود دریافت آن یک ضرورت است. هر فرد از راه ایمان مسیح را در وجود خود دریافت می کند؛ و مسیح، به عنوان حضوری تبدیل کننده، مسیر حرکت هر زندگی را از توکل بر خود به توکل بر خدا و از تأیید نفس به انکار نفس تغییر می دهد. این تبدیل یافتن در جهت عکس سقوط است که در آن انسان در پی یافتن تمامی معنای وجودی اش در شخص خودش بود.

□ ۵: ۳۲ بارها در کتاب اعمال، پطرس به این واقعیت اشاره کرده است که رسولان و شاگردان، شاهدان زندگی، مرگ و قیام عیسی هستند. در این متن او اضافه می کند که "روح القدس" نیز شاهد است. این بیان احتمالاً روشی برای آوردن دو شاهد مقتضی عهد عتیق برای تأیید یک موضوع است (ر.ک. اعد. ۳۵: ۳۰؛ ت. ۱۷: ۶).

□ «مطیعان او» اطاعت یک روش زندگی گزینشی است! ما با ایمان به انجیل می باید اطاعت کنیم. باید پیوسته در اطاعت ادامه دهیم تا از ثمرات آن نیز بهره مند شویم (ر.ک. لوقا ۶: ۴۶). واژه یونانی نادر "اطاعت" در اینجا (*peithomai*) به علاوه *arche* (ر.ک. ۲۷: ۲۱؛ تیطس ۳: ۱)، در آیات ۲۹ و ۳۲ نیز آمده و ترکیبی است از واژه های "حاکم" (*arche*) و اطاعت.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۵: ۳۳-۳۹

۳۳ هنگامی که این را شنیدند، چنان خشمگین شدند که تصمیم گرفتند آنان را بکشند. ۳۴ اما شخصی از فرقه فریسی به نام غمالائیل که استاد شریعت و نزد همه مردم محترم بود در مجلس بپا خواست و دستور داد که متهمان را مدتی بیرون برند. ۳۵ سپس به حاضران گفت: «ای اسرائیلیان مواظب باشید که با اینها چه می کنید. ۳۶ مدتی قبل شخصی به نام تئودا برخاست و با این ادعا که شخص مهمی است، تقریباً چهارصد نفر را دور خود جمع کرد. اما او به قتل رسید و همه پیروانش از هم پاشیده شدند و تمام نقشه های او نقش بر آب شد. ۳۷ یهودای جلیلی هم در زمان سرشماری برخاست و گروهی را به دنبال خود کشید، اما او هم از بین رفت و پیروانش پراکنده شدند. ۳۸ و امروز این را به شما می گویم که با این افراد کاری نداشته باشید. آنها را به حال خود بگذارید، زیرا اگر نقشه و کاری که دارند از آن انسان باشد، به ثمر نخواهد رسید. ۳۹ اما اگر از آن خدا باشد، شما نمی توانید آنها را شکست دهید. چون در این صورت شما هم جزء کسانی خواهید شد، که با خدا ستیزه می کنید.»

«دلریش شدند»	NASB
«خشمگین شدند»	NKJV
«عصبانی شدند»	NRSV
«خشمگین شدند»	TEV
«این مسئله آنها را آتشی کرد»	NJB

۳۳:۵

NASB

«خشمگین شدند»

NKJV

«عصبانی شدند»

NRSV

«خشمگین شدند»

TEV

«این مسئله آنها را آتشی کرد»

NJB

این اصطلاح از لحاظ لغوی به معنی "بریدن با اره" یا "دندان قروچه کردن" است. همین اصطلاح به همین شکل در ۷: ۵۴ نیز بکار رفته که در آن عبارت "دلریش شدن" معنای استعاری کامل اصطلاح را نشان می دهد (ر.ک. لوقا ۲: ۳۵). این اصطلاح قوی (*diaprio*) در معنا، شباهت به ۲: ۳۷ الف دارد.

□ «ایشان را به قتل رسانند» یک وجه وصفی میانی ناکامل که دلالت دارد بر اینکه (۱) آنان در این مرحله شروع به تلاش برای قتل رسولان کردند یا (۲) این یک نقشه و تمایل بازگشت کننده بود. از دانسته های ما در اعمال درباره رشد کلیسای اولیه، شماره ۱ گزینه بهتر است. توجه داشته باشید که این صدوقیان هستند که ابراز خشم می کنند و نیتشان قتل ایشان است. این امکان وجود دارد که فریسیان (مانند غمالائیل) کلیسای اولیه را به عنوان خار قابل استفاده ای برای سیخ زدن به صدوقیان می دانستند که قیامت را به طور کلی رد می کردند. فریسیان نمی خواستند قیام عیسی را تأیید کنند، ولی دیدگاه قیامت در زندگی آینده با خدا را تأیید می کردند.

برای خوانندگان امروزی کتاب مقدس، توطئه قتل توسط رهبران مذهبی تعجب آور است. به یاد داشته باشید که اینها صدوقیانی بودند که سرسپردگی به نوشته های موسی داشتند، که فرمان داد هر کس به خدا کفر گوید می بایست تا به حد مرگ سنگسار شود. این رهبران می اندیشیدند که از سوی خدا و در اطاعت از کلام او عمل می کنند (ر.ک. لوقا ۲۴: ۱۰-۱۶).

□ ۳۴:۵ «فریسیان» عنوان خاص زیر را ملاحظه کنید.

### عنوان خاص: فریسیان

سرمنشأهای ممکن این واژه عبارتند از:

- أ. "جدا شده". این گروه در طی دوران مکابیان شکل گرفت. (این دیدگاه بیش از سایرین مورد قبول است).
- ب. "تقسیم کردن". این معنای دیگر ریشه عبری واژه مزبور است. به گفته برخی معنای این واژه، مفسر بوده است (ر.ک. II تیمو. ۲: ۱۵).
- ج. "پارسی". این یکی دیگر از معنی ریشه آرامی است. برخی از آموزه های فریسیان دارای مشترکات زیادی با زرتشتیگری دو گانه پرست ایرانیان باستان است.

این گروه در دوران مکابیان از "*Hasidim*" (پرهیزگاران) شکل گرفت. گروههای متفاوت زیادی مانند اسن ها از واکنش ضدیونانیگری نسبت به آنتیوخوس چهارم ایپفانوس، سر بر آوردند. فریسیان نخستین گروهی است که در کتاب *Josephus' Antiquities of the Jews* 8: 5: 1-3 نام برده شده است.

آموزه های اصلی آنان عبارت بود از:

- أ. اعتقاد به آمدن ماشیح، که تحت تأثیر ادبیات مکاشفه ای یهود در دوران بین عهدین مانند I خونخ، بود.
- ب. فعال بودن خدا در زندگی روزمره، این آموزه مستقیماً در تقابل با آموزه صدوقیان بود. بسیاری از آموزه های فریسیان در نقطه مقابل آموزه های صدوقیان است.

- ج. زندگی جسمانی پس از مرگ بر اساس زندگی زمینی، که شامل پاداش یا مجازات می‌شد. این آموزه ممکن از از دان. ۱۲: ۲ ناشی شده باشد.
- د. اقتدار عهد عتیق و سنتهای سینه به سینه (*Talmud*). آنان هشیارانه از فرمانهای خدا در عهد عتیق بر اساس تفسیر و کاربرد متألهین و علمای یهود اطاعت می‌کردند (*Shammai* محافظه کار و *Hillel* لیبرال). تفسیر معلمان دینی یهود بر اساس گفتگوی میان معلمان دینی از دو فلسفه متفاوت بود که یکی محافظه کار و دیگری لیبرال بودند. این مباحثات شفاهی درباره معنای کلام خدا سرانجام به دو شکل نگاشته شد: تلمود بابلی و تلمود ناکامل فلسطینی. آنها معتقد بودند که موسی این تفسیرهای شفاهی را بر کوه سینا دریافت کرده است. آغاز تاریخی این مباحثات با عزرا و مردانی از "کنیسه بزرگ" (که بعدها به شورای عالی یهود معروف شدند)، بود.
- ه. فرشته شناسی بسیار پیشرفته. این آموزه شامل موجودات روحانی نیک و بد می‌شد و از دو گانه پرستی پارسیان و ادبیات یهودی میان دو عهد، شکل گرفت.

### عنوان خاص: غمالائیل

۱. نام او:

أ. معنی این اسم: "خدا پاداش دهنده من است"

ب. او به عنوان "شیخ" یا غمالائیل اول شناخته می‌شد تا وی را از یکی از منسوبین بعدی اش متمایز سازد. وی از رهبران فعال یهود بود.

۲. شخصیت او:

أ. براساس سنت و روایت، او نوه هیلل بود.

ب. سایر روایات بیان می‌داشتند که او وابستگیهایی به خاندان سلطنتی هیرودیس (اغریپاس اول) داشت.

ج. سنت و روایت بیان می‌دارد که او رئیس شورای عالی یهود بود، اما این احتمالاً اشاره به غمالائیل دوم است.

د. او یکی از محترمترین هفت معلم دینی یهود بود که عنوان "ربان" داشت.

ه. وی پیش از سال ۷۰ م. درگذشت.

۳. الهیات او:

أ. او یک معلم مورد احترام بسیار یهود بود.

ب. شهرت او بخاطر مراقبت از یهودیان پراکنده دیاسپورا و تسلط ماندگارش بر ایشان بود.

ج. او بخاطر توجه به طبقه اجتماعی که حق و امتیازی نداشتند نیز شهرت داشت (*Takkonot* او اغلب با "برای انسانیت" آغاز می‌شد).

۱. یتیمان

۲. بیوه زنان

۳. زنان

د. او معلم و مربی پولس رسول در اورشلیم بود (ر. ک. اعمال ۲۲: ۳).

ه. در اعمال ۵: ۳۳-۳۹ مشورت پرفراست و حکیمانه‌ای درباره چگونگی مقابله با کلیسای اولیه در فلسطین ارائه می‌دهد.

و. این معلم یهود چنان مورد عزت و احترام بود که به هنگام مرگش درباره وی گفته شد: "هنگامی که ربان غمالائیل شیخ درگذشت، وقفه ای در فرّ و جلال تلمود ایجاد شد و پاکی و قداست (در اصل: "جدایی") نابود گشت" (*Sot. 9: 15*), بر گرفته از *Encyclopedia*

*Judaica*، جلد ۷، ص. ۲۹۶).

ز. باید اظهار داشت که نیت غمالائیل در این مورد مشخص نیست. امکان دارد او از حکمت فریسیان در تقابل با تأثیرپذیری آنی صدوقیان

دفاع کرده باشد. این دو فرقه قدرتمند یهودی در هر موقعیتی یکدیگر را می‌کوبیدند!

۵: ۳۶-۳۷ «تیودا ... یهودای جلیلی» یوسفوس نیز به همین دو اسم اشاره می کند (ر.ک. *Antiq.* 20.5.1). اما او ایشان را به ترتیب عکس نام می برد. اطلاعات بیشتر تاریخی نشان می دهد که دو نفر به این اسامی وجود داشتند که از گروه غیوران یهودی مخالف با روم بودند. بنابراین، هم عهد جدید و هم یوسفوس در این مورد دقت نظر دارند. شخص مورد اشاره غملائیل در سال ۶ م. سر به شورش برداشت در حالیکه فرد مورد اشاره یوسفوس در سال ۴۴ م. شورش کرد.

۵: ۳۷ «در ایام اسم نویسی» یوسفوس (ر.ک. *Antiq.* 18: 1:1؛ *Wars* 2:8:1) بازگو می نماید که اگوستوس فرمان داد مالیاتی اجباری از یهودیان گرفته شود، مدتی پس از آن ارکلائوس از پادشاهی معزول شد و کیرینیوس فرماندار سوریه گردید (حدود ۶-۷ م.). این اسم نویسی به مقصود گرفتن مالیات هر چهارده سال یکبار رخ می داد، ولی تکمیل آن سالها به طول می انجامید.

□ «یهودای جلیلی» یوسفوس چندین بار به او اشاره می کند (ر.ک. *Antiq.* 18.1.1-6; 20.5.2; *Wars* 2.8.:1; 2.17.8) و نیز در (9). قیام او حدوداً در سال ۶ یا ۷ م. رخ داد. او پایه گذار جنبش غیوران بود. غیوران (یوسفوس آنان را "فلسفه چهارم" می خواند و *Sicarii* (قاتلان) نیز احتمالاً از همین جنبش سیاسی بودند.

۵: ۳۸ "از این مردم دست بردارید و ایشان را واگذارید" چه مشورت شگفت انگیزی! این عبارت حاوی دو فعل امری معلوم نامعین است:

۱. *Aphistemi*، جدا شدن، کنار گذاشتن

۲. *Aphiemi*، روانه کردن، مرخص کردن

□ «اگر» جمله شرطی نوع سوم، به معنی عمل بالقوه است.

۵: ۳۹ «اگر» یک جمله شرطی نوع اول است که معمولاً بیانگر تأیید حقیقت می باشد اما در اینجا این معنا نمی تواند درست باشد. این نشانگر استفاده تحت اللفظی از یک شکل دستوری است.

□ «مبادا معلوم شود که با خدا منازعه می کنید» باید به یاد داشت که این رهبران مذهبی چنین می پندارند که از سوی خدا عمل می نمایند. همین واقعیت که غملائیل بیان می دارد امکان دارد آنها در اشتباه باشند، جمله ای تکان دهنده است (ر.ک. ۱۱: ۱۷).

#### متن مژده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۵: ۴۰-۴۲

۴۰ آنان به نصیحت او گوش دادند. رسولان را احضار کردند و پس از آنکه آنها را با شلاق زدند، به آنان اخطار کردند که باید از سخن گفتن به نام عیسی دست بردارند. سپس آنها را آزاد ساختند. ۴۱ پس رسولان چون خدا آنان را شایسته دانسته بود که به خاطر نام عیسی بی حرمتی ببینند شادی کنان از حضور شورا بیرون رفتند. ۴۲ و همه روزه در معبد بزرگ و در خانه‌ها به تعلیم و اعلام این مژده که عیسی، مسیح موعود است، ادامه دادند.

۵: ۴۰ «به سخن او رضا دادند» این عبارت در برخی از ترجمه‌ها در آیه ۳۹ گنجانده شده است (ر.ک. *NRSV*) و در سایر ترجمه‌ها (ر.ک. *NASB*, *NKJV*) در آیه ۴۰ آمده است. ترجمه‌های *TEV* و *NJB* آن را در آیه ۳۹ آورده اند، اما یک پاراگراف جدید شروع می کنند.

□ «تازیانه زدند» با تازیانه زدن رومی که عیسی تحمل کرد (*mastix* ر.ک. اعمال ۲۲: ۲۴-۲۵) متفاوت بود. این عبارت اشاره به چوب زدن یهودیان است (ر.ک. تث. ۲۵: ۳؛ *dero*، لوقا ۱۲: ۴۷-۴۸؛ ۲۰: ۱۰-۱۱؛ ۲۲: ۶۳) که بسیار دردناک بود ولی جان کسی را به خطر نمی انداخت.

مشکل تفسیری در اینجاست که از دو واژه یونانی اغلب به جای هم استفاده می شود. ترجمه هفتاد از تث. ۲۵: ۳، *mastix* است، ولی اشاره به تنبیه یهود می کند. لوقا به طور معمول از *dero* برای این چوب زدن کنیسه ای یهود استفاده می کند (در اصل به معنی "پوست کندن یک حیوان" است).

□ «قدغن نمودند که دیگر به نام عیسی حرف نزنند»: همین شورا این کار را پیشتر از آن هم کرده بودند (ر.ک. ۴: ۱۷، ۲۱). این بار ایشان را تازیانه زدند و هشدارشان را تکرار نمودند.

۵: ۴۱ عیسی درباره این گونه رفتار پیشگویی کرده بود (ر.ک. متی ۱۰: ۱۶-۲۳؛ لوقا ۱۲: ۱-۱۲؛ ۲۱: ۱۰-۱۹؛ یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۷؛ ۱۶: ۲-۴).

□ «شادخاطر رفتند از آنرو که شایسته آن شمرده شدند که بجهت اسم او رسوایی کشند» امروز به نظر ما که در جامعه ای زندگی می کنیم که شکنجه جسمی بسیار نادر است، این موضوع بغرنج به نظر می رسد، اما همین رفتار با اکثر ایمانداران در طول قرنها شده است.

عیسی به سادگی اظهار کرد که پیروانش رنج خواهند کشید. لطفاً متی ۵: ۱۰-۱۲؛ یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱؛ ۱۶: ۱-۲؛ ۱۷: ۱۴؛ اعمال ۱۴: ۲۲؛ روم ۵: ۳-۴؛ ۸: ۱۷؛ II قرن ۴: ۱۶-۱۸؛ فیل. ۱: ۲۹؛ I تسا. ۳: ۳؛ II تسا. ۳: ۱۲؛ یعقوب ۱: ۲-۴ را بخوانید. همچنین توجه داشته باشید که چگونه در I پطرس. رنجهای عیسی (ر.ک. ۱: ۱۱؛ ۲: ۲۱، ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۱، ۱۳؛ ۵: ۱) باید سرمشق پیروان او باشد (ر.ک. ۱: ۶-۷؛ ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۳-۱۷؛ ۴: ۱، ۱۲-۱۹؛ ۵: ۹-۱۰).

۵: ۴۲ «همه روزه در معبد بزرگ» شاهدان اولیه عیسی از سکوت کردن امتناع ورزیدند، حتی در قلب یهودیت یعنی در معبد اورشلیم.

□ «خانه ها» کلیسای اولیه جلسات خود را در خانه های شخصی در سراسر شهر برگزار می نمود (ر.ک. ۲: ۴۶). هیچ ساختمان کلیسایی تا چند صد سال بعد وجود نداشت.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر از اعمال ۳-۵

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فراویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا رسولان اینهمه مدت در یهودیه باقی ماندند؟

۲. عنوان عیسی و معانی آنها را که در باب ۳ آمده فهرست بندی کنید.

۳. دو موردی که در نجات، حداقل شرایط هستند کدامند؟

۴. چرا در عهد جدید اغلب از موسی نقل قول می شود؟

۵. اهمیت عهد ابراهیمی برای کلیسای عهد جدید چیست؟

۶. چرا پطرس و یوحنا دستگیر شدند؟

۷. رئوس مطالب سومین موعظه پطرس را بنویسید.
۸. موضوع حائز اهمیت در دعای آیات ۲۴-۳۱ در چیست؟
۹. آیا برای پیروی واقعی از عهد جدید باید کمونیست بود؟ (ر.ک. ۴: ۳۲)
۱۰. دلایل اینکه لوقا روایت حانیا و سفیره را در کتاب اعمال گنجانیده، فهرست بندی کنید.
۱۱. آیا حانیا می دانست که پر از حضور شیطان شده است؟ آیا متوجه بود که به خدا دروغ می گوید؟
۱۲. چرا به نظر می رسد خدا اینقدر خشن است؟
۱۳. در مورد معجزات (خصوصاً شفاها) در روزگار حاضر چه فکر می کنید؟
۱۴. چرا صدوقیان تا این حد خشمگین شدند؟
۱۵. چرا فرشته رسولان را از زندان آزاد کرد؟
۱۶. رئوس مطالب موعظه چهارم پطرس را بنویسید. عناصر مشترک میان سایر موعظه های او در اعمال را فهرست بندی کنید.
۱۷. غملائیل که بود؟
۱۸. چرا مسیحیان باید در میانه رنجها شادی کنند؟



**کارهای رسولان فصل ۶**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
انتصاب هفت نفر	هفت یاری دهنده	گزینش هفت نفر	هفت برگزیده برای خدمت	تعیین هفت نفر
۶-۱:۶	۴-۱:۶	۷-۱:۶	۷-۱:۶	۶-۱:۶
۷:۶	۶-۵:۶			۷:۶
بازداشت استیفان	بازداشت استیفان	موعظه و شهادت استیفان (۶:۷-۸:۲ الف)	اتهام استیفان به کفرگویی	بازداشت استیفان
۱۵-۸:۶	۱۵-۸:۶	۶:۸-۷:۲ الف	۱۵-۸:۶	۱۵-۸:۶

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**  
**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

**بینشهایی بر اساس قرائن متن**

- أ. بابهای ۶ و ۷ شیوه ادبی/تاریخی لوقا برای شروع بحث درباره خدمت به غیریهودیان است.
- ب. کلیسای اورشلیم به سرعت رشد کرده بود (ر.ک. ۱:۶).
- ج. کلیسا از یهودیان فلسطینی که آرامی زبان بودند و یهودیان دیاسپورا که یونانی زبان بودند، تشکیل می شد.

**مطالعه واژگان و عبارتها**

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۶: ۱-۶

۱ در آن زمان که تعداد شاگردان زیادتر می‌شد یهودیان یونانی زبان از یهودیان عبری زبان شکایت کردند که در تقسیم خوراک روزانه، بیوه زنهای یونانی زبان از نظر دور می‌مانند. ۲ پس آن دوازده رسول کلیه شاگردان را احضار کردند و گفتند: «شایسته نیست ما به‌خاطر رسانیدن غذا به دیگران از اعلام کلام خدا غافل بمانیم. ۳ پس ای برادران، از میان خودتان هفت نفر از مردان نیک نام و پر از روح‌القدس و با حکمت را انتخاب کنید تا آنان را مأمور انجام این وظیفه بنماییم ۴ و اما ما وقت خود را صرف دعا و تعلیم کلام خدا خواهیم نمود.» ۵ این پیشنهاد مورد قبول تمام حاضران در مجلس واقع شد و استیفان مردی پر از ایمان و روح‌القدس و فیلیپس، پرخروس، نیکانور، تیمون، پرمیناس و نیکلاوس را که قبلاً به دین یهود گرویده و اهل انطاکیه بود، برگزیدند. ۶ این عده به رسولان معرفی شدند و رسولان دست بر سر آنان گذارده برای آنها دعا کردند.

۶: ۱ «شاگردان» در اصل "یادگیرندگان" از *manthano*. نکته مهمی که باید در عهد جدید دریافت آن است که تأکید آن بر "شاگرد شدن" است (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹)، نه صرفاً گرفتن یک تصمیم. این گونه معرفی ایمانداران در اناجیل و اعمال یگانه است. در رسالات برای معرفی پیروان عیسی از واژه های "برادران" و "مقدسان" استفاده می‌شود.

□ «تعداد ... زیادتر می‌شد» یک وجه وصفی معلوم در زمان حال. رشد همواره ایجاد تنش می‌کند.

□ «شکایت» این واژه به معنی "آرام و خصوصی صحبت کردن" است (Moulton, *Analytical Lexicon*, p. 81). این واژه چندین بار در کتاب خروج بکار رفته و توصیف کننده دوران سرگردانی در بیابان است (ر.ک. خرو. ۱۶: ۷۷، ۱۷: ۳؛ همچنین اعد. ۱۱: ۱۴؛ ۲۷). یک جریان پنهان از نارضایتی وجود داشت. همین واژه را می‌توان در لوقا ۵: ۳۰ و چند بار نیز در یوحنا (ر.ک. ۶: ۴۱، ۴۳، ۶۱؛ ۷: ۱۲، ۳۲) یافت.

□ «یهودیان یونانی زبان از یهودیان عبری زبان» اشاره به یهودیان ایماندار است که برخی فلسطینی و آرامی زبان و برخی اهل دیاسپورا و یونانی (Koine Greek) زبان بودند. یقیناً در این میان اختلافات فرهنگی و نژادی نیز وجود داشته است.

□ «تقسیم خوراک روزانه» کلیسای اولیه از الگوهای کنیسه ای پیروی می‌کرد. هر هفته مبالغی (یعنی صدقه‌ها) برای خوراک دادن به فقرا جمع می‌شد. این پول برای خرید خوراک به مصرف می‌رسید، کنیسه‌ها هفته ای یکبار آن را پخش می‌کردند و کلیسا هر روز به این کار مبادرت می‌ورزید. ر.ک. به عنوان خاص: صدقه دادن در ۳: ۲.

از بررسی تاریخ چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از خانواده های یهودی که در کشورهای دیگر زندگی و کار می‌کردند، در اواخر عمر پدر خانواده به فلسطین بازمی‌گشتند تا او این افتخار را بیابد که در سرزمین موعود دفن شود. بنابراین، شمار بیوه زنان در فلسطین، خصوصاً در منطقه اورشلیم بسیار زیاد بود.

در آیین یهود، توجه به فقرا، غریبان و بیوه زنان امری نهادینه (عهد موسوی) شده بود (ر.ک. خرو. ۲۲: ۲۱-۲۴؛ تث. ۱۰: ۱۸؛ ۲۴: ۱۷). نوشته های لوقا نشان می‌دهد که عیسی نیز از بیوه زنان حمایت می‌کرد (ر.ک. لوقا ۷: ۱۱-۱۵؛ ۱۸: ۷-۸؛ ۲۱: ۱-۴). لذا طبیعی بود که کلیسای اولیه با الگوگیری از خدمات اجتماعی کنیسه‌ها و تعالیم عیسی، توجه آشکاری نسبت به بیوه زنان کلیسا داشته باشد.

۶: ۲ «آن دوازده» این عنوان دسته جمعی رسولان در کتاب اعمال است. آنان نخستین همراهان عیسی در طی خدمات وی بر روی زمین بودند که به طور خاص برگزیده شدند و از جلیل آغاز کردند.

□ «**جماعت شاگردان را طلبیده**» مشخص نیست که معنی دقیق این جمله چیست، از این نظر که کلیسا از چند هزار تن در آن برهه از زمان تشکیل شده بود، و لذا هیچ خانه یا موسسه ای برای جای دادن این تعداد زیاد کفایت نمی کرد. این اجتماع حتماً در خود معبد، و احتمالاً در ایوان سلیمان تشکیل شده است (ر.ک. ۳: ۱۱؛ ۵: ۱۲).

این نخستین نمونه از شیوه اداره جماعتی است (ر.ک. آیات ۳، ۵: ۱۵؛ ۲۲). شیوه مزبور یکی از سه شیوه کتاب مقدسی است که کلیسای نوین خود را مطابق آن سازمان دهی می کند: (۱) اسقفی (یک رهبر فوقانی)؛ (۲) پرزبیتری (یک گروه رهبری)؛ و (۳) جماعتی (تمامی بدنه ایمانداران). هر سه شیوه در اعمال ۱۵ آمده است.

□ «**شایسته نیست که ما کلام خدا را ترک کرده، مائدها را خدمت کنیم**» این کلام برای بی قدر کردن خدمت نیست بلکه آغاز احساس نیاز برای تقسیم مسئولیت میان قوم خداست. مسئولیتهایی که پست و مقام نبودند بلکه فعالیتهای نیابتی محسوب می شدند. اعلام انجیل می باید بر خدمات مورد نیاز، تفوق داشته باشد. رسولان برای انجام مأموریتشان به گونه ای منحصر به فرد خوانده شده بودند و صلاحیت داشتند. هیچ چیز نباید مانع انجام مأموریت ایشان می شد. این خدمت نیز طلب وقت و انرژی می کرد و ضرورت داشت.

واژه "خدمت" واژه رایج یونانی برای سرویس دادن یعنی *diakonia* است. متأسفانه بسیاری از مفسرین معاصر به منظور یافتن رهنمودهای وظایف شماسان (ر.ک. فیل. ۱: ۱؛ I تیمو. ۳: ۸-۱۰، ۱۲-۱۳) از این متن برای تعریف این خدمت استفاده کرده اند. اما، اینها "شماس" نبودند؛ بلکه واعظان/خادمین عامی ناویژه کار بودند. تنها تفسیر نا بهنجار (eisegesis) است که می تواند شماسان را در اعمال ۶ بیابد. موضوع جالب توجه برای من این است که چگونه کلیسای اولیه بدون وجود ساختمان، خدمت خود را هدایت می کرد.

۱. آنان حتماً در معبد بزرگ با هم جمع می شدند.

۲. روزهای سبت، یقیناً در کنیسه های محلی شان حضور داشتند و روزهای یکشنبه نیز در خانه های ایمانداران جمع می شدند.

در طی هفته (روزهای هفته) رسولان از خانه یک ایماندار به خانه ایماندار دیگر جابجا می شدند (ر.ک. ۲: ۴۶).

۳: ۶

NASB, NRSV «**برگزینید**»

NKJV «**بیابید**»

TEV «**انتخاب کنید**»

NJB «**باید بیابید**»

یک فعل امری میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم) نامعین. برای نایل شدن به یک دلی و اتحادی دوباره، باید کاری انجام می شد. این مسئله جزئی توان بالقوه ای برای تأثیرگذاری بر پیشرفت انجیل داشت. بنا بر ضرب المثل امروزی: "آن را از ریشه کنند!"

□ «**هفت نفر**» دلیلی برای انتخاب این عدد وجود نداشت مگر اینکه عدد هفت اغلب در عهد عتیق، بخاطر ارتباطش با هفت روز آفرینش (ر.ک. پید. ۱؛ مز. ۱۰۴)، نمادی از کاملیت بود. در عهد عتیق پیش نیازی برای همین روند تشکیل رهبری رده دوم وجود دارد (ر.ک. اعد. ۱۸).

۳: ۶

NASB, NJB «**با سابقه ای نیکو**»

NKJV «**دارای سابقه ای نیکو**»

NRSV «**شایستگی و نکونامی**»

تفاوت میان ترجمه‌های مختلف، بازتاب دو کاربرد متفاوت این اصطلاح است:

۱. "شهادت دادن به" یا فراهم کردن اطلاعات درباره (ر.ک. TEV, NIV)
۲. "خوب گفتن از کسی" (ر.ک. لوقا ۴: ۲۲).

۶: ۳ «پرواز روح القدس» در کتاب اعمال چندین بار به پر شدن از روح القدس اشاره شده که معمولاً مربوط به آن دوازده شاگرد و خدمات موعظه/تعلیم/دست‌یاری ایشان می‌گردد. این پری به علامت قدرت برای خدمت است. حضور روح القدس در زندگی شخص قابل تشخیص است. شواهد آن در برخورد، رفتار و موثر بودن شخص دیده می‌شود. کسانی که کلیسا برمی‌گزیند تا در حل این مشکل یاری دهند، هرگز در حال انجام این خدمت توصیف نشده‌اند بلکه شرح موعظه ایشان به انجیل در ادامه اعمال آمده است. بیوه زنان حائز اهمیت بودند، اما اعلام انجیل اولویت داشت (ر.ک. آیه ۴). در مورد "پری" به یادداشت کاملتر ۲: ۴ و ۳: ۱۰ مراجعه کنید.

#### □ «و حکمت» دو نوع حکمت وجود دارد:

۱. درک معرفت
۲. زندگی حکیمانه

این هفت نفر هر دو را داشتند!

□ «تا آنان را مأمور انجام این وظیفه بنماییم» آنها دارای مأموریتی وظیفه-محور بودند. این متن را نمی‌توان برای اثبات آنکه شماسان مسئول انجام امور اداری و حرفه‌ای (ترجمه KJV: "مهم") کلیسا هستند، به کار برد! واژه "وظیفه" (*chaomai*) یعنی "نیاز"، نه "منصب" (Alfred Marshall, *RSV Inerlinear*, p. 468).

#### ۶: ۴ «خود را ... خواهیم سپرد» این اصطلاح یونانی به معانی مختلفی به کار می‌رود:

۱. برای همبستگی نزدیک با کسی، اعمال ۸: ۱۳
۲. برای خدمت شخصی به کسی، اعمال ۱۰: ۷
۳. برای سرسپردگی پایدار به چیزی یا کسی
  - a. شاگردان اولیه نسبت به همدیگر و به دعا، اعمال ۱: ۱۴
  - b. شاگردان اولیه نسبت به تعلیم رسولان، اعمال ۲: ۴۲
  - c. شاگردان اولیه نسبت به همدیگر، اعمال ۲: ۴۶
  - d. رسولان به خدمت دعا و کلام، اعمال ۶: ۴ (پولس از همین واژه برای فراخواندن ایمانداران به پایداری در دعا استفاده می‌کند، روم. ۱۲: ۱۲؛ کول. ۴: ۲).

□ «دعا و تعلیم کلام» این عبارت به منظور تأکید، در بخش اول جمله یونانی قرار دارد. آیا این امر که آن "هفت نفر" نخستین کسانی بودند که پیش خدمت جهانی انجیل را یافتند و نه رسولان، تناقض آمیز نیست؟ آن "هفت نفر" بودند که موعظه شان موجب جدایی از یهودی‌گری شد، نه رسولان.

۶: ۵ «استیفان» نام او به معنی "تاج فاتح" است. هر یک از آن "هفت نفر" نام یونانی داشتند، ولی اکثر یهودیان دیاسپورا دارای یک اسم عبری و یک اسم یونانی بودند. اسامی آنها به خودی خود نشان نمی‌داد که همگی آنان یهودیان یونانی زبان بوده باشند. منطبق چنین حکم می‌کند که در میان آنان از هر دو گروه مورد نظر کسانی بوده‌اند.

□ «**پراز ایمان**» واژه ایمان از واژه ای در عهد عتیق (*emeth*) آمده که در اصل به معنی کسی بود که پاهایش در وضعیت پایداری هستند. کم کم معنای استعاری کسی که امین، وفادار، قابل اتکا و وظیفه شناس است به خود گرفت. در عهد جدید این واژه در مورد پاسخ ایماندار به وعده خدا از طریق مسیح به کار می رود. ما به معتمد بودن او اعتماد داریم! به وفاداری اش ایمان داریم. استیفان به قابل اعتماد بودن خدا اطمینان داشت، بنابراین منش او از شخصیت خدا شکل گرفت (یعنی: پراز ایمان و وفاداری بود).

□ «**پراز ... روح القدس**» خدمت روح القدس را می توان با عبارات فراوانی توصیف کرد:

۱. جذب کنندگی روح القدس (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵)
۲. تعمید روح القدس (ر.ک. I قرن. ۱۲: ۱۳)
۳. ثمره روح القدس (ر.ک. غلا. ۵: ۲۲-۲۳)
۴. عطایای روح القدس (ر.ک. I قرن. ۱۲)
۵. پر شدن از روح القدس (ر.ک. افس ۵: ۱۸).

پُر شدن از روح القدس دو مفهوم دارد: (۱) شخص نجات یافته است (ر.ک. روم. ۸: ۹) و (۲) شخص بوسیله روح القدس هدایت می شود (ر.ک. روم. ۸: ۱۴). به نظر می رسد که "پر بودن" شخص از روح القدس مربوط به پر شدن پیوسته وی باشد (فعل حال امری مجهول از افس. ۵: ۱۸).

□ «**فیلیپس**» در عهد جدید چند فیلیپس وجود دارد. این فیلیپس، یکی از آن هفت نفر بود. معنی نام او "دوستدار اسب" است. خدمت او در اعمال ۸ بازگو شده است. او وسیله ای برای بیداری روحانی در سامره بود و به صاحب منصب دولت اتیوپی بشارت فردی داد. در اعمال ۲۱: ۸ به او لقب "مبشر" داده شده و دخترانش نیز در خدمت، فعال بودند (آنها نبیه خوانده شده اند، ر.ک. اعمال ۲۱: ۹).

□ «**پُرْخُروس**» از وی اطلاع کمی در دست است. در کتاب *The International Standard Bible Encyclopedia* جلد چهارم، James Orr (مؤلف اظهار می دارد که او اسقف نیکومدیا شد و در انطاکیه شهید گردید (ص. ۲۴۵۷).

□ «**نیکانور**» در تاریخ کلیسا چیزی از وی در دست نیست. نام او یونانی، و به معنی "فاتح" است.

□ «**تیمون**» در تاریخ کلیسا چیزی از وی در دست نیست. نام او یونانی، و به معنی "محترم" است.

□ «**پرمیناس**» این اسم کوتاه شده *Parmenides* است. سنت و روایت کلیسا چنین می گوید که وی در فیلیپی در دوره سلطنت تارجان شهید شد (ر.ک. *The International Standard Bible Encyclopedia*، جلد ۴، صفحه: ۲۲۴۸).

□ «**نیکلاوس ... که قبلاً به دین یهود گرویده و اهل انطاکیه بود**» اطلاعات بیشتری که درباره این فرد داده شده به این دلیل است که او و لوقا احتمالاً هموطن بوده اند. گرویدن به دین یهود شامل انجام سه آیین می شد: (۱) فرد می بایست خود را در حضور چند شاهد تعمید بدهد؛ (۲) شخص مورد نظر اگر مرد بود، باید ختنه می شد؛ و (۳) در صورت وجود موقعیت، شخص می بایست یک قربانی در معبد بزرگ تقدیم می کرد.

در تاریخ کلیسا نسبت به این شخص اغتشاشهایی وجود داشته است، زیرا گروهی با همین نام در مکاشفه ۲: ۱۴-۱۵ مورد اشاره قرار گرفته اند. برخی از پدران کلیسای اولیه (*Irenaeus* و *Hippolytus*) پنداشته اند که او موسس این گروه بدعتگذار بوده است. اکثریت پدران کلیسا که به این تشابه اسمی اشاره کرده اند، بر این عقیده اند که گروه مزبور احتمالاً کوشیده اند که از نام وی برای اثبات این موضوع که موسس گروهشان یکی از رهبران کلیسای اورشلیم بوده، سوءاستفاده کنند.

۶: ۶ «دست بر ایشان گذاشتند» مفهوم ضمنی دستوری این است که تمامی کلیسا بر ایشان دست گذاشتند (ر.ک. ۱۳: ۱-۳)، هرچند ضمیر مورد اشاره مبهم است.

کلیسای کاتولیک روم از متونی مانند این برای اثبات نیابت رسولان استفاده می‌کند. ما در کلیسای تعمیدی، از متونی مانند این متن برای اثبات برگماری (تخصیص افراد برای خدمتی مشخص) استفاده می‌کنیم. اگر این امر حقیقت داشته باشد که همه ایمانداران، خادمین فراخوانده شده و عطا یافته هستند (ر.ک. افس ۴: ۱۱-۱۲)، آنگاه تمایزی در عهد جدید میان روحانیون و عامه مردم در کلیسا وجود ندارد. نخبه سالاری برپا شده و رواج یافته توسط سنتهای کلیسایی بدون اساس کتاب مقدسی نیازمند بررسی دوباره در پرتو عهد جدید هستند. دستگذاری ممکن است به علامت کارکرد یا اعطای مأموریت باشد، اما متضمن هیچگونه مقام و منزلت خاصی نیست. بسیاری از سنتهای فرقه‌ای ما، اساسی تاریخی یا فرقه‌ای دارند و دارای حکم یا تعلیم کتاب مقدسی روشنی نیستند. سنت مشکل ساز نیست مگر اینکه در حد اقتدار کتاب مقدسی بالا برده شود.

### عنوان خاص: گذاشتن دستها (دستگذاری) در کتاب مقدس

دستگذاری اشخاص به منظور دخیل بودن شخص (در خدمتی)، به شیوه‌های مختلفی در کتاب مقدس مورد استفاده قرار می‌گیرد:

۱. منتقل کردن رهبری خانواده (ر.ک. پید. ۴۸: ۱۸)
  ۲. همسان سازی با مرگ یک حیوان قربانی به عنوان جایگزین  
أ. کاهنان (ر.ک. خرو. ۲۹: ۱۰، ۱۵، ۱۹؛ لآو. ۱۶: ۲۱؛ اعد. ۸: ۱۲)  
ب. عامه مردم (ر.ک. لآو. ۱: ۴؛ ۲: ۸؛ ۴: ۴؛ ۱۵: ۲۴؛ II توآ. ۲۹: ۲۳)
  ۳. جدا کردن افراد برای خدمت خدا در یک مأموریت یا مسئولیت خاص (ر.ک. اعد. ۸: ۱۰؛ ۲۷: ۱۸؛ ۲۳: ۲۳؛ تث. ۳۴: ۹؛ اعمال ۶: ۶؛ ۱۳: ۳؛ I تیمو. ۴: ۱۴؛ ۵: ۲۲؛ II تیمو. ۱: ۶)
  ۴. شرکت داشتن در سنگسار قانونی یک گناهکار (ر.ک. لآو. ۲۴: ۱۴)
  ۵. دریافت برکت شفا، شادمانی و خداپرستی (ر.ک. متی ۱۹: ۱۳؛ مرقس ۱۰: ۱۶)
  ۶. در ارتباط با شفای جسمی (ر.ک. متی ۹: ۱۸؛ مرقس ۵: ۲۳؛ ۶: ۵؛ ۷: ۳۲؛ ۸: ۲۳؛ ۱۶: ۱۸؛ لوقا ۴: ۴۰؛ ۱۳: ۱۳؛ اعمال ۹: ۱۷؛ ۲۸: ۸)
  ۷. دریافت روح القدس (ر.ک. اعمال ۸: ۱۷-۱۹؛ ۹: ۱۷؛ ۱۹: ۶)
- در متون تاریخی مورد استفاده در پشتیبانی از انتصاب کلیسایی رهبران (برگماری/دستگذاری) عدم یگانگی چشمگیری وجود دارد.
۱. در اعمال ۶: ۶، رسولان بر آن هفت نفر برای خدمت محلی شان دست می‌گذارند.
  ۲. در اعمال ۱۳: ۳، انبیا و معلمین هستند که بر برنابا و پولس برای خدمت بشارت دست می‌گذارند.
  ۳. در I تیمو. ۴: ۱۴ مشایخ محلی در خوانده شدن و انتصاب اولیه تیموتائوس دخیل بودند
  ۴. در II تیمو. ۱: ۶ پولس است که بر تیموتائوس دست می‌گذارد.
- این تنوع و گنگی معنا، نمایانگر عدم سازماندهی در کلیسای قرن اول میلادی است. کلیسای اولیه بسیار پویا بود و معمولاً از عطایای روحانی ایمانداران بهره می‌برد (ر.ک. I قرن. ۱۴). واقعیت این است که عهد جدید برای حمایت یا ترسیم یک الگوی دولتی یا روند انتصاب و دستگذاری نوشته نشده است.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۶: ۷

۷ پیام خدا پیوسته در حال انتشار بود و در اورشلیم تعداد شاگردان بسیار افزایش یافت و بسیاری از کاهنان نیز ایمان به مسیح را پذیرفتند.

۶: ۷ «کلام خدا» اشاره به انجیل عیسی مسیح است. زندگی، مرگ، قیام و تعلیم عیسی درباره خدا از دیدگاه جدید پیمان قدیم (ر.ک. متی ۵: ۱۷-۴۸). عیسی کلام خداست (ر.ک. یوحنا ۱: ۱؛ ۱۴: ۶). مسیحیت عبارت است از یک شخصیت!

□ «پیوسته در حال انتشار بود» هر سه فعل در آیه ۷ ناکامل هستند. این یک موضوع مرکزی اعمال است. کلام خدا بوسیله پیمان جدید اعتماد مردم به مسیح و شریک شدن ایشان در قوم جدید خدا منتشر می شد (ر.ک. ۶: ۷؛ ۱۲: ۲۴؛ ۱۹: ۲۰). امکان دارد این کنایه ای به وعده های خدا به ابراهیم درباره رشد عددی خاندان او باشد، که قوم خدا در پیمان قدیم بودند (ر.ک. ۷: ۱۷؛ پید. ۱۷: ۴-۸؛ ۱۸: ۱۸؛ ۲۸: ۳؛ ۳۵: ۱۱).

□ «گروه عظیمی از کهنه مطیع ایمان شدند» این یکی از دلایل آشفتنگی رهبران یهود (یعنی صدوقیان) نسبت به مسیحیت بود. کسانی که عهد عتیق را بخوبی می دانستند، مجاب می شدند که عیسی ناصری حقیقتاً همان ماشیح موعود است. در هسته مرکزی یهودیان شکافی ایجاد می شد! عبارات خلاصه کننده درباره رشد، ممکن است کلیدی برای ساختار این کتاب باشند (ر.ک. ۹: ۳۱؛ ۱۲: ۲۴؛ ۱۶: ۵؛ ۱۹: ۲۰؛ ۲۸: ۳۱).

□ «ایمان» این واژه دارای معانی ضمنی متمایزی است: (۱) زمینه عهد عتیقی آن به معنی "وفاداری" یا "قابل اعتماد بودن" است؛ بنابراین، موارد استفاده آن: ایمان ما به امانتداری خدا یا اعتماد ما به معتمد بودن خدا می باشد؛ (۲) پذیرش ما یا دریافت نمودن عرضه رایگان خدا در مورد آموزش در مسیح؛ (۳) زندگی با ایمان و خداشناسانه؛ یا (۴) جنبه عمومی ایمان مسیحی یا حقیقت آموزه ای درباره عیسی (ر.ک. روم. ۱: ۵؛ غلا. ۱: ۲۳؛ و یهودا ۳، ۲۰). در متون گوناگون مانند II تسلا. ۳: ۲ دشوار است که دریابیم منظور پولس کدامیک از معانی بالا بوده است.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۶: ۸-۱۵

۸ استیفان پر از فیض و قدرت، به انجام نشانه‌ها و عجایب عظیم در میان قوم یهود پرداخت. ۹ تعدادی از اعضای کنیسه‌ای به نام کنیسه «آزادگان» مرکب از قیروانیان و اسکندرانیان و همچنین اهالی قلیقیه و استان آسیا پیش آمدند و با استیفان به مباحثه پرداختند. ۱۰ اما استیفان چنان با حکمت و قدرت روح سخن می گفت که آنها نتوانستند در برابرش مقاومت نمایند. ۱۱ بنابراین چند نفر را وادار کردند که بگویند «ما شنیدیم که استیفان نسبت به موسی و خدا سخنان کفرآمیز می گفت». ۱۲ و به این ترتیب آنها مردم و مشایخ و علما را تحریک کردند و بر استیفان هجوم آوردند و او را دستگیر نموده نزد شورا بردند ۱۳ و چند نفر شاهد دروغ را آوردند و آنان گفتند: «این شخص همیشه برخلاف این مکان مقدس و شریعت موسی سخن می گوید، ۱۴ زیرا ما با گوش خود شنیدیم که او می گفت: عیسی ناصری این مکان را خراب می کند و سنت‌هایی را که موسی به ما سپرده است تغییر خواهد داد.» ۱۵ در این هنگام همه اعضای شورا که به استیفان خیره شده بودند، دیدند که صورت او مانند صورت یک فرشته می درخشید.

□ ۶: ۸ «پر از فیض و قدرت» "پر از فیض" اشاره به برکت خدا در زندگی و خدمتش است. اصطلاح "قدرت" مربوط می شود به عبارت بعدی، "آیات و معجزات عظیم...از او ظاهر می شد".

□ «آیات و معجزات عظیمه ... از او ظاهر می شد» یک فعل غیر کامل (مانند آیه ۷) است. احتمالاً اینها پیش از گزینش او به عنوان یکی از آن هفت نفر روی داده بود. پیام انجیلی که استیفان اعلام می داشت به طور پیوسته توسط شخصیت (پر از فیض) و قدرت (آیات و معجزات) او تثبیت می شد.

۶: ۹ «تعدادی از ... همچنین از اهالی ...» پرسشی در مورد تفسیر این امر که چند گروه بر علیه استیفان برخاستند وجود دارد:

۱. یک کنیسه (مردانی از تمامی فهرست کشورهای یاد شده)

۲. دو کنیسه

۳. یهودیانی از قیروان و اسکندریه

۴. یهودیانی از قلیقبه و آسیا (پولس اهل قلیقبه بود)

۵. یک کنیسه، اما دو گروه

۶. پنج کنیسه مجزا از هم

حرف اضافه جمع مذکر ملکی یونانی (*to-n*) دو بار تکرار شده است.

□ «که مشهور است به...» دلیل آوردن این عبارت آن است که اصطلاح "آزادگان (لیبرتینان)" واژه ای لاتینی است؛ بنابراین، می بایست برای روشن شدن آن، تفسیری ارائه می شد. ظاهراً اینها یهودیانی بودند که به سرزمینهای دیگر به عنوان برده و غلام (نظامی یا اقتصادی) برده شده بودند، اما اکنون به عنوان افراد آزاد به فلسطین بازگشته بودند، هرچند هنوز زبان یونانی (Koine Greek) زبان اول ایشان بود.

۶: ۱۰ پیام انجیل استیفان فقط توسط نشانه های پر قدرت تأیید نمی شد، بلکه ظاهراً از لحاظ منطقی نیز مجاب کننده بود. باب ۷ نمونه ای از موعظه اوست.

□ «روح» در متن یونانی روشی برای تمایز حروف درشت وجود ندارد؛ بنابراین، مورد مزبور بر اساس تفسیر مترجمین آمده است. روح می تواند اشاره به روح القدس (در زبان انگلیسی با "S")، یا روح انسان ("s" در انگلیسی) باشد (ر.ک. ۷: ۵۹؛ ۱۷: ۱۶؛ ۱۸: ۲۵؛ روم. ۱: ۹؛ ۸: ۱۶؛ I قرن. ۲: ۱۱؛ ۵: ۴؛ ۱۶: ۱۸؛ II قرن. ۲: ۱۳؛ ۷: ۱۳؛ ۱۲: ۱۸؛ غلا. ۶: ۱۸؛ فیلی. ۴: ۲۳). شاید این عبارت، اشاره به امثال ۲۰: ۲۷ باشد.

۶: ۱۱ «پس چند نفر را بر این داشتند که بگویند» اصطلاح "براین داشتند" می تواند به معانی زیر باشد: (۱) رشوه دادن (ر.ک. Louw and Nida, *Lexicon*, جلد اول، ص. ۵۷۷-۵۷۸) یا (۲) توطئه پنهانی (ر.ک. Bauer, Arndt, Gingrich and Danker, *A Greek-English Lexicon*, ص. ۸۴۳). این همان شگردی است که علیه عیسی (ر.ک. متی ۲۶: ۶۱) و پولس (ر.ک. اعمال ۲۱: ۲۸) مورد استفاده قرار گرفت. ادعای آنان تخطی از خرو. ۲۰: ۷ بود که مجازات مرگ دربرداشت.

□ «این شخص را شنیدیم که به موسی ... سخن کفرآمیز می گفت» موعظه استیفان در اعمال ۷ پاسخی به این مدعاست. اعمال ۷ چه موعظه معمول انجیل توسط استیفان بوده باشد یا موعظه ای خاص به منظور پاسخ به این ادعای مشخص، امری است نامعلوم، اما استیفان احتمالاً اغلب از عهد عتیق برای اثبات مسیح بودن عیسی استفاده می کرد.

□ «نسبت به خدا» این یهودیان خدا را پس از موسی قرار می دادند! همین ساختار جمله بندی آنها نمایانگر مشکل ایشان در درک موضوع است. شریعت موسی نهایت و غایت قلمداد شده است.

۶: ۱۲ «مشایخ و کاتبان ... مجلس» عبارت "مشایخ و کاتبان" اغلب کوتاه شده اعضای شورای عالی یهود است که در اینجا به آن به عنوان "مجلس" اشاره شده است. این شورا نمادی از اقتدار مذهبی قوم یهود در دوره حکومت روم پیش از سال ۷۰ م. بود. شورای یهود از سه گروه تشکیل می شد: (۱) کاهن (کاهنان) اعظم و خاندان او؛ (۲) ملاکان ثروتمند محلی و رهبران مدنی؛ و (۳) کاتبان محلی. جمعاً هفتاد رهبر از ناحیه اورشلیم در آن عضویت داشتند. ر.ک. عنوان خاص: شورای عالی یهود (سنهدرین) در ۴: ۵.

۶: ۱۳ «این شخص» شیوه ای سامی برای نشان دادن اهانت نسبت به کسی. این عبارت اغلب در مورد عیسی به کار می رفت.

□ «برخلاف این مکان مقدس و شریعت موسی سخن می گوید» این عبارت تعمیم ادعای وارده در آیه ۱۱ است که می تواند اشاره به تأیید استیفان بر سخنان عیسی درباره معبد بوده که در لوقا ۱۹: ۴۴-۴۸ به ثبت رسیده، و شاید هم متی ۲۶: ۶۱؛ ۲۷: ۴۰؛ مرقس ۱۴: ۵۸؛



۱۵: ۲۹؛ یوحنا ۲: ۱۹ (ر.ک. آیه ۱۴). عیسی خود را "معبد جدید"، مرکز جدید پرستش، مکان تازه خدا و انسان برای ملاقات می دید (ر.ک. مرقس ۸: ۳۱؛ ۹: ۳۱؛ ۱۰: ۳۴).

موعظه استیفان درباره آموزش کامل و رایگان در عیسی احتمالاً منشأ اتهام "برخلاف...شریعت موسی سخن می گوید" است. پیام انجیل "عهد موسوی" را در حد یک شاهد تاریخی در عوض راه نجات، پایین می آورد. برای یهودیان قرن اول، این تعلیم افراطی و کفرآمیز بود! زیرا حقیقتاً از درک رایج از عهد عتیق درباره یگانه پرستی، نجات و جایگاه بی همتای اسرائیل فاصله می گیرد.

۶: ۱۴ به یک معنا اتهام های آنان وارد بود! این دو اتهام برای به خروش آوردن صدوقیان ("این مکان را خراب می کند") و فریسیان ("سنتهایی که موسی به ما سپرده است تغییر خواهد داد") طراحی شده بودند.

□ «عیسای ناصری» ر.ک. عنوان خاص در ۲: ۲۲.

۶: ۱۵ «بر او چشم دوخته» این یک ابزار ادبی است که لوقا اغلب از آن استفاده می کند و به معنی توجه غیرمنقطع می باشد (ر.ک. لوقا ۴: ۲۰؛ ۲۲؛ ۵۶؛ اعمال ۱: ۱۰؛ ۳: ۴؛ ۱۲؛ ۶: ۱۵؛ ۷: ۵۵؛ ۱۰: ۴؛ ۱۱: ۶؛ ۱۳؛ ۹: ۱۴؛ ۹: ۲۳؛ ۱).

□ «صورت وی را مثل صورت فرشته دیدند» شاید این صحنه همتراز باشد با: (۱) صورت موسی که پس از ملاقات با YHWH می درخشید (ر.ک. خرو. ۳۴: ۲۹-۳۵؛ II قرن. ۳: ۷)؛ (۲) صورت و بدن عیسی که در طی تبدیل هیئت او می درخشید (ر.ک. متی ۱۷: ۲؛ لوقا ۹: ۲۹)؛ یا (۳) فرشته حامل پیام برای دانیال: ۱۰: ۵-۶. این شیوه ای استعاره برای اشاره به کسی است که در حضور خدا بوده است.

## پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا کلیسای اولیه بهترین افراد روحانی خود را برای خدمت تقسیم خوراک برگزید؟
۲. چرا تنش موجود به سرعت رشد می کرد؟
۳. هدف از دست گذاری چیست؟
۴. چرا استیفان مورد حمله و تهمت قرار گرفت؟

**کارهای رسولان فصل ۷**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
سخنرانی استیفان	سخنرانی استیفان	موعظه و شهادت استیفان (۶: ۸-۸: الف)	پیام استیفان درباره خوانده شدن ابراهیم	سخنرانی های استیفان
۸-۱: ۷	۱: ۷ ۸-۲: ۷		۸-۱: ۷	۸-۱: ۷
		۸-۲: ۷	پاتریارکها در مصر	
۱۶-۹: ۷	۱۶-۹: ۷	۱۶-۹: ۷	۱۶-۹: ۷	۱۶-۹: ۷
۲۲-۱۷: ۷	۲۲-۱۷: ۷	۲۲-۱۷: ۷	۳۶-۱۷: ۷	۲۲-۱۷: ۷
۲۹-۲۳: ۷	۲۹-۲۳: ۷	۲۹-۲۳: ۷		۲۹-۲۳: ۷
۴۳-۳۰: ۷	۴۳-۳۰: ۷	۴۳-۳۰: ۷		۴۳-۳۰: ۷
۴۳-۳۵: ۷	۳۸-۳۵: ۷	۴۳-۳۵: ۷	عصیان اسرائیل علیه خدا ۴۳-۳۷: ۷	
	۴۳-۳۹: ۷		خیمه راستین خدا	
۵۰-۴۴: ۷	۴۷-۴۴: ۷ ۵۰-۴۸: ۷	۵۰-۴۴: ۷	۵۰-۴۴: ۷ اسرائیل با روح القدس مقاومت می کند	۵۰-۴۴: ۷
۵۳-۵۱: ۷	۵۳-۵۱: ۷	۵۳-۵۱: ۷	۵۳-۵۱: ۷	۵۳-۵۱: ۷
سنگسار استیفان، شائول آزارگر	سنگسار استیفان		استیفان شهید	سنگسار استیفان
۸-۵۴: الف	۸-۵۴: الف	۸-۵۴: الف	۶۰-۵۴: ۷	۸-۵۴: الف

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

## بینشهایی بر اساس قرائن متن

- ا. سخنرانی استیفان در اعمال ۷ طولانی ترین سخنرانی ثبت شده در کتاب اعمال است. این سخنرانی زمینه ساختار الهیاتی درک پولس از ارتباط انجیل با عهد عتیق را می سازد و با پاسخ به دو اتهامی که بر وی وارد آمده، نشان می دهد که:
۱. خدا در بیرون از معبد نیز سخن گفته است.
  ۲. یهودیان همواره پیام خدا و مردان او را رد کرده اند و اکنون ماشیح را رد می کنند!
- ب. دفاعیه استیفان بر دل شائول طرسوسی و الهیات پولس اثر گذاشت.
- ج. استیفان بی وفایی پیوسته قوم یهود نسبت به عهد و مکاشفات خدا را در خارج از سرزمین وعده و به دور از معبد اورشلیم، که مرکز عبادت یهودیان در قرن اول میلادی بود، آشکار می سازد.
- د. قوم یهود مرتباً سخنگویان خدا را رد کرده بود و اینک همین کار را تکرار می نمود. آنان با خشونت عیسای ناصری را رد کرده بودند و حال می خواستند استیفان، شاهد وی را با خشونت رد کنند.
- ه. استیفان را همان گروهی که عیسی را متهم به کفرگویی کردند، با همان ادعاها محکوم کردند. درحالیکه استیفان را سنگسار می کردند، او چند جمله به تقلید از سخنان و رفتار عیسی بر صلیب، به زبان آورد. آیا این ابزار ادبی را لوقا به عمد مورد استفاده قرار می دهد؟ اینطور به نظر می رسد!
- و. چشم انداز استیفان درمورد ارتباط میان یهودیان و مسیحیان، زمینه آزار مسیحیان (ر.ک. ۸: ۱-۳) و نهایتاً جدایی (مثل نفرینهای سال ۷۰م.) میان این دو گروه را فراهم می آورد.
- ز. سخنرانی/دفاعیه/موعظه استیفان دارای جزئیات زیادی است که با عهد عتیق عبری متفاوت می باشد (او از ترجمه هفتاد نقل قول می کند). آیا پژوهشگران باید بکوشند از گفته استیفان دفاع کنند یا آن تفاوتها را به عنوان سنتهای یهود یا حتی خطاهای تاریخی تلقی نمایند؟ این سؤال، یک سو نگرسی احساسی و فکری مفسران کتاب مقدس را آشکار می سازد. به اعتقاد من کتاب مقدس حقیقت تاریخی دارد و افت و خیز مسیحیت بر وقایع کتاب مقدس است. اما ابتدای کتاب مقدس (پید. ۱-۱۱) و انتهای آن (کتاب مکاشفه) "تاریخ محض" نیستند! وقایعی که در این میان رخ داده اند به نظر من دقیق و صحیح هستند. این امر موجب می شود که توجه داشته باشیم گاهی عوامل زیر در این میان وجود دارند:
۱. اختلافاتی در اعداد
  ۲. اختلافاتی در سبک
  ۳. اختلافاتی در جزئیات
  ۴. شگردهای معلمان دین یهود در تفسیر (مثال: ترکیب دو یا چند متن)
- این عوامل تأثیری بر اعتقاد من بر دقت تاریخی یا قابل اعتماد بودن روایات کتاب مقدس، ندارند. شاید استیفان آنچه را که در مدرسه کنیسه آموخته بود، بازگو می کرد یا متون را برای هدفی که داشت تغییر می داد و شاید هم در جزئیات دچار اشتباه شده بود! از دست دادن پیام او با تمرکز بر یک یا دو مورد جزئی نشاندهنده حس تاریخ نگاری مدرن ما است و ارتباطی با احساس تاریخی نگری قرن اول میلادی ندارد.
- ح. رؤس مطالب بنیادین بازنگری تاریخی استیفان از اقدامات خدا نسبت به اسرائیل در باب ۷:
۱. پاتریارکها، آیات ۲-۱۶
  ۲. خروج از مصر و سرگردانی در بیابان، آیات ۱۷-۴۳
  ۳. خیمه اجتماع و معبد، آیات ۴۴-۵۰
  ۴. کاربرد این خلاصه گویی از عهد عتیق برای ایشان، آیات ۵۱-۵۳

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۱-۸**

۱ آنگاه کاهن اعظم پرسید: «آیا اینها راست می‌گویند؟» ۲ استیفان جواب داد: «ای برادران و ای پدران، توجّه بفرمایید، خدای پر جلال به پدر ما ابراهیم در وقتی که در بین‌النهرین سکونت داشت، یعنی قبل از مهاجرت به حرّان ظاهر شد ۳ و به او فرمود: 'وطن خود و بستگان را ترک کن و به سرزمینی که به تو نشان می‌دهم برو.' ۴ پس به این ترتیب از زمین کلدانیان عزیمت کرد و مدّتی در حرّان ماند و پس از مرگ پدرش، خدا او را از آنجا به سرزمینی که امروز شما در آن سکونت دارید منتقل ساخت. ۵ خدا حتّی یک وجب از آن سرزمین را به ابراهیم نداد. اما در همان وقت که او هنوز فرزندی نداشت به او قول داد، که او و بعد از او فرزندان او را مالک آن زمین بگرداند. ۶ پس خدا به این طریق به ابراهیم فرمود که فرزندان او مانند غریبه‌ها در یک سرزمین بیگانه زندگی خواهند کرد و مدّت چهارصد سال در بندگی و ظلم به سر خواهند برد. ۷ و خدا فرمود: 'اما من آن ملّتی را که قوم من بردگان آنها خواهند شد محکوم خواهم ساخت و بعد از آن آنان آزاد خواهند شد و مرا در همین مکان عبادت خواهند کرد.' ۸ در همین زمان خدا ختنه را به عنوان نشانهٔ پیمان خود به ابراهیم عطا کرد و به این ترتیب پس از تولّد اسحاق او را در روز هشتم ختنه کرد و اسحاق، یعقوب را، و یعقوب، دوازده فرزند خود را که بعدها هر کدام پدر یک طایفهٔ اسرائیل شدند.

۷: ۱ «کاهن اعظم» منظور قیافاست. ر.ک. به یادداشت ۴: ۶.

۷: ۲ «او گفت» دفاعیه استیفان شباهت زیادی به کتاب عبرانیان دارد. او به اتهامات وارده به دو روش پاسخ داد: (۱) قوم یهود در گذشته پیوسته رهبری موسی را نمی‌پذیرفتند و (۲) معبد فقط یکی از راههایی بود که برای سخن گفتن با اسرائیل بکار برد. این یک پاسخ مستقیم به اتهاماتی بود که بر وی در ۶: ۱۳ زده شد.

□ «گوش دهید» یک فعل امری معلوم نامعین از واژه یونانی *akouo*. این واژه در ترجمه هفتاد برای ترجمه دعای مشهور یهودیان، *Shema* (ر.ک. ت.ث. ۶: ۴-۵) مورد استفاده قرار گرفته است. واژه مزبور در کتب انبیا نیز برای انتقال حس "بشنوید و هشیار باشید" است (ر.ک. میکا ۱: ۲؛ ۶: ۱). البته شاید نتوان با اطمینان ثابت کرد که این معنی ضمنی بسیار فنی در اینجا منظور نظر است زیرا این مردان یهودی افکار عبرانی خود را به زبان یونانی (Koine Greek) بیان می‌کنند، ولی در برخی از مضامین مانند همین متن، ممکن است این امر حقیقت داشته باشد.

□ «خدای پر جلال» این خدای پر جلال بر ابراهیم پاتریارک ظاهر شد (ر.ک. پید. ۱۲: ۱، ۱۵: ۱، ۴: ۱۷؛ ۱: ۱۸؛ ۱: ۲۲) و همین امر آغازگر قوم یهود بود. عنوان خاص ۳: ۱۳ را ملاحظه کنید.

□ «ابراهیم» ابراهیم به عنوان پدر قوم یهود شناخته می‌شد. او نخستین پاتریارک بود. فراخوانده شدن او و سلوک او با خدا در پید. ۱۲: ۱-۲۵: ۱۱ شرح داده شده است. در روم. ۴، پولس از او به عنوان نمونه عادل‌شمردگی از راه ایمان، نام می‌برد.

□ «وقتی که در بین‌النهرین سکونت داشت، یعنی قبل از مهاجرت به حرّان» پید. ۱۱: ۳۱ این مفهوم را می‌رساند که هنگامی که YHWH با ابراهیم سخن گفت، او در شهر حرّان اقامت داشت. اما، زمان تماس خدا با ابراهیم به طور خاص بیان نشده است. ابراهیم از سرزمین اور بود (ر.ک. پید. ۱۱: ۲۸، ۳۱)، ولی بعدها در پیروی از فرمان خدا به حرّان مهاجرت کرد (ر.ک. پید. ۱۱: ۳۱، ۳۲؛ ۲۹: ۴). نکته در

اینجاست که خدا در بیرون از سرزمین کنعان با ابراهیم سخن گفت. ابراهیم در طول عمر خود هیچ بخشی از سرزمین مقدس را به ملکیت خود نداشت (ر.ک. آیه ۵، به غیر از غاری برای تدفین اعضای خانواده اش).

واژه "بین النهرین" می تواند اشاره به گروههای قومی مختلفی باشد: (۱) گروهی از مردم که در ناحیه شمالی دجله و فرات می زیستند (یعنی: "سوریه در میان دو رود") یا (۲) گروهی از مردم که در نزدیکی دهانه دجله و فرات سکونت داشتند.

**۷:۳ «وطن خود و بستگان را ترک کن، و به سرزمینی که به تو نشان می دهم برو»** این نقل قولی است از پید. ۱۲: ۱. مسئله الهیاتی در این نقل قول آن است که وقتی خدا این را به ابراهیم می گوید که: (۱) او در اور بود، پیش از آنکه پدرش تارح و برادرزاده اش لوط را به حران ببرد، یا (۲) او در حران اقامت داشت و منتظر ماند تا پدرش از دنیا برود و سپس در پی خدا به سوی جنوب به کنعان روانه شود؟

**۷:۴ «از زمین کلدانیان عزیمت کرد»** ممکن است کلمه نام منطقه ای نزدیک به دهانه رودهای دجله و فرات باشد (ر.ک. به یادداشت ۷: ۲). بعدها این نام مربوط به قومی می گردید که در این منطقه نشو و نما یافتند و به نام بابل نیز شناخته می شد. قوم مزبور پژوهشگرانی را در خود پرورد که فرمولهای ریاضی در ارتباط با حرکت روشنیها در شب (سیاره ها، ستارگان، شهابها و غیره) را کشف کردند. این گروه از مردان حکیم (ستاره شناسان) نیز به نام کلدانیان مشهور بودند (ر.ک. دان. ۲: ۲؛ ۴: ۲؛ ۷: ۵؛ ۷-۱۱).

□ **«حران»** حران شهری است که تارح، ابراهیم و لوط به آن مهاجرت کردند (ر.ک. پید. ۱۱: ۳۱-۳۲). یکی دیگر از برادران ابراهیم در آنجا ساکن شد و آن شهر به نام او نیز خوانده می شد (شهر ناحور، ر.ک. پید. ۲۴: ۱۰؛ ۲۷: ۴۳). این شهر که در بخش فرادست رود فرات (بالیخ، شاخه انشعابی آن رود) قرار داشت، در هزاره سوم قبل از میلاد ایجاد گردید و تا به امروز نیز به همین نام خوانده می شود. نکته جالب توجه در اینجاست که املای عبری نام حران، برادر ابراهیم، با نام آن شهر یکسان نیست.

□ **«پس از مرگ پدرش»** بسیاری از متألهین کتاب مقدس در اینجا تناقضی میان پید. ۱۱: ۲۶، ۳۲ و ۱۲: ۴ مشاهده می کنند. دستکم دو راه حل ممکن برای این مسئله وجود دارد: (۱) ابراهیم شاید بزرگترین پسر خانواده نبوده بلکه مشهورترین ایشان بوده است (به همین جهت در ابتدای فهرست آورده شده) یا (۲) در تورات سامره، تارح به هنگام مرگ ۱۴۵ سال عمر کرده است نه چنانکه در متن عبری آمده، ۲۰۵ سال. مراجعه کنید به Gleason L. Archer, *Encyclopedia of Bible Difficulties*, ص. ۳۷۸.

**۷:۵ «و عده داد که آن را به وی و بعد از او به ذریش به ملکیت دهد»** اشاره ای ضمنی به پید. ۱۲: ۷ یا ۱۷: ۸ است. کلید الهیاتی در اینجا نه تنها وعده خدا، بلکه ایمان ابراهیم به این موضوع است که خدا به او فرزندی به غیر از آن سرزمین خواهد داد. این ایمان در پید. ۱۵: ۶ پررنگ نشان داده شده است (ر.ک. روم. ۴).

**۷:۶** این نبوت و پیشگویی در پید. ۱۵: ۱۳، ۱۴ آمده و در خرو. ۳: ۱۲ مورد تأکید قرار گرفته است. اما بجای "۴۰۰ سال"، در خرو. ۱۲: ۴۰، "۴۳۰ سال" آمده است. در ترجمه هفتاد (LXX)، خروج ۱۲: ۴۰ چنین است: "و توقف بنی اسرائیل، چنانکه در سرزمین مصر و سرزمین کنعان توقف کردند، ۴۳۰ سال بود".

معلمان یهود گفته اند که "۴۰۰ سال" از تقدیم اسحق در پید. ۲۲ آغاز می شود. جان کالوین ۴۰۰ سال را یک عدد گرد شده، محسوب کرده است. ممکن است این عدد مربوط به چهار نسل ۱۰۰ ساله باشد (ر.ک. پید. ۱۵: ۶).

**۷:۷ «آن ملتی»** نقل قولی از ترجمه هفتاد پید. ۱۵: ۱۴. این عبارت به منظور رنجاندن ملتی خاص به کار نرفته بلکه عبارتی کلی است. ملت مورد نظر آشکارا، مصر است. با این وجود، سایر ملل (مانند فلسطین، سوریه، آشور، بابل) نیز اسرائیل را تحت ظلم قرار دادند و خدا آنان را نیز داوری خواهد کرد.

□ «و بعد از آن» این عبارت به طور کامل نقل قولی از خرو. ۳: ۱۲ است. استیفان به یاری حافظه اش تاریخ اسرائیل را به سبکی و روانی بیان می دارد.

این متن ثابت می کند که کنعان و اورشلیم به طور منحصر به فردی مکان مقدس YHWH خواهند گردید. تأکید کتاب تثنیه نیز بر همین موضوع است.

□ «در این مکان» در مضمون نقل قول از خرو. ۳: ۱۲، اشاره به کوه سینا است که آنجا نیز در خارج از سرزمین وعده واقع شده و جایگاه یکی از وقایع اصلی حیات اسرائیل (یعنی اعطای شریعت به موسی) است.

۷: ۸ «عهد» مراجعه کنید به عنوان خاص در ۲: ۴۷.

□ «ختنه» این کار را تمامی همسایگان اسرائیل به غیر از فلسطینیان (قوم اژه ای یونان) انجام می دادند. در اکثر فرهنگها، ختنه معمولاً مراسمی برای پا گذاشتن به دوران بلوغ پسرها محسوب می شد، اما برای اسرائیلیان چنین نبود. این آیین برای وارد کردن اولاد ذکور به عهد قوم انجام می گرفت. ختنه نشانه ای از ارتباط ایمانی مخصوص با YHWH بود (ر.ک. پید. ۱۷: ۹-۱۴). هر پاتریارک پسران خود را (به عنوان کاهن خانواده اش) ختنه می کرد. Robert Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament*، ص. ۲۱۴، می گوید آیین ختنه ارتباط دهنده آیین پاشیدن خون و مراسم ختنه بود. خون با شکل گیری عهد (ر.ک. پید. ۱۷: ۱۵)، شکستن عهد (ر.ک. پید. ۱۷: ۲) و رهایی بخشی عهد (ر.ک. اش. ۵۳) مرتبط بود.

□ «در این مکان» در متن نقل قولی از خرو. ۳: ۱۲، اشاره به کوه سینا است که آنجا نیز در خارج از سرزمین وعده واقع شده و جایگاه یکی از وقایع اصلی حیات اسرائیل است.

□ «دوازده پطریارخ (پاتریارک) اصطلاح مزبور معمولاً اشاره دارد به ابراهیم، اسحق و یعقوب، اما در اینجا دوازده پسر یعقوب مورد نظر هستند که قبایل اسرائیل را تشکیل دادند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۹-۱۰

۹ «فرزندان یعقوب از روی حسد یوسف را به بردگی در مصر فروختند، اما خدا با او بود و او را از جمیع زحماتش رهانید و به او توفیق و حکمت عطا فرمود به طوری که مورد پسند فرعون، فرمانروای مصر واقع شد و یوسف فرمانروای سرزمین مصر و دربار سلطنتی گردید.

۷: ۹ «یوسف» این روایت را می توان در پید. ۳۷: ۱۱، ۲۸: ۴۵؛ ۴: یافت. استیفان می کوشد تا نشان بدهد که قوم یهود و رهبران شان اغلب رهبر برگزیده خدا را رد کرده اند (ر.ک. موسی در آیه ۳۵).

۷: ۱۰ این روایت را می توان در پید. ۳۹: ۱۲؛ ۴۱: ۴۰-۴۶ یافت.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۱۱-۱۶

۱۱ در این هنگام در سرتاسر مصر و کنعان قحطی ای پدید آمد که باعث مصیبت عظیمی شد به حدی که اجداد ما چیزی برای خوردن نیافتند. ۱۲ وقتی یعقوب باخبر شد که در مصر غله پیدا می شود نیاکان ما را برای اولین بار به آنجا فرستاد. ۱۳ در سفر دوم یوسف خود را به برادرانش شناساند و فرعون از اصل و نصب یوسف باخبر شد. ۱۴ یوسف پدر خود یعقوب و تمام بستگانش را که جمعاً هفتاد و پنج نفر بودند به مصر دعوت کرد ۱۵ و به این ترتیب یعقوب به مصر قدم نهاد. عمر یعقوب و اجداد ما در آنجا به سر رسید ۱۶ و اجساد آنان را به شکیم بردند و در آرامگاهی که ابراهیم از فرزند حمور به مبلغی خریده بود به خاک سپردند.

۷: ۱۱ این روایت را می توان در پید. ۴۱: ۵۴-۵۵؛ ۴۲: ۵ یافت.

۷: ۱۲ این روایت را می توان در پید. ۴۲: ۴ یافت.

۷: ۱۳ این روایت را می توان در پید. ۴۵: ۱-۴ یافت.

۷: ۱۴ «هفتاد و پنج» این عدد در نسخه های دستنویس ترجمه هفتاد و تومارهای دریای مرده آمده است، اما در نسخه Masoretic عدد مزبور "هفتاد" است (ر.ک. پید. ۴۶: ۲۷؛ خرو. ۱: ۵). در نگاه اول به نظر می رسد که اشکال نسخه ای میان ترجمه هفتاد که استیفان از آن نقل قول می کند و متن عبری خروج ۱: ۵، وجود دارد. با تعمق بیشتر می توان اولاد یعقوب را به دو طریق شمرد. مسئله میان پید. ۴۶: ۲۶ و ۲۷ وجود دارد: (۱) در نسخه مازورتیک آیه ۲۷، دو پسر در مصر برای یوسف دنیا آمدند، در حالیکه در ترجمه هفتاد نه پسر آمده است، بدین معنی که افرایم و منسی بعدها دارای فرزندان شدند، یا اینکه (۲) در متن عبری، یعقوب و همسرش به شمار آمده اند، ولی فرزندان افرایم و منسی شمارش نشده اند. در متن یونانی هفتاد (LXX)، یعقوب و همسرش به شمار نیامده اند، ولی فرزندان افرایم و منسی شمارش شده اند. هر دو شمارش دقیق است، اما در آنها نسل یعقوب به روشهای مختلفی در زمانهای متفاوتی از زندگی یعقوب شمرده شده اند. متون عبری معروف به تومارهای دریای مرده نیز در پید. ۴۶: ۲۷ و خروج ۱: ۵، دارای "هفتاد و پنج نفر" هستند. فیلو اهل اسکندریه با هر دو عدد آشنایی داشت.

همه ما می توانیم در مورد متون و اعداد مشکل دار مانند این از پژوهشگری دانشجویی نوین بهره مند شویم. گونه جدیدی از منبع کتاب مقدسی امروزه در دسترس ماست که این متون مشکل را هدف قرار می دهد. من دانشنامه های زیر را پیشنهاد می کنم:

۱. *Hard Sayings of the Bible*, IVP

۲. *More Hard Sayings of the Bible*, IVP

۳. *Encyclopedia of the Bible Difficulties* by Gleason Archer

مباحثه ای درباره اعمال ۷: ۱۴-۱۵ در شماره ۱، ص. ۵۲۱-۵۲۲ آمده است.

۷: ۱۵ این روایت را می توان در پید. ۴۶: ۵؛ ۴۹: ۳۳؛ خرو. ۱: ۶ یافت.

۷: ۱۶ «به شکیم» از روایات پیدایش درباره (۱) تدفین یوسف در یوشع ۲۴: ۳۲ و (۲) تدفین یعقوب در پید. ۵۰: ۱۳، به نظر می رسد یک ناهمخوانی در موعظه استیفان وجود دارد. مسئله در (۱) شهر شکیم است که باید حبرون باشد، یا (۲) ابراهیم پطریارخ است که باید در اصل یعقوب باشد. اما ابراهیم و یعقوب هر دو زمینی به ارزش ۴۰۰ وزنه خریدند (ر.ک. پید. ۲۳: ۱۶؛ ۳۳: ۱۹). هر چند مکان مقبره در شکیم مشخص نیست، امکان دارد که ابراهیم پیشتر از آن زمینی را در هنگام توقفش در آنجا در پید. ۱۲: ۶-۷ خریده باشد. بعدها یعقوب همان قطعه زمین را بازخرید کرد (ر.ک. پید. ۳۳: ۱۹؛ یوشع ۲۴: ۳۲). این آشکارا یک گمانه زنی است، اما به نظر می آید که استیفان بسیار به تاریخ عهد عتیق وارد است و این تنها راهی است که می توان روایات مختلف را با هم آشتی داد.



## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۱۱-۱۶

۱۷ «و چون وقت آن نزدیک می شد که خدا به وعده ای که به ابراهیم داده بود، عمل کند قوم ما در سرزمین مصر رشد کرد و تعداد آنان افزایش یافت. ۱۸ سرانجام پادشاه دیگری که یوسف را نمی شناخت به پادشاهی مصر رسید ۱۹ و با اجداد ما با نیرنگ رفتار کرد و بر آنان ظلم بسیار روا داشت به حدی که ایشان را مجبور ساخت که نوزادان خود را سر راه بگذارند تا بمیرند. ۲۰ در چنین روزگاری موسی که کودکی بسیار زیبا بود، به دنیا آمد. او مدت سه ماه در خانه پدر پرورش یافت ۲۱ و وقتی او را سر راه گذاشتند، دختر فرعون او را برداشت و همچون فرزند خود تربیت نمود. ۲۲ به این ترتیب موسی بر تمام فرهنگ و معارف مصر تسلط یافت و در گفتار و کردار استعداد مخصوصی از خود نشان داد. ۲۳ «همین که موسی چهل ساله شد به فکرش رسید که به دیدن برادران اسرائیلی خود برود ۲۴ و چون دید که مردی مصری با یکی از آنان بدرفتاری می کند، به حمایت آن اسرائیلی برخاست و آن تجاوزکار مصری را به سزای عمل خود رسانید و او را کشت. ۲۵ موسی گمان می کرد که هم نژادانش خواهند فهمید که خدا او را وسیله نجات آنان قرار داده است، اما آنان نفهمیدند. ۲۶ فردای آن روز به دو نفر اسرائیلی که با هم نزاع می کردند رسید و برای رفع اختلافشان چنین گفت: 'ای دوستان، شما برادرید. چرا با هم بدرفتاری می کنید؟' ۲۷ مرد مقصر او را عقب زد و گفت 'چه کسی تو را حاکم و قاضی ما کرده است؟' ۲۸ می خواهی مرا هم مثل آن مصری که دیروز کشتی، بکشی؟' ۲۹ موسی وقتی این جواب را شنید از آن سرزمین گریخت و در سرزمین مدیان آواره گشت و در آنجا صاحب دو پسر شد.

۷: ۱۷ اشاره به پید. ۱۵: ۱۲-۱۶ (وعده) و خرو. ۱: ۷ (شمار زیاد ایشان) است.

۷: ۱۸ «تا وقتی که پادشاه دیگر ... برخاست» نقل قولی از خرو. ۱: ۸ است. مباحثاتی درباره تاریخ خروج میان پژوهشگران وجود داشته و همچنان ادامه دارد. هویت این پادشاه مصر مورد اختلاف نظر است. برخی او را از سلسله هیجدهم پادشاهان مصر (۱۴۴۵ ق.م.) و برخی از سلسله نوزدهم (۱۲۹۰ ق.م.) می دانند. یک نظریه این است که این پادشاه مصر مربوط به سلسله نخست متوطنان مصر است که حاکمان Hyksos (سامی) را بیرون راندند. این امر توضیحی بر استفاده از *heteros* در آیه ۱۸ است. یک مصری اصیل خواهان وجود شمار زیادی از سامیان، مانند عبرانیان، در سرزمین خود نبود و از کشورگشایی دیگری مانند سلسله Hyksos می ترسید.

## عنوان خاص: مناظره بر سر تاریخ خروج

دو دیدگاه کارشناسانه در مورد تاریخ خروج وجود دارد:

۱. از I پاد. ۶: ۱، که می گوید: "۴۸۰ سال پس از خروج از مصر، بنای معبد سلیمان آغاز شد"
۲. سلیمان سلطنت خود را در سال ۹۷۰ ق.م. آغاز کرد. این موضوع با استفاده از جنگ *Qarqar* (۸۵۳ ق.م.) به عنوان یک تاریخ مشخص محاسبه شده است.
۳. معبد در سال چهارم سلطنت او (۹۶۵ ق.م.) بنا شد، پس تاریخ خروج حدود ۱۴۴۵/۶ ق.م. بوده است.
۴. این امر پادشاه مورد نظر را مربوط به سلسله هیجدهم مصریان می سازد. بنابراین:
  - ا. فرعون ظالم توتوموز سوم (۱۴۹۰-۱۴۳۶ ق.م.) خواهد بود.
  - ب. فرعون زمان خروج، آمین هوتپ دوم (۱۴۳۶-۱۴۰۷ ق.م.) خواهد بود.
۵. (۱) برخی معتقدند که مدارک برجای مانده از اریحا بر این اساس است که هیچگونه مکاتبه دیپلماتیک میان اریحا و مصر در طی حکومت آمین هوتپ سوم (۱۴۱۳-۱۳۷۷ ق.م.) وجود نداشته است.
۶. متون *Amarna* مکاتبات دیپلماتیک ثبت شده روی *ostraca* درباره *Habiru* (احتمالاً عبرانیان) که سراسر سرزمین کنعان در سلطنت آمین هوتپ سوم را فراگرفته اند، نوشته شده است. بنابراین، خروج در زمان سلطنت آمین هوتپ دوم رخ داده است.

- (۲) دوره داوران در صورتی که تاریخ خروج قرن ۱۳ ق.م. باشد، دوره طولانی ای نبوده است.
۴. مسائل ممکن درباره این تاریخها عبارتند از:
- أ. در ترجمه هفتاد (LXX) ۴۴۰ سال آمده، نه ۴۸۰ سال.
- ب. امکان دارد منظور از ۴۸۰ سال، دوازده نسل چهل ساله باشد (در این صورت این یک عدد تلویحی است).
- ج. بین هارون و سلیمان دوازده نسل از کاهنان گذشته بود (ر.ک. I تو. ۶)، و دوازده نسل نیز از سلیمان تا بنای معبد دوم گذشت. یهودیان مانند یونانیان، یک نسل را چهل سال محسوب می داشتند. پس، یک دوره ۴۸۰ ساله با کمی پس و پیش گذشته بود (استفاده نمادین از اعداد، ر.ک. *Bimson's Redating the Exodus and Conquest*).
۵. سه متن دیگر نیز به تاریخها اشاره کرده اند:
- أ. پیدایش ۱۵:۱۳، ۱۶ (ر.ک. اعمال ۷: ۶)، ۴۰۰ سال اسارت
- ب. خروج ۱۲: ۴۰-۴۱ (ر.ک. غلا ۳: ۱۷)
- (۱) نسخه مازورتیک - ۴۳۰ سال توقف در مصر
- (۲) ترجمه هفتاد - ۲۱۵ سال توقف در مصر
- ج. داوران ۱۱: ۲۶ - ۳۰۰ سال بین روزگار یفتاح و استیلا (تاریخ ۱۴۴۵ را تأیید می کند)
- د. اعمال ۱۳: ۱۹ - خروج، سرگردانی و استیلا بر کنعان - ۴۵۰ سال
۶. نویسنده کتاب پادشاهان از مراجع تاریخی مشخص استفاده می کرد و اعداد را گرد نمی نمود (Edwin Thiele, *A Chronology of the Hebrew Kings*, pp. 83-85).
- ب. به نظر می رسد که شواهد تجربی از باستانشناسی به تاریخ ۱۲۹۰ ق.م. یا سلسله نوزدهم مصر اشاره دارند.
۱. یوسف توانست در یک روز پدرش و فرعون را ملاقات کند. نخستین فرعون متوطن مصر که شروع به انتقال پایتخت از تیس (Thebes) به دلتای نیل، در مکانی به نام *Avaris/Zoan/Tanis*، پایتخت قدیم هیکسوس (Hiksos) کرد، *Seti/اول* (۱۳۰۹-۱۲۹۰ ق.م.) بود. هم او فرعون ظالم مصر بود.
- أ. به نظر می رسد این نظریه دو تکه از اطلاعات مربوط به سلطنت هیکسوس بر مصر را کنار هم قرار می دهد:
- (۱) لوح سنگی که از زمان رامسس دوم پیدا شده است که به یادبود پی ریزی آواریس (Avaris) چهارصد سال پیشتر از آن می باشد (سالهای ۱۷۰۰ ق.م. توسط Hyksos)
- (۲) پیشگویی پید. ۱۵: ۱۳ از یک دوره ظلم ۴۰۰ ساله سخن می گوید.
- ب. مفهوم ضمنی این موضوع آن است که به قدرت رسیدن یوسف در حکومت یکی از فراعنه Hyksos (سامی نژاد) بوده است. در خرو. ۱: ۸، به سلسله جدید مصر اشاره شده است.
۲. Hyksos، واژه مصری به معنی "حاکمانی از سرزمینهای بیگانه" است که گروهی فرمانروایان سامی غیرمصری بودند و در طی سلسله های ۱۵ و ۱۶ بر مصر سلطنت می کردند (۱۷۲۰-۱۵۷۰ ق.م.). برخی می خواهند آنان را با زمان به قدرت رسیدن یوسف مرتبط سازند. اگر ما ۴۳۰ سال خرو. ۱۲: ۴۰ را از ۱۷۲۰ ق.م. کم کنیم، تاریخ حدودی ۱۲۹۰ ق.م. بدست می آید.
۳. ستی اول پسر رامسس دوم (۱۲۹۰-۱۲۲۴ ق.م.) بود. به این اسم به عنوان یکی از شهرهای انبار که بردگان عبرانی ساختند اشاره شده است، خروج ۱: ۱۱. همین منطقه از مصر در کنار جوشن، رامسس نیز خوانده شده است، پید. ۴۷: ۱۱. *Avaris/Zoan/Tanis* از ۱۳۰۰-۱۱۰۰ ق.م. به عنوان "خانه رامسس" شناخته می شد.
۴. Thutmoses III هم مانند رامسس دوم، به عنوان یک سازنده بزرگ شهرت داشت.

۵. رامسس دوم چهل و هفت دختر داشت که در قصرهای مجزا از هم سکونت داشتند.
۶. باستانشناسی نشان داده است که اکثر شهرهای با دیوارهای بزرگ کنعان (حاصور، دبیر، لاکیش) در حدود سال ۱۲۵۰ ق.م. خراب شدند و به سرعت بازسازی گردیدند. اگر دوره سرگردانی در بیابان را ۳۸ سال در نظر بگیریم، تاریخ ۱۲۹۰ ق.م. بدست می آید.
۷. باستانشناسی بر روی لوح سنگی یادبود جانشین رامسس، *Merneptah* (۱۲۲۴-۱۲۱۴ ق.م. ر.ک. لوح سنگی مرنپتاه، به تاریخ ۱۲۲۰ ق.م.)، اشاره ای به سکونت اسرائیلیان در جنوب کنعان را یافته اند.
۸. ادوم و موآب گویی هویت ملی مستحکمی در اواخر سالهای ۱۳۰۰ ق.م. کسب کرده اند. این کشورها در قرن پانزده ق.م. سازماندهی نشده بودند (Glueck).
۹. کتاب *Redating the Exodus and Conquest* نوشته John J. Bimson، انتشارات University of Sheffield، ۱۹۷۸، استدلالی بر علیه تمامی شواهد باستانشناسی در مورد یک تاریخ زودتر ارائه می دهد.

۱۹:۷ این روایت در خروج ۱: ۱۰ به بعد آمده است.

۲۰:۷ «موسی تولد یافت» این روایت در خروج ۲ آمده است.

□ «کودکی بسیار زیبا بود» در عبری "از دید خدا دوست داشتنی بود" (ر.ک. خرو. ۲: ۲). حتی یوسفوس نیز زیبایی موسی را شرح می دهد (ر.ک. *Antiq.* 2: 9: 6).

۲۱:۷ این روایت در خرو. ۲: ۵-۶، ۱۰ آمده است.

□ «او را سر راه گذاشتند» این یک اصطلاح یونانی *ektithemi*، به معنی "در معرض قرار دادن" (ر.ک. آیه ۱۹) یا "بیرون گذاشتن" است. مصریان عبرانیان را وادار می کردند که فرزندان پسرشان را به دست جانوران وحشی رها کنند تا جلوی ازدیاد جمعیت ایشان را بگیرند.

۲۱:۷

NASB, NKJV «دختر فرعون او را نزد خود برد»

NRSV, NJB «دختر فرعون او را به فرزندخواندگی خود درآورد»

TEV «دختر پادشاه او را به فرزندخواندگی خود درآورد»

واژه *anaireo-* در اصل به معنی "برداشتن" است. موسی را بدینوسیله از رودخانه "برداشتند" و با این کار او فرزند خوانده دختر فرعون شد.

۲۲:۷ موسی از بهترین تربیت علمی و نظامی روزگار خود در دربار فرعون برخوردار شد.

□ «در قول و فعل قوی گشت» این ممکن است خلاصه ای از زندگی بعدی موسی باشد زیرا به هنگام رویارویی با YHWH در کنار بوته شعله ور، او اظهار کرد که نمی تواند خوب سخن بگوید (ر.ک. خرو. ۴: ۱۰-۱۷).

۲۳-۲۴ این روایت در خرو. ۲: ۱۱-۱۲ آمده است.

۲۳: ۷ «همین که موسی چهل ساله شد» فکر می‌کنم D. L. Moody بود که می‌گفت زندگی موسی را می‌توان به سه قسمت ۴۰ ساله تقسیم کرد: (۱) او در نخستین دوره ۴۰ ساله عمرش می‌پنداشت که کسی است (چون در دربار فرعون تحصیل می‌کرد)؛ (۲) در دومین دوره ۴۰ ساله عمرش می‌پنداشت که تبدیل به انسانی بی‌اهمیت شده است (چون به سرزمین مدیانه تبعید شد و با چم و خم صحرای سینا آشنایی یافت)؛ و (۳) در ۴۰ سال سوم عمرش دریافت که خدا می‌تواند با یک انسان بی‌اهمیت چه کند (قوم خدا را به سرزمین وعده هدایت کرد).

۲۵: ۷ این آیه گمانه زنی استیفان (احتمالاً بر اساس سنتهای یهود) است؛ زیرا در کتاب خروج اشاره ای به این امر نشده است.

۲۶-۲۹: ۷ این روایت در خروج ۲: ۱۳-۱۴ آمده است.

۲۹: ۷ «پس موسی از این سخن فرار کرد» این روایت در خروج ۲: ۱۵، ۲۲ آمده است. ترس موسی از کشتن یک مصری نشان می‌دهد که فرعون از او به عنوان فرزند خوانده یکی از دخترانش، حمایت نمی‌کرد. با این وجود عبرانیان ۱۱: ۲۷ مطلب را آشکار می‌سازد!

□ «در زمین مدیانه غربت اختیار کرد» خدا در بوته ای مشتعل در زمین مدیانه به موسی ظاهر شد (ر.ک. خروج ۳-۴) و شریعت خود را در سینا، در زمین مدیانه بر او آشکار کرد (ر.ک. خروج ۱۹-۲۰)، این امر نشان می‌دهد که خدا مقید به آن نبود که در چه مکانی خود را ظاهر سازد. همین تأکید بر ظاهر شدن خدا در بیرون از معبد اورشلیم در اعمال ۷: ۳۶، ۴۴، ۴۸ و ۵۳ مشاهده می‌شود.

□ «صاحب دو پسر شد» این روایت در خروج ۱۸: ۳-۴ آمده است.

#### متن مزده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۳۰-۳۴

۳۰ «پس از آنکه چهل سال سپری شد، فرشته‌ای در بیابانهای اطراف کوه سینا در بوته‌ای سوزان به موسی ظاهر شد. ۳۱ موسی از دیدن آن رؤیا غرق حیرت گشت و هنگامی که نزدیک آمد تا بهتر ببیند، صدای خداوند به گوشش رسید که می‌گفت: ۳۲ 'من خدای نیاکان تو، خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب هستم.' موسی ترسید و جرأت نگاه کردن نداشت. ۳۳ سپس خداوند فرمود: 'نعینات را بیرون بیاور چون در مکان مقدسی ایستاده‌ای. ۳۴ البتّه آن ظلمی را که در مصر نسبت به قوم من می‌شود دیده و آه و ناله‌هایشان را شنیده‌ام و برای نجات آنان آمده‌ام، برخیز تو را به مصر می‌فرستم.'

۷: ۳۰ این روایت در خروج بابهای ۳ و ۴ آمده است.

□ «فرشته‌ای» در متن عهد عتیق این فرشته در واقع YHWH است. به یادداشت کامل ۵: ۱۹ نگاه کنید. توجه داشته باشید که چگونه خصوصیات این فرشته بیان می‌شود.

۱. خروج ۳: ۲، "فرشته خداوند در شعله آتش بر او ظاهر شد"
۲. خروج ۳: ۴، "چون خداوند (YHWH) دید که برای دیدن بدان سو مایل می‌شود"
۳. خروج ۳: ۴، "خدا (Elohim) از میان بوته به وی ندا درداد"

□ «کوه سینا» عنوان خاص زیر را ملاحظه کنید.

## عنوان خاص: موقعیت کوه سینا

ا. اگر منظور موسی از تقاضای "سفر سه روزه" از فرعون دقیق بوده و نه تمثیلی (۳: ۱۸؛ ۵: ۳؛ ۸: ۲۷)، آنان وقت کافی برای رسیدن به محل جنوب شبه جزیره سینا نمی داشتند. بنابراین، برخی از پژوهشگران مکان این کوه را در نزدیکی آبادی میان قادش - برنیع برآورد می کنند.

ب. مکان سنتی که "جبل موسی" خوانده می شود و در صحرای سین قرار دارد دارای چند مزیت است:

۱. دشتی وسیع در برابر کوه.

۲. تنبیه ۱: ۲ بیان می دارد که از کوه سینا تا قادش - برنیع یازده روز راه بوده است.

۳. واژه "سینا" یک واژه غیرعبری است. این اسم می تواند به صحرای سین مربوط باشد که اشاره دارد به یک بوته صحرایی کوچک. نام عبری آن کوه، حوریب (بیابان) است.

۴. کوه سینا از قرن چهارم میلادی، مکان سنتی این روایت تلقی شده است. این کوه در "زمین مدیان" قرار دارد که شامل ناحیه بزرگی از شبه جزیره سینا و عربستان است.

۵. به نظر می رسد که باستانشناسان موقعیت برخی از شهرهای مورد اشاره در روایت خروج (*Elim, Dophkah, Rephidim*) را به عنوان جانب غربی شبه جزیره سینا تأیید می کنند.

ج. یهودیان هرگز علاقمند به موقعیت جغرافیایی کوه سینا نبودند. آنان معتقد بودند که خدا شریعت را بدیشان عطا کرد و وعده خود را در پید. ۱۵: ۱۲-۲۱ تحقق بخشید. "مکان" اعطای شریعت موضوع مهمی قلمداد نمی شد و آنها تمایلی به بازگشت به این محل نداشتند (به منظور زیارت سالیانه).

د. مکان سنتی کوه سینا تا نگارش *Pilgrimage of Silvia*، در حوالی سالهای ۳۸۵-۸ م. شهرتی نیافت (ر.ک. F. F. Bruce, *Commentary on the Book of the Acts*, p. 151).

ه. امروزه گمانه زنی های زیادی درباره یک موقعیت ممکن جدید در آنسوی خلیج عقبه در عربستان انجام می شود. این گمانه زنی های مدعی اند که:

۱. زمین مدیان همواره کاملاً در عربستان بوده است.

۲. در غلا. ۴: ۲۵، پولس بیان می دارد که این زمین در عربستان بوده است.

۳. نقشه برداری ماهواره ای آشکار ساخته است که یک جاده باستانی از مصر به سوی شبه جزیره سینا با لبه برآمده سنگی وجود دارد که از خلیج عقبه می گذرد.

۴. بالای بلندترین قله در این منطقه یک سیاهی به چشم می خورد (ر.ک. خرو. ۱۹: ۱۶، ۱۸)

باید دوباره به سادگی اظهار کرد که ما موقعیت دقیق را نمی دانیم!

۷: ۳۲ این روایت در خرو. ۳: ۶ آمده است.

□ «پدران» در هر دو متن ترجمه عبری و یونانی (هفتاد)، این واژه مفرد است. در تمامی موارد دیگر واژه مزبور جمع می باشد. خدا، پدر موسی را که یک برده بود می شناخت.

۷: ۳۳ این روایت در خروج ۳: ۵ آمده است. موسی از روی کنجکاوی به بوته نزدیک شد نه به خاطر سرسپردگی مذهبی. علت دقیق درآوردن کفشهایش مشخص نیست.

۱. ممکن است کفشها آلوده بوده اند (از سرگین حیوانات).
۲. شاید در آوردن کفشها نشانه ای از صمیمیت یا آشنایی (در خانه) بوده است.
۳. یک حرکت فرهنگی پطریارخها یا آیینی مصری بوده است.

۷: ۳۴ این روایت در خروج ۳: ۷ آمده است. از نظر من این آیه به دلیل زیر از لحاظ الهیاتی، اهمیت زیادی دارد: YHWH دعای آنها را شنید، مصیبتشان را دید و پاسخ داد. او فرود آمد تا ایشان را نجات بخشد، ولی نجات او توسط ابزار انسانی عملی می گردید. خدا موسای بی میل را فرستاد. اراده او بر این بود که با انسانها توسط انسانها روبرو شود!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۳۵-۴۳

۳۵ «آری همان موسی را که آنان رد کرده و به او گفته بودند: 'چه کسی تو را حاکم و قاضی ما کرده است؟' خدا به وسیله فرشته‌ای که در بوته به او ظاهر شد حکمران و رهاننده گردانید. ۳۶ این موسی بود که با انجام نشانه‌ها و عجایب در مصر و در راه دریای سرخ، بنی اسرائیل را به خارج از مصر هدایت کرد و مدت چهار سال در بیابان عهده‌دار رهبری آنان بود. ۳۷ باز هم موسی بود که به بنی اسرائیل فرمود: 'خدا از بین شما نبی‌ای مانند من برایتان برمی‌انگیزد.' ۳۸ او بود که در اجتماع بنی اسرائیل در بیابان حضور داشت و با فرشته در کوه سینا و با اجداد ما گفت‌وگو کرد و پیام زنده الهی را دریافت نمود تا آن را به ما نیز برساند. ۳۹ «اما نیاکان ما رهبری او را نپذیرفتند و دست رد بر سینه‌اش زدند و آرزو داشتند به مصر برگردند ۴۰ و از هارون خواستند برای ایشان خدایانی بسازد که پیشاپیش آنان بروند و گفتند: 'ما نمی‌دانیم بر سر آن موسایی که ما را از مصر بیرون آورد چه آمده است.' ۴۱ و در آن روزها گوساله‌ای ساختند و در برابر آن بت، قربانی‌های بسیار گذراندند و به افتخار ساخته و پرداخته دست خود جشنی برپا نمودند، ۴۲ لیکن خدا از آنان روی گردان شد و ایشان را به پرستش ستارگان آسمانی واگذاشت. همان‌طور که در کتاب انبیا مکتوب است: 'ای قوم اسرائیل آیا طی این چهار سال برای من در بیابان قربانی کرده‌اید یا هدیه‌ای تقدیم داشته‌اید؟ ۴۳ خیر، بلکه شما خیمه مولک و پیکره خدای ستاره خود رمفان را با خود حمل می‌کردید، آنها بُتهایی بودند که برای پرستش ساخته بودید پس شما را به آن سوی بابل تبعید خواهم کرد.'

۷: ۳۵ «همان موسی را که آنان رد کرده ... بودند» قوم خدا معمولاً سخنگوی خدا را رد می کردند (ر.ک. آیات ۵۱-۵۲). همین امر ممکن مقصود آیه ۲۷ باشد!

□ «بوسیله فرشته‌ای که در بوته به او ظاهر شد» یکبار دیگر خدا به نزد یک اسرائیلی در خارج از سرزمین وعده آمد. عملکرد خدا محدود به هیچ جا و مکانی نمی شد. قسمت زیادی از تاریخ اسرائیل در خارج از کنعان و پیش از ساخته شدن معبد اورشلیم رخ داد. در تمامی طول تاریخ اسرائیل، رهبرانی را که خدا برمی‌گزید، توسط همقطاران‌شان پذیرفته نمی شدند (ر.ک. آیات ۹، ۲۷-۲۸، ۳۵، ۳۹). این موضوعی تکرار شونده بود.

آن فرشته، دارای الوهیت توصیف شده است (ر.ک. خرو. ۳: ۲، ۴). این ظهور فیزیکی الهی می تواند در پید. ۱۶-۷؛ ۱۳-۲۲؛ ۱۱-۱۵؛ ۳۱: ۱۳، ۱۴؛ ۴۸: ۱۵-۱۶؛ خرو. ۱۳: ۲۱؛ ۱۴: ۱۹؛ داور. ۲: ۱؛ ۶: ۲۲-۲۳؛ ۱۳: ۳-۲۲؛ زکر. ۱: ۳-۲ نیز مشاهده شده باشد. اما باید اظهار داشت که "فرشته خداوند" همواره یک ظهور فیزیکی الهی نیست؛ گاهی او تنها یک فرشته، یعنی یک پیام آور است (ر.ک. پید. ۲۴: ۷، ۴۰؛ خرو. ۲۳: ۲۰-۲۳؛ ۳۲: ۳۴؛ اعد. ۲۲: ۲۲؛ II سمو. ۱۶: ۲۴؛ یوحنا ۵: ۲۳؛ I قرن. ۱۵: ۲۱ به بعد؛ زکر. ۱: ۱۱، ۱۲-۱۳).

۷: ۳۶ این خلاصه ای از قدرت معجزه آسای خدا (عطای موسی) توسط موسی و هارون است.

۷: ۳۷-۳۸ نقل قولی مسیحیایی از تث. ۱۸: ۱۵. استیفان حضور خدا را در طی دوران خروج و سرگردانی در بیابان به شکل فرشته خدا و جانشین مخصوص موسی که برگزیده خداست (یعنی ماشیح، آن نبی) توضیح می دهد. استیفان از قدر و ارزش موسی نمی کاهد بلکه واقعاً به او گوش می دهد!

۷: ۳۸ «جماعت» واژه یونانی *ekklesia* که در معنی یک جمع به کار رفته است نه به مفهوم کلیسا.

□ «آن فرشته ای که در کوه سینا با او سخن می گفت» الهیات معلمان یهود ثابت می نمود که فرشتگان واسطه های میان YHWH و اعطای شریعت بودند (ر.ک. به یادداشت ۷: ۵۳). این امکان نیز وجود دارد که منظور از فرشته اشاره به خود YHWH باشد (ر.ک. خرو. ۳: ۲۱ در مقایسه با ۱۴: ۱۹؛ همچنین خروج ۳۲: ۳۴؛ اعد. ۲۰: ۱۶؛ داو. ۲: ۱).

۷: ۳۹ «پدران ما نخواستند او را مطیع شوند» استیفان نقاط عصیان را در عهد عتیق به هم متصل می کند. معنی ضمنی سخن او این است که یهودیان همواره رهبران خدا را رد می کردند و اکنون ماشیح را نمی پذیرفتند.

□ «او را رد کرده» این روایت در اعد. ۱۴: ۳-۴ آمده است.

۷: ۴۰-۴۱ این روایت در خرو. ۳۲ آمده است. این کار بت پرستی نبود، بلکه ساختن صورت فیزیکی برای خدا بود. بعدها این کار به پرستش باروری منجر شد.

۷: ۴۱ استیفان گوساله طلایی را به عنوان یک بت تفسیر می کند و از این واقعه تاریخی برای نقل قول از عاموس ۵ استفاده می کند که مفهوم ضمنی آن این است که حتی در هنگام خروج و سرگردانی در بیابان نیز، اسرائیل بت پرست و عصیانگر بود.

۷: ۴۲ «خدا رو گردانیده ایشان را واگذاشت تا...» آیات ۴۲ و ۴۳ نقل قولهایی از عاموس ۵: ۲۵-۲۷ هستند که در آن عاموس اظهار می دارد اسرائیل همواره قربانیها به خدایان غیر تقدیم می داشت. این الگوی تاریخی معمول ایشان از ابتدا بوده است (ر.ک. یوشع ۲۴: ۲۰). همین موضوع یادآور بیانات شدید عدم پذیرش در رومیان ۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸ است.

□ «ستارگان آسمانی» اشاره به پرستش ستارگان توسط آشوریان و بابلیان است (ر.ک. تث. ۱۷: ۳؛ II پاد. ۱۷: ۱۶؛ ۲۷: ۳؛ II توا. ۳۳: ۳، ۵؛ ارم. ۸: ۲؛ ۱۹: ۱۳). چند مسئله لفظی میان متون عبری (نسخه مازورتیک) عاموس ۵: ۲۵-۲۷، متن یونانی (ترجمه هفتاد) و نقل قول استیفان وجود دارد: (۱) نام خدای ستارگان. در نسخه مازورتیک *kywn* یا *kaiwann*، نام آشوری سیاره زحل آمده است. ترجمه یونانی (LXX) به *raiphan* یا *rypn* که می تواند همان *repa* نام مصری زحل، خدای سیارگان باشد، اشاره می کند و (۲) در متن عبری (MT) = ترجمه مازورتیک) و متن یونانی (LXX) "ماوراء دمشق" آمده در حالیکه نقل قول استیفان دارای عبارت "ماوراء بابل" است که در هیچیک از نسخه های عاموس وجود ندارد. شاید استیفان اسارت آشور را که مورد اشاره عاموس است با به اسارت رفتن بعدی یهودا به بابل ترکیب کرده و مکان اسارت را جاگذاری نموده است.

پرستش ستارگان در بین النهرین آغاز شد، و به سوریه و کنعان نیز رسوخ یافت (ر.ک. ایو. ۳۱: ۲۶، ۲۷). کشفیات باستان‌شناسی در تل العامرنا (Tell El-Amarna)، شامل صدها نامه از کنعان به مصر در قرن ۱۴ ق.م. است که از همین خدایان ستارگان با نام مکانها یاد شده است.

□ «در کتاب انبیا» اشاره به طوماری است که حاوی کتابهای دوازده نبی کوچک عهد عتیق بود (ر.ک. ۱۳: ۴۰). نقل قول آیات ۴۲-۴۳ از ترجمه هفتاد عاموس ۵: ۲۵-۲۷ است.

۷: ۴۳ «ملوک» حروف بی صدای عبری برای واژه پادشاه عبارتند است *mlk* چند خدای کنعانی، از بازی با این سه حرف بی صدا، نامگذاری شده بودند، مانند: *Milcom, Molech, Moloch*. برترین خدای باروری اموریان *Moloch* بود که ایشان فرزندانشان را برایش قربانی می کردند تا سلامتی و رفاه جماعت یا ملتشان را تضمین نمایند (ر.ک. ۵: ۲-۲۰؛ I پاد. ۱۱: ۵، ۷، ۳۳؛ II پاد. ۲۳: ۱۰، ۱۳، ۱۴؛ ارم. ۳۲: ۳۵؛ ۷: ۳۱). A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures In the New Testament*، جلد سوم، ص. ۹۳ می گوید که *Moloch* "شمایلی بود با سر گاو که دستهایش را به جلو کشیده بود تا کودکان را بر آنها قرار دهند و زیر آن خالی بود تا آتش از زیرش شعله بکشد." اشاره به نام *Molech* در لاو. ۱۸: ۲۱ در مضمون نامناسب مربوط به اجماعهای جنسی، برخی از پژوهشگران را بر آن داشته است که فرض را بر این بگیرند که کودکان برای مولک قربانی نمی شدند، بلکه، چه دختر و چه پسر، به عنوان فاحشه های معبد به او تخصیص می یافتند. این فرضیه با عملکردهای عمومی پرستش باروری همخوانی دارد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۴۴-۵۰

۴۴ «اجداد ما در بیابان خیمه مقدس داشتند و این خیمه همان چیزی است که خدا به موسی دستور داد که طبق آن نمونه‌ای که قبلاً دیده بود بسازد. ۴۵ نیاکان ما در نسل بعد در آن وقت که زمین کنعان را به تصرف درآورده بودند، یعنی وقتی خدا اقوام دیگر را از سر راهشان برمی داشت، آن خیمه را به همراهی یوشع با خود آوردند و تا زمان داوود آن خیمه در آنجا ماند. ۴۶ داوود مورد لطف خدا واقع شد و تقاضا نمود که به او اجازه داده شود مسکنی برای خدای یعقوب بنا نماید. ۴۷ ولی این سلیمان بود که خانه‌ای برای خدا ساخت. ۴۸ «اما خدای متعال در مسکن‌های ساخته دست بشر ساکن نمی شود. چنانکه نبی فرموده است: ۴۹ آسمان تخت من و زمین پای‌انداز من است. برای من چه خانه‌ای خواهید ساخت؟ ۵۰ استراحتگاه من کجاست؟ آیا دست خود من جمیع این چیزها را نساخته است؟»

۷: ۴۴ این روایت در خرو. ۲۵-۳۱، ۳۶-۴۰ آمده است. این نقشه های کامل از خیمه عبادت بر کوه سینا به موسی آشکار شد. در عهد جدید در کتاب عبرانیان، درباره خیمه یا مکان مقدس آسمانی (ر.ک. ۸: ۵-۶؛ ۹: ۱۱، ۲۳) سخن می رود که خیمه اول کپی و نمونه ای از آن بود.

۷: ۴۵ خلاصه ای از دوره زمانی میان فتح کنعان (۱۴۰۰ یا ۱۲۵۰ ق.م.) تا سلطنت داود (حوالی ۱۰۱۱ ق.م. تا ۹۷۰/۹۷۱ ق.ک.)، Harrison؛ ۹۷۳ ق.م.، Young؛ یا ۹۶۱ ق.م.، Bright).

۷: ۴۶ انعکاسی از II سمو. ۷ است که متنی بسیار حائز اهمیت می باشد. در آن از برقراری سلطنت داود به دست خدا سخن گفته می شود.

۷: ۴۷ «سلیمان برای او خانه ای ساخت» این روایت در I پاد. ۶-۸ و II توا. ۱-۶ آمده است.

۷: ۴۸ این گفته مشابه اظهارات سلیمان در I پاد. ۸: ۲۷ و II توا. ۶: ۱۸ است.

۷: ۴۹-۵۰ نقل قولی که از ترجمه هفتاد اشعیا ۶۶: ۱-۲ گرفته شده است. نکته اینجاست که حتی سلیمان نیز دریافت که یک ساختمان گنجایش خدای آفرینش را ندارد!

آیا این آیات حاوی مفهوم ضمنی گنجاندن غیریهودیان است؟ اگر چنین باشد، به نظر می رسد که تا حدودی این معنا در پس پرده است. اما، سلیمان شخصاً معبد را به عنوان مکانی می دید که تمامی جهان در آن به حضور YHWH می آیند (ر.ک. I پاد. ۸: ۴۱-۴۳). این یهودیان یونانی زبان (آن هفت نفر در اعمال ۶) بودند که مأموریت جهانی انجیل را پیش از آنکه رسولان این جنبه از تعالیم عیسی را دریابند (ر.ک. متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ اعمال ۱: ۸)، دیدند و آن را اعلام داشتند. امکان دارد منظور ضمنی استیفان در آیه ۵۰ همین موضوع باشد.



### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۵۱-۵۳

۵۱ «ای گردنکشان که از دل و گوش کافرید و گوشه‌پایان کر است. شما هم مثل اجداد خود همیشه به ضد روح‌القدس مقاومت می‌کنید. ۵۲ کدام نبی‌ای از دست اجداد شما جفا ندید؟ آنان کسانی را که دربارهٔ آمدن آن یکتای عادل پیشگویی می‌کردند کشتند، و در زمان ما، شما به خود او خیانت کردید و او را به قتل رساندید. ۵۳ آری شما شریعت را که توسط فرشتگان به شما رسید قبول کردید اما از اطاعت آن سر باز زدید.»

۷: ۵۱ «گردنکشان» استیفان گریزی می‌زند به توصیف موسی از بنی یعقوب/اسرائیل (ر.ک. خرو. ۳۲: ۹؛ ۳۳: ۳، ۵).

□ «به دل ... نامختونید» این اصطلاح عبری به معنی بی وفا، ناسپاس و غیرقابل اعتماد است (ر.ک. لائو. ۲۶: ۴۱؛ ارم. ۴: ۴؛ ۹: ۲۵-۲۶؛ حرق. ۴۴: ۷).

□ «و گوش» اشاره به عدم تمایل ایشان به گوش کردن و پاسخ دادن به پیام آوران خداست (ر.ک. ارم. ۶: ۱۰).

□ «پیوسته با روح‌القدس مقاومت می‌کنید» این عبارت شباهت زیادی به اش. ۶۳: ۱۰ دارد. محبت و وفاداری خدا در اش. ۶۳: ۹، ۱۱-۱۴ مورد ستایش قرار گرفته اما واکنش قوم نسبت به آن بی وفایی و بی ایمانی بود!

۷: ۵۱ب-۵۲ سرزنش شدید رهبران فعلی یهود، که درست مانند رهبران قدیم اسرائیل بودند! قوم خدا در قدیم انبیای خدا را می‌کشتند و اکنون نیز ماسیح را کشته بودند (ر.ک. ۳: ۱۴؛ ۵: ۲۸).

۷: ۵۲ «یکتای عادل» عنوانی برای عیسی که در ۳: ۱۴ و ۲۲: ۱۴ نیز مورد استفاده قرار گرفته است. به یادداشت کاملتر ۳: ۱۴ و عنوان خاص: عادل شمرده‌گی در ۳: ۱۴ مراجعه کنید.

۷: ۵۳ «که توسط فرشتگان به شما رسید» این جمله، اشاره‌ای است به تفسیر تثنیه ۳۳: ۲ توسط ربانیون در ترجمه هفتاد که در آن خدا شریعت را به واسطهٔ فرشتگان به موسی می‌دهد که به نظر در غلاطیان ۳: ۱۹ و عبرانیان ۲: ۲ نیز مورد تایید قرار گرفته است.

□ «آن را حفظ نکردید» استیفان دفاعیه خود را با "گوش دهید" آغاز کرد که ممکن است بازتابی از *Shema* عبری باشد، "بشنو و توجه کن" (ر.ک. تث. ۶: ۴). استیفان و بعدها یعقوب (برادر ناتنی عیسی) هر دو به تأکید می‌گویند: "کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان" (ر.ک. یعقو. ۱: ۲۲-۲۳ و عیسی در: متی ۷: ۲۴-۲۷؛ لوقا ۱۱: ۴۸؛ یوحنا ۱۳: ۱۷؛ و پولس در: روم. ۲: ۱۳).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۷: ۵۴-۶۰

۵۴ اعضای شورا از شنیدن این سخنان چنان به خشم آمدند که دندانهای خود را به هم می‌ساییدند. ۵۵ اما استیفان پر از روح‌القدس، به آسمان چشم دوخت و جلال خدا و عیسی را که در دست راست خدا ایستاده بود ۵۶ دید و گفت: «ببینید من هم اکنون آسمان را گشوده و پسر انسان را در دست راست خدا ایستاده می‌بینم.» ۵۷ در این هنگام فریاد بلندی از حاضران برخاست. آنها گوشهای خود را گرفتند و به سوی او حمله کردند، ۵۸ او را از شهر بیرون انداخته سنگسار نمودند. کسانی که علیه او شهادت داده بودند، لباسهای خود را کردند و پیش پای جوانی به نام شائول گذاشتند. ۵۹ وقتی استیفان را سنگسار می‌کردند او با فریاد گفت: «ای عیسی، ای خداوند روح مرا بپذیر.» ۶۰ سپس به زانو افتاد و با صدای بلند گفت: «خداوندا، این گناه را به حساب ایشان نگذار.» این را گفت و جان سپرد.

۷: ۵۴ "شنیدند" منظور اعضای شورای یهود است (ر.ک. ۶: ۱۵).

۵۴:۷	
«عصبانی شدند»	NASB
«دلریش شدند»	NKJV
«خشمگین شدند»	NRSV
«به خشم آمدند»	TEV
«آتشی شدند»	NJB

یک وجه وصفی مجهول ناکامل. در اصل به معنی "دلشان پاره یا ریش شد" است (ر.ک. ۵: ۳۳). پیام استیفان به واقع این رهبران را تکان داد، اما در عوض توبه، آن را مانند همیشه رد کردند و خواستند که او را بکشند (ر.ک. ۵: ۳۳).

□ «دندانهای خود را به هم ساییدند» به نشانه خشم و غضب (ر.ک. ایوب ۱۶: ۹؛ مز. ۳۵: ۱۶؛ ۳۷: ۱۲؛ مراثی ۲: ۱۶).

۷: ۵۵ «روح القدس ... خدا ... عیسی» به اشاره به خدای تثلیث توجه کنید. ر.ک. عنوان خاص در ۲: ۳۲-۳۳.

□ «پر از روح القدس» مفهوم پر بودن از روح القدس به منظور اعلام انجیل، منحصر به کتاب اعمال است (واژه *ple-roo-* ر.ک. ۲: ۴؛ ۴: ۸؛ ۳۱: *ple-re-s* ر.ک. ۶: ۳ و ۵ و ۸؛ ۷: ۵۵؛ ۱۱: ۲۴).

حقایق کتاب مقدس در رابطه با روح القدس به شرح زیر است:

۱. شخص روح القدس (ر.ک. یوحنا ۱۴-۱۶)
۲. تعمیم روح القدس (ر.ک. I قرن: ۱۲: ۱۳)
۳. ثمره روح القدس (ر.ک. غلا. ۵: ۲۲-۲۳)
۴. عطایای روح القدس (ر.ک. I قرن: ۱۲)
۵. پری از روح القدس (ر.ک. افس. ۵: ۱۸)

از همه این موارد، تأکید کتاب اعمال بر شماره ۵ است. رهبران کلیسای اولیه ظاهراً پی در پی قدرت می یافتند، تا با شهامت و قوت انجیل عیسی مسیح را اعلام کنند. در مورد استیفان، تأثیرگذاری موعظه او به قیمت جاننش تمام شد. یادداشت کاملی درباره "پر شدن" در ۲: ۴ و ۳: ۱۰ موجود است.

□ «چشم دوخت» لوقا علاقه زیادی به این واژه دارد (ر.ک. لوقا ۴: ۲۰؛ ۲۲: ۵۶؛ اعمال ۱: ۱۰؛ ۳: ۴؛ ۱۲: ۶؛ ۱۵: ۷؛ ۵۵: ۱۰؛ ۴: ۱۱؛ ۶: ۱۳؛ ۹: ۱۴؛ ۹: ۲۳؛ ۱). استیفان به بالا نگرست، همانگونه که یهودیان برای دعا به بالا می نگرستند، اما در عوض دعا، خدا به او اجازه داد تا خود آسمان و تختگاه او را ببیند.

□ «جلال خدا را ... دید» توجه داشته باشید که نمی گوید استیفان خدا را دید، بلکه جلال خدا را دید. هیچکس نمی تواند خدا را ببیند و زنده بماند (ر.ک. خرو. ۳۳: ۲۰-۲۳). ایوب ایمان داشت که خدا را خواهد دید (ر.ک. ایوب ۱۹: ۲۵-۲۷؛ ۷: ۵۵). عیسی وعده می دهد که پاکدلان روزی خدا را خواهند دید (ر.ک. متی ۵: ۸). ر.ک. عنوان خاص: جلال در ۳: ۱۳

□ «عیسی را به دست راست خدا ایستاده» بودن عیسی به دست راست خدا تمثیلی انسانی برای جایگاه الهی قدرت و اقتدار وی است. این واقعیت که عیسی ایستاده بود، نشانگر علاقه و مراقبت او نسبت به نخستین شهید مسیحی است. خدا خود را بر استیفان به شکل و وضعیتی آشکار نمود که استیفان قادر به درک آن باشد. این تصویر به معنی آن نیست که:

۱. آسمان در آن "بالا" است

۲. خدا بر روی تختی نشسته است

بلکه برای رسانیدن علاقه و توجه عیسی است. ما باید مراقب زبان مشروط فرهنگی تمثیل به انسان باشیم. تلاش خوانندگان غربی امروزی در برداشت تحت اللفظی از هر متن به عنوان روشی برای نشان دادن توکل یا سرسپردگی‌شان به کتاب مقدس، یک تمایل فرهنگی است که مایه تأسف می باشد. خدا حقیقتاً خود را بر آفرینش خود آشکار می سازد، اما او این کار را به نحوی انجام می دهد که برای آنان قابل درک باشد. یقیناً در این میان عنصر تطابق و همسازی وجود دارد. مخلوقات انسانی سقوط کرده و محدود قادر نیستند به طور کامل قلمرو روحانی را درک کنند. خدا از جهان فرهنگی و تجربی ما به عنوان تمثیل و استعاره برای ارتباط با ما استفاده می کند. این تمثیلهای و استعارات مطمئناً حقیقت دارند، ولی فراگیر نیستند.

**۷: ۵۶ «پسر انسان»** استیفان آشکارا عیسی را به عنوان آن "عادل یکتا" در ۵: ۵۲، بازمی شناسد. شنوندگان این تأکید مسیحایی را کاملاً فهمیدند. اصطلاح "پسر انسان" در عهد عتیق دو کاربرد دارد: (۱) عبارتی رایج برای یک فرد (ر.ک. حزق. ۲: ۱؛ مز. ۸: ۴) و (۲) شخصیت الهی (ماشیح) در دانیال ۷: ۱۳-۱۴ و مز. ۱۱۰: ۱. بنابراین، مفاهیم ضمنی آن هم به انسانیت اشاره دارد و هم به الوهیت. به همین دلیل است که عیسی از این اصطلاح هم برای توصیف خود استفاده می کند و هم به این دلیل که معلمان یهود آن را به کار نمی بردند زیرا عناوین عهد عتیق برای ایشان مفهومی فراگیر، ملی و نظامی داشت. این اشاره توسط استیفان یکی از دو مورد استفاده از اصطلاح مزبور است که خارج از سخنان عیسی در عهد جدید آمده است (ر.ک. یوحنا ۱۲: ۳۴).

**۷: ۵۷-۵۸** شنوندگان معتقد بودند که استیفان با این بیان که عیسی همان پسرانسان است که قرار بود بیاید، کفر گفته است (ر.ک. دان. ۷: ۱۳). برای آن یهودیان توحیدگرا این سخنی بسیار اضافه بر تحمل بود! آنان همان کاری را با استیفان کردند که موسی برای کفرگویی تعیین کرده بود (ر.ک. لاو. ۲۴: ۱۴-۱۶؛ تث. ۱۳: ۹؛ ۱۷: ۷). تأکید استیفان یا حقیقت داشت و یا اینکه او یک کافر مستحق مرگ بود! در شنیدن ادعاهای عیسی، هیچگونه بی طرفی امکان پذیر نیست (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۶-۹).

**۷: ۵۷ «به یکدل بر او حمله کردند»** این همان اصطلاحی است که لوقا اغلب برای توصیف اتحاد شاگردان اولیه به کار می برد (ر.ک. ۱: ۱۴؛ ۲: ۴۶؛ ۵: ۱۲؛ ۱۵: ۲۵). شورای عالی یهود در خشم و عدم پذیرش استیفان متحد شدند (همچنین نگاه کنید به ۱۸: ۲۲ که در آن یهودیان اخائیه پولس را رد می کنند و ۱۹: ۲۹ در مورد خشم بت پرستان افسس بر مسیحیان).

**۷: ۵۸ «او را از شهر بیرون انداخته»** کسی را نمی شد در داخل اورشلیم کشت زیرا زمین "مقدس" بود!

□ **«سنگسارش کردند»** معمولاً چنین بیان می شود که یهودیان تحت اشغال حکومت روم، حق اجرای حکم مجازات مرگ نداشتند. این امر نشان می دهد که این امر همواره صحت نداشت. خشونت انبوه مردم چیزی نبود که بشود به سرعت متوقف نمود.

□ **«جوانی که سولس نام داشت»** در جوامع یهود، افراد تا سن چهل سالگی، جوان محسوب می شدند. این نخستین برخورد ما با سولس طرسوسی به اسم است. بعدها او تبدیل به پولس رسول گردید. پولس برآورد اجمالی استیفان از عهد عتیق را شنید و امکان دارد پیشتر از آن نیز در کنیسه قیلیقیان در اورشلیم (۶: ۹) به سخنان او گوش فرا داده باشد. شاید بتوان احتمال داد که این آغاز دوره تردید سولس بوده است که او می کوشید با آزار مسیحیان با آن برخورد کند.

**۷: ۵۹ «ای عیسی خداوند، روح مرا بپذیر»** یک فعل امری میانی نامعین. توجه داشته باشید که استیفان باور داشت که به آسمان نزد عیسی می رود (ر.ک. II قرن. ۵: ۶، ۸) نه به برزخ (یعنی مکان انتظار مردگان، مانند *sheol* عبری). شاید استیفان شاهد بر صلیب شدن عیسی

بود یا دستکم درباره آن با تمامی شرح و جزئیاتش شنیده بود زیرا در اینجا او از دو عبارت مشابه استفاده می کند (یعنی آیه ۵۹ و ۶۰؛ ر.ک. لوقا ۲۳: ۳۴، ۴۶).

توجه بر این نکته جالب است که استیفان به عیسی دعا می کند، به همانگونه ای که رسولان در ۱: ۲۴ کردند. اما در سایر دعاها عهد جدید، مخاطب خدای پدر است و دعا در نام پسر کرده می شود.

۷: ۶۰ «به زانو افتاد» سنگسار شدن همیشه یک تجربه سریع نبود. مفهوم ضمنی متن این است که این عمل چند دقیقه به طول انجامید.

▣ «به آواز بلند ندا در داد» این نیز تقلیدی از تجربه عیسی است. این سخنان بیشتر خطاب به جمعیت بود تا به YHWH. حتماً این سخنان در گوشهای شائول طنین انداز شد.

▣ «خوایید» این استعاره ای کتاب مقدسی برای مرگ است (مثلاً: ایوب ۳: ۱۳؛ ۱۴؛ ۱۲۲؛ مز. ۷۶: ۵؛ II سمو. ۷: ۱۲؛ I پاد. ۲: ۱۰؛ ارم. ۵۱: ۳۹، ۵۷؛ دان. ۱۲: ۲؛ متی ۲۷: ۵۲؛ یوحنا ۱۱: ۱۱؛ اعمال ۷: ۶۰؛ ۱۳: ۳۶؛ I قرن. ۱۵: ۶، ۱۸، ۲۰؛ I تسلا. ۴: ۱۳؛ II پتر. ۳: ۴).

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. قصد استیفان از بیاناتش چه بود؟

این بیانات چه چیزی را در مورد یهودیان نشان می داد؟

چرا آنها اینقدر غضبناک شدند؟

۲. طبق آیه ۳۷، عیسی چه شباهتی به موسی دارد؟

۳. چرا نقل قول از اشعیا ۶۶: ۱-۲ در آیات ۴۹-۵۰ بسیار اهمیت دارد؟

۴. رویایی که استیفان از عیسی دید چه اهمیتی دارد؟

**کارهای رسولان فصل ۸**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
سنگسار استیفان، شائول آزارگر (۷: ۵۵-۸: ۳) ۲: ۸ ۳: ۸	آزار شائول به کلیسا ۲-۱: ۸	انتشار انجیل تا سامره و کناره دریا ۳-۱: ۸	آزار شائول به کلیسا ۳-۱: ۸	آزار شائول به کلیسا ۳-۱: ۸
فیلیپس در سامره ۸-۴: ۸	بشارت انجیل در سامره ۸-۴: ۸	۸-۴: ۸	موعظه به مسیح در سامره ۸-۴: ۸	بشارت انجیل در سامره ۸-۴: ۸
شمعون جادوگر ۱۳-۹: ۸	۱۳-۹: ۸	۱۳-۹: ۸	اعتراف ایمان جادوگر ۱۳-۹: ۸	۱۳-۹: ۸
۱۷-۱۴: ۸	۱۷-۱۴: ۸	۲۴-۱۴: ۸	گناه جادوگر ۲۴-۱۴: ۸	۲۴-۱۴: ۸
۲۴-۱۸: ۸	۱۹-۱۸: ۸ ۲۴-۲۰: ۸			
۲۵: ۸	۲۵: ۸	۲۵: ۸	۲۵: ۸	۲۵: ۸
فیلیپس یک خواجه- سرا را تعمیر می دهد ۳۳-۲۶: ۸	فیلیپس و صاحب منصب اتیوپیایی ۳۰-۲۶: ۸ ۳۳-۳۱: ۸	۴۰-۲۶: ۸	موعظه مسیح به شهروند اتیوپی ۴۰-۲۶: ۸	فیلیپس و خواجه سرای حبشی ۳۳-۲۶: ۸
۴۰-۳۴: ۸	۳۷-۳۴: ۸ ۴۰-۳۴: ۸			۴۰-۳۴: ۸

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۸: الف**

۱ شائول جزء کسانی بود، که با قتل استیفان موافقت کرده بودند.

۸: ۱ «شائول در قتل او راضی می بود» این آیه باب ۷ را خاتمه می بخشد. فعل جمله، یک فعل معلوم ناکامل دارای حشو و زوائد است. پولس این تجربه را با شرم بسیار به یاد می آورد (ر.ک. اعمال ۲۲: ۲۰؛ I قرن. ۱۵: ۹؛ غلا. ۱: ۱۳، ۲۳؛ فیل. ۳: ۶؛ I تیمو. ۱: ۱۳). برخی این متن را با ۲۶: ۱۰ مرتبط می دانند که در آن پولس توسط شورای یهود تعیین شد تا مسیحیان را به قتل برساند.

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۸: اب-۳**

در همان روز جفای سختی به کلیسای اورشلیم شروع شد و همه ایمانداران به جز رسولان به نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند. ۲ گروهی از نیکوکاران جسد استیفان را به خاک سپردند و سوگواری بزرگی برای او ترتیب دادند. ۳ شائول سعی می کرد، که بنیاد کلیسا را براندازد. او خانه به خانه می گشت و زنها و مردها را بیرون می کشید و به زندان می انداخت.

□ «در همان روز جفای سختی به کلیسای اورشلیم شروع شد» احتمالاً نشانگر فعالیت رهبران یهود (بیش از همه صدوقیان) است زیرا رشد و نمای کلیسای اولیه در اورشلیم انفجاری بود. اما این در عین حال، روش خدا برای اجرای اعمال ۱: ۸ توسط کلیسا نیز بود! اگر در ۱: ۸ این مأموریت به انجام نرسید، در ۸: ۱ او ایشان را بدان سو هدایت کرد!

استفاده لوقا از واژه *ekklesia* برای بدنه جدید ایمانداران، تصادفی نیست. این مردان و زنان خود را نه تنها جدا از وعده های خدا در عهد عتیق نمی دیدند، بلکه به عنوان تحقق آن وعده ها به خود می نگریستند! این واژه در ترجمه هفتاد برای برگردان واژه عبری "جماعت" (در متن مازورتیک عبری: *qahal*) اسرائیل در ۷: ۳۸ آمده است؛ اما اکنون به منظور نشان دادن شراکت ایمانداران در اورشلیم به کار می رود. لوقا علاقه زیادی به واژه "عظیم" (*mezas*) دارد. او بیست و پنج بار از این واژه در انجیل خود و بیست و نه بار در کتاب اعمال استفاده می کند. در فصل ۸ کاربردهای این واژه عبارتند از:

۱. جفای شدید، آیه ۱
۲. ماتم عظیم، آیه ۲
۳. نعره (صدای بلند)، آیه ۷
۴. شخصی بزرگ، آیه ۹
۵. عظیم، آیه ۱۰
۶. قوات (معجزات) عظیمه، آیه ۱۳

□ «همه جز رسولان به نواحی ... پراکنده شدند» بسیار جالب توجه است که جفای مزبور از روی رسولان گذشت و بر مسیحیان یهودی یونانی زبان قرار گرفت. ظاهراً در این مرحله، رسولان همچنان راضی به ماندن در میانه یهودیگرایان بودند. واقعه مزبور مدتی پس از پنتیکاست رخ داد و رسولان که رهبری این نهضت را به دست داشتند از ماندن و موعظه کردن فقط برای یهودیان یا نوگرویدگان به یهودیت و تنها در اورشلیم، رضایت داشتند.

□ «به نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند» این امر در تحقق مأموریت بزرگ لوقا که در اعمال ۱: ۸ مورد اشاره قرار گرفته، صورت پذیرفت. اکنون دیگر مدتی از این سخنان عیسی می گذشت و ظاهراً جفا و آزار تنها راهی بود که کلیسا را به تمامی جهان می راند. کلیسا همچنان بی میل بود!

۸: ۲ «مردان صالح استیفان را دفن کرده ...» عبارت "مردان صالح" معمولاً برای یهودیان حساس به امور روحانی بکار می رود (ر.ک. لوقا ۲: ۲۵). امکان دارد که منظور مسیحیان یهودی یا به سادگی یهودیانی باشد که با این عملکرد غیرقانونی (یعنی خشونت ازدحام مردم) و اعدام استیفان موافق نبودند. *Mishnah*، تدفین کافران را مجاز می شمارد، ولی نه با سوگواری پر سرو صدای تدفین کنندگان. این مردان صالح در انتظار مردم ماتم کردند، (۱) به نشانه اعتراض به آنچه رخ داده بود و یا (۲) برای اشاره به این واقعیت که رویداد مزبور، مجوز قانونی نداشته است.

۸: ۳ «سولس کلیسا را معذب می ساخت» این فعل یک وجه وصفی میانی ناکامل است. بدین معنا که می تواند شروع یک عمل در گذشته (ر.ک. NASB, NJB) و یا عملی مکرر باشد (ر.ک. NKJV, NRSV, TEV).  
واژه ای که در اینجا معذب ساختن ترجمه شده، در اصل به معنی "پاره کردن بدن توسط یک حیوان" است. در ترجمه هفتاد، این واژه در مز. ۷۹: ۱۳ برای حیوانات، و در ارم. ۲۸: ۲ و ۱۸: ۳۱ برای شکست نظامی به کار رفته است. ظاهراً پولس در کشمکش با حقیقت بیانات استیفان بود و شاید برای پوشانیدن تنش درونی خود می کوشید تا با پشتکار به آزار کلیسا پردازد (ر.ک. اعمال ۹: ۱، ۱۳، ۲۱؛ ۲۲: ۴، ۱۹؛ ۲۶: ۱۰-۱۱؛ I قرن. ۱۵: ۹؛ غلا. ۱: ۱۳؛ فیل. ۳: ۳؛ I تیمو. ۱: ۱۳).

□ «خانه به خانه می گشت» این عبارت را می توان به دو معنا گرفت: (۱) پولس پی می برد که رسولان به کجا می روند (ر.ک. ۵: ۴۲) یا اینکه (۲) حتی در این برهه از نوپایی کلیسا نیز، کلیساهای خانگی زیادی در اورشلیم وجود داشتند که ایمانداران معمولاً در آنجا جمع می شدند.

مسیحیان اولیه در محلهای زیر جمع می شدند: (۱) کنیسه های محلی، در روزهای سبت؛ (۲) معبد بزرگ، در ایام خاص یا بطور کلی اکثر روزها؛ و (۳) مکانهای مخصوص یا خانه ها، در روزهای یکشنبه.

□ «مردان و زنان را برکشیده» این همان فعلی است که در مکا. ۴: ۱۲، در مورد شیطان که با دُمش یک سوم از ستارگان آسمان را جاروب می کند، به کار رفته است. در کتاب اعمال، چند بار از این فعل استفاده شده (ر.ک. ۸: ۳؛ ۱۴: ۱۹؛ ۱۷: ۶). پولس با شرارت آزار می داد (ر.ک. ۲۶: ۱۰). این امر در عبارت "مردان و زنان" مشخص است. او خانواده های ایمانداران صادق را از هم می پاشید و آنها را در زندان می افکند و برخی از ایشان را نیز می کشت. به همین جهت است که بعدها او خود را "کمترین مقدسان" می خواند (ر.ک. ۹: ۱، ۱۳، ۲۱؛ ۲۲: ۴، ۱۹؛ ۲۶: ۱۰، ۱۱؛ I قرن. ۱۵: ۹؛ غلا. ۱: ۱۳، ۲۳؛ I تیمو. ۱: ۱۳).

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۸: ۴-۸

۴ و اما آنانی که پراکنده شده بودند به هر جا که می رفتند، پیام خدا را اعلام می کردند. ۵ فیلیپس به شهری از سامره وارد شد و در آنجا به اعلام نام مسیح پرداخت ۶ و مردم یک دل و با اشتیاق به سخنان او گوش می دادند و معجزاتی را که انجام می داد می دیدند. ۷ ارواح پلید با فریاد از مبتلایان بسیار خارج می شدند و عده زیادی از مفلوجان و لنگان شفا می یافتند ۸ و در آن شهر شادی عظیمی برپا شد.

۸: ۴ «پس آنانی که متفرق شدند، به هر جایی که می رسیدند به کلام بشارت می دادند» توجه داشته باشید که آنان، رسولان نبودند، زیرا رسولان در اورشلیم مانده بودند، بلکه آنان مسیحیان یهودی یونانی زبان متفرق شده در آن نواحی بودند که مبشرین اولیه گشتند. شگفت انگیز است که محرکین اصلی مأموریت جهانی کلیسا، نه رسولان، بلکه استیفان و فیلیپس بودند.

"کلام" در اینجا یقیناً به معنی انجیل است، اما بنا بر اظهارات استیفان، در آن جنبه جهان‌شمول تمرکز بر غیریهودیان نیز گنجانیده شده بود (مأموریت بزرگ متی ۲۸: ۱۸-۲۰).

۸: ۵ «فیلیپس» او یکی از آن "هفت نفر" مورد اشاره در ۶: ۵ است (ر.ک. ۲۱: ۸-۹). او در سه موقعیت بشارتی ترسیم شده است: (۱) سامره؛ (۲) خواجه سرای حبشی؛ و (۳) خدمت در نواحی ساحلی فلسطین. این "هفت نفر" دل‌مشتاقی برای بشارت دادن داشتند.

□ «به شهری از سامره وارد شد» سئوالی که از نسخه‌های موجود وجود دارد این است: "شهر سامره" یا "شهری از سامره". نسخه‌های اصلی گواه بر حرف اضافه مشخص می‌دهند (ر.ک. به نسخه‌های P<sup>74</sup>، آلف، A، B). با این وجود، این شهر در آن زمان به نام سامره نامیده نمی‌شد بلکه نام آن Sebaste بود. در طی دوران حکومت روم، تمامی آن ناحیه به سامره مشهور بود. شهر اصلی منطقه سامره، شکیم نامیده می‌شد. فرض بر آن گرفته می‌شود که شهر مورد نظر، Gitta بوده است زیرا براساس روایات موجود، موطن شمعون جادوگر آنجا بود. این فرضیه را Justin Martyr پیشنهاد کرده که خود نیز اهل آن منطقه بوده است.

□ «ایشان را به مسیح موعظه می‌کرد» یهودیان از سامریان منزجر بودند زیرا آنان را دورگه محسوب می‌کردند (ر.ک. عزرا ۴: ۱-۳). این امر مربوط به اسارت آشور در ۷۲۲ ق.م. می‌شد که بت پرستان را در منطقه شمالی مربوط به ده قبیله اسرائیل اسکان دادند، و ایشان با جمعیت کوچک یهودی باقیمانده ازدواج کردند (ر.ک. II پاد. ۱۲۷: ۲۴-۴۱).

عیسی نیز به این گروه از مردم خدمت کرد (ر.ک. یوحنا ۴). عیسی، مسیح بودن خود را به زنی سامری و اهالی دهکده او آشکار ساخت (ر.ک. یوحنا ۴). اکنون فیلیپس درباره "مسیح" به آنها موعظه می‌کرد (مسیح با حرف اضافه معین)، که ترجمه یونانی "ماشیح" است. عنوان عهد عتیقی مربوط است به وعده YHWH در فرستادن کسی که پادشاهی جدید را برقرار نموده و عصر جدید روح‌القدس را تأسیس می‌کند. این پیشگویی درباره خدمات عیسی بود و مخصوصاً در سخنان آخر عیسی (۱: ۸) حکم آن صادر گردید.

۸: ۶ "مردم به یکدل" عبارت "یکدل" بسیار مورد علاقه لوقا است. ر.ک. به یادداشت ۱: ۱۴.

□ "چون معجزاتی را که از او صادر می‌گشت، می‌شنیدند و می‌دیدند" اشاره به معجزاتی است که موید پیام فیلیپس بودند (ر.ک. آیه ۷). همین گونه تظاهرات روح‌القدس را عیسی، دوازده رسول و هفتاد تنی که به مأموریت رفتند، نیز به تجربه دیدند.

۸: ۷ دیو زدگی واقعی در جهان ماست (ر.ک. به دو کتاب Merrill F. Unger [۱]: *Biblical Demonology* و [۲] *Demons in the World Today*). به عنوان خاص در ۵: ۱۶ مراجعه کنید.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۸: ۹-۱۳

۹ مردی شمعون نام در آن شهر زندگی می‌کرد که برای مدتی سامریان را فریفته کارهای جادوگرانه خود کرده و مدعی بود که او شخص بزرگی است. ۱۰ همه آنان از بزرگ و کوچک با توجه کامل به او گوش می‌دادند و می‌گفتند: «این شخص قدرت همان خدایی است که عظیم نام دارد.» ۱۱ آنها احترام زیادی به او می‌گذاشتند زیرا او سالهای سال با جادوگری آنها را افسون کرده بود. ۱۲ اما وقتی به مؤده فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند مردها و زنها تعمید یافتند. ۱۳ حتی خود شمعون نیز ایمان آورد و تعمید گرفت و پس از آن دیگر از فیلیپس دور نشد و وقتی عجایب و معجزاتی را که به وسیله فیلیپس به عمل می‌آمد می‌دید مات و مبهوت می‌شد.

۸: ۹ «مردی شمعون نام» این امر که آیا آن مرد حقیقتاً ایمان آورده بود (ر.ک. آیات ۱۳، ۱۸) یا شارلاتانی بود در پی قدرت، مشخص نیست. من علاقمندم که به او این مزیت را بدهم که بر اساس آیه ۲۴ تردید داشته است. شگفت‌انگیز است که کلیسای اولیه تا چه اندازه در



مورد وی روایت دارد، اما تمامی این روایات، گمانه زنی است (ر.ک. *The Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible*، جلد پنجم، ص. ۴۴۲-۴۴۴).

۹:۸

«جادو» NASB, NRSV

«جادوگری» NKJV, TEV

«جادوگرانه» NJB

### عنوان خاص: جادوگری

در روزگاران قدیم ظاهراً چند نوع از افراد و گروهها در انواع گوناگون جادوگری مشغول بودند:

۱. طبقه ای از کاهنان ماد به نام کلدانیان درگیر کار ستاره شناسی بودند (ر.ک. دان. ۱: ۲۰؛ ۲: ۲، ۱۰، ۲۷؛ ۴: ۷، ۹؛ ۵: ۱۱؛ متی ۲: ۱، ۷، ۱۶). هروُدئس آنان را "کاهنان ماد" می نامد. آنان پیشگویی می کردند و وقایع آینده را بر اساس حرکت و تغییر شکل خدایان ستارگان (یعنی سیاره ها، ستارگان، صورت های فلکی و شهابها) تحت تسلط خود داشتند.
۲. گروهی از ترکیب کنندگان صور ریاضی و فلسفی نیز در یونان می زیستند که به فیثاغورثیان مشهور بودند.
۳. اکثر گروه های جادوگری، اشخاصی بودند که ادعای توانایی اداره ماوراءطبیعه یا نیروهای طبیعی را داشتند (ر.ک. پید. ۴۱: ۸، ۲۴؛ خرو. ۷: ۱۱، ۲۲؛ ۸: ۷، ۱۹؛ ۹: ۱۱). اغلب، این نیروها (یا خدایان) را در جنگ با انسانیت می دیدند و این دارندگان بصیرت با سمت گیری به جانب این نیرو یا آن نیرو می توانست به نفع شخص مورد نظر نیروهای دیگر را تحت تسلط خود بگیرد (ر.ک. پاپیروس های جادوگران از قرون سوم و چهارم میلادی). این افراد به کارهای زیر مبادرت می ورزیدند:
  - ا. پیشگویی وقایع آینده
  - ب. تسلط بر وقایع آینده
  - ج. تفسیر وقایع و رویاها درباره آینده
  - د. نفرین یا دفاع از افراد، شهرها، ملتها، ارتشها و غیره
۴. جادوگرانی مانند اعمال ۸: ۹، ۱۱ مدعی بودند که می توانند نیروهای غیرشخصی طبیعی یا نیروهای شخصی (دیوها) را به گونه ای تحت اختیار خود بگیرند که آنچه می خواهند به انجام رسد. این ادعا اغلب شامل مراسم و افسون خوانی بود.
۵. جادوگران "حقیقی" اغلب اوقات به سایر جادوگران که آیین و مراسم را به درستی انجام نمی دادند، حمله می کردند. دسته دوم را معمولاً شارلاتانها یا فریبکاران می خواندند (ر.ک. اعمال ۱۳: ۶، ۸؛ ۱۹: ۱۳).
۶. قدرت انجیل در خدمت پولس در افسس قابل رویت بود، چنانکه جادوگران سابق که به مسیح ایمان می آوردند، کتابهای گرانهای جادوگیشان را می سوزاندند (که شامل افسون خوانی و انجام آداب و مراسم به طور صحیح بود، ر.ک. اعمال ۱۹: ۱۹).
۷. برای خواندن کتابهای دیگری در این مورد می توانید به کتابهای زیر مراجعه کنید:

ا. Susan Garrett, *The Demise of the Devil*, Fortress Press, 1989

ب. Merrill Unger, *Biblical Demonology*, Scripture Press, 1967

ج. Hendrik Berkhof, *Christ and the Powers*, Herald Press, 1977

د. Waller Wink, *Naming the Powers*, Fortress Press, 1984

ه. Clinton Arnold, *Three Crucial Questions About Spiritual Warfare*, Baker, 1997

۸: ۱۰ «این است قوت عظیم خدا» این عنوان خدای بزرگ (یعنی زئوس) بود. در زبان آرامی این جمله چنین بود: "این است قدرت خدایی که عظیم نام دارد". آن مرد کاملاً با نیرنگ بازی، اهالی شهر را مجذوب خود کرده بود. شاید خودش نیز همین فریب را باور داشت (ر.ک. آیات ۹، ۱۳).

۸: ۱۲ «ایمان آوردند» عنوان خاص: ایمان در ۳: ۱۶ را ملاحظه کنید

۱۲: ۸

NASB «موعظه بشارت مژده»

NKJV «موعظه در مورد آن مطالب»

NRSV «خبر خوش موعظه می‌شد»

NJB «پیغامی در مورد خبر خوش»

فعل یونانی *evangelizeo-*، که ترکیبی از خوب (*eu*) و پیام (*angelizo-*) است. واژه *evangelism* انگلیسی از همین واژه یونانی ریشه می‌گیرد. فیلیپس داستان زندگی عیسی را برای این سامریان بازگو می‌کرد و آنان با ایمان پاسخ می‌دادند.

□ «درباره پادشاهی خدا» نگاه کنید به دو عنوان خاص درباره این موضوع در ۱: ۳ و ۲: ۳۵.

□ «نام عیسی مسیح» نگاه کنید به عنوان خاص در ۲: ۲۱.

□ «تعمید یافتند» نگاه کنید به یادداشت ۲: ۳۸.

□ «مردان و زنان» از روی قراین متن، این عبارت می‌تواند از دو نظر اهمیت داشته باشد:

۱. پولس "مردان و زنان" (ر.ک. ۸: ۳) را آزار می‌داد، اما انجیل نیز "مردان و زنان" را نجات می‌بخشید.
۲. در میان یهودیان فقط مردان بودند که در آیین ختنه که نخستین آیین یهود بود شرکت می‌کردند، ولی اکنون در انجیل، هم زنان و هم مردان در نخستین آیین تعمید شرکت می‌جستند.

۸: ۱۳ «شمعون ... ایمان آورد» اکثر انجیلیون این عبارت را به معنای کاملاً مشخص "ایمان آورد" تلقی می‌کنند، اما در عهد جدید مواردی (مثل یوحنا ۸: ۳۱) وجود دارد که منظور گرویدن کامل به مسیح نیست (ر.ک. یوحنا ۸: ۵۹). ایمان اولیه تنها معیار نیست (ر.ک. متی ۱۳: ۱-۹، ۱۰-۲۳؛ ۲۴: ۱۳). پایداری و اطاعت نیز در این میان، شواهد یک ارتباط حقیقی با مسیح است.

□ «دیگر از فیلیپس دور نشد» یک فعل ناکامل دارای حشو و زوائد است. به توالی عملکرد او توجه کنید:

۱. او شنید، آیات ۶-۷، ۱۲

۲. دید، آیات ۶-۷، ۱۳

۳. ایمان آورد، آیه ۱۳

۴. تعمید گرفت، آیه ۱۳

۵. همراه فیلیپس بود، آیه ۱۳

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۸: ۱۴-۲۴

۱۴ همین که رسولان ساکن اورشلیم باخبر شدند که در سامره هم پیام خدا با استقبال روبه‌رو شده است، پطرس و یوحنا را نزد آنان فرستادند. ۱۵ وقتی آنها به آنجا رسیدند، برای ایمانداران دعا کردند تا روح‌القدس را بیابند، ۱۶ زیرا آنها فقط به نام عیسی خداوند تعمید گرفته بودند و تا آن زمان روح خداوند بر آنان نازل نشده بود. ۱۷ بنابراین پطرس و یوحنا دست بر سر آنان گذاردند و آنان روح‌القدس را یافتند. ۱۸ وقتی شمعون دید که با دستگذاری رسولان روح‌القدس عطا می‌شود، پولهای خود را نزد پطرس و یوحنا آورد ۱۹ و گفت: «همان قدرت را به من هم مرحمت کنید تا بر هر که دست بگذارم، روح‌القدس را بیابد.» ۲۰ پطرس پاسخ داد: «پولت با خودت هلاک شود، چون گمان کرده‌ای که بخشش رایگان خدا را با پول می‌توان خرید. ۲۱ تو از این بابت هیچ نصیبی نداری؛ زیرا دل تو نزد خدا ناراست است. ۲۲ از این شرارت توبه کن و از خداوند بخواه تا شاید تو را برای داشتن چنین فکری ببخشد. ۲۳ من می‌بینم که زندگی تو تلخ و زهرآگین است و در زنجیرهای شرارت گرفتاری.» ۲۴ شمعون در پاسخ خواهش کرده گفت: «برای من به درگاه خداوند دعا کنید تا هیچ‌یک از چیزهایی را که درباره من گفتید عملی نشود.»

**۸: ۱۴ «اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند»** خدمت به سامریان در طول عمر عیسی برای رسولان ممنوع بود (ر.ک. متی ۱۰: ۵). ظاهراً رسولان می‌خواستند تأیید رسمی خود را از این جنبش غیرعادی و بنیادی روح‌القدس در میان این گروه نژادی بر اساس سنت، مورد انزجار یهودیان بودند، اعلام نمایند. به منطقه مزبور در اعمال ۱: ۸ به طور مخصوص اشاره شده بود. مانند نمونه قبلی (استیفان)، فیلیپس نیز منظور عیسی درباره بشارت جهان‌شمول را زودتر از آن دوازده دریافت.

توجه داشته باشید که ایمان داشتن به عیسی مترادف با "دریافت کلام خدا" است. کلام خدا می‌تواند به معنای چند مورد زیر باشد:

۱. شراکت کامل خدا با نوع بشر

۲. شراکت ثبت شده خدا با نوع بشر (یعنی کتاب مقدس)

۳. پسر خدا (کلمه، کلام، ر.ک. یوحنا ۱: ۱) که مکاشفه نهایی خداست (ر.ک. عبر. ۱: ۳)

توجه کنید که پطرس و یوحنا اعزام شدند. پطرس رهبر مورد قبول گروه رسولان، و یوحنا کسی بود که پیشتر از این می‌خواست آتش بر سامریان بباراند (ر.ک. لوقا ۹: ۵۴).

**۸: ۱۵ «و ایشان آمده، بجهت ایشان دعا کردند تا روح‌القدس را بیابند»** مسائل چشمگیری در راه تلاش برای بنای یک الهیات نجات از کتاب اعمال به دلیل زیر وجود دارد: ترتیب وقایع و خود وقایع مربوط به نجات از متنی به متن دیگر متفاوت است. روح‌القدس در این متن اشاره به نوعی تأیید مانند پنتیکاست دارد تا نشان داده شود که خدا این سامریان را پذیرفته و نجات داده است. آنان بدون کار روح‌القدس (ر.ک. روم. ۸: ۹) نمی‌توانستند واقعاً در وحله اول نجات بیابند (یافتن یک وجه وصفی میانی کامل است).

فکر می‌کنم که تجربه پنتیکاست به عنوان الگویی بکار می‌رفت که خدا آن را در تجربه اقوام با نژادها و موقعیتهای جغرافیایی متفاوت تکرار می‌کرد تا به کلیسای یهودیان ایماندار نشان بدهد که خود خداست که کاملاً و از هر نظر گروهی جدید را پذیرفته است. ظهور روح‌القدس در کتاب اعمال (مانند پنتیکاست) به این جهت از لحاظ الهیاتی متفاوت از زبانهای قرن‌تین است.

این متن را نمی‌توان برای مطالبه تجربه ای مانند قرن‌تین برای تأیید نجات بکار برد (ر.ک. I قرن. ۱۲: ۲۹-۳۰، که دنباله ای از پرسشهاست که جوابشان "خیر" می‌باشد). لوقا آنچه را که اتفاق افتاده ثبت کرده است، نه آنچه را هر دفعه می‌بایست اتفاق می‌افتاد.

**۸: ۱۶-۱۷** امری متفاوت با روند وقایع اعمال ۲: ۳۸. این ناهمخوانی به دلیل عملکرد خاص روح‌القدس است: (۱) در ۲: ۳۸ در رابطه با نجات و (۲) در ۸: ۱۶ در رابطه با تجربه نوع پنتیکاستی. همان "ماجرای روح‌القدسی" اعمال ۲، اکنون در مورد سامریان رخ می‌دهد. این تجربه نه فقط

برای ایشان، بلکه بیش از آنان برای جامعه مسیحیان یهودی سودمند بود، زیرا نشان می داد که خدا کاملاً سامریان را پذیرفته است! این بدان معنا نیست که تجربه نجات دارای دو قدم اولیه است.

لطفاً توجه کنید که پطرس و یوحنا بودند که متوجه غیبت ظهور مخصوص روح القدس چنانکه خودشان در پنتیکاست تجربه کرده بودند، شدند. این امر به مفهوم آن نیست که نشانه های معجزه آسایی که موعظه فیلیپس را همراهی می کرد، مظهر حضور واقعی روح القدس نبوده است (ر.ک. آیه ۱۳). پطرس و یوحنا یک پنتیکاست سامری می خواستند! این امر بسیار حائز اهمیت است زیرا هنگامی که کرنلیوس نیز همین تجربه را می یابد، پطرس متقاعد شد که خدا یک نظامی رومی و خانواده اش را نیز کاملاً پذیرفته است. انجیل برای همه مردمان است. حقیقتی عظیم که این تجربه، آن را در کتاب اعمال آشکار می سازد!

۸: ۱۶ می توان این واقعه را پنتیکاست سامریان نامید.

۸: ۱۷ متن مزبور را نمی توان تأییدی بر ضرورت نهادن دستها محسوب کرد. روند انجام یافتن این واقعه دیگر در کتاب اعمال تکرار نمی شود. این دستگذاری مبین قدرت و اقتدار رسولان است. به عنوان خاص: گذاشتن دستها در ۶: ۶ نگاه کنید.

۸: ۲۰ مسئله قابل طرح الهیاتی در اینجا، مسئله نجات شناسی برای شمعون است. آیا او نجات یافته بود یا خیر؟ سخن پطرس را می توان به عنوان یک لعنت یا هشدار تلقی کرد. تمامی نوایمانان اطلاعات ضعیف و ناصحیح درباره انجیل دارند، ولی آیا درخواست شمعون دارای یک عنصر اضافی خودخواهی است؟ آیا ممکن است که اشخاص با اولویتهای متناقض در زندگیشان نجات بیابند؟

□ «بخشش رایگان خدا» روح القدس در اینجا به منزله تمامی کار خدا به خاطر انسانیت عصیانگر گناهکار است (ر.ک. اش. ۵۵: ۱-۲؛ ارم. ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزق. ۳۶: ۲۲-۳۸؛ لوقا ۱۱: ۱۳؛ اعمال ۲: ۳۸).

□ ۸: ۲۱ «تورا در این امر، قسمت و بهره ای نیست» نخستین واژه "قسمت" (*meris*) به معنی قسمت به طور کلی است. این واژه دارای معنای ضمنی منفی در اینجا و در II قرن. ۱۵ است.

دومین واژه "بهره" (*kle-ros*) واژه عهد عتیقی برای "قرعه" است که بوسیله آن اراده خدا را درمی یافتند (همان *Urim* و *Thummim* است). از آنها در تقسیم سرزمین موعود میان قبایل اسرائیل استفاده شد (ر.ک. یوشع ۱۲-۱۹). بنابراین، به معنای میراث نیز بکار می رود. این واژه در زبان انگلیسی برای طبقه "روحانی" مورد استفاده قرار می گیرد ولی در عهد جدید اشاره به تمامی ایمانداران دارد.

□ «دلت در حضور خدا راست نمی باشد» ممکن است اشاره به مز. ۷۸: ۳۷ باشد. واژه های "راست" و "عادل" و اشکال مختلف آنها از واژه ای که برای نوعی نی رودخانه ای در بین النهرین می آیند. نی هایی که حدود پانزده تا بیست پا ارتفاع داشتند و صاف و مستقیم بودند. خدا از این واژه که برای ساختمان سازی استفاده می شد (به عنوان شاغول راست بودن دیوارهای افقی)، به منظور توصیف شخصیت اخلاقی خود استفاده می کند. خدا معیار، خط کش و لبه صافی است که تمامی انسانها توسط او داوری می شوند. در پرتو این معنا، تمامی نوع بشر از آزمایش مزبور مردود بیرون می آیند (ر.ک. روم. ۳: ۹-۱۸، ۲۳).

۸: ۲۲ «توبه کن» فعل امری معلوم نامعین، که اشاره به فوریت دارد. مراجعه کنید به عنوان خاص در ۲: ۳۸.

□ «از خدا درخواست کن» یک فعل امری مجهول (در ظاهر مجهول ولی در واقع معلوم) نامعین. سخن گفتن با خدا گواه بر ارتباط شخصی با اوست همچنان که الزام منجر به توبه، گواه بر سکونت روح القدس در شخص دارد!

□ «مگر» جمله شرطی نوع اول است که در آن مقاصد ادبی نویسنده یا دیدگاه او درست فرض می شود. این جمله به علامت احتمال اشتیاق شمعون به توبه و دعا برای آمرزش است. تفکر و رفتار او به شدت از مسیحیت اصولی منحرف گشته است.

□ «فکر دلت» گناه از تفکر آغاز می شود. معلمان یهود می گویند که فکر مانند یک باغچه شخم خورده و آماده برای بذریابی است. آنچه را که ما می گذاریم از چشمها و گوشهایمان وارد وجودمان شود، ریشه می دواند. اگر اجازه بدهیم که این افکار در ما بمانند، تبدیل به رفتار و عمل می شوند. به همین جهت است که عهد جدید بیان می دارد ما باید "کمر دلهای خود را ببندیم" (ر.ک. ۱ پطرس. ۱: ۱۳) یا "به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل" دهیم (ر.ک. روم. ۱۲: ۲؛ افس. ۴: ۲۳).

۲۳: ۸

NASB, NRSV	«عمق تلخی»
NKJV	«مسموم از تلخی»
TEV	«مملو از تلخی حسادت»
NJB	«تلخی صفا»

"زهره" (*chole-*) و "تلخی" (*pikros*) هر دو اشاره به روح تلخ دارند که معمولاً مربوط می شود به عصبانیت و ارتداد (ر.ک. تث. ۲۹: ۱۸؛ ۳۲: ۲۸-۳۳؛ عبر. ۱۲: ۱۵). پولس چند بار از اصطلاح "تلخی" در فهرست چیزهایی که باید از آن دوری کرد، نام می برد (ر.ک. روم. ۳: ۱۴؛ افس. ۴: ۳۱).

۲۳: ۸

NASB	«گرفتار ناراستی»
NKJV	«گرفتار در ناراستی»
NRSV	«زنجیرهای شرارت»
TEV	«زندانی گناه»
NJB	«زنجیرهای گناه»

شاید این کنایه ای باشد از کار ماشیح (ر.ک. اش. ۵۸: ۶). عیسی می توانست شمعون را از این بند شرارت آزاد کرده همچنانکه از مجازات گناه رهایی اش می بخشید، به او قدرت شخصی بدهد. گناه دارای دو جنبه است: (۱) مرگ جسمانی و روحانی، و (۲) کسی که مسلط بر زندگی شخص ایماندار است (که می تواند بر زندگی نجات یافتگان و گم گشتگان تأثیر بگذارد، ر.ک. I قرن. ۳: ۱-۳). باید هم در زمان و هم در جاودانیت با گناه روبرو شد؛ می بایست مجازات و قدرت آن رویارویی کرد، اما فقط مسیح و روح القدس قادر به اینکار هستند و ما به عنوان افراد ایماندار باید به ایشان اجازه این کار را بدهیم!

۸: ۲۴ «شما برای من به خداوند دعا کنید» فعل امری مجهول نامعین (جمع) که می تواند اشاره به کل گروه مبشرین در آنجا باشد). شمعون سخنان پطرس در آیه ۲۲ را تکرار می کند. سخنان پطرس او را به وحشت انداخته بود. من معتقدم که شمعون یک ایماندار است، اما از نوع طفل نوزاد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۸: ۲۵

۲۵ پس از آنکه پطرس و یوحنا شهادت‌های خود را دادند و پیغام خداوند را اعلام کردند، به اورشلیم بازگشتند و در بین راه مؤده نجات را به بسیاری از دهکده‌های سامره رسانیدند.

۸: ۲۵ "ارشاد نموده و به کلام خداوند تکلم کرده" رجوع کنید به یادداشت ۲: ۴۰.

□ «در بسیاری از بلدان اهل سامره بشارت دادند» نشانگر تغییر اساسی دیدگاه رسولان به سامریان است.

به نظر می رسد که "کلام خداوند" و "انجیل" مترادف هستند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۸: ۲۶-۴۰

۲۶ فرشته خداوند به فیلیپس گفت: «برخیز به طرف جنوب، به آن جاده‌ای که از اورشلیم به غزه می‌رود برو.» (این جاده یک راه بیابانی است.)  
۲۷ او بلند شد و به طرف آنجا حرکت کرد. یک خواجه سرای حبشی که در دربار ملکه حبشه به نام کندا مقام مهمی داشت و خزانه‌دار او بود برای عبادت به اورشلیم آمده بود. ۲۸ در این هنگام در راه بازگشت به وطن در کالسکه‌ای نشسته بود و کتاب اشعیا نبی را می‌خواند. ۲۹ روح خدا به فیلیپس گفت: «نزدیک برو و خود را به آن کالسکه برسان.» ۳۰ پس فیلیپس به سوی آن دوید و شنید که او کتاب اشعیا را می‌خواند و پرسید: «آیا آنچه می‌خوانی می‌فهمی؟» ۳۱ او پاسخ داد: «تا کسی مرا راهنمایی نکند، چطور می‌توانم آن را بفهمم؟» خواجه سرا از فیلیپس خواهش کرد که سوار کالسکه بشود و پهلوی او بنشیند. ۳۲ آن قسمتی را که می‌خواند چنین بود: «او مانند گوسفندی که به کشتارگاه می‌برند، یا مثل بره‌ای که پیش پشم‌چینان زبان نمی‌گشاید، کلامی به زبان نیاورد. ۳۳ بدین گونه او را حقیر شمردند و حقایقتش را نادیده گرفتند. چه کسی درباره فرزندان او سخن خواهد گفت؟ زیرا حیات او از روی زمین منقطع شده است.» ۳۴ آن خواجه سرا به فیلیپس گفت: «تمنا دارم به من بگو که نبی در اینجا درباره چه کسی سخن می‌گوید، درباره خودش یا کسی دیگر.» ۳۵ آنگاه فیلیپس شروع کرده و از همان قسمت کتاب مقدس، مؤده عیسی را به او رسانید. ۳۶ همان‌طور که می‌رفتند به آبی رسیدند. خواجه سرا گفت: «نگاه کن، در اینجا آب هست؛ چه چیزی مانع تعمید گرفتن من است؟» ۳۷ فیلیپس گفت: «اگر با تمام دل ایمان آوری هیچ مانعی وجود ندارد.» خواجه سرا پاسخ داد: «من ایمان دارم که عیسی مسیح، پسر خداست.» ۳۸ خواجه سرا دستور داد کالسکه را نگه دارند. او و فیلیپس داخل آب رفتند و فیلیپس او را تعمید داد. ۳۹ وقتی از آب بیرون آمدند، روح خداوند ناگهان فیلیپس را در ربود و خواجه سرا دیگر او را ندید و شادی کنان به راه خود رفت. ۴۰ اما فیلیپس در اشدود دیده شد که در همه شهرهای آن ناحیه می‌گشت و بشارت می‌داد تا سرانجام به قیصریه رسید.

۸: ۲۶ «فرشته خداوند به فیلیپس... گفت» در اینجا به نظر می رسد که "فرشته خداوند" مترادف است با "روح القدس" (ر.ک. آیه ۲۹).

این موضوع در کتاب اعمال رایج است. رجوع کنید به یادداشت ۵: ۱۹.

□ «برخیز و به جانب جنوب ... روانه شو» هر دو فعل امری هستند. می تواند اشاره به یکی از دو جاده مصر باشد. این پیام شاید به دلیل

اختصاصی بودنش، قابل شنیدن بود. این آشکارا یک برخورد بشارتی با تدارک الهی بود (مانند موضوع پولس).

۸: ۲۶

«(این جاده یک راه بیابانی است)»

NASB

«این بیابان است»

NKJV

«(این جاده در بیابان است)»

NRSV

«(از این جاده در این روزها استفاده نمی‌شود)»

TEV

«جاده بیابان»

NJB

آیا این توضیح لوقا است، آیا لوقا درباره گفته منع این روایت توضیح می دهد، یا اینکه این توضیح همان منبع اطلاع است (که

احتمالاً فیلیپس بوده، ر.ک. اعمال ۲۱: ۸)؟ این سوالها را نمی توان با اطمینان پاسخ گفت. الهام شامل تمامی ساختهای کتاب مقدس می شود،

مستقل از آنکه چند فرد جداگانه در آن شرکت داشته اند.

۸: ۲۷ «در دربار ... مقام مهمی داشت» واژه "مقام" در اصل به همان معنای "خواجه" است. با این حال مشخص نیست که او جسماً خواجه بود یا اینکه تنها یک مقام درباری بوده (معنای برگرفته شده) است. در عهد عتیق، فوتیفار نیز خواجه سرا خوانده شده ولی شخصی متأهل بود (ر.ک. پید. ۳۹: ۱). در عهد عتیق، ت. ۲۳: ۱ مانع آن می شود که یک خواجه در جماعت یهود عضویت یابد؛ اما، در اشعیا ۵۶: ۳، این ممانعت برداشته می شود. این موضوع به روشنی نشان می دهد که عصر جدید روح القدس طلوع کرده است. مشخص نیست که آن مرد شخصی خدا ترس بوده یا اینکه از نوگرویدگان به یهودیت بوده است. عبارت "در دربار...مقام داشت" به طور ضمنی دلالت بر این دارد که او مقامی عالی رتبه بوده است.

□ «کنداکه، ملکه حبشه» کنداکه عنوانی مانند "فرعون" یا "سزار" است. به این دلیل از ملکه یاد شده است که به پادشاه حبشه مقام الوهیت نسبت داده می شد و بنابراین سروکار داشتن با امور ساده سیاسی یا اداری، کسر شأن او محسوب می گشت.

۸: ۲۸ «صحیفه اشعیای نبی را مطالعه می کند» ظاهراً این مرد یک طومار چرمی گرانبها از اشعیا را خریده بود که بیش از ۲۹ پا درازا داشت (یکی از این طومارها در میان طومارهای دریای مرده پیدا شده است). با هدایت روح القدس، او متن مسیحایی اشعیا ۵۳: ۷-۸ را باز کرده بود و می خواند.

۸: ۲۹ «روح به فیلیپس گفت: "پیش برو و با آن ارا به همراه باش"» فعل امری مجهول نامعین است. در اصل به معنی "به آن ارا به بچسب" است. روح القدس، فیلیپس را در هر مورد خاص هدایت می کند.

۸: ۳۰ «فیلیپس پیش دویده، شنید که اشعیای نبی را مطالعه می کند» در دوران باستان همه با صدای بلند قرائت می کردند.

□ «آیا می فهمی آنچه را می خوانی؟» چه سؤال بزرگی! ممکن است کسی کلام خدا را بخواند و به وضوح معنای آن را نفهمد. روح القدس فیلیپس را به سوی یک "ملاقات الهی" هدایت می کند که:

۱. نشانگر طلوع عصر جدید است
۲. شهادتی قدرتمند به مردمانی از نژاد دیگر می بخشد

۸: ۳۱ A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament* این آیه را چنین تشریح می کند: "این جمله شرطی مرکب است، نتیجه گیری در ابتدا مربوط به جمله نوع چهارم ... با "an" و یک واژه تمنایی... از نوع اول... یک پدیده به اندازه کافی رایج در یونانی Koine است" (ص. ۱۱۰). این شرط نوع اول، مانند لوقا ۱۹: ۴۰ از *ean* بجای *ei* استفاده می کند. شرط بوسیله خُلق و حالت تعیین می شود نه توسط ساختار (ر.ک. لوقا ۱۹: ۴۰).

۸: ۳۲-۳۳ این نقل قول از متن مسیحایی از ترجمه هفتاد اشعیا ۵۳: ۷-۹ است. تعجب می کنم که بر این آیات بجای سایر آیات مسیحایی در عهد عتیق تأکید شده است. اما، فیلیپس درست از همانجایی آغاز کرد که او می خواند و تمامی متن را در پرتو زندگی، خدمت، مرگ و قیام عیسی ناصری تشریح نمود. نبوت عهد عتیق به انجام رسیده و آموزش از راه مسیح به همگان اعطا می گردد!

۸: ۳۵ «فیلیپس زبان خود را گشود» این امر مرکزیت متن عهد عتیق در رابطه با "بنده رنج دیده" را با اعلام انجیل نشان می دهد. من معتقدم عیسی، شخصاً، به کلیسای اولیه نشان می داد که چگونه این نبوتهای باستانی در او کاربرد می یابد (ر.ک. لوقا ۲۴: ۲۷).

۸: ۳۶ «نگاه کن، در اینجا آب هست؛ چه چیزی مانع تعمید گرفتن من است؟» پیام انجیل فیلیپس شامل تعمید نیز می شد (ر.ک. متی ۳: ۲۸؛ اعمال ۲: ۳۸؛ روم. ۶: ۱-۱۱؛ کول. ۲: ۱۲)؛ توجه داشته باشید که او نیازی به تأیید رسولان در اورشلیم برای تعمید یک نوایمان

نداشت. تعمید یک مسئله فرقه ای نیست بلکه مسئله ای مربوط به یک پادشاهی است. ما باید مراقب سنتهای فرقه ای باشیم که آبهای کتاب مقدسی را تا به حد تشریفات ما در عصر حاضر، گل آلود کرده اند!

آیا این خواجه سرا درباره پذیرفته شدن خود نگران بود؟

۱. به خاطر مسائل نژادی
۲. به سبب مسائل جسمی
۳. به دلیل مسائل اجتماعی-اقتصادی
۴. بخاطر تعالیم و دستورهای کلیسایی؟

همه موانع در عیسی مسیح فرو ریخته اند (ر.ک. افس. ۲: ۱۱-۱۳). هر که می خواهد، بیاید!

۸: ۳۷ این آیه که اعتراف خواجه سرا را به ثبت رسانیده، در نسخه های پاپیروسی قدیم یونانی P<sup>45</sup> (پاپیروسهای Chester Beatty)، P<sup>74</sup> (پاپیروسهای Bodmer)، یا نسخه های یونانی وابسته به حروف الفبای باستانی آلف عبری، A، B، یا C موجود نیست. در ترجمه های باستانی لاتین، سریانی، کاپتیک یا حبشی نیز نشانی از آن موجود نمی باشد. آیه ۳۷ در اصل کتاب اعمال نیامده است. UBS<sup>4</sup> به حذف آن، رتبه A، به معنی مسلم داده است. این آیه حتی در متن چاپی NASB (۱۹۷۰) نیز نیامده است ولی در متن ۱۹۹۵ آن موجود می باشد.

۸: ۳۸-۳۹ «داخل آب رفتند ... از آب بیرون آمدند» این یک متن اثباتی برای غسل تعمید نیست. مضمون آن بدین مفهوم است که آنها به داخل یک حوضچه آب رفتند، اما روش انجام تعمید در اینجا مورد نظر نبوده است. مراقب پیش داوریهای یک سویه خود باشید!

۸: ۳۹ «روح خداوند فیلیپس را برداشت» مشخص نیست که این رخداد معجزه آسایی مانند برداشته شدن الیاس (ر.ک. I پاد. ۱۸: ۱۲؛ II پاد. ۲: ۱۶) یا حزقیال (ر.ک. حزق. ۳: ۱۴؛ ۸: ۳) بوده است یا اینکه به طور ساده اشاره به عزیمت ناگهانی وی می باشد. روح القدس در این امر ایمان آورد خواجه سرا به مسیح، دخالتی نزدیک داشت. به این موضوع نیز توجه کنید که هیچگونه پیگیری گسترده یا تعلیم و دستورات کلیسایی در این میان داده نشد، بلکه شخص نوایمان با طومار اشعیا و حضور روح القدس در وجودش روانه شد!

□ «راه خود را به خوشی پیش گرفت» خبر خوش انجیل همواره با خوشی (ر.ک. ۸: ۸) همراه است. آیرینیوس روایتی مبنی بر اینکه خواجه سرای حبشی مبشر انجیل به هموطنانش شد، ثبت کرده است. روح القدس شخصاً مراحل شاگردسازی وی را برعهده گرفت!

۸: ۴۰ فیلیپس به خدمت بشارتی خود در شهر فلسطینی اشدود (*Azotus*) ادامه داد (وجه وصفی میانی ناکامل) تا اینکه به موطن خویش، قیصریه در ساحل دریا رسید. روشن است که فیلیپس متوجه معنای بشارت جهانی در مورد سامریان و حبشیان شده بود. انجیل شامل حال فلسطینیان نیز می شد!



## پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها

به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا خدا اجازه داد کلیسای اولیه دچار آزار و شکنجه شود؟
۲. چرا موعظه انجیل به سامریان تا این اندازه حائز اهمیت بود؟
۳. آیا شمعون یک ایماندار بود؟
۴. چرا سامریان هنگامی که ایمان آوردند، روح القدس را نیافتند؟
۵. خواجه سرای حبشی نماینده چه نوع افرادی است؟
۶. چرا آیه ۳۷ در تمامی کتاب مقدسها نیست؟

کارهای رسولان فصل ۹  
تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
تغییر زندگی شائول	تغییر زندگی شائول	تغییر زندگی شائول	راه دمشق: زندگی شائول تغییر می کند	تغییر زندگی شائول
۲-۱:۹	۲-۱:۹	۹-۱:۹	۹-۱:۹	۹-۱:۹
۹-۳:۹	۴-۳:۹			
	۵الف:۹			
	۶-۵ب:۹			
			تعمید شائول توسط حانیا	
۱۲-۱۰:۹	۱۰الف:۹	۱۰-۱۹الف:۹	۱۹-۱۰:۹	۱۰-۱۹الف:۹
	۱۰ب:۹			
	۱۲-۱۱:۹			
۱۹-۱۳الف:۹	۱۴-۱۳:۹			
	۱۶-۱۵:۹			
	۱۷-۱۹الف:۹			
موعظه شائول در دمشق	بشارت شائول در دمشق		بشارت شائول به مسیح	بشارت شائول در دمشق
۲۲-۱۹ب:۹	۲۰-۱۹ب:۹	۲۲-۱۹ب:۹		۲۲-۱۹ب:۹
	۲۱:۹		۲۲-۲۰:۹	
	۲۲:۹			
		اولین دیدار شائول از اورشلیم	فرار شائول از مرگ	فرار شائول از یهودیان
۲۵-۲۳:۹	۲۵-۲۳:۹	۲۵-۲۳:۹	۲۵-۲۳:۹	۲۵-۲۳:۹
دیدار شائول از اورشلیم	شائول در اورشلیم		شائول در اورشلیم	شائول در اورشلیم
۳۰-۲۶:۹	۳۰-۲۶:۹	۳۰-۲۶:۹	۳۰-۲۶:۹	۳۰-۲۶:۹
آرامش			رشد و گسترش کلیسا	
۳۱:۹	۳۱:۹	۳۱:۹	۳۱:۹	۳۱:۹
پطرس مفلوجی را در یافا شفا می دهد	پطرس در لده و یافا	سفر پطرس به لده و یافا	اینیاس شفا یافت	شفای اینیاس
۳۵-۳۲:۹	۳۵-۳۲:۹	۳۵-۳۲:۹	۳۵-۳۲:۹	۳۵-۳۲:۹
پطرس زنی در یافا را دوباره زنده می کند			زندگی دوباره دورکاس	زندگی دوباره دورکاس
۳۸-۳۶:۹	۴۳-۳۶:۹	۴۳-۳۶:۹	۴۳-۳۶:۹	۴۳-۳۶:۹
۴۲-۳۹:۹				
۴۳:۹				

## قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

### دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

### بینشهایی با توجه به قرائن متن

أ. تأکید کتاب اعمال انتقال می یابد: از پطرس رسول بر پولس رسول، از فلسطین به جهان مدیترانه، و از یهودیان بر غیریهودیان.

ب. تغییر زندگی پولس از چنان اهمیتی در تاریخ کلیسا برخوردار است که سه مرتبه در کتاب اعمال به ثبت رسیده است:

۱. روایت لوقا، ۹: ۱-۳۰

۲. روایت پولس در برابر ازدحام جمعیت در اورشلیم، ۲۲: ۳-۱۶

۳. روایت پولس در برابر اغریپاس دوم در قیصریه، ۲۶: ۴-۱۸

۴. اشاره مختصر پولس به همین دوران در غلا. ۱: ۱۳-۱۷ و II قرن. ۱۱: ۳۲-۳۳

ج. تشابهات میان پیام استیفان و پیامهای پولس آشکار است. پولس شروع به خدمت به همان یهودیان یونانی زبانی کرد که استیفان

بدیشان موعظه کرده بود. پولس سخنرانی استیفان را در اعمال ۷ (ر.ک. ۷: ۵۸؛ ۸: ۱؛ ۲۲: ۲۰) شنیده بود. حتی امکان دارد که پولس

یکی از رهبران کنیسه یهودیان یونانی زبان در اورشلیم بوده که با استیفان مناظره کرده و مغلوب شده بود!

د. برخی از عوامل تأثیرگذار ممکن در تغییر زندگی و ایمان پولس عبارتند از:

۱. درماندگی یهودیت در تأمین آرامش و شادی درونی

۲. زندگی و تعالیم عیسی در محافل معلمان یهود شناخته شده بود و مورد مباحثه ایشان قرار می گرفت (مخصوصاً در اورشلیم)

۳. او سخنرانی استیفان را شنید و شاهد مرگ وی بود (احتمالاً حتی با استیفان مناظره نیز کرده بود)

۴. او ناظر رفتار و ایمان مسیحیان تحت آزار و شکنجه بود

۵. برخورد شخصی او با خداوند قیام کرده همه چیز را تغییر داد.

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۹: ۱-۹**

۱ شائول از تهدید و کشتن پیروان خداوند به هیچ نحوی دست بردار نبود. او نزد کاهن اعظم رفت ۲ و تقاضای معرفی نامه‌هایی برای کنیسه‌های دمشق کرد تا چنانچه مرد یا زنی را از اهل طریقت پیدا کند آنها را دستگیر کرده به اورشلیم آورد. ۳ شائول هنوز به دمشق نرسیده بود، که ناگهان نزدیک شهر نوری از آسمان در اطراف او تابید. ۴ او به زمین افتاد و صدایی شنید که می‌گفت: «ای شائول، شائول، چرا بر من جفا می‌کنی؟» ۵ شائول پرسید: «خداوندا تو کیستی؟» پاسخ آمد: «من عیسی هستم، همان کسی که تو بر او جفا می‌کنی، ۶ ولی برخیز و به شهر برو و در آنجا به تو گفته خواهد شد که چه باید بکنی.» ۷ در این هنگام همسفران شائول خاموش ماندند، زیرا اگرچه صدا را می‌شنیدند، ولی کسی را نمی‌دیدند. ۸ پس شائول از زمین برخاست و با اینکه چشمانش باز بود، چیزی نمی‌دید. دستش را گرفتند و او را به دمشق هدایت کردند. ۹ در آنجا سه روز ناپینا ماند و چیزی نخورد و ننوشید.

۹: ۱ «سولس هنوز تهدید و قتل بر شاگردان همی دمید» در اصل "خرناسه می کشید/می‌گرید". در اعمال ۲۶: ۱۱، پولس درباره خودش می‌گوید که به شدت نسبت به ایشان غضبناک بوده است. ظاهراً پولس حتی برخی از مسیحیان را کشت (ر.ک. ۸: ۱).

□ «شاگردان خداوند» این اصطلاح به معنی آموزندگان است. نه تنها در اناجیل بلکه در کتاب اعمال نیز دیده می‌شود. اصطلاح مزبور سریعاً توسط واژه "مقدسان" جایگزین می‌گردد. به تعداد واژگانی که در این باب برای توصیف قوم خدا آمده، توجه کنید:

۱. شاگردان، آیات ۱، ۱۰، ۱۹، ۲۵، ۲۶، ۳۶، ۳۸
۲. اهل طریقت، آیه ۲
۳. مقدسین، آیات ۱۳، ۳۲، ۴۱
۴. برادران، آیه ۱۷.

□ «نزد کاهن اعظم رفت» این به وضوح اشاره به شورای یهود (سنهدرین، ر.ک. اعمال ۲۶: ۱۰) است. به یادداشت شورای عالی یهود (سنهدرین) در ۴: ۵ نگاه کنید.

۹: ۲ «از او نامه‌ها خواست به سوی کنایسی که در دمشق بود» دولت روم اختیارات محدودی به شورای عالی یهود برای هدایت و کنترل وقایع در کنیسه‌ها یا امور دیگر زندگی یهودیان در امپراتوری خود داده بود (ر.ک. I مکاب. ۱۵: ۱۶-۲۱ یا کتاب یوسفوس، *Antiq.* 14: 10: 2). یهودیت یک مذهب شناخته شده رسمی در جهان یونانی-رومی نبود. ظاهراً این نامه‌ها به منظور استرداد یهودیان مسیحی بود که از آزار یهودیان در اورشلیم گریخته بودند (ر.ک. ۹: ۱۴، ۲۱؛ ۲۲؛ ۲۶: ۱۰).

□ «اگر» یک جمله شرطی از نوع سوم، به معنی عمل بالقوه است.

□ «اهل طریقت» عنوان معروف اولیه ایمانداران (ر.ک. ۱۹: ۹، ۲۳؛ ۲۲: ۴؛ ۲۴: ۱۴، ۲۲ و احتمالاً ۱۸: ۲۵، ۲۶). زمینه آن در عهد عتیق مربوط می‌شود به زندگی در ایمان (ر.ک. مز. ۱: ۱؛ ۱۱۹؛ ۱۰۵؛ ۱۰۵: ۴؛ ۱۰-۱۹). ممکن است در یوحنا ۱۴: ۶ نیز به این عنوان اشاره شده باشد.

□ «خواه زن» سه بار اشاره به زنان در میان گروههایی که پولس آزارشان می‌رسانید، شیوه ای برای نشان دادن شدت عمل پولس است (ر.ک. ۸: ۳؛ ۲۲: ۴).

۹:۳ «دمشق» شهری باستانی و مرکز استان رومی سوریه، درست در شمال/شمال شرقی جلیل بود. فاصله آن تا اورشلیم حدود ۱۵۰ مایل بود.

□ «ناگاه» مفهوم دیگر این واژه "به طور غیرمنتظره" نیز هست.

□ «نوری از آسمان» پولس در هر سه روایتش از این تجربه در کتاب اعمال، شرح متفاوتی از تجربه خود در برابر این نور می دهد:

۱. "نوری از آسمان دور او درخشید" (۳:۹)

۲. "نوری عظیم از آسمان گرد من درخشید" (۶:۲۲)

۳. "نوری از آسمان دیدم، درخشنده تر از خورشید که دور من و رفقایم تابید" (۱۳:۲۶)

پولس خاطره زنده ای از این واقعه دارد! این امکان وجود دارد که این نور از لحاظ الهیاتی/فیزیکی مربوط به Shekinah (شخینا)، جلال حضور YHWH در میان اسرائیل طی دوره سرگردانی ایشان در بیابان می شود. مفهوم عبری "جلال"، جنبه نورانی این واقعه تاریخی را دربردارد (ر.ک. عنوان خاص: جلال در ۱۳:۳). این نور از دید پولس معلم یهود، نشانگر حضور شخصی خدا بود.

۹:۴ «آوازی شنید» یهودیت با ندای آسمانی، آشنایی کامل داشت و آن را یک *bath kol* می نامید. این ندای آسمانی طریقی برای یهودیان در دریافت اطلاعات و/یا تأیید از خدا بود (در طی دوران میان عهد عتیق و عهد جدید، بین کتاب ملاکی و آغاز خدمت یحییای تعمید دهنده). مکاشفه اینچنینی ضرورت داشت زیرا انبیای الهام گیرنده از خدا در این دوران وجود نداشتند.

□ «شائول، شائول» در عبری، این تکرار اسم نشانگر جدیت موضوع بود.

□ «برای چه بر من جفا می کنی؟» از لحاظ الهیاتی این جمله بسیار مهم است زیرا نشانگر پیوستگی و صمیمیت ارتباط میان عیسی و کلیسایش می باشد (ر.ک. متی ۱۰: ۴۰؛ ۲۵: ۴۰؛ ۴۵: ۴۵). پولس کلیسا را آزار می رساند، ولی عیسی آن را امری شخصی قلمداد می کرد. از اعمال ۲۶: ۱۴ می دانیم که عیسی با پولس به زبان آرامی سخن گفت.

اهمیت دیگر الهیاتی این سخن آن است که مسیحیت هم یک شخص (عیسی) و هم یک گروه (کلیسا) است. استعارات اشتراکی به کار رفته برای کلیسا عبارتند از:

۱. بدن

۲. خانواده

۳. ساختمان/بنا

۴. مقدسین

تمامی اینها بر طبیعت اشتراکی ایمان تأکید دارند (ر.ک. I قرن. ۷: ۱۲). مسیحیت به صورت انفرادی آغاز می شود، اما به سوی جمع حرکت می کند (هشیاری و توجه). این شراکت در بدن را می توان در بحث پولس درباره آدم و مسیح در روم. ۵: ۱۲-۲۱ مشاهده کرد. آن یگانه بخشی از همه بدن است و می تواند بر همه بدن تأثیر بگذارد (ر.ک. یوشع ۷).

۹:۱۵ الف «خداوندان، تو کیستی؟» منظور پولس از به کار بردن "خداوند" چه بود؟

۱. آقا، نشانه احترام (مانند: یوحنا ۴: ۱۱)

۲. YHWH، که در عهدعتیق، خداوند ترجمه شده است (مانند: پید. ۴: ۲)

اگر تکان دهنده بودن ماجرا را در نظر بگیریم، احتمالاً شماره ۱ درست است، اما اگر نور آسمانی را به نشانه عمل خدا محسوب کنیم، آنگاه شماره ۲ گزینه صحیح می باشد. اگر شماره ۲ صحت داشته باشد، پس الهیات پولس که خود یک معلم یهود بود، ناگهان به چالش کشیده می شد. چه ماجرای گیج کننده و هراس انگیزی!

۹: ۵ب- ۶ب این آیات در هیچیک از نسخه های اولیه یونانی پیدا نشده است. آنها را فقط می توان در یکی از نسخه های لاتینی مشاهده کرد. اراسموس، در ترجمه وُلگیت (Vulgate) این آیات، آنها را در نسخه اول ترجمه عهد جدید یونانی خود در سال ۱۵۱۶ قرار داد. این واژگان در اعمال ۲۶: ۱۴ موجود است. قرار دادن آنها در اینجا نشانگر تمایل کاتبان برای یکپارچه کردن و ارائه تمامی جزئیات در بازگویی داستانهای متناظر است.

۹: ۵ «من آن عیسی هستم که تو بدو جفا می کنی» پولس مدعی است که مسیح جلال یافته را دیده است (ر.ک. اعمال ۲۲: ۱۴؛ ۱۴: ۱۴). او بعدها این تجربه را به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از دعوت خدا برای آنکه رسول امتهای بشود، در ک نمود.

۹: ۶ این آیه به تفصیل در آیات ۱۰-۱۹ تشریح شده است.

۹: ۷ «آنانی که همسفر او بودند» این احتمالاً اشاره ای است به (۱) پلیس معبد که پولس را همراهی می کردند؛ (۲) سایر غیوران یهودی، احتمالاً از کنیسه های یونانی زبان؛ یا (۳) سایر شاگردان الهیات از اورشلیم.

□ «آن صدا را شنیدند، لیکن هیچکس را ندیدند» به نظر می رسد که نوعی ناهمخوانی میان ۹: ۷ و ۹: ۲۲ در شرح جزئیات این ماجرا وجود دارد. چند نظریه برای مواجهه با آن عبارتند از:

۱. مشکل در صرف افعال است. فعل "شنیدن" را می توان به صورت ملکی مضاف الیهی (۹: ۷) یا مفعولی (۲۲: ۹) صرف کرد. این اشکال مختلف صرف فعل دارای مفاهیم و اشارات مختلف هستند. در پانوشت ترجمه NRSV آمده است: "مفهوم زبان یونانی این قسمت آن است که همراهان او صدایی را شنیدند اما متوجه کلمات ادا شده نگردیدند."
  ۲. سایرین می گویند این واقعه مشابه یوحنا ۱۲: ۲۹-۳۰ درباره ورود عیسی به اورشلیم و ندای آسمانی است.
  ۳. دیگران بیان می دارند که صدای پولس مورد اشاره است، نه صدای عیسی. آنان سخنان پولس را می شنیدند، نه سخنان عیسی را.
  ۴. گروهی دیگر اظهار می دارند که این مشابه مشکل موجود در اناجیل همنظر است.
- نویسندگان اناجیل همنظر، ماجراها، سخنرانی ها و عملکردهای یکسانی را از عیسی به شیوه های گوناگون به روایت شاهدان عینی متفاوت، ثبت می کنند.

۹: ۸ «با اینکه چشمانش باز بود، چیزی نمی دید» ظاهراً از این نقطه به بعد، چشمان پولس دچار مشکل شد (ر.ک. غلا. ۴: ۱۳-۱۵؛ ۶: ۱۱). من شخصاً معتقدم که "خاری در جسم" پولس (ر.ک. II قرن. ۱۲: ۷-۱۰) التهاب خاوری کره چشم، بوده که احتمالاً از همین تجربه در وی باقی مانده بود. در اینجا طنزی موجود است؛ پولس جهت گیری تازه ای را تجربه می کند. او می پنداشت که می تواند بیند (جسماً و روحاً، ر.ک. یوحنا ۹)، اما دریافت که نابینا است. پس از برخورد با مسیح، از لحاظ جسمی مدتی نابینا گردید اما چشمان روحانی اش کاملاً باز شدند!

۹: ۹ «سه روز نابینا ماند» فعل نا کامل دارای حشو و زواید. به عقیده برخی، این سه روز موقعیتی برای رویای آسمانی پولس بود که در II قرن. ۱۲: ۱-۴ به ثبت رسیده است.

«چیزی نخورد و نیاشامید» پولس در روزه و دعا بود (ر.ک. آیه ۱۱). چه تغییر جهت کلی ای در ذهن پولس (از لحاظ الهیاتی) و دل او (از لحاظ اشتیاق) ایجاد شده بود! او از جفا کننده بر انجیل، تبدیل به اعلام کننده انجیل می گردید!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۹: ۱۰-۱۱ الف

۱۰ یکی از ایمانداران به نام حنایا در شهر دمشق زندگی می کرد. خداوند در رؤیا به او ظاهر شد و فرمود: «ای حنایا.» او پاسخ داد: «بله ای خداوند، آماده‌ام.» ۱۱ خداوند فرمود: «برخیز و به کوچه‌ای که آن را 'راست' می‌نامند برو و در خانهٔ یهودا سراغ شخصی به نام شائول طرسوسی را بگیر. او به دعا مشغول است ۱۲ و در رؤیا مردی را دیده است به نام حنایا که می‌آید و بر او دست می‌گذارد و بینایی او را باز می‌گرداند.» ۱۳ حنایا عرض کرد: «خداوندا دربارهٔ این شخص و آن‌همه آزار که او به قوم تو در اورشلیم رسانیده است، چیزهایی شنیده‌ام ۱۴ و حالا از طرف سران کاهنان اختیار یافته و به اینجا آمده است تا همهٔ کسانی را که به تو روی می‌آورند دستگیر کند.» ۱۵ اما خداوند به او گفت: «تو باید بروی زیرا این شخص وسیله‌ای است که من انتخاب کرده‌ام تا نام مرا به ملت‌ها و پادشاهان آنان و قوم اسرائیل اعلام نماید. ۱۶ خود من به او نشان خواهم داد که چه رنج‌های بسیاری به خاطر نام من متحمل خواهد شد.» ۱۷ پس حنایا رفت، وارد آن خانه شد و دست بر شائول گذاشت و گفت: «ای برادر، ای شائول، خداوند یعنی همان عیسیایی که بین راه به تو ظاهر شد، مرا فرستاده است تا تو بینایی خود را بازیابی و از روح القدس پر گردی.» ۱۸ در همان لحظه چیزی مانند پوسته از چشمان شائول افتاد و بینایی خود را بازیافت و برخاسته تعمیم گرفت. ۱۹ بعد از آن غذا خورد و قوت گرفت.

۹: ۱۰ «حنایا» معنی این اسم: "YHWH فیض می بخشد" است. ظاهراً او یکی از یهودیان ایماندار خوشنام و غیرمهاجر دمشق بود (ر.ک. ۲۲: ۱۲).

□ «خداوندا، لیبیک» اصطلاحی یهودی به معنی آمادگی و در دسترس بودن است (ر.ک. اش. ۶: ۸). آیه ۱۱ آشکارا تحت اللفظی است زیرا دستورالعملی کاملاً خاص می باشد.

۹: ۱۲ «در رویا مردی را دیده است به نام حنایا» "در رویا" در نسخه های باستانی یونانی P<sup>74</sup>، آلف عبری و A نیست اما در نسخه های B و C وجود دارد. این آیه نشان می دهد که آمدن حنایا، کارها و پیام او موید سخنان قبلی عیسی به پولس است (ر.ک. آیه ۶).

□ «بر او دست می گذارد» نگاه کنید به عنوان خاص در ۶: ۶.

۹: ۱۳ «از بسیاری شنیده ام» حنایا آشکارا اخبار بدی درباره آزار بی رحمانه پولس بر ایمانداران از مهاجرین یهودی اورشلیم شنیده بود.

«مقدسین تو» واژه *hagioi* از واژه "مقدس" یونانی (*hagios*) است. زمینه عهدعتیقی این واژه (*kadosh*) مربوط می شود به شیء، شخص یا مکانی که خدا برای انجام کار خاصی کنار می گذارد. واژه "مقدسین" همواره به صورت جمع آمده مگر یکبار در فیل. ۴: ۲۱، اما حتی در آنجا نیز در مضمونی جمع بکار رفته است. مسیحی بودن به معنی بخشی از یک خانواده، یا یک جمع بودن، می باشد. در ایمان به مسیح هیچ فرد بیکه و منفردی وجود ندارد.

### عنوان خاص: مقدسین

این معادل یونانی واژه عبری *kadash* است که معنای بنیادیش جدا کردن کسی، چیزی یا مکان برای استفاده انحصاری YHWH می باشد. مفهوم آن در فارسی "وقف شده" است. YHWH شخصاً بواسطه ذات (روح جاودانی آفریده نشده) و شخصیت (کاملیت اخلاقی) خود، از انسانیت جدا شده است. او معیار سنجش و داوری همه چیزهای دیگر می باشد. او ماوراء، یگانه مقدس، قدوس متفاوت است.

خدا انسانها را برای مشارکت آفرید، اما سقوط آدم و حوا (پید. ۳) مرزی اخلاقی و معقول میان خدای مقدس و انسان گناهکار ایجاد کرد. خدا اراده فرمود تا آفریده هشیار خود را به حال اول بازگرداند، بنابراین قومش را فرامی خواند تا "مقدس" باشند (ر.ک. لائو. ۱۱: ۴۴؛ ۱۹: ۲؛ ۲۰: ۷، ۲۶؛ ۲۱: ۸). قوم خدا با ارتباط ایمانی با YHWH، بواسطه موقعیت خود در عهد با او مقدس می گردند اما به زندگی مقدس نیز فراخوانده می شوند (ر.ک. متی ۵: ۴۸).

این زندگی مقدس ممکن می گردد زیرا ایمانداران بواسطه زندگی و کار عیسی و نیز حضور روح القدس در فکرها و دلهایشان، کاملاً پذیرفته و آمرزیده می شوند. این امر وضعیت دوگانه ای را بوجود می آورد:

۱. مقدس بودن به سبب اسناد درستکاری توسط مسیح

۲. فراخوانده شدن برای زندگی مقدس به سبب حضور روح القدس

ایمانداران بخاطر وجود (۱) اراده آن یگانه مقدس (خدای پدر)؛ (۲) کار پسر مقدس (عیسی)؛ و (۳) حضور روح القدس در زندگی‌شان، "مقدسین" (hagioi) هستند.

عهد جدید همواره به مقدسین به صورت **جمع** اشاره می کند (به غیر از یک اشاره در فیلی. ۴: ۱۲، ولی آن مضمون نیز حالت **جمع** دارد). نجات یافتن به منزله بخشی از یک خانواده، یک بدن، یک بنا بودن است! ایمان کتاب مقدسی با پذیرفتن شخصی آغاز می شود، ولی به شراکت جمعی منجر می گردد. هر یک از ما عطایی (ر.ک. I قرن. ۱۲: ۱۱) برای سلامتی، رشد و رفاه بدن مسیح - یعنی کلیسا (ر.ک. I قرن. ۱۲: ۷) یافته ایم. ما نجات یافته ایم تا خدمت کنیم! مقدس بودن یک مشخصه خانوادگی است!

۹: ۱۴ «**سران کاهنان**» در عهد عتیق کهنات اعظم در طول عمر یک شخص ادامه داد و از کاهنی به پسرش منتقل می شد (ر.ک. لائو. ۸-۱۰). اما در دوران حکومت روم، این موقعیت از صاحب منصبان رومی خریداری می گردید. بنابراین، چند کاهن اعظم در میان خاندان صدوقی حنا وجود داشتند.

□ «**هر که نام تو را بخواند**» این عبارت مفاهیم الهیاتی مهمی را دربر دارد. لوقا چند بار از آن در کتاب اعمال در موارد زیر، استفاده می کند:

۱. کسی که عیسی را مخاطب قرار دهد (ر.ک. ۷: ۵۹)

۲. کسی که عیسی را به عنوان نجات دهنده بپذیرد (ر.ک. ۹: ۱۴، ۲۱)

۳. نقل قول عهد عتیقی از عاموس ۹: ۱۲، که در آن به کسی اشاره می شود که نام YHWH بر او نهاده شده است (یعنی ایمانداران، ر.ک. ۱۵: ۱۷)

۴. روشی که اشخاص در ملاءعام، ایمانشان به عیسی را تصدیق می کردند (ر.ک. ۲۲: ۱۶)

عبارت مزبور بخشی از استدلال پولس برای قوم اسرائیل از یوئیل ۲: ۳۲ را نیز در روم. ۱۰: ۹-۱۳ (ر.ک. II تیمو. ۲: ۲۲) تشکیل می دهد. پطرس از همین متن (یوئیل ۲: ۲۸-۳۲) در موعظه پنتیکوست خود استفاده می کند و حاضران را دعوت به "خواندن نام خداوند" از یوئیل ۲: ۳۲ می نماید.

اسم هر شخص معرف شخصیت اوست. گناهکاران با استناد به نام عیسی، از او تقاضا می کنند تا از طرف آنان عمل کند و ایشان را نیز در خانواده خود وارد نماید.



۹: ۱۵ «برو» یک فعل حال امری میانی (مجهول ولی در معنا معلوم) است. عیسی مقتدرانه حنایای بی میل را به نزد شائول می فرستد.

«زیرا این شخص وسیله ای است که من انتخاب کرده ام» مرحبا بر عظمت فیض و انتخاب خدا! پولس تناسبی با الگوی انجیلی نوایمانان داوطلب و با اراده ندارد. او به گونه ای مهیج به خدمت دعوت می شود!

۹: ۱۵

NASB, NKJV «در حضور امت‌ها»

NRSV, NJB «تا نام مرا پیش امت‌ها ببرد»

TEV «تا نام مرا به امت‌ها بشناساند»

برای یک یهودی، این عبارت بسیار تکان دهنده بود (ر.ک. افس. ۳: ۷) با این وجود، این نقشه ازلی خدا بوده است (ر.ک. پید. ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶؛ افس. ۲: ۱۱-۱۳). اسرائیل تنها یک وسیله برای نجات جهانی بود که به صورت خدا آفریده شد (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷)، اما سقوط کرد (ر.ک. پید. ۳: ۱۵).

□ «و سلاطین» پولس با رهبران دولتی از خرد و بزرگی، و نهایتاً با شخص قیصر سخن گفت!

□ «بنی اسرائیل» الگوی بشارتی معمول پولس آن بود که ابتدا در کنیسه محلی موعظه کند (ر.ک. روم. ۱: ۱۶). پس از آن او به سوی غیریهودیان بت پرست یا خدانشناس می رفت.

۹: ۱۶ «زیرا که من او را نشان خواهم داد که چقدر زحمت‌ها برای نام من باید بکشد» رنج و زحمت دیدن یک استثنا نیست، بلکه یک قاعده برای مسیحیان در جهان سقوط کرده می باشد (ر.ک. متی ۵: ۱۰-۱۲؛ یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱؛ ۱۶: ۱-۲؛ ۱۷: ۱۴؛ اعمال ۱۴: ۲۲؛ روم. ۵: ۳-۴؛ ۸: ۱۷-۱۸؛ II قرن. ۴: ۷-۱۲؛ ۶: ۳-۱۰؛ ۱۱: ۲۴-۳۳؛ فیل. ۱: ۲۹؛ I تسال. ۳: ۳؛ II تیمو. ۳: ۱۲؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ I پتر. ۴: ۱۲-۱۶).

ارتباطی الهیاتی میان رنجهای مسیح و رنجهای پیروان او در این جهان سقوط کرده وجود دارد. کتاب I پطرس این تناظر را نشان می دهد:

۱. رنج عیسی، ۱: ۱۱؛ ۲: ۲۱، ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۱، ۱۳؛ ۵: ۱

۲. رنج پیروان او، ۱: ۶-۷؛ ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۳-۱۷؛ ۴: ۱، ۱۲-۱۹؛ ۵: ۹-۱۰

اگر جهان او را نپذیرفت، متعلقان به او را نیز نخواهد پذیرفت (ر.ک. یوحنا ۷: ۷؛ ۱۵: ۱۸-۱۹؛ ۱۷: ۱۴).

۹: ۱۷ «دست بر شائول گذاشت» هیچگونه پایه کتاب مقدسی برای دیدگاه "اقتدار رسولان" در بخشش عطایای روحانی وجود ندارد. حنایا یک ایماندار عامی ناشناس در دمشق بود که تبدیل شد به (۱) سخنگوی خدا و نیز تبدیل شد به مأموری برای: (۲) پر شدن پولس از روح القدس (ر.ک. آیه ۱۷)؛ (۳) شفای فیزیکی پولس (ر.ک. آیه ۱۸)؛ و (۴) تعمید پولس (ر.ک. آیه ۱۸).

□ «ای برادر شائول» چه نمونه بزرگی از اطاعت و محبت!

۹: ۱۸ «از چشمان او چیزی مثل فلس افتاد» این یک اصطلاح فنی پزشکی برای پوست انداختن یک زخم است که لوقا برای توصیف آنچه در این لحظه شفا برای چشمان پولس رخ داد، استفاده می کند. فلس، واژه ای است که در ترجمه هفتاد برای فلس ماهی بکار می رود (ر.ک. لائو. ۱۱: ۹، ۱۰، ۱۲؛ تث. ۱۴: ۹). تعمیم این استعاره را می توان در اعد. ۶: ۲۸ مشاهده کرد که در آن ظروف فلزی زدوده می شوند. در این مضمون، احتمالاً پولکهایی از پوست یا پوسته ای سخت از چشمان پولس بیرون افتاد.

□ «تعمید گرفت» ظاهراً حناپولس را تعمید هم داد (ر.ک. ۸: ۳۶، ۳۸). تعمید عهد جدیدی، عملی از سر اطاعت از نمونه عیسی (ر.ک. متی ۳: ۱۳-۱۷؛ مرقس ۱: ۹-۱۱؛ لوقا ۳: ۲۱-۲۲) و فرمان او (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹) بود. تعمید نشانه‌ای از تغییر مالکیت و تابعیت است.

۹: ۱۹ الف «غذا خورده قوت گرفت» پولس از هنگامی که آن نور او را بر زمین کوبید (ر.ک. آیه ۹) در حال روزه و دعا بود. پس از سه روز روزه کامل (بدون غذا و آب)، او حتماً بسیار ضعیف شده بود.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۹: ۱۹-۲۲

شائول مدتی در دمشق با ایمانداران به سر برد ۲۰ و طولی نکشید که در کنیسه‌های دمشق به طور آشکار اعلام می‌کرد که عیسی، پسر خداست. ۲۱ هر کس سخنان او را می‌شنید در حیرت می‌افتاد و می‌گفت: «مگر این همان کسی نیست که در اورشلیم کسانی که نام عیسی را به زبان می‌آوردند نابود می‌کرد؟ و آیا منظور او از آمدن به اینجا فقط این نیست که آنان را بگیرد و به دست سران کاهنان بسپارد؟» ۲۲ اما قدرت کلام شائول روزه‌روز بیشتر می‌شد و یهودیان دمشق را با دلایل انکار ناپذیر مجاب می‌ساخت که عیسی، مسیح موعود است.

۹: ۲۰ «بی درنگ به عیسی در کنایس موعظه می‌کرد» در اصل: «شروع به اعلام عیسی در کنایس کرد» که در آن شروع یک وجه وصفی معلوم ناکامل است. معنی آن می‌تواند دو مورد زیر باشد: (۱) شروع یک عمل یا (۲) شروع یک عمل مکرر. چه طنزی! او پیشتر با یک نامه از سوی کاهنان اعظم در اورشلیم آمده بود تا در کنایس دمشق به آزار و شکنجه پیروان عیسی بپردازد و اکنون به همان کنایس می‌رفت تا اعلام کند که عیسی همان ماشیح موعود است (ر.ک. آیه ۲۱).

«او پسر خداست» این تنها مورد استفاده از عنوان «پسر خدا» در کتاب اعمال است (به غیر از نقل قولی که از مز. ۲: ۷ در اعمال ۱۳: ۳۳ شده است). زمینه این عنوان در عهد عتیق بازتاب اهمیت آن است: (۱) قوم اسرائیل (ر.ک. هوشع ۱۱: ۱)؛ (۲) پادشاه اسرائیل (ر.ک. II سمو. ۷: ۱۴)؛ و (۳) مسیح موعود (ر.ک. متی ۲: ۱۵). پرستش خدای یگانه توسط پولس تعریفی جدید می‌یابد!

### عنوان خاص: پسر خدا

این یکی از عناوین اصلی عیسی در عهد جدید است و یقیناً دارای اشاره ضمنی به الوهیت اوست. عناوین دیگر "پسر" یا "پسر من" برای عیسی یا اشاره به خدا به عنوان "پدر" در این عنوان گنجانیده شده‌اند. عنوان مزبور بیش ۱۲۴ بار در عهد جدید آمده است. حتی عنوانی که عیسی برای خود از دان. ۷: ۱۳-۱۴ به کار می‌برد، یعنی "پسر انسان" نیز اشاره به الوهیت وی دارد.

در عهد عتیق، عنوان "پسر" می‌توانست اشاره به سه گروه بخصوص باشد:

۱. فرشتگان (معمولاً به صورت جمع، ر.ک. پید. ۶: ۲؛ ایوب ۱: ۶؛ ۲: ۱)
۲. شاه اسرائیل (ر.ک. II سمو. ۷: ۱۴؛ مز. ۲: ۷؛ ۸۹: ۲۶-۲۷)
۳. قوم اسرائیل در کُلّیت آن (ر.ک. خرو. ۴: ۲۲-۲۳؛ تث. ۱۴: ۱؛ هوشع ۱۱: ۱؛ ملا. ۲: ۱۰)
۴. داوران اسرائیل (ر.ک. مز. ۸۲: ۶)

دومین کاربرد در فهرست بالا به عیسی مربوط است. به این شیوه "پسر داود" و "پسر خدا" هر دو به II سمو. ۷: ۷ و ۲ و ۸۹ مرتبط می‌باشند. در عهد عتیق، "پسر خدا" هرگز به طور خاص برای مسیح موعود به کار نرفته است، به غیر از آنکه برای پادشاه ابدی به عنوان "آن مسح شده" اسرائیل مورد استفاده قرار گرفته است. اما در طومارهای دریای مرده، عنوانی با مضامین مسیحایی رایج است (ر.ک. اشارات خاص در *Dictionary of Jesus and the Gospels*, p. 770). "پسر خدا" در دو کتاب آپوکریفای یهود در دوره میان دو عهد، یک عنوان مسیحایی است (ر.ک. II عزدراس ۷: ۲۸؛ ۱۳: ۳۲، ۳۷؛ ۵۲: ۱۴؛ ۹ و I خنوخ ۱۰۵: ۲).

پیش زمینه عهد جدیدی آن در اشاره به عیسی را می توان با چند مورد خلاصه کرد:

۱. وجود ازلی او (ر.ک. یوحنا ۱: ۱-۱۸)
  ۲. تولد بی همتای او (از باکره، ر.ک. متی ۱: ۲۳؛ لوقا ۱: ۳۱-۳۵)
  ۳. تعمید او (ر.ک. متی ۳: ۱۷؛ مرقس ۱: ۱۱؛ لوقا ۳: ۲۲. صدای خدا از آسمان پادشاه مز. ۲ را با بنده رنج دیده اش. ۵۳ به هم می پیوندد).
  ۴. وسوسه او توسط شیطان (ر.ک. متی ۴: ۱-۱۱؛ مرقس ۱: ۱۲، ۱۳. او وسوسه شد تا به پسر بودن خود شک کند یا دستکم آن را با روشهایی به غیر از صلیب نشان بدهد).
  ۵. تصریح معترفین غیرقابل قبول:
    - a. دیوها (ر.ک. مرقس ۱: ۲۳-۲۵؛ لوقا ۴: ۳۱-۳۷؛ مرقس ۳: ۱۱-۱۲)
    - b. بی ایمانان (ر.ک. متی ۲۷: ۴۳؛ مرقس ۱۴: ۶۱؛ یوحنا ۱۹: ۷)
  ۶. تصدیق شاگردانش
    - ا. متی ۱۴: ۳۳؛ ۱۶: ۱۶
    - ب. یوحنا ۱: ۳۴، ۴۹؛ ۶: ۶۹؛ ۱۱: ۲۷
  ۷. تصریح خود او
    - ا. متی ۱۱: ۲۵-۲۷
    - ب. یوحنا ۱۰: ۳۶
  ۸. استفاده عیسی از استعاره خانوادگی خدا به عنوان پدر
    - ا. استفاده از واژه "آبا" برای خدا
      - (۱) مرقس ۱۴: ۳۶
      - (۲) رومیان ۸: ۱۵
      - (۳) غلاطیان ۴: ۶
    - ب. استفاده مکرر او از عنوان پدر (*pater*) برای توصیف ارتباط خود با الوهیت.
- به طور خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای کسانی که با عهد عتیق و وعده ها و مقوله های آن آشنا بودند، معنای الهیاتی بزرگی داشت، اما نویسندگان عهد جدید در مورد کاربرد آن برای غیریهودیان نگران بودند به خاطر زمینه بت پرستی که ایشان از "خدایانی" داشتند که زن می گرفتند و ثمره وصلت آنان "تیتانها" یا "غولها" بودند.

۹: ۲۱ این آیه به شکل سئوالی است که در پاسخ به آن انتظار "بله" می رود.

«**نابود می کرد**» واژه ای نادر و شدید به معنی ستمگری، ویرانگری، یا نابودی کامل. این واژه را می توان فقط در اینجا و در غلا. ۱: ۱۳، ۲۳ در عهد جدید و در IV مکاب. ۴: ۲۳ یافت. پولس یک آزارگر بدذات بود!

۹: ۲۱

«شائول کماکان قوی تر می شد»	NASB
«شائول هرچه بیشتر قوی می شد»	NKJV
«شائول مرتباً قوی تر می شد»	NRSV
«موعظه شائول پر قوت تر می شد»	TEV
«قدرت شائول مرتباً افزایش می یافت»	NJB

یک وجه وصفی مجهول ناکامل. مدتی طول کشید تا استعدادها و تواناییهای پولس رشد و نما یابند. در این مضمون، به تواناییهای موعظه و مباحثه پولس اشاره شده است.

□ «مجاب می نمود» یک وجه وصفی معلوم ناکامل که نشانگر عمل مکرر در گذشته است. این واژه ترکیبی است از "با هم" (*sun*) و "ریختن" (*cheo-*). این واژه فقط در کتاب اعمال به کار رفته است.

۱. ۶:۲، در حیرت افتادند

۲. ۲۲:۹، مجاب می نمود

۳. ۳۲:۱۹، آشفته

۴. ۲۷:۲۱، شورش

۵. ۳۲:۲۱، بر ایشان تاخت

یهودیان نمی توانستند توضیحی برای تغییر زندگی پولس یا موعظه مقتدرانه او به عیسی به عنوان مسیح موعود عهد عتیق، بیابند.

□ «میرهن می ساخت» معنی آن در یونانی ختم کردن (ر.ک. اعمال ۱۶: ۱۰؛ ۱۹: ۳۳) و با وسعت بیشتر، ثابت کردن است. روش پولس بسیار شبیه استیفان بود. هر دو آنها از متون عهد عتیق و به انجام رسیدنشان در زندگی عیسی ناصری استفاده می کردند تا ثابت کنند که او مسیح موعود عهد عتیق است.

□ «مسیح» روش اشاره به ماشیح (آن یگانه مسح شده، آن موعودی که می آید) است. چندین بار در کتاب اعمال، حرف اضافه معین پیش از اسم آمده است (مثال: ۲: ۳۱؛ ۳۶: ۳؛ ۱۸: ۲۰). شائول با قدرت و استدلال بیان می داشت که عیسی ناصری که در اورشلیم کشته شد، به واقع پسر خدا و مسیح موعود است. اگر این امر حقیقت می داشت، همه چیز برای یهودیان (و غیریهودیان) تغییر می کرد! آنان وی را درک نکرده و رد نموده بودند. بخشش خدا را از دست داده و در تاریکی روحانی و احتیاج باقی مانده بودند.

نگاه کنید به عنوان خاص: مسح شدن در کتاب مقدس، در ۴: ۲۷.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۳-۲۵

۲۳ پس از مدتی یهودیان توطئه کردند تا او را به قتل برسانند. ۲۴ اما شائول از نیت آنان باخبر شد. یهودیان حتی دروازه های شهر را شب و روز تحت نظر داشتند تا او را بکشند، ۲۵ ولی شاگردان او، شبانه او را داخل سبده گذاشتند و از دیوار شهر او را به پایین فرستادند.

۹: ۲۳ «بعد از مرور ایام» باید روایت شخصی پولس در غلا. ۱: ۱۵-۲۴ را نیز در نظر داشت که در آن او مدت زمان درازی در عربستان به سر برد. در این مضمون، منظور از عربستان، پادشاهی نبتیان (به حاکمیت آرتاس چهارم، که از ۹ ق.م. تا ۴۰ م. سلطنت کرد) درست در جنوب شرقی دمشق است. دوره سه ساله احتمالاً بازتابی از دوران حدودی ۱۸ ماه است. یهودیان بخشی از روز را به منزله تمامی روز محسوب می کردند (ر.ک. متی ۲۶: ۶۱؛ ۲۷: ۴۰، ۶۳)؛ این احتساب برای سالها نیز به کار می رفته است.

□ «یهودیان شورا نمودند تا او را بکشند» ظاهراً یهودیان مقامات شهر را تحریک کردند (ر.ک. II قرن. ۱۱: ۳۲-۳۳). این می بایست موقعیت توهین آمیزی برای پولس بوده باشد زیرا به این ماجرا در بحث درباره ضعف، در II قرن. ۱۱ اشاره می کند.

۹: ۲۵ «از دیوار شهر» احتمالاً پولس راز پنجره یک خانه شخصی که دیوار پشتی اش بخشی از دیوار شهر بوده به پایین فرستاده اند (ر.ک. II قرن. ۱۱: ۳۳؛ یوشع ۲: ۱۵؛ I سمو. ۱۹: ۱۲).

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۹: ۲۶-۳۰

۲۶ وقتی شائول به اورشلیم رسید سعی نمود به سایر شاگردان عیسی بیبوند، اما آنان از او می ترسیدند، زیرا قبول نمی کردند که او واقعاً پیرو عیسی شده باشد. ۲۷ به هر حال برنابا او را برداشت و به حضور رسولان آورد و برای ایشان شرح داد، که چگونه او در راه دمشق خداوند را دیده و چطور خداوند با او سخن گفته و به چه ترتیب شائول در دمشق بی باکانه به نام عیسی وعظ کرده است. ۲۸ به این ترتیب شائول در اورشلیم با آنان رفت و آمد پیدا کرد و آشکارا بدون ترس به نام خداوند موعظه می کرد ۲۹ و با یهودیان یونانی زبان مباحثه و گفت و گو می نمود به طوری که آنان قصد جان او را داشتند. ۳۰ وقتی ایمانداران از این موضوع آگاه شدند شائول را به قیصریه رسانیدند و او را روانه طرسوس کردند.

۹: ۲۶ «به اورشلیم رسید» ظاهراً این سفر هیجده تا سی و شش ماه بعد انجام شده است (ر.ک. غلا. ۱: ۱۵-۲۴). این آیه نشانگر سطح شک و بدبینی ایمانداران اورشلیم نسبت به آزارگر پیشینشان است. ظاهراً کتاب اعمال چند دیدار پولس از اورشلیم را پس از تغییر زندگی مهیجش ثبت می کند:

۱. ۹: ۲۶، نخستین دیدار
۲. ۱۱: ۳۰، دیدار به منظور دادن اعانه‌ها به کلیسا
۳. ۱۲: ۲۵، پس از انجام مأموریت
۴. ۱۵: ۲، شورای اورشلیم
۵. ۱۸: ۲۲، دیدار کوتاه با کلیسا
۶. ۲۱: ۱۷، دیدار با یعقوب و مشایخ، و انجام نذر برای نذیره و دستگیری

۹: ۲۷ «برنابا» معنای مشهور آن، مستقل از معنی ریشه ای، "پسر تشویق/موعظه" بود. این همان برنابای مقدسی است که در ۴: ۳۶ از او یاد شد و بعدها همراه پولس در نخستین سفر بشارتی اش گردید. به یادداشت کامل و عنوان خاص ۴: ۳۶ مراجعه کنید.

□ «او را ... به نزد رسولان برد» تنها روایت دیگر از این ماجرا در غلا. ۱: ۱۸ یافت می شود.

«برای ایشان حکایت کرد» برنابا شهادت زندگی پولس را به خوبی می دانست و آن را با ایشان در میان گذاشت. این عمل او دری را برای پذیرش وی گشود (ر.ک. آیه ۲۸).

۲۸: ۹	
NASB	«آزادانه همه جا می رفت»
NKJV	«می آمد و می رفت»
NRSV	«رفت و آمد می کرد»
TEV	«همه جا می رفت»
NJB	«برای دور و اطراف گشتن»

این یک اصطلاح عهد عتیقی در مورد زندگی روزمره یا فعالیت روزانه است (ر.ک. اعد. ۲۷: ۱۷؛ I پاد. ۳: ۷).

۹: ۲۹ «با یهودیان یونانی زبان مباحثه و گفت و گو می نمود» اشاره به همان گروهی (کنایس یهودیان یونانی زبان در اورشلیم) است که استیفان را کشتند؛ اکنون آنان نقشه قتل سولسی را می کشیدند که از دیاسپورا بود. شاید می پنداشتند که استیفان بازگشته است!

۹: ۳۰ «چون برادران مطلع شدند» از ۲۲: ۱۷-۲۱ درمی یابیم که عیسی در این برهه از زمان به پولس ظاهر شد تا به او بگوید از اورشلیم بگریزد. عیسی چند بار در طی خدمات پولس، بر وی ظاهر شد تا او را هدایت کند (ر.ک. ۱۸: ۹-۱۱؛ ۲۲: ۱۷-۲۱؛ و فرشته خداوند در ۲۷: ۲۳).

□ «قیصریه» اشاره به شهر ساحلی رومی مدیترانه که در کناره ساحلی فلسطین قرار داشت. این شهر مقر رسمی دولت روم در فلسطین بود.

«طرسوس» پولس چند سال در موطن خود از نظرها دور شد. طرسوس یک شهر آزاد بود. این شهر سومین مرکز بزرگ تحصیلات پس از اسکندریه و آتن در جهان باستان محسوب می شد. دانشگاههای طرسوس بر فلسفه، فن بیان و قانون متمرکز بودند. پولس آشکار در فن بیان یونانی و فلسفه و همچنین در تعلیم دینی یهود تبحر داشت.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۹: ۳۱

۳۱ به این ترتیب کلیسا در سراسر یهودیه و جلیل و سامره آرامش یافت. در حالی که آنان در خداترسی و تقویت روح القدس به سر می بردند، کلیسا از لحاظ نیرو و تعداد رشد می کرد.

۹: ۳۱ آیه که به طور خلاصه روایت ایمان آوردن پولس را خاتمه می بخشد و به سفرهای پطرس می پردازد. لوقا اغلب از این آیات خلاصه کننده در کتاب اعمال استفاده می کند. به مقدمه IV هدف و ساختار، A مراجعه کنید.

□ «کلیسا» به یادداشت ۵: ۱۱ مراجعه کنید و توجه داشته باشید که چگونه منظور از "کلیسا" در حالت فرد، اشاره به جماعتی منفرد بسیار است. واژه "کلیسا" می تواند به معنی کلیسای محلی (مثال: کول. ۱: ۱۸، ۲۴؛ ۴: ۱۵، ۱۶)، تمامی کلیساهای یک ناحیه (مثال: افس. ۱: ۲۲؛ ۳: ۱۰، ۲۱؛ ۵: ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۲) و یا کلیسای جهانی باشد (مثال: متی ۱۶: ۱۸).

□ به مواردی که لوقا به آنها اشاره می کند، توجه نمایید:

۱. آرامش در تمامی کلیساها

۲. رشد و افزایش تعداد

۳. تسلی روح القدس

چه تغییر بزرگی از آزار ۸: ۱ رخ داده بود! هنوز مشکلاتی وجود داشت، اما خدا هر نیازی را برآورده می ساخت!

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا پولس با چنان حرارت و شدتی بر کلیسا جفا می کرد؟

۲. چرا سه روایت از تغییر زندگی ایمانی پولس در کتاب اعمال وجود دارد؟

۳. اهمیت این موضوع که پولس توسط حنانیا مأموریت یافت، دستگذاری شد و تعمید گرفت در چیست؟

۴. اهمیت نسبت دادن "پسر خدا" به عیسی در موعظت پولس در چیست؟

۵. چرا لوقا به سه سال سفر پولس به عربستان اشاره ای نمی کند؟

## بینشهایی در مورد مضمون ۹: ۳۲-۱۰: ۴۸

- ا. هرچند کتاب اعمال شروع به گذار از پطرس به پولس کرده، اما بابهای ۹: ۳۲-۱۲: ۲۵ نشانگر خدمات سیار پطرس است.
- ب. این بخش مربوط است به پطرس در لده، ۹: ۳۲-۳۵؛ یافا، ۹: ۳۶-۴۳؛ قیصریهو ۱۰: ۱-۸، ۲۳-۴۸؛ و در اورشلیم ۱۱: ۱-۱۸؛ ۱۲: ۱-۱۷.
- ج. به نظر می رسد که این بخش بسیار حائز اهمیت است زیرا به کشاکش پیوسته بر سر بشارت به غیر یهودیان و نقش پطرس (به عنوان سرگروه رسولان) در این کشاکش مربوط می گردد.

### مطالعه عبارات و واژگان

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۹: ۳۲-۳۵

۳۲ پطرس از همه جا دیدن می کرد و یک بار نیز به دیدن مقدسین مقیم لده رفت. ۳۳ در آنجا شخصی را به نام اینیاس که به مدت هشت سال مفلوج و بستری بود، دید. ۳۴ پطرس به او گفت: «ای اینیاس، عیسی مسیح تو را شفا می بخشد. بلند شو و رختخواب خود را جمع کن.» او فوراً از جا برخاست ۳۵ و جمیع ساکنان لده و شارون او را دیدند و به خداوند روی آوردند.

#### ۹: ۳۲ «پطرس در همه نواحی گشته» ظاهرأ رسولان در سراسر فلسطین و کشورهای همسایه موعظه می کردند.

«مقدسین» این واژه در کتاب اعمال برای توصیف کلیسا بکار می رود. نگاه کنید به عنوان خاص: مقدسین در ۹: ۱۳. واژه "شاگردان" به تدریج با واژه "مقدسین" جایگزین می شود. این واژه با واژه عهد عتیقی "مقدس" به معنی "جدا شده" برای خدمت خداوند مرتبط است. هیچگاه به صورت مفرد به کار نمی رود به غیر از یک مورد در فیلیپیان ۴: ۲۱ که مضمون آن دارای شخصیت جمعی است. این امر نشان می دهد که مقدس بودن به معنی قرار داشتن "در جماعت" است. نگاه کنید به یادداشت ۹: ۱۳. باید استفاده تأسفبار کلیسای کاتولیک رم را که مسیحیان بخصوص را با این عنوان می خواند، مورد توجه قرار داد. در عهد جدید تمامی ایمانداران "مقدسین" خوانده شده اند! این موقعیت ما در مسیح است که مورد تأکید قرار می گیرد.

#### عنوان خاص: تقدیس

عهد جدید بیان می دارد که هنگامی که گناهکاران با توبه و ایمان به مسیح روی آورند، در همان دم عادل (درستکار) و مقدس می شوند. این موقعیت جدید ایشان در مسیح است. عدالت مسیح به آنها نسبت داده می شود (روم. ۴). آنان درستکار و مقدس اعلام می گردند (عمل قانونی خدا). اما عهد جدید در عین حال ایمانداران را ترغیب به مقدس بودن یا تقدیس نیز می کند. تقدیس، موقعیتی الهیاتی در کار به انجام رسیده عیسی مسیح و نیز دعوت به شبیه مسیح شدن در طرز برخورد و رفتار روزانه زندگی، است. همچنانکه نجات، هدیه رایگان است اما باید به هر بهای گرانی روش زندگی ما گردد، تقدیس نیز درست به همان گونه است.

#### پاسخ اولیه

اعمال ۲۰: ۲۳؛ ۲۶: ۱۸

رومیان ۱۵: ۱۶

I قرنیتان ۱: ۲-۳؛ ۶: ۱۱

II تسالونیکیان ۲: ۱۳

عبرانیان ۲: ۱۱؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۴: ۱۳؛ ۱۲

I پطرس ۱: ۱

#### شبیه مسیح شدن تدریجی

رومیان ۶: ۱۹

II قرنیتان ۷: ۱

I تسا. ۳: ۱۳؛ ۴: ۳-۴؛ ۷: ۵

I تیموتائوس ۲: ۱۵

II تیموتائوس ۲: ۲۱

عبرانیان ۱۲: ۱۴

I پطرس ۱: ۱۵-۱۶

□ «لده» شرده در ميانه جاده بازرگانی میان بابل و مصر قرار داشت. در عهد عتیق آن را "لود" می خواندند (ر.ک. I تو.ا. ۱۲). این شهر در حدود یازده مایل فاصله خشکی از دریای مدیترانه واقع شده بود. این همان منطقه ای است که فیلیس در باب ۸: ۴۰ از آن دیدار کرد.

۹: ۳۳ «شخصی ... به نام اینیاس» معنای اسم او در یونانی، "پرستش" است. مشخص نیست که او ایماندار بوده یا بی ایمان، اما ظاهراً پطرس از کلیسای فیلیس بنیادشان را گذارده بود، دیدار دوباره می کند.

□ «مدت هشت سال مفلوج و بستری بود» این ترجمه رایجترین تفسیر عبارت یونانی (NASB, NKJV, NRSV, TEV, ) است. با این وجود عبارت یونانی می تواند به معنی "از زمانی که هشت ساله بود" نیز باشد (CF. Newman and Nida, A (Translator's handbook on The Acts of the Apostles, p. 199).

۹: ۳۴ «عیسی مسیح تو را شفا می بخشد» هیچ حرف اضافه ای در اینجا وجود ندارد، لذا این دو اصطلاح یک آرایه رایج شده بود. این یک شکل ادبی است که حال نامعین نامیده می شود و بدین معناست که "در این لحظه ماشیح تو را شفا می بخشد".

□ «بلند شو و رختخواب خود را جمع کن» اینها دو فعل امری معلوم نامعین هستند و شدت و اضطراری بودن را نشان می دهند!

□ «او فوراً از جا برخاست» نشانگر ایمان آن مرد در پاسخ به پیام پطرس در مورد عیسی است.

۹: ۳۵ «جمیع ساکنان لده» نمونه خوبی است از استفاده غیرفراگیر از اصطلاح "همه" در کتاب مقدس (ر.ک. پید. ۴۱: ۳۷؛ تث. ۲: ۲۵؛ لوقا ۱: ۲۶).

□ «شارون» اشاره به دشت ساحلی شمالی فلسطین، که به درازای حدود سی مایل از یافا تا قیصریه کشیده شده است.

□ «به خداوند روی آوردند» واژه "روی آوردن" می تواند بازتابی از واژه عهد عتیقی توبه (*shub*) باشد. مفهوم آن روی گرداندن از گناه و نفس (توبه) و روی کردن (ایمان) به خداوند است (ر.ک. ۱۱: ۲۱).

این عبارت خلاصه کننده چند بار در این بخش گنجانده شده و نشانگر حرکت عظیم روح خدا از طریق پطرس و بعدها توسط پولس است. واقعه معجزه آسای شفای اینیاس دری را برای اعلام انجیل گشود.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۹: ۳۶-۴۳

۳۶ در یافا یکی از ایمانداران که زنی به نام طیبیتا بود زندگی می کرد (ترجمه یونانی نام او دورکاس به معنی آهوست). این زن که بسیار نیکوکار و بخشنده بود ۳۷ در این زمان بیمار شد و فوت کرد. او را غسل دادند و در بالاخانه ای گذاشتند. ۳۸ ایمانداران که شنیده بودند، پطرس در لده است، به سبب نزدیکی لده به یافا دو نفر را نزد او فرستادند و تقاضا نمودند: «هرچه زودتر خود را به ما برسان.» ۳۹ پطرس بی درنگ به اتفاق آنان حرکت کرد و همین که به آنجا رسید، او را به بالا خانه بردند. بیوه زنان گریه کنان دور او را گرفتند و همه پیراهن ها و لباسهایی را که دورکاس در زمان حیات خود دوخته بود به او نشان دادند. ۴۰ پطرس همه آنان را از اتاق بیرون کرد. سپس زانو زد و دعا نمود و رو به جسد کرده گفت: «ای طیبیتا برخیز.» او چشمان خود را گشود و وقتی پطرس را دید راست نشست. ۴۱ پطرس دست خود را به او داد و او را روی پا بلند کرد. سپس مقدسین و بیوه زنان را صدا زد و او را زنده به ایشان سپرد. ۴۲ این موضوع در سراسر یافا منتشر شد و بسیاری به خداوند ایمان آوردند. ۴۳ پطرس روزهای زیادی در یافا ماند و با شمعون دباغ زندگی می کرد.



۹: ۳۶ «یافا» امروز نیز این شهر را به همین نام (Yafa) می خوانند و بندر ساحل باستانی اورشلیم است. امروزه این شهر بخشی از شهر مدرن تل آویو - یافا است.

▣ «شاگرد» واژه "شاگرد" اغلب در این بخش از کتاب اعمال به کار رفته است. در اصل، معنی آن "آموزنده" است اما برای ایمانداران به کار می رود.

▣ «طَبِيتَا ... دُورِکَاس ... غَزَال» نام آرامی این خانم *Tabitha*، و نام یونانی اش *Dorcas* بود. اکثر یهودیانی که ارتباط اجتماعی یا تجاری با غیریهودیان داشتند، دارای دو نام آرامی و یونانی بودند. هر دو این نامها به معنی "غزال"، نمادی از فیض و زیبایی هستند (ر.ک. غزل غزلها ۲: ۹، ۱۷؛ ۴: ۵؛ ۷: ۳).

▣ «بسیار نیکوکار و بخشنده» اشاره به صدقه دادن یهودی است. یهودیان هدایای هفتگی می دادند که در کنایس به منظور رسیدگی به نیازمندان جامعه یهودی به مصرف می رسید. این کار از لحاظ روحانی برای یهودیان زمان عیسی، بسیار حائز اهمیت محسوب می شد. کلیسا از این الگو پیروی می کرد (ر.ک. اعمال ۶). نگاه کنید به عنوان خاص در ۳: ۲.

▣ «پُر بود» به معنای اینکه پیوسته به نیکوکاری و صدقه دادن مشغول می بود. یک وجه وصفی معلوم ناکامل که از عملی همیشگی در زمان گذشته خبر می دهد.

۹: ۳۷ «او را غسل دادند و در بالاخانه ای گذاشتند» شستن جسد در تدارک یهودیان برای تدفین، کاری عادی بود. در اورشلیم جسد را باید در همان روزی که شخص از دنیا می رفت، تدفین می کردند، ولی در خارج از اورشلیم، تدفین می توانست تا سه روز به تعویق بیفتند. نگاه کنید به عنوان خاص در ۵: ۶.

۹: ۳۸ «دو نفر نزد او فرستاده» ایمانداران یافا خبر معجزات بزرگی را که خدا از طریق پطرس به ظهور می آورد، شنیده بودند و ایمان داشتند که او می تواند کاری برای این بانوی مسیحی یهودی نژاد بزرگ انجام بدهد.

۹: ۳۹ «بیوه زنان ... دور او را گرفتند» ظاهراً آنها لباسهایی را که دور کاس برایشان دوخته بود، پوشیده بودند که هر یک شامل دو دست می شد: (۱) لباسهای زیر و (۲) ردهای روپوش.

۹: ۴۰ «اما پطرس همه را بیرون کرد» در اصل: "همه را بیرون انداخت". این دقیقاً همان کاری است که عیسی در مرقس ۵: ۴۰ انجام داد. در واقع، شباهتهای زیادی میان معجزات انجام شده در این بخش و معجزات عیسی در طول عمرش وجود دارد. خدمت عیسی تنها الگو و سرمشقی بود که رسولان داشتند.

سؤال اینجاست که: "چرا پطرس می خواست همه آنان اتاق را ترک کنند؟" عیسی این کار را کرد چون نمی خواست کسی او را فقط به عنوان یک شفادهنده بشناسد و انجیل هنوز تکمیل نشده بود. اما چرا پطرس این کار را کرد؟ به نظر می رسد که این معجزات در ایمان را می گشودند، پس به نظر می رسد که او می خواست تا جای ممکن اشخاص بیشتری متوجه آن شوند.

▣ «زانو زد» وضعیت معمول یهودیان به هنگام دعا و نماز، ایستاده با دستها و چشمان گشوده به آسمان بود. اما در کتاب اعمال، چند بار ثبت شده است که رسولان زانو می زدند و دعا می کردند. ظاهراً این کار به منظور تأکید انجام می شد (ر.ک. ۷: ۶۰؛ ۲۰: ۳۶؛ ۲۱: ۵)، چنانکه عیسی در باغ جتسیمانی زانو زد (ر.ک. لوقا ۲۲: ۴۱).

□ «طایبنا، برخیز» ظاهراً او به زبان آرامی سخن می گفت. عیسی و یهودیان فلسطین در قرن اول میلادی همگی به زبان آرامی سخن می گفتند، نه به زبان عبری. این امر حتی تا زمان عزرا-نحمیا نیز صدق می کرد (ر.ک. نحمیا ۸: ۴-۸).

۹: ۴۱ «مقدسین» نگاه کنید به عنوان خاص: مقدسین در ۹: ۱۳.

۹: ۴۲ «بسیاری به خداوند ایمان آوردند» عبارت خلاصه کننده دیگر که نشانگر نتایج عظیم معجزات و خدمت موعظه پطرس است.

۹: ۴۳ «پطرس روزهای زیادی در یافا ماند و با شمعون دباغ زندگی می کرد» شریعت گرای یهودی پطرس تا حدودی از میان رفته بود که او با دباغی مثل شمعون که نجس محسوب می شد (زیرا با پوست حیوانات مرده سروکار داشت)، زندگی می کرد.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا تغییر زندگی پولس سه بار در کتاب اعمال به ثبت رسیده است؟
۲. چرا سه روایت مربوط به تغییر زندگی پولس کمی متفاوت هستند؟
۳. پولس در هنگام تغییر زندگی و ایمان به مسیح چند انتخاب پیش رو داشت؟ آیا تجربه او تجربه ای معمول است؟
۴. چرا یهودیان یونانی زبان می خواستند پولس را بکشند؟
۵. چنانچه پطرس و پولس از معجزات به عنوان گشودن دری برای موعظه انجیل استفاده می کردند، چرا خدا امروزه دیگر از این روش استفاده نمی کند؟

کارهای رسولان فصل ۱۰  
تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
دیدار پطرس از سروان رومی ۲-۱:۱۰ ۸-۳:۱۰	پطرس و کرنلیوس ۳-۱:۱۰ ۴:۱۰ ۸-۴:۱۰	تغییر زندگی کرنلیوس ۸-۱:۱۰	کرنلیوس هیثی را می‌فرستد ۸-۱:۱۰	پطرس و کرنلیوس ۸-۱:۱۰
۱۶-۹:۱۰	۱۳-۹:۱۰ ۱۴:۱۰ ۱۶-۱۵:۱۰	۱۶-۹:۱۰	۱۶-۹:۱۰	۱۶-۹:۱۰
۱۷-۲۳:الف	۱۸-۱۷:۱۰ ۲۱-۱۹:۱۰ ۲۲-۲۳:الف	۱۷-۲۳:الف	۲۳-۱۷:۱۰	۱۷-۲۳:الف
۲۳-ب:۳۳	۲۹-ب:۲۳	۲۹-ب:۲۳	دیدار پطرس از کرنلیوس ۳۳-۲۴:۱۰	۳۳-ب:۳۳
	۳۳-۳۰:۱۰	۳۳-۳۰:۱۰		
پیام پطرس در خانه کرنلیوس ۳۵-۳۴:۱۰ ۴۳-۳۶:۱۰	سخنرانی پطرس ۴۳-۳۴:۱۰	۴۳-۳۴:۱۰	موعظه برای خاندان کرنلیوس ۴۳-۳۴:۱۰	پیام پطرس در خانه کرنلیوس ۴۳-۳۴:۱۰
تعمید اولین غیریهودیان ۴۸-۴۴:۱۰	خوش آمد غیریهودیان به روح القدس ۴۸-۴۴:۱۰	۴۸-۴۴:۱۰	نزول روح القدس بر غیریهودیان ۴۸-۴۴:۱۰	دریافت روح القدس توسط غیریهودیان ۴۸-۴۴:۱۰

قراوت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

## مطالعه عبارات و واژگان

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۰: ۱-۸

۱ در شهر قیصریه سروانی به نام کرنیلیوس زندگی می‌کرد که جزو یک هنگ رومی به نام هنگ ایتالیایی بود. ۲ او مردی بود، پرهیزکار و خانواده‌ای خداترس داشت و پیوسته به درگاه خدا دعا می‌کرد و به بینوایان اسرائیلی صدقه بسیار می‌داد. ۳ این مرد یک روز در حدود ساعت سه بعد از ظهر فرشته خدا را آشکارا در رؤیا دید، که نزد او آمده گفت: «ای کرنیلیوس» ۴ کرنیلیوس با وحشت به او چشم دوخت و پاسخ داد: «خداوندا چه می‌فرمایی؟» فرشته گفت: «بدان که دعاها و همه صدقات تو در بالا در پیشگاه خدا مورد قبول و یادآوری واقع شده‌اند. ۵ اکنون افرادی را به یافا بفرست و سراغ شمعون ملقب به پطرس را بگیر. ۶ او نزد شمعون دباغ که خانه‌اش در ساحل دریاست مهمان است.» ۷ همین که فرشته‌ای که با او صحبت می‌کرد ناپدید شد، کرنیلیوس دو نفر از نوکران خود و یک سرباز دیندار را که در خدمت او بود، احضار کرد و ۸ موضوع را تماماً برای ایشان شرح داد و ایشان را به یافا فرستاد.

۱۰: ۱ «در قیصریه مردی ... بود» تغییر زندگی کرنیلیوس واقعه ای مهم است. اما باید به یاد داشت که او نخستین مانع اجتماعی نبود که انجیل بر آن غلبه یافت. (۱) نخستین مانع، سامریان بودند؛ (۲) سپس خواجه سرای حبشی بود که او نیز احتمالاً یک خداترس بود؛ و (۳) سپس نوبت کرنیلیوس شد که نه تنها غیریهودی، بلکه افسر رومی در ارتش اشغالگر سرزمین وعده بود. تأکید این روایت آنقدرها هم تغییر زندگی ایمانی کرنیلیوس نیست زیرا او مانند خواجه سرای حبشی، مردی خداترس بود، بلکه تأکید بر شمار زیاد اقوام و دوستانی است که در آیه ۱، ۲۴، ۲۷، ۴۴، ۴۸ به آنها اشاره شده و آنان نیز نجات یافتند. پطرس در شورای اورشلیم در اعمال ۱۵: ۷-۹ این واقعه را گزارش می‌کند و صحنه را برای بشارت کلیسا به غیریهودیان آماده می‌سازد.

■ «کرنیلیوس» پانوش ۱ در کتاب *Commentary on the Book of the Acts*، نوشته F. F. Bruce، در صفحه ۲۱۴ چنین است: "کرنیلیوس از زمان پوبلیوس کورنلیوس سولا که در ۸۲ ق.م. ۱۰,۰۰۰ برده را آزاد ساخت که در *gens Cornelia*، که او نیز بدانجا تعلق داشت، نامی کاملاً رایج در روم محسوب می‌شد."

■ «یوزباشی» چند بار در عهد جدید به یوزباشی‌هایی، همواره در پرتوی مطلوب، اشاره شده است (ر.ک. متی ۸: ۵؛ لوقا ۷: ۲؛ ۲۳: ۴۷؛ اعمال ۱۰: ۱؛ ۲۲: ۵؛ ۲۷: ۳؛ و غیره). آنان از لحاظ فنی، روسای دسته‌های صد نفری بودند، با این وجود افسرانی بدون مأموریت مانند استوار یکم‌های امروزی بودند.

■ «به نام هنگ ایتالیایی» معمولاً هنگ رومی از ۶۰۰ سرباز تشکیل می‌شد. این هنگ بخصوص از یکهزار سرباز داوطلب رومی که مقرشان در سوریه بود، تشکیل می‌گردید. از شواهد و مدارک تاریخی چنین برمی‌آید که آنها را هنگ کمکی می‌خواندند. امکان دارد آنان کماندار بوده باشند. سربازان رومی می‌بایست بخاطر وجود یهودیان شورشگر، در فلسطین مستقر می‌شدند.

۱۰:۲ «مردی بود پرهیزکار» می توان پرهیزکاری این مرد را از سه جنبه توصیف کرد:

۱. او با تمامی اهل خانه اش به خدا احترام می گذاشتند (نگاه کنید به یادداشت آیه ۲۲)
۲. او پیوسته و با سخاوتمندی به مردم صدقه می داد
۳. او عادت داشت که به حضور خدا دعا کند (ر.ک. آیه ۲۲؛ ۱۳:۱۶، ۲۶).

این مرد از لحاظ مذهبی، احساسی و اجتماعی با کنیسه همبستگی داشت، هرچند کاملاً به دین یهود نگرویده بود. برای گرویدن کامل به یهودیت، شخص می بایست:

۱. در صورت مرد بودن، خود را ختنه کند
۲. خود را در حضور چند شاهد تعمیم دهد
۳. در صورت امکان، یک قربانی در معبد بگذراند.

این شرایط مانع از آن می شد که بسیاری از غیریهودیان علاقمند نوگرویدگان کامل به یهودیت شوند.

■ «با تمامی اهل بیتش» این نخستین اشاره به یک خانواده بعنوان یک واحد مذهبی است که اغلب در کتاب اعمال مشاهده می کنیم (ر.ک. اعمال ۱۰:۲؛ ۱۱:۱۴؛ ۱۶:۱۵، ۳۱:۱۸؛ ۸). زمینه فرهنگی نشانگر آن است که ایمان پدر همواره ایمان خانواده و حتی اهالی خانه اش بود که شامل خدمتکاران نیز می گردید.

■ «صدقه بسیار» اشاره به صدقه دادن است. از نظر قوم یهود، این کار نشانگر آن بود که کرنلیوس فردی فعال در کنیسه محلی و ظاهراً یک خداترس بود. نگاه کنید به عنوان خاص: صدقه دادن در ۳:۲.

■ «پیوسته نزد خدا دعا می کرد» در این جمله کامل سه وجه وصفی معلوم وجود دارد که اشاره به عمل پیوسته ای می کند که نشانگر تقوای کرنلیوس است:

۱. ترس، حال میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم)
۲. صدقه دادن، حال معلوم
۳. دعا کردن، حال میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم)

سرسپردگی این مرد به طور روزانه و شخصی بود. او دو کار می کرد که از نظر معلمان یهود بیش از همه قابل احترام بود - صدقه دادن و دعا کردن.

۱۰:۳ «نزدیک ساعت نهم» اشاره به زمان تقدیم قربانی عصر است (یعنی ساعت ۳ بعد از ظهر، ر.ک. خرو. ۲۵:۳۹، ۴۱: I پاد. ۱۸:۲۹؛ مز. ۵:۱۱؛ دان. ۶:۱۰). این ساعت وقت نماز نیز بود.

۱۰:۳

NASB, NRSV, TEV  
NKJV  
NJB, NIV  
«مشخصاً مشاهده کرد»  
«به روشنی دید»  
«آشکارا ... دید»

در اناجیل، قید *phanero-s* به معنی ظاهر شدن در ملاءعام یا آشکارا است (ر.ک. مرقس ۱:۴۵؛ یوحنا ۷:۱۰). استفاده دیگر از این قید فقط در اینجا (اعمال ۱۰) است که به نظر می رسد به مفهوم "به روشنی" یا "به وضوح" باشد. این رویا در ساعات روز دیده شد و بسیار واقعی و مشخص بود.

□ «فرشته خدا را در عالم رویا دید» این تغییر زندگی ایمانی از جهاتی شبیه داستان شائول است. کرنلیوس شخصی کاملاً مذهبی بود. خدا نماینده ماوراءطبیعی خود را می فرستد تا او را به ایمان هدایت نماید. به کسی می تواند جواب منفی بدهد؟ این تغییر زندگیمای ایمانی نشانه ای از گزینش خداست، نه اراده آزاد انسان. این مردمان به شواهد پر قدرت پاسخ می دهند و حقیقت انجیل را تجربه می کنند.

۴:۱۰ پیام فرشته شامل دو اصطلاح گذرانیدن قربانی یعنی "برآمدن" و "یادآوری در حضور خدا" است. ظاهراً خدا عبادت (دعاها و صدقات) این مرد را پیش از آنکه او پیام انجیل را بشنود، پذیرفته بود.

□ «چشم دوخت» نگاه کنید به یادداشت ۱:۱۰.

□ «چیست، ای خداوند» ترجمه این واژه خداوند کار بسیار دشواری است. مفهوم آن می تواند (۱) "سرور" یا "آقا"، یا (۲) "خداوند" در معنای الهیاتی ارباب/صاحب/والامقام باشد. متن خوب دیگر در عهد جدید که نشانگر اینگونه گنگی معناست، یوحنا ۴: ۱، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۴۹ می باشد.

در کتاب اعمال یک امکان دیگر نیز وجود دارد. کرنلیوس فرشته را خداوند خطاب می کند (ر.ک. مکا. ۷: ۱۴) و پطرس "آن صدا" (ر.ک. ۱۰: ۱۳، ۱۵) را خداوند می خواند (ر.ک. ۱۰: ۱۴). بنابراین، لفظ مزبور می تواند اشاره به هرگونه ظهور شخصی ماوراءطبیعی با اشاره مشخص به عیسی باشد. در ۸: ۲۶ و ۲۹، فرشته خداوند همان روح القدس است. همین روانی و انتقال بین "صدا" و روح القدس در ۱۰: ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۲۰ رخ می دهد.

۵:۱۰ «اکنون کسانی به یافا بفرست» این یک فعل امری میانی (معلوم ولی به ظاهر مجهول) نامعین است. توجه کنید که فرشته انجیل را با کرنلیوس در میان نگذاشت بلکه پطرس را اعزام داشت. خدا از ابزار انسانی استفاده می کند (ر.ک. خرو. ۳: ۷-۱۰). این مرد، هرچند شخص کاملاً مذهبی (مانند شائول) و سرسپرده ای بود، اما نیاز به شنیدن و پاسخ دادن به انجیل عیسی مسیح داشت.

۷:۱۰ «دو نفر از نوکران خود و یک سپاهی متقی» که یک گروه سه نفره را تشکیل می دادند؛ هرچند که در آیه ۱۹ فقط به دو تن از ایشان اشاره شده است. امکان دارد که سپاهی نقش محافظ را داشته و دو نوکر خانگی سخنگو بوده اند.

۸:۱۰ کرنلیوس خانواده و دوستانش را نیز در ایمان خود درگیر کرده بود. این مرد مطابق ایمانش زندگی می کرد. یک جماعت کامل از طریق او به ایمان به مسیح گرویدند.

سه مرد مزبور حتماً در طول شب به راهپیمایی شان ادامه دادند و درباره پیام فرشته و ایمان ارباب و دوستان صحبت می کردند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۰: ۹-۱۶۹

۹ روز بعد که آنان در راه بودند و تا شهر فاصله کمی داشتند، پطرس نزدیک ظهر برای دعا به بالای بام رفت. ۱۰ در آنجا گرسنه شد و خواست چیزی بخورد. اما وقتی که برایش غذا آماده می کردند، حالت جذبه‌ای به او دست داد ۱۱ و در آن حال آسمان را گشوده و چیزی مانند یک سفره بزرگ دید، که از چهارگوشه آویزان شده بود و رو به پایین به طرف زمین می آمد. ۱۲ در آن انواع چارپایان و خزندگان و پرندگان وجود داشت. ۱۳ صدایی به گوشش رسید که می گفت: «ای پطرس، برخیز، سر ببر و بخور.» ۱۴ پطرس در پاسخ گفت: «خیر ای خداوند، زیرا من هرگز به چیزهای ناپاک و حرام لب نزده‌ام.» ۱۵ بار دوم همان صدا آمد که: «آنچه را خدا حلال کرده است تو نباید حرام پنداری.» ۱۶ این موضوع سه بار تکرار شد و سرانجام آن سفره به آسمان برده شد.

۹:۱۰ «قریب به ساعت ششم ... تا دعا کند» هرچند معلمان یهود ساعت ۹ صبح و ۳ بعد از ظهر را برای دعا مقرر کرده بودند (اوقات گذرانیدن قربانیهای معبد)، اما فریسیان وقت ظهر را نیز به عنوان یک وقت مناسب دیگر به آن افزودند. ظاهراً پطرس طبق سنتهای مشایخ، در هنگام ظهر دعا می کرد و شاید هم پیش از نهار چرت می زد.

۱۰:۱۰ «گرسنه شد» زمینه رویای پطرس در مضمون گرسنگی او و چشم انداز دریای مدیترانه از پشت بام خانه شمعون است. واژه به کار رفته برای "گرسنگی" در تمامی ادبیات شناخته شده یونانی، فقط در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است. مفهوم دقیق آن را نمی توان دانست، اما با حرف اضافه *pros* می تواند به معنی "گرسنگی شدید" باشد، ولی این اصطلاح در این مضمون تعجب آور است. عبارت *hapax legomenon* (که فقط یکبار در عهد جدید بکار رفته) تا زمانی که اطلاعات واژگان بیشتری کشف شود، نامشخص باقی می ماند. دلیل اینکه چرا لوقا از این اصطلاح نادر استفاده می کند نیز مشخص نیست، ولی به طور کلی مفهوم متن کاملاً واضح است.

□ «حالت جذبه ای به او دست داد» در اصل "از خود بیخود شد" یا "از خود بیرون شد" که معمولاً به هنگام حیرانی و سرگشتگی بکار می رود (ر.ک. مرقس ۵: ۴۲؛ ۱۶: ۸؛ لوقا ۵: ۲۶؛ و چند متن در ترجمه هفتاد). واژه انگلیسی "ecstasy" از این واژه یونانی ریشه می گیرد. در این آیه و ۱۱: ۵ و ۲۲: ۱۷ به معنی حالت نیمه هوشیاری فکری است که به خدا اجازه می دهد تا با ناخودآگاه شخص سخن بگوید. این واژه متفاوت از واژه ای می باشد که در آیه ۳ برای توصیف رویای کرنلیوس به کار رفته است.

۱۱:۱۰

NASB

«فلک باز گردید»

NKJV, TEV

«آسمان گشوده شد»

NRSV

«آسمان گشاده شد»

NJB

«آسمان باز گردید»

وجه وصفی مجهول کامل، در اصل "آسمانها گشوده شده بود و گشوده باقی ماند". در عهد عتیق، آسمانها واژه ای جمع است. این گشوده شدن جو زمین تمثیلی است برای بعد روحانی غیرقابل رویت که حقیقتی فیزیکی می یابد (ر.ک. حزق. ۱: ۱؛ متی ۳: ۱۶؛ مرقس ۱: ۱۰؛ لوقا ۳: ۲۱؛ یوحنا ۱: ۵۱؛ اعمال ۷: ۵۶؛ ۱۰: ۱۱؛ مکا. ۴: ۱؛ ۱۹: ۱۱).

□ «مانند یک سفره بزرگ» این همان اصطلاحی است که برای بادبانهای کشتی به کار می رود.

۱۰:۱۲ «انواع چارپایان و خزندگان و پرندگان» این همان تقسیم بندی سه گانه حیوانات در پید. ۱ و ۶: ۲۰ است. ظاهراً آنها متشکل بودند از حیوانات طاهر و نجس مطابق شریعت یهود در لاو. ۱۱.

۱۰:۱۳ «صدایی به گوشش رسید» از زمان اتمام کتاب ملاکی تا آغاز دوره عهد جدید، هیچگونه صدای موثقی از سوی خدا در میان یهودیان شنیده نشد. در طی این دوران، هنگامی که یهودیان می خواستند امری را به عنوان مکاشفه از سوی خدا تأیید کنند، بر چیزی به نام *bath kol* متکی بودند. ما این موضوع را در عهد جدید در متی ۳: ۱۷، ۱۷: ۵؛ و نیز در اعمال ۹: ۷ و اینجا می بینیم.

۱۰:۱۴ «حاشا خداوندا، زیرا چیزی که ناپاک یا حرام باشد هرگز نخورده ام» "حاشا" واژه یونانی قوی ای است که چند بار در ترجمه هفتاد برای ترجمه چند اصطلاح عبری به کار رفته است. پطرس همچنان با راست کیشی یهودی خود کشمکش دارد. او عملکرد خود را بر پایه لاو. ۱۱ قرار می داد. اما، به نظر می رسد که عیسی مخصوصاً با این مسئله در مرقس ۷: ۱۴ به بعد، خصوصاً در آیه ۱۹ برخورد می کند. جالب توجه است که انجیل مرقس ظاهراً جمع آوری سخنان و موعظه های بعدی پطرس رسول از روم است.

۱۰:۱۵ «آنچه خدا پاک کرده است، تو حرام مخوان» فعل امری حال معلوم با حرف اضافه منفی، که معمولاً به مفهوم توقف در رفتاری است که پیش گرفته شده.

۱۰:۱۶ «این سه مرتبه واقع شد» در کتاب مقدس غیرمعمول است که دعاها، عبادتها یا رفتار مهم سه بار تکرار شود: (۱) دعای عیسی در جتسیمانی (ر.ک. مرقس ۱۴: ۳۶، ۳۹)؛ (۲) مباحثه عیسی با پطرس پس از قیام (ر.ک. یوحنا ۲۱: ۱۷)؛ (۳) دعای پولس برای "خاری در جسم"

(ر.ک. II قرن. ۱۲: ۸). این شیوه ای سامی برای تأکید بود (ر.ک. اش. ۶: ۳؛ ارم. ۷: ۴). این مورد به طور خاص نشانگر عدم تمایل پطرس در اطاعت از صدای آسمانی است!

A.T. Robertson، در کتاب *Word Pictures In the New Testament* کلامی قاطع و برنده درباره این موضوع دارد:

"این تصویری قابل توجه از لجاجت شخصی است که صدای خدا را می شناسد، اما فرمان خدا با اولویتها و تعصبات وی در تقابل است. امروزه مثالهای فراوانی از همین مورد وجود دارد. در واقع پطرس ژستی پرهیزکارانه فرای اراده خداوند به خود گرفته بود" (ص. ۱۳۷).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۰: ۱۷-۲۳الف

۱۷ در همان وقت که پطرس از تفسیر رؤیای خود درمانده بود و سعی می کرد آن را برای خود تجزیه و تحلیل نماید، فرستادگان کرنیلیوس جستجوکنان به در خانه شمعون رسیدند. ۱۸ و فریاد می زدند و می پرسیدند: «آیا شمعون ملقب به پطرس در اینجا مهمان است؟» ۱۹ در حالی که پطرس درباره این رؤیا تفکر می کرد، روح خدا به او گفت: «نگاه کن، چند نفر به سراغ تو آمده اند. ۲۰ برخیز، پایین برو و از رفتن با ایشان تردید نداشته باش.» زیرا من آنها را فرستاده ام. ۲۱ پطرس پایین رفت و به آنان گفت: «من همان کسی هستم که به دنبال او می گردید. برای چه آمده اید؟» ۲۲ آنها پاسخ دادند: «سروان کرنیلیوس که شخص نیکوکار و خدا ترس است و نزد همه یهودیان نیک نام می باشد، از فرشته مقدسی دستور یافت که ما را به اینجا بفرستد و تو را به خانه خود دعوت کند تا به هر پیامی که داری گوش دهد.» ۲۳ پس پطرس آنان را به خانه آورد و از ایشان پذیرایی نمود.

۱۰: ۱۷ «پطرس در خود بسیار متحیر بود» وجه وصفی معلوم ناکامل، که در اینجا نشانه شروع یک عمل در گذشته است.

لوقا چندبار از این واژه برای نشان دادن پریشانی فکری استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۹: ۷؛ اعمال ۲: ۱۲؛ ۵: ۲۴؛ ۱۰: ۱۷). پطرس فوراً مقصود از آن رویا را دریافت.

□ «رویا» واژه مورد استفاده در اینجا برای توصیف تجربه پطرس، *horama*، همان است که در مورد رویای کرنلیوس در آیه ۳ (ر.ک. آیه ۱۹) بکار رفته است.

۱۰: ۱۹ «روح وی را گفت» ارتباط دقیق میان سخن "روح" (آیه ۱۹) و سخن "فرشته" (آیات ۳، ۲۲) در سراسر این مضمون نامشخص است (ر.ک. آیه ۲۰، "من ایشان را فرستادم"). ظاهراً فرشته از سوی روح القدس سخن می گفت یا هر دو یکی هستند مانند ظهور خدا به انسان در عهد عتیق (ر.ک. خرو. ۳: ۲، ۴؛ اعمال ۸: ۲۶، ۲۹).

۱۰: ۲۰ این آیه بسیار مؤکد است:

۱. برخاسته، وجه وصفی که به عنوان امر بکار رفته است
۲. پایین شو، فعل امری معلوم نامعین
۳. همراه ایشان برو، فعل حال امری میانی (معلوم ولی به ظاهر مجهول)
۴. هیچ شک مبر، وجه وصفی که به عنوان فعل امر به کار رفته است
۵. من ایشان را فرستادم، *ego* همراه با فعل اخبار معلوم کامل

پطرس راه دیگری نداشت جز آنکه برود! این یک قرار ملاقات الهی بود. روح القدس آن رویا را به کرنلیوس بخشید، کرنلیوس را واداشت تا کسانی را بفرستد، آن رویا را به پطرس بخشید، و اکنون پطرس را بر آن داشت تا به درخواست ایشان پاسخ مثبت بدهد.



۱۰:۲۲ آنان با امانت آنچه رخ داده بود، بازگو کردند.

۲۲:۱۰	
«نیکوکار»	NASB
«شخصی عادل»	NKJV
«درستکار»	NRSV, NJB
«فردی نیکو»	TEV

این واژه همان واژه "بی عیب" در عهد عتیق است. مقصود از آن بی گناهی (ر.ک. پید. ۶:۱؛ ایوب ۱:۱؛ لوقا ۱:۲۵؛ ۲:۲۵) یا عادل شمردگی از سوی مسیح نیست (ر.ک. روم. ۴). این مرد طبق هر آنچه از اراده خدا درک کرده بود، زندگی می کرد. رجوع کنید به عنوان خاص: عدالت و درستکاری در ۳:۱۴.

۲۲:۱۰	
«خدا ترس»	NASB, NRSV, NJB
«کسی که از خدا می ترسد»	NKJV
«پرستنده خدا»	TEV

این عبارت (یا هر عبارتی شبیه آن) اغلب برای توصیف کرنلیوس به کار رفته است (ر.ک. ۱۰:۲، ۲۲، ۳۵). در اعمال ۱۳:۱۶، ۲۶، ۴۳، ۵۰ از عبارت مزبور برای کسانی استفاده می شود که نژاد یهودی ندارند و کاملاً به یهودیت نگرویده اند، بلکه معمولاً در مراسم کنایس شرکت می جویند. اینگونه افراد "خداترس" خوانده می شدند (ر.ک. ۱۶:۱۴؛ ۱۷:۴، ۱۷:۱۸؛ ۷).

۱۰:۲۳ «پس ایشان را به خانه برده، مهمانی نمود» این نمونه دیگری از جدایی پیوسته پطرس از شریعت گرایی یهودی اش است. مسلماً سرباز همراه ایشان، یک رومی بود و با این وجود پطرس او را دعوت به نهار و مشارکت کرد. توجه داشته باشید که در آیه ۴۸ چگونه پطرس چند روز در منزل یک فرد رومی می ماند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۰:۲۳-۲۹

روز بعد با ایشان به راه افتاد و چند نفر از ایمانداران یافایی با آنان همراه بودند. ۲۴ فردای آن روز به قیصریه رسیدند. کرنلیوس که از خویشاوندان و دوستان نزدیک خود دعوت کرده بود چشم به راه ایشان بود. ۲۵ وقتی پطرس می خواست داخل خانه شود، کرنلیوس جلو رفت و پیش او به خاک افتاد. ۲۶ اما پطرس او را از زمین بلند کرد و گفت: «برخیز من هم مانند تو انسانم.» ۲۷ سپس به اتفاق، صحبت کنان وارد خانه شدند. پطرس در آنجا با عده زیادی روبه رو شد ۲۸ و به آنان گفت: «این را به خوبی می دانید، که جایز نیست یک نفر یهودی با بیگانگان معاشرت یا همنشینی نماید. اما خدا به من نشان داده است، که من نباید هیچ کس را نجس یا ناپاک بدانم. ۲۹ پس وقتی دنبال من فرستادید بدون چون و چرا آمدم. تنها سؤالی که دارم این است که برای چه به دنبال من فرستادید؟»

۱۰:۲۴ «چند نفر از ایمانداران یافایی با آنان همراه بودند» در ۱۱:۱۲ بیان شده که ایشان ۶ تن بوده اند. پطرس می دانست که این رویداد مسائلی را در میان برخی از پیروان یهودی عیسی بوجود خواهد آورد. به همین دلیل چند شاهد با خود برد (ر.ک. ۱۱:۱۲).

□ «قیصریه» قیصریه شهر زیبایی در کنار دریا بود. نامگذاری آن به احترام قیصر روم انجام گرفت. این شهر مقر نیروهای اشغالگر روم در فلسطین بود. رومیان در آن بندر کوچکی ساخته بودند.

□ «خویشان و دوستان خاص خود را خوانده» کرنلیوس، در هنگام انتظار برای سخنگوی خدا، خویشاوندان نزدیک، دوستان، خدمتکاران و احتمالاً سایر سربازان را فراخوانده بود. شاید آنان ساعتها و ساعتها به انتظار مانده بودند. چه روح پر از آرزو و انتظاری می بایست خانه او را فرو گرفته باشد! همه این افراد در حال گفت و گو درباره رویای کرنلیوس و پیام آن بودند.

آنچه بخشی از رهبران یهودی نژاد کلیسا را تکان داد، این بود که شمار زیادی از غیریهودیان که بسیاری از آنان خداترس هم نبوده اند، در پر شدن از روح القدس و تعمید شرکت داشته اند (ر.ک. آیه ۲۷).

۱۰: ۲۵، ۲۷ «چون پطرس داخل شد ... به خانه درآمد» ناهمخوانی آشکاری در متن یونانی اینجا وجود دارد. اما، منظور از نخستین "دخول" مورد اشاره در آیه ۲۵ می تواند داخل شدن از دروازه شهر یا حیاط منزل، و دومین "وارد شدن" در آیه ۲۷، ورود به داخل خانه کرنلیوس باشد. منظور هرچه باشد، پطرس بار دیگر آیین یهود را زیر پا گذاشت و وارد منزل یک غیریهودی شد.

۱۰: ۲۵ «بر پایهای افتاده، پرستش کرد» واژه معمول در ترجمه هفتاد و اناجیل برای پرستش. اما در این مضمون، "ادای احترام" کردن بهتر منظور را می رساند (ر.ک. ترجمه NJB). فرشته ای آمدن این مرد را تدارک دیده بود؛ البته که کرنلیوس به این پیام آور خدا عزت و احترام می گذاشت (ر.ک. مکا. ۱۹: ۱۰؛ ۲۲: ۸-۹).

۱۰: ۲۸ «شما مطلع هستید که مرد یهودی را ... معاشرت کردن ... حرام است» پطرس از تعالیم معلمان یهود یا مدرسه کنیسه نقل قول می کند، اما این تعالیم در عهد عتیق موجود نیست بلکه به وضوح ناشی از تفسیرهای معلمان یهود بوده اند.

□ «یک اجنبی» این واژه نیز یکی دیگر از واژگان بی همتا در تمامی عهد جدید است. لوقا در این باب از چند واژه نادر استفاده کرده است:

۱. *eusebe-s*، آیات ۲، ۷؛ پرهیزکار (ر.ک. II پطر. ۲: ۹)
۲. *prospeinos*، آیه ۱۰، گرسنه
۳. *dienthumeomai*، آیه ۱۹، تفکر می کرد
۴. *sunomileo-*، آیه ۲۷، گفتگو کنان
۵. *athemiton*، آیه ۲۸، جایز نیست
۶. *allophulo-*، آیه ۲۸، اجنبی
۷. *anantirre-tos*، آیه ۲۹، بی تأمل (ر.ک. اعمال ۱۹: ۳۶)
۸. *proso-pole-mpte-s*، آیه ۳۴، تبعیضی قائل نمی شود (همانند روم. ۲: ۱۱؛ افس. ۶: ۹؛ یعقوب ۲: ۱۹)
۹. *katadunasteuo-*، آیه ۳۸، مقهورین (ر.ک. یعقوب ۲: ۶)
۱۰. *procheirotoneo-*، آیه ۴۱، پیش برگزیده

مشخص نیست که لوقا برخی از این سخنرانی‌ها و رویدادهای اولیه در کتاب اعمال را از روی منابع دیگر یا مصاحبه های شفاهی مستند با حاضران نسخه برداری کرده است یا خیر.

□ «لیکن خدا مرا تعلیم داد که هیچکس را حرام یا نجس نخوانم» پطرس متوجه این پیام شد! حیوانات درون سفره نمایانگر انسانهایی بودند که به شکل خدا آفریده شدند (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷). محبت خدا نسبت به کرنلیوس و خانواده و دوستانش به پطرس جهان شمول بودن انجیل را نشان داد! این امر شهادت فیلیپس و استیفان را نیز اثبات می کرد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۰: ۳۰-۳۳

۳۰ کرنلیوس در پاسخ گفت: «چهار روز پیش درست در همین وقت یعنی ساعت سه بعد از ظهر من در خانه خود به نماز مشغول بودم، که ناگاه مردی در لباس نورانی به من ظاهر شد ۳۱ و گفت: ای کرنلیوس، دعاهایت مستجاب شده و صدقاتی که به فقرا می دهی در پیشگاه خدا منظور شده است. ۳۲ بنابراین کسی را به شهر یافا بفرست و شمعون ملقب به پطرس را به اینجا دعوت کن. او در خانه شمعون دباغ که در ساحل دریا واقع است، مهمان است. ۳۳ پس بی درنگ این اشخاص را نزد تو فرستادم و تو لطف فرموده به اینجا آمدی. اکنون همه ما در حضور خدا گرد آمده ایم تا به آن چیزهایی که خداوند به تو دستور داده است گوش دهیم.»

۱۰: ۳۰ «با لباس نورانی» فرشتگان اغلب به این شکل ظاهر می شوند (ر.ک. ۱: ۱۰؛ متی ۲۸: ۳؛ مرقس ۱۶: ۵؛ یوحنا ۲۰: ۱۲؛ لوقا ۲۴: ۴).

۱۰: ۳۱ این سومین باری است که در این باب بر پرهیزکاری کرنلیوس تأکید می شود (ر.ک. آیات ۴: ۲۲). کرنلیوس مایه اصلی شگفتی نیست بلکه تعجب در آن است که دوستان، خدمتکاران و خانواده او نیز به مسیح ایمان می آورند. این یکی از چند نمونه "نجات خانوادگی" در کتاب اعمال است.

کسانی از ما که با فرم و قالب غربی بشارت که بر پاسخ شخصی تأکید دارد، بزرگ شده اند، از اینگونه پاسخهای دستجمعی شگفت زده می شوند، اما در اکثر نقاط جهان خانواده‌ها به طور گسترده و قبیله ای جهت گیری می کنند. خدا قادر است تا در میان بسیاری از این قالبها عمل کند و با انسانهایی که به صورت او آفریده شده اند، ارتباط برقرار نماید. هیچ قالب مخصوصی برای بشارت دادن وجود ندارد!

۱۰: ۳۳ این افراد آماده شنیدن بودند! آنها دریافتند که در میانه فرصتی الهی و در برابر پیام آور فرستاده خدا قرار دارند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۰: ۳۴-۴۳

۳۴ پس پطرس سخنان خود را شروع کرده گفت: «من به این حقیقت پی برده ام که خدا هیچ تبعیضی قایل نمی شود ۳۵ و هرکس از هر ملتی که خداترس و نیکوکار باشد، مقبول خداست. ۳۶ خدا پیام خود را به قوم اسرائیل فرستاد و به این طریق مؤده صلح و سلامتی را به وسیله عیسی مسیح که خداوند همه است، ابلاغ فرمود. ۳۷ شما خودتان از اتفاق بزرگی که در سرتاسر یهودیه روی داد، باخبر هستید و می دانید همه این چیزها بعد از اعلام تعمید یحیی، از جلیل شروع شد. ۳۸ خدا، عیسی ناصری را با روح القدس و قدرت خود مسح کرد و می دانید، که چگونه عیسی به همه جا می رفت و کارهای نیک انجام می داد و همه کسانی را که در اسارت شیطان به سر می بردند رهایی می بخشید زیرا خدا با او بود. ۳۹ ما شاهدان همه آن کارهایی هستیم که او در سرزمین یهودیان و در اورشلیم انجام داد. آنان او را به صلیب کشیده، میخکوب کرده و کشتند. ۴۰ اما خدا او را در روز سوم زنده کرد و بسیاری او را دیدند، ۴۱ اما نه همه قوم اسرائیل بلکه شاهدانی که خدا قبلاً برگزیده بود، او را دیدند؛ یعنی ما که پس از رستاخیز او با او می خوردیم و می نوشیدیم. ۴۲ او به ما فرمان داد که به آن قوم اعلام کنیم و به این حقیقت شهادت دهیم که خدا او را داور زندگان و مردگان قرار داده است. ۴۳ جمیع انبیا به او شهادت می دهند که هر کسی به او ایمان آورد، به وسیله نام او گناهاش آمرزیده می شود.»

۱۰: ۳۴ «خدا هیچ تبعیضی قایل نمی شود» این سرآغاز موعظه پطرس به کرنلیوس است و نمونه خوبی از موعظه کلیسای اولیه به غیریهودیان می باشد. در عهد عتیق، این عبارت قضایی مشخصه خدا است (ر.ک. تث. ۱۰: ۱۷؛ II تو. ۱۹: ۷) و از قوم او انتظار می رود (ر.ک. تث. ۱: ۱۷؛ ۱۶: ۱۹). در عهد جدید نیز این مشخصه عمومی خدا می باشد (ر.ک. روم. ۲: ۱۱؛ ۲: ۲؛ ۶: ۶؛ افس. ۹: ۶؛ کول. ۳: ۲۴-۲۵؛ I پتر. ۱: ۱).

۱۷). در عهد جدید معنای تحت اللفظی این عبارت: "بلند کردن صورت" است. در دادگاههای عبرانی، خواننده شدگان سرشان را پایین نگاه می داشتند مبادا قاضی آنها را شناسایی کند و تبعیضی قایل شود.

خدا به هیچ وجه تبعیض قایل نمی شود (برای ملتها، نژادها یا افراد)! اگر چنین است پس تقدیر چگونه عمل می کند؟ یا اسرائیل چگونه مخصوص است؟ مراقب نظامهای نوین الهیاتی باشید!

۱۰: ۳۵ «از هر امتی، هر که از او ترسد و عمل نیکو کند، نزد او مقبول گردد» این توضیح به جنبه نجات روحانی اشاره نمی کند بلکه ظاهراً منظور صدقه دادن، دعا کردن و پرهیزکاری است. نگاه کنید به عنوان خاص در ۳: ۲. عبارت مزبور را می بایست از لحاظ الهیاتی با شرویت پذیرش انجیل تعادل بخشید (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ روم. ۱۰: ۹-۱۳).

حقیقت عمده این است که خدا غیریهودیان را بدون اینکه به یهودیت بگروند، می پذیرد. این امر زمینه الهیاتی را برای اعمال ۱۵، یعنی شورای اورشلیم آماده می سازد.

۱۰: ۳۶ «کلامی را که نزد بنی اسرائیل فرستاد» منظور اشاره به عهد عتیق نیست بلکه به عیسی و موعظه رسولان اشاره دارد.

□ «به وساطت عیسی مسیح ... به سلامتی بشارت می داد» می تواند کنایه از اش. ۷: ۵۲ باشد. واژه "سلامتی" در عهد جدید به سه شکل مورد استفاده است: (۱) صلح میان خدا و انسان (ر.ک. کول. ۱: ۲۰)؛ (۲) آرامش فردی شخص ایماندار (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۲۷؛ ۱۶: ۳۳، فیل. ۴)؛ و (۳) مصالحه میان گروههای انسانهایی که مسیح را پذیرفته اند (ر.ک. افس. ۲: ۱۴-۳؛ ۶: ۳؛ کول. ۳: ۱۶). تمامی موانع انسانی در مسیح فرو می ریزد (ر.ک. غلا. ۳: ۲۸؛ کول. ۳: ۱۱)!

□ «که خداوند همه است» این عنصر جهانی پیام و دعوت انجیل عیسی مسیح است که همچنان در نظر یک یهودی راستگیش، بسیار افراطی بود (ر.ک. اعمال ۲: ۳۶؛ متی ۲۸: ۱۸؛ روم. ۱۰: ۱۲؛ افس. ۱: ۲۰-۲۲؛ کول. ۲: ۱۰؛ I پط. ۳: ۲۲). او خداوند همه نژادها و همه چیزهاست (سیادت و سروری بر عالم هستی)!

۱۰: ۳۷، ۳۹ «آن سخن را شما می دانید» پطرس از همان شکل موعظه اش در روز پنتیکاست استفاده می کند (ر.ک. ۲: ۲۲، ۳۳). آنها درباره عیسی و آنچه در اورشلیم برای وی رخ داد، چیزهایی شنیده بودند.

شگفت آور است که چگونه این افراد همه اطلاعات مزبور را داشتند. آیا پطرس گزاف گویی می کند؟ آیا اینان نیز به نوعی در برخی از وقایع اورشلیم دست داشتند؟ آیا برخی از این خدمتکاران خانگی یهودی بودند؟ این متن بسیار مختصر نوشته شده و ما چیزی درباره این موضوعات نمی دانیم.

برخی با استفاده از این موعظه ثابت می کنند که:

۱. لوقا تمامی متن موعظه‌ها را در کتاب اعمال نگاشته است (اما لوقا یک نویسنده خوب یونانی Koine است و آیات ۳۶-۳۸ به زبان خوب و قابل قبول یونانی نوشته نشده است).

۲. لوقا نسبت به منابع خود درست عمل می کرد و آنها را به طور دقیق و بدون تصحیح دستور زبان ضعیفشان، نقل قول می کرد.

۳. منظور از نوشتن این عبارت آن بود که خوانندگان بعدی اعمال آن را دریابند (ر.ک. *The Jerome Commentary*, vol. II, p. 189).

۱۰: ۳۷ «بعد از اعلام تعمید یحیی» چرا تعمید عیسی همواره مورد توجه ایمانداران بوده است، زیرا تعمید یحیی، تعمید توبه بود. عیسی نیازی به توبه و آمرزش نداشت زیرا بی گناه بود (ر.ک. II قرن. ۵: ۲۱؛ عبر. ۴: ۱۵؛ ۷: ۲۶؛ I پط. ۲: ۲۲؛ I یوحنا ۳: ۵). فرضیه های موجود بیان می دارند که: (۱) تعمید عیسی سرمشقی برای ایمانداران برجای گذاشت؛ (۲) این کار همانا همسان سازی او با نیاز ایمانداران بود؛ (۳) تعمید

عیسی انتصاب و تجهیز وی برای خدمت بود؛ (۴) تعمید او نمادی از کار رهایی بخش وی بود؛ (۵) این کار به نشانه تصدیق خدمت و پیام یحیی تعمید دهنده بود؛ یا (۶) تعمید عیسی پیشگویی نبوتی از مرگ، تدفین و قیام او بود (ر.ک. روم. ۶: ۴؛ کول. ۲: ۱۲).

تعمید توسط یحیی به عنوان آغاز خدمت پر از روح عیسی محسوب می گردید. هر سه انجیل هم نظر این واقعه افتتاحیه را ثبت کرده اند. مرقس انجیل خود (روایت پطرس به عنوان شاهد عینی) را با این واقعه آغاز می نماید. کلیسای اولیه به این رویداد به عنوان شروع مخصوص عصر جدید روح القدس در ارتباط با خدمت عمومی عیسی، می نگریست.

۱۰: ۳۸ «یعنی عیسی ناصری را که خدا او را چگونه به روح القدس و قوت مسح نمود» به مواردی که پطرس درباره عیسی مورد

تأکید قرار می دهد، توجه کنید:

۱. خدا او را مسح نمود (مسح، ریشه واژه عبری ماشیح است)

۲. به روح القدس (عصر جدید، عصر روح القدس است)

۳. به ... قدرت (خدمت موثر)

ا. نیکوکاری

ب. شفای مقهورین ابلیس (قدرت شرارت و شیطان)

۴. خدا با او بود (او از سوی YHWH سخن می گفت و عمل می کرد)

ظاهر این اشاره ای به تعمید عیسی است (ر.ک. (F. F. Bruce, *Answers to Questions*, pp. 171-172).

Robert B. Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament*، بیان جالب توجهی دارد:

"فعل  $\chi\rho\iota\epsilon\iota\nu$  (خ رین) پنج بار در عهد جدید به کار رفته است. در چهار مورد، اشاره به مسح شدن مسیح توسط پدر دارد که عبارتند از: لوقا ۴: ۱۸، که نقل قول از اش. ۶۱: ۱ است؛ عبر. ۹: ۱ که نقل قول از مز. ۴۵: ۷ است؛ اعمال ۴: ۲۷ که با اشاره مخصوص به نقل قول از مز مور ۲ می باشد که درست قبل از آن قرار گرفته است؛ و اعمال ۱۰: ۳۸ که می گوید خدا عیسی را به روح القدس مسح کرد" (صفحه ۱۸۳). ر.ک. به عنوان خاص: Kerygma در ۲: ۱۴.

۱۰: ۳۹ «او را نیز بر صلیب کشیده، کشتند» منظور از "آنها"، رهبران یهود، ازدحام جمعیت، و مقامات رومی است. نگاه کنید به یادداشت ۲: ۲۳. این مفهوم آویختن از یک درخت در ۵: ۳۰ مورد اشاره قرار گرفته و بازتابی از تث. ۲۱: ۲۳ است (که در اصل اشاره به بر تیرک چوبی میخ کردن پس از مرگ به منظور تحقیر کسی است، ولی معلمان یهود در روزگار عیسی آن را همان مصلوب کردن رومی تفسیر می نمودند)، که در آنجا عیسی لعنت شریعت عهد عتیق را (ر.ک. اش. ۵۳) بجای ما (ر.ک. غلا. ۳: ۱۳) حمل کرد.

۱۰: ۴۰ «همان کس را خدا ... برخیزانید» عهد جدید تصریح می کند که هر سه شخص تثلیث در قیام عیسی فعال بودند: (۱) روح القدس (روم. ۸: ۱۱)؛ (۲) عیسی (یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸)؛ و (۳) پدر (اعمال ۲: ۲۴، ۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴؛ ۳۷؛ ۲۷: ۳۱؛ روم. ۶: ۴، ۹). این امر به منزله تأیید حقیقت زندگی، مرگ و تعالیم عیسی درباره خدا بود. همین موضوع جنبه اصلی Kerygma را تشکیل می داد (در موعظه های کتاب اعمال).

□ «در روز سوم» بخاطر I قرن. ۴: ۱۵، برخی این موضوع را به مز. ۱۶: ۱۰ یا هوشع ۶: ۲ مربوط می سازند، اما احتمال بهتر یونس ۱: ۱۷ است، بخاطر متی ۱۲: ۴۰.

□ «ظاهر ساخت، لیکن نه بر تمامی قوم» عیسی بر گروههای برگزیده زیادی ظاهر شد (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۱۹، ۲۴؛ ۱۵: ۲۷؛ ۱۶: ۱۶، ۲۲؛ I قرن. ۵: ۹-۵).

۱۰: ۴۱ «که بعد از برخاستن او از مردگان با او خورده و نوشیده ایم» هرچند بدن قیام کرده عیسی نیازی به تغذیه نداشت، او خورد و آشامید تا به شاهدان مخصوص خود نشان بدهد که واقعی است و شراکت خود را با ایشان تصریح نماید (ر.ک. لوقا ۲۴: ۳۵، ۴۱-۴۳؛ یوحنا ۲۱: ۹-۱۳).

۱۰: ۴۲ «او به ما فرمان داد که به آن قوم اعلام کنیم» ضمیر "او" اشاره به عیسی است (ر.ک. متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ لوقا ۲۴: ۴۷-۴۸؛ اعمال ۱: ۸؛ یوحنا ۱۵: ۲۷). این شهادت می بایست از اورشلیم آغاز می شد و به تمامی جهان گسترش می یافت.

□ «داور زندگان و مردگان» مسیح نماینده خدا در داوری است (ر.ک. دان. ۷: ۱۳-۱۴؛ یوحنا ۵: ۲۲، ۲۷؛ اعمال ۱۷: ۳۱؛ II قرن. ۵: ۱۰؛ II تیمو. ۴: ۱؛ I پط. ۴: ۵) به همان گونه ای که در آفرینش نماینده پدر بود (ر.ک. یوحنا ۱: ۳؛ کول. ۱: ۱۶؛ عبر. ۱: ۲). عیسی نیامد تا داوری کند، بلکه تا نجات بخشد (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۷-۱۹).

عبارت "مردگان و زندگان" اشاره به داوری در آخرت، به هنگام بازآمدن عیسی است. برخی از ایمانداران در آن زمان زنده خواهند بود (ر.ک. I تس. ۴: ۱۳-۱۸).

۱۰: ۴۳ «جمیع انبیا به او شهادت می دهند» عیسی به دو شاگرد خود در راه عموآس نشان داد (این ماجرا فقط در لوقا ۲۴: ۱۳-۳۵ ثبت شده است) که در کجا و چگونه عهد عتیق به او اشاره می کند. دو شاگرد مزبور نیز به نوبه خود به شاگردان در آن بالاخانه این موضوع را نشان دادند و این اطلاعات معیار شهادت دادن به یهودیان گردید (ر.ک. ۳: ۱۸).

□ «به اسم او» (ر.ک. یوئیل ۲: ۳۲ و لوقا ۲۴: ۴۷)

□ «هر که به وی ایمان آورد، ... آموزش گناهان را خواهد یافت» این پیام انجیل است:

۱. هر که

۲. به نام عیسی

۳. به او ایمان آورد

۴. آموزش گناهان را می یابد

این پیام عیسی محور است نه اجرا محور. تمامی کارهایی که لازم است برای همه، هر کس، انجام شود تا نجات یابد، انجام شده است! خدا اراده فرموده تا بواسطه عهد با انسان سقوط کرده، مواجه شود. او نخستین قدم را برداشته و صورت کار را فراهم آورده، اما در عین حال از انسانها می خواهد که با توبه، ایمان، اطاعت و پایداری پاسخ دهند. انسانها باید بخشش خدا را در مسیح دریافت نمایند. این یک نقل و انتقال خودکار نیست.

Frank Stagg، در کتاب *New Testament Theology* تفسیر جالب توجهی درباره آموزش و ارتباط مفروض آن را با توبه ارائه می دهد:

"آموزش فراخوانی به سوی هشیاری تازه ای نسبت به گناه و رویگردانی از آن است. به ما اطمینان داده می شود که آموزش و پاک شدن یقیناً در پی اعتراف به گناهان می آید (I یوحنا ۱: ۹)، ولی در قبال عدم اعتراف، هیچگونه وعده ای داده نمی شود. در منزل کرنلیوس، پطرس آموزش را به ایمان مرتبط ساخته اعلام می دارد که تمامی انبیا به آن یگانه (عیسی) شهادت می دهند که "هر که به وی ایمان آورد، به اسم او آموزش گناهان را خواهد یافت" (اعمال ۱۰: ۴۳). در این توکل و ایمان، با توبه و اعتراف مربوط به آن، شخص هم خود را "از خود می داند و آن را رد می کند". این بدان معنا نیست که پاداش توبه، آموزش است؛ توبه حتی شخص را شایسته آموزش نیز نمی گرداند. چنانکه شخص دیگری اظهار داشته است، گناهکار باید مردودیت خود را بپذیرد و پذیرش خود را قبول کند، هرچند می داند

که غیرقابل پذیرش است. گناهکار تا وقتی که مشتاق پذیرش "نه" از سوی خداست تا اینکه صدای "آری" او را بشنود، قابل آموزش نیست." (صفحه ۹۴).

۱۰: ۴۴ توجه داشته باشید که پطرس هنوز موعظه خود را به پایان نرسانده بود که روح القدس نزول کرد (ر.ک. ۸: ۱۶-۱۷؛ ۱۰: ۴۴؛ ۱۱: ۱۵).

□ «بر همه آنانی که کلام را شنیدند» تنش اصلی الهیاتی مربوط به کرنلیوس نبود. کنیسه محلی او را کاملاً پذیرفته بود. تنش اصلی

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۰: ۴۴-۴۸

۴۴ پطرس هنوز صحبت می کرد، که روح القدس بر همه شنوندگان نازل شد ۴۵ و مؤمنان یهودی نژاد که همراه پطرس آمده بودند از اینکه بخشش روح القدس به غیر یهودیان نیز داده شده بود، دچار حیرت شدند. ۴۶ زیرا می شنیدند که به زبانها صحبت می کنند و خدا را تمجید می نمایند. آنگاه پطرس گفت: ۴۷ «آیا کسی می تواند مانع از تعمید این اشخاص در آب بشود؟ مگر نه این است، که ایشان هم مانند ما روح القدس را یافته اند؟» ۴۸ پس دستور داد ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. سپس آنها از پطرس تقاضا کردند چند روزی نزد ایشان بماند.

مربوط به همه دوستان می گردید! آنها ظاهراً هیچگونه تماس قبلی، حتی با یهودیت نداشتند، و اکنون خدا کاملاً آنان را پذیرفته بود. این پذیرش توسط همان ظهور قدرت و حضور روحانی که در پنتیکاست نشان داده شد، به نمایش درآمد و تأیید شد.

همچنین توجه داشته باشید که ترتیب وقایع تغییر می کند. روح القدس پیش از تعمید آب نازل می شود نه عطف به آن (ر.ک. ۲: ۳۸) یا پس از آن (ر.ک. ۸: ۱۷). لوقا چیزی را که رخ داد ثبت می کند، نه آنچه را که "می باید رخ می داد". مراقب باشید که تلاشی برای تبدیل یکی از این مواجعه های ثبت شده با انجیل در کتاب اعمال، به مواجعه اصلی انجیل نشود!

۱۰: ۴۵ همان ظهور ماوراءطبیعی روح القدس (ر.ک. آیه ۴۶) که در پنتیکاست رخ داد، دیگر بار شامل حال رومیان گردید! این نشانه خاص فقط برای کرنلیوس و دوستانش نبود، بلکه در اصل برای ایمانداران ختنه شده بود (ر.ک. آیه ۴۷). این واقعه به گونه ای مقتدرانه و غیرقابل اعتراض نشان می داد که خدا غیریهودیان (ر.ک. ۱۱: ۱۷) و حتی رومیان را پذیرفته است!

لوقا زمینه ادبی را برای شورای اورشلیم در اعمال ۱۵ آماده می سازد. هم پطرس و هم پولس هر دو همراه با یهودیان ایماندار یونانی زبان، متقاعد شده بودند که خدا کاملاً غیریهودیان را به واسطه مسیح پذیرفته است.

□ «عطای روح القدس» خدمت روح القدس را می توان به وضوح در یوحنا ۱۶: ۸-۱۴ مشاهده کرد. در یک معنا، الزام به گناه عطا و هدیه ای از سوی روح القدس است. نجات نیز یکی از بخششهای روح القدس می باشد. حضور ماندگار خدا عطایی از روح القدس است. این عصر جدید روح القدس می باشد. هیچ واقعه ماندگار و سودمندی بدون حضور و قدرت روح القدس رخ نمی دهد.

□ «افاضه شد» یک وجه وصفی مجهول کامل. در اصل کلمه "فروریختن" بخشی از نظام قربانی عهد عتیق است. در یوئیل ۲: ۲۸ این موضوع در مورد روح القدس پیشگویی شده بود و پطرس آن را در پیام پنتیکاست خود نقل قول کرد (ر.ک. ۲: ۱۷، ۳۳). روح القدس کاملاً و به طور دائمی توسط خدا به ایمانداران افاضه شد.

۱۰: ۴۷ این یک پرسش با معانی بیانی است که جوابش می بایست "نه" باشد. این پرسش به منظور جلب موافقت عمومی ایمانداران یهودی انجام شد که از یافا پطرس را همراهی کردند.

۱۰: ۴۸ «فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند» به فوریت تعمید توجه کنید. همچنین توجه داشته باشید که تعمید همانند ۲: ۳۸ و ۱۹: ۵، به نام عیسی انجام شد. تعمید در اعمال، قاعدتاً به نام عیسی بود، در حالیکه در متی ۲۸: ۱۹ به نام خدای تثلیث است. قاعده نقش کلیدی ندارد، بلکه دل داوطلب به تعمید است که در این میان نقش کلیدی دارد!

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا نجات کرنلیوس اینقدر حائز اهمیت است؟
۲. چگونه تجربه نجات کرنلیوس همانند تجربه پولس است؟
۳. سفره پر از جانوران و تفسیرهای ارائه شده توسط پطرس چه اهمیت الهیاتی ای در رابطه با کرنلیوس داشت؟
۴. چرا تغییر زندگی ایمانی دوستان کرنلیوس مسئله بزرگی بود؟
۵. رؤس مطالب پیام پطرس را تهیه کنید و آن را با سایر رخدادهای نجات در کتاب اعمال مقایسه نمایید. همه آنها از جهتی متفاوت و از جهتی یکسان هستند.



**کارهای رسولان فصل ۱۱**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
اورشلیم: پطرس رفتارش را تصدیق می‌کند	گزارش پطرس به کلیسای اورشلیم	دفاع پطرس	دفاع پطرس از فیض خدا	گزارش پطرس به کلیسای اورشلیم
۱۰-۱:۱۱	۴-۱:۱۱	۱۸-۱:۱۱	۱۸-۱:۱۱	۱۸-۱:۱۱
۱۴-۱۱:۱۱	۱۷-۵:۱۱			
۱۷-۱۵:۱۱				
۱۸:۱۱	۱۸:۱۱			
تأسیس کلیسای انطاکیه	کلیسای انطاکیه	خدمت به یونانیان در انطاکیه	برنابا و سولس در انطاکیه	کلیسای انطاکیه
۲۱-۱۹:۱۱	۲۶-۱۹:۱۱	۲۶-۱۹:۱۱	۲۶-۱۹:۱۱	۲۶-۱۹:۱۱
۲۴-۲۲:۱۱				
۲۶-۲۵:۱۱				
اعزام برنابا و سولس به اورشلیم		ارسال هدایا برای قحطی‌زدگان در اورشلیم	اعانه برای یهودیه	
۳۰-۲۷:۱۱	۳۰-۲۷:۱۱	۳۰-۲۷:۱۱	۳۰-۲۷:۱۱	۳۰-۲۷:۱۱

قراوت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیش‌رویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می‌کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می‌باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱: ۱۱-۱۸

۱ به رسولان و ایمانداران مقیم یهودیه خیر رسید که غیر یهودیان نیز پیام خدا را پذیرفته‌اند. ۲ هنگامی که پطرس به اورشلیم بازگشت کسانی که به ختنه کردن غیر یهودیان اصرار داشتند به او اعتراض کرده گفتند: ۳ «چرا به خانه نامختونان وارد شدی و حتی با آنها غذا خوردی؟» ۴ پطرس شروع کرد و تمام جریان را از اول تا به آخر برای ایشان شرح داد و گفت:

۵ «در یافا به دعا مشغول بودم که حالت جذبه‌ای به من دست داد و در رؤیا چیزی دیدم مانند یک سفره بزرگ که از چهار گوشه آویزان شده بود و از آسمان به پایین آمد تا به من رسید. ۶ وقتی با دقت به آن نگاه کردم دیدم که در آن چارپایان و وحوش و خزندگان و پرندگان جمع شده‌اند و صدایی به گوشم رسید که می‌گفت: 'ای پطرس، برخیز، سر ببر و بخور.' ۸ گفتم 'خیر، ای خداوند من هرگز به چیزهای ناپاک و حرام لب نزده‌ام.' ۹ بار دوم صدایی از آسمان رسید که می‌گفت: 'آنچه را که خدا حلال کرده است تو نباید حرام بینداری.' ۱۰ این موضوع سه بار تکرار شد و بالاخره همه چیز به آسمان بالا رفت. ۱۱ در همان لحظه سه نفر به خانه‌ای که محل اقامت من بود، آمدند. ایشان را از قیصریه به دنبال من فرستاده بودند. ۱۲ روح خدا به من فرمود که بدون تردید با ایشان بروم. این شش برادر هم به همراه من آمدند و به خانه آن شخص وارد شدیم. ۱۳ او برای ما تعریف کرد که چطور در خانه خود فرشته‌ای را دیده که ایستاده و به او گفته است: 'کسی را به یافا بفرست و شمعون ملقب به پطرس را بیاور ۱۴ و او آن پیامی را که باعث نجات تو و تمامی اهل خانهات خواهد شد، به تو خواهد رسانید.' ۱۵ من در آنجا هنوز مطالب زیادی نگفته بودم که روح القدس بر آنها نازل شد. به همان طریقی که در ابتدا به خود ما نازل شده بود ۱۶ و آنگاه به خاطر آوردم که خداوند فرموده بود: 'یحیی با آب تعمید می‌داد اما شما با روح القدس تعمید خواهید یافت.' ۱۷ خدا به آنها همان چیزی را بخشیده است که به ما هنگامی که به عیسی مسیح خداوند ایمان آوردیم عطا فرمود، پس من که بودم که مانع کار خدا بشوم؟»

## مطالعه عبارات و واژگان

۱: ۱ مفهوم ضمنی این آیه آن است که رهبری کلیسا از این تغییر وقایع شگفت زده شدند. آنها متعجب بودند ولی کاملاً پشتیبان وقایع مزبور نیز نبودند! آنان مأموریت بزرگ را در نیافته بودند (ر.ک. متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ لوقا ۲۴: ۴۷؛ اعمال ۱: ۸).

□ «برادران» عنوان اولیه ایمانداران که بر هویت خانوادگی متحد ما تأکید دارد (ر.ک. ۱: ۱۵؛ ۳: ۶؛ ۹: ۳۰؛ ۱۰: ۲۳؛ ۱۱: ۱، ۱۲، ۲۹؛ ۱۲: ۱۷؛ ۱۴: ۲؛ ۱۵: ۱، ۳، ۲۲، ۲۳، ۳۲-۳۳، ۴۰؛ ۱۶: ۲، ۴۰؛ ۱۷: ۶، ۱۰، ۱۴؛ ۱۸: ۱۸، ۲۷؛ ۲۱: ۷، ۱۷؛ ۲۲: ۵؛ ۲۸: ۱۴-۱۵). مسیحی بودن به منزله یکی از افراد خانواده بودن است!

□ «در یهودیه بودند» نشانه محدوده جغرافیایی کلیسا تا آن زمان است. حتی بعد از سالها، کلیسا از مرزهای فرهنگی اش پا فراتر نگذاشته بود. آنان از فرمان عیسی در ۱: ۸ اطاعت نکرده بودند!

□ «غیر یهودیان نیز پیام خدا را پذیرفته اند» وجه وصفی میانی (معلوم ولی به ظاهر مجهول) نامعین. این عبارت نشانگر ضرورت پذیرفتن شخصی پیام انجیل است (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ روم. ۱۰: ۹-۱۳؛ افسس. ۲: ۸-۹). عبارت "پیام خدا" متناظر با "انجیل" است. وعده ها/نبوت‌های جهانی عهد عتیق به انجام می رسد.

۱: ۲ «هنگامی که پطرس به اورشلیم بازگشت» ظاهراً مشکل بشارت به غیر یهودیان که در باب ۱۵ نیز ادامه دارد، مشکلی تکرار شونده برای رهبری کلیسای اولیه اورشلیم بوده است. بسیاری از نوایمانان مسیحی هنوز بسیار ملی گرا بودند (ر.ک. ۱۵: ۵؛ ۲۱: ۱۸-۲۶).

	۲:۱۱
«کسانی که ختنه شده بودند»	NASB
«اهل ختنه»	NKJV
«ایماندارانی که ختنه شده بودند»	NRSV, NJB
«کسانی که موافق ختنه شدن امت‌ها بودند»	TEV
«مدافعان ختنه»	Williams

این عبارت به مفاهیم مختلف به کار رفته است: (۱) در ۱۰:۴۵ برای توصیف شش یهودی همراه پطرس؛ (۲) اینجا، اشاره به گروهی از ایمانداران در کلیسای اورشلیم (ر.ک. ۱۱:۱۸)؛ و (۳) در غلاطیان اشاره به ایماندارانی از کلیسای اورشلیم (ر.ک. ۲:۱۲) و نیز بی ایمانان یهودی (ر.ک. ۱:۷؛ ۲:۴؛ ۵:۱۰، ۱۲) است.

هیچ تردیدی در صداقت این ایمانداران یا منطق جهت گیری آنان وجود ندارد. اما، ماهیت رادیکال انجیل، در را برای همه مردم کاملاً نامربوط با شریعت موسی، گشود. این پیامی است (از فیض، نه اجرای قوانین، که نجات را به ارمغان می آورد) که بسیاری از ایمانداران امروزی نیازمند شنیدن و توجه به آن هستند!

	۲:۱۱
«ایراد گرفتند»	NASB
«مخالفت کردند»	NKJV
«انتقاد نمودند»	NRSV, TEV
«اعتراض نمودند»	NJB

یک وجه وصفی میانمی ناکامل است. این شکل دستوری می تواند نشانگر عمل تکرار شونده در زمان گذشته یا شروع یک عمل باشد. توجه داشته باشید که این ایمانداران سنت گرا با پطرس مشکل داشتند نه با انجیل. آنان متوجه نمی شدند که این یک مسئله مربوط به انجیل است.

۱۱:۳ «با مردم نامختون برآمده، با ایشان غذا خوردی» آشکارا پطرس رهبر بلامعارض کلیسا نیست. از نظر دستوی، این آیه می تواند یک اظهار نظر یا یک پرسش باشد (NRSV).

مسئله مشارکت بر سر سفره برای قوم یهود بسیار اهمیت داشت. موضوع اصلی در پس شرایع مربوط به خوراک لاو. ۱۱ می تواند همین امر باشد. یهودیان نباید در هیچیک از وقایع اجتماعی با کنعانیان شریک می شدند. غذا خوردن در خاور نزدیک باستان نوعی پیمان دوستی محسوب می شد.

در متی ۹:۱۱؛ ۱۱:۱۹؛ لوقا ۵:۳۰؛ ۱۵:۲، عیسی نیز متهم به نقض همین سنتها شد.

پطرس در حین خدماتش با این مسئله در کشمکش بود (ر.ک. غلا. ۲:۱۲). برای ایمانداران اولیه، این یک مسئله بسیار حساس بود. تجدید نظر کردن در مورد سنتها، فرهنگ و اولویتهای شخصی خودمان کار مشکلی است، اما انجیل به ما گفته است که چه کنیم (ر.ک. I قرن. ۱۲: ۱۳؛ غلا. ۳:۲۳-۲۹؛ کول. ۳:۱۱).

۱۱:۴-۱۸ پطرس تجربه خود را در منزل شمعون و کرنلیوس (اعمال ۱۰) برای رهبران یهودی در اورشلیم بازگو می کند. این بازگویی (ر.ک. شورای اورشلیم در باب ۱۵) روش لوقا برای نشان دادن اهمیت این موضوع (بشارت جهانی) در حیات کلیساست.

۴:۱۱	
NASB	«به ترتیب»
NKJV	«از ابتدا به ترتیب»
NRSV	«گام به گام»
TEV	«جریان کامل»
NJB	«مشروح وقایع را نکته به نکته»

واژه *kathexes* فقط در عهد جدید و آن هم توسط لوقا مورد استفاده قرار گرفته است (ر.ک. لوقا ۱: ۳؛ ۸: ۱؛ اعمال ۳: ۲۴؛ ۱۱: ۴؛ ۱۸: ۲۳). معنای ضمنی آن مربوط می شود به شرح موضوعی به ترتیب منطقی، زمانی یا زنجیره ای. روش تحقیق لوقا (ر.ک. لوقا ۱: ۴-۱)، شخصیت او و آموزش حرفه ایش (به عنوان پزشک) با این امر تطابق دارد.

۱۱: ۶ «با دقت بر آن نگرینم» ر.ک. به یادداشت ۱: ۱۰

۱۲:۱۱	
NASB	«بدون شبهه»
NKJV	«بدون هیچ شکی»
NRSV	«بدون قائل شدن هیچ تمایزی»
TEV	«بدون تردید»
NJB	«هیچ شکی نبود»

تفاوتهایی در چند نسخه یونانی در ارتباط با **آوای** این **وجه وصفی (معلوم یا میانی)** وجود دارد. حتی در نسخه های  $P^{45}$  و D حذف شده است. بخشی از مشکل در اینجاست که یکی از این گزینه‌ها بیشتر در ۱۰: ۲۰ که متناظر با این متن است، وجود دارد. کاتبان تمایل داشته اند که متون متناظر هم خوانی داشته باشند. این اختلافها نیز مانند سایر اختلافهای موجود در اکثر متون عهد جدید، تأثیری در معنای عبارت ندارند.

۱۱: ۱۴ «نجات خواهید یافت» پرهیزکاری و سخاوتمندی کرنلیوس، از او یک مسیحی نمی ساخت!

۱۱: ۱۵ این آیه از نظر درک مقصود تکرار تجربه پنتیکاست در کتاب اعمال نقش قاطعی دارد. خدا از تجربه آغازین در اورشلیم برای نشان دادن پذیرش سایر گروههای نژادی، جغرافیایی و فرهنگی از سوی خود استفاده می کرد (ر.ک. آیه ۱۷). تجربه مزبور را نه تنها کرنلیوس، بلکه (۱) پطرس؛ (۲) ایمانداران یهودی نژاد همراه او و (۳) کلیسای اورشلیم نیز داشتند.

۱۱: ۱۶ «آنگاه به یاد آوردم سخن خداوند را» نشانگر الگوی رسولان اولیه در دستیابی به الهیات صحیح است که عبارت بود از: نقل قول از عیسی، پیروی از نمونه عیسی، یا نقل قول از عهد عتیق (ر.ک. متی ۳: ۱۱؛ اعمال ۱: ۵). پطرس تصریح می کند که خود خداوند این وضعیت (یعنی نشانه) را پیش بینی کرده بود.

۱۱: ۱۷ «چون (اگر)» یک جمله شرطی نوع اول است که صحت آن از نظر نویسنده و در تطابق با مقاصدش، مفروض است.

□ «خدا همان عطا را به ایشان بخشید» اینجا نیز مانند آیه ۱۵، اشاره به پنتیکاست است (ر.ک. متی ۲: ۱-۴؛ ۸: ۱۵؛ ۱۰: ۴۶؛ ۱۵: ۸). نجات نیز مانند روح القدس، بخشش خداست (ر.ک. روم. ۳: ۲۴؛ ۵: ۱۵-۱۷؛ ۶: ۲۳؛ افس. ۲: ۸).

□ «محض ایمان آوردن به عیسی مسیح خداوند» نجات را باید پذیرفت (ر.ک. ۱: ۱۱؛ یوحنا ۱: ۱۲؛ افس. ۲: ۸-۹). چند حرف

اضافه در عهد جدید برای توصیف ایمان به عیسی به کار رفته است:

۱. *epi* = به (اینجا)

۲. *eis* = درون

۳. *en* = در

۴. *hoti* = عبارت درباره عیسی

۵. حالت مفعولی غیر صریح حقیقی بدون حرف اضافه

به نظر می رسد مفهوم ضمنی این تنوع، عدم وجود شکل دستوری خاص در رابطه با "ایمان/باور" (*pisteuo-*) باشد. معمولاً جنبه شخصی، ارادی مورد نظر است (به غیر از *hoti*، که به معنی محتوای انجیل یا آموزه هاست). عیسی یک شخصیت است و باید او را با روی باز پذیرفت!

۱۱: ۱۸ «ساکت شدند، و خدا را تمجید کنان...» شهادت پطرس نه تنها جوّ منفی را متوقف ساخت بلکه موجب حمد و تمجید خدا گردید! اکثر ایمانداران و رهبران اولیه کلیسا، تعلیم پذیر و قابل انعطاف بودند. آنها مشتاق بودند تا الهیات خود را مطابقت دهند و از هدایت خدا پیروی کنند.

□ «خدا به امتها نیز توبه حیات بخش را عطا کرده است» چند قطعه در کتاب عهد جدید وجود دارد با این مفهوم ضمنی که خدای

قادر متعال چنانکه منبع فیض است، منبع توبه نیز هست (ر.ک. اعمال ۵: ۳۱؛ ۸: ۲۲؛ II تیمو. ۲: ۲۵).

مسئله الهیاتی مربوط به عبارت مزبور این است که: "چگونه می توان قادر مطلق بودن خدا در ارتباط با نجات را در برابر ضرورت پاسخ توسط بشر باز شناخت؟" آیا توبه و ایمان (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱) پاسخهای انسانی هستند یا بخششهای الهی؟ متونی وجود دارد که به قوت بر بخشش الهی بودن اینها دلالت دارند (ر.ک. اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸؛ روم. ۲: ۴؛ II تیمو. ۲: ۲۵). از آنجایی که من معتقد به الهامی بودن تمامی کتاب مقدس هستم (ر.ک. II تیمو. ۳: ۱۶)، پس باید تمامی متون مربوط به هر مسئله الهیاتی را مقایسه کنم و در برابر یک متن یا روش فرقه ای سرفروند نیاورم. روشن است که یک خدای حقیقی مسلط بر همه چیزهاست! کتاب اعمال این امر را بارها و بارها مورد تأکید قرار می دهد. اما اراده خدا، ارتباط با اشرف مخلوقاتش توسط عهد و پیمان است. خدا همواره قدم اول را برمی دارد و زمینه را مهیا می سازد، اما انسان نیز باید پاسخ بدهد و به پاسخ دادن ادامه دهد. این یک مسئله خدا یا انسان نیست بلکه همواره هر دو ایشان با هم هستند که ارتباط را می سازند. نگاه کنید به عنوان خاص: عهد (پیمان) در ۲: ۴۶. در مورد "توبه" نیز به عنوان خاص در ۲: ۳۸ مراجعه نمایید.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۱: ۱۹-۲۶

۱۹ در اثر شکنجه و آزاری که به دنبال مرگ استیفان آغاز شد، عدّه زیادی پراکنده شدند و تا فنیقیه و قبرس و شهر انطاکیه مهاجرت کردند. اما آنان پیام خود را به هیچ کسی جز یهودیان اعلام نکردند. ۲۰ ولی در میان ایشان چند نفر از اهالی قبرس و قیروان نیز بودند، که به محض رسیدن به انطاکیه با یونانیان به گفت و گو پرداختند و درباره عیسی خداوند بشارت دادند. ۲۱ قدرت خداوند با ایشان بود و عدّه زیادی ایمان آورده به خداوند روی آوردند. ۲۲ این خبر در اورشلیم به کلیسا رسید و در نتیجه برنابا مأمور شد که به انطاکیه سفر نماید. ۲۳ وقتی او به آنجا رسید و برکات خدا را با چشم خود دید، شادمان شد و آنان را تشویق می کرد، که از دل و جان در وفاداری نسبت به خداوند استوار بمانند. ۲۴ او مردی نیکوکار و پر از روح القدس و ایمان بود. پس عدّه کثیری به خداوند تسلیم شدند. ۲۵ بعد از آن برنابا به شهر طرسوس رفت تا شائول را پیدا کند. ۲۶ پس او را یافته به انطاکیه آورد و مدت یک سال تمام با ایمانداران جمع می شدند و عدّه بسیاری را تعلیم می دادند. در انطاکیه بود که برای اولین بار پیروان عیسی را مسیحی نامیدند.

۱۱: ۱۹-۳۰ این آیات به نظر بازگویی تاریخی و خلاصه الهیاتی هستند. متن ۸: ۴ با این آیات در ارتباط است.

۱۱: ۱۹ «در اثر شکنجه و آزار... عده زیادی پراکنده شدند» نمونه های اولیه زیادی از این آزارها و شکنجه‌ها در اعمال وجود دارد (ر.ک. ۵: ۱۷ به بعد؛ ۶: ۸-۱۵؛ ۸: ۱-۳؛ ۹: ۱-۲). استفان با درک مفاهیم رادیکال انجیل، ایمانداران یهودی فلسطین را وادار ساخت تا ایمان خود و مقصود از انجیل را دوباره برآورد و شناسایی کنند.

□ «انطاکیه» انطاکیه سومین شهر بزرگ در امپراتوری روم پس از روم و اسکندریه بود. این شهر مرکز سوریه بود و جمعیت یهودی زیادی داشت. شهرت آن به خاطر زندگی دانشگاهی و بی اخلاقی جنسی بود. این شهر به سبب مسابقات ارابه رانی نیز شهرت جهانی داشت. شهر انطاکیه بعدها یکی از مراکز اصلی مسیحیت شد!

□ «به هیچ کس به غیر از یهود و بس، کلام را نگفتند» نشان از عدم اطمینان کلیسای اولیه در مورد درست بودن اعلام انجیل به غیریهودیان دارد. محافظه کاران از سخنان عیسی در متی ۱۰: ۵ نقل قول می کردند، درحالیکه روشن فکران از متی ۲۸: ۱۸-۲۰ یا اعمال ۱: ۸ نقل قول می نمودند. این مسئله الهیاتی در اعمال ۱۵ به اوج خود می رسد.

۱۱: ۲۰ «بعضی از ... اهل قبرس و قیروان» اینان همان ایمانداران یهودی یونانی زبانی بودند که در اعمال ۶-۸ به موعظه مفاهیم جهانی انجیلی مسیحی در اورشلیم پرداختند. برنابا اهل همین منطقه جغرافیایی بود.

□ «با یونانیان» واژه (*Helle-n*) معمولاً اشاره به غیریهودیان است (ر.ک. ۱۴: ۱؛ ۱۶: ۱، ۳؛ ۱۸: ۴؛ ۱۹: ۱۰، ۱۷؛ ۲۰: ۲۱؛ ۲۱: ۲۸). اما در ۱۷: ۴ به غیریهودیان اشاره می کند که در ارتباط با کنیسه‌ها بودند، بدون اینکه عضویت داشته باشند (یعنی خداترس بودند). مسئله در اینجا است: "کسانی که لوقا می گوید به آنها موعظه شد، که بودند؟" (۱) یهودیان یونانی زبان، مانند ۶: ۱ و ۹: ۲۹ (*Hellenists*) یا (۲) غیریهودیان یونانی زبان؟ آیا این آیه بیانگر (۱) یک دسته دیگر از یهودیان (ر.ک. NKJV, NRSV)؛ (۲) غیر یهودیان مرتبط با کنیسه (*Hellen*)؛ و یا (۳) غیریهودیان کامل (ر.ک. TEV, NJB) است؟ با تمامی هیاهویی که این امر بوجود آورد، احتمالاً واژه مزبور اشاره به کسانی دارد که یونانی زبان بودند؛ برخی از آنها ممکن است یهودیان دیاسپورا، و بقیه غیریهودی بوده اند.

□ «به خداوند عیسی بشارت می دادند» یک وجه وصفی میانی حال از فعل مربوطه است که ریشه واژه "evangel" و "evangelism" (بشارت) در انگلیسی می باشد. پیام آنان درباره شریعت و روشهای عهد عتیق نبود، بلکه درباره عیسی ناصری به عنوان مسیح موعود بود!

۱۱: ۲۱ «و دست خداوند با ایشان می بود، و جمعی کثیر ایمان آورده بازگشت کردند» این یک عبارت خلاصه کننده دیگر از حرکت بزرگ خدا از طریق موعظه بشارتی است. در نهایت اعمال ۱: ۸ در حال انجام شدن بود (ر.ک. آیه ۲۴ب).

جالب توجه است که در ابتدای این آیه، واژه "خداوند" (*Kurios*) در اشاره به YHWH (ر.ک. ترجمه هفتاد خرو. ۳: ۱۴؛ II سمو. ۳: ۱۲؛ اش. ۵۹: ۱) بکار رفته است. اما در بخش دوم آیه، برای اشاره به عیسی مسیح مورد استفاده قرار گرفته است. این انتقال عناوین یک روش فنی ادبی رایج نویسندگان عهد جدید برای اثبات الوهیت عیسی است.

"دست خداوند" یک اصطلاح مربوط به اعضای بدن انسان از عهد عتیق می باشد. YHWH روح جاودانی حاضر در زمان و آفرینش است. او بدن فیزیکی ندارد. اما تنها واژگانی که انسانها برای سخن گفتن از هر چیز شخصی در دسترس دارند، فیزیکی و انسانی است. باید محدودیتها سقوط انسان، موقتی بودن، و زبان انسانی وابسته به زمین انسان را از نظر دور نداریم. این زبان از قلمرو روحانی به صورت استعاره، تحلیلی و خنثی سخن می گوید. حقیقت در زبان انسان بیان می شود، ولی به شیوه غیرجامع. خدا بسیار بزرگتر از آن است که بتوانیم با درک و

بیان خود او را توصیف کنیم. او حقیقتاً با ما شراکت و رفاقت دارد ولی نه به طور جامع و فراگیر. ما می توانیم به مکاشفه شخصی خدا از خود در کتاب مقدس اعتماد کنیم ولی باید بخاطر داشته باشیم که خدا بزرگتر از این مکاشفات است! زبان انسانی هم آشکار می سازد و هم محدود کننده است!

۱:۲۲ «برنابا» برنابا شخصیتی عمده در کتاب اعمال است (ر.ک. ۴: ۳۶-۳۷؛ ۹: ۲۷). نام او به معنی تشویق کننده/واعظ به کار می رود که در آیه ۲۳ کاملاً واضح است. کلیسا در اورشلیم همچنان نسبت به ورود غیریهودیان در ایمان مسیحی ناخشنود بود! نگاه کنید به عنوان خاص در ۴: ۲۶.

۱:۲۳ نکته جالب توجه در اینجا آن است که هنگامی که برنابا حضور فعال فیض خدا را بواسطه روح القدس مشاهده کرد، تمامی ایشان را تشویق به وفاداری و استواری در ایمان کرد. این امر به روشنی نشانگر نیاز به تلاش پیوسته قوم خدا برای پایداری هدفمند است. یهودیان و کلیسا نسبت به مضمون فرهنگ غیراخلاقی ملحدان و خدانشناسان بسیار حساس بودند. انجیل نه تنها بخشش رایگان نجات، بلکه فراخوانی برای خداپرستی بود (ر.ک. متی ۵: ۴۸؛ روم ۸: ۲۸-۲۹؛ II قرن ۳: ۱۸؛ غلا. ۴: ۱۹؛ افس. ۴: ۱؛ I تسا. ۳: ۱۳؛ ۴: ۳؛ I پط. ۱: ۱۵). خدا قومی را می خواهد که بازتاب شخصیت او برای جهان گمشده باشند. هدف از مسیحیت تنها رفتن به آسمان هنگام مرگ نیست، بلکه شباهت یافتن به مسیح در زمان حال است تا اینکه سایرین نیز به مسیح ایمان آورند!

۱:۲۴ «او مردی نیکوکار و پر از روح القدس و ایمان بود» توصیفی کاملاً مشابه با شاگردان یونانی زبان (آن هفت نفر) در اعمال ۶: ۵، ۳. کلیسای اولی پر از مردان اینچنینی بود! ای کاش این امر در مورد روزگار ما، فرهنگمان و کلیسایمان نیز صادق می بود!

۱:۲۵ «برنابا به شهر طرسوس رفت تا شائول را پیدا کند» این فعل در پایروسیهای مصری (نه در ترجمه هفتاد) دلالت بر این دارد که پیدا کردن شائول کار آسانی نبود. فقط لوقاست که در عهد جدید از این واژه استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۲: ۴۴، ۴۵؛ اعمال ۱۱: ۲۵). سالهای سکوت و خاموشی ظاهراً همان است که در غلا. ۱: ۲۱ آمده. چهارچوب زمانی دقیق آن سالها مشخص نیست، اما در حدود ۱۰ سال به طول انجامید.

۱:۲۶ «او را ... به انطاکیه آورد ... شاگردان نخست در انطاکیه به مسیحی مسمی شدند» در ابتدا واژه "مسیحی" اصطلاح تحقیرآمیز ملحدان و خدانشناسان در مورد ایمانداران بود. این اصطلاح به گونه ای شگفت آور نادر بود. شکل گیری واژه (پسونند *ianos*) به دنبال الگوی تشکیل واژه ای برای پیروان یا هواداران می آمد؛ مثلاً هیروودیس (و خاندان او) را "هیروودیان" می خواندند (ر.ک. مرقس ۳: ۱۶؛ متی ۲۲: ۱۶). این مورد استفاده در محیط یونانی زبان نشان می دهد که چگونه عنوان ماشیح (مسیح) در عبری تبدیل به نام پیروان عیسی گردید (مسیحیان).

در زمینه یونانی گرای آن زمان، این امکان نیز وجود دارد که صاحب منصبان دولتی به منظور قابل شدن تفاوت میان یهودیان و ایمانداران، نام مسیحی را بر ایشان گذاشته باشند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱: ۲۷-۳۰

۲۷ در همین احوال چند نفر نبی از اورشلیم به انطاکیه وارد شدند. ۲۸ یکی از آنان که اغابوس نام داشت. برخاست و با الهام روح، قحطی سخت و دنیاگیری را پیشگویی کرد. این قحطی در زمان سلطنت کلودیوس قیصر اتفاق افتاد. ۲۹ از این نظر شاگردان تصمیم گرفتند که هرکس به قدر توانایی خود اعانه ای برای یاری ایمانداران مقیم یهودیه بفرستد. ۳۰ آنها چنین کردند، اعانه ها را به دست برنابا و شائول سپردند تا به رهبران کلیسای اورشلیم تقدیم کنند.

۱: ۲۷ «انبیا» چند بار در عهد جدید به انبیا اشاره شده است (ر.ک. ۱۳: ۱؛ ۱۵: ۳۲؛ ۲۱: ۱۰؛ I قرن. ۱۲: ۲۸؛ ۱۴: ۱-۵، ۲۹-۳۳؛ افس. ۲: ۲۰؛ ۴: ۱۰). این امر همواره مشخص نیست که کارکرد آنان در اصل پیشگویی، مانند اینجا، بوده یا مانند I قرن. ۱۴ و اعمال ۲: ۱۷ از پیش گفتن (موعظه و نصیحت و تشویق) است (ر.ک. ۱۳: ۶؛ ۱۵: ۳۲؛ I قرن. ۱۲: ۲۸؛ ۱۴: ۱-۵، ۲۹-۳۳؛ افس. ۲: ۲۰؛ ۴: ۱۰).

به انبیا در عهد عتیق به عنوان سخنگویان خدا، نگریسته می شد که مکاشفه او را تشریح می کردند؛ اما انبیای عهد جدید واسطه های مکاشفه الهی نیستند. این امر مختص نویسندگان عهد جدید است که اکثرشان را رسولان یا افراد وابسته به رسولان تشکیل می دادند. عطای نبوت در عهد جدید باید محدود گردد. دوران مکاشفه الهامی پایان یافته است (ر.ک. یهودا ۳ و ۲۰).

### عنوان خاص: نبوت در عهد جدید

۱. مترادف با نبوت در عهد عتیق، مورد اشاره معلمان یهود مبنی بر مکاشفه الهامی از سوی YHWH نیست (ر.ک. اعمال ۳: ۱۸، ۲۱؛ روم. ۱۶: ۲۶). فقط انبیا می توانستند کلام خدا را بنویسند.

أ. موسی، نبی خوانده شده است (ر.ک. تث. ۱۸: ۱۵-۲۱).

ب. کتابهای تاریخی (یوشع تا پادشاهان [به غیر از روت]) را "انبیای پیشین" نامیده شده اند (ر.ک. اعمال ۳: ۲۴).

ج. انبیا جایگزین مقام کاهن اعظم به عنوان منبع اطلاعات از سوی خدا هستند (ر.ک. اشعیا تا ملاکی).

د. دومین تقسیم بندی کانون عبری "انبیا" است (ر.ک. متی ۵: ۱۷؛ ۲۲: ۴۰؛ لوقا ۱۶: ۱۶؛ ۲۴: ۲۵، ۲۷؛ روم. ۳: ۲۱).

۲. در عهد جدید این مفهوم به شیوه های مختلف بکار رفته است:

أ. اشاره به انبیای عهد عتیق و پیام الهامی آنان (ر.ک. متی ۲: ۲۳؛ ۵: ۱۲؛ ۱۱: ۱۳؛ ۱۳: ۱۴؛ روم. ۱: ۲)

ب. اشاره به رسانیدن پیام به یک فرد در عوض یک جماعت گروهی (انبیای عهد عتیق اصولاً با اسرائیل سخن می گفتند)

ج. اشاره به یحیای تعمید دهنده (ر.ک. متی ۱۱: ۹؛ ۱۴: ۵؛ ۲۱: ۲۶؛ لوقا ۱: ۷۶) و نیز عیسی به عنوان اعلام کنندگان پادشاه خدا

(ر.ک. متی ۱۳: ۵۷؛ ۲۱: ۱۱، ۴۶؛ لوقا ۴: ۲۴؛ ۷: ۱۶؛ ۱۳: ۳۳؛ ۲۴: ۱۹). عیسی مدعی بود که از انبیای عهد عتیق بالاتر است

(ر.ک. متی ۱۱: ۹؛ ۱۲: ۴۱؛ لوقا ۷: ۲۶).

د. سایر انبیای عهد جدید

(۱) ابتدای زندگی عیسی چنانکه در انجیل لوقا به ثبت رسیده است (خاطرات مریم)

أ) الیزابت (ر.ک. لوقا ۱: ۴۱-۴۲)

ب) زکریا (ر.ک. لوقا ۱: ۶۷-۷۹)

ج) شمعون (ر.ک. لوقا ۲: ۲۵-۳۵)

د) حنا (ر.ک. لوقا ۲: ۳۶)

(۲) پیشگوییهای کنایه آمیز (ر.ک. قیافا، یوحنا ۱۱: ۵۱)

ه. اشاره به کسی که انجیل را اعلام می کند (فهرستهای عطایای بیانی در I قرن. ۱۲: ۲۸-۲۹؛ افس. ۴: ۱۱)

و. اشاره به عطایی ماندگار در کلیسا (ر.ک. متی ۲۳: ۳۴؛ اعمال ۱۳: ۱؛ ۱۵: ۳۲؛ روم. ۱۲: ۱۲؛ ۱۰: ۱۷-۲۸؛ ۱۳: ۲؛ افس. ۴: ۱۱). گاهی از اوقات می تواند اشاره به زنان باشد (ر.ک. لوقا ۲: ۳۶؛ اعمال ۲: ۱۷؛ ۹: ۲۱؛ I قرن. ۱۱: ۴-۵).

ز. اشاره به کتاب آپوکالیپتیک (مکاشفه ای) (مکاشفه ر.ک. مکا. ۱: ۳؛ ۲۲: ۷، ۱۰، ۱۸، ۱۹)

۳. انبیای عهد جدید

أ. آنها مانند انبیای عهد عتیق، مکاشفه الهامی ارائه نمی دهند (یعنی نمی توانند نویسنده کتاب مقدس باشند). این عبارت بخاطر

مورد استفاده کلمه "ایمان" (در معنای تکمیل بودن انجیل) در کتابهای اعمال ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ ۲۳: ۳؛ ۲۳: ۶؛ ۱۰: ۱۰؛

فیل. ۱: ۲۷؛ یهودا ۳، ۲۰ امکان پذیر است.



از جمله مورد استفاده در یهودا ۳ "آن ایمانی که یک بار به مقدسین سپرده شد" می توان به روشنی این مفهوم را دریافت. ایمانی "یک بار (و برای همیشه)" سپرده شده، اشاره دارد به حقایق، آموزه ها، مفاهیم و تعالیم جهان بینی مسیحیت. تأکید بر بخشش یکباره آن اساس کتاب مقدسی برای محدودیت الهیاتی الهام به نویسندگان عهد جدید است و اجازه نمی دهد سایر نوشته های بعدی، مکاشفه ای قلمداد شوند. در عهد جدید مناطق خاکستری، نامشخص و مبهم زیادی وجود دارد، ولی ایمانداران بواسطه ایمان تصریح می کنند که هر آنچه برای ایمان و رفتار "ضروری" بوده با وضوح کافی در عهد جدید آمده است. این مفهوم در آنچه "مثالث الهامی" خوانده می شود، مشخص گردیده است:

۱. خدا خود را در تاریخ زمان-مکان آشکار کرده است (مکاشفه)
  ۲. او نویسندگان (انسانهای) مشخصی را برای ثبت و تشریح اعمال خود انتخاب کرده است (الهام)
  ۳. او روح قدوس خود را عطا کرده است تا ذهنها و دلهای انسانها را برای درک این نوشته ها بگشاید- نه به طور قطعی و نهایی بلکه به گونه ای کافی برای نجات و زندگی مسیحی موثر (روشنگری)
- نکته مورد نظر در اینجا آن است که الهام، محدود به نویسندگان کتاب مقدس می گردد. نوشته ها، رویاها و مکاشفات معتبر دیگر وجود ندارد. کانون کتاب مقدس مشخص و معین است. ما تمامی حقیقت مورد نیازمان را برای پاسخ مناسب به خدا در اختیار داریم. این حقیقت را می توان به بهترین شکل در توافق میان نویسندگان کتاب مقدس در مقابل عدم توافق میان ایمانداران خداپرست و صمیمی مشاهده کرد. هیچ نویسنده یا سخنگوی معاصر دارای سطح رهبری الهی که نویسندگان کتاب مقدس داشتند، نیست.
- ب. انبیای عهد جدید از برخی جهات همانند انبیای عهد عتیق هستند:
- ۱) پیشگویی وقایع آینده (ر.ک. پولس، اع ۲۷: ۲۲؛ آغابوس، اعمال ۱۱: ۲۷-۲۸؛ ۲۱: ۱۰-۱۱؛ سایر انبیای گمنام، اعمال ۲۰: ۲۳)
  - ۲) اعلام داوری (ر.ک. پولس، اعمال ۱۳: ۱۱؛ ۲۸: ۲۵-۲۸)
  - ۳) اعمال نمادین که به طور زنده واقعه ای را به تصویر می کشد (ر.ک. آغابوس، اعمال ۲۱: ۱۱)
  - ج. آنها حقایق انجیل را گاهی به شیوه پیشگویی اعلام می کنند (ر.ک. اعمال ۱۱: ۲۷-۲۸؛ ۲۳: ۲۰؛ ۲۱: ۱۰-۱۱)، اما تمرکز اصلی شان بر این کار نیست. نبوت در I قرن تیان اساساً مراد از انجیل است (ر.ک. ۱۴: ۲۴، ۳۹).
  - د. آنان ابزار معاصر روح القدس برای آشکار ساختن کاربردهای معاصر و عملی از حقیقت خدا در هر وضعیت، فرهنگ و دوره زمانی جدید هستند (ر.ک. I قرن. ۱۴: ۳).
  - ه. آنان در کلیساهای اولیه که پولس بنا نهاد فعال بودند (ر.ک. I قرن. ۱۱: ۴-۵؛ ۱۲: ۲۸؛ ۲۹: ۱۳؛ ۲۹: ۱۴؛ ۱: ۳، ۴، ۵، ۶، ۲۲، ۲۴، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۳۹؛ افس. ۲: ۲۰؛ ۳: ۴؛ ۵: ۱۱؛ I تسال. ۵: ۲۰) و در کتاب دیدگاه (که در اواخر قرن اول یا دوم میلادی با تاریخ نامشخص، نگاشته شد) و مونتانیسم قرون دوم و سوم میلادی در شمال آفریقا، بدیشان اشاره شده است.
۴. آیا عطایای عهد جدید متوقف شده اند؟

- ب. پاسخ به این پرسش کار دشواری است. روشن سازی موضوع تعیین هدف از عطایا، ما را یاری می دهد. آیا منظور از بخشش عطایا، تأیید موعظه اولیه انجیل بوده یا آنها شیوه های ماندنی برای کلیسا در خدمت به اعضای خود و جهان گمگشته هستند؟
- ج. آیا شخص به منظور پاسخ به این پرسش به تاریخ کلیسا نگاه می کند یا مرجع او فقط عهد جدید است؟ در عهد جدید هیچگونه اظهار مبنی بر موقتی بودن عطایای روحانی وجود ندارد. کسانی که می کوشند تا با استفاده از I قرن. ۱۳: ۸-۱۳ به این موضوع بپردازند، نیت نویسنده این متن را مورد سوءاستفاده قرار می دهند که اثبات می کند هر چیزی به غیر از محبت از بین رفتنی است.
- د. وسوسه می شوم که بگویم از آنجایی که عهد جدید و نه تاریخ کلیسا، مرجع اصلی است، ایمانداران باید تصدیق کنند که عطایا ادامه دارند. با این وجود، اعتقاد من بر این است که فرهنگ ما بر تفسیرمان اثرگذار است. برخی از متنهای بسیار روشن، دیگر کاربردی ندارند (مثل: بوسه مقدس، روسری پوشیدن زنان، کلیساهای خانگی، و غیره). اگر فرهنگ بر متون تأثیرگذار است، چرا تاریخ کلیسا نباشد؟

ه. در واقع این پرسشی است که نمی توان به گونه ای مشخص به آن پاسخ داد. برخی از ایمانداران مدافع "توقف عطایا" هستند و سایرین مدافع "عدم توقف عطایا" می باشند. در این زمینه نیز مانند بسیاری از مسائل تفسیری دیگر، کلید اصلی قلب ایماندار است. عهد جدید دوپهلوی و فرهنگی است. مشکل این است که بتوانیم تصمیم بگیریم کدام متون متأثر از فرهنگ/تاریخ هستند و کدام متن‌ها جاودانی اند (ر.ک. *Fee and Stuart's How to Read the Bible for All its Worth*, pp. 14-19 and 69-77). اینجاست که مباحثات مربوط به آزادی و احساس مسئولیت در روم. ۱۴: ۱-۱۵؛ ۱۳ و ۸-۱۰، تعیین کننده است. چگونگی پاسخگویی ما به این پرسش از دو نظر اهمیت دارد:

أ) هر ایماندار می بایست در ایمان و در پرتو نوری که در اختیار دارد، سلوک کند. خدا به قلب و به نیت‌های ما می نگرند.  
 ب) هر ایماندار باید به سایر ایمانداران اجازه بدهد تا در درک ایمانی خود سلوک کند. در میان مرزهای کتاب مقدسی باید مدارا و تحمل نیز وجود داشته باشد. خدا از ما می خواهد که همدیگر را همان گونه محبت کنیم که او ما را محبت می کند.  
 و. در جمع بندی این موضوع باید اظهار کرد که مسیحیت یک زندگی ایمانی و محبتانه است، نه یک الهیان کامل. ارتباط با خدا که تأثیر زیادی بر ارتباط ما با سایرین دارد، دارای اهمیت بیشتری از هر گونه اطلاعات تعیین کننده یا کاملیت عقیدتی است.

۱: ۲۸ «**قحطی شدید در تمامی ربع مسکون ... کلودیوس**» این عبارت جغرافیایی اشاره به امپراتوری روم دارد (ر.ک. ۱۷: ۶، ۳۱؛ ۱۹: ۲۷؛ ۲۴: ۵). کلودیوس در ۴۱-۵۴ م. سلطنت کرد. او در پی کالیگولا، امپراتور شد و جانشینش نرون بود. چند قحطی شدید در دوره سلطنت او رخ داد (ر.ک. *Suetonius, Life of Caludius* 18: 2). بنابر اظهار یوسفوس در کتاب *Antiq. 20.5.2*، شدیدترین قحطی در فلسطین حدوداً در ۴۴-۴۸ م. رخ داد.

۱: ۲۹ «**شاگردان مصمم آن شدند هر یک بر حسب مقدور خود، اعانتی ... بفرستد**» این یکی از راهبردهای اصلی کلیساهای غیریهودی بود تا شراکت خود را با کلیسای خواهر خود در اورشلیم تقویت بخشد. راهبرد مزبور، الگویی در کلیساهای بنا شده توسط پولس گردید (ر.ک. ۲۴: ۱۷؛ روم. ۱۵: ۲-۲۸؛ I قرن. ۱۶: ۱-۴؛ II قرن. ۸-۹؛ غلا. ۲: ۱۰).

۱: ۳۰ «**آن را ... نزد کشیشان روانه نمودند**» این نخستین اشاره به کشیشان (در ترجمه انگلیسی: مشایخ آمده است - مترجم) کلیساست (ر.ک. ۱۴: ۲۳؛ ۱۵: ۲، ۴، ۶، ۲۲، ۲۳؛ ۱۶: ۴؛ ۲۰: ۱۷؛ ۲۱: ۱۸). واژه "مشایخ" مترادف است با "ناظران"، "اسقفان" و "شبانان" (ر.ک. اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸ و تیطس ۱: ۵، ۷). واژه شیخ (*presbuteros*) دارای زمینه قبیله ای در عهد عتیق است، در حالیکه ناظر (*episkopos*) زمینه ای از شهرداری دولتی یونانی دارد. ظاهراً این واژه اشاره دارد به گروه مشخصی از رهبران در کلیسای اورشلیم (ر.ک. ۱۵: ۲، ۶، ۲۲، ۲۳). بخشهای بیشتری یهودی عهد جدید مانند یعقوب و عبرانیان همچنان از درک یهودی پیرتر، رهبران محلی استفاده می کند تا شبانان.

□ «**برنابا و شائول**» بحث زیادی در این مورد که آیا دیدار مورد اشاره در غلا ۲: ۲، ۱۰ همین دیدار است یا منظور شورای اورشلیم می باشد که در اعمال ۱۵ ثبت شده است. ما از زندگی و خدمات اولیه پولس مطلب بسیار اندکی می دانیم.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا پذیرش مسیح توسط غیر یهودیان، مشکلات الهیاتی بوجود می آورد؟
۲. آیا توبه بخشش خداست (آیه ۱۸) یا یکی از مقتضیات عهد می باشد (مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱)؟
۳. چرا برنابا به جستجوی شائول (پولس) رفت؟

**کارهای رسولان فصل ۱۲**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
بازداشت پطرس و آزادی معجزه آسا ۵-۱:۱۲	آزار و شکنجه بیشتر ۵-۱:۱۲	آزار و شکنجه ۵-۱:۱۲	آزار هیرودیس بر کلیسا ۵-۱:۱۲	کشتن یعقوب و بازداشت پطرس ۵-۱:۱۲
	آزاد شدن پطرس از زندان ۱۱-۶:۱۲		آزادی پطرس از زندان ۱۹-۶:۱۲	آزاد شدن پطرس ۱۷-۶:۱۲
	۱۱:۱۲			
۱۷-۱۲:۱۲	۱۵-۱۲:۱۲	۱۷-۱۲:۱۲		
	۱۷-۱۶:۱۲			
۱۹-۱۸:۱۲	۱۹-۱۸:۱۲ الف	۱۹-۱۸:۱۲		۱۹-۱۸:۱۲
	۱۹:۱۲ ب			
درگذشت آزارگر ۲۳-۲۰:۱۲	درگذشت هیرودیس ۲۰:۱۲	مرگ هیرودیس آغریپاس ۲۳-۲۰:۱۲	مرگ ناگهانی هیرودیس ۲۴-۲۰:۱۲	درگذشت هیرودیس ۲۳-۲۰:۱۲
	۲۳-۲۱:۱۲			
بازگشت برنابا و شائول به انطاکیه ۲۵:۱۲		برنابا و شائول در قبرس (۱۲:۲۴-۱۳:۱۲)	انتصاب برنابا و شائول ۳:۱۳-۲۵:۱۲	

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

## بینش هایی از مضمون متن

دودمان هیروودیس کبیر (برای اطلاعات بیشتر به ضمیمه فلاویوس یوسفوس در کتاب *Antiquities of the Jews* مراجعه کنید).

۱. هیروودیس کبیر

أ. پادشاه یهودیه (۳۷-۴ ق.م.).

ب. متی ۲: ۱-۱۹؛ لوقا ۱: ۵

۲. پسران او

أ. هیروودیس فیلیپ (پسر ماریان شمعون)

(۱) شوهر هیروودیا

(۲) تیتراک ایتوریه (۴ ق.م. - ۳۴ م.)

(۳) متی ۱۴: ۳؛ مرقس ۶: ۱۷

ب. هیروودیس فیلیپ (پسر کلئوپاترا)

(۱) تیتراک منطقه شمال و غرب دریای جلیل (۴ ق.م. - ۳۴ م.)

(۲) لوقا ۳: ۱

ج. هیروودیس آنتیپاس

(۱) تیتراک جلیل و پیریه (۴ ق.م. - ۳۹ م.)

(۲) یحیای تعمیر دهنده را اعدام کرد

(۳) متی ۱۴: ۱-۱۲؛ مرقس ۶: ۱۴، ۲۹؛ لوقا ۳: ۱۹؛ ۷-۹؛ ۱۳: ۳۱؛ ۲۳: ۶-۱۲، ۱۵؛ اعمال ۴: ۲۷؛ ۱۳: ۱

د. آرکلائوس، هیروودیس والی

(۱) حاکم یهودیه، سامره و ایدومیه (۴ ق.م. - ۶ م.)

(۲) متی ۲: ۲۲

ه. آریستوبولس (پسر ماریامن)

(۱) تنها پسر او هیروودیس اغریپاس اول بود

(۲) حاکم تمامی فلسطین بود (۴۱-۴۴ م.)

(۳) یعقوب را به قتل رسانید و پطرس را به زندان انداخت

(۴) اعمال ۱۲: ۱-۲۴؛ ۲۳: ۳۵

أ) پسر او هیروودیس اغریپاس دوم، تیتراک قلمرو شمالی بود (۵۰-۷۰ م.)

ب) دخترش برنیکی بود

(۱) همسر برادرش شد

(۲) اعمال ۲۵: ۱۳-۲۶؛ ۳۲

ج) دختر او دروسلا بود

(۱) همسر فلیکس

(۲) اعمال ۲۴: ۲۴

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۲: ۱-۵**

۱ در همان موقع هیروودیس پادشاه به شکنجه و آزار عده‌ای از اعضای کلیسا پرداخت ۲ و یعقوب برادر یوحنا را به شمشیر کشت. ۳ و چون دید یهودیان از این کار خوششان آمد، قدم فراتر گذاشت و پطرس را هم دستگیر نمود. این کار در روزهای عید فطیر اتفاق افتاد. ۴ پس پطرس را گرفته به زندان انداخت و چهار دسته چهار نفری را به نگهبانی او گماشت. زیرا هیروودیس قصد داشت بعد از عید فصح او را تحویل قوم یهود بدهد. ۵ در حالی که پطرس در زندان بود، کلیسا صمیمانه برای او به درگاه خدا دعا می‌کرد.

۱:۱۲ «**هیروودیس**» اشاره به هیروودیس اغریپاس اول است. او بر مناطق گوناگون فلسطین از سال ۳۷-۴۴ م. حکومت کرد. در روم بزرگ شد و یکی از دوستان گایوس، جانشین امپراتور تیریوس گردید که بعدها به نام امپراتور کالیگولا نامیده می‌شد. یهودیان با میل و رغبت هیروودیس را به عنوان یک رهبر پذیرفتند زیرا مادر بزرگ او (ماریامن) یک شاهزاده از خاندان هسمونی/مکابی (میهن پرست یهودی) بود. او پیرو سرسخت یهودیت بود (البته به احتمالی به دلایل سیاسی). بحث کامل در مورد این هیروودیس را می‌توان در کتاب *Antiq.* 19.7.3; 19.8.2 نوشته یوسفوس، مطالعه کرد.

□ «**کلیسا**» به یادداشت کامل در ۵: ۱۱ نگاه کنید.

□ «**شکنجه و آزار**» هیروودیس این کار را به منظور افزایش پشتیبانی و موافقت رهبری یهود انجام داد (ر.ک. آیات ۳، ۱۱). رهبران روم نیز همین کار را می‌کردند (ر.ک. ۲۴: ۲۷؛ ۲۵: ۹).  
لوقا از این واژه چند بار استفاده می‌کند (ر.ک. ۷: ۶، ۱۹؛ ۱۲: ۱؛ ۱۴: ۲؛ ۱۸: ۱۰). این واژه ای رایج در ترجمه هفتاد برای بدرفتاری است. واژگان لوقا تأثیر زیادی از ترجمه هفتاد گرفته است.

۱:۲ «**یعقوب، برادر یوحنا را به شمشیر کشت**» اشاره به یعقوب رسول، برادر یوحنا است (ر.ک. لوقا ۵: ۱۰؛ ۶: ۱۴؛ ۸: ۵۱؛ ۹: ۲۸، ۵۴). او یکی از شاگردان صمیمی با عیسی بود (ر.ک. متی ۱۷: ۱؛ ۲۶؛ ۳۷؛ مرقس ۵: ۲۷؛ ۹: ۲؛ ۱۴: ۳۳؛ لوقا ۹: ۲۸). دلیل درگذشت یعقوب و زنده ماندن پطرس یکی از اسرار خداست. سربردن با شمشیر یکی از روشهای معمول مجازاتهای سنگین شهروندان رومی بود، ولی ظاهراً از نظر یهودیان بسیار مکروه و نفرت‌انگیز بود.

جالب است که در این برهه از زمان، کلیسای اولیه نیازی برای جایگزین کردن یعقوب مانند جایگزینی یهودا نمی‌بیند (ر.ک. ۱: ۱۵-۲۰). دلایل این موضوع روشن نیست ولی احتمالاً خیانت یهودا دلیل جایگزینی وی بود، نه مرگش (ر.ک. ۱: ۱۵-۲۶).  
شاید برخی چنین استدلال کنند که هنگامی که پولس، یعقوب برادر ناتنی عیسی و رهبر کلیسای اورشلیم را رسول می‌خواند (ر.ک. غلا. ۱: ۱۹) در واقع اشاره به جایگزینی می‌نماید. این مسئله مربوط می‌شود به جایگاه رسمی دوازده شاگرد اولیه عیسی در برابر ادامه یافتن عطای رسالت (ر.ک. افس. ۴: ۱۱).

۱:۳ «**پطرس را ... دستگیر نمود**» این سومین دستگیری پطرس است (ر.ک. ۴: ۳؛ ۵: ۱۸). مسیحیان از آزار و شکنجه در امان نمی‌مانند.

□ «**در روزهای عید فطیر**» اشاره به عید فصح (ر.ک. آیه ۴) همراه با عید فطیر است که هشت روز به طول می‌انجامد (ر.ک. خرو. ۱۲: ۱۸؛ ۲۳: ۱۵؛ لوقا ۲۲: ۱). هر دو عید جشن‌هایی اسرائیلی از اسارت مصر بود. این جشن در روزهای ۱۴-۲۱ ماه نیشان برگزار می‌شد که بسته به تقویم قمری یهود، در حوالی ماههای مارس و آوریل است.

۱۲:۴ «چهار دسته رباعی سپاهیان» به معنی چهار دسته سربازان روزی چهار مرتبه که می شود شانزده سرباز در روز. این تعداد نمایانگر توجه هیرودیس به فرار احتمالی پطرس است (ر.ک. ۵: ۱۹).

۱۲:۵ «کلیسا صمیمانه برای او به درگاه خدا دعا می کرد» کلیسا دعا می کند (ر.ک. آیه ۱۲)، اما از جواب خدا متعجب می گردد! "صمیمانه/با حرارت" یک قید بسیار قوی است (ر.ک. لوقا ۲۲: ۴۴). این واژه فقط سه بار در عهد جدید به کار رفته است (ر.ک. ۱ پط. ۱: ۲۲).

### عنوان خاص: دعای شفاعتی

۱. مقدمه

أ. اهمیت دعا بخاطر نمونه عیسی است

۱. دعای شخصی، مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۳: ۲۱؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۹؛ ۲۲: ۲۹-۴۶

۲. پاک کردن معبد، متی ۲۱: ۱۳؛ مرقس ۱۱: ۱۷؛ لوقا ۱۹: ۴۶

۳. دعای نمونه، متی ۶: ۵-۱۳؛ لوقا ۱۱: ۲-۴

ب. دعا عملی کردن ایمان مان به یک خدای با شخصیت و مراقب است که حضور دارد، مشتاق است و قادر به عمل کردن برای ما و برای دیگران می باشد.

ج. خدا خود را شخصاً محدود نموده تا در بسیاری از زمینه‌ها بر اساس دعای فرزندان عمل کند (ر.ک. یعقوب ۴: ۲)

د. هدف اصلی دعا، مشارکت و گذراندن وقت با خدای تثلیث است.

ه. منظور از دعا هر چیز یا هر کسی است که مربوط به ایمانداران می گردد. ما می توانیم یک بار با ایمان دعا کنیم یا بارها و بارها با بازگشت این نگرانی و تشویش دعا نماییم.

و. دعا می تواند شامل چند عنصر باشد

۱. پرستش و ستایش خدای تثلیث

۲. شکرگزاری از خدا بخاطر حضور، شراکت و تدارکات الهی اش

۳. اعتراف به گناهان گذشته و حال مان

۴. درخواست نیازها و آرزوهایی که ضرورتشان را احساس می کنیم

۵. شفاعت در هنگامی که نیازهای دیگران را به حضور پدر آسمانی می بریم

ز. دعای شفاعتی یک راز است. خدا کسانی را که ما برایشان دعا می کنیم بسیار بیشتر از ما دوست می دارد اما دعاهای ما اغلب تأثیری در تغییر وضعیت، پاسخ الهی یا اصل نیاز مورد نظر چه در خودمان و چه بر دیگران می گذارد.

۲. مطالب کتاب مقدسی

أ. عهد عتیق

۱. چند نمونه از دعای شفاعتی

أ) درخواست ابراهیم برای سدوم، پید. ۱۸: ۲۲ به بعد

ب) دعاهای موسی برای اسرائیل

(۱) خروج ۵: ۲۲-۲۳

(۲) تثنیه ۵: ۵

(۳) تثنیه ۹: ۱۸، ۲۵ به بعد

ج) دعای سموئیل برای اسرائیل

(۱) سموئیل I: ۷-۵، ۶-۸، ۹

(۲) سموئیل I: ۱۲-۱۶، ۲۳

(۳) سموئیل I: ۱۵، ۱۱

د) دعای داود برای فرزندش، سموئیل II: ۱۲-۱۶، ۱۸

۲. خدا در جستجوی شفاعت کنندگان است، اشعیا ۵۹: ۱۶

۳. گناه دانسته و اعتراف نشده یا دیدگاه ناتوبه کار بر دعای ما تأثیر می گذارد

أ) مزمو ۶۶: ۱

ب) امثال ۲۸: ۹

ج) اشعیا ۵۹: ۱-۲؛ ۶۴: ۷

ب. عهد جدید

۱. خدمت شفاعت خدای پسر و روح القدس

أ) عیسی

(۱) رومیان ۸: ۳۴

(۲) عبرانیان ۷: ۲۵

(۳) I یوحنا ۲: ۱

ب) روح القدس، رومیان ۸: ۲۶-۲۷

۲. خدمت شفاعتی پولس

ج) دعا برای یهودیان

(۱) رومیان ۹: ۱ به بعد

(۲) رومیان ۱۰: ۱

د) دعا برای کلیساها

(۱) رومیان ۱: ۹

(۲) افسسیان ۱: ۱۶

(۳) فیلیپیان ۱: ۳-۴، ۹

(۴) کولسیان ۱: ۳، ۹

(۵) I تسالونیکیان ۱: ۲-۳

(۶) II تسالونیکیان ۱: ۱۱

(۷) II تیموتائوس ۱: ۳

(۸) فیلمون آیه ۴

ه) پولس از کلیساها درخواست دعا برای خودش می کرد

(۱) رومیان ۱۵: ۳۰

(۲) II قرنتیان ۱: ۱۱

(۳) افسسیان ۶: ۱۹



(۳) کولسیان ۴:۳

(۴) I تسالونیکیان ۵:۲۵

(۵) II تسالونیکیان ۳:۱

۳. خدمت شفاعت کلیسا

أ) دعا برای یکدیگر

(۱) افسسیان ۶:۱۸

(۲) I تیموتائوس ۲:۱

(۳) یعقوب ۵:۱۶

ب) درخواست دعا برای گروههای بخصوص

(۱) دشمنان ما، متی ۵:۴۴

(۲) خادمان مسیحی، عبرانیان ۱۳:۱۸

(۳) حاکمان، I تیموتائوس ۲:۲

(۴) بیماران، یعقوب ۵:۱۳-۱۶

(۵) کسانی که لغزش خورده اند، I یوحنا ۵:۱۶

ج) دعا برای همه مردم، I تیموتائوس ۲:۱

۳. موانع جواب یافتن دعا

أ. ارتباط ما با مسیح و با روح القدس

(۱) ماندن در او، یوحنا ۱۵:۷

(۲) در نام او، یوحنا ۱۴:۱۳، ۱۴:۱۵؛ ۱۶:۱۶؛ ۲۳-۲۴

(۳) در روح، افسسیان ۶:۱۸؛ یهودا ۲۰

(۴) مطابق اراده خدا، متی ۶:۱۰؛ I یوحنا ۳:۲۲؛ ۵:۱۴-۱۵

ب. نیتها

(۱) بدون دودلی، متی ۲۱:۲۱؛ یعقوب ۱:۶-۷

(۲) فروتنی و توبه، لوقا ۱۸:۹-۱۴

(۳) خواستن با نیت بد، یعقوب ۴:۳

(۴) خودخواهی، یعقوب ۴:۲-۳

ج. جنبه های دیگر

(۱) پایداری

أ) لوقا ۱۸:۱-۸

ب) کولسیان ۴:۲

ج) یعقوب ۵:۱۶

(۲) خواستن با پشتکار

أ) متی ۷:۷-۸

ب) لوقا ۱۱:۵-۱۳

ج) یعقوب ۱: ۵

۳) نفاق و ناسازگاری در خانه، I پتر. ۳: ۷

۴) آزادی از گناه معلوم

أ) مزمو ۶۶: ۱۸

ب) امثال ۲۸: ۹

ج) اشعیا ۵۹: ۱-۲

د) اشعیا ۶۴: ۷

۴. نتیجه گیری الهیاتی

أ. چه افتخاری! چه موقعیتی! چه وظیفه و مسئولیتی!

ب. عیسی نمونه ماست. روح القدس هدایتگر ماست. خدای پدر مشتاقانه منتظر است.

ج. دعا می تواند شما، خانواده تان، دوستانتان و جهان را تغییر بدهد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۲: ۶-۱۷

۶ یک شب، قبل از آن روزی که هیرودیس می خواست پطرس را به دادگاه بیاورد پطرس در زندان بین دو سرباز با دو زنجیر بسته شده و به خواب رفته بود و نگهبانان جلوی در زندان پاس می دادند. ۷ ناگاه فرشته خداوند در کنار پطرس ایستاد و نوری در آن اتاق تابید. فرشته به پهلوی پطرس زد و او را بیدار کرد و گفت: «زود برخیز.» فوراً زنجیرها از دستهایش به زمین افتاد. ۸ فرشته به او فرمود، «کمر خود را ببند و کفشهایت را بپوش» و او چنان کرد. سپس فرشته به او گفت: «ردایت را به خودت بپیچ و به دنبال من بیا.» ۹ پس به دنبال او رفت و هیچ فکر نمی کرد آنچه فرشته انجام می داد، حقیقت داشته باشد. او گمان می کرد این وقایع را در رؤیا می بیند. ۱۰ وقتی از پاسگاههای اول و دوم گذشتند به دری آهنی که به طرف شهر باز می شد رسیدند. در خود به خود به روی آنان باز شد. آنها بیرون رفتند، از کوچهای می گذشتند که ناگهان فرشته ناپدید شد. ۱۱ پطرس به خود آمد و گفت: «حالا دیگر یقین دارم، که خداوند فرشته خود را فرستاده است که مرا از دست هیرودیس و از آنچه یهودیان انتظار آن را داشتند برهاند.» ۱۲ همین که به موضوع پی برد به خانه مریم مادر یوحنا ملقب به مرقس، که عده زیادی در آنجا برای دعا گرد آمده بودند رفت. ۱۳ وقتی در خانه را کوبید، خدمتکاری به نام رودا آمد تا در را باز کند. ۱۴ اما وقتی که صدای پطرس را شناخت، به عوض اینکه در را باز کند، از فرط شادی برگشت تا مؤده دهد، که پطرس بیرون در ایستاده است. ۱۵ آنها به او گفتند: «مگر دیوانه شده ای؟» اما او اصرار داشت که راست می گوید. سپس گفتند: «پس حتماً فرشته محافظ اوست.» ۱۶ اما پطرس پشت سر هم در می زد و وقتی در را باز کردند و او را دیدند، غرق تعجب شدند. ۱۷ پطرس به آنها اشاره کرد تا ساکت شوند و برای ایشان شرح داد که چگونه خداوند او را از زندان نجات داده است و در آخر گفت: «یعقوب و ایمانداران را از این امور باخبر کنید.» آنگاه ایشان را ترک کرد و به جایی دیگر رفت.

۱۲: ۶ «در شبی که...» نوشته های یوحنا مشخصه زمانی دارد (ر.ک. آیات ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۸).

□ «بین دو سرباز» این آیه نشان دهنده غیرممکن بودن فرار پطرس است. چنان است که گویی آنها منتظر تلاشی برای آزادسازی وی بودند (ر.ک. ۵: ۱۹).

۷:۱۲ «ناگاه فرشته خداوند ... ایستاد» تبادل مداخلات ماوراءطبیعی فرشته خداوند (ر.ک. ۵: ۱۹؛ ۷: ۳۰، ۳۵، ۳۸، ۵۳؛ ۸: ۲۶؛ ۱۰: ۳، ۷، ۲۲) و روح القدس (ر.ک. ۸: ۲۹، ۳۹؛ ۱۰: ۱۹) در سراسر کتاب اعمال، امری غیرمعمول است. ظاهراً روح القدس از راه مکاشفه سخن می گوید اما فرشته به صورت فیزیکی در قابل رویت ظاهر می شود. مشاهده ترکیب طبیعی و ماوراءطبیعی در این روایت، جالب توجه است (مشابه بلاهای خروج).

□ «زود برخیز» فعل امری معلوم نامعین که نشانگر اضطراب است. چرا فرشته عجله داشت؟ آیا او مسلط بر اوضاع نبود؟

۸:۱۲ «کمر خود را ببند و کفشهایت را بپوش» هر دو فعل امری میانمی نامعین هستند.

□ «ردایت را به خود ببیچ و به دنبال من بیا» فعل امری میانمی نامعین که پس از آن فعل امری حال معلوم آمده است. فرشته به راستی برای انجام این کار عجله داشت! حتماً فرشته دستپاچه ای بوده!

۹:۱۲ پطرس مطمئن نبود که آیا این یک رویاست یا حقیقت دارد (ر.ک. آیه ۱۱-۱۲؛ ۱۰: ۱۷، ۱۹؛ ۱۱: ۱۵).

۱۱:۱۲ «پطرس به خود آمد» لوقا از همین عبارت برای توصیف پسر گمشده استفاده می کند (ر.ک. لوقا ۱۵: ۱۷). ناگهان پطرس به حقیقت این تجربه و عواقبش پی برد (ر.ک. آیه ۱۲).

۱۲:۱۲ «خانه مریم» مریم نامی بسیار رایج بود. در اناجیل به چند مریم اشاره شده است:

۱. مادر عیسی (ر.ک. لوقا ۱: ۲۷)

۲. مریم مجدلیه، شاگردی از جلیل (ر.ک. لوقا ۸: ۲؛ ۲۴: ۱۰)

۳. مادر یعقوب و یوحنا (ر.ک. لوقا ۲۴: ۱۰)

۴. خواهر مارتا و ایلعازر (ر.ک. لوقا ۱۰: ۳۹، ۴۲)

۵. همسر کلئوپاس (ر.ک. یوحنا ۱۹: ۲۵)

۶. مادر یوحنا مرقس (در اینجا)

□ «مادر یوحنا» اشاره به مادر یوحنا مرقس است. کلیسای اولیه در این منزل خانوادگی در اورشلیم جلسه برپا می کرد (ر.ک. اعمال ۱۲: ۱۲). این همان مکان سه مرتبه ظهور خداوند پس از قیام و نیز مکان نزول روح القدس است.

یوحنا مرقس، در نخستین سفر بشارتی (ر.ک. اعمال ۱۲: ۲۵-۱۳؛ ۱۳)، پولس و پسرعمویش برنابا (ر.ک. کول. ۴: ۱۰) را همراهی می کرد. بنا به دلایلی او گروه را ترک گفت و به خانه بازگشت (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳۸). برنابا در نظر داشت که او را در دومین سفر بشارتی نیز همراه ببرد، ولی پولس نپذیرفت (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳۶-۴۱). این امر منجر به جدایی پولس و برنابا گردید. برنابا یوحنامرقس را به قبرس برد (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳۹). بعدها، هنگامی که پولس در زندان بود، به گونه ای مثبت از یوحنا مرقس یاد می کند (ر.ک. کول. ۴: ۱۰) و باز هم مدتی بعد در هنگامی که پولس برای دومین بار در زندان روم بود، درست پیش از مرگش، دیگر بار به یوحنامرقس اشاره می کند (ر.ک. II تیم. ۴: ۱۱).

ظاهراً یوحنا مرقس یکی از اعضای گروه بشارتی پطرس گردید (ر.ک. I پطر. ۵: ۱۳). اوسیوس در کتاب *Eccl. His. 3:39:12* روایت جالب توجهی از پیوند میان یوحنا مرقس و پطرس ارائه می دهد:

"در کتاب خود پاپیاس، روایت‌هایی از گفته‌های خداوند ارائه می‌دهد که از آریستئون برگرفته شده یا مستقیماً از یوحنا شیخ سرپرست کلیسا (presbyter John) شنیده است. هم اکنون پس از آوردن این روایتها در نظر پژوهشگران، می‌باید با عباراتی که نقل قول از اوست به همراه پاره‌ای اطلاعات که درباره مرقس، نویسنده انجیل، ارائه می‌کند، ادامه دهم:

شیخ کلیسا (presbyter) عادت داشت بگوید: "مرقس، مترجم پطرس، به دقت ولی نه به ترتیب تمامی آنچه را که او از گفته‌ها و کرده‌های خداوند به یاد می‌آورد، نگاشت. زیرا او خود سخنان خداوند را نشنیده بود و از پیروان او محسوب نمی‌شد، اما بعدها، چنانکه گفتم، از شاگردان پطرس گردید. پطرس معمولاً تعلیم خود را بر وفق هر مناسبت، بدون ترتیبی نظام مند از سخنان خداوند عرضه می‌داشت، به این ترتیب مرقس نیز کاملاً به طور موجه برخی از چیزهایی را که او به یاد می‌آورد، به رشته تحریر درمی‌آورد. او فقط یک هدف را دنبال می‌کرد و آن اینکه هیچ یک از شنیده‌هایش را از قلم نیندازد و به هیچ وجه درباره آن اظهار نادرستی نکند" (ص. ۱۵۲).

پاپیاس در این نقل قول به "یوحنا شیخ" اشاره می‌کند. آیرنیوس در *Against Heresies* 5: 33: 4 می‌گوید: "و این چیزها شهادتی هستند در نوشته پاپیاس، شنیده‌های یوحنا و همراهی پلیکارپ". این امر دلالت بر آن دارد که پاپیاس آن را از یوحنا رسول شنیده است.

□ «**عده زیادی در آنجا برای دعا گرد آمده بودند**» شکل‌های دستوری این واژگان نشانگر آن است که منظور کلیسا از این گردهم آیی ماندن در دعا بوده است (وجه وصفی مجهول کامل که به دنبال یک وجه وصفی حال میانی (معلوم ولی به ظاهر مجهول) آمده است).

۱۲:۱۳ «**در خانه**» در کوچکی بود در خیابان. در بزرگتری در بالای پلکان وجود داشت.

□ «**رودا**» معنی اسم او رُز است. مشخص نیست که او برای صاحب خانه کار می‌کرد یا یکی از اعضای جلسه دعا بود.

۱۲:۱۵ «**مگر دیوانه شده‌ای**» کلیسا دعا می‌کرد تا خدا عمل نماید، اما از عمل او بی‌نهایت متعجب گردید (ر.ک. آیه ۱۶).

□ «**گفتند**» دو وجه وصفی معلوم ناکامل در این متن دلالت بر این امر دارد که تأکید و اصرار رودا و کسانی که در جلسه دعا در بالاخانه جواب می‌دادند بیش از یکبار رخ داده است.

□ «**فرشته او می‌باشد**» فرشتگان نقش برجسته‌ای در نوشته‌های لوقا ایفا می‌کنند. ظاهراً یهودیان بر این باور بودند که فرشته محافظ شخص می‌تواند شکل فیزیکی او را بر خود گیرد (بحث خوبی درباره منابع و باورهای یهود در مورد فرشته‌های نگهبان را می‌توانید در کتاب *Encyclopaedia Judaica*, vol. 2T p. 963 مطالعه کنید). اساس کتاب مقدسی برای این اعتقاد وجود ندارد. امکان دارد این فرشته شناسی از دیدگاه *fravashi* در زرتشتیگری نشو و نما یافته باشد. بخش بزرگی از فرشته شناسی معلمان یهود را می‌توان در نفوذ این اعتقاد ایرانیان ردیابی کرد. شواهدی در برخی از قسمتهای کتاب مقدس در مورد فرشته‌های نگهبان ایمانداران جدید وجود دارد (ر.ک. متی ۱۸: ۱۰).

۱۲:۱۷ «**به دست خود به سوی ایشان اشاره کرد که خاموش باشند**» واضح است که یک شاهد عینی این جزئیات را بیان داشته است (ر.ک. ۱۳: ۱۶). لوقا چند بار اینگونه حرکات را ثبت کرده است (ر.ک. ۱۳: ۱۶؛ ۱۹: ۳۳؛ ۲۱: ۴۰).

□ «**یعقوب و سایر برادران را از این امور مطلع سازید**» نشان می‌دهد که یعقوب، برادر ناتنی عیسی، در آن زمان رهبر کلیسا اورشلیم بود (ر.ک. ۱۳: ۱۵-۲۱).

### عنوان خاص: یعقوب، برادر ناتنی عیسی

- ا. او را "یعقوب دادگر" می خواندند و بعدها لقب او "زانو شتری" بود زیرا دائماً بر روی زانوهایش دعا می کرد (از Hegesippus، نقل قول توسط اوسیوس).
- ب. یعقوب تا پس از قیام عیسی به او ایمان نیاورد (ر.ک. مرقس ۳: ۲۱؛ یوحنا ۷: ۵). عیسی شخصاً پس از قیامش به او ظاهر شد (ر.ک. I قرن: ۱۵: ۷).
- ج. او در بالاخانه همراه شاگردان عیسی حاضر بود (ر.ک. اعمال ۱: ۱۴) و احتمالاً به هنگام نزول روح القدس در پنتیکاست نیز حضور داشت.
- د. او متأهل بود (ر.ک. I قرن: ۹: ۵).
- ه. پولس به یعقوب به عنوان یک ستون (احتمالاً به عنوان رسول، ر.ک. غلا ۱: ۱۹) اشاره می کند ولی او یکی از آن دوازده نبود (ر.ک. غلا ۲: ۹؛ اعمال ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳ به بعد).
- و. یوسفوس در کتاب *Antiquities of the Jews*, 20:9:1 اظهار می دارد که او را بنا بر دستور صدوقیان شورای یهود در سال ۶۲ میلادی سنگسار کردند، اما براساس روایتی دیگر (نویسندگان قرن دوم، کلمنت اسکندریه و هِگِسیپوس) او را از روی دیوار معبد به زیر افکندند.
- ز. تا چند نسل پس از قیام عیسی، یکی از بستگان وی به عنوان رهبر کلیسا در اورشلیم منصوب می شد. یعقوب نویسنده رساله یعقوب در عهد جدید است.

□ «به جایی دیگر رفت» هیچ کس نمی داند پطرس کجا رفت، ولی ظاهراً چنانکه برخی می پندارند به روم نرفت زیرا او در شورای اورشلیم در اعمال ۱۵، حضور داشت.

هرچند خدا به گونه ای ماوراءطبیعی پطرس را رهایی داد، اما این به معنای بی پروایی پطرس یا انتظار آنکه این مداخله معجزه آسا هر بار تکرار شود، نبود. یاد آور می شوم که یعقوب به تازگی کشته شده بود! پطرس نیز برای کلیسا پیام می فرستد که منتظر آزار و شکنجه بیشتری بخاطر رهایی وی باشند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۲: ۱۸-۱۹

۱۸ وقتی روز شد، پاسبانان بسیار مضطرب شدند، زیرا نمی دانستند به سر پطرس چه آمده است. ۱۹ هیرودیس دستور داد، که همه جا دنبال پطرس بگردند، اما وقتی او را پیدا نکردند، از نگهبانان بازجویی به عمل آورد و حکم کشتن آنان را صادر نمود. بعد از آن پطرس یهودیه را ترک نموده به قیصریه آمد و مدتی در آنجا ماند.

۱۲: ۱۸ «اضطرابی عظیم» یا در اصل: "اضطراب بوجود آمده کم نبود". این گونه عبارات مختص نوشته های لوقاست (ر.ک. ۱۴: ۲۸؛ ۱۵: ۲۴؛ ۱۷: ۴؛ ۱۲: ۱۹؛ ۲۳: ۲۴؛ ۲۷: ۲۰). دست کم گرفتن واقعه آن را برجسته تر می سازد (*litotes*).

۱۲: ۱۹ «کشیکچیان را بازخواست نموده، فرمود تا ایشان را به قتل رسانند» در واقع «ایشان را به قتل رسانند» در متن یونانی نیست و در اصل: «فرمود تا ایشان را ببرند» بوده است. اما مفهوم ضمنی متن همان به قتل رساندشان بوده است. در برخی از ترجمه‌ها بخش آخر

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۲: ۲۰-۲۳

۲۰ هیروودیس بغض و کینه شدیدی نسبت به مردمان صور و صیدون در دل داشت. به این جهت اهالی آن دو شهر به اتفاق نزد او آمدند و بلاستوس را که فراش خوابگاه پادشاه بود، با خود همراه کردند و تقاضای صلح نمودند، زیرا کشور آنان در امر تغذیه و خوراک محتاج کشور هیروودیس بود. ۲۱ هیروودیس در یک روز معین لباس سلطنتی پوشید و بر تخت نشست و نطقی ایراد کرد. ۲۲ در پایان مردم فریاد می‌زدند: «این سخنان، سخنان یکی از خدایان است نه یک انسان.» ۲۳ و چون هیروودیس جلالی را که از آن خداست به خود نسبت داده بود در همان لحظه فرشته خداوند او را نقش زمین کرد و کرمها او را خوردند و او مرد.

عبارت را با حروف کج نوشته اند تا نشان دهند در متن یونانی نیست. اگر نگاهی زردانی خود را گم می‌کرد، می‌بایست مجازات آن زندانی را شخصاً تحمل کند (ر.ک. ۱۶: ۲۷؛ ۲۷: ۴۲).

۱۲: ۲۰ «با صور و صیدون خشمناک شد» هیروودیس بسیار غضبناک بود و این خشم و غضب در او ادامه داشت (فعل نا کامل دارای حشو و زواید). واقعه تاریخی دقیقی که بنا بر اشاره این متن رخ داد نامشخص است، ولی منطقه صور و صیدون از لحاظ محصولات کشاورزی وابسته به منطقه جلیل بودند (ر.ک. I پاد. ۵: ۱۱؛ عزرا ۳: ۷؛ و احتمالاً حزق. ۲۷: ۱۷).

۱۲: ۲۱ «در روزی معین، هیروودیس لباس ملوکانه در بر کرد» این واقعه در سال ۴۴ م. رخ داد. روایت کاملتر را می‌توانید در کتاب *Antiq.* 19. 8.2 نوشته یوسفوس بخوانید (مترجم به زبان انگلیسی: William Whiston, Kregal).

"در آن جشن، جمعیت عظیمی از مدیران و اشراف سراسر استان را جمع کرد. در روز دوم لباسی از نقره خالص با بافتی به راستی شگفت انگیز در بر کرد و صبح زود به داخل تئاتر وارد شد، در آن هنگام از روز، لباس نقره اش با بازتاب پرتوهای آفتاب صبح درخشان شده و به گونه ای شگفت انگیز جلوه می‌کرد چنانکه تلالو لباسش بر دل کسانی که مشتاقانه به او می‌نگریستند، مهیب می‌نمود. به زودی فریاد چاپلوسان از اینجا و آنجا بلند شد، (هرچند این به سود وی نبود)، که هیروودیس یک خداست و چنین افزودند: "...برما رحم فرما؛ زیرا هرچند تاکنون به تو تنها همچون انسانی احترام گذاشته ایم، اما از این پس تو را بر از ذات فانی تکریم خواهیم کرد." با گفتن این سخنان، پادشاه نه ایشان را تویخ کرد و چاپلوسی شان را نیز پذیرفت. اما همین که به بالا نگریست، جغذی را نشسته بر روی طنابی در بالای سرش دید و ناگهان دریافت که پرنده مزبور پیام آور اخبار شوم است، چنانکه یکبار دیگر اخبار خوب برایش به ارمغان آورده بود؛ و هیروودیس به شدت اندوهگین گردید. درد شدیدی نیز در شکمش پیچید و او را به شدت مضطرب ساخت. بنابراین به دوستانش نگریست و گفت: "مرا که شما خدا می‌خوانید، هم اکنون مقدر شده است که این زندگی را ترک گویم؛ مشیت الهی بدینوسیله سخنان کذب و دروغین شما را که هم اکنون به من گفتید ملامت نموده؛ و اکنون من که شما غیرفانی ام خواندید، می‌باید شتابان خود را به مرگ و فنا بسپارم." (ص. ۴۱۲)

جزئیات مربوط به خلق و خوی خشمگین هیروودیس و وضعیت نامناسب جسمی اش به گونه ای وحشت انگیز در کتاب *Antiq.* 17:6:5 شرح داده شده است.

۱۲: ۲۳ «فرشته خداوند» اشاره به فرشته مرگ (ر.ک. خرو. ۱۲: ۲۳؛ II سمو. ۲۴: ۱۶؛ II پاد. ۱۹: ۳۵). مرگ در دست خداست نه در دست شیطان. این ماجرا، نمونه ای از داوری در این جهان است.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۴:۱۲

۲۴ پیام خدا هر روز با تأثیر بیشتری انتشار می‌یافت.

۲۴:۱۲ عبارت خلاصه کننده که از خصایص کتاب اعمال است (ر.ک. ۶: ۷؛ ۹: ۳۱؛ ۱۲: ۲۴؛ ۱۶: ۵؛ ۱۹: ۲۰؛ ۲۸: ۳۱).

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۵:۱۲

۲۵ برنابا و شائول وقتی مأموریت خود را در اورشلیم به پایان رسانیدند به انطاکیه برگشتند و یوحنا ی ملقب به مرقس را همراه خود بردند.

۲۵:۱۲ آغاز روایت سفرهای بشارتی پولس است. اختلاف موجود در این آیه مربوط می‌شود به آنکه مشخص نیست آنها "به" اورشلیم بازگشتند (ر.ک. نسخه های آلف و B) یا اینکه "از" اورشلیم بازگشتند (ر.ک. *apo* نسخه D یا *ek*، نسخه های A, P<sup>74</sup>). باب ۱۳ با برنابا و شائول در انطاکیه آغاز می‌شود.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا خدا پطرس را حفظ کرد ولی اجازه داد یعقوب کشته شود؟
۲. آیا جماعت کلیسایی با جواب گرفتن دعایشان شگفت زده شدند؟ دلیل آن را شرح دهید.
۳. آیا ایمانداران با وجود سکونت روح القدس به فرشتگان نیز نیازمندند؟

کارهای رسولان فصل ۱۳  
تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
اعزام گروه بشارتی	گزینش و اعزام برنابا و شائول	برنابا و شائول در قبرس	انتصاب برنابا و شائول	مأموریت برنابا و شائول
		(۱۲:۱۳-۲۳:۱۲)	(۳:۱۳-۲۵:۱۲)	
۳-۱:۱۳	۲-۱:۱۳	۳-۱:۱۳		۳-۱:۱۳
	۳:۱۳			
قبرس: علمای جادوگر	در قبرس		موعظه در قبرس	سفر اول: بشارت در قبرس
۵-۴:۱۳	۵-۴:۱۳	۱۲-۴:۱۳	۱۲-۴:۱۳	۱۲-۴:۱۳
۱۲-۶:۱۳	۱۱-۶:۱۳ الف			
	۱۲-۱۱:۱۳ ب			
آنان به انطاکیه پیسیدیه رسیدند	در انطاکیه پیسیدیه	سفر به انطاکیه پیسیدیه و ایقونیه	در انطاکیه پیسیدیه	پولس و برنابا در انطاکیه پیسیدیه
۱۳:۱۳-۱۶ الف	۱۳:۱۳-۱۶ الف	۱۳:۱۳-۱۶ الف	۱۳:۱۳-۴۱	۱۳:۱۳-۱۶ الف
۲۵-۱۶:۱۳ ب	۲۵-۱۶:۱۳ ب	۲۵-۱۶:۱۳ ب		۲۵-۱۶:۱۳ ب
	۲۵-۲۰:۱۳ ب			
۳۱-۲۶:۱۳	۴۱-۲۶:۱۳	۴۱-۲۶:۱۳		۴۱-۲۶:۱۳
۳۷-۳۲:۱۳				
۳۹-۳۸:۱۳				
۴۱-۴۰:۱۳			برکت و کشمکش در انطاکیه	
۴۳-۴۲:۱۳	۴۳-۴۲:۱۳	۴۳-۴۲:۱۳	۵۲-۴۲:۱۳	۴۳-۴۲:۱۳
موعظه پولس و برنابا برای غیریهودیان				
۴۷-۴۴:۱۳	۴۷-۴۴:۱۳	۴۷-۴۴:۱۳		۵۲-۴۴:۱۳
۴۹-۴۸:۱۳	۴۸:۱۳	۵۲-۴۸:۱۳		
	۵۲-۱۳:۴۹			
۵۲-۵۰:۱۳				



## قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

### دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

### بینش هایی از مضمون متن

- ا. این شرحی از نخستین سفر بشارتی پولس و برنابا است. ادامه کتاب اعمال به خدمات پولس اختصاص یافته است.
- ب. نگاه کردن به نقشه در پشت کتاب مقدستان و دنبال کردن موقعیتهای جغرافیایی مورد اشاره در بابهای ۱۳ و ۱۴، به شما کمک زیادی خواهد کرد.
- ج. در بابهای ۱۳ و ۱۴ انتقال رهبری از برنابا به پولس کاملاً واضح است. آیا این می توانست دلیل ترک گروه توسط یوحنا مرقس باشد؟

### مطالعه عبارات و واژگان

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۳: ۱-۳

۱ در آن زمان در کلیسای انطاکیه عده‌ای نبی و معلم از قبیل برنابا و شمعون ملقب به نیجر و لوکیوس قیروانی و مناخم (که با هیروودیس پادشاه، بزرگ شده بود) و شائول حضور داشتند. ۲ یک روز که آنها روزه‌دار و مشغول عبادت خداوند بودند، روح القدس به ایشان فرمود: «برنابا و شائول را مأمور انجام آن کاری که من برای آنها مقرر کرده‌ام بنمایید.» ۳ پس آنها بعد از روزه و دعا، دست بر سر آن دو گذاردند و آنها را به مأموریت فرستادند.

۱۳: ۱ «انطاکیه» نگاه کنید به یادداشت ۱۱: ۱۹.

□ «کلیسا» نگاه کنید به یادداشت ۵: ۱۱.

□ «عده ای نبی و معلم» اینها در فهرست I قرن. ۱۲: ۲۸ و افس. ۴: ۱۱ به عنوان دو عطای روح القدس نام برده شده اند. ساختار دستوری چنان است که مشخص نیست آیا این پنج نفر هم نبی بوده و هم معلم یا سه نفر اول نبی و دو نفر بعدی معلم بوده اند.

مسئله این است که: "چگونه عطای نبوت در عهد جدید با انبیای عهد عتیق مرتبط می باشد؟" در عهد عتیق، انبیا نویسندگان کتاب مقدس بودند. در عهد جدید این وظیفه به دوازده رسول اصلی و دستیاران آنها محول می گردد. از آنجایی که اصطلاح "رسول" به عنوان یک عطای ادامه دار عنوان شده است (ر.ک. افس. ۴: ۱۱)، اما البته با کارکردی متفاوت پس از مرگ دوازده رسول مسیح، کارکرد انبیا نیز به همین گونه متفاوت است. الهام متوقف شده است؛ بدین معنا که دیگر نگاشتن الهامی کتاب مقدس ادامه ندارد. وظیفه اولیه انبیای عهد جدید اعلام انجیل است، ولی مأموریت دیگر آنها احتمالاً تعلیم چگونگی کاربرد حقایق عهد جدید در شرایط و نیازهای جاری می باشد. نگاه کنید به عنوان خاص در ۳: ۱۸.

عطای تعلیم در اعمال ۱۳: ۱ در ترکیب با نبوت مورد اشاره قرار گرفته است، اما در افس. ۴: ۱۱ این عطا مرتبط با شبانان است. در II تیمو. ۱: ۱۱، پولس بیان می دارد که واعظ، رسول و معلم است. در اینجا به نظر می رسد که عطای تعلیم مانند روم. ۷: ۱۲ یک عطای مستقل است. در یعقوب ۳: ۱ به بعد نیز به آن به عنوان مقوله ای جداگانه پرداخته شده است. منظور این است که این عطایای رهبری می توانند به شیوه های مختلف در ایمانداران مختلف ترکیب شوند تا نیاز کلیسا را در روزگار و منطقه خود برطرف نمایند. هر یک از این رهبران دارای عطایا (ر.ک. افس. ۴: ۱۱) انجیل را اعلام می داشتند، اما با تأکیدهای گوناگون.

□ «شمعون ملقب به نیجر» اصطلاح نیجر در زبان لاتینی به معنی تیره یا سیاه است. برخی کوشیده اند تا این شمعون را با شمعون مرقس ۱۵: ۲۱ مرتبط سازند.

□ «لوکیوس قیروانی» احتمالاً او یکی از یهودیان یونانی زبان بوده است که برای غیریهودیان انطاکیه موعظه می کرد (ر.ک. ۱۱: ۲۰). او احتمالاً همان لوکیوسی نیست که در روم. ۱۶: ۲۱ مورد اشاره قرار گرفته است.

«مناحم که با هیرودیس پادشاه بزرگ شده بود» *Manaen* شکل یونانی *Menaem* عبری است، که "تسلی دهنده" معنی می دهد. این مرد یا برادر خوانده (اصطلاح ادبی یونانی) هیرودیس آنتیپاس بوده (نگاه کنید به مقدمه باب ۱۲) یا فقط با او بزرگ شده است ( *Koine* - *papyri* - براساس پاپیروسهای یونانی). احتمال می رود که لوقا اطلاعات زیادی درباره هیرودیس آنتیپاس (تیتراک) را از همین مرد گرفته باشد.

13: 2

«عبادت» NASB

«خدمت کردن» NKJV

«پرستش» NRSV

«خدمت» TEV

«پرستش کردن» NJB

این اصطلاح یونانی *leitourgia* (ترکیبی از "عموم" و "کار") ریشه اصطلاح *liturgy* در زبان انگلیسی است. در اصل اشاره به شخصی است که خدمات عمومی داوطلبانه و با مخارج شخصی انجام می داد. منظور مدت زمانی است که به طلب اراده خدا در مراسم عبادتی اختصاص می یافت. آیا این فعل اشاره به تمامی کلیسا دارد یا به آن پنج نفر؟

«روزه‌دار» در عهد عتیق هر ساله فقط یک روز، یعنی روز کفار، در لایوان ۱۶ به روزه گرفتن اختصاص داشت. اما در طی قرن اول میلادی، معلمان یهود هفته ای دو روز روزه می گرفتند. هر چند ایمانداران مجبور به روزه گرفتن نیستند، اما در بسیاری از مواقع، این کار به تشخیص اراده خدا کمک می کند (ر.ک. ۱۴: ۲۳).

## عنوان خاص: روزه‌داری

هرچند در عهد جدید هرگز دستوری برای روزه داری داده نشده است، اما از شاگردان عیسی در مواقع خاصی انتظار می‌رفت که روزه بگیرند (ر.ک. ۲: ۱۹؛ متی ۶: ۱۶، ۱۷؛ ۹: ۱۵؛ لوقا ۵: ۳۵). روزه داری پسندیده در اشعیا ۵۸ توصیف شده است. عیسی خود سابقه ای برای آن قرار داد (ر.ک. متی ۴: ۲). کلیسای اولیه روزه می‌گرفت (ر.ک. اعمال ۱۳: ۲-۳؛ ۱۴: ۲۳؛ II قرن. ۶: ۵؛ ۱۱: ۲۷). انگیزه و روش این کار بسیار پراهمیت است؛ اما طول مدت روزه و تناوب آن اختیاری می‌باشد. روزه داری در عهد عتیق برای ایمانداران عهد جدید الزامی نیست (ر.ک. اعمال ۱۵). روزه داری روشی برای نمایش روحانیت یک فرد نیست بلکه به منظور نزدیکتر شدن به خدا و طلب هدایت او انجام می‌شود. این کار می‌تواند از لحاظ روحانی به انسان کمک کند.

گرایشهای کلیسای اولیه به ریاضت کشی باعث شد تا کاتبان "روزه داری" را در بسیار از متون وارد کنند (مانند: متی ۱۷: ۲۱؛ مرقس ۹: ۲۹؛ اعمال ۱۰: ۳۰؛ I قرن. ۷: ۵). برای اطلاعات بیشتر به Bruce Metzger's *A Textual Commentary on the Greek New Testament* انتشارات انجمنهای متحد کتاب مقدس در مورد این متون سؤال برانگیز مراجعه کنید.

□ «روح القدس گفت» این یکی دیگر از شواهد کتاب مقدسی در مورد شخصیت روح القدس است. خواه این گفته قابل شنیدن بوده یا آنها آن را درک کرده اند، نامشخص است (ر.ک. ۸: ۲۹؛ ۱۰: ۱۹؛ ۱۱: ۱۲؛ ۲۰: ۲۳؛ ۲۱: ۱۱). بدیهی است که پیام مزبور کاملاً مشخص بوده است (ر.ک. ۱۶: ۶-۷).

□ «جدا سازید» فعل امری معلوم نامعین. اصطلاح *aphorizo* دارای همان مفهوم "مقدس" (*hagiazō*) است. منظور جدا کردن و تجهیز برای انجام مأموریتی الهی است (ر.ک. روم. ۱: ۱؛ غلا. ۱: ۱۵).

□ پس از "جدا ساختن" در متن یونانی حرف اضافه *de*-آمده است که نشانگر شدت و اهمیت می‌باشد (ر.ک. لوقا ۲: ۱۵؛ I قرن. ۶: ۲۰). این امر فراخوانی روح القدس را جدیت بیشتر می‌بخشد. در بیان پولس در ۱۵: ۳۶ عبارت متناظری به چشم می‌خورد.

□ «آن عمل که ایشان را برای آن خوانده ام» وجه خبری میانی (معلوم ولی به ظاهر مجهول) کامل. خداست که برای مأموریت بشارت فرا می‌خواند و تجهیز می‌کند (ر.ک. I قرن. ۱۲: ۷، ۱۱).

۳: ۱۳ «دستها بر ایشان نهاده» این آیه بخصوص یکی از متنهای مبهمی است که دستگذاری های امروزی ما بر اساس آن انجام می‌شود. اما به عنوان یک بنیان کتاب مقدسی در مراسم فرقه ای امروزی ما، بنیان نامناسبی است. نمونه های فیزیکی بسیار دیگری برای "نهادن دستها" در کتاب مقدس وجود دارد:

۱. در عهد عتیق به منظور:

أ. تعیین هویت قربانیها (ر.ک. لاون. ۱: ۴؛ ۳: ۲؛ ۴: ۴؛ ۱۶: ۲۱)

ب. انتقال برکت (ر.ک. پید. ۴۸: ۱۳ به بعد؛ متی ۱۹: ۱۳، ۱۵)

ج. انتصاب یک جایگزین یا جانشین (ر.ک. اعد. ۲۷: ۲۳؛ تث. ۳۴: ۹)

۲. در عهد جدید نیز زمینه به همین ترتیب متفاوت است:

أ. برای شفا بخشیدن (ر.ک. لوقا ۴: ۴۰؛ ۱۳: ۱۳؛ اعمال ۹: ۱۷؛ ۲۸: ۸)

ب. تخصیص یا دادن یک مأموریت (ر.ک. اعمال ۶: ۶؛ ۱۳: ۳)

ج. در ارتباط با دریافت روح القدس یا عطایای روحانی (ر.ک. اعمال ۸: ۱۷؛ ۱۹؛ ۶؛ I تیمو. ۴: ۱۴؛ II تیمو. ۱: ۶)

د. مراجعه به تعالیم اساسی یهودیت یا کلیسا (ر.ک. عبر. ۶: ۲).

گزاردن دستها آغازگر یک تجربه نبود. این افراد پیش از آن هم رهبران در حال کار فراخوانده شده و عطا یافته، بودند. آنها نه به خدمتی جدید، بلکه به گسترش آنچه پیش از آن می کردند، فراخوانده شدند.

انتصاب و دستگذاری، مشوق نوعی تمایز میان ایمانداران شده است. این امر از کلیسای کاتولیک روم شروع شده و نوعی اعتقاد به انشعاب طبقه روحانی-عامی را ایجاد می کند. واژه یونانی *cleros* (جانشینی توسط قرعه) و *laos* (واژه یونانی برای مردم)، هنگامی که در عهد جدید مورد استفاده قرار می گیرد همواره به تمامی گروه ایمانداران اشاره دارد. تمامی ایمانداران خوانده شده اند، عطا یافته اند، خادمین تمام وقت انجیل هستند (ر.ک. افس. ۴: ۱۱-۱۲). هیچ مدرک کتاب مقدسی دال بر جدایی ایمانداران به گروههای روحانی مختلف وجود ندارد. تمامی ایمانداران عطا خدمت به بدن مسیح را یافته اند (ر.ک. I قرن. ۱۲: ۷، ۱۱).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۳: ۴-۱۲

۴ این دو نفر که فرستادگان روح القدس بودند، به بندر سلوکیه رفتند و از آنجا از راه دریا به قبرس آمدند و ۵ وارد شهر سلامیس شدند و در کنیسه‌های یهودیان کلام خدا را منتشر می ساختند و یوحنا (که مرقس لقب داشت) دستیار ایشان بود. ۶ آنها تمام جزیره قبرس را طی کردند تا به شهر پافس رسیدند. در آنجا به یک جادوگر یهودی که نبی دروغین بود و بریشوع نام داشت برخوردند. ۷ او از ملازمین سرگیوس پولس، فرماندار قبرس که مرد فهمیده‌ای بود، بشمار می آمد. فرماندار، برنابا و شائول را به حضور خود احضار نمود؛ زیرا می خواست کلام خدا را از آنها بشنود. ۸ اما آن جادوگر که نام یونانی او علیما بود، با آنان مخالفت می کرد و سعی داشت فرماندار را از ایمان آوردن باز دارد. ۹ در این هنگام شائول که به نام پولس معروف شده بود، پر از روح القدس شده به آن مرد چشم دوخت و گفت: ۱۰ «ای فرزند شیطان، ای دشمن تمام نیکی‌ها، ای منبع نیرنگ و تبهکاری، آیا از منحرف ساختن مردم از راه راست خداوند دست بر نمی داری؟ ۱۱ حالا ببین، دست خدا تو را خواهد زد و نابینا خواهی شد و تا مدتی نور آفتاب را نخواهی دید.» در همان وقت دنیا در نظر علیما تیره و تار شد و کورکورانه به این طرف و آن طرف می گشت تا شخصی را برای راهنمایی خود پیدا کند. ۱۲ فرماندار که این جریان را دید، ایمان آورد؛ زیرا از تعالیم خداوند سخت متحیر شده بود.

۱۳: ۴ «از جانب روح القدس فرستاده شده» این متن، موید اقتدار کلیسای محلی نیست، بلکه اقتدار روح القدس را مورد تأکید قرار می دهد. او یکی از شخصیت‌های تثلیث الهی است که در کتاب اعمال بر اهمیت او تأکید می شود و «عصر جدید مسیحایی» به عنوان «عصر روح القدس» بازشناخته می شود. او دعوت می کند، عطایا می بخشد، هدایت می نماید، متقاعد می سازد و قدرت می دهد. هیچ خدمت موثر و ماندگاری بدون حضور و برکت او موجودیت نمی یابد.

■ «سلوکیه» شهری بندری در انطاکیه سوریه. این شهر در حدود پانزده مایل به سوی جنوب غربی کشیده می شد. نام آن از فرمانده بزرگ اسکندر (یعنی سلوکید) برگرفته شد که پس از مرگ اسکندر کبیر در این منطقه حکومت می کرد.

■ «قبرس» موطن برنابا بود و جمعیت بزرگی از یهودیان در آنجا می زیستند. در عهد عتیق به عنوان *Kittim* (کتیم) شناخته می شد. اینان نخستین مسیحیانی نبودند که در آن جزیره انجیل را اعلام می داشتند (ر.ک. ۱۱: ۱۹-۲۰).

۱۳: ۵ «سلامیس» شهر بندری در ساحل شرقی جزیره قبرس، و مرکز تجارتهی آن جزیره بود.

■ «در کنیسه های یهودیان کلام خدا را منتشر می ساختند» دلیل این امر آشکار است: (۱) یهودیان با کتاب عهد عتیق آشنایی داشتند؛ (۲) یهودیان قوم برگزیده بودند (ر.ک. پید. ۱۲: ۱-۳) و اولین فرصت برای پاسخ به دعوت الهی از آن ایشان بود (ر.ک. ۳: ۲۶؛ ۱۳: ۴۶؛

۱۷: ۲؛ ۱۸: ۴، ۱۹؛ ۱۹: ۸؛ روم. ۱: ۱۶؛ (۳) در جلسات کنیسه، غیریهودسانی که [a] بسوی خدای واحد حقیقی جذب شده بودند و [b] با عهد عتیق آشنایی داشتند، نیز حضور می یافتند. این روش معمول بشارتی پولس در هر جایی که کنیسه داشت، گردید.

□ «یوحنا» اشاره به یوحنا مرقس است که شاگردان در خانه اش جمع می شدند (ر.ک. اعمال ۱۲: ۱۲). او بنا بر سنت، نویسنده انجیل مرقس نیز هست، که به نظر می رسد شهادتهای پطرس رسول در آن به عنوان شاهد عینی ثبت شده است. او دلیل مجادله میان پولس و برنابا شد که موجب جدا شدن این گروه بشارتی گردید (ر.ک. ۱۵: ۳۶-۴۱). اما بعدها پولس با دید مثبتی از یوحنا مرقس یاد می کند (ر.ک. کول. ۴: ۱۰؛ II تیمو. ۴: ۱۱ و فیلمون ۲۴). به یادداشت کاملتر در ۱۲: ۱۲ مراجعه کنید.

۱۳: ۶ «آنها تمام جزیره قبرس را طی کردند» احتمالاً بدین معناست که آنها در همه کنیسه های آن جزیره توقف می کردند و موعظه می نمودند.

□ «پافس» اشاره به پافس جدید در برابر شهر فینیقی قدیمی تری که در فاصله هفت مایلی آن بود، قرار داشت. نام هر دو این شهرها از Paphian (پافیان) الهه فینیقی گرفته شده است که الهه عشق بود و به نامهای *Aphrodite, Astarte, Venus* (آفرودیت، آشتارت، ونوس) و غیره نیز شناخته می شد. این شهر مرکز سیاسی رسمی قبرس بود.

□ «بریشوع» یک یهودی که نبی دروغین بود. معنی اسم او "پسر یوشع" است. از آیه ۸ متوجه می شویم که لقب وی، علیمای جادوگر بود. اصطلاح جادوگر، بازتابی از مترادف یونانی واژه آرامی به معنی "جادوگر/ساحر" است (ر.ک. آیه ۱۰). نگاه کنید به عنوان خاص ۸: ۹.

۱۳: ۷ «سرگیوس پولس، فرماندار» بحثهای زیادی درباره صحت تاریخی روایتهای لوقا وجود دارد. این نمونه خوبی از تاریخ نگاری دقیق لوقاست. او این مرد را "پروکنسول/فرماندار" می نامد بدین معنا که قبرس استان وابسته به مجلس سنای روم بوده است. می دانیم که این امر در سال ۲۲م. توسط حکم آگوستوس ابلاغ شد. همچنین از کتیبه لاتینی در Soloi دریافتیم که سرگیوس پولس از ۵۳ م. به سمت فرماندار منصوب گردید. هر چه علم باستانشناسی درباره جهان مدیترانه قرن اول کشفیات بیشتری می کند، دقت تاریخ نگاری لوقا بیشتر به اثبات می رسد.

□ «مردی فهیم» این اصطلاح با معانی گسترده ای مورد استفاده قرار می گیرد. در این مضمون، به مفهوم آن آمده است که او توانایی اداره موثر حکومت را داشت. این خصوصیت او همچنین نشان می دهد که انجیل نه فقط نیازمندان و بی سوادان را تحت تأثیر قرار می داد بلکه بر ثروتمندان و تحصیل کردگان (ر.ک. مناخم در ۱۳: ۱) نیز تأثیر گذار بود. این امکان نیز وجود دارد که یکی از نیتهای لوقا از نوشتن کتاب اعمال، نشان دادن این امر بود که انجیل تهدیدی برای حکومت روم نیست.

۱۳: ۸ «علیما» به نظر می رسد که این نام یونانی مانند تلفظ کلمه عربی به معنی مرد حکیم (با فراست، غیب گو، کس که می تواند پیش بینی کند و با تسلط بر قدرتها/نیروهای نادیدنی جهان نادیدنی، آینده را کنترل کند).

□ «جادوگر» با اصطلاح "مغ" به معنی حکیمان کلده و ماد، مانند دانیال در ارتباط است (ر.ک. دان. ۲: ۲؛ ۴: ۹؛ متی ۲: ۱). اما در روزگار پولس، از این اصطلاح برای ساحران، شارلاتانها و زبان بازان دوره گرد جهان یونانی-رومی استفاده می شد. نگاه کنید به یادداشت کاملتر در ۸: ۹.

□ «ایمان» این واژه در عهد جدید به سه شیوه مشخص به کار می رود: (۱) توکل و اعتماد شخصی به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده؛ (۲) زندگی خداشناسانه، با وفاداری؛ یا (۳) مفهوم الهیاتی انجیل (آموزه، ر.ک. یودا ۳ و ۲۰). همین ابهام در اعمال ۶: ۷ نیز به چشم می خورد. در اینجا به نظر می رسد بخاطر بیان و مفهوم آن، اشاره به مورد ۳ است.

۱۳: ۹ «پولس» این نخستین باری است که از لقب رومی وی در کتاب اعمال استفاده می شود. پولس از ریشه یونانی به معنی "کوچک" است. برخی چنین می پندارند که این امر اشاره به ساختار جسمی پولس دارد، دیگران آن را به ارزیابی شخصی وی از خودش به عنوان "کوچکترین رسولان"، بخاطر آزار کلیسا، نسبت می دهند. احتمالاً این نام دومی بوده که والدینش به هنگام تولد بر وی گذاشته اند.

□ «پولس، پر از روح القدس» قدرت روح القدس که کلیسای اولیه را هدایت می کرد، با اصطلاح "پر شدن" توصیف می شود (ر.ک. ۲: ۴؛ ۴: ۸؛ ۳۱: ۶؛ ۳: ۷؛ ۵۵: ۹؛ ۱۷: ۱۳؛ ۹، ۵۲). پر شدن روزانه و دائمی از روح القدس حالت معمول تمامی ایمانداران است (ر.ک. افس. ۵: ۱۸). در کتاب اعمال معمولاً این حالت با شهامت و خلوص در اعلام انجیل همراه است.

□ «به آن مرد چشم دوخت» نگاه کنید به یادداشت کاملتر در ۱: ۱۰.

۱۳: ۱۰ پولس خصوصیات این نبی دروغین یهودی را با چند اصطلاح بیان می دارد:

۱. "پر از مکر"، به معنی با طعمه صید کردن (این تنها مورد استفاده از اصطلاح مزبور در نوشته های لوقاست)
۲. "پر از خبثت"، از واژه یونانی به معنی با سبکسری کاری را انجام دادن است که بعدها معنی پلیدی به خود گرفت (ر.ک. ۱۸: ۱۴). این اصطلاح فقط در کتاب اعمال یافت می شود (ر.ک. ۱۳: ۱۰؛ ۱۸: ۱۴).
۳. "فرزند ابلیس"، ضرب المثلی سامی (ر.ک. ۳: ۲۵؛ ۴: ۳۶) برای کسانی که رفتارشان همچون ابلیس است (ر.ک. متی ۱۳: ۳۸؛ یوحنا ۸: ۳۸، ۴۱، ۴۴).
۴. "دشمن هر راستی"، این اصطلاح بارها در نوشته های لوقا شامل دفعاتی که از عهد عتیق نقل قول می کند، مورد استفاده قرار گرفته است (ر.ک. لوقا ۱: ۷۱، ۷۴؛ ۲۰: ۴۳؛ اعمال ۲: ۳۵). این مرد برخلاف هر چیزی بود که شباهتی به خدا دارد. نگاه کنید به عنوان خاص: عدالت و درستی در ۳: ۱۴.
۵. پولس سه بار از واژه فراگیر هر برای نشان دادن پلشتی ارادی کامل این مرد استفاده می کند.

□ «منحرف ساختن طرق راست خداوند» پرسشی که پاسخ آن "بله" است. واژه "راست" یا "مستقیم" در عهد جدید بیانگر مفهوم عهد عتیق برای عدالت است که به مثابه نوعی نی رودخانه به عنوان معیار سنجش و اندازه گیری می باشد. اصطلاحات عهد جدیدی "منحرف" یا "گمراه" بازتابی از اصطلاحات عهد عتیق برای گناه است که نشانگر انحراف از معیار راستی یعنی خود خدا می باشد. این مرد همه چیز را کج و منحرف می ساخت (برخلاف راستی و عدالت بود).

۱۳: ۱۱ «دست خداوند» استعاره سامی برگرفته از بدن انسان، در اشاره به قدرت و حضور YHWH (ر.ک. لوقا ۱: ۶۶؛ اعمال ۱۱: ۲۱). در عهد عتیق نیز مانند اینجا، اغلب برای اشاره به داوری خدا آمده است (ر.ک. خرو. ۹: ۳؛ I سمو. ۵: ۶؛ ایوب ۱۹: ۲۱؛ ۲۳: ۲؛ مز. ۳۲: ۴؛ ۳۸: ۲؛ ۳۹: ۱۰).

□ «نابینا خواهی شد» این اصطلاحات توصیفی قدرتمندانه از شرارت و سرکشی که پولس با آنها خصوصیات آن مرد را توصیف می کند و شکل مجازات موقتی الهی خودش، می تواند مبین زندگی پیشین خود پولس باشد. او به عقب می نگرَد و خود را در این معلم دروغین یهودی و طراری های وی می بیند (ر.ک. ۹: ۸).

معمولاً از کوری به معنی ضرب المثلی فقدان درک روحانی استفاده می شود (ر.ک. یوحنا ۹: ۹).

۱۳: ۱۲ «چون آن ماجرا را دید ... ایمان آورد» همان واژه یونانی (-pisteuo، یعنی اسمی که می توان آن را ایمان، باور، یا توکل ترجمه کرد) که در سراسر عهد جدید برای باور حقیقی به کار رفته است. این فرماندار به پیام انجیل پاسخ مثبت می دهد. چشمان یک مرد بسته

شد (در معنی حقیقی)؛ چشمان دیگر باز شد (به معنی استعاری). این راز ایمان است (ر.ک. یوحنا ۹). نگاه کنید به عنوان خاص: ایمان (اسم، فعل و صفت) در ۸: ۱۲.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۳: ۱۳-۱۱۶الف

۱۳ پولس و همراهان او پافس را ترک کردند و از راه دریا به پرجه پمفلیه آمدند. یوحنا (مرقس) از آنان جدا شد و به اورشلیم بازگشت. ۱۴ ایشان از پرجه گذشته به شهر انطاکیه که یکی از شهرهای استان پیسیدیه است آمدند. در روز سبت به کنیسه وارد شدند و نشستند. ۱۵ بعد از قرائت تورات و کتاب انبیا رؤسای کنیسه نزد ایشان فرستادند و گفتند: «ای برادران چنانچه پیام تشویق کننده‌ای برای این قوم دارید بفرمایید.» ۱۶ پولس برخاست و با اشاره دست، از ایشان درخواست نمود که ساکت باشند.

۱۳: ۱۳ «پولس و همراهان او» رهبری گروه آشکارا تغییر کرده است. از حالا به بعد در کتاب اعمال، نام پولس در اول فهرست می آید.

□ «پرجه پمفلیه» پرجه بزرگترین شهر استان کوچک ساحلی رومی پمفلیه بود (در جنوب میانی ترکیه). این شهر چند مایل در داخل خشکی واقع شده بود تا از حمله دزدان دریایی به دور باشد.

ظاهراً پولس در این شهر، نه این بار بلکه در دفعات بعدی، انجیل را موعظه می کند (ر.ک. ۱۴: ۲۵). هیچگونه شواهد تاریخی مبنی بر وجود گروه مسیحی در این منطقه تا صدها سال وجود ندارد. او فقط از این منطقه ساحلی گذر کرد.

□ «یوحنا از ایشان جدا شده، به اورشلیم برگشت» لوقا این واقعه را به ثبت می رساند ولی هیچگونه سرنخی در مورد دلیل آن به دست نمی دهد (سایر نویسندگان عهد جدید نیز چیزی در این مورد نگفته اند).

۱۴: ۱۴ «انطاکیه پیسیدیه» در اصل به معنی "انطاکیه به سمت پیسیدیه" است زیرا این شهر در منطقه قومی فریجیه، استان رومی غلاطیه قرار داشت. آنها یک گروه قومی مجزا، احتمالاً از اروپا بودند.

□ «در روز سبت» در فاصله زمانی از غروب روز جمعه تا غروب روز شنبه. یهودیان در پیروی از پید. ۱، زمان را از غروب تا غروب می سنجیدند.

□ «نشستند» شاید این تمثیلی برای اشاره به کسی است که برای سخنرانی به کنیسه می رفت. معلمان یهود همواره در حال نشسته تعلیم می دادند (ر.ک. متی ۵: ۱؛ لوقا ۴: ۲۰). کنیسه‌ها معمولاً به بازدیدکنندگان سیار اجازه می دادند که اگر بخواهند سخنی بگویند (ر.ک. آیه ۱۵).

۱۳: ۱۵ «قرائت تورات و کتاب انبیا» این بخشی از ترتیب جلسات کنیسه در روزگار عیسی بود. در اصل فقط شریعت موسی قرائت می شد، ولی آنتیوکوس ۴ ایفانِس این کار را در ۱۶۳ ق.م. ممنوع اعلام کرد. پس از آن یهودیان قرائت کتاب انبیا را جایگزین کردند. در هنگام قیام مکابیان، یهودیت به حال اول بازگشت و از آن پس، شریعت و کتاب انبیا با هم در قالب اصلی جلسات عبادتی کنیسه قرائت می شد (ر.ک. آیه ۲۷).

کتاب مقدس عبری به سه بخش تقسیم شده است (کتاب مقدس انگلیسی ترتیب ترجمه هفتاد را حفظ کرده است):

۱. تورات (پنج کتاب موسی)، پیدایش تا تثیبه

۲. انبیا

أ. انبیای پیشین، یوشع تا پادشاهان (به غیر از کتاب روت)

ب. انبیای اخیر، اشعیا تا ملاکی (به غیر از مراثی ارمیا و دانیال)

۳. نوشته ها

ا. ادبیات حکمت (ایوب تا امثال سلیمان)

ب. ادبیات پس از اسارت (عزرا تا استر)

ج. Megilloth (پنج تومار)

(۱) روت (در عید پنتیکاست قرائت می شد)

(۲) جامعه (در عید خیمه‌ها قرائت می شد)

(۳) غزل غزلها (در عید فصح قرائت می شد)

(۴) مراثی ارمیا (در یادآوری سقوط اورشلیم در ۵۸۶ ق.م. قرائت می شد)

(۵) استر (در عید پوریم قرائت می شد)

د. I و II تواریخ

ه. دانیال

۱. «**روسای کنیسه**» آنها مسئول نگهداری ساختمان و ترتیب عبادت بودند (ر.ک. لوقا ۸: ۴۱، ۴۹). معمولاً دعوت از سخنرانان میهمان نیز وظیفه ایشان بود.

۲. «**اگر کلامی نصیحت آمیز ... دارید**» یک جمله شرطی از نوع اول است که از دید نویسنده، به دلایل ادبی وی، درست فرض می شود. دعوت مزبور معمولاً یکی از جنبه های عبادت در کنیسه بود. پولس کاملاً از این فرصت استفاده کرد.

۱۳: ۱۶ «**پولس برخاست**» معلمان یهود معمولاً به هنگام تعلیم دادن می نشستند؛ اما رسم یونانی- رومی ایستادن به هنگام تعلیم بود. پولس رفتار و ارائه مطالبش را با حاضران تطبیق می داد.

۳. «**با اشاره دست**» پولس بدینوسیله از آنان می خواهد که سکوت کنند. لوقا این جزئیات شاهدان عینی را معمولاً بکار می برد (ر.ک. ۱۲: ۱۷؛ ۱۳: ۱۶؛ ۱۹: ۳۳؛ ۲۱: ۴۰).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۳: ۱۶-ب-۲۵

و بعد چنین گفت: «ای مردان اسرائیلی و همه شما که خدا ترس هستید توجه نمایید. ۱۷ خدای قوم اسرائیل، نیاکان ما را برگزید و در آن هنگام که آنها در سرزمین مصر در غربت زندگی می کردند آنان را قومی بزرگ ساخت و دست خود را دراز کرد تا آنان را از آن سرزمین بیرون آورد. ۱۸ مدت چهل سال در بیابانها متحمل ایشان شد. ۱۹ پس از نابود ساختن آن هفت ملتی که مقیم کنعان بودند، سرزمین آنها را ۲۰ تا مدت چهارصد و پنجاه سال به عنوان میراث به تصرف اسرائیل در آورد. بعد از آن هم تا زمان سموئیل نبی، داوران را به ایشان بخشید ۲۱ و وقتی آنها خواستند برای خود یک پادشاه داشته باشند، خدا شائول پسر قیس را که مردی از طایفه بنیامین بود، به ایشان داد تا او مدت چهل سال حکمرانی کند. ۲۲ بعد از آن او را بر کنار کرد و داوود را برانگیخت تا پادشاه ایشان شود. خدا در حق داوود چنین گواهی داده گفت: 'من داوود پسر یسی را مورد پسند خود یافته‌ام. او کسی است که هر چه بخواهم انجام می دهد.' ۲۳ از نسل همین مرد، خدا بر طبق وعده خود عیسی را به عنوان نجات دهنده‌ای برای اسرائیل برانگیخت. ۲۴ قبل از آمدن او یحیی لزوم توبه و تعمید را به همه قوم اسرائیل اعلام می کرد ۲۵ و وقتی خدمت خود را به انجام رسانید گفت: 'من آن کسی که شما گمان می کنید نیستم. اما بعد از من کسی می آید که من لایق آن نیستم که بند نعلین او را باز نمایم.'



۱۳:۱۶ «ای مردان اسرائیلی و خداترسان، گوش دهید» دو گروه حاضر در آنجا، یهودیان و غیریهودیان "خداترس" بودند (ر.ک. آیه ۲۶؛ ۱۰:۲، ۲۲، ۳۵). این موعظه بسیار مشابه موعظه استیفان در اعمال ۷ است. از بسیاری جهات، پولس عمیقاً تحت تأثیر درک استیفان از عهد عتیق و انجیل بود.

۱۳:۱۷ پولس بازمینی تاریخ عهد عتیق را با فراخوانده شدن پطریارخها (ابراهیم، اسحق و یعقوب) آغاز می کند و به اسارت و رهایی از مصر می پردازد (خروج تا تنیبه).

□ «ایشان را به بازوی بلند از آنجا بیرون آورد» این تمثیل معمول در عهد عتیق (ر.ک. ترجمه هفتاد خرو. ۶: ۱، ۶) در مورد YHWH با اصطلاحات فیزیکی است. تمثیلی مشابه استعارات بدنی "دست راست خدا". کتاب مقدس با واژگان انسانی درباره خدا سخن می گوید (یعنی استعارات مربوط به بدن انسان)، هرچند که خدا جاودانی، غیرفیزیکی و روح فراگیرنده است. این تحلیلهای کتاب مقدسی منبع بسیاری از سوء تفاهمات و گزاره گوییهای ادبی بوده است. کتاب مقدس درباره خدا با تمثیل، استعاره و نفی سخن می گوید. خدا بسیار بزرگتر از آن است که انسانهای سقوط کرده، محدود به زمان و محدود به زمین بتوانند او را درک کنند یا در بیان بگنجانند!

۱۳:۱۸ «قریب به چهل سال در بیابان متحمل حرکات ایشان می بود» بازتابی از تث. ۱: ۳۱ است و می توان آن را "ایشان را همچون پرستاری خوراک می داد" ترجمه کرد (ر.ک. نسخه های C, A). این عبارت منعکس کننده کتابهای خروج و اعداد در عهد عتیق است.

واژه "چهل" معمولاً عددی گرد شده محسوب می گردد. در اصل دوره زمانی میانی حبرون تا شیتیم سی و هشت سال با دو سال دوره ماندن در حوریب (سینا) بوده است.

۱۳:۱۹ «هفت طایفه را ... هلاک کرد» ملت‌های فلسطین را می توان به چند طریق مشخص کرد:

۱. اصطلاحات عمومی، کنعانیان (یعنی اهالی جنوب، ر.ک. پید. ۱۰: ۱۸-۲۹؛ داور. ۱: ۱) یا اموریان (یعنی اهالی شمال، ر.ک. پید. ۱۵: ۱۶)
۲. دو ملت (کنعانیان، فرزبان، ر.ک. پید. ۱۳: ۷؛ ۳۴: ۳۰؛ داور. ۱: ۴-۵)
۳. سه ملت (حویان، کنعانیان، حتیان، ر.ک. خرو. ۲۳: ۲۸)
۴. پنج ملت (کنعانیان، حتیان، اموریان، فرزبان، حویان، یبوسیان، ر.ک. خرو. ۳: ۱۷؛ در اعداد ۲۳: ۲۹ عمالیک به جای حویان آمده است)
۵. شش ملت (کنعانیان، حتیان، اموریان، فرزبان، حویان، یبوسیان، ر.ک. خرو. ۳: ۸، ۱۷؛ ۳۳: ۲؛ ۳۴: ۱۱؛ تث. ۲۰: ۱۷؛ یوشع ۹: ۱؛ ۱۲: ۸)
۶. هفت ملت (حتیان، جرجاشیان، اموریان، کنعانیان، فرزبان، حویان، یبوسیان، ر.ک. تث. ۷: ۱؛ یوشع ۳: ۱۰، ۲۴: ۱۱)
۷. ده ملت (قینیان، قزبان، قدمونیان، حتیان، فرزبان، رفائیان، اموریان، کنعانیان، جرجاشیان و یبوسیان، ر.ک. پید. ۱۵: ۱۹-۲۱)

□ «میراث» یک واژه ترکیبی از *kata + kle-ros + nemo-* در ترجمه هفتاد که فقط در این قسمت از عهد جدید به کار رفته است (سایر متون دارای *kata + kle-ros = dido-mi* هستند). منظور از آن قرعه انداختن به منظور تقسیم سرزمین وعده در میان قبیله های اسرائیل است (ر.ک. یوشع ۱۳-۱۹).

□ «چهارصد و پنجاه سال» این عدد به نظر می رسد که چنین به دست آمده باشد:

۱. چهارصد سال اسارت در مصر (ر.ک. پید. ۱۳: ۱۵)
۲. چهل سال دوره سرگردانی در بیابان (ر.ک. خرو. ۱۶: ۳۵؛ اعد. ۱۴: ۳۳-۳۴؛ ۳۲: ۱۳)
۳. هفت الی ده سال دوره غلبه بر زمین موعود (ر.ک. یوشع ۱۴: ۷، ۱۰)

Testus Receptus (KJV) این عدد را به آیه ۲۰ می کشاند و به نظر می رسد که دوره داوران را نیز در آن داخل می نماید (بر اساس نوشته های یوسفوس در *Antiq. 8:3:1*)، اما این جمله بندی در نسخه های برتر و قدیمتر الفبایی قدیم یونانی موجود نیست (ر.ک. آلف، A,B,C)، که بهتر با تاریخ گذاری I پاد. ۶:۱ همخوانی دارد. خط فاصله موجود در ترجمه NASB برای تأکید بر مکان درست عدد است. ۱۳:۲۰ اشاره به داوران تا I سمو. ۷ است.

۱۳:۲۱ اشاره به I سمو. ۸-۱۰ است.

□ «تا چهل سال» این عبارت زمانی در عهد عتیق موجود نیست مگر اینکه مشکل موجود در نسخه برداری I سمو. ۱۳:۱ شامل "چهل" نیز باشد (NIV). یوسفوس نیز در کتاب *Antiq. 6:14:9* به این "چهل" سال اشاره می کند. ترجمه هفتاد تمامی جمله را حذف می کند و از I سمو. ۳:۲ آغاز می نماید. "چهل" آشکارا یک سنت معلمان یهودی بوده است.

۱۳:۲۲ «داود بن یسی را مرغوب دل خود یافته ام» این یک نقل قول مستقیم از عهد عتیق نیست بلکه به نظر می رسد ترکیبی از مزمو ۸۹:۲۰ و I سموئیل ۱۳:۱۴ باشد. باید به یاد داشت که این موعظه پولس از الگوی اصلی استیفان در تفسیر تاریخی باب ۷ پیروی می کند. این امر که داود با وجود آنکه چنان گناهکار رسوایی بود (ر.ک. مز. ۳۲، ۵۱؛ II سمو. ۱۱)، محبوب دل خدا خوانده می شود، پشتگرمی زیادی برای تمامی ایمانداران است.

این ترکیب نقل قولی چند مفهوم ضمنی در بر دارد:

۱. معیار کار معلمان یهود چنین بود، همین امر نقل قولهای غیرعادی زیادی را که از عهد عتیق در عهد جدید می شود، توجیه می نماید.
۲. این به عنوان بخشی از تعالیم و عبادتنامه های مسیحی در آمده بود. پولس اغلب از سرودهای مسیحی اولیه و نیز احتمالاً سایر ادبیات ایشان نقل قول می کند.
۳. این نقل قول مختص پولس است و نشان می دهد که لوقا خلاصه این پیام نخستین پولس در کتاب اعمال را از خود پولس گرفته است.

۱۳:۲۲

NASB, NKJB «کسی است که اراده مرا بجا می آورد»

NTSV «کسی است که خواسته های مرا انجام می دهد»

TEV «او کسی است که هر چه بخواهم انجام می دهد.»

NJB «کسی است که اراده مرا تماماً بجا می آورد»

این آیه ترکیبی کنایه آمیز از عهد عتیق است. این بخش از جمله در متون عهد عتیق وجود ندارد. در مضمون عهد عتیق، شائول نامطیع شد و مردود گردید. اما در زندگی داود نیز ناطاعتی هایی وجود داشت. خدا با انسانهای ناکامل کار می کند تا نقشه نجاتبخش خود را به انجام رساند.

۱۳:۲۳ این آیه معادل اعمال ۷:۵۲ است و به تمامی وعده های عهد عتیق اشاره دارد:

۱. رهایی از طریق نسل زن، پید. ۳:۱۵

۲. فرمانروایی از نسل یهودا، پید. ۴۹:۱۰

۳. رهبری مثل موسی، که نبی بود، تث. ۱۸:۱۵، ۱۸

۴. رهبری از نسل داود، II سمو. ۷:۷. مز. ۱۳۲:۱۱؛ اش. ۱:۱۱، ۱:۱۰؛ متی ۱:۱

۵. خادم رنجبر، اش. ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲

۶. نجات دهنده، لوقا ۲: ۱۱؛ متی ۱: ۲۱؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ ۴: ۴۲؛ اعمال ۵: ۳۱

از نظر لوقا شماره ۴ بسیار برجسته است (ر.ک. لوقا ۱: ۳۲، ۶۹؛ ۲: ۴؛ ۳: ۳۱؛ اعمال ۲: ۲۹-۳۱، ۱۳: ۲۲-۲۳). مسیح موعود از نسل یسی بود (ر.ک. اش. ۹: ۷؛ ۱۱: ۱، ۱۰؛ ۱۶: ۵).

۱۳: ۲۴ خدمت و پیام یحییای تعمید دهنده در مرقس ۱: ۸-۱، متی ۳: ۱-۱۱؛ لوقا ۳: ۲-۱۷؛ یوحنا ۱: ۶-۸، ۱۹-۲۸ شرح داده شده است. یحیی نبوت‌های متی ۳: ۱؛ ۴: ۶-۵ را به انجام رسانید. موعظه او به توبه نیز راه را برای موعظه اولیه عیسی گشود (ر.ک. متی ۴: ۱۷؛ مرقس ۱: ۱۴-۱۵). یحیی از آن آینده (کسی که می آید) سخن می گفت، آن که از او بزرگتر بود (ر.ک. متی ۳: ۱۱؛ مرقس ۱: ۷؛ لوقا ۳: ۱۶؛ یوحنا ۱: ۲۷، ۳۰؛ اعمال ۱۳: ۲۵).

۱۳: ۲۵ «چون یحیی دوره خود را به پایان برد» خدا انجام کار مشخصی را به یحیی سپرده بود. خدمات عمومی یحیی فقط هیجده ماه به طول انجامید. اما چه یک سال و نیمی بود! سرشار از قدرت روح القدس و آماده سازی راه برای مسیح موعود.

پولس از جوانی در مدرسه کنیسه و زیر دست غملائیل در اورشلیم به هنگامی که به عنوان معلم یهود تعلیم می دید، با عهد عتیق آشنا شد. او در ابتدا انجیل را از استیفان، سپس از ایماندارانی که آزارشان می داد، آنگاه از رویای مخصوصی که از عیسی داشت، از یک ایماندار معمولی یهودی در دمشق، از عیسی در عربستان، و سپس از دیدار با سایر رسولان، شنید. هر گاه می تواند از عیسی نقل قول می کند. اینجا از روایات انجیل درباره زندگی عیسی نقل قول می کند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۳: ۲۶-۴۱

۲۶ «ای برادران که فرزند ابراهیم هستید و شما نیز ای کسانی که در این جمع حضور دارید و از خدا می ترسید، پیام این نجات به ما رسیده است، ۲۷ زیرا ساکنان اورشلیم و حکمرانان ایشان نه او را شناختند و نه از کلمات انبیا که در هر روز سبت قرائت می شود چیزی فهمیدند، اما با محکوم کردن او به پیشگویی‌های انبیا تحقّق بخشیدند. ۲۸ اگر چه خطایی که مستوجب مرگ باشد در او نیافتند، از پیلطس تقاضا کردند تا او را اعدام کند. ۲۹ و بعد از آنکه تمام پیشگویی‌های کتاب مقدّس را در امور او به انجام رسانیدند او را از صلیب پایین آوردند و به خاک سپردند. ۳۰ اما خدا او را پس از مرگ زنده گردانید ۳۱ و کسانی که در سفر از جلیل به اورشلیم همراه او بودند روزهای زیادی او را دیدند و هم اکنون در برابر قوم، شاهدان او می باشند. ۳۲ ما در حضور شما مؤده آن وعده‌ای را که خدا به نیاکان ما داد اعلام می کنیم ۳۳ که خدا برای ما که فرزندان آنان هستیم با رستخیز عیسی به آن وعده وفا کرده است، چنانکه در مزمور دوم آمده است: 'تو پسر من هستی امروز من پدر تو شده‌ام.' ۳۴ باز هم در خصوص رستخیز او از مردگان و اینکه دیگر او فساد را نخواهد دید، خدا چنین فرمود: 'من آن برکات مقدّس و قابل اطمینانی را که به داوود وعده داده‌ام به تو خواهم بخشید.' ۳۵ و در جای دیگر می فرماید: 'تو به این رضا خواهی داد، که بنده امین تو فساد را ببیند.' ۳۶ و اما داوود که در روزگار خود طبق اراده خدا خدمت کرده بود، درگذشت و به نیاکان خود ملحق شد و فساد را دید، ۳۷ اما آن کسی که خدا او را زنده گردانید، هرگز فساد را ندید. ۳۸ ای برادران، شما باید بدانید که مؤده آرمزش گناهان به وسیله عیسی به شما اعلام شده است. ۳۹ شما باید بدانید که هرکس به او ایمان آورد، از تمام گناهانی که شریعت موسی نتوانست او را آزاد نماید، آزاد خواهد شد. ۴۰ پس مواظب باشید، که این گفته انبیا در مورد شما صادق نباشد که می فرماید: ۴۱ ای استهزا کنندگان توجه کنید، حیران شوید و نابود گردید، زیرا در روزگار شما کاری خواهم کرد که حتی اگر کسی آن را برایتان بیان کند باور نخواهد کرد.»

۱۳: ۲۶ «ای ... ابنای آل ابراهیم و هر که از شما خداترس باشد» اشاره به شنوندگان یهودی (یا گروندگان به یهودیت) و غیر یهودیان (خداترسان) پیوند یافته با یکتاپرستی یهود و اخلاقیات آن، است.

□ «این نجات» اشاره به وعده خدا برای رهایی انسانیت گناهکار از طریق مسیح است (ر.ک. پید. ۳: ۱۵). این امر شامل غیریهودیان نیز می گردد (ر.ک. پید. ۱۲: ۵؛ خرو. ۱۹: ۵-۶؛ اعمال ۲۸: ۲۸ و ۱۳: ۴۶).

۱۳: ۲۷ چه آیه غم انگیزی. این آیه مختصراً کوری یهودیان اورشلیم درباره کتاب مقدس را خلاصه می کند، هرچند آنان پیوسته کلام خدا را می خواندند. با ندیدن نشانه های نبوتی (ر.ک. مز. ۲۲؛ اش. ۵۳؛ زکر. ۱: ۱۲) و نبوتها (اشعیا، یونس) خودشان تبدیل به نشانه نبوتی شدند! او نزد خاصان خود آمد، ولی خاصانش او را نپذیرفتند (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۱-۱۲).

۱۳: ۲۸ بارها و بارها در کتاب اعمال، مسئولیت روحانی یهودیان اورشلیم ثبت شده است (ر.ک. ۲: ۲۳، ۳: ۱۳-۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۷: ۵۲؛ ۱۰: ۳۹؛ ۱۳: ۲۷-۲۸).

۱۳: ۲۹ «به انجام رسانیدند ... پایین آوردند ... به خاک سپردند» باید اشاره به گروههای مختلف باشد. اولین گروه کسانی بودند که در پی مرگ عیسی بودند (یعنی رهبری یهودیان، جمعیت حاضر در برابر پیلاتس). دومین گروه شامل کسانی می گردید که به دنبال تدفینی مناسب حال عیسی بودند. این امر می توانست شامل حال یهودیان بی ریایی باشد که ناظر بر عدالت بودند (همانند اعمال ۸: ۲، کسانی که در تدفین استیغاف دست داشتند) یا شاگردانی مانند یوسف رامه ای و نیکودیموس (ر.ک. یوحنا ۱۹: ۳۸-۴۲).

□ «آنچه درباره او نوشته شده بود» زندگی عیسی عبارت از تحقق نبوت بود. مدرک قوی برای الهامی بودن کتاب مقدس و مسیح بودن عیسی ناصری، نبوتهای پیشگویی کننده هستند (ر.ک. لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۰: ۴۳؛ ۱۳: ۲۹؛ ۲۴: ۱۴؛ ۲۶: ۲۲).

این امر که بسیاری از جزئیات زندگی عیسی، که ما امروز در کلیسا نبوت می خوانیم، به معنایی نشانه شناسی است، کاملاً صحت دارد. بسیاری از وقایع در زندگی اسرائیل رخ داد که بعدها به نظر می رسد در زندگی عیسی نیز اتفاق افتاد (به عنوان مثال: هوشع ۱: ۱). اغلب اوقات متون مبهم و غیرمستقیم که در ابتدا مضمون نبوتی در آنها دیده نمی شد، گویی به داخل تجربه زمینی عیسی می جهند و ناگهان روشنی و حیات می یابند (مثال: مز. ۲۲؛ اش. ۵۳). برای درک کامل پیشگوییهای عهد عتیق درباره عیسی، الهام یافتن و درک جریان تاریخ رهایی بخش، ضرورت دارد.

□ «صلیب» نگاه کنید به یادداشتهای ۵: ۳۰ و ۱۰: ۲۹.

۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷ «لکن خدا او را از مردگان برخیزانید» عهد جدید تأکید می نماید که هر سه شخص تثلیث الهی در قیام عیسی نقش داشتند:

۱. روح القدس (ر.ک. روم. ۸: ۱۱)

۲. پسر (ر.ک. یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸)

۳. پدر (ر.ک. اعمال ۲: ۲۴، ۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷: ۳۱؛ روم. ۶: ۴، ۹؛ ۱۰: ۹؛ I قرن. ۶: ۱۴؛ II قرن. ۴: ۱۴؛ غلا. ۱: ۱؛ افس. ۱: ۲۰؛ کول. ۲: ۱۲؛ I تسلا. ۱: ۱۰).

این تأیید خدای پدر بر حقیقت زندگی و تعالیم عیسی بود. جنبه اصلی *Kerygma* (مضمون موعظه های اعمال) را نیز همین امر تشکیل می دهد. نگاه کنید به عنوان خاص در ۲: ۱۴.

۱۳: ۳۱ «زورهای بسیار» اعمال ۱: ۳ می گوید "چهل روز". با این وجود، چهل می توان یک عدد گرد شده عهد عتیقی باشد.

□ «ظاهر شد» عیسی خود را به افراد زیادی نمایان ساخت تا قیامش را تأیید نماید.

۱. زنان کنار قبر، متی ۲۸: ۹

۲. یازده شاگرد، متی ۲۸: ۱۶

۳. شمعون، لوقا ۲۴: ۳۴

۴. دو مرد، لوقا ۲۴: ۳۶
۵. شاگردان، لوقا ۲۴: ۱۵
۶. مریم مجدلیه، یوحنا ۲۰: ۱۵
۷. ده شاگرد، یوحنا ۲۰: ۱۷
۸. یازده شاگرد، یوحنا ۲۰: ۲۶
۹. هفت شاگرد، یوحنا ۲۱: ۱
۱۰. کیفا (پطرس)، I قرن. ۱۵: ۵
۱۱. ۵۰۰ تن از برادران، I قرن. ۱۵: ۶ (متی ۲۸: ۱۶-۱۷)
۱۲. یعقوب (خانواده زمینی اش)، I قرن. ۱۵: ۷
۱۳. همه رسولان، I قرن. ۱۵: ۷
۱۴. پولس، I قرن. ۱۵: ۸ (اعمال ۹)

برخی از اینها آشکارا اشاره به یک ظهور مشترک دارند. عیسی می خواست آنان مطمئن باشند که او زنده است!

**۱۳: ۳۲ «و وعده ای که به پدران ما داده شد»** اشاره به وعده اولیه YHWH به ابراهیم برای دادن زمین و نسل است (ر.ک. پید. ۱۲: ۱-۴؛ روم. ۴). همین وعده حضور و برکت خدا برای پطریارخها و فرزندان ایشان تکرار شد (ر.ک. اش. ۴۴: ۳؛ ۵۴: ۱۳؛ یوئیل ۲: ۳۲). عهد عتیق بر سرزمین متمرکز است درحالیکه عهد جدید بر "نسل" متمرکز دارد. پولس گریزی به این وعده در روم. ۱: ۲-۳ می زند.

**۱۳: ۳۳** نقل قول از مز. ۲: ۷، که مزموری مسیحایی سلطنتی درباره کشمکش و پیروزی مسیح موعود خدا است. عیسی به دست نیروهای شرارت (انسانی و شیطانی) به قتل رسید، ولی خدا او را پیروزمندانه برخیزانید (ر.ک. روم. ۴: ۱).

این آیه و روم. ۱: ۴ توسط بدعتکاران اولیه (معتقدان به فرزند خواندگی عیسی - adoptionists) مورد استفاده قرار می گرفت تا نشان دهند که عیسی در هنگام رستاخیز از مرگ، مسیح گردید. یقیناً تأکید عهد جدید بر تأیید و جلال یافتن عیسی به خاطر مطیع بودنش است، اما این امر را نباید مجزا از الوهیت، جلال و موجودیت ازلی وی بیانگاریم (ر.ک. یوحنا ۱: ۱-۵، ۹-۱۸؛ فیل. ۲: ۶-۱۱؛ کول. ۱: ۱۳-۱۸؛ عبر. ۱: ۳-۲).

همین فعل "برانگیخت" (*anistemi*)، در اعمال ۳: ۲۶ نیز در مورد اینکه خدا "بنده خود" را برخیزانید؛ و در اعمال ۳: ۲۲ از اینکه خدا نبی خود را برانگیخت (ر.ک. ۷: ۳۷؛ تث. ۱۸: ۱۹)، به کار رفته است. به نظر می رسد این با "برخیزانیدن" از مردگان متفاوت باشد (ر.ک. آیات ۳۰: ۳۴؛ ۳۷). عیسی پیش از مرگش "برافراشته" شد!

**۱۳: ۳۴ «دیگر هرگز راجع به فساد نخواهد شد»** این عبارت اشاره به مرگ و قیام عیسی دارد. او نخستین کسی بود که قیام کرد (نوبر مردگان، ر.ک. I قرن. ۱۵: ۲۰) نه کسی که دوباره احیا شود (با شانس مرگ بعدی). بسیاری از مردم در کتاب مقدس دوباره به زندگی بازگشتند، ولی همگی آنها به هر حال مردند. خون و ایلیا بدون آنکه بمیرند به آسمان منتقل شدند، ولی آنها نیز قیام نکردند.

□ **«به برکات قدوس و امین داوود برای شما وفا خواهیم کرد»** نقل قولی از اشعیا ۵۵: ۳ از ترجمه هفتاد است. نقل قول مزبور شامل عبارت جمع "برکات ... امین" است، اما مشخص نمی کند که مورد اشاره آن کدام است. این وعده خدا به داوود است که به عیسی و سپس به پیروان عیسی منتقل می شود (ضمیر جمع "شما"). متن عهد عتیق نشانگر اهمیت "شما" است (ر.ک. اش. ۵۵: ۴-۵ ترجمه هفتاد: "اینک من او را برای طوایف شاهد گردانیدم. رئیس و حاکم طوایف. هان امتی را که نشناخته بودی دعوت خواهی نمود، و امتی که تو را نشناخته بودند، نزد تو خواهند دوید. به خاطر یهوه که خدای تو است و قدوس اسرائیل که تو را تمجید نموده است"، ترجمه هفتاد، Zondervan, 1976, p. 890 را مطالعه کنید).

برکتها و وعده های داود (یعنی یهودیان) اکنون برکتها و وعده های غیریهودیان است (یعنی تمامی نژادهای انسانی).

۱۳: ۳۵-۳۷ این همان بحثی است که پیشتر در موعظه پنتیکاست پطرس مطرح شد (ر.ک. ۲: ۲۴-۳۲)، که آنهم از مز. ۱۶ گرفته شده بود. این موعظه های اولیه در کتاب اعمال منعکس کننده تعالیم و ترتیب عبادت مسیحیان اولیه (early Christian catechism) است. بسیاری از متون مسیحایی عهد عتیق به همدیگر مربوط و پیوسته بودند. بنابراین، اغلب اوقات **ضمایر** و جزئیات آنها گویی به نظر مربوط به هدف اصلی نویسنده عهد جدید یعنی تأکید بر قیام جسمانی عیسی و فاسد شدن داود نمی باشند.

۱۳: ۳۸ پولس بحث مکملی از عهد عتیق را مانند پطرس (اعمال ۲) و استیفان (اعمال ۷) پیش می کشد تا توجه این شنوندگان کنیسه را جلب نماید.

پولس وعده آموزش کامل گناهان را که یهودیت نمی توانست تأمین نماید (ر.ک. آیه ۳۹)، در اینجا به همه کسانی می دهد که به عیسی به عنوان مسیح ایمان آورند (یعنی: "او" در آیات ۳۸، ۳۹).

۱۳: ۳۹ «**بوسيله او هر که ...**» به عنصر جهانی توجه داشته باشید. خدا تمامی انسانها را محبت می کند و همه انسانها این فرصت را دارند تا به او با ایمان پاسخ دهند (ر.ک. ۱۰: ۴۳؛ اش. ۴۲: ۱، ۴، ۶، ۱۰-۱۲؛ ۵۵؛ حزق. ۱۸: ۳۲؛ یوئیل ۲: ۲۸، ۳۲؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ روم. ۳: ۲۲، ۲۹، ۳۰؛ ۱۰: ۹-۱۳؛ تیمو. ۲: ۴؛ II پطرس. ۳: ۹).

«ایمان آورد» نگاه کنید به یادداشت ۳: ۱۶.

۱۳: ۳۹

NASB, NKJV «از همه چیز آزاد شده است»

NRSV «از تمام آن گناهان آزاد شده است»

TEV «از تمام گناهان آزاد شده است»

NJB «عادل شمرده شده از تمامی گناهان»

در اصل "راست/عادل شمرده می شود" است (فعل حال اخباری مجهول). این یک اصطلاح قضایی است که ایستادن ما در حضور خدا بواسطه عدالت عیسی مسیح را توصیف می نماید (ر.ک. II قرن. ۵: ۱۲). در زبان عبری معنی اصلی این واژه "نی رودخانه" است. این اصطلاح مربوط به ساختمان سازی در عهد عتیق است که به گونه ای استعاری منعکس کننده این امر است که خدا به عنوان معیار یا خط کش، داوری می کند.

□ «**که به شریعت موسی نتوانستید عادل شمرده شوید**» این نکته اصلی الهیاتی پولس است (ر.ک. روم. ۳: ۲۱-۳۰). شریعت موسی معلمی بود که به ما درک گناه شخصی مان را بخشید و موجب گردید تا در آرزوی آمدن مسیح باشیم (ر.ک. غلا. ۳: ۲۳-۲۹). شریعت عهد عتیق طریقی برای نجات یافتن نیست، زیرا همه گناه کرده اند (ر.ک. روم. ۳: ۹-۱۸، ۲۳؛ غلا. ۳: ۲۲). شریعت حکم مرگ و لعنت گردید (ر.ک. غلا. ۳: ۱۳؛ کول. ۲: ۱۴).

۱۳: ۴۰-۴۱ پولس شنوندگان را فرامی خواند (فعل امری حال معلوم) تا با ایمان به عیسی به عنوان مسیح موعود به عنوان تنها راه دریافت آموزش، پاسخ دهند (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۶؛ اعمال ۴: ۱۲؛ تیمو. ۲: ۵).

او از حقوق ۱: ۵ از ترجمه هفتاد به عنوان یک هشدار، نقل قول می کند. در جاهای دیگر، در نوشته های پولس، او از حقوق ۲: ۴ به عنوان یک پاسخ مناسب نقل قول می نماید (ر.ک. روم. ۱: ۱۷؛ غلا. ۳: ۱۱). پولس به منظور ترغیب تصمیم گیری موعظه می کند. موافقت عقلانی کافی نیست؛ تسلیم کامل شخصی به عیسی به عنوان تنها امید مورد نظر است. ایمان اولیه و پاسخ با توبه می باید با زندگی مسیح گونه روزانه مطابقت یابد.

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۳: ۴۲-۴۳**

۴۲ در موقع خروج از کنیسه مردم از آنها تقاضا کردند، که سبت بعدی نیز درباره این امور برای ایشان سخن بگویند ۴۳ و وقتی مجلس تمام شد، بسیاری از یهودیان و آنها که به یهودیت گرویده بودند، به دنبال پولس و برنابا به راه افتادند. این دو با آنان صحبت می کردند و ایشان را تشویق می نمودند که در فیض الهی استوار بمانند.

۱۳: ۴۲ نشان دهند قدرت روح القدس در (۱) استفاده از موعظه پولس و (۲) گرسنگی برای آمرزش و آشتی دوباره با خدا در دل انسانهایی است که به شکل خدا آفریده شده اند.

۴۳: ۱۳

NASB

«جدیدالایمانان خداترس»

NKJV

«جدیدالایمانان با زندگی وقف شده»

NRSV

«جدیدالایمانانی که به یهودیت گرویده بودند»

TEV

«افرادی از امتها که به یهودیت گرویده بودند»

NJB

«تغییر دین دادگان با زندگی وقف شده»

این عبارت در اصل چنین است: "عبادت کنندگان گرویده به یهودیت". این گروهی متفاوت از "خداترسان" آیات ۱۶، ۲۶ است (ر.ک. ۱۰: ۲، ۲۲، ۳۵).

آیه ۴۳ به غیریهودیان اشاره می کند که رسماً یهودی شده بودند. این کار مستلزم: (۱) تعمیم خود در حضور چند شاهد، (۲) ختنه مردان؛ (۳) تقدیم قربان در معبد اورشلیم در وقت ممکن بود. در عهد جدید چند اشاره به نوگرویدگان به یهودیت شده است (ر.ک. متی ۲۳: ۱۵؛ اعمال ۲: ۱۱؛ ۶: ۵؛ ۱۳: ۴۳).

□ «ترغیب می نمودند که به فیض خدا ثابت باشید» معنی کردن این عبارت در مضمون این متن کار دشواری است: (۱) برخی از این شنوندگان شاید از قبل به انجیل در دلشان پاسخ مثبت داده بودند یا (۲) کسانی که به درک خود از فیض خدا در عهد عتیق وفادار بودند، ترغیب می شوند که به جستجوی خدا و گوش کردن دوباره به پولس ادامه دهند (ر.ک. آیه ۴۴).

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۳: ۴۴-۴۷**

۴۴ هفته بعد تقریباً همه ساکنان آن شهر برای شنیدن پیام خدا گرد آمدند. ۴۵ اما هنگامی که یهودیان جماعت را دیدند حسادت ورزیدند و هر چه را پولس می گفت، تکذیب می کردند و به او دشنام می دادند. ۴۶ پولس و برنابا با شهامت و جسارت گفتند: «لازم بود که کلام خدا قبل از همه به گوش شما برسد، اما چون شما آن را رد کردید و خود را لایق حیات جاودانی ندانستید، بدانید که ما از این پس نزد غیر یهودیان خواهیم رفت، ۴۷ زیرا خداوند چنین فرموده است: 'من تو را نور تمام ملت‌های جهان خواهم ساخت تا اینکه تمام دنیا نجات یابند.'»

۱۳: ۴۴ پیام پولس دارای تأثیر قوی آشکاری است. این جمله شامل صنعت مبالغه نیز هست. تمامی شهروندان شهر یقیناً در آن جلسه حضور نداشتند.

۱۳: ۴۵ «چون یهود ازدحام خلق را دیدند، از حسادت پر گشتند» از مضمون این متن مشخص نیست که انگیزه حسادت، ازدحام شرکت کنندگان بوده یا شمار زیاد غیریهودیان در آن جمعیت. این گونه حسادت به رهبری یهود نسبت داده می شود، هم در اورشلیم و هم در دیازپورا (Diaspora). (ر.ک. متی ۲۷: ۱۸؛ مرقس ۱۵: ۱۰؛ اعمال ۱۷: ۵).

بعدها، پولس در رساله به رومیان مسئله الهیاتی بی ایمانی یهودیان را مطرح می سازد (ر.ک. روم. ۹-۱۱). او اظهار می دارد که خدا به طور موقت، چشمان اسرائیل را کور کرده تا غیریهودیان نجات یابند. اما خدا از نجات غیریهودیان به عنوان وسیله ای (حسادت) به منظور مشتاق کردن اسرائیل برای پاسخ به مسیح استفاده می کند تا همه ایمانداران بواسطه انجیل با هم متحد گردند (ر.ک. افس. ۲: ۱۱-۳: ۱۳).

مسئله در اینجاست که این امر چه وقت رخ می دهد؟ همین سؤال را می توان در مورد زکریا ۱۲: ۱۰ مطرح کرد. آیا این نبوت مربوط به کلیسای اولیه است که از یهودیان ایماندار تشکیل می شد یا مربوط به دوره ای در آینده می گردد؟ از حسادت، به منظور رهایی یافتن استفاده می شود (ر.ک. روم. ۱۰: ۱۹؛ ۱۱: ۱۱، ۱۴) اما در این متن حسادت موجب بی ایمانی می گردد!

□ «از حسد پر گشتند» نگاه کنید به یادداشت ۳: ۱۰.

□ «کفر گفته» یهودیانی که به دفاع از سنتهای خود، به موعظه پولس حمله کردند، خودشان متهم به کفرگویی بودند. در اینجا هیچ راه میانه ای وجود ندارد. یا یهودیت انعکاس حقیقی اراده خداست، یا مسیحیت. اینها فراگیر هستند!

۱۳: ۴۶ «با شهامت و جسارت گفتند» این یکی از نشانه‌ها در کتاب اعمال از پری روح القدس است.

□ «لازم بود که کلام خدا قبل از همه به گوش شما برسد» این الگوی موعظه بشارتی اولیه بود. یهودیان اولویت داشتند (ر.ک. روم. ۹-۱۱)؛ اما خدا غیریهودیان را نیز وارد کرده بود. کسانی که در کنیسه بودند با عهد عتیق آشنایی داشتند و می توانستند نبوتها را بررسی کنند. کتاب اعمال دارای دنباله ای از متنها درباره این دیدگاه و الگو است (ر.ک. ۳: ۲۶؛ ۹: ۲۰؛ ۱۳: ۵، ۱۴؛ ۱۶: ۱۳؛ ۱۷: ۲، ۱۰، ۱۷).

□ «آن را رد کردید» یک فعل قوی (حال میانی اخباری) است که چند بار در ترجمه هفتاد به کار رفته است. معنی اصلی آن "بیرون راندن" است. این فعل درباره یهودیان در موعظه استیفان بکار رفته است (ر.ک. ۷: ۳۹). همچنین پولس از آن در رومیان ۱۱: ۱-۲ استفاده می کند تا بیان نماید که خدا قوم خود را رد نکرده است، بلکه آنها پسر او، یعنی آن یگانه طریق نجات، و مکاشفه کامل الهی را رد کرده اند.

□ «خود را ناشایسته حیات جاودانی شمردید» نگاه داشتن دو دیدگاه تقدیر الهی، که اغلب در اعمال بر آن تأکید می شود، با دیدگاه پاسخ شخصی ارادی به دعوت الهی در کنار همدیگر کار دشواری است. هیچ کس نمی تواند بدون آنکه خدا او را جذب نماید، ایمان بیاورد (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵)، اما ما در قبال پاسخی که می دهیم داوری خواهیم شد. آنها با رد کردن موعظه پولس به انجیل، شخصیت واقعیشان را نمایان ساختند (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۷-۲۱). ملامت عدم پاسخ ما را نمی توان متوجه خدا کرد. او راه، یعنی پسر را تأمین کرده است، اما او تنها راه نجات است.

□ «پیش غیریهودیان خواهیم رفت» این الگوی معمول اعلام انجیل می گردد (ر.ک. ۱۸: ۶؛ ۲۲: ۲۱؛ ۲۶: ۲۰؛ ۲۸: ۲۸؛ روم. ۱: ۱۶).

۱۳: ۴۷ نقل قولی از اش. ۴۹: ۶ از ترجمه هفتاد است. شمعون در لوقا ۲: ۳۲ از این نقل قول برای برکت عیسی استفاده می کند تا بر کار مسیحایی وی برای نجات جهان شمول تأکید نماید. حتی این امکان نیز وجود دارد که "نور" در این متن اشاره به موعظه به انجیل پولس و برنابا برای غیریهودیان باشد (ر.ک. مقاله: Use of the Old Testament in the New", by Darrel Boch, p. 97 در کتاب Foundations for Biblical Interpretation, Broadman & Holman Publisher, 1994). حال پولس از آن برای نشان

دادن جهانی بود اعلام انجیل جهانی استفاده می کند!



## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۳: ۴۸-۵۲

۴۸ وقتی غیر یهودیان این گفتار را شنیدند خوشحال شدند و از کلام خدا تعریف کردند و آنانی که برای دریافت حیات جاودانی معین شده بودند، ایمان آوردند. ۴۹ پیام خداوند در تمام آن سرزمین منتشر شد. ۵۰ اما یهودیان زنهاى متنفذی که به یهودیت گرویده بودند و بزرگان شهر را به ضد پولس و برنابا تحریک نمودند. پس آنان را آزار رسانیده از آن ناحیه بیرون کردند. ۵۱ اما آن دو به عنوان اعتراض، خاک آن شهر را از پاهای خود تکانده و به شهر قونیه رفتند ۵۲ و شاگردان در انطاکیه پر از شادی و روح القدس گردیدند.

۱۳: ۴۸ «چون امتها این را شنیدند، شاد خاطر شده، کلام خداوند را تمجید نمودند» بسیاری از آنان سالها به کنیسه می رفتند و هرگز پیام فراگیر جهان شمول محبت خدا و پذیرش تمامی انسانها بواسطه ایمان به مسیح را نشنیده بودند. وقتی این پیام را شنیدند با شوق و ذوق فراوان آن را پذیرفتند (ر.ک. ۲۸: ۲۸) و با سایرین نیز در میان گذاشتند (ر.ک. آیه ۴۹).

□ «آنانی که برای حیات جاودانی مقرر بودند، ایمان آوردند» عبارت روشن از تقدیر الهی (که در میان معلمان یهود و ادبیات یهودی میان دو عهد بسیار رایج بود)، اما این عبارت نیز مانند تمامی متون عهد جدید که دوگانگی گزینش الهی و اراده آزاد انسان را به هم مربوط می سازند، ارتباطی مبهم را بیان می دارد (ر.ک. فیل. ۲: ۱۲، ۱۳). این یک فعل ماضی بعید با حشو و زواید مجهول است که از اصطلاح نظامی (*tasso*) به معنی "ثبت نام کردن" یا "منصوب کردن" می آید. این مفهوم ثبت نام بازمی گردد به دو کتاب تمثیلی که خدا نگاه می دارد (ر.ک. دان. ۷: ۱۰؛ مکا. ۲۰: ۱۲). اولین کتاب، کتاب اعمال انسانهاست (ر.ک. مز. ۵۶: ۸؛ ۱۳۹: ۱۶؛ اش. ۶۵: ۶؛ و ملا. ۳: ۱۶). کتاب دوم، کتاب حیات است (ر.ک. خرو. ۳۲: ۳۲؛ مز. ۶۹: ۲۸؛ اش. ۴: ۳؛ دان. ۱۲: ۱؛ لوقا ۱۰: ۲۰؛ فیل. ۴: ۳؛ عبر. ۱۲: ۲۳؛ مکا. ۳: ۵؛ ۱۳: ۸؛ ۱۷: ۸؛ ۲۰: ۱۲-۱۵؛ ۲۱: ۲۷). نگاه کنید به عنوان خاص: گزینش/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی در ۲: ۴۷.

۱۳: ۵۰ «اما یهودیان چند زن دیندار و متشخص ... را بشورانیدند» این متن زمینه تاریخی و فرهنگی جایگاه والای زنان در آسیای صغیر در قرن اول میلادی را به دست می دهد (ر.ک. ۱۶: ۱۴؛ ۱۷: ۴).

در این مضمون اشاره به نوگرویدگان به یهودیت است که آنان نیز رهبران جامعه بودند یا با رهبران مدنی ازدواج کرده بود. A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament*, vol. 3 T p. 201 این نکته را خاطر نشان می کند زنان غیریهودی به خاطر اخلاقیات در یهودیت، بسیار مجذوب آن می شدند (ر.ک. *Strabo 7: 2 and Juvenal 6: 542*). □ «به ضد پولس و برنابا تحریک نمودند» پولس به این ماجرا در II تیمو. ۳: ۱۱ اشاره می کند.

۱۳: ۵۱ «خاک پایهای خود را بر ایشان افشاند» نشانه ای یهودی برای رد کردن (ر.ک. متی ۱۰: ۱۴؛ لوقا ۹: ۵؛ ۱۰: ۱۱). مشخص نیست که اشاره به (۱) خاک پاها و کفشهایشان در اثر راه رفتن است یا (۲) خاک ردهایشان که در اثر کار و تلاش خاکی شده بود. □ «ایقونیه» شهری بزرگ در لیکائونیه، واقع در استان رومی غلاطیه. این شهر حدود ۸۰ مایلی شرق، جنوب شرقی انطاکیه پیسیدیه و مستقیماً در شمال لستره قرار داشت.

۱۳: ۵۲ «پر از خوشی» یک فعل اخباری مجهول ناکامل که می تواند به معنی شروع یک کار یا تکرار کاری در گذشته باشد. ترجمه به روز شده NASB، چاپ ۱۹۹۵ آن را در معنای دوم بیان می دارد (تکرار کار در گذشته). فقط روح القدس است که می تواند در میان آزار و شکنجه، خوشی و شادی ایجاد کن (ر.ک. یعقوب ۱: ۲ به بعد؛ I پتر. ۴: ۱۲ به بعد).

عبارت "شاگردان" در اینجا مبهم است. آیا منظور از آن ایمانداران جدید است یا گروه بشارتی، و یا هر دو؟

پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا نمی توان از ۲:۱۳ به عنوان متن اثبات کننده دستگذاری توسط یک گروه منتخب استفاده کرد؟

۲. چرا پولس ابتدا در کنیسه موعظه می کرد؟

۳. چرا یوحنا مرقس گروه بشارتی را ترک کرد؟ (ر.ک. آیه ۱۳)

۴. چگونه می توان آیه ۳۹ را مرتبط با غلاطیان ۳ دانست؟

۵. آیه ۴۸ را در ارتباط با تقدیر الهی و اراده آزاد انسان توضیح دهید.

**کارهای رسولان فصل ۱۴**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
بشارت در ایقونیه	در ایقونیه	بشارت در ناحیه ایقونیه و بازگشت	در ایقونیه	پولس و برنابا در ایقونیه
۱:۱۴	۷-۱:۱۴	۷-۱:۱۴	۷-۱:۱۴	۷-۱:۱۴
۲:۱۴				
۳:۱۴				
۷-۴:۱۴				
شفای مفلوج	در لستره و دربه		بت پرستی در لستره	پولس و برنابا در لستره
۱۰-۸:۱۴	۱۳-۸:۱۴	۱۸-۸:۱۴	۱۸-۸:۱۴	۱۸-۸:۱۴
۱۸-۱۱:۱۴				
	۱۸-۱۴:۱۴			
پایان مأموریت			سنگسار، فرار به دربه	
۲۰-۱۹:۱۴	۲۰-۱۹:۱۴	۲۰-۱۹:۱۴	۲۰-۱۹:۱۴	۲۰-۱۹:۱۴
	بازگشت به انطاکیه		تحکیم نوایمانان	بازگشت به انطاکیه
	سوریه			سوریه
۲۳-۲۱:۱۴	۲۳-۲۱:۱۴	۲۳-۲۱:۱۴	۲۸-۲۱:۱۴	۲۸-۲۱:۱۴
۲۶-۲۴:۱۴	۲۶-۲۴:۱۴	۲۸-۲۴:۱۴		
۲۸-۲۷:۱۴	۲۸-۲۷:۱۴			

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

## چگونه می توان ارتباط میان خدمات پولس با رساله به غلاطیان را تشریح کرد؟

ا. باید دو جنبه از اصول زمینه ای موجود را با همدیگر مورد بررسی قرار دهیم، زیرا دو فرضیه مخالف مربوط به هویت گیرندگان رساله بر تاریخ گذاری آن تأثیر گذار است. هر دو فرضیه دارای وزن منطقی و شواهد کتاب مقدسی محدود هستند.

ب. دو فرضیه عبارتند از:

۱. فرضیه سنتی که تا پیش از قرن هیجدهم بی نام بود:

ا) نام این فرضیه را "فرضیه غلاطیان شمالی" گذارده اند.

ب) فرض بر این گرفته می شود که منظور از "غلاطیه"، سرزمین نژادی غلاطیان در میانه شمالی فلات ترکیه است (ر.ک. I پتر. ۱: ۱). این قوم از نژاد سلتها (در یونانی *Keltoi* و در زبان لاتین *Gall*) بودند که منطقه مزبور را در قرن سوم ق.م. فتح کردند. آنها را "Gallo-Graecians" (قوم گال-یونانی) می خواندند تا از برادران غربی شان در اروپا مجزایشان نمایند. آنها در سال ۲۳۰ ق.م. مغلوب آتالوس اول، شاه پراگماتس (*Attalus I, the King of Pergamum*) شدند. نفوذ جغرافیایی ایشان محدود به شمال مرکزی آسیای صغیر یا ترکیه امروزی می شد.

ج) اگر فرض بر این گروه نژادی باشد، آنگاه تاریخ رساله غلاطیان می تواند اواسط دهه ۵۰ م. در طی سفر دوم یا سوم بشارتی پولس باشد. همراهان سفر پولس در این هنگام سیلاس و تیموتائوس بودند.

د) برخی بیماری پولس در غلا. ۴: ۱۳ را مالاریا دانسته اند. آنان اظهار می دارند که پولس به شمال به سرزمینهای کوهستانی رفت تا از سواحل پست باتلاقی مالاریاخیز دور باشد.

۲. مدافع اصلی دومین فرضیه Sir Wm. M. Ramsay, *St. Paul the Traveler and Roman Citizen*, New York: G. P. Putnam's Sons, 1896 است.

ا) در حالیکه فرضیه سنتی "غلاطیه" را سرزمینی نژادی می دانست، این فرضیه آن را یک سرزمین دولتی می شمارد. به نظر می رسد که پولس اغلب اوقات از اسامی استانی رومی استفاده می کرد (ر.ک. I قرن. ۱۶: ۱۹؛ II قرن. ۱: ۸؛ ۱، و غیره). استان رومی "غلاطیه" سرزمین پهناورتری از "غلاطیه" نژادی بود. قوم سلتها از ابتدا حامی رومیان بودند و با خودمختاری محلی بیشتر و نیز توسعه قدرت ارضی پاداش یافتند. اگر منطقه بزرگ "غلاطیه" مورد نظر باشد، آنگاه امکان دارد موقعیت کلیساهای غلاطیه مورد خطاب در رساله همین کلیساهای انطاکیه پیسیدیه، لستره، دربه و ایقونیه باشد که در اعمال ۱۳-۱۴ حین سفر اول بشارتی پولس بدیشان اشاره شده است.

ب) چنانچه این فرضیه "جنوبی" صحت داشته باشد، تاریخ رساله به غلاطیان بسیار زودتر، یعنی اندکی پیش از "شورای اورشلیم" در اعمال ۱۵ است. شورای اورشلیم در ۴۸-۴۹ م. برگزار شد و لذا تاریخ نامه احتمالاً به همین دوره زمانی بازمی گردد. در این صورت، غلاطیان اولین رساله پولس در کتاب عهد جدید است.

ج) برخی از شواهد موجود در تأیید فرضیه غلاطیه جنوبی عبارتند از:

(۱) هیچگونه اشاره ای به اسامی همسفران پولس نشده، اما نام برنابا سه بار ذکر شده است (ر.ک. ۲: ۱، ۹، ۱۳). این امر در تناسب با سفر اول بشارتی پولس است.

(۲) اشاره به ختنه نشدن تیطس (ر.ک. ۲: ۱-۵)، به بهترین وجه در تناسب با زمانی پیش از شورای اورشلیم در اعمال ۱۵ است.

(۳) اشاره به پطرس (ر.ک. ۲: ۱۱-۱۴) و مشکل مشارکت با غلاطیان به بهترین شکل با دوران پیش از شورای اورشلیم هماهنگی دارد.

(۴) هنگامی که پولس اعانه‌ها را به اورشلیم آورد (ر.ک. اعمال ۲۰: ۴)، اسامی همراهانش که از مناطق مختلف بودند، فهرست وار آمده است. اما در این فهرست نام هیچیک از شهرهای غلاطیه شمالی ذکر نشده هرچند مشخص است که این کلیساهای مربوط به غلاطیه نژادی نیز در این امر شرکت داشتند (ر.ک. I قرن. ۱۶: ۱).

ارائه جزئیات مباحث مختلف مربوط به این فرضیات، در کتابهای تفسیری فنی آمده است. هر یک از این فرضیات نکات با ارزشی را مطرح می‌سازند. در این برهه از زمان هنوز توافقی میان طرفداران دو فرضیه صورت نگرفته است، اما به نظر می‌رسد که "فرضیه جنوبی" بهترین تناسب را با تمامی واقعیتها داشته باشد.

ج. رابطه میان غلاطیان با کتاب اعمال

۱. لوقا پنج دیدار پولس از اورشلیم را ثبت کرده است:

(أ) ۹: ۲۶-۳۰، پس از ایمان آوردن او به مسیح

(ب) ۱۱: ۳۰؛ ۱۲: ۲۵، برای پیشکش اعانه کلیساهای غیریهودیان در قحطی

(ج) ۱۵: ۱-۳۰، شورای اورشلیم

(د) ۱۸: ۲۲، دیدار کوتاه

(ه) ۲۱: ۱۵ به بعد، گزارش دیگری از کار بشارت در میان غیریهودیان

۲. دو دیدار پولس از اورشلیم در رساله غلاطیان به ثبت رسیده است:

(أ) ۱: ۱۸، پس از سه سال

(ب) ۲: ۱، پس از چهارده سال

۳. به نظر می‌رسد که احتمالاً اعمال ۹: ۲۶ مربوط می‌شود به غلا. ۱: ۱۸، و اعمال ۱۱: ۳۰، ۱۵: ۱ به بعد نیز زمینه دیدارهای به ثبت نرسیده ای اند که در غلا. ۲: ۱ آمده است.

۴. چند تفاوت میان اعمال ۱۵ و غلا. ۲ وجود دارد که احتمالاً ناشی از موارد زیر هستند:

(أ) دیدگاههای مختلف

(ب) اهداف مختلف لوقا و پولس

(ج) این واقعیت که غلا. ۲ احتمالاً مدتی پیش از شورای اورشلیم در اعمال ۱۵ رخ داده اما در ارتباط با آن بوده است.

## مطالعه عبارات و واژگان

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۴: ۱-۷

۱ در شهر قونیه نیز پولس و برنابا به کنیسه یهود وارد شدند و چنان صحبت کردند، که گروه عظیمی از یهودیان و یونانیان ایمان آوردند. ۲ اما یهودیانی که ایمان نیاورده بودند، غیر یهودیان را تحریک کردند و افکار آنان را نسبت به این ایمانداران منحرف ساختند. ۳ آن دو مدّت زیادی در آن شهر ماندند و بدون ترس دربارهٔ خداوند سخن می‌گفتند. خداوند نیز با اعطای قدرت به آنها برای انجام عجایب و نشانه‌ها، پیام فیض بخش خود را تصدیق می‌فرمود. ۴ اما بین مردم شهر دودستگی افتاد، عده‌ای طرفدار یهودیان شدند و عده‌ای جانب رسولان را گرفتند. ۵ در این وقت یهودیان و غیر یهودیان با همدستی اولیای امور تصمیم گرفته بودند، به رسولان آزار برسانند و آنان را سنگسار نمایند. ۶ به محض اینکه رسولان از این موضوع آگاه شدند، به سوی شهرهای لیکائونیه یعنی لستره و دربه و نواحی مجاور فرار کردند ۷ و در آنجا به بشارت نجات ادامه دادند.

۱:۱۴ «ایقونیه» کتاب غیرکانونی قرن دوم میلادی به نام *The Acts of Paul and Thekla*، موجود است که در آن گزارشی از فعالیتهای پولس در ایقونیه ارائه می شود. این کتاب احتمالاً شامل تنها توصیف ظاهری از پولس است که تا بحال به ثبت رسیده بدین گونه: قد کوتاه، کچل، پاهای کمانی شکل، ابروهای پرپشت و چشمان برآمده. کاملاً مشخص است که این کتاب، الهامی نمی باشد با این وجود بازتابی از تأثیر پولس رسول بر این منطقه از آسیای صغیر را به دست می دهد. بخش عمده این منطقه در استان رومی غلاطیه واقع بود.

□ «به کنیسه ... وارد شدند» این الگوی رفتاری معمول پولس و برنابا بود. شنوندگان کنیسه را یهودیان و یونانیانی تشکیل می دادند که با نبوتها و وعده های عهد عتیق آشنا بودند.

□ «جمعی کثیر از یهود و یونانیان ایمان آوردند» این عبارت نشانگر مقصود اصلی کتاب اعمال است. انجیل با قوت تمام در میان گروههای مختلف مردم منتشر می شود. مفاهیم ضمنی وعده های عهد عتیق برای تمامی بشریت (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳) اکنون دریافت می گردند.

این عبارات خلاصه ای مربوط به رشد سریع کلیسا، مشخصه کتاب اعمال است.

۱:۲ «یهودیان بی ایمان» مشخصه نجات "ایمان آوردند" (آیه ۱) و مشخصه کوری روحانی و سرسختی، "بی اطاعتی" یا "بی ایمانی" است. خودداری از پاسخ به انجیل حکم به کوری و گمگشتگی شخص می دهد! لوقا مخالفت ستیزه جویانه بی ایمانی یهود و آزار و شکنجه فعال ایشان را سندیت می بخشد. این عدم پذیرش ایشان است که در ایمان را بسوی غیریهودیان می گشاید (ر.ک. روم. ۹-۱۱).

□ «تحریک کردند» یک فعل رایج در ترجمه هفتاد برای تمرد و سرکشی (ر.ک. I سمو. ۳: ۱۲؛ ۲۲: ۸؛ II سمو. ۱۸: ۳۱؛ ۲۲: ۴۹؛ I توا. ۵: ۲۶)، که در عهد عتیق فقط در اعمال ۱۳: ۵۰ و ۱۴: ۲ به کار رفته است.

□ «بداندیش» اصطلاح رایج دیگر در ترجمه هفتاد برای توصیف پلیدی، مردمان ظالمی که بر دیگران ظلم می کنند. لوقا اغلب اوقات از این اصطلاح در کتاب اعمال استفاده می کند (ر.ک. ۷: ۶، ۱۹؛ ۱۲: ۱؛ ۱۴: ۲؛ ۱۸: ۱۰).

۱:۳ خدا از معجزات به منظور تأیید شخصیت پرفیض خود و نیز راستی انجیل عیسی مسیح در این منطقه جدید استفاده می کند (ر.ک. ۴: ۲۹-۳۰؛ عبر. ۲: ۴).

۱:۴ «و مردم شهر دو فرقه شدند» کلام راستی همواره مردم را به دو دسته تقسیم می کند (ر.ک. ۱۷: ۴-۵؛ ۱۹: ۹؛ ۲۸: ۲۴؛ متی ۱۰: ۳۴-۳۶). برخی از یهودیان در کنیسه ایمان آوردند، اما سایرین برضد انجیل به ستیزه جویی برخاستند.

□ «با رسولان» اشاره به پولس و برناباست. لوقا فقط در این باب (در آیات ۴ و ۱۴) از کتاب اعمال از این اصطلاح برای اشاره به کسی غیر از دوازده رسول اصلی استفاده می کند. برنابا رسول خوانده می شود (ر.ک. آیه ۱۴). به این موضوع در I قرن. ۹: ۵-۶ نیز به طور ضمنی اشاره شده است. این امر آشکارا استفاده بازتری از اصطلاح "رسول"، فرای آن دوازده تن اولیه است. یعقوب عادل (برادر ناتنی عیسی) در غلاطیان ۱: ۱۹ رسول خوانده شده است؛ سیلوانس و تیموتائوس در I تسا. ۱: ۱ و ۲: ۶ رسول خوانده شده اند؛ به آندرونیوکوس و یونیوس (یونیا در ترجمه KJV) نیز در روم. ۱۶: ۶-۷ لقب رسول داده شده است؛ و آپولس در I قرن. ۴: ۶-۹ رسول خوانده شده است.

دوازده رسول مسیح بی همتا بودند. پس از مرگشان کسی جای ایشان را نگرفت (به غیر از متیاس، ر.ک. اعمال ۱). اما در I قرن. ۱۲: ۲۸ و افس. ۴: ۱۱ به عطای ادامه دار رسالت اشاره شده است. عهد جدید اطلاعات کافی در توصیف عملکرد صاحبان این عطا به دست نمی دهد.

۱۴:۵ «با روسای خود» می تواند اشاره به رهبران شهر یا رهبران کنیسه باشد. برخی از کاتبان اولیه و مفسرین معاصر اظهار می دارند که اشاره به دو آزار و شکنجه شده است: (۱) آیه ۲ و (۲) آیه ۵. اما در این مضمون فقط یک آزار و شکنجه شرح داده می شود.

۱۴:۵

NASB, NRSV,  
TEV  
NKJV  
NJB  
«بد رفتاری کردن»  
«آزار دادن»  
«حمله کردن»

واژه یونانی *hubrizo-* شدیدتر از "بدرفتاری" است و احتمالاً به معنی "لجام گسیختگی" یا "ارتکاب اعمال خشونت آمیز" می باشد. این واژه در ترجمه هفتاد بسیار رایج است. لوقا از آن معمولاً به سه معنی استفاده می کند:

۱. توهین و سرزنش، لوقا ۱۱: ۴۵

۲. استهزا و بی حرمتی، لوقا ۱۸: ۳۲؛ اعمال ۱۴: ۵

۳. ضرر و زیان در اموال، اعمال ۲۷: ۱۰، ۲۱

□ «سنگسار» این واژه دوم نشانگر شدت خشونت است که گروه مخالف در توطئه برای حمله به ایمانداران اعمال کردند. احتمالاً یهودیان حاضر در آن گروه این روش مشخص را بخاطر ارتباطش با کفرگویی، برگزیدند.

۱۴:۶ «به سوی لستره و دربه شهرهای لیکائونیه ... فرار کردند» ایقونیه در فریجیه قرار داشت. این شهر نزدیک مرز یک گروه مجزای نژادی قرار داشت. این جزئیات نشان دهنده تاریخی بودن کتاب اعمال است.

۱۴:۷ فعل میانی کامل دارای حشو و زوائد، به معنی اینکه آنها دوباره و دوباره به موعظه پرداختند. موعظه به انجیل، محور سفرهای بشارتی پولس بود (ر.ک. ۱۴: ۲۱؛ ۱۶: ۱۰). کسانی که در اثر موعظه های وی به مسیح ایمان آوردند نیز اضطرابی بودن و تعهد به ارائه انجیل به سایرین را احساس می کردند. این اولویت همچنان ادامه داشت/ دارد (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴: ۴۷؛ اعمال ۱: ۸)!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۴: ۸-۱۸

۸ در شهر لستره مرد مفلوجی نشسته بود، که لنگ مادرزاد بود و هرگز با پاهای خود راه نرفته بود. ۹ او به سخنان پولس گوش می داد. پولس به صورت او خیره شد و چون دید ایمان آن را دارد که شفا یابد، ۱۰ با صدای بلند به او گفت: «بلند شو و راست روی پاهای خود بایست.» او جست زد و به راه افتاد. ۱۱ وقتی مردم کاری را که پولس کرد دیدند، به زبان آن محل فریاد زدند: «خدایان به صورت انسان در میان ما فرود آمده اند.» ۱۲ برنابا را مشتری و پولس را عطارد خواندند. (پولس را از آن جهت عطارد خواندند، که سخنگوی آنان بود.) ۱۳ آنگاه کاهن پرستشگاه مشتری که پرستشگاهش در خارج از شهر واقع بود گاوانی با حلقه های گل به دروازه شهر آورد و می خواست به اتفاق جماعت گاوان را قربانی کند. ۱۴ اما هنگامی که آن دو رسول، یعنی برنابا و پولس از این امر مطلع گشتند، لباسهای خود را دریدند و به میان مردم رفته فریاد می کردند: ۱۵ «ای آقایان، چه می کنید؟ ما هم مثل شما انسان هستیم، با عواطف و احساساتی مانند خود شما. ما برای شما مؤده ای داریم، که از این کارهای بیهوده باز گردید و به خدای زنده ای که آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست آفریده است، روی آورید. ۱۶ در دوران گذشته او اجازه داد که جمیع ملتها به راههای خود بروند. ۱۷ در عین حال کارهای نیک او همیشه وجودش را ثابت نموده است. او به شما از آسمان باران و محصول به موقع عطا می کند، به شما غذا می دهد و دلهایتان را از شادمانی پر می سازد.» ۱۸ رسولان با این سخنان به سختی توانستند مردم را از قربانی کردن برای ایشان باز دارند.

۱۴: ۸ «در لستره» این شهر، زادگاه تیموتائوس بود (ر.ک. ۱۶: ۱). آگوستوس در ۶ م. آن را به عنوان یک مستعمره رومی بنا نهاد. احتمالاً کنیسه ای در آنجا وجود نداشت، پس پولس و برنابا به موعظه در خیابانها پرداختند.

□ هیچگونه امکاناتی برای شعبده بازی یا حيله گری وجود نداشت (ر.ک. ۳: ۲). سه عبارت توصیفی مشخص وضعیت دائمی این مرد را تشریح می کنند.

□ «بی حرکت» واژه *adunatos* معمولاً به معنی "غیرممکن" یا در اصل "ناتوان" است (ر.ک. لوقا ۱۸: ۲۷؛ عبر. ۶: ۴، ۱۸: ۱۰؛ ۴: ۱۱؛ ۶)، اما در اینجا لوقا آن را مانند نویسندگان مقاله های پزشکی در معنای ناتوان و ضعیف به کار می برد (ر.ک. روم. ۸: ۳؛ ۱۵: ۱). جالب توجه است که لوقا در بسیاری از جهات، خدمات پطرس و پولس را با هم برابر می سازد. پطرس و یوحنا مرد مفلوجی را در ۳-۱۰ شفا می دهند و در اینجا نیز پولس و برنابا همان کار را می کنند.

۱۴: ۹ «بر وی نیک نگریست» لوقا از این عبارت اغلب استفاده می کند (ر.ک. ۳: ۴؛ ۱۰: ۴). نگاه کنید به یادداشت ۱: ۱۰. پولس دید که این مرد به دقت گوش می دهد. بنابراین، به او فرمان داد تا بایستد و راه برود (ر.ک. آیه ۱۰) و او این کار را کرد!

□ «که ایمان شفا یافتن را دارد» در مفهوم اصطلاح "نجات یابد" در عهد عتیق، برای رهایی فیزیکی از یک وضعیت آمده است. توجه داشته باشید که شفا بخشیدن پولس بر اساس ایمان آن مرد بود. این امر اغلب اوقات در عهد جدید رخ می دهد (ر.ک. لوقا ۵: ۲۰؛ یوحنا ۵: ۵-۹)، اما نه همیشه. معجزات چند کار کرد داشت: (۱) نشان دادن محبت خدا؛ (۲) نشان دادن قدرت و راستی انجیل؛ یا (۳) تربیت و تشویق سایر ایمانداران حاضر.

۱۴: ۱۱ «به زبان لیکائونیه» پولس و برنابا آشکارا متوجه آنچه جمعیت می گفت، نمی شدند. این زبان بومی آن منطقه بود.

۱۴: ۱۱-۱۲ «برنابا را مشتری (ژئوس) و پولس را عطارد (هرمس) خواندند زیرا که او در سخن گفتن مقدم بود» بر اساس یک سنت محلی، خدایان یونانی اغلب اوقات با شکل انسانی به دیدار انسانها می آمدند (ر.ک. Ovid, *Metamorphoses* 8: 626ff). کنیسه های محلی چنین می توان دریافت کرد که در منطقه مزبور، مردم مشتری (ژئوس) و عطارد (هرمس) را می پرستیدند (ر.ک. آیه ۱۳). توجه داشته باشید که در اینجا نام برنابا اول آمده است. این احتمالاً به دلیل آن بود که پولس نقش سخنگو را ایفا می کرد و مردم وی را همتای هرمس (عطارد) و لذا برنابای ساکت را معادل خدای بزرگ، ژئوس (مشتری) پنداشتند.

۱۴: ۱۳ «دروازه» می تواند اشاره به دروازه شهر یا به احتمال بیشتر، دروازه معبد مشتری (ژئوس) باشد که درست در بیرون دروازه شهر و در مقابل آن قرار داشت. اوضاع بسیار در هم و پراز سوء تفاهم بود.

۱۴: ۱۴ «رسولان» نگاه کنید به یادداشت ۴: ۱۴

□ «جامه های خود را دریده» کاری به نشانه عزاداری یا کفرگویی در میان یهود بود (ر.ک. متی ۲۶: ۶۵؛ مرقس ۱۴: ۶۳). یقیناً این کار به بت پرستان حاضر نیز نشان می داد که مشکلی در این میان وجود دارد.

□ «در میان مردم افتاده» اصطلاحی رایج در ترجمه هفتاد به معنای "بیرون جهیدن" یا "هجوم بردن"، هرچند در عهد جدید این اصطلاح فقط در اینجا بکار رفته است. پولس و برنابا برجهیدند و در میان ازدحام مردم رفتند.

۱۴: ۱۵-۱۷ خلاصه ای از موعظه نخست پولس برای بت پرستان ارائه شده است که بسیار شبیه به موعظه او بر کوه مریخ می باشد (ر.ک. ۱۷: ۲۲-۳۳).



اصطلاح *homoioopathes* که ترکیبی از "همان" و "اشتیاقها و علایق نفسانی" است. افراد محلی پنداشتند که پولس و برنابا خدایان (*homoiothentes*, ر.ک. آیه ۱۱)، هستند و "شبهه" انسان می‌باشند. پولس از همان ریشه لغوی، بیان می‌دارد که آنها نیز انسانهای عادی هستند. این واژه در عهد جدید فقط در اینجا و در یعقوب ۵: ۱۷ آمده است.

□ «از این کارهای بیهوده بازگردید» لوقا فروتی و خشوع پولس و برنابا را در مقایسه با هیروودیس آنتیپاس در ۲۰: ۲۰-۲۳ به رخ می‌کشد. واژه "بیهوده" به معنی پوچ، بی ارزش، ناموجود است. پولس مستقیماً با خرافات بت پرستی مقابله می‌کند.

□ «خدای زنده» این یک بازی با کلمه YHWH است که از ریشه فعل متعدی عبری "بودن" گرفته شده است (ر.ک. خرو. ۳: ۱۴). YHWH خدای همیشه زنده و تنها خدای زنده است.

□ «آفرید» نقل قولی از خرو. ۲۰: ۱۱ یا مز. ۱۴۶: ۶ است. واژه عبری *Elohim* (الوهیم- ر.ک. پید. ۱: ۱) خدای آفریننده و فراهم کننده را توصیف می‌کند (ر.ک. *The Expositor's Bible Commentary*, vol. 1, pp. 468-469). در حالیکه YHWH خدا را به عنوان نجات دهنده، رهایی بخش (ر.ک. *The Expositor's Bible Commentary*, vol. 1, pp. 471-472) و خدایی که عهد می‌بندد، نشان می‌دهد.

۱۴: ۱۶ «در دوران گذشته او اجازه داد که جمیع ملتها به راههای خود بروند» این عبارت تث. ۳۲: ۷-۸ را به یاد می‌آورد که در آن موسی اظهار می‌کند که YHWH مزرهای میان امتهای را بنیاد می‌گذارد. این امر از لحاظ الهیاتی تأکید کننده توجه و عنایت خدا نسبت به امتهاست (غیریهودیان، ر.ک. *Girdlestone, Synonyms of the Old Testament*, pp. 258-259). خدا می‌خواست که آنان او را بشناسند، ولی سقوط بشریت موجب ایجاد خرافات و الحاد و خدانشناسی گردید (ر.ک. روم. ۱: ۱۸-۲: ۲۹). اما او از انسانها دست نکشید (ر.ک. آیه ۱۷).

جهل و بی خبری غیریهودیان از خدا، در تقابل با شناخت یهودیان از خدا آمده است. طنز و کنایه موجود در آن، بیان می‌دارد که غیریهودیان به صورت گروهی به انجیل ایمان می‌آورند، در حالیکه یهودیان به صورت گروهی به رد کردن انجیل و آزار ایمانداران می‌پردازند (ر.ک. روم. ۹-۱۱).

۱۴: ۱۷ «خود را بی شهادت نگذاشت» این مفهوم مکاشفه فطری و طبیعی است (ر.ک. مز. ۱۹: ۱-۶؛ روم. ۱: ۱۹-۲۰؛ ۲: ۱۴-۱۵). همه انسانها بواسطه آفرینش و شهادت درونی اخلاقی شان، چیزی درباره خدا می‌دانند.

□ «باران ... خوراک» سنت محلی بت پرستان بیانگر آن بود که زئوس (مشرتی) بخشنده باران و هرمس (عطارد) بخشنده خوراک هستند. پولس پیرو تث. ۲۷-۲۹ بر تسلط خدا در باروری محصول تأکید می‌کند.

این بت پرستان خدا را نمی‌شناختند و لذا لعنتهای مربوط به عهد در تشبیه با صبر خدا جایگزین می‌شود (ر.ک. اعمال ۱۷: ۳۰؛ روم. ۳: ۲۵؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۱۳). پولس انتخاب مخصوص خدا (رسول غیریهودیان) در رساندن پیام انجیل به ملتها بود! پولس از آفرینش و تدارکات الهی از طریق طبیعت (ر.ک. مز. ۱۴۵: ۱۵-۱۶؛ ۱۴۷: ۸؛ ارم. ۵: ۲۴؛ یونس ۱: ۹) به عنوان نقطه اشتراک و پیوند استفاده می‌کند.

جالب توجه است که فی نفسه چیزی از انجیل در این خلاصه موعظه وجود ندارد. می توان چنین انگاشت که پولس در همین خط به استدلال ادامه می دهد چنانکه در موعظه آتن در اعمال ۱۷: ۱۶-۳۴ چنین کرد. معلوم نیست که لوقا این خلاصه را از پولس گرفته است یا از تیموتائوس (زیرا آنجا زادگاه وی بود).  
۱۸: ۱۴ این جزئیات را فقط یک شاهد عینی می تواند بیان کند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۴: ۱۹-۲۳

۱۹ در این هنگام یهودیان از انطاکیه و قونیه رسیدند و مردم را با خود متحد ساخته و پولس را سنگسار کردند و به گمان اینکه مرده است، او را از شهر بیرون کشیدند. ۲۰ اما وقتی شاگردان دور او جمع شدند او برخاست و به داخل شهر آمد و روز بعد به اتفاق برنابا به دربه عزیمت کرد. ۲۱ پس از اینکه در آن شهر هم بشارت دادند و پیروان بسیاری یافتند، به لستره و قونیه و انطاکیه بازگشتند ۲۲ و در بین راه شاگردان را تقویت می کردند و آنان را تشویق می نمودند که در ایمان خود پایدار بمانند و به آنان می گفتند: «برای داخل شدن به پادشاهی خدا ما باید از راههای بسیار سختی بگذریم.» ۲۳ در هر یک از کلیساها مشایخی را تعیین کردند و با نیایش و روزه ایشان را به دست آن خداوندی که به او گرویده بودند، سپردند.

۱۹: ۱۴ مخالفت یهودیان در این شهرهایی که پولس در آنها موعظه کرده بود، موجب حمله های مکرر و سیار به او گردید. توجه داشته باشید که حمله ها متوجه پولس بود، نه برنابا. همچنین در این متن عدم ثبات بت پرستان شایان توجه است. آنها یک لحظه به پولس و برنابا همچون خدایان احترام می گذارند و در لحظه بعد آنها را سنگسار می کنند!

□ «پولس را سنگسار کرده» اشاره به معجزه زنده شدن پولس نیست بلکه شرح استقامت و شهادت اوست (ر.ک. آیات ۲۰-۲۱). II قرن. ۱۱: ۲۵ و غلاطیان ۶: ۱۷ نیز به همین واقعه اشاره می کنند. توطئه سنگسار کردن در آیه ۱۵ اکنون به واقعیت می پیوست!

۲۰: ۱۴ «چون شاگردان گرد او ایستادند» هرچند صریحاً بیان نشده، اما من فکر می کنم آنها به دعا ایستاده بودند و خدا به گونه ای شگفت آور پاسخ داد. به این امر توجه داشته باشید که چگونه آزار و شکنجه همچنان مکانیزم/انگیزه گسترش انجیل (در یک شهر جدید) بود.

۱۴: ۲۱ «در آن شهر بشارت داده» اشاره به دربه است (ر.ک. آیه ۲۰). این شهر نیز در بخش رومی استان غلاطیه و در لیکائونیه قرار داشت. آنجا شرقی ترین مکانی بود که پولس و برنابا در سفرشان از آن بازدید کردند.

شهر دربه نیز به گونه ای شگفت انگیز به انجیل پاسخ مثبت داد و بسیاری در آنجا نجات یافتند.

□ «به لستره و ایقونیه و انطاکیه مراجعت کردند» ظاهراً آنها در بازدید مراجعتی خود در ملأ عام موعظه نکردند، بلکه به طور خصوصی ایمانداران را سازماندهی و تقویت می نمودند (ر.ک. آیات ۲۲-۲۳).

۱۴: ۲۲ این آیه خلاصه ای از پیام شاگردسازی پولس است. توجه داشته باشید که تأکید آن بر (۱) پایداری و (۲) قبول سختی و آزمایشها است. ایمانداران به واسطه آزمایشها، بلوغ می یابند (ر.ک. روم. ۵: ۳-۴؛ ۸: ۱۷-۱۸؛ I تسال. ۳: ۳؛ II تیمو. ۳: ۱۲؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ I پطرس. ۴: ۱۲-۱۶).

□ «تقویت» این واژه چندین بار در ترجمه هفتاد به معنی "موجب استراحت شدن" یا "برقراری" آمده است. لوقا نیز چند بار از آن برای توصیف خدمت شاگردسازی پولس استفاده می کند (ر.ک. ۱۴: ۲۲؛ ۱۵: ۳۲؛ ۴۱؛ ۱۸: ۲۳).

□ «دلهای شاگردان» اصطلاح دل در اینجا به معنی وجود یا فعالیتهای عقلانی شاگردان است. مفهوم یونانی این اصطلاح مبنی بر اینکه هر شخص دارای نفس غیر اخلاقی است، مورد نظر نمی باشد، بلکه به مفهوم عبری دل (جان) به عنوان وجود انسان اشاره شده است.

«پند می دادند که در ایمان ثابت بمانند» به عنوان خاص: پایداری در زیر مراجعه کنید.

## عنوان خاص: ضرورت پایداری

تشریح آموزه های کتاب مقدسی مربوط به زندگی مسیحی کار دشواری است زیرا آنها نوعاً به صورت جفتهای دیالکتیک شرقی ارائه می گردند. این جفتهها به نظر برخلاف همدیگرند، اما هر دو کتاب مقدسی هستند. مسیحیان غربی تمایل به انتخاب یک حقیقت و نادیده گرفتن یا کم بها کردن حقیقت مخالف آن دارند. بگذارید اینگونه توضیح بدهم:

۱. آیا نجات یک تصمیم اولیه برای ایمان به مسیح است یا سرسپردگی به شاگردی مسیح در تمامی طول عمر می باشد؟
  ۲. آیا نجات، گزینش به واسطه فیض خدای قادر متعال می باشد یا پاسخ توبه کارانه و ایمانی بشریت به پیشنهاد الهی است؟
  ۳. آیا نجات، یکبار دریافت می شود و هرگز از دست نمی رود، یا احتیاج به سعی و تلاش پیوسته دارد؟
- موضوع پایداری میدان منازعه در سراسر تاریخ کلیسا بوده است. مسئله از منتهای به ظاهر متناقض عهد جدید آغاز می شود:
۱. متون اطمینان بخش:

أ. اظهارات عیسی (یوحنا ۶: ۳۷؛ ۱۰: ۲۸-۲۹)

ب. اظهارات پولس (روم. ۸: ۳۵-۳۹؛ افس. ۱: ۱۳؛ ۲: ۵، ۸-۹؛ فیل. ۱: ۶؛ ۲: ۱۳؛ II تسا. ۳: ۳؛ II تیمو. ۱: ۱۲؛ ۴: ۱۸)

ج. اظهارات پطرس (I پطر. ۱: ۴-۵)

أ. اظهارات عیسی (متی ۱۰: ۲۲؛ ۱۳: ۱-۹، ۲۴-۳۰؛ ۲۴: ۱۳؛ مرقس ۱۳: ۱۳؛ یوحنا ۸: ۳۱؛ ۱۵: ۴-۱۰؛ مکا. ۲: ۷، ۱۷؛ ۳: ۲۰؛ ۵: ۱۲، ۲۱)

ب. اظهارات پولس (روم. ۱۱: ۲۲؛ I قرن. ۱۵: ۲؛ II قرن. ۱۳: ۵؛ ۱۳: ۳؛ ۴: ۵؛ ۶: ۹؛ فیل. ۲: ۱۲؛ ۳: ۱۸-۲۰؛ کول. ۱: ۲۳)

ج. اظهارات نویسنده عبرانیان (۲: ۱؛ ۳: ۳؛ ۶: ۱۴؛ ۴: ۱۴؛ ۱۱: ۶)

د. اظهارات یوحنا (I یوحنا ۲: ۶؛ II یوحنا ۹)

ه. اظهارات پدر آسمانی (مکا. ۷: ۲۱)

نجات کتاب مقدسی ناشی از محبت، رحمت و فیض خدای تثلیث قادر مطلق است. هیچ انسانی نمی تواند بدون وجود روح القدس در زندگی اش نجات یابد (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). الوهیت ابتدا وارد می شود و دستور کار را تنظیم می نماید، اما از انسانها می خواهد که با ایمان و توبه، چه در ابتدا و چه به صورت پیوسته، پاسخ دهند. خدا با بشر بواسطه عهد ارتباط برقرار می کند. مزایا و مسئولیتهایی در این میان وجود دارد! نجات به همه انسانها عرضه می گردد. مرگ عیسی مشکل گناه خلقت سقوط کرده را حل نمود. خدا راهی را فراهم ساخت و از تمامی کسانی که به صورت او آفریده شده اند می خواهد که به محبت او و تدارک عیسی پاسخ دهند.

اگر شما می خواهید درباره این موضوع مطالعه بیشتری از دیدگاه غیر کالوینیستی بنمایید، به منابع زیر مراجعه کنید:

۱. Dale Moody, *The Word of Truth*, Eerdmans, 1981 (pp. 348-35)
۲. Howard Marshall, *Kept by the Power of God*, Bethany Fellowship, 1969
۳. Robert Shank, *Life in the Son*, Westcott, 1961

کتاب مقدس به دو مسئله متفاوت در این حوزه اشاره می کند: (۱) استفاده از اطمینان نجات به عنوان مدرکی برای زندگی بی ثمر خودخواهانه، و (۲) تقویت کسانی که با خدمت و گناه شخص کشمکش دارند. مشکل این است که گروههای اشتباهی، پیام نادرستی را می گیرند و نظام الهیاتی خاصی را بر متون محدود کتاب مقدس بنا می کنند. برخی از مسیحیان به راستی نیازمند پیام اطمینان هستند، در حالیکه سایرین محتاج هشدارهای جدی می باشند! شما در کدام گروه قرار دارید؟

□ «**پادشاهی خدا**» تفسیر این عبارت دشوار است. عیسی معمولاً از آن در ارتباط با خدمت خود استفاده می کرد. اما رسولان آشکارا اهمیت آن را درست نفهمیده بودند (ر.ک. ۱: ۳، ۶). در کتاب اعمال این عبارت تقریباً مترادف با انجیل آمده است (ر.ک. ۸: ۱۲؛ ۱۹: ۸؛ ۲۰: ۲۵؛ ۲۸: ۲۳، ۳۱). اما در ۱۴: ۲۲ دارای مفهوم ضمنی آخرشناختی می باشد. تنش میان آنچه "انجام شده" (ر.ک. متی ۱۲: ۲۸؛ لوقا ۱۶: ۱۶) در برابر آنچه "هنوز رخ نداده" (ر.ک. متی ۲۴: ۱۴، ۳۰؛ ۳۶-۳۷؛ ۲۵: ۳۰، ۳۱؛ II پط. ۱: ۱۱) خصوصیت این عصر می باشد. نگاه کنید به عنوان خاص در ۲: ۱۷. پادشاهی خدا در عیسی مسیح آمده است (یعنی در آمدن نخست او)، اما انجام آن در آینده است (یعنی در باز آمدن عیسی).

۱۴: ۲۳ «**مشایخی را تعیین کردند**» در عهد جدید واژه "مشایخ" (*presbuteros*) مترادف با واژه های "اسقف" (*episkopos*) و "شبانان" است (ر.ک. اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸ و تیطس ۱: ۵، ۷). واژه "شیخ" دارای زمینه یهودی است (ر.ک. *Girdlestone, Synonyms of the Old Testament*, pp. 244-246 و *Frank Stagg, New Testament Theology*, pp. 262-264)، در حالیکه واژه

"اسقف" یا "ناظر" زمینه شهروندی یونانی دارد. تنها دو مسئول رسمی کلیسایی وجود دارد: شبان و شماس (ر.ک. فیل. ۱: ۱).

واژه "تعیین کردن" می تواند به معنی "رای گیری با بلند کردن دستها" باشد (ر.ک. II قرن. ۸: ۱۹ و *Louw and Nida, Greek-English Lexicon*, pp. 363, 484). این واژه بعدها برای "انتصاب" توسط پدران کلیسای اولیه به کار می رفت. موضوع اصلی اینجاست که چگونه "رای گیری" با این مضمون همساز می شود؟ رای گیری توسط این کلیساهای نوپا به نظر نا بجا می آید (هرچند کلیسای اورشلیم در مورد آن هفت نفر در اعمال ۶ رای گیری کرد و نیز کلیسا برای تأیید خدمت پولس در میان غیریهودیان در اعمال ۱۵ نیز رای گیری نمود).

F.F. Bruce در کتاب *Answers to Questions*، ص. ۷۹، می گوید: "در اصل به نشانه تعیین یا رای گیری دستی (در واقع، رای گیری با بلند کردن دست)، در دوران عهد جدید این قوت مشخص را از دست می دهد و به سادگی معنی "تعیین" به خود می گیرد، بدون اینکه روند آن اهمیت خاصی داشته باشد." نمی توان از سیاست اداری کلیسایی با استفاده از این اصطلاح عهد جدید ایراد گرفت یا از آن دفاع کرد.

توجه داشته باشید که پولس، از تیطس می خواهد "مشایخ" در کریت تعیین کند، اما به تیموتائس در افسس می گوید بگذارد تا کلیسا اشخاصی با ویژگیهای مشخص را انتخاب کند (ر.ک. I تیمو. ۳). در نواحی جدید، رهبران تعیین می شدند، ولی در نواحی ای که کلیسا در آن استقرار یافته بود، ویژگیهای رهبری فرصت می یافتند تا توسط کلیسای محلی مورد تأیید قرار گیرند و خود را نشان بدهند.

شایان توجه است که خط مشی بشارتی پولس مبنی بر مستقر ساختن کلیساهای محلی است که وظیفه بشارت و شاگردسازی را در ناحیه خود، ادامه دهند (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹-۲۰). این (یعنی کلیساهای محلی) روش خدا برای دستیابی به تمامی جهان است!

□ «**دعا و روزه داشته**» امکان دارد این عبارت با قصد قبلی مترادف با ۱۳: ۲-۳ انجام شده باشد. پولس قدرت و هدایت روح القدس را در انطاکیه تجربه کرده بود. او همین الگوی روحانی را ادامه می داد. آنان باید خود را برای دریافت اراده خدا آماده می کردند.

□ «**آن خداوندی که به او ایمان آورده بودند**» یک فعل ماضی بعید اخباری معلوم که نشان می دهد عملی در گذشته تثبیت شده است. این مشایخ جدید مدتی بود که ایمان آورده بودند و ثابت کرده بودند که وفادارانه ویژگیهای رهبری را از خود نشان می دهند. ساختار دستوری متشکل از *eis* همراه با *pisteuo* (ر.ک. اعمال ۱۰: ۴۳)، مشخصه نوشته های یوحناست، اما در نوشته های پولس (ر.ک. روم. ۱۰: ۱۴؛ غلا. ۲: ۱۶؛ فیل. ۱: ۲۹) و پطرس (ر.ک. I پط. ۱: ۸) نیز دیده می شود.

□ «**به خداوند ... سپردند**» اشاره به نوعی دستگذاری نیست. همین فعل در آیه ۲۶ نیز در مورد پولس و برنابا به کار رفته، و در عین حال در ۲۰: ۳۲ برای کسانی استفاده شده است که پیش از آن به سمت شیخی تعیین شده بودند. انتصاب و دستگذاری از این جهت کمک کننده است که تأکید بر این حقیقت دارد که خدا کسانی را به نقش رهبری فرامی خواند. در صورتی که این عمل موجب جدایی میان ایمانداران گردد، عملی منفی و غیر کتاب مقدسی است. تمامی ایمانداران خوانده شده اند و عطای خدمت را دارند (ر.ک. افس. ۴: ۱۱-۱۲). در عهد جدید هیچگونه تمایزی میان طبقه خادمین کلیسا و اعضای عادی وجود ندارد.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۴: ۲۴-۲۸

۲۴ سپس از سرزمین پیسیدیه گذشتند و به سرزمین پمفیلیه رسیدند. ۲۵ وقتی پیام را در پرجه هم اعلام کردند به اتالیه وارد شدند ۲۶ و از آنجا با کشتی به سوی انطاکیه رفتند. یعنی همان جایی که به خاطر خدمتی که انجام داده بودند، به فیض الهی سپرده شده بودند. ۲۷ وقتی به آنجا رسیدند، اعضای کلیسا را جمع کردند و ایشان را از هرچه خدا به اتفاق آنان انجام داده بود، مطلع ساختند و نیز گفتند، که چگونه خدا راه ایمان را به روی ملل غیر یهود گشوده است ۲۸ و در آنجا مدتی نزد شاگردان ماندند.

۱۴: ۲۴ استان کوهستانی پیسیدیه درست در شمال استان ساحلی پمفیلیه قرار دارد. پرجه شهر اصلی آن منطقه محسوب می شد. ظاهراً پولس بیشتر فقط از میان آن شهر گذر کرده بود (ر.ک. ۱۳: ۱۳)، ولی اکنون بازگشته و انجیل را در آنجا موعظه می کرد (ر.ک. آیه ۲۵).

۱۴: ۲۵ «اتالیه» آنجا بندر پرجه بود.

۱۴: ۲۶ «به کشتی سوار شده به انطاکیه آمدند» آنان به قبرس بازنگشتند. برنابا پس از مجادله لفظی با پولس بر سر یوحنا مرقس به آنجا بازگشت (ر.ک. ۱۵: ۳۶-۳۹).

□ «به فیض خدا سپرده بودند» یک فعل ماضی بعید مجهول با حشو و زواید است. این سفر اول بشارتی موفقیت حیرت آوری داشت.

۱۴: ۲۷ «کلیسا را جمع کرده، ایشان را مطلع ساختند از آنچه خدا با ایشان کرده بود» توجه داشته باشید که ایشان در برابر کلیسا مسئولیت داشتند. حتی رسولان غیریهودیان نیز به کلیسای محلی خود گزارش می دادند. آنان همچنین خدا را بانی به انجام رسیدن این موفقیت بزرگ معرفی کردند.

آنها به رهبران گزارش ندادند (ر.ک. ۱۳: ۱)، بلکه به جماعت کلیسا و بعدها نیز فعالیتهای بشارتی خود را به جماعت کلیسا در اورشلیم (ر.ک. ۱۵: ۴) و نیز سایر کلیساهایی که در راهشان بود (ر.ک. ۱۵: ۳) گزارش کردند. فکر می کنم جماعت کلیسا بود که بر ایشان دست گذارده بود و ایشان را برای سفرشان مأمور ساخته بود.

□ «و چگونه دروازه ایمان را برای امتها باز کرده بود» پولس اغلب اوقات از عبارت "در ایمان" استفاده می کرد (ر.ک. I قرن. ۱۶: ۹؛ II قرن. ۲: ۱۲؛ کول. ۴: ۳؛ و همچنین مکا. ۳: ۸ را ملاحظه کنید). خدا دری را برای تمامی بشریت در انجیل گشود که هیچ کس نمی توانست آن را ببندد. مفهوم کامل سخنان عیسی در ۱: ۸ اکنون به انجام رسیده بود.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. رئوس مطالب سفر اول بشارتی پولس را از روی پیشروی جغرافیایی بنویسید.

۲. رئوس مطالب هر دو موعظه پولس، برای یهودیان و برای خدانشناسان و بت پرستان را بنویسید.

۳. چگونه روزه گرفتن به مسیحیان معاصر مربوط می گردد؟

۴. چرا یوحنا مرقس گروه بشارتی را ترک کرد؟

**کارهای رسولان فصل ۱۵**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
مجادله در انطاکیه	برگزاری جلسه در اورشلیم	مباحثه بر پذیرش غیریهود	مجادله بر سر ختنه	شورای اورشلیم
۲-۱:۱۵	۲-۱:۱۵	۵-۱:۱۵	۵-۱:۱۵	۵-۱:۱۵
۵-۳:۱۵	۵-۳:۱۵			
مجادله در اورشلیم			شورای اورشلیم	
۵:۱۵-۷الف				
سخنرانی پطرس	۱۱-۶:۱۵	۲۱-۶:۱۵	۲۱-۶:۱۵	۱۱-۶:۱۵
۱۱-ب:۱۵				
۱۲:۱۵	۱۸-۱۲:۱۵			۲۱-۱۲:۱۵
سخنرانی یعقوب				
۱۸-۱۳:۱۵				
۲۱-۱۹:۱۵	۲۱-۱۹:۱۵			
نامه رسولان	نامه به ایمانداران غیریهودی		تصویب‌نامه اورشلیم	نتیجه شورا
۲۹-۲۲:۱۵	۲۹-۲۲:۱۵	۲۹-۲۲:۱۵	۲۹-۲۲:۱۵	۲۹-۲۲:۱۵
هیئت‌های انطاکیه			ادامه خدمت در سوریه	
۳۵-۳۰:۱۵	۳۴-۳۰:۱۵	۳۵-۳۰:۱۵	۳۵-۳۰:۱۵	۳۵-۳۰:۱۵
	۳۵:۱۵			
جدایی پولس از برنابا و همراهی سیلاس	جدایی پولس از برنابا	عزیمت به سفر دوم بشارتی	دسته بندی بر سر مرقس	جدایی پولس از برنابا
۳۸-۳۶:۱۵	۴۱-۳۶:۱۵	۴۱-۳۶:۱۵	۴۱-۳۶:۱۵	۴۱-۳۶:۱۵
۴۰-۳۹:۱۵				

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

### پیشهای بر اساس مضمون

- ا. این فصل را معمولاً "شورای اورشلیم" می خوانند.
- ب. شورای مزبور نقطه عطف اساسی و خیزابی الهیاتی در روشها و اهداف کلیسای اولیه بود. به یک معنا دو مرکز مسیحیت یعنی اورشلیم و انطاکیه در این شورا با هم یکی شدند.
- ج. ایمان غیریهودیان به مسیح در اعمال ۸-۱۱ گویی به عنوان استثنا پذیرفته شد (آنان بت پرست کامل نبودند)، البته نه به عنوان سیاست جدیدی که می باید همچنان ادامه یابد (ر.ک. ۱۱: ۱۹).
- د. ارتباط این فصل با غلا. ۲ مورد بحث بوده است. اعمال ۱۵ یا اعمال ۱۱: ۳۰ می توانند زمینه غلا. ۲ باشند. نگاه کنید به مقدمه باب ۴، قسمت «ج».
- ه. جالب است که به نشانه پنتیکاستی مکرر سخن گفتن به زبانها (بابهای ۲، ۸ و ۱۰) اصلاً به عنوان گواه اطمینان از نجات غیریهودیان (خدانشناسان و بت پرستان)، اشاره نشده است.

### مطالعه عبارات و واژگان

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۵: ۱-۵

۱ عده‌ای از یهودیه به انطاکیه آمده بودند و ایمانداران را تعلیم داده می گفتند: «تا طبق سنت موسی ختنه نشوید، نجات یافتن برایتان محال است.»  
۲ پس از مناظره و مباحثه بسیار بین آنان از یک طرف پولس و برنابا از طرف دیگر، قرار بر این شد، که پولس و برنابا و چند نفر دیگر برای تحقیق در اطراف این مسئله به اورشلیم نزد رسولان و رهبران کلیسا بروند. ۳ اعضای کلیسا ایشان را بدرقه نمودند و درحالی که از فنیقیه و سامره عبور می کردند، همه جا مؤده ایمان آوردن ملت‌های غیر یهود را ابلاغ می نمودند و این خبر موجب شادی عظیم جمیع ایمانداران شد. ۴ هنگامی که به اورشلیم رسیدند، کلیسا و رسولان و رهبران با آغوش باز از ایشان استقبال کردند و آنان کارهایی را که خدا به اتفاق ایشان انجام داده بود، بیان کردند. ۵ در این موقع بعضی از فریسیان که ایمان آورده بودند، برخاستند و اظهار داشتند: «لازم است ایشان ختنه شوند و به آنان دستور داده شود، که شریعت موسی را رعایت نمایند.»

۱۵: ۱ «تنی چند از یهودیه آمده» اشاره به گروهی از ایمانداران یهودی است که خود را به یهودیت و عیسی وقف کرده بودند. آنان عیسی را به عنوان تحقق ایمان عهد عتیق می نگرستند، نه یک رقیب یا چیزی شبیه آن (ر.ک. ۱۱: ۲؛ ۱۵: ۵؛ غلا. ۲: ۱۲). الهیات این اشخاص مربوط می شد به معلمین دروغین یهودی (یهودی گرایان) که در غلاطیان مورد اشاره قرار گرفته اند. این افراد به نوعی با کلیسای اورشلیم مرتبط بودند (ر.ک. آیه ۲۴)، ولی نمایندگان رسمی آن نبودند.

توجه داشته باشید که در اصل می گوید از یهودیه "فرود آمدند". با نگاه کردن به یک نقشه جغرافیایی، گویی انطاکیه مکان "بلندی" بوده است ولی برای یهودیان همه جا از لحاظ الهیاتی نسبت به اورشلیم "پایین" بود (ر.ک. آیه ۲).

□ «تعلیم می دادند» یک فعل ماضی استمراری غیرکامل است، که می تواند به معنی (۱) شروع به تعلیم کردند یا (۲) مکرراً تعلیم می دادند باشد.

□ «اگر ... **مختون نشوید**» یک جمله شرطی نوع سوم به معنی عمل بالقوه است. ختنه نشانه عهد با ابراهیم و نسلهای او بود (ر.ک. پید. ۱۷: ۱۰-۱۱). در یهودیت این موضوع کم اهمیتی نبود، بلکه مستقیماً به نجات یافتن مربوط می شد. این افراد احساس می کردند که یهودیت تنها راه رسیدن به خدا است (ر.ک. آیه ۵) و به "یهودی گرایان" معروف شدند. به مسیح ایمان داشتند و علاوه بر آن با عهد موسی نیز همنا بودند (ر.ک. آیه ۵). عدالت و درستی ایشان بر اساس عملکردشان بود، نه هدیه رایگان از سوی خدا. می گفتند تنها می شود از راه مذهب و عملکرد شخصی با خدا ارتباط برقرار کرد (ر.ک. روم. ۳: ۲۱-۳۰).

۱۵: ۲ «پولس و برنابا را **منازه و مباحثه بسیار با ایشان واقع شد**» لوقا از عبارت "مباحثه بسیار" استفاده می کند تا شدت احساسات را نشان دهد (ر.ک. لوقا ۲۳: ۱۹، ۲۵؛ اعمال ۱۵: ۲؛ ۱۹: ۴۰؛ ۲۳: ۷، ۱۰؛ ۲۴: ۵). این یک بحث اساسی بود و به سوی قلب پیام انجیل نشانه می رفت: (۱) چگونه شخص می تواند در حضور خدا با راستی و پاکی بایستد؟ یا (۲) آیا عهد و پیمان جدید از عهد موسی جدایی ناپذیر بود؟

□ «**قرار بر این شد**» در اصل "برادران تصمیم گرفتند" که اشاره به "کلیسا" است (ر.ک. آیه ۳). در باب ۱۵ چند گروه وجود دارند که مربوط به انواع شیوه های رهبری و سیاست اداری کلیسا هستند. در آیات ۲، ۳، ۱۲، و ۲۲ به اقتدار جماعت کلیسا اشاره شده است. در آیات ۶ و ۲۲ اقتدار رسولی یا اسقفی (یعنی یعقوب) مورد اشاره می باشد که سیاست اداری کلیسای کاتولیک روم و اسقفی (Anglican) است. در آیات ۶ و ۲۲ به اقتدار مشایخ نیز اشاره شده است. این به نظر مترادف با سیاست اداری کلیسای پرزبتری می آید. گویی عهد جدید تمامی این نظامهای اداری را به ثبت رسانیده است. قدرت اداری از رسولان (که روزی از دنیا می رفتند) به جماعت، و شبانان به عنوان سازمان دهندگان رهبری توسعه می یابد (ر.ک. آیه ۱۹).

از نظر من ساختار سیاست اداری کلیسا به اندازه روحانیت رهبران آن اساسی نیست. رهبران پر از روح که مأموریت بزرگ را به انجام می رسانند برای انجیل اساسی هستند. شکل‌های مشخص سیاست اداری کلیسایی، معمولاً بر اساس الگوی سیاست فرهنگی، محبوبیت می یابند و محبوبیتشان را از دست می دهند.

□ «**چند نفر دیگر**» A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament* ص. ۲۲۴، تفسیر جالبی درباره این آیه ارائه می دهد: "یقیناً تیطس (غلا. ۲: ۱، ۳)، یک یونانی و احتمالاً یکی از برادران لوقا که در کتاب اعمال نامی از او برده نشده است." مطمئناً این هم می تواند یک احتمال باشد، اما مفروضات اولیه زیادی برای آن وجود دارد. ما باید مراقب باشیم که لزوماً مفهوم یک متن، مفهوم صریح یا ضمنی خاص ممکن را که مورد نظر ماست (بر اساس پیش‌انگاریهای مان)، ندارد! باید خود را در چهارچوب منظور نویسنده اصلی قرار دهیم و هر قدر فرضیات خودمان با ارزش باشند، آنها را بسط و توسعه آن متن نینگاریم.

□ «**نزد رسولان**» ساختار رهبری کلیسای اورشلیم هنوز جا نیفتاده است. از چند متن موجود، گویی یعقوب، برادر ناتنی عیسی، رهبر آن کلیسا بود. به نظر می رسد در این باب هم این موضوع صحت داشته باشد. با اینحال گروههای رهبری دیگری نیز در آنجا حضور داشتند (ر.ک. آیات ۴، ۲۲):

۱. آن دوازده رسول عیسی
۲. مشایخ محلی
۳. جماعت کلیسا بطور کلی

آنچه نامشخص است، چگونگی ارتباط یعقوب با این گروهها می باشد. او در غلا. ۱: ۱۹ یک رسول خوانده شده است. این احتمال نیز وجود دارد که او رئیس تأیید شده گروه مشایخ بوده باشد (ر.ک. پطرس خود را یک شیخ می خواند در I پطر. ۵: ۱؛ یوحنا خود را در II یوحنا ۱ و III یوحنا ۱، شیخ می خواند).



□ «کشیشان» در این متن "کشیشان/مشایخ" اشاره به گروهی از ریش سفیدان است که از الگوی کنیسه شکل گرفته اند. به یادداشت ۱:۳۰ یا ۱۴:۲۳ نگاه کنید.

۱۵:۳ «از فینیقیه و سامره عبور کرده» یک فعل ماضی ساده غیر کامل اخباری میانی. اکثریت جمعیت فینیقیه را غیریهودیان تشکیل می دادند، در حالیکه جمعیت سامره ترکیبی از یهودیان و غیریهودیان بود. این مناطق پیشتر بشارت را شنیده بودند (ر.ک. ۸:۵ به بعد؛ ۱۱:۱۹).

□ «ایمان آوردن امتها را بیان کردند» به نظر می رسد که پولس و برنابا اخبار حیرت انگیز کار خدا را در میان "امتها" به هر جماعتی کلیسایی که می دیدند، می رساندند. برای کسانی که با عهد عتیق آشنایی داشتند، تغییر زندگی "امتها" تحقق نبوتها به شمار می آمد! این امکان نیز وجود دارد که با این کار، کلیسای اورشلیم نمی توانست با سکوت و در خفا مسئله را رفع و رجوع کند (ر.ک. ۲۱:۱۸-۲۰).

□ «همه برادران را شادی عظیم دادند» اینها مناطق غیریهودیان بودند. کلیساهای این مناطق مرکب از یهود و غیریهود بود. پاسخ آنان یک یادآور نبوتی برای کلیسای اورشلیم محسوب می شد. بشارت جهان شمول از یهودیان یونانی زبان آغاز شد و اکنون توسط کلیساهای یونانی زبان تأیید می شد.

۱۵:۴ «کلیسا و رسولان و کشیشان» در اینجا و نیز در آیه ۲۲، به تمامی گروههای اداری کلیسا اشاره شده است.

□ «آنها را از آنچه خدا با ایشان کرده بود، خبر دادند» این کار برایشان به صورت یک الگو درآمده بود!

۱۵:۵ «بعضی از فرقه فریسیان که ایمان آورده بودند» پولس نیز با این تعریف همخوانی دارد. اما او کاملاً از نجات توسط انجام فرمانهای موسی جدا شده بود. در این دوران اولیه کلیسا، خط میان یهود و مسیحیان بسیار کم رنگ بود. ایمان به عیسی به عنوان مسیح موعود اساس کلیسا را تشکیل می داد. اما در میان کلیسا اختلاف نظرهایی درباره چگونگی ارتباط میان ایمان به مسیح و عهدها و وعده های به اسرائیل وجود داشت. این گروه سخنگو ("برخاسته" در زبان یونانی به منظور تأکید آمده است) از فریسیان نجات یافته، احساس می کردند که عهد عتیق الهام خدا و جاودانی است و بنابراین باید برقرار نگاه داشته شود! می گفتند هر فرد باید به عیسی ایمان آورد و از موسی اطاعت کند (یعنی: *dei* ضروری است [۱] مختون شود؛ [۲] به آنها دستور داده شود که [۳] سنن موسی را نگاه دارند؛ هر سه به صورت مصدر زمان حال آمده اند). همین مسئله محتوای الهیاتی روم. ۱-۸ و غلاطیان را شکل می دهد! نگاه کنید به عنوان خاص: فریسیان در ۵:۳۴.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۶:۱۵-۱۱

۶ رسولان و رهبران برای رسیدگی به این مسئله انجمنی تشکیل دادند. ۷ پس از بحث بسیار پطرس برخاست و خطاب به ایشان گفت: «ای برادران، شما می دانید که مدتها پیش خدا مرا از میان شما برگزید تا غیر یهودیان مؤده نجات را از زبان من بشنوند و ایمان آورند. ۸ خدا که از قلبها آگاه است، این کار را با عطای روح القدس به آنان به همان طریقی که به خود ما عطا فرمود، تأیید کرد ۹ و هیچ تبعیضی بین ما و آنان قابل نشد، بلکه قلب آنان را با ایمان پاک ساخت. ۱۰ پس حالا چرا می خواهید خدا را بیازمایید و باری بر دوش این شاگردان بگذارید، باری که نه نیاکان ما قدرت تحمّل آن را داشتند و نه ما؟ ۱۱ بلکه برعکس، ما از راه فیض عیسی خداوند، ایمان می آوریم و نجات می یابیم و آنها هم همین طور.»

۱۵:۶ «رسولان و کشیشان جمع شدند» رهبری کلیسا ابتدا جلسه ای خصوصی داشتند. این شبیه الگوی اداری کلیسای پرزبیتی است.

۱۵:۷ «چون مباحثه سخت شد» رهبران کلیسا هم رأی نبودند. برخی موافق بیانیه آیه ۵ بودند. همگی ایشان ایمانداران صادقی بودند. اما برخی به آنچه با آن آشنا بودند چسبیده و نسبت به ذات اصلاحات ریشه ای انجیل کور مانده بودند. حتی رسولان نیز در دیدن مفهوم کامل

انجیل گُند بودند (ر.ک. ۸: ۱). توجه داشته باشید که عناصر تعیین خط مشی عبارت بودند از: (۱) بحث خصوصی؛ (۲) بحث عمومی؛ (۳) رأی گیری توسط جماعت کلیسا.

«**پطرس برخاست**» حتماً این روش سخن گفتن با یک جماعت بوده است (ر.ک. آیه ۵). این آخرین باری است که در کتاب اعمال به او اشاره شده است. او تجربه خود را با کرنلیوس بازگو می کند (ر.ک. بابهای ۱۰-۱۱).

□ «**امتها ... کلام بشارت را بشنوند و ایمان آورند**» خدا از پطرس برای شهادت دادن به محبت خدا و پذیرش الهی امتها استفاده کرد! خدا اجازه داد این درک رادیکال جدید، مرحله به مرحله پیش برود:

۱. ابتدا سامریان، باب ۸

۲. خواجه سرای حبشی، باب ۸

۳. کرنلیوس، بابهای ۱۰-۱۱

اینها هیچیک بت پرست یا خدانشناس نبودند بلکه مرتبط با یهودیت بودند. اما شماره های ۱ و ۳ توسط تجربه پنتیکاست تأیید شدند که همین امر خود گواهی برای کلیسای اولیه مبنی بر این بود که خدا گروههای دیگر را می پذیرد.

۸: ۱۵ «**خدای عارف القلوب**» این روشی برای تأکید بر شناخت کامل خدا (ر.ک. I سمو. ۱۶: ۷؛ امتال ۲۴: ۱۲؛ ارم. ۱۷: ۱۰؛ اعمال ۱: ۲۴؛ روم. ۸: ۲۷؛ مکا. ۲: ۲۳) از ایمان این نوایمانان غیریهودی بود.

□ «**روح القدس را بدیشان داد**» ظاهراً اشاره به تجربه همسانی مانند پنتیکاست است ("چنانکه به ما نیز[داد]"). همان ظهور روح القدس در اورشلیم، در سامره و در قیصریه رخ داد. این نشانه ای برای ایمانداران یهودی از این امر بود که خدا سایر گروههای مردم را نیز پذیرفته است (ر.ک. آیه ۹؛ ۱۱: ۱۷).

۹: ۱۵ «**در میان ما و ایشان هیچ فرق نگذاشت**» این نتیجه گیری الهیاتی پطرس در ۱۰: ۲۸، ۳۴؛ ۱۱: ۱۲ بود. خدا تبعیضی میان انسانها قایل نمی شود. تمامی انسانها به صورت خدا آفریده شده اند (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷). خدا مشتاق است که تمامی بشریت نجات یابند (ر.ک. پید. ۱۲: ۳؛ خرو. ۱۹: ۵-۶؛ I تیمو. ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیطس ۲: ۱۱؛ II پتر. ۳: ۹)؛ خدا تمامی جهان را محبت می نماید (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶-۱۷).

□ «**محض ایمان دلهای ایشان را ظاهر نمود**» این اصطلاح در ترجمه هفتاد برای اشاره به طهارت لاویان به کار رفته است. این طهارت نشانگر پاک شدن از همه چیزهایی است که ما را از خدا جدا می سازد. این همان فعلی است که در تجربه پطرس از حیوانات طاهر و نجس در ۱۰: ۱۵ و ۱۱: ۱۹ به کار رفته است (پیرو ترجمه هفتاد پید. ۷: ۲، ۸: ۲۰).

در انجیل لوقا این فعل برای طاهر شدن از جذام به کار رفته است (ر.ک. ۴: ۲۷؛ ۵: ۱۲، ۱۳؛ ۷: ۲۲؛ ۱۷: ۱۴، ۱۷). همین فعل بعدها به تشبیهی قدرتمند برای پاکی از گناه تبدیل گردید (ر.ک. عبر. ۹: ۲۲، ۲۳؛ I یوحنا ۱: ۷). در عهد عتیق از واژه دل به عنوان روشی برای اشاره به تمامی شخصیت استفاده می شد. نگاه کنید به عنوان خاص در ۲: ۴۷. این غیریهودیان کاملاً بواسطه مسیح، طاهر و مورد پذیرش خدا قرار گرفته بودند. آنان بوسیله ایمان به پیام انجیل، طاهر شدند. آنها ایمان آوردند، پذیرفتند و کاملاً به شخص عیسی و کار او اعتماد کردند.

۱۵: ۱۰ «چرا خدا را امتحان می کنید» زمینه عهد عتیقی این بیان در خرو. ۱۷: ۲، ۷ و تث. ۶: ۱۶ است. این واژه یونانی "امتحان" (peirazo) به "امتحان به منظور ویرانگری" اشاره دارد. بحث جدی بود! نگاه کنید به عنوان خاص: واژگان یونانی برای "آزمایش" و مفاهیم آن در ۵: ۹.

□ «یوغ» معلمان یهود از این وسیله هنگام از حفظ خواندن *Shema* (بشنو ای اسرائیل) تث. ۶: ۴-۵ استفاده می کردند؛ بنابراین یوغ برای ایشان به منزله شریعت کتبی یا شفاهی بود (ر.ک. متی ۲۳: ۴؛ لوقا ۱۱: ۴۶؛ غلا. ۵: ۱).

۱۵: ۱۰ «پدران ما و ما نیز طاقت تحمل آن را نداشتیم» بازتابی از تعالیم عیسی است (ر.ک. لوقا ۱۱: ۴۶). پولس در غلا. ۳ به این موضوع می پردازد. اما این پطرس است که مانند یعقوب، سنگینی یهودی گرایی را احساس می کند (ر.ک. غلا. ۲: ۱۱-۲۱).

پطرس در عبارت مزبور اعتراف به حقیقت الهیاتی می کند که شریعت قادر به ارمغان آوردن نجات نبود زیرا انسانیت سقوط کرده نمی توانست شریعتی مقدس را نگاه دارد (ر.ک. روم. ۷)؛ عملکردهای انسانی نمی تواند پایه نجات باشد. اما در عین حال، ایماندار نجات یافته، دارای عطایا و حضور روح القدس، باید زندگی خداشناسانه‌ای داشته باشد (ر.ک. متی ۱۱: ۳۰؛ افس. ۱: ۴؛ ۲: ۱۰). خداشناسی (شبه مسیح شدن) همواره هدف مسیحیت به منظور فراهم آوردن موقعیت برای بشارت است و غرور شخصی یا رستگاری از داوری نهایی هرگز هدف مسیحیت نمی باشد.

۱۵: ۱۱ این بیانیه خلاصه از نجات توسط فیض از راه ایمان (پطرس: اعمال ۲-۳؛ پولس: روم. ۳-۸؛ غلا. ۳؛ افس. ۱-۲). توجه داشته باشید که راه نجات برای یهود و غیریهود یکسان است (ر.ک. روم. ۴؛ افس. ۲: ۱-۱۰).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۵: ۱۲-۲۱

۱۲ به دنبال سخنان پطرس همه ساکت ماندند و به گزارش برنابا و پولس در مورد عجایب و نشانه‌هایی که خدا به وسیله ایشان در میان غیر یهودیان انجام داده بود، گوش می دادند. ۱۳ همین که سخنان آنان تمام شد، یعقوب گفت: «ای برادران، من، توچه فرماید، ۱۴ شمعون برای ما شرح داد، که چگونه خدا در ابتدا قومی را از میان اقوام جهان برگزید تا فقط به او متعلق باشند و به این وسیله علاقه خود را به تمام ملل نشان داد. ۱۵ این موافق سخن انبیاست، چنانکه کلام خدا می فرماید: ۱۶ 'بعد از این باز می گردم و مسکن ویران داوود را از نو بنا می کنم و خرابی‌های آن را بار دیگر آباد می گردانم و آن را برپا خواهم کرد ۱۷ تا بقیه بنی نوع بشر طالب خداوند گردند، یعنی جمیع مللی که نام خود را بر آنها نهاده‌ام، ۱۸ این است آنچه خداوند می گوید، خداوندی که این چیزها را از زمانهای قدیم آشکار کرده است.' ۱۹ «بنابراین رأی من این است که غیر یهودیانی را که به سوی خدا آمده‌اند، دچار زحمت نسازیم. ۲۰ جز اینکه کتباً به ایشان دستور دهیم که از خوردن گوشتی که در اثر تقدیم شدن به بُت‌ها ناپاک و نجس شده است و از زنا و خوردن حیوانات خفه شده و همچنین خوردن خون پرهیزند. ۲۱ چون شریعت موسی از زمانهای قدیم در هر روز سبت در کنیسه‌ها خوانده و تعالیم او در تمام شهرها موعظه می شود.»

۱۵: ۱۲ «تمام جماعت ساکت شده، ... گوش گرفتند» سخنان پطرس اغتشاش میان گروه رهبران را فرونشاند. از متن چنین بر می آید که دو مبشر در اینجا دوباره ماجرای سفر بشارتی شان را بازگو کردند، اما این بار گروه رهبران به آنها گوش فرا دادند!

□ «برنابا و پولس» توجه کنید که جای اسمها دوباره عوض شد زیرا اینجا کلیسای برنابا بود.

□ «چون آیات و معجزات را بیان می کردند» مقصود الهیاتی کتاب اعمال از سخن گفتن به زبانها در پنتیکاست، آن است که این نشانه پذیرش خدا است، پس انسان سردرگم باقی می ماند که چرا این نشانه خاص به عنوان روش تأیید تکرار نشد.

آیات و نشانه‌ها به خودی خود توسط عیسی (ر.ک. ۲: ۲۲)، رسولان (ر.ک. ۲: ۴۳؛ ۳: ۷؛ ۴: ۱۶، ۳۰؛ ۵: ۱۲) آن هفت نفر (ر.ک. ۶: ۸؛ ۸: ۶، ۱۳)، پولس و برنابا (ر.ک. ۱۴: ۳؛ ۱۵: ۱۲) به ظهور می‌رسید. خدا توسط این آیات و معجزات حضور و قدرت خود را در موعظه انجیل تأیید می‌کرد. از اینها گذشته یهودی‌گرایان نیز با این گواه قانع می‌شدند که خدا کاملاً بت پرستان و خدانشناسان را فقط بر اساس فیض خود از راه ایمان پذیرفته است.

**۱۳: ۱۵ «یعقوب»** این یعقوب رسول نیست، چه او در اعمال ۱۲: ۱-۲ کشته شد. این یعقوب، برادر ناتنی عیسی است که رهبر کلیسای اورشلیم و نویسنده رساله یعقوب بود. او را "یعقوب عادل" می‌خواندند. گاهی "زانو شتری" نیز خطاب می‌شد زیرا اغلب بر روی زانوانش دعا می‌کرد. دو رهبر اصلی اورشلیم سخنگویی درباره این موضوع را برعهده گرفتند (پطرس و یعقوب). نگاه کنید به عنوان خاص در ۱۲: ۱۷.

**۱۴: ۱۵ «شمعون»** در متن اصلی به صورت آرامی آمده است. این اسم پطرس بود (ر.ک. II پطرس. ۱: ۱).

□ **«امتها را تفقد نمود تا قومی از ایشان به نام خود بگیرد»** این تأکید جهانی انبیای عهد عتیق بود (مثال: اش. ۴۵: ۲۰-۲۳؛ ۴۹: ۶؛ ۵۲: ۱۰). قوم خدا همواره شامل یهودیان و غیریهودیان بود (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خرو. ۹: ۱۶؛ افس. ۲: ۱۱-۱۳). عبارت "به نام خود" می‌تواند کنایه از ارم. ۱۳: ۱۱ و ۳۲: ۲۰ یا اش. ۶۳: ۱۲، ۱۴ باشد.

**۱۵: ۱۵-۱۸ «مکتوب است»** یک نقل قول آزاد از عاموس ۹: ۱۱-۱۲ در ترجمه هفتاد است. واژه "مردم" در آیه ۱۷ در ترجمه مازورتیک *Edom* (قوم) است اما در ترجمه هفتاد *anthropos* (مردم/بشریت) آمده است. یعقوب از ترجمه هفتاد نقل قول می‌کند زیرا در این مورد به طور بی‌همتایی برارنده مقصود او از بیان ماهیت جهانی وعده‌هایی بخش خداست.

**۱۶: ۱۵** از متن چنین مشهود است که یعقوب این نقل قول را از ترجمه هفتاد انتخاب و تنظیم می‌کند تا شامل بودن امتها را نشان بدهد. آیا او این متن را بخاطر آنکه بیانگر از بین رفتن مذهب عهد عتیقی موسوی نیز هست، برگزیده؟ عهد جدید اصولاً عهد متفاوت است:

۱. بر اساس فیض است، نه عمل (هدیه و بخشش است نه پاداش)
۲. بر مسیح تمرکز دارد نه بر معبد (عیسی معبد جدید است)
۳. حیطه‌ای جهان شمول دارد و بر نژاد یهود متمرکز نیست

این تغییرات از نظر "حزب ختنه" ایمانداران، ویرانگر بود. اکنون رسول بزرگ (پطرس)، رسول معلم یهود تغییر یافته (پولس) و رهبر کلیسای اورشلیم (یعقوب) همگی خلاف ایشان نظر می‌دادند و رأی جماعت کلیسای مادر و کلیساهای بشارتی نیز برخلاف نظر ایشان بود.

**۱۸: ۱۵** شمول غیریهودیان همواره نقشه خدا بوده است (ر.ک. غلا. ۳: ۲۶-۲۹؛ افس. ۳: ۳-۶). وسیله نجات توسط نسل داود پادشاه مهیا می‌گردد (ر.ک. آیه ۱۶).

**۱۹: ۱۵** نتیجه‌گیری یعقوب.

**۲۰: ۱۵** منظور از راهبردهای مذکور این بود که: (۱) در کلیساهای مرکب از یهود و غیریهود، مشارکت در غذا را بیمه نماید و (۲) امکان بشارت به یهودیان را تسهیل کند. این موضوعات هیچ ارتباطی با نجات شخصی و فردی غیریهودیان نداشت! راهبردهای صادر شده برای حساسیتهای یهودیان و زیاده‌رویهای موجود در پرستشهای بت پرستان بود (ر.ک. آیه ۲۹؛ ۲۱: ۲۵).

فرمانهایی که در کتاب لاویان داده شده به منظور برجسته نمودن جدایی (اجتماعی و مذهبی) میان یهودیان و کنعانیان بوده است. هدف اصلی آنها عدم مشارکت بود، اما در اینجا هدف اصلی درست برعکس است. این "اصول" برای کمک به مشارکت میان ایمانداران با دو فرهنگ متفاوت هستند!

نسخه های یونانی گوناگون فراوانی در مورد این قانون رسولان موجود است. برخی دارای دو مورد، سه مورد یا چهار مورد هستند. بحث کاملی درباره این موضوع را می توان در کتاب آقای Bruce M. Metzger به نام *A Textual Commentary on the Greek New Testament* ص. ۴۲۹-۴۳۴ مطالعه کرد. اکثر ترجمه های انگلیسی دارای فهرست چهار موردی هستند.

□ «**حیوانات خفه شده و خون**» برخی از مفسران هر دو این موارد را مربوط به فرمانهای مربوط به خوراک موسی می دانند (ر.ک. لاو. ۱۷: ۸-۱۶). اما این امکان نیز وجود دارد که "خون" اشاره به قتل باشد که آن هم یکی از موضوعات اصلی در نوشته های موسی است.

۱۵: ۲۱ معنای آیه این است: (۱) اطمینان بخشیدن به شریعت گرایان در این مورد که تورات در تمامی زوایایش به غیریهودیان تعلیم داده می شود یا اینکه: (۲) از آنجایی که در تمامی مناطق و محلات یهودیانی زندگی می کردند، محظوریهای اخلاقی آنها باید مورد احترام قرار گیرد تا بتوان به گونه ای موثر بدیشان بشارت داد (ر.ک. II قرن. ۳: ۱۴-۱۵).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۵: ۲۲-۲۹

۲۲ پس رسولان و رهبران با اعضای کلیسا توافق کردند که افرادی از میان خود انتخاب کنند و به اتفاق پولس و برنابا به انطاکیه بفرستند. ایشان یهودای ملقب به برسابا و سیلاس را که از افراد برجسته در میان ایمانداران بودند انتخاب کردند ۲۳ و نامه خود را به این شرح به وسیله ایشان ارسال داشتند: «برادران شما، یعنی رسولان و رهبران، به ایمانداران غیر یهودی مقیم انطاکیه و سوریه و قیلیقیه سلام می رسانند. ۲۴ به ما خبر رسیده است، که بعضی از افراد ما بدون اینکه دستوری داشته باشند، با سخنان خود شما را دچار تشویش کرده و افکارتان را پریشان ساخته اند. ۲۵ بنابراین همه ما به اتفاق آراء تصمیم گرفتیم چند نفر را انتخاب نماییم و به اتفاق عزیزان خود برنابا و پولس ۲۶ که جان خود را به خاطر خدمت خداوند ما عیسی مسیح به خطر انداخته اند، نزد شما بفرستیم. ۲۷ بنابراین یهودا و سیلاس را فرستادیم تا شفاهاً همان چیزها را برایتان بیان کند. ۲۸ رأی روح القدس و ما این است، که جز دستوراتی که در زیر می آید بار شما را سنگین تر نسازیم ۲۹ و آن این است که از هر چه برای بُتها قربانی شده و از خون حیوانات خفه شده و زنا دوری جوئید. چنانچه از این چیزها پرهیز کنید کار نیکویی انجام داده اید، والسلام.»

۱۵: ۲۲ این هیئت با هدف اتحاد (ر.ک. آیه ۲۳) اعزام شدند، نه برای ایجاد تعهد و انطباق.

□ «**یهودای ملقب به برسابا**» این رهبر وفادار، مانند بسیاری دیگر در کتاب عهد جدید، برای ما ناشناخته می ماند و چیز دیگری درباره اش نوشته نشده است. اما خدا او را بخوبی می شناسد! کاملاً امکان دارد که این مرد برادر یوسف برسابا بوده باشد که یکی از کاندیداهای جایگزینی یهودای اسخریوطی در ۱: ۲۳ بود. اگر چنین باشد، هر دو ایشان پسران مردی به نام برسابا بوده اند.

□ «**سیلاس**» او نیز مانند برنابا، یکی از رهبران کلیسای اورشلیم بود. پولس او را سیلوانس می خواند و پس از آن به جای برنابا، او همسفر پولس در سفر دوم بشارتی وی گردید. شاید دلیل پولس برای برگزیدن وی این بود که اگر کسی به وی افترا زد که: (۱) او به انجیلی متفاوت از انجیل دوازده رسول موعظه می کند یا (۲) از مشارکت با کلیسای مادر خود را دور نگاه می دارد، سیلاس به افتراها و نگرانیهای ایشان پاسخ دهد.

## عنوان خاص: سیلاس/سیلوانس

- سیلاس یا سیلوانس کسی بود که پولس برگزید تا پس از اینکه برنابا و یوحنا مرقس به قبرس بازگشتند، همراه وی به سفر دوم بشارتی برود.
- ا. اولین بار در کتاب مقدس در اعمال ۱۵: ۲۲ به او اشاره شده و در آنجا وی به عنوان یکی از برادران ارشد کلیسای اورشلیم معرفی شده است.
- ب. او یک نبی هم بود (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳۲).
- ج. او نیز مانند پولس یک شهروند رومی بود (ر.ک. اعمال ۱۶: ۳۷).
- د. یهودا برسابا و او را کلیسای اورشلیم به انطاکیه فرستاد تا اوضاع و شرایط را بررسی نمایند (ر.ک. اعمال ۱۵: ۲۲، ۳۰-۳۵).
- ه. پولس از او در II قرن. ۱: ۱۹ به عنوان همکار در موعظه انجیل یاد می کند
- و. بعدها گفته شده که او در نوشتن رساله اول پطرس با پطرس همکاری کرده است (ر.ک. I پتر. ۵: ۱۲).
- ز. پولس و پطرس هر دو او را سلوانس می خوانند، در حالیکه لوقا به عنوان سیلاس از وی یاد می کند (شکل آرامی اسم سولس). احتمالاً دارد که سیلاس نام یهودی وی و سلوانس نام لاتینی او بوده باشد (ر.ک. F. F. Bruce, *Paul: Apostle of the Heart Set* (Free, p. 213).

۱۵: ۲۳ «قبلیقیه» این منطقه زادگاه پولس است (ر.ک. ۳: ۲۲).

۱۵: ۲۴ این آیه نشان می دهد که کلیسای اورشلیم دریافت کرده بود که برخی از اعضای آنجا بدون هیچگونه مسئولیت یا مأموریت رسمی (ر.ک. آیه ۱)، (۱) به این کلیساهای نوپدید سفر می کنند و (۲) به ایشان دستور می دهند که از قوانین موسی اطاعت نمایند (ر.ک. آیه ۱). فعل (*anaskeuazo*) که اینجا به کار رفته، اصطلاحی قوی و نظامی به معنی غارت و چپاول یک شهر است که فقط در این قسمت از عهد جدید بکار رفته.

۲۵: ۱۵

«یک فکر شده»

NASB

«با یک اندیشه متحد شدیم»

NKJV

«متفق القول تصمیم گرفتیم»

NRSV, NJB

«با هم متحد شده و به یکدل تصمیم گرفتیم»

TEV

این اتحاد میان ایمانداران مشخص کننده حضور روح القدس است (ر.ک. آیه ۲۸). توجه داشته باشید که این امر به معنای آن نیست که هیچگونه بحث و مجادله ای در آنجا نبود بلکه نشان می دهد پس از بررسی همه جانبه موضوع، ایمانداران به یک دستور کار واحد دست یافتند. ضروری بود که توافق الهیاتی متحد در شهرها و مناطق دیگر نیز منتشر شود تا این تنش و مجادله دیگر بی سبب مرتباً تکرار نشود. کلیسای اورشلیم اکنون یک موضع رسمی درباره محتوای انجیل اتخاذ کرده بود!

۱۵:۲۶ پولس و برنابا نه فقط در پیروزیها، بلکه در سختیهای کار بشارت سهیم بودند. این قابلیت آسیب پذیری یک احساس گذرا نبود، بلکه آنان خود را به طور دائم به کار بشارت وقف کرده بودند (وجه وصفی معلوم کامل).

۱۵:۲۸ «روح القدس و ما» خدا در این جلسه تعیین کننده حضور داشت. او اراده خود را از طریق بحث و تبادل نظر بیان داشت! روح القدس کسی بود که اتحاد را ایجاد کرد. اینجا هر دو جنبه عهد کتاب مقدسی پررنگ شده است - عمل خدا و پاسخ مناسب انسان. توجه کنید که این بیانیه یک توافق دو جانبه بود که هر طرف سودی از آن می برد. انجیل بر پایه فیض محض، ایمان محض مورد تأکید بود، اما به حساسیتهای یهودیان نیز احترام گذاشته شد.

□ «این ضروریات» اینها اشاره ای به نجات افراد نمی کند، بلکه مشارکت میان ایمانداران یهودی و غیریهودی در کلیساهای محلی را مد نظر دارد.

۱۵:۲۹ این به معنای قطع کامل غیریهودیان از گذشته الحاد و بت پرستانه شان بود. برقراری تعادل میان آزادی و مسئولیت مسیحی کاری دشوار اما ضروری است (ر.ک. روم. ۱۴: ۱-۵؛ ۱۳: ۱؛ I قرن. ۸: ۱-۱۳؛ ۱۰: ۲۳-۲۸). پرستش پیشین این بت پرستان شامل هر سه این موارد نهدی شده است!

این "ضروریات" به روشهای مختلف در نسخه های گوناگون یونانی فهرست بندی شده اند. مسئله اصلی در این است که آنها مربوط به چه می شوند.

۱. منظور از قربانی بتها، گوشت آنهاست (ر.ک. I قرن. ۸: ۱۰: ۲۳-۳۳)

۲. خون می تواند اشاره به یکی از دو مورد زیر باشد

أ. گوشت غیرکاشر

ب. قتل عمد

۳. منظور از حیوانات خفه شده، روشهای غیرکاشر برای کشتن حیوانات است، در این مفهوم دو مورد قبلی نیز مربوط به حساسیتهای غذایی یهودیان می گردد

۴. مقصود از زنا می تواند دو مورد زیر باشد:

أ. شرکت در مراسم پرستش بت پرستان (و همچنین در غذای ایشان)

ب. قوانین لاویان در عهد عتیق علیه زنا با محارم و نزدیکان (ر.ک. لاو. ۱۷: ۱۰-۱۴)

همه این "ضروریات" ربطی به نجات ندارند اما به مشارکت کلیساهای مخلوط و موقعیتهای گسترده بشارت به یهودیان مربوط هستند.

### عنوان خاص: آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی (برگرفته از کتاب تفسیر رومیان نویسنده، جلد ۵)

أ. این باب سعی در ایجاد تعادل میان تناقض آزادی و مسئولیت مسیحی دارد. واحد ادبی با موضوع یگانه تا ۱۵:۱۳ ادامه دارد.

ب. مسئله رسوب کرده در این باب احتمالاً تنش میان ایمانداران غیریهودی و یهودی در کلیسای روم بود. یهودیان پیش از ایمان آوردن به مسیح تمایل به شریعتگرایی و خدانشناسان یا بت پرستان، تمایلات غیراخلاقی داشتند. به یاد داشته باشید که مخاطبین این باب پیروان صادق عیسی بودند. ایمانداران جسمانی در این باب مورد خطاب قرار نگرفته اند (ر.ک. I قرن. ۳: ۱). نیت و انگیزه والای هر دو گروه مورد تأکید قرار گرفته است. افراط در هر دو طرف خطرناک بود. این بحث مجوزی برای ایرادگیری از شریعت گرایی یا به رخ کشیدن بی قید و بندی نیست.

ج. ایمانداران باید مراقب باشند که الهیات و اخلاقیات خود را معیاری برای تمامی ایمانداران نشمارند (ر.ک. II قرن. ۱۰: ۱۲). ایمانداران باید در نوری که در خود دارند گام بردارند، اما این موضوع را نیز بدانند که الهیات آنها به طور خودکار، الهیات خدا نیست. ایمانداران همچنان تحت تأثیر گناه قرار می گیرند. ما باید همدیگر را از کلام خدا، منطق خود و تجربیاتمان، تشویق کنیم، پند و تعلیم بدهیم، اما همواره در محبت. هر چه دانسته های ما بیشتر باشد، بیشتر می دانیم که هیچ نمی دانیم (ر.ک. I قرن. ۱۳: ۱۲)!

د. نگرش و نیت های هر شخص در برابر خدا، کلیدهای اصلی ارزش گذاری اعمال وی هستند. مسیحیان در حضور مسیح خواهند ایستاد تا بخاطر طرز برخوردشان با همدیگر مورد داوری قرار گیرند (ر.ک. آیات ۱۰، ۱۲ و II قرن. ۵: ۱۰).

ه. مارتین لوتر می گفت: "هر فرد مسیحی، آزادترین سرور همگان است، زیرا دست هیچ کس نیست؛ فرد مسیحی وظیفه شناس ترین خدمتگزار همگان و زیر دست همگان است." حقیقت کتاب مقدس معمولاً به گونه ای ظاهراً متناقض و پرتنش ارائه می گردد.

و. در رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ و نیز در I قرن ۸-۱۰ و کولسیان ۲: ۸-۱۰ به این موضوع دشوار و در عین حال اساسی پرداخته شده است. ز. اما اظهار این نکته ضروری است که چندگانگی در میان ایمانداران صمیمی و صادق امر بدی نیست. هر ایماندار دارای نقاط قوت و ضعف است. هر فرد ایماندار می بایست در پرتو نوری که دارد گام بردارد، و همواره خود را در معرض کلام خدا و روح القدس قرار دهد تا نور بیشتری فراراه وی قرار دهند. در این دوران تیره بینی در آینه (I قرن. ۱۳: ۸-۱۳) هر شخص باید به منظور تعلیم یافتن متقابل، در محبت (آیه ۱۵) و در صلح (آیات ۱۷، ۱۹) پیش برود.

ح. عنوانهای "قوی تر" و "ضعیف تر" که پولس به این گروهها اطلاق می کند، آنان را در معرض قضاوت ما قرار می دهد. یقیناً پولس چنین نیتی نداشته است. هر دو گروه مورد نظر، ایمانداران صادقی بودند. ما نباید بکوشیم سایر مسیحیان را به قالب خود دریاوریم! ما همدیگر را در مسیح می پذیریم!

ط. رئوس مطالب این بحث به طور کلی عبارت است از:

۱. یکدیگر را بپذیریم زیرا خدا ما را در مسیح می پذیرد (ر.ک. ۱۴: ۱، ۳؛ ۱۵: ۷)؛
۲. همدیگر را داوری نکنیم زیرا فقط مسیح است که داور و سرور ماست (ر.ک. ۱۴: ۳-۱۲)؛
۳. اهمیت محبت بیشتر از آزادی شخصی است (ر.ک. ۱۴: ۱۳-۲۳)؛
۴. از نمونه مسیح پیروی کنیم و از حقوق خود بخاطر نیکویی و تعلیم یافتن از/به دیگران بگذریم (ر.ک. ۱۵: ۱-۱۳).

□ «چنانچه» این یک جمله شرطی نیست. ترجمه NJB چنین است: "از اینها پرهیز کنید، و آنچه نیکوست انجام خواهید داد!"

□ «والسلام» یک فعل امری مجهول کامل (ماضی نقلی) که به طور معمول در خاتمه می آمد و همراه با آرزوی قوت و سلامتی بود.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۵: ۳۰-۳۵

۳۰ وقتی آنها را از آنجا روانه کردند، به انطاکیه رفتند و همین که جماعت ایمانداران را جمع کردند آن نامه را به آنها دادند. ۳۱ وقتی نامه خوانده شد، جمعیت از آن پیغام دلگرم کننده شادمان شدند ۳۲ و یهودا و سیلاس که نبی بودند با سخنان بسیار آن جماعت را تشویق و تقویت کردند. ۳۳ پس از آنکه مدتی در آنجا ماندند، توسط ایمانداران به سلامتی به سوی فرستندگان خود برگشتند. ۳۴ اما پولس و برنابا در انطاکیه ماندند ۳۵ و به اتفاق عدّه کثیری به تعلیم و بیان پیام خدا مشغول بودند.



۱۵: ۳۰ یک جلسه دیگر جماعت کلیسایی است که نشانگر اهمیت جمع شدن کلیسای محلی می باشد.

۱۵: ۳۱ این جماعت دوم (در انطاکیه) به "ضروریات" مزبور با دید منفی یا بازدارنده نمی نگریست.

۱۵: ۳۲ این آیه مفهوم نبوت عهد جدیدی را تعریف می کند. نبوت عهد جدید اصولاً موعظه انجیل و کاربرد عملی آن است؛ شاید هم گواه عهد جدید بر موعظه های طولانی باشد! نگاه کنید به عنوان خاص: نبوت در عهد جدید در ۳: ۱۸.

۱۵: ۳۳ «به سلامتی» می تواند انعکاسی از خداحافظی عبری یعنی *Shalom* (شالوم) باشد که روشی دیگر برای نشان دادن پشتیبانی کامل کلیسای اورشلیم و رهبری آن است.

۱۵: ۳۴ در نسخه های یونانی P74، آلف، A، B، E و نه ترجمه لاتینی ولگیت، این آیه وجود ندارد. در ترجمه های انگلیسی NRSV، TEV و NIV نیز حذف شده است. در سایر نسخه های یونانی ترتیب الفبایی (یعنی C و D)، شکل تصحیح شده آن آمده است.

۱۵: ۳۵ نشانگر شمار واعظین و معلمینی است که ما چیزی درباره ایشان نمی دانیم. عهد جدید در شرح زندگی سایر رسولان، مبشرین و واعظین بسیار گزینشی عمل می کند. خدا ایشان را می شناسد!

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۵: ۳۶-۴۱

۳۶ بعد از چند روز پولس به برنابا گفت: «به شهرهایی که پیام خداوند را اعلام کرده ایم برویم و از ایماندارانی که تازه ایمان آورده اند دیدن نماییم تا از حالشان باخبر شویم.» ۳۷ برنابا می خواست، یوحنا ملقب به مرقس را همراه خود ببرند. ۳۸ اما پولس عقیده داشت که نباید کسی را که در پمفیلیه ایشان را ترک کرده و تا پایان کار همراه ایشان نمانده بود بار دیگر با خود ببرند. ۳۹ مشاجره آنان چنان سخت شد، که از یکدیگر جدا شدند و در نتیجه برنابا، مرقس را برداشت و از راه دریا به قبرس رفت. ۴۰ و پولس، سیلاس را انتخاب کرد و پس از اینکه توسط ایمانداران به فیض الهی سپرده شد، حرکت کرد ۴۱ و از استانهای سوریه و قلیقیه گذشته و کلیساها را تقویت می کرد.

۱۵: ۳۶ «برگردیم» هدف پولس و برنابا، بازگشت و تقویت کلیساهای جدیدالتأسیس در سفر اولشان بود. توجه داشته باشید که این سفر مانند سفر اول همراه با ظهور الهی نیست (ر.ک. ۱۳: ۲).

۱۵: ۳۸ «پولس عقیده داشت» فعل اخباری معلوم نا کامل (ساده). ظاهراً پولس بر اکراه و بی میلی خود پافشاری می کرد.

□ «ایشان را ترک کرده ... بود» دقیقاً مشخص نیست که چرا یوحنا مرقس گروه بشارتی را ترک کرد (ر.ک. ۱۳: ۱۳).

۱۵: ۳۹ «مشاجره آنان چنان سخت شد، که از یکدیگر جدا شدند» ریشه لغوی این اصطلاح "سخت/تیز" به معنی "تیز کردن تیغه" است. در عبر. ۱۰: ۲۴ از همین اصطلاح در معنای مثبت استفاده شده است. فعل مزبور در اعمال ۱۷: ۶ و I قرن. ۱۳: ۵ نیز به کار می رود. مشاجره آنها شدید بود!

□ «برنابا، مرقس را برداشت و از راه دریا به قبرس رفت» حالا دو گروه بشارتی وجود داشت.

۱۵: ۴۰ «پولس، سیلاس را انتخاب کرد» پولس رهبر دیگری از کلیسای اورشلیم را برگزید.

□ «از برادران به فیض خداوند سپرده شده ...» متضمن تشکیل نوعی جلسه دعای وقفی بود (ر.ک. ۶: ۶؛ ۱۳: ۳؛ ۱۴: ۲۶؛ ۲۰: ۳۲). مفهوم ضمنی آیه حضور تمامی جماعت کلیسا را می رساند و نه صرفاً یک گروه برگزیده.

۱۵: ۴۱ «قلیقیه» دلیل و چگونگی تشکیل این کلیساها مشخص نیست. احتمالاً پولس شخصاً در طی سالهای سکوت خود در طرسوس، آنها را تشکیل داده بود. قلیقیه استان زادگاه پولس بود.

## پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. دلیل اهمیت زیاد این باب چیست؟
۲. مسیحیان یهودی گرا چه کسانی بودند؟
۳. چرا نظر یعقوب تا این حد وزن و اهمیت داشت؟
۴. مشایخ چه کسانی هستند؟
۵. محدودیتهای تعیین شده در آیات ۲۸-۲۹ به نجات مربوط است یا به مشارکت؟

کارهای رسولان فصل ۱۶  
تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
لیکائونیه: پولس تیموتائوس را به خدمت می گیرد ۳:۱۶-۴۱:۱۵	همراهی تیموتائوس با پولس و سیلاس ۵-۱:۱۶	پیوستن تیموتائوس پولس ۵-۱:۱۶	پیوستن تیموتائوس به پولس و سیلاس ۵-۱:۱۶	همراهی تیموتائوس با پولس و سیلاس ۵-۱:۱۶
۴:۱۶ ۵:۱۶				
عبور از آسیای صغیر	در تروآس: رویای پولس ۸-۶:۱۶	از آسیای صغیر تا تروآس ۱۰-۶:۱۶	درخواست از مقدونیه ۱۰-۶:۱۶	رویای پولس از شخص مقدونی ۱۰-۶:۱۶
۱۰-۹:۱۶				
رسیدن به فیلیپی	فیلیپی: ایمان آوردن لیدیه ۱۵-۱۱:۱۶	پولس و سیلاس در فیلیپی ۱۵-۱۱:۱۶	تعمید لیدیه در فیلیپی ۱۵-۱۱:۱۶	ایمان آوردن لیدیه ۱۵-۱۱:۱۶
زندانی شدن پولس و سیلاس ۱۸-۱۶:۱۶ ۲۴-۱۹:۱۶	زندانی در فیلیپی ۲۲الف:۱۶ ۲۴=ب:۱۶	۱۸-۱۶:۱۶ ۲۴-۱۹:۱۶	بازداشت پولس و سیلاس ۲۴-۱۶:۱۶	بازداشت در فیلیپی ۲۴-۱۶:۱۶
رهایی معجزه آسای پولس و سیلاس ۲۸-۲۵:۱۶ ۳۴-۲۹:۱۶	۲۸-۲۵:۱۶ ۳۰-۲۹:۱۶ ۳۴-۳۱:۱۶	۳۴-۲۵:۱۶	نجات زندانبان فیلیپی ۳۴-۲۵:۱۶	۳۴-۲۵:۱۶
			امتناع پولس از عزیمت در خفا	
۳۷-۳۵:۱۶ ۴۰-۳۸:۱۶	۳۵:۱۶ ۳۶:۱۶ ۳۷:۱۶ ۴۰-۳۸:۱۶	۴۰-۳۵:۱۶	۴۰-۳۵:۱۶	۴۰-۳۵:۱۶

## قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

### دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

### بینشهایی بر اساس مضمون اعمال ۱۵: ۳۶-۱۶: ۴۰

۱. سفر دوم بشارتی (۱۵: ۳۶-۱۸: ۲۳)

ا. این سفر بسیار طولانی تر از سفر اول بود و حدود ۳-۴ سال به طول انجامید.

ب. در اصل این سفر متمرکز بر مقدونیه و اخائیه، یعنی یونان امروزی بود.

ج. رئوس مطالب به اختصار:

(۱) جدایی برنابا و پولس، ۱۵: ۳۶-۴۰ (مشاجره بر سر یوحنا مرقس)

(۲) سوریه و قلیقیه، ۱۵: ۴۱ (مشخص نیست که این کلیساها چه وقت و چگونه تأسیس شدند)

(۳) لستره و دریه، ۱۶: ۱-۵ (پیوستن تیموتائوس به گروه بشارتی)

(۴) تروآس (Troy)، ۱۶: ۶-۱۰ (رویای پولس برای رفتن به غرب)

(۵) فیلیپی، ۱۶: ۱۱-۴۰

(۶) تسالونیک، ۱۷: ۱-۹

(۷) بیریه، ۱۷: ۱۰-۱۴

(۸) آتن، ۱۷: ۱۵-۳۴

(۹) قرنتس، ۱۸: ۱-۱۷

(۱۰) برگشت به انطاکیه سوریه، ۱۸: ۱۸-۲۲

### افراد نامبرده شده

ا. یوحنا مرقس (یوحنا نام یهودی و مرقس نام رومی است، اعمال ۱۲: ۲۵)

۱. او در اورشلیم بزرگ شد. خانه مادریش در اعمال ۱۲: ۱۲ به عنوان مکانی ذکر شده که کلیسای اولیه اورشلیم در آن برای دعا جمع می آمدند.

۲. بسیار اظهار داشته اند که همان خانه محل برگزاری شام آخر خداوند و جوان عریان مرقس ۱۴: ۵۱-۵۲، خود یوحنا مرقس بوده است. هر دو فرضیه امکان پذیر است، اما در حد فرضیه و پنداشت.

۳. پسرعموی برنابا بود (ر.ک. کول. ۴: ۱۰).
۴. برنابا و پولس را همراهی می کرد (ر.ک. اعمال ۱۳: ۵).
۵. گروه بشارتی را بزودی ترک کرد و به اورشلیم بازگشت (ر.ک. اعمال ۱۳: ۱۳).
۶. برنابا می خواست او را به سفر دوم بشارتی ببرد، اما پولس قبول نکرد (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳۶-۴۱).
۷. ظاهراً بعدها پولس و یوحنا مرقس با هم آشتی کردند (ر.ک. II تیمو. ۴: ۱۱؛ فیلمون ۲۴).
۸. او ظاهراً از دوستان نزدیک پطرس گردید (ر.ک. I پطر. ۵: ۱۳).
۹. براساس سنت و روایات، او انجیلی را که اسمش بر آن است نوشت و در آن موعظه های پطرس در روم را به ثبت رسانید. انجیل مرقس دارای واژگان لاتینی بیشتری از هر کتاب دیگر عهد جدید است و احتمالاً برای رومیان نوشته شد. این نقل قولی از پاپیاس هیراپولیس، در نوشته اوسیوس: *Eccl. His. 3.39.15* است.

۱۰. براساس سنت و روایات او در تأسیس کلیسای اسکندریه شراکت داشت.

#### ب. سیلاس

۱. او در کتاب اعمال، سیلاس و در رسالات، سلوانس خوانده شده است.
۲. او نیز همچون برنابا، از رهبران کلیسای اورشلیم بود (ر.ک. اعمال ۱۵: ۲۲-۲۳).
۳. ارتباط نزدیکی با پولس داشت (ر.ک. اعمال ۱۵: ۴۰؛ ۱۶: ۱۹ به بعد؛ ۱۷: ۱-۱۵؛ I تسلا. ۱: ۱).
۴. او نیز همچون برنابا و پولس، یک نبی بود (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳۲).
۵. به عنوان رسول خوانده شده است (ر.ک. I تسلا. ۲: ۶).
۶. او نیز مانند پولس یک شهروند رومی بود (ر.ک. اعمال ۱۶: ۳۷-۳۸).
۷. مثل یوحنا مرقس، از همراهان پطرس بود حتی احتمالاً به عنوان کاتب برای او عمل می کرد (ر.ک. I پطر. ۵: ۱۲).

#### ج. تیموتائوس

۱. معنی اسم او "کسی که به خدا احترام می گذارد" است.
۲. او فرزند مادری یهودی و پدری یونانی بود و در لستره می زیست. ترجمه لاتینی تفسیر اریچن از روم. ۱۶: ۲۱ بیان می دارد که تیموتائوس شهروند دربه بود. این امر احتمالاً از اعمال ۲۰: ۴ برگرفته شده است. مادر و مادر بزرگ او وی را در ایمان یهود بزرگ کرده بودند (ر.ک. II تیمو. ۱: ۵؛ ۳: ۱۴-۱۵).
۳. از او خواسته شد تا به گروه بشارتی پولس و سیلاس در سفر دوم پولس، بیبوند (ر.ک. اعمال ۱۶: ۱-۵). بواسطه نبوت خدمت او تأیید گردید (ر.ک. I تیمو. ۱: ۱۸؛ ۴: ۱۴).
۴. پولس وی را برای کار بشارت به یهود و غیریهود، ختنه کرد.
۵. او همراه و همکار سرسپرده پولس بود. از وی بیش از سایر دستیاران پولس نام برده شده است (۱۷ بار در ۱۰ رساله، ر.ک. I قرن. ۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۰؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۹: ۲؛ ۱۹: ۱؛ ۱: ۱؛ ۲: ۲؛ ۳: ۳؛ ۳: ۱؛ I تیمو. ۱: ۲؛ ۱۸: ۴؛ II تیمو. ۱: ۲؛ ۳: ۱۴-۱۵).
۶. "رسول" خوانده شده است (ر.ک. I تسلا. ۲: ۶).
۷. دو رساله از سه رساله شبانی خطاب به اوست.
۸. در عبرانیان ۱۳: ۲۳ آخرین فرد مورد اشاره است.

#### مطالعه عبارات و واژگان

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۶: ۱-۵

۱ پولس به اتفاق سیلاس به دربه و لستره رسید. در شهر لستره یکی از شاگردان به نام تیموتاؤس زندگی می کرد که مادرش مسیحی یهودی نژاد و پدرش یونانی بود. ۲ ایمانداران ساکن لستره و قونیه از او تعریف می کردند ۳ و پولس میل داشت، او را همراه خود ببرد، پس به خاطر یهودیان آن دیار تیموتاؤس را ختنه نمود. زیرا همه می دانستند که پدرش یونانی بود. ۴ آنان همچنان که شهر به شهر می گشتند، تصمیماتی را که رسولان و رهبران در اورشلیم گرفته بودند، به ایمانداران می سپردند تا بر طبق آن عمل کنند. ۵ از این رو کلیساها در ایمان تقویت می یافتند و روز به روز به تعدادشان افزوده می شد.

۱:۱۶ «دربه و لستره» این شهرها در بخش جنوبی استان رومی غلاطیه (ترکیه امروزی) قرار داشتند. پولس از منطقه مزبور در سفر اولی بشارتی اش دیدن کرده بود (ر.ک. آیه ۱۴).

□ «شاگردی ... آنجا بود» لوقا از واژه *idou* برای عنوان این عبارت که نشانگر تأکید است، استفاده می کند. تیموتاؤس یکی از همراهان اصلی پولس در طول خدماتش می گردد.

□ «مادرش مسیحی یهودی نژاد و پدرش یونانی بود» از II تیمو. ۱: ۵ درمی یابیم که مادر بزرگ او نیز یک ایماندار یهودی بوده است. نام مادر بزرگش لوئیز و نام مادرش افنیکی بود. مادر و مادر بزرگ وی احتمالاً در سفر اول بشارتی پولس به مسیح ایمان آوردند.

۱:۱۶ ۲ «از او تعریف می کردند» یک فعل ماضی غیر کامل (استمراری) مجهول اخباری. مردم بارها و بارها از تیموتاؤس تعریف می کردند. یکی از ویژگیهای رهبر کلیسایی را "به دور از ملامت" بودن در جمعهای ایماندار و بی ایمان، تشکیل می داد (ر.ک. I تیمو. ۳: ۲، ۷، ۱۰).

□ «در لستره» لستره زادگاه تیموتاؤس بود. اما در برخی از نسخه های یونانی اعمال ۲۰: ۴ (و نوشته های اورپین)، تلویحاً دربه زادگاه او معرفی شده است.

۱:۱۶ ۳ «پولس میل داشت، او را همراه خود ببرد» توجه داشته باشد که پولس، تیموتاؤس را فراخواند. این فقط انتخاب تیموتاؤس نبود (ر.ک. I تیمو. ۳: ۱). در یک معنا، تیموتاؤس همراه یا نماینده رسالتی پولس گردید.

□ «او را ... مختون ساخت» پولس می خواست تیموتاؤس قادر به کار کردن در میان یهودیان نیز باشد (ر.ک. I قرن. ۹: ۲۰؛ اعمال ۱۵: ۲۷-۲۹). عمل وی تراضی با یهودی گرایان نبود، به دلیل: (۱) نتایج شورای اورشلیم (ر.ک. آیه ۱۵) و (۲) او از مختون ساختن تیطس امتناع ورزید (ر.ک. غلا. ۲: ۳). اما رفتار پولس حتماً موجب سردرگمی این موضوع گردید! اصول اعتقادی پولس مبنی بر همه کس را همه چیز شدن برای آنکه برخی نجات یابند (ر.ک. I قرن. ۹: ۲۳-۲۳) مردم و نجات آنها را در اولویت قرار می دهد!

□ «پدرش ... یونانی بود» فعل ماضی ساده (ناکامل) تلویحاً نشان می دهد که او در گذشته بود.

۱:۱۶ ۴ پولس و سیلاس گزارشی از نتایج شورای اورشلیم (ر.ک. ۱۵: ۲۲-۲۹) ارائه دادند (فعل ماضی اخباری معلوم غیر کامل). به یاد داشته باشید که این "ضروریات" به دو منظور بودند: (۱) شراکت میان کلیساها و (۲) بشارت به یهودیان (مختون ساختن تیموتاؤس نیز به همین دلیل بود).

۱:۱۶ ۵ این یکی دیگر از اظهارات خلاصه شده توسط لوقاست (ر.ک. ۶: ۷؛ ۹: ۳۱؛ ۱۲: ۲۴؛ ۱۶: ۵؛ ۱۹: ۲۰؛ ۲۸: ۳۱). پولس قلب بزرگی برای شاگردسازی داشت (ر.ک. ۱۴: ۲۲؛ ۱۵: ۳۶؛ ۵: ۵).

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۶: ۶-۱۰

۶ وقتی آنها از استان فریجیه و استان غلاطیه می گذشتند، روح القدس مانع شد که پیام خدا را به استان آسیا ابلاغ نمایند ۷ و وقتی به سرحد میسیه رسیدند، سعی داشتند به استان بطینییه بروند. اما روح عیسی به ایشان اجازه نداد. ۸ بنابراین از میسیه گذشتند و به شهر تروآس آمدند. ۹ در همان شب پولس در رؤیا دید، که شخصی مقدونی ایستاده بود و با التماس به او می گفت: «به مقدونیه بیا و ما را یاری کن.» ۱۰ به محض اینکه پولس این رؤیا را دید، ما عازم مقدونیه شدیم. زیرا شکی نداشتیم که خدا ما را خوانده بود که به ایشان نیز بشارت دهیم.

۱۶: ۶ «از فریجیه و دیار غلاطیه می گذشتند» در این متن، لوقا بیشتر از گروه بندیهای نژادی، زبانی سخن می گوید تا تقسیم بندیها و استانهای رومی. این اصطلاح به مرزبندی غیررسمی میان گروه های قومی مزبور اشاره دارد.

□ «ایشان را ... منع نمود» یک وجه وصفی ماضی مجهول نامعین. در ترجمه هفتاد و نیز در کتاب عهد جدید استفاده از آن رایج است. روح القدس صمیمانه در عملکردها و تصمیم گیریهای کلیسای اولیه دخیل بود (ر.ک. ۲: ۴؛ ۸: ۲۹؛ ۳۹: ۱۰؛ ۱۹: ۱۱؛ ۱۲، ۱۵؛ ۲۸: ۱۶؛ ۶، ۷؛ ۲۱: ۴؛ روم. ۱: ۱۳).

□ «به ... آسیا» اشاره به استان رومی آسیای صغیر است که در انتهای غربی ترکیه امروزی قرار داشت.

۱۶: ۷ «روح القدس» نگاه کنید به عنوان خاص زیر.

## عنوان خاص: عیسی و روح القدس

سیالیتی میان کار روح القدس و پسر وجود دارد. G. Campbell Morgan می گفت بهترین نام برای روح القدس "عیسای دیگر" است.

در زیر به رئوس مطالب مقایسه کار و عناوین پسر و روح القدس می پردازیم:

۱. روح القدس به عنوان "روح عیسی" یا عباراتی نظیر آن خوانده شده است (ر.ک. روم. ۸: ۹؛ II قرن. ۳: ۱۷؛ غلا. ۴: ۶؛ I پط. ۱: ۱۱).

۲. هر دو ایشان با عباراتی نظیر هم خوانده شده اند:

أ. "راستی"

(۱) عیسی (یوحنا ۱۴: ۶)

(۲) روح القدس (یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۳)

ب. "شفیع"

(۱) عیسی (یوحنا ۲: ۱)

(۲) روح القدس (یوحنا ۱۴: ۱۶، ۲۶؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷)

ج. "قدوس"

(۱) عیسی (لوقا ۱: ۳۵؛ ۱۴: ۲۶)

(۲) روح القدس (لوقا ۱: ۳۵)

د. هر دو در ایماندار ساکن می شوند

(۱) عیسی (متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۴-۵؛ روم. ۸: ۱۰؛ II قرن. ۱۳: ۵؛ غلا. ۲: ۲۰؛ افس. ۳: ۱۷؛ کول. ۱: ۲۷)

(۲) روح القدس (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ روم. ۸: ۹، ۱۱؛ I قرن. ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ II تیمو. ۱: ۱۴)

(۳) و خدای پدر (یوحنا ۱۴: ۲۳؛ II قرن. ۶: ۱۶)

۱۶:۷ «میسیه» منطقه ای قومی نژادی در شمال غربی استان رومی آسیای صغیر بود. منطقه ای کوهستانی که جاده های رومی اصلی زیادی از آن می گذشت. شهرهای اصلی آن، تروآس، آسوس و پرغامس (Troas, Assos, Pergamum) بودند.

□ «بطینیه» این منطقه در شمال غربی آسیای صغیر، و شمال شرقی میسیه، قرار داشت. آنجا در روزگار لوقا یک استان رومی نبود، بلکه با پنتوس به عنوان یک واحد سیاسی، ترکیب شده بود. پطرس بعدها به این منطقه بشارت داد (ر.ک. I پط. ۱: ۱). از نوشته های فیلو درمی یابیم که مستعمرات یهودی نشین زیادی در این منطقه وجود داشته است.

۱۶:۸ «از میسیه گذشتند» در متن اصلی به معنی "از میان" یا "از اطراف" است.

□ «تروآس» شهری در فاصله چهار مایلی از تروآس باستانی. این شهر حدود ۴۰۰ سال پیشتر از آن پایه گذاری شد و شهر یونانی آزادی بود تا اینکه در نهایت به یک مستعمره رومی تبدیل گردید. بندر معمول عزیمت از میسیه به مقدونیه بود.

۱۶:۹ «پولس را رویایی رخ نمود» خدا پولس را چند بار به طریقه های ماوراءطبیعی هدایت کرد:

۱. نور شدید و صدای عیسی، ۹: ۳-۴
۲. رویا، ۹: ۱۰
۳. رویا، ۹: ۱۶، ۹: ۱۰
۴. رویا، ۱۸: ۹
۵. از خود بیخودی و خلسه، ۲۲: ۱۷
۶. فرشته خدا، ۲۷: ۲۳

□ «شخصی مقدونی» این امر که چگونه پولس فهمید که آن شخص مقدونی بوده، نامعلوم است. احتمالاً لهجه، لباسها، زیورآلات وی یا به سادگی بیانی در رویا بوده است. برخی از مفسرین چنین می پندارند که شخص مزبور خود لوقا بوده است (ر.ک. آیه ۱۰). این یک تصمیم گیری اساسی جغرافیایی بوده است. انجیل به سوی اروپا می رود!

□ «بیا و ما را یاری کن» نخستین فعل، وصفی معلوم نامعین است که به صورت امری آمده و دومین فعل، امری معلوم نامعین است. رویا بسیار مشخص و قوی بود.

۱۶:۱۰ «ما» این نخستین بخشی است که با "ما" همراه می باشد. اشاره به اضافه شدن لوقا به گروه بشارتی پولس، سیلاس و تیموتائوس می باشد (ر.ک. ۱۶: ۱۰-۱۷؛ ۲۰: ۵-۱۵؛ ۲۱: ۱-۲۸؛ ۱۶). برخی بر این اعتقادند که شخصی را که پولس در رویا در آیه ۹ دید لوقا بود، پزشکی غیریهودی که نویسنده انجیل لوقا و کتاب اعمال گردید.

□ «مقدونیه» یونان امروزی به دو استان رومی تقسیم شده بود:

- (۱) اخائیه در جنوب (شامل آتن، قرنتس، اسپارتا)
- (۲) مقدونیه در شمال (شامل فیلیپی، تسالونیکه، بیریه)

□ «به یقین دانستیم» واژه *smbibazo* در اصل به معنی جمع بندی کردن یا متفق بودن است. در اینجا تلویحاً به معنی آن است که هر آنچه رخ داد (یعنی، منع روح القدس از رفتن ایشان به آسیا، در آیه ۶؛ بستن بطینیه بوسیله روح القدس در آیه ۷؛ و رویای آیه ۹) راهبرد خدا برای رفتن به مقدونیه بود.

□ «خدا ما را خوانده است» فعل ماضی نقلی (کامل) اخباری مجهول است. رهبری روح القدس به منظور تأمین امنیت نبود بلکه برای بشارت دادن بود. این کار همواره اراده خداست.



## متن مزده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۶: ۱۱-۱۵

۱۱ در تروآس سوار کشتی شدیم و مستقیم به جزیره ساموتراکی رفتیم و روز بعد رهسپار نیاپولیس شدیم. ۱۲ از آنجا به فیلیپی که یک مستعمره رومی و شهری در بخش اول استان مقدونیه است رفتیم. در این شهر چند روزی اقامت کردیم. ۱۳ روز سبت از دروازه شهر خارج شدیم و به کنار رودخانه‌ای که گمان می‌کردیم محل دعای یهودیان باشد رفتیم. در آنجا نشستیم و با زنانی که جمع شده بودند، صحبت کردیم. ۱۴ یکی از شنوندگان ما زنی بود به نام لیدیه، که پارچه‌های ارغوانی می‌فروخت. او از اهالی شهر طیاتیرا و زنی خداپرست بود. خداوند قلب او را باز کرد تا تعلیم پولس را بپذیرد ۱۵ و هنگامی که او و خانواده‌اش تعمیم گرفتند، با خواهش و تمنا به ما گفت: «اگر مرا نسبت به خداوند یک مؤمن حقیقی می‌دانید بیاید و در منزل من بمانید.» و آن‌قدر اصرار کرد، که ما رفتیم.

۱۶: ۱۱ «به راه مستقیم» یکی از چند اصطلاح دریانوردی که لوقا به کار می‌برد (ر.ک. باب ۲۷). آنها یک کشتی که مستقیم به سوی مقصد می‌رفت گرفتند نه یک کشتی که در خط ساحلی حرکت می‌کرد.

□ «ساموتراکی» یک جزیره کوچک صخره‌ای که از دریای اژه حدود ۵۰۰۰ فوت سربرآورده است. این جزیره در میانه فاصله میان تروآس و فیلیپی قرار داشت.

□ «نیاپولیس» در اصل "شهر جدید". شهرهای زیادی در مدیترانه با این نام وجود داشتند. این یکی، بندر فیلیپی بود که در فاصله ۱۰ مایلی آن قرار داشت. این بندر واقع در انتهای شرقی جاده اصلی رومی بود که از شرق تا غرب کشیده می‌شد.

۱۶: ۱۲ «فیلیپی» اسم جمع یونانی که احتمالاً به اتحاد چند مستعمره در یک شهر اشاره دارد. این شهر در جاده اژه قرار داشت و در اصل کرینیدس (چاه‌ها) نامیده می‌شد. فیلیپ دوم مقدونی آن را به خاطر منابع طلایش به تصرف درآورد و نام خود را بر آنجا نهاد.

۱۶: ۱۲

«یکی از شهرهای اصلی در استان مقدونیه» NASB, NRSV

«بهترین شهر در منطقه مقدونیه» NKJV

«شهری در بخش اول استان مقدونیه» TEV

«شهر اصلی در آن استان» NJB

این عبارت بسیار نامشخص است. آمفی‌پولیس "شهر اول مقدونیه" است. منظور لوقا در اینجا مورد بحث و جدل فراوان بوده است. شاید این عنوانی محترمانه از اهمیت شهر باشد.

□ «مستعمره رومی» در سال ۴۲ ق.م، اکتاویان و مارک آنتونی، کاسیوس و پروتوس را در نزدیکی این شهر شکست دادند. به یادبود این پیروزی، اکتاویان شهر فیلیپس را مستعمره رومی ساخت و سربازان خود را در آنجا مستقر نمود. در سال ۳۱ ق.م، پس از شکست آنتونی و کلئوپاترا در آتیوم، اکتاویان سربازان بیشتری را در آن شهر مستقر ساخت. سایر مستعمره‌های روم که در عهد جدید به آنها اشاره شده در انتطاکیه پیسیده، لستره، تروآس، قرنتس و Ptolema هستند. آنها از تمامی مزایای شهرهای ایتالیا بهره‌مند بودند: (۱) دولت محلی؛ (۲) عدم پرداخت مالیات؛ و (۳) استقلال مخصوص قانونی. پولس اغلب اوقات در اینگونه از مستعمرات رومی موعظه می‌کرد و کلیساها را پایه‌گذاری می‌نمود.

۱۶:۱۳ «روز سبت» ظاهراً کنیسه ای در فیلیپی وجود نداشت. این شهر یک مستعمره رومی بود و احتمالاً ده مرد یهودی، که حداقل شمار لازم برای تشکیل کنیسه بود، در آنجا سکونت نداشتند. چنین می نماید که چند خداترس و گرویده به یهودیت در آنجا بودند (ر.ک. آیه ۱۴؛ ۱۳:۴۳؛ ۱۷:۴، ۱۷:۱۸؛ ۷:۷). بسیاری از زنان جذب اخلاقیات و آیین یهودی گرایی می شدند.

□ «کنار رودخانه ای» گویی آنجا محل عمومی پرستش مذهبی بوده است (ر.ک. یوسفوس، کتاب *Antiquities of the Jews* 14: 10: 23).

□ «نشستیم» موقعیت معلمان یهود به هنگام تعلیم چنین بود، اما آنجا شهری رومی بود و لذا احتمالاً نشستن ایشان اهمیت خاصی نداشت. این هم یکی از جزئیات مخصوص لوقاست.

۱۶:۱۴ «زنی ... به نام لیدیه، ... از اهالی شهر طیاتیرا» استان رومی مقدونیه، نسبت به سایر جهان مدیترانه در قرن اول میلادی، موقعیتهای بیشتری در اختیار زنان قرار می داد. لیدیه از شهری در آسیای صغیر بود (ر.ک. مکا. ۲: ۱۷ به بعد). این شهر به رنگهای ارغوانی که از صدف نرم تان درست می کرد و در روم شهرت فراوان داد، شناخته می شد. در زادگاه لیدیه یک کنیسه وجود داشت. نام او برگرفته از استان قدیمی لیدیا بود که آن شهر در آن قرار داشت. از او در نامه های بعدی پولس نامی برده نشده، بنابراین امکان دارد در آن زمان از دنیا رفته باشد.

□ «خداپرست» اشاره به خداترسانی که جذب یهودی گرایی می شدند اما هنوز کاملاً به سلک یهودیت در نیامده بودند.

□ «خداوند قلب او را باز کرد» کتاب مقدس ارتباط میان خدا و انسان را تحت لوای عهد توصیف می کند. خدا همراه قدم اول را در برقراری ارتباط و گذاردن شرایط عهد برمی دارد. نجات یک پیمان ارتباطی است. هیچکس نمی تواند نجات یابد مگر اینکه خدا قدم اول را بردارد (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). اما خدا می خواهد که تمامی بشر نجات یابند (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ I تیمو. ۲: ۴؛ II پتر. ۳: ۹)؛ بنابراین، به طور تلویحی خدا در مرحله ای از زندگی (مکاشفه طبیعی، ر.ک. مز. ۱۹: ۱-۶ یا مکاشفه خاص، ر.ک. مز. ۱۹: ۷-۱۴)، با شخصیت خود در برابر هر انسان گناهکاری قد علم می کند (ر.ک. روم. ۱-۲).

راز پنهان در اینجا آن است که چرا برخی به او پاسخ می دهند و برخی او را بی پاسخ می گذارند! من شخصاً نمی توانم بپذیرم که خدا برخی را انتخاب می کند و دیگران را نه. تمامی نوع بشر به صورت خدا آفریده شده اند (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷) و خدا در پید. ۳: ۱۵ وعده می دهد که تمامی ایشان را برهاند.

ممکن است اینقدرها هم مهم نباشد که با به این راز پی ببریم، اما ارائه وفادارانه انجیل به همگان وظیفه ماست و باید بگذاریم انجیل کار خود را در قلب و فکر شنوندگان انجام دهد (ر.ک. متی ۱۳: ۱-۲۳). پولس برای لیدیه موعظه کرد و او به همراه خانواده اش پاسخ مثبت دادند.

۱۶:۱۵ «اهل خانه اش تعمید یافتند» ظاهراً منظور خانواده، خدمه و کارگران او هستند (ر.ک. کرنلیوس، اعمال ۱۰: ۱؛ ۱۱: ۱۴؛ و زندانبان فیلیپی، اعمال ۱۶: ۳۳). همچنین توجه داشته باشید که او نیز مانند سایرین در عهد جدید، بدون معطلی تعمید یافتند.

مسئله الهیاتی که این آیه مطرح می کند چنین است: "آیا بچه ها نیز در این نمونه های ایمان آوردن اهل خانه در اعمال شرکت دارند؟" اگر چنین باشد، یک زمینه قبلی کتاب مقدسی برای تعمید نوزادان وجود دارد. کسانی که از این نظریه به عنوان گواه و مدرک پشتیبانی می کنند، به عهد عتیق نیز که نوزادان را به عنوان اعضای قوم اسرائیل به حساب می آورد (مختون ساختن نوزادان در هشتمین روز تولدشان) اشاره می نمایند.

هرچند به یقین ممکن است ایمان به مسیح بی معطلی بر تمامی اعضای خانواده در آن قالب اجتماعی تأثیر گذار بوده باشد، اما مسئله اصلی این است که: "آیا این یک حقیقت جهانی قابل اجرا در تمامی فرهنگهاست؟" من معتقدم که عهد جدید مکاشفه ای از گزینشهای ارادی شخصی در ارتباط با بیدار شدن حس گناه است. شخص باید نیاز خود را به یک نجات دهنده دریابد. این امر منجر به مسئله بعدی می شود: "آیا

انسانها در آدم گناهکار متولد شده اند یا هنگامی که بی اطاعتی از خدا را برمی گزینند، گناه می شوند؟" در یهودیت دوران کودکی با بی گناهی سپری می شود تا اینکه انسان نسبت به شریعت و سرسپردگی به اجرای آن آگاهی یابد؛ این امر در پسران در سن ۱۳ سالگی و برای دختران از سن ۱۲ سالگی آغاز می شود. معلمان یهود به اندازه کلیسا بر پید. ۳ تأکید نمی ورزند.

عهد جدید کتابی برای بزرگسالان است. این کتاب محبت خدا نسبت به بچه‌ها را نشان می دهد اما پیام آن مربوط به بالغان است!

□ «اگر» یک جمله شرطی از نوع اول که در آن ایماندار واقعی بودن گوینده از نظر نویسنده محرض است یا اینکه آن را به مقاصد ادبی به کار برده است.

□ «مرا نسبت به خداوند یک مومن حقیقی می دانید» یک فعل اخباری معلوم کامل (ماضی نقلی). لیدیه این مبشرین را دعوت می کند تا از خانه اش و اموالش برای پیشبرد انجیل استفاده کنند. این امر با تعلیم عیسی به آن هفتاد تن، هنگامی که آنان را اعزام می داشت، مطابقت دارد (ر.ک. لوقا ۱۰: ۵-۷).

□ «بیایید و در منزل من بمانید» اظهار لیدیه تعارف نیست، بلکه قطعی می باشد. فعل اول یک وجه وصفی معلوم نامعین است که به عنوان فعل امر به کار رفته؛ فعل دوم یک فعل حال امری معلوم است.

#### متن مژده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۶: ۱۶-۱۸

۱۶ یک روز که به محل دعا می‌رفتیم به کنیزی برخورد کردیم که روح فالگیری و غیبگویی داشت و از این راه منافع سرشاری نصیب اربابان خود کرده بود. ۱۷ او به دنبال ما و پولس افتاد و فریاد می‌کرد: «اینان غلامان خدای متعالند و راه رستگاری را به شما اعلام می‌نمایند.» ۱۸ چند روز کارش همین بود تا سرانجام حوصله پولس سر آمده به سوی او برگشت و به آن روح گفت: «به نام عیسی مسیح به تو فرمان می‌دهم از او خارج شو.» و در همان لحظه از او خارج شد.

۱۶: ۱۶ «واقع شد» ظاهراً این واقعه در روز دیگری، احتمالاً در سبت بعدی، رخ داد. این برخورد اتفاقی بود، اما خدا کاملاً در پی مقاصد خود بود چنانکه امروزه نیز هر روز و در هر واقعه ای او همچنان مقاصد خود را دنبال می کند.

□ «روح فالگیری» در این جمله، از دو اصطلاح برای توصیف آن کنیز استفاده شده است. اولین توصیف یعنی "فالگیری"، زمینه عهد عتیقی دارد اما در ترجمه هفتاد، اصطلاحات یونانی مختلفی برای آن به کار رفته است (ر.ک. لاق. ۱۹: ۳۱، ۲۰: ۶، ۲۷: ۴، تث. ۱۸: ۱۱؛ I سمو. ۲۸: ۳، ۷؛ II پاد. ۲۱: ۶؛ I توا. ۱۰: ۱۳). او شخصی دیورده بود که با آواز، افسون خوانی یا تفسیر پدیده های طبیعی (یعنی: پرواز پرندگان، ابرها، بقایای فنجان دمکرده ها، روده حیوانات و غیره) می توانست آینده را پیشگویی کند و تا حدودی بر آن تأثیر بگذارد.

در این زمینه فرهنگی یونانی، واژه *puthon* به کار رفته که از اسطوره های یونانی که در آن یک افعی غول پیکر توسط آپولو کشته می شود، برگرفته شده است. این اسطوره تبدیل به نوعی آیین پیشگویی (Delphi) شده بود که در آن انسانها از خدایان طلب مشورت می کردند. این آیین به سبب مارهای افعی اش (pythons) شهرت داشت که روی انسانها می خزیدند تا آنها آینده را بفهمند و تغییری در آن ایجاد کنند.

□ «غیبگویی» از این اصطلاح فقط در این نقطه از کتاب عهد جدید استفاده شده است. ریشه اصطلاح مزبور در ترجمه هفتاد برای "فالگیری، رای گیری، نبوت" رایج است و معمولاً در متون منفی به کار می رود. به معنی کسی است که به زور می رباید و به خلسه احساسی که همراه پیشگویی دست می دهد، اشاره دارد. در اینجا واژه مزبور اشاره به کسی دارد که در قبال سود و منفعت، آینده را پیشگویی می کند. مفهوم تلویحی مضمون و واژگان این است که آن دختر محل سکونت روحی ناپاک بود.

۱۶: ۱۷ «به دنبال ... پولس افتاد و فریاد می کرد» فعل اول، حال وصفی معلوم و فعل دوم، امری معلوم اخباری است. او به دنبال کردن و فریاد نمودن ادامه می داد (ر.ک. آیه ۱۸).

□ «اینان غلامان خدای متعالند» عیسی شهادت ارواح شریر را نمی پذیرفت (ر.ک. لوقا ۸: ۲۸؛ مرقس ۱: ۲۴؛ ۳: ۱۱؛ متی ۸: ۲۹) و پولس نیز آنها را قبول نمی کرد. اصطلاح "خدای متعال" در پید. ۱۴: ۱۸-۱۹ در مورد YHWH به کار رفته است، اما در همین فرهنگ زئوسی نیز کاربرد داشت. این روح پلید برای تجلیل خدا این شهادت را نمی داد بلکه می خواست انجیل را به امور شیطانی مربوط سازد.

□ «راه رستگاری را به شما اعلام می کنند» واژه "راه" در اینجا هیچ حرف اضافه ای ندارد. امکان دارد او چنین اظهار می داشت که آنها یکی از راههای بسیار خدای متعال هستند. این روح خبیث نمی کوشد که به خدمت پولس کمک کند. مقصود از این اظهار آن است که (۱) پولس را همردیف فالگیران نماید یا (۲) راه حل دیگری، نه تنها راه نجات، را نیز ارائه دهد.

۱۶: ۱۸ «حوصله پولس سرآمد» در این مرحله پولس دست به کار می شود، نه از روی محبت، بلکه از سر ناراحتی. پولس نیز انسان بود! همین فعل قوی در ترجمه هفتاد جامعه ۱۰: ۹ نیز درباره کار سخت استفاده شده است. در عهد جدید فقط در اینجا و در ۴: ۲ به کار رفته است. منظور اشاره به کسی دارد که کاملاً از پا درآمده است.

«به آن روح» توجه داشته باشید که مخاطب پولس، آن دختر نبود، بلکه او خطاب به روح شریری که در او مسکن گزیده و بر وی تسلط داشت، سخن می گوید. اخراج روح توسط پولس درست مطابق سایر اخراج ارواح در عهد جدید (به نام عیسی) انجام گردید. نگاه کنید به عنوان خاص: دیوزدگان در ۵: ۱۶.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۶: ۱۹-۲۴

۱۹ همین که اربابان او دیدند امید منافع خود را از دست داده‌اند، پولس و سیلاس را گرفتند و کشان کشان به میدان شهر نزد بزرگان شهر بردند. ۲۰ وقتی آنان را نزد مأموران رومی آوردند گفتند: «این مردان که یهودی هستند شهر ما را به هم می‌ریزند ۲۱ ایشان رسومی را تبلیغ می‌کنند که قبول آنها و عمل کردن به آنها برای ما رومیان جایز نیست.» ۲۲ مردم نیز در این حمله به آنان پیوستند و مأموران لباسهای آنان را در آوردند و دستور دادند، آنان را چوب بزنند. ۲۳ بعد از کتک زیاد آنها را به زندان انداختند و به زندانبان دستور اکید دادند، که ایشان را با دقت تمام تحت نظر بگیرد. ۲۴ با این دستور زندانبان آنان را در زندان داخلی زندانی کرد و پاهای ایشان را در کنده و زنجیر گذاشت.

۱۶: ۱۹ «دیدند امید منافع خود را از دست داده اند» برای این "اربابان" اصلاً اهمیتی نداشت که یک انسان از بند اسارت شریر آزاد شده است. آنها به سبب زیان مالی شان ناراحت شدند (ر.ک. آیه ۱۶).

□ «پولس و سیلاس را گرفتند» مشخص نیست که چرا لوقا و تیموتائوس را نگرفتند.

۱۶: ۲۰ «والیان» برگردان واژه یونانی *Praetors* است. عنوان رسمی آنها *duumvirs* بود اما از نوشته های سیسرا درمی یابیم که بسیاری از ایشان تمایل داشتند *Praetors* خوانده شوند. لوقا در استفاده از عناوین رسمی دولتی رومی بسیار دقیق است. این یکی از شواهد بسیار تاریخ نگاری دقیق اوست.

۱۶: ۲۰، ۲۱ «یهودی هستند ... ما رومیان» نشانگر غرور و تعصب نژادی آنهاست. زمان مسافرت پولس به فیلیپی احتمالاً نزدیک به حکم کلودیوس قيصر در سالهای ۴۹-۵۰ م. بود که یهودیان را از روم بیرون راند (در اصل او انجام آیین عبادتی یهودیان را به هر شکل ممنوع کرد). ضد سامی بودن رومیان را می توان در کتابهای *Pro Fiasco* 28 و *Javenal* 14:96-106 نوشته سیسرا (Cicero)، مشاهده کرد.

□ «رسمی را اعلام می نمایند که پذیرفتن و به جا آوردن آنها برای ما ... جایز نیست» توجه کنید که این ادعا هیچ ارتباطی با اخراج روح شریر از آن کنیز ندارد. ادعای مزبور ظاهراً اشاره به موعظه انجیل عیسی مسیح دارد. یهودی گرایی مذهبی رسمی در امپراتوری روم بود، اما چنانکه واضح است مسیحیت مذهبی متمایز و لذا غیرقانونی محسوب می گردید. یهودی کردن رومیان غیرقانونی بود و لذا دعوت پولس نیز غیرقانونی محسوب می شد.

۱۶: ۲۲ «جامه های ایشان را کنده، فرمودند ایشان را چوب بزند» نوع مجازات (*verberatio*)، که تحت نظر صاحب منصب دادگاه شهری انجام می گرفت) به شدت تازیانه های رومی نبود. تعداد چوبهایی که می زدند مشخص نبود. پولس را سه بار مثل این چوب زدند (ر.ک. II قرن. ۱۱: ۲۵). این تنها چوب خوردن به ثبت رسیده اوست (ر.ک. I. تسا. ۲: ۲).

۱۶: ۲۴ «زندان داخلی» به معنی اشد امنیت بود. در اینجا عامل ترس مشاهده می شود (ر.ک. آیه ۲۹). اخراج روح پلید توسط پولس توجه ایشان را جلب کرده بود.

□ «پاهای ایشان را در کنده و زنجیر گذاشت» اغلب زندانهای آن روزگار زنجیرهایی داشتند که به دیوار متصل بود و زندانی را به آنها می بستند. بنابراین، درها را فقط چفت می کردند، اما قفل نمی کردند. این زنجیرها طوری بسته می شد که پاهای زندانی از هم باز می ماند و موجب ناراحتی زیاد گشته، ایمنی را می افزود.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۶: ۲۵-۳۴

۲۵ نزدیکی های نصف شب پولس و سیلاس به دعا مشغول بودند و به درگاه خدا سرودهای حمد می خواندند و زندانیان دیگر گوش می دادند، که ۲۶ ناگهان زلزله شدیدی رخ داد، به طوری که زندان را از بنیاد به لرزه درآورد. تمام درهای زندان در همان لحظه باز شد و همه زنجیرها به زمین افتادند. ۲۷ وقتی زندانبان بیدار شد و درهای زندان را باز دید، شمشیر خود را کشید و چیزی نمانده بود، که خود را بکشد؛ چون تصور می کرد زندانبان فرار کرده اند. ۲۸ اما پولس به صدای بلند گفت: «به خود آسیبی نرسان، همه ما اینجا هستیم.» ۲۹ زندانبان چراغی خواست و سراسیمه وارد اتاق شد و درحالی که از ترس می لرزید پیش پاهای پولس و سیلاس به زمین افتاد. ۳۰ سپس آنان را بیرون آورد و گفت: «ای آقایان، من چه باید بکنم که نجات یابم؟» ۳۱ پاسخ دادند: «به عیسی خداوند ایمان آور که تو با اهل خانهات نجات خواهی یافت.» ۳۲ آنگاه پیام خداوند را به او و جمیع اهل خانه اش رسانیدند. ۳۳ درست در همان موقع شب زندانبان آنان را بیرون آورد و زخمهایشان را شست و شو نمود و بی درنگ او و خانواده اش تعمید گرفتند. ۳۴ زندانبان ایشان را به خانه خود برد و برای ایشان غذا آورد و او و تمام اهل خانه اش از اینکه به خدا ایمان آورده بودند، بی نهایت شاد گشتند.

۱۶: ۲۵ «نزدیکی های نصف شب» احتمالاً آنها از درد چوب خوردن و زنجیرها نمی توانستند بخوابند.

□ «دعا کرده، خدا را تسبیح می خواندند» ممکن است محتوای الهیاتی موجود در این دعاها و سرودها، ایمان به مسیح را در زندانیان ایجاد کرده باشد (یعنی: "زندانیان به سخنان آنها گوش می کردند") زیرا هیچیک از زندانیان به هنگام زلزله درها را باز نکرد (ر.ک. آیات ۲۶؛ ۲۸، "همه ما اینجا هستیم").

□ «زندانیان دیگر گوش می دادند» یک وجه وصفی میانی (به ظاهر مجهول اما معلوم) ناکامل (استمراری)، که تلویحاً نشان می دهد آنها پیوسته به پولس و سیلاس گوش می دادند. فعل *epakroamai* واژه ای نادر در عهد جدید و ترجمه هفتاد است. استفاده از آن در I سمو. ۱۵: ۲۲ نشانگر به دقت گوش کردن با خوشحالی است. این زندانیان کاملاً وامانده با شوق و حرارت پیام محبت، مراقبت و پذیرش خدا را شنیدند و به آن پاسخ دادند!

۱۶: ۲۶ «زلزله» واقعه ای طبیعی، که با هدف، زمان بندی و تأثیر ماوراءطبیعی صورت گرفت (ر.ک. متی ۲۷: ۵۱، ۵۴؛ ۲۸: ۲). خدا پطرس را به وسیله یک فرشته از زندان آزاد کرد (ر.ک. ۴: ۳۱)، اما اینجا واقعه ای را انتخاب کرد که به پولس فرصت موعظه انجیل به زندانیان و نگاهبانان را بخشید.

۱۶: ۲۷ «شمشیر» منظور شمشیر کوچک یا خنجر دو لبه ای بود که در کمربند می گذاشتند و شمایی شبیه به زبان داشت. مجازات اصلی شهروندان رومی توسط این وسیله انجام می گرفت. اگر زندانبانی زندانیان خود را از دست می داد، به سرنوشت ایشان دچار می شد (ر.ک. ۱۲: ۱۹).

۱۶: ۲۸ پولس باید تأثیری قوی بر سایر زندانیان گذاشته باشد!

۱۶: ۲۹ «چراغی خواست» در اصل: "چراغها خواست"، که جمع بودن آن قابل توجه است. زندانیان دیگری نیز در آنجا بودند.

۱۶: ۳۰ «ای آقایان، من چه باید بکنم که نجات یابم؟» این بازتابی است از: (۱) ترس انسان از وقایع ماوراءطبیعی و (۲) جستجوی انسان برای مصالحه با خدا! او می خواست شادی و آرامشی را که پولس و سیلاس در آن وضعیت ناعادلانه و پر درد، به تماشا گذاشته بودند، بیابد. توجه داشته باشید که این مرد نیز مانند بسیاری در کی بر اساس انجام آیین و تشریفات از مذهب داشت.

۱۶: ۳۱ «به عیسی خداوند ایمان آور» فعل *pisteuo* می تواند "باور کردن"، "ایمان آوردن" یا "توکل کردن" ترجمه شود. در اصل این یک پاسخ ارادی توکل کننده است (ر.ک. ۱۰: ۴۳). همچنین توجه کنید که این امر مربوط می شود به توکل کردن بر یک شخص نه یک آموزه یا نظام الهیاتی. آن مرد هیچگونه زمینه یهودی نداشت (ر.ک. اهالی نینوا در کتاب یونس). با اینحال مقتضیات نجات کامل بسیار ساده و درست همسان هستند! این کوتاهترین خلاصه انجیل در کتاب عهد جدید است. توبه زندانبان توسط رفتارشان نشان داده می شد.

□ «تو با اهل خانه ات نجات خواهی یافت» در جهان باستان، مذهب سر و رئیس خانه، مذهب تمامی اعضای آن بود (ر.ک. ۱۰: ۱۱؛ ۱۴؛ ۱۶؛ ۱۵؛ ۱۸؛ ۸). این امر که تغییر مذهب بر هر یک از اعضای خانواده چه اثری می گذاشت، مشخص نیست، اما تا حدودی ایمان شخصی از سوی هر فرد ابراز می گردید. پولس متعاقباً پیام انجیل را به طور کامل برای زندانبان و اهل خانه اش موعظه کرد (ر.ک. آیه ۳۲).

۱۶: ۳۳ «خود و همه کسانی فی الفور تعمید یافتند» نشانگر اهمیت تعمید است. اعمال، بارها و بارها این امر را خاطر نشان می سازد. عیسی این کار را کرد (ر.ک. لوقا ۳: ۲۱) و فرمان انجامش را داد (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹) و لذا تعمید گرفتن مقرر شد (ر.ک. اعمال ۲: ۳۸). این روایت در هماهنگی کامل با سایر موارد در اعمال است که در آنها نیز تعمید یافتن بی درنگ پس از اعتراف ایمان انجام گرفت (ر.ک. اعمال ۱۰: ۴۷-۴۸). به یک معنا تعمید یافتن اعتراف عمومی قابل رویت ایمان به مسیح است.

۱۶: ۳۴ «با تمامی عیال خود به خدا ایمان آورده، شاد گردیدند» هر دو فعلی که در اصل در این جمله به کار رفته مفرد است و به زندانبان اشاره دارد. اما عبارت قیدی حاکی از شامل بودن خانواده گسترده آن مرد و خدمه اش است. فعل "ایمان آورده" یک فعل وصفی معلوم کامل است و تلویحاً حالت پایدار و برقرار را می رساند.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۶: ۳۵-۴۰

۳۵ همین که روز شد مأموران رومی چند نفر از پاسبانان را فرستادند و دستور دادند که آنان را آزاد کنند. ۳۶ زندانبان این خیر را به پولس رسانیده گفت: «مأموران رومی دستور داده‌اند که شما را آزاد کنیم، پس بفرمایید و به سلامت بروید.» ۳۷ پولس در پاسخ گفت: «ایشان ما را که اتباع رومی هستیم در مقابل همه و بدون محاکمه چوب زدند و به زندان انداختند و حالا می‌خواهند ما را مخفیانه بیرون کنند. هرگز! خودشان بیایند و ما را بیرون ببرند.» ۳۸ پاسبانان گفتار پولس را به اطلاع مأموران رسانیدند. وقتی آنها شنیدند ایشان از اتباع روم هستند، بسیار ترسیدند ۳۹ و آمده از ایشان عذرخواهی کردند و آنان را تا بیرون زندان همراهی کردند و از آنان خواهش نمودند که شهر را ترک نمایند. ۴۰ به این ترتیب آن دو نفر از زندان بیرون آمده به خانه لیدیه رفتند و پس از اینکه ایماندران را دیدند و به ایشان دلگرمی دادند آنجا را ترک کردند.

۱۶: ۳۵ «مأموران» در اصل: "ترکه داران" (*hrabdouchosta lector*) است. این اصطلاح اشاره به کسانی دارد که در ایجاد نظم به طور رسمی دخیل بودند (ر.ک. آیه ۲۰). حزب "fascist" ایتالیا، نام خود را از این اصطلاح برگرفته است. یک دسته از این ترکه ها، نماد اقتدار سیاسی ایشان بود.

۱۶: ۳۷ «ما را که اتباع رومی هستیم» فیلیپی یک مستعمره رومی بود با مزایای قانونی اضافی بسیار که امکان داشت بخاطر گزارش این مواجهه ظالمانه با اتباع رومی، به مخاطره بیفتد. حمله به اتباع رومی تخطی جدی از قانون مستعمراتی ایشان محسوب می‌گردید (ر.ک. آیه ۳۹).

۱۶: ۳۹ قصد پولس از این مخالفت احتمالاً حفاظت از کلیسای نوپای فیلیپی و بدست آوردن موقعیت قابل توجه مشخصی برای ایشان بود. رهبران، با اعمال خود خاطر نشان کردند که موعظه انجیل یک امر غیرقانونی نیست! در بشارت انجیل برای آیندگان در فیلیپی گشوده شد.

۱۶: ۴۰ «و روانه شدند» لوقا ظاهراً در آنجا باقی ماند. در ۲۰: ۵-۶ او را هنوز در همانجا می‌یابیم.

## پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید. پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا روح القدس، روح عیسی خوانده شده است؟
۲. چرا خدا اجازه داد که مبشرین با اینهمه مخالفت و آزمایش روبرو شوند؟
۳. چرا پولس شهادت آن کنیز را نپذیرفت؟
۴. نام افرادی را که در فیلیپی نجات یافتند، فهرست وار بنویسید.
۵. چرا فقط پولس و سیلاس به زندان افتادند؟
۶. چرا سایر زندانبانان فرار نکردند؟
۷. عناصر نجات را که در این باب به آنها اشاره شده، فهرست وار بنویسید. آیا این عناصر متفاوت از عناصری هستند که در سایر بابهای کتاب اعمال به آنها اشاره شده است؟
۸. آیا زندانبان زمینه یهودی یا مسیحی داشت؟
۹. "اهل خانه او نجات یافتند" چه معنایی می‌دهد؟
۱۰. چرا پولس صاحب منصبان شهر را وادار به عذرخواهی کرد؟

کارهای رسولان فصل ۱۷  
تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
تسالونیکي: مشکلات با يهوديان ۴-۱:۱۷	در تسالونیکي ۴-۱:۱۷	از تسالونیکي تا آتن ۹-۱:۱۷	موعظه به مسیح در تسالونیکي ۴-۱:۱۷	هياهو در تسالونیکي ۹-۱:۱۷
مشکلات جديد در بيرييه ۹-۵:۱۷	در بيرييه ۹-۵:۱۷		حمله به خانه ياسون ۹-۵:۱۷	رسولان در بيرييه ۹-۵:۱۷
۱۲-۱:۱۷	۱۵-۱۷:۱	۱۵-۱۰:۱۷	۱۵-۱۰:۱۷	۱۵-۱۰:۱۷
۱۵-۱۳:۱۷				
پولس در آتن ۱۸-۱۶:۱۷	در آتن ۲۱-۱۶:۱۷	پولس در آتن ۲۱-۱۶:۱۷	فيلسوفان در آتن ۲۱-۱۶:۱۷	پولس در آتن ۲۱-۱۶:۱۷
۲۱-۱۹:۱۷			خطابه "شورای کوه مریخ" ۳۴-۲۲:۱۷	۳۸-۲۲:۱۷ (الف)
سخنرانی پولس در برابر "شورای کوه مریخ" ۲۲(ب)-۲۳:۱۷	۳۱-۲۲:۱۷	۳۱-۲۲:۱۷		
۲۸-۱۷:۲۴				۲۸(الف)-۳۱:۱۷
۲۹:۱۷				
۳۱-۳۰:۱۷				
۳۴-۳۲:۱۷	۳۴-۱۷:۳۲	۳۴-۱۷:۳۲		۳۴-۳۲:۱۷

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم



۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

### بینشهایی بر اساس مضمون متن

رئوس مطالب مختصری از پیام پولس به روشنفکران یونانی در آتن (۱۷: ۱۵-۳۴) که مشابه با اعمال ۱۴: ۱۵-۱۸ است.

ا. خدای یگانه آفریننده آسمان (روح) و زمین (ماده) است که:

۱. آنان او را نمی شناسند

۲. در معابد و بت‌های ساخته دست انسان ساکن نیست

۳. محتاج چیزی که نوع بشر به او بدهند، نیست

۴. تنها منبع زندگی حقیقی است

ب. خدا بر تمامی تاریخ بشر تسلط دارد

۱. همه ملت‌ها را از یک انسان بوجود آورد

۲. مرزهای میان ملت‌ها را تعیین می کند

ج. خدا در انسان‌ها اشتیاقی برای شناخت خود گذاشته است و یافتن او دشوار نیست.

د. گناه ما را از خدا جدا کرده است

۱. او از گناهان ما چشم‌پوشی کرده است

۲. ما باید توبه کنیم

ه. او تمام آفرینش را داوری خواهد کرد

۱. روزی برای داوری نهایی مقرر شده است

۲. داوری توسط مسیح انجام خواهد شد

۳. مسیح از مردگان برخاسته است تا شخصیت و کار خود را به اثبات رساند

### شهر تسالونیک

ا. تاریخچه مختصری از تسالونیک

۱. تسالونیک در بالای خلیج ترمائیک (Thermaic Gulf) قرار داشت. این شهر یک شهر بندری در میانه جاده ملت‌ها

(Via Ignatia)، یعنی جاده اصلی روم بود که از روم به سمت شرق کشیده می شد. این شهر همچنین به یک دشت

ساحلی بسیار غنی و پر آب نیز بسیار نزدیک بود. این سه ویژگی موجب شد که تسالونیک بزرگترین و مهمترین مرکز

تجاری و سیاسی در مقدونیه گردد.

۲. نام تسالونیک در اصل ترم (Therma)، برگرفته از چشمه های آب گرم واقع در آن منطقه بود. شیخ پلینی (Pliny the

Elder) یکی از مورخین کهن، اشاره می کند که شهرهای ترم و تسالونیک همزمان وجود داشته اند. چنانچه این موضوع

درست باشد، تسالونیک در اطراف ترم قرار داشته و آن شهر را ضمیمه خود گردانیده بود (Leon Morrix, *The*

*First and Second Epistles to the Thessalonians*, Grand Rapids: Wm. B. Eerdmans Publishing Company, 1991, p. 11).

با اینحال اکثر مورخین بر این عقیده اند که کاساندر (Cassander)،

یکی از ژنرال‌های اسکندر کبیر، در سال ۳۱۵ ق.م نام شهر ترم را عوض کرد و نام دختر فیلیپ مقدونی و خواهر ناتنی

اسکندر، یعنی تسالونیکا را بر آن نهاد (Strabo VII Fragment 21). گاهی از اوقات در طی قرون اولیه انتشار

مسیحیت، به تسالونیکه بخاطر شخصیت مسیحی که یافته بود، لقب "شهر راست کیش (the orthodox city)" می دادند ( Dean Farrar, *The Life and Work of St. Paul*, New York: Cassell and Company, Limited, 1904, p. 364). امروزه شهر تسالونیکه به نام سالونیکا (Salonika) خوانده می شود و همچنان شهری مهم در یونان است.

۳. تسالونیکه یک کلان شهر چند ملیتی مانند قرنتس بود که شهروندانش از سراسر جهان شناخته شده آن روزگار تشکیل می شدند.

ا) مردمان ژرمن وحشی از شمال در آنجا می زیستند، و آیین الحاد و بت پرستی و نیز فرهنگشان را با خود آورده بودند.

ب) یونانیانی که از اخائیه به سمت جنوب و از جزایر دریای اژه در آنجا سکونت داشتند، نیز به نوبه خود تهذیب و فلسفه خود را به همراه آورده بودند.

ج) رومیان از غرب به آنجا مهاجرت کرده بودند. اکثر آنان، سربازان بازنشسته بودند و قدرت اراده، ثروت و قدرت سیاسی خود را به ارمغان آورده بودند.

د) در نهایت، یهودیان پرشماری از شرق به آنجا نقل مکان کردند و حدود یک سوم جمعیت آن شهر یهودی بودند. آنها ایمان و اخلاق یکتاپرستی و نیز تعصبات ملی خود را به همراه داشتند.

۴. تسالونیکه، با جمعیتی در حدود ۲۰۰،۰۰۰ نفر، به راستی یک کلان شهر محسوب می شد. آنجا بخاطر چشمه های آب گرم خود، مرکز سلامتی و تمدد اعصاب بود. همچنین به سبب بندرگاه، دشتهای حاصلخیز و نزدیکی به جاده Ignatian، مرکز تجاری به شمار می آمد.

۵. تسالونیکه به عنوان مرکز حکومت و بزرگترین شهر مقدونیه، مرکز استقرار سیاسی استان نیز بود. به سبب آنکه این شهر مرکز استان و منزلگاه بسیاری از شهروندان رومی (اغلب سربازان بازنشسته) بود، تبدیل به شهری آزاد گردید. تسالونیکه هیچگونه خراجی پرداخت نمی کرد و طبق قوانین روم اداره می شد، چرا که بسیاری از تسالونیکیان، تبعه روم بودند. لذا فرمانداران تسالونیکه را انجمن شهر ("politarchs") می خواندند. این عنوان در ادبیات جاهای دیگر به چشم نمی خورد، اما در کتیبه ای بر سر در تاقی پیروزی در تسالونیکه که دروازه Vardar نام داشت، همچنان باقی مانده است (Farrar, p. 371n.).

ب. وقایعی که موجب گردید پولس به تسالونیکه برود:

۱. وقایع زیادی منجر به رفتن پولس به تسالونیکه گردید، با این وجود در پس تمامی شرایط فیزیکی، خدا بود که به طور مستقیم و مشخص وی را فرا می خواند. نقشه پولس در اصل آن نبود که به قاره اروپا وارد شود. اشتیاق او در سفر دوم بشارتی اش دیدار دوباره از کلیساهای آسیای صغیر که در سفر اول پایه گذاری کرده بود و پس از آن رفتن به سوی شرق بود. با این وجود درست در لحظه ای که می خواست به سمت شمال شرق برود، خدا درها را بر او بست. اوج این فراخوانی، روای پولس درباره شخص مقدونی بود (ر.ک. اعمال ۱۶: ۶-۱۰). این امر باعث وقوع دو چیز شد: اول، بشارت انجیل به قاره اروپا رسید و دوم، پولس، بخاطر شرایط مقدونیه شروع به نوشتن رسالاتش کرد (Thomas Carter, *Life and Letters of Paul*, Nashville: Cokesbury Press, 1921 p. 112).

۲. شرایط جسمی پولس، او را به سوی تسالونیکه رهنمون شد:

ا) پولس به شهر کوچک فیلیپی که هیچ کنیسه ای در آن وجود نداشت، رفت. کار او در آنجا توسط اربابان یک کنیز دیوزده "پیشگو" و شورای آن شهر متوقف شد. پولس را زدند و به او اهانت کردند، با اینحال

کلیسایی در آنجا تشکیل شد. بخاطر مخالفت و مجازات جسمی، پولس احتمالاً زودتر از آنچه می خواست مجبور به ترک آن شهر گردید.

ب) از آنجا باید به کجا می رفت؟ او از شهرهای آمفیپولیس و آپولونیا که کنیسه ای نداشتند، عبور کرد.

ج) سپس به بزرگترین شهر آن منطقه یعنی تسالونیکه رسید که دارای کنیسه بود. الگوی رفتاری پولس آن بود که ابتدا به یهودیان محلی سر بزند. او این کار را به دلایل زیر می کرد:

(۱) آشنایی آنان با عهد عتیق؛

(۲) موقعیت تعلیم و موعظه که در کنیسه فراهم می گردید؛

(۳) موقعیت آنان به عنوان قوم برگزیده، قوم عهد خدا (ر.ک. متی ۱۰: ۶؛ ۱۵: ۲۴؛ روم. ۱: ۱۶-۱۷؛ ۹-۱۱)؛

(۴) عیسی ابتدا خود را ایشان شناسانید و بعد به جهان - به همین جهت پولس نیز از نمونه مسیح پیروی می کرد.

### همراهان پولس

ا. سیلاس و تیموتائوس، همراهان پولس در تسالونیکه بودند. لوقا در فیلیپی با پولس بود، اما در آنجا باقی ماند. این امر را از ضمائر "ما" و "آنها" در متون اعمال ۱۶ و ۱۷ درمی یابیم. لوقا در فیلیپی از "ما" استفاده می کند اما در سفر به تسالونیکه، ضمیر "آنها" را بکار می برد.

ب. سیلاس یا سلوانس، شخصی بود که پولس برگزید تا پس از رفتن برنابا و یوحنا مرقس به قبرس، با او به سفر دوم بشارتی برود.

۱. نخستین بار در کتاب مقدس در اعمال ۱۵: ۲۲ به او اشاره شده و در آن از وی به عنوان یکی از پیشوایان برادران کلیسای اورشلیم نام برده است.

۲. او نیز یک نپی بود (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳۲).

۳. او نیز همانند پولس، شهروند رومی بود (ر.ک. اعمال ۱۶: ۳۷).

۴. یهودای ملقب به برسابا و سیلاس توسط کلیسای اورشلیم به انطاکیه فرستاده شدند تا اوضاع را بررسی کنند (ر.ک. اعمال ۱۵: ۲۲، ۳۰-۳۵).

۵. پولس وی را در II قرن. ۱: ۱۹ می ستاید و در چند رساله نام او را ذکر می کند.

۶. بعدها او را در همکاری با پطرس به هنگام نگارش I پطرس مشاهده می کنیم (ر.ک. I پطر. ۵: ۱۲).

۷. پولس و پطرس هر دو وی را سلوانس می خوانند در حالیکه لوقا او را به نام سیلاس معرفی می کند.

ج. تیموتائوس نیز یکی از همراهان و همکاران پولس بود

۱. پولس او را در لستره، جایی که در حین سفر اول بشارتی به مسیح ایمان آورده بود، ملاقات کرد.

۲. تیموتائوس نیمه یونانی (از سوی پدر) و نیمه یهودی (از سوی مادر) بود. پولس می خواست از او برای کار بشارت به غیر یهودیان استفاده کند.

۳. پولس وی را مختون ساخت تا بتواند به یهودیان نیز خدمت نماید.

۴. به نام تیموتائوس در بخش دروذهای رسالات II قرنتیان، کولسیان، I و II تسالونیکیان و فیلمون اشاره شده است.

۵. پولس به عنوان "فرزند من در خدمت" از وی سخن می گوید (ر.ک. I تیمو. ۱: ۲؛ II تیمو. ۱: ۲؛ تیطس ۱: ۴)

۶. لحن کلی پولس در سراسر رسالات تلویحاً نشان می دهد که تیموتائوس جوانتر و خجالتی بوده است. با این وجود پولس به او اطمینان زیاد دارد (ر.ک. اعمال ۱۹: ۲۷؛ I قرن. ۴: ۱۷؛ فیلی. ۲: ۱۹).

د. در این بخش مربوط به همراان پولس، شایسته است که از سایر همراهان وی در سفر به تسالونیکه و در سایر سفرهای وی یاد شود. آنها عبارتند از ارسترخس (Aristarchus، اعمال ۱۹: ۲۹؛ ۲۰: ۴؛ ۲۷: ۲) و سکندس (Secundus، اعمال ۲۰: ۴). همچنین دیماس نیز احتمالاً اهل تسالونیکه بوده است (فیلمون ۲۴؛ II تیمو. ۴: ۱۰).

### خدمت پولس در شهر تسالونیکه

ا. خدمت پولس در تسالونیکه بر اساس الگوی معمول وی پیروی می کرد که ابتدا نزد یهودیان می رفت و سپس به سوی غیریهودیان روی می گرداند. پولس در سه سبت در کنیسه موعظه کرد. پیام او این بود: "عیسی، مسیح موعود است". او از عهد عتیق برای نشان دادن این امر که ماشیح باید ماشیحی رنج بر باشد (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ اش. ۵۳) و نه ماشیحی موقتی و سیاسی، استفاده می کرد. پولس همچنین بر رستاخیز عیسی تأکید می ورزید و نجات را به همگان عرضه می داشت. عیسی به روشنی به عنوان مسیح موعود که همه مردمان را نجات می دهد، معرفی می گردید.

ب. پاسخ به این پیام چنین بود که برخی از یهودیان، بسیاری از غیریهودیان سرسپرده و شمار زیادی از زنان صاحب نام عیسی را به عنوان منجی و خداوندشان می پذیرفتند. تحلیلی از این گروههای نوایمان در درک رسالات بعدی پولس به این کلیسا بسیار پر معناست.

ج. با درنظر گرفتن غیبت اشاره و گریز به عهد عتیق در هر دو رساله به تسالونیکیان، می توان نتیجه گرفت که غیریهودیان اکثر اعضای کلیسا را تشکیل می دادند. به دلایل زیر، غیریهودیان به سهولت عیسی را به عنوان منجی و خداوند خود می پذیرفتند:

۱. مذاهب سنتی آنها خرافاتی بی قدر بیش نبود. تسالونیکه در دامنه کوه اُلْمپ (Mt. Olympus) قرار داشت و همگام می دانستند که قله های آن خالی از خدایان است.

۲. انجیل برای همگان رایگان است.

۳. در مسیحیت، ملی گرایی انحصاری یهودیان جایی نداشت. مذهب یهود بسیاری را به خاطر یکتاپرستی و اخلاقیات والایش به خود جذب می کرد، ولی بسیاری را نیز به دلیل مراسم و آیین زنده اش (مانند ختنه) و نیز تعصبات ملی و نژادی خود، بیزار می ساخت.

د. بسیاری از "زنان متنفذ" مسیحیت را پذیرفتند زیرا توانایی انتخاب مذهب خویشان را داشتند. زنان در مقدونیه و آسیای صغیر بیش از سایر مناطق در جهان یونانی-رومی آزاد بودند (Sir Wm. M. Ramsay, *St. Paul the Traveller and Roman Citizen*, New York: G. P. Putnam's Sons, 1896, p. 227).

با وجود این، طبقه زنان فقیرتر، هر قدر آزاد هم که بودند تحت سلطه خرافات و چند خدایی قرار داشتند (Ramsay, p. 229).

ه. بسیاری از متألّهین در مورد مدت زمان اقامت پولس در تسالونیکه دچار مشکل شده اند:

۱. اعمال ۱۷: ۲ از مباحثه پولس در کنیسه در سه سبت پایایی در تسالونیکه، سخن می گوید.

۲. I تسا. ۲: ۷-۱۱ بیان می دارد که پولس مشغول به کار و کسب بوده است. کار او خیمه دوزی یا به گفته برخی کار بر روی چرم بوده است.

۳. فیل. ۴: ۱۶ از اقامت طولانی تر وی پشتیبانی می کند، زیرا در آن قید شده که پولس به هنگام اقامت در تسالونیکه، دست کم دوبار هدایای پولی از کلیسای فیلیپی دریافت کرده است. فاصله میان دو شهر حدود ۱۰۰ مایل است. برخی اظهار می دارند که پولس حدود دو تا سه ماه در آنجا مانده است و منظور از سه سبت پایایی، تنها اشاره به خدمات او در میان یهودیان است (Shepard, p. 165).

۴. روایات مختلف نوایمانان در اعمال ۱۷: ۴ و I تسا. ۱: ۹ و ۲: ۴ از این دیدگاه پشتیبانی می کند. تفاوت کلیدی در این گزارشها، مردود شمردن بتها توسط غیریهودیان است. غیر یهودیان در کتاب اعمال، نوگرویدگان به یهودیت بودند که پیشتر از آن از بتها رویگردان شده بودند. مضمون تلویحی این متن نشان می دهد که پولس خدمت بزرگتری در میان غیریهودیان خدانشناس به غیر از خدمت به یهودیان انجام داده است.

۵. این امر که خدمت بشارتی بزرگتر، به ملحدان و بت پرستان، چه وقت صورت گرفته مشخص نیست، زیرا پولس همواره اول به سوی یهودیان می رفت. پس از رد پیام وی، او به سوی غیریهودیان روی گردانید. هنگامی که آنها به تعداد زیاد به انجیل پاسخ مثبت دادند، یهودیان حسادت ورزیده شورشی در میان اراذل و اوباش شهر ایجاد کردند.

و. پولس به خاطر هیاهوی برپا شده خانه یاسون را ترک کرد و همراه با تیموتائوس و سیلاس پنهان شدند، یا دست کم موقعی که ازدحام جمعیت به سوی منزل یاسون هجوم می برد، آنان در آنجا نبودند. انجمن شهر از یاسون ضمانتی گرفت تا آرامش را تأمین کند. این امر موجب شد که پولس شهر را شبانه ترک کند و به بیریه برود. با این وجود، کلیسا به شهادت به مسیح در برابر مخالفان زیاد، ادامه می داد.

## مطالعه عبارات و واژگان

### متن مژده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۷: ۱-۹

۱ پس آنها از آمفیپولیس و آپولونیا گذشتند و به تسالونیکه که کنیسه یهود در آن واقع بود رسیدند. ۲ پولس به پیروی از شیوه همیشه خود وارد کنیسه شد و در سه روز سبت به طور متوالی با استفاده از کتاب مقدس با آنان مباحثه می کرد ۳ و توضیح می داد و دلیل می آورد که لازم بود مسیح رنج ببیند و پس از مرگ زنده گردد. او می گفت: «عیسای که من به شما اعلام می کنم همان مسیح است.» ۴ عده ای از آنان و همچنین گروه زیادی از یونانیان خداپرست و زنهای سرشناس متقاعد شدند و به پولس و سیلاس گرویدند. ۵ اما یهودیان در آتش حسد می سوختند. آنان عده زیادی از اراذل و اوباش بازاری را گرد آورده دسته ای به راه انداختند و هیاهویی در شهر برپا کرده به خانه یاسون هجوم بردند تا پولس و سیلاس را به میان جمعیت بیاورند. ۶ وقتی آنان را نیافتند یاسون و عده ای از ایمانداران را نزد انجمن شهر کشیدند و فریاد می کردند: «این کسانی که دنیا را به هم ریخته اند حالا به اینجا آمده اند ۷ و یاسون آنان را به خانه خود برده است. اینها همه برخلاف احکام قیصر عمل می کنند و ادعا دارند پادشاه دیگری به نام عیسی وجود دارد.» ۸ با شنیدن این جمله جمعیت و انجمن شهر بشدت به هیجان آمدند. ۹ ولی به هر حال یاسون و دیگران را با ضمانت آزاد کردند.

۱۷: ۱ «از آمفیپولیس و آپولونیا گذشتند» این دو شهر در امتداد جاده ایگناتی (Ignatian Way)، که جاده اصلی شرق به غرب روم به طور ۵۰۰ مایل بود، قرار داشتند، که بخشهای شرقی و غربی امپراتوری را به هم می پیوست و خیابان اصلی تسالونیکه بود. □ «تسالونیکه» نگاه کنید به مقدمه این باب.

□ «کنیسه یهود در آن واقع بود» این الگو و تسلسل اعلام انجیل پولس بود (ر.ک. آیه ۲؛ ۳؛ ۲۶؛ ۱۳؛ ۴۶؛ روم. ۱؛ ۱۶؛ ۲؛ ۹، ۱۰؛ اعمال ۹؛ ۲۰؛ ۱۳؛ ۵؛ ۱۴؛ ۱۴؛ ۱؛ ۱۷؛ ۲، ۱۰، ۱۷؛ ۱۸؛ ۴، ۱۹؛ ۱۹؛ ۸)، احتمالاً به این دلیل که او احساس می کرد انجیل بخاطر نبوت عهد عتیق، ابتدا برای یهودیان است. بسیاری از خداترسان نیز در آنجا حضور داشتند که با عهد عتیق آشنا بودند و به آن احترام می گذاشتند.

۱۷: ۲ «در سه سبت» بدین معنا که او در سه سبت متوالی فقط در آن کنیسه سخن می گفت. او احتمالاً بیش از سه هفته در آن شهر ماند (ر.ک. فیل. ۴: ۱۶)، ولی مدت اقامتش به طول نینجامید.

□ «از کتاب مقدس با آنان مباحثه می کرد» پولس نبوتهای مربوط به ماسیح را با زندگی، تعلیم، مرگ و قیام عیسی مطابقت می داد. او این شیوه را از استیفان و مربی الهیات یهود خود برگرفته بود.

۳: ۱۷

«توضیح می داد و دلیل می آورد» NASB

«توضیح می داد و نشان می داد» NKJV

«توضیح می داد و اثبات می کرد» NKJV, NJB

«کتاب مقدس را توضیح می داد و آنها را اثبات می کرد» TEV

نخستین واژه *dianoigo* در مورد عیسی که کلام خدا را برای آن دو شاگرد در راه عموآس باز کرد آورده شده است (ر.ک. لوقا ۲۴: ۳۲، ۴۵). همین واژه درباره هنگامی که عیسی چشمان ایشان را گشود تا او را بشناسند به کار رفته است (ر.ک. لوقا ۲۴: ۳۱). باز از این واژه در ۱۶: ۱۴ درباره اینکه خدا قلب لیدیه را گشود تا انجیل را بفهمد آمده است.

واژه دوم، *paratithe-mi*، معمولاً در نوشته های لوقا برای قرار دادن خوراک در برابر کسی بکار می رود، ولی در اینجا معنی تلویحی آن "قرار دادن حقیقت در برابر" یا "سپردن" (ر.ک. ۱۴: ۲۳؛ ۲۰: ۳۲) است. دو بار در لوقا (ر.ک. ۱۲: ۴۸؛ ۲۳: ۴۶) به معنی سپردن چیزی به کسی آمده است. پولس با دقت و توجه زیاد انجیل را به شنوندگان ارائه می کرد (یعنی به امانت می سپرد، *parathe-ke*، I تیمو. ۶: ۲۰؛ II تیمو. ۱: ۱۲، ۱۴). برخی پاسخ می دادند (برخی یهودیان، برخی خداترسان و چند بانوی بانفوذ).

□ «لازم بود مسیح رنج ببیند» واژه "لازم بود" (*dei*) یک فعل وصفی معلوم ناکامل (ساده) است که اشاره به ضرورت دارد. در عهد عتیق درباره مسیحی که رنج می بیند، پیشگویی شده است (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ مز. ۲۲: ۱۳-۱۴؛ اش. ۵۲: ۱۳-۱۴؛ ۵۳: ۱۲)، اما هرگز معلمان یهود به وضوح متوجه این موضوع نشده بودند. موضوعی که رسولان به صراحت و قدرت موعظه می کردند (ر.ک. اعمال ۳: ۱۸؛ ۲۶: ۲۳؛ I پطرس. ۱: ۱۰-۱۲). این حقیقت سنگ لغزش اصلی برای یهودیان بود (ر.ک. I قرن. ۱: ۲۲-۲۳). نگاه کنید به یادداشت ۳: ۱۸.

□ «و پس از مرگ زنده گردد» عنصری رایج (قسمتی از *kerygma* نگاه کنید به عنوان خاص در ۲: ۱۴) در تمامی موعظه های پطرس، استیفان و پولس در کتاب اعمال، و ستون مرکزی انجیل است (ر.ک. I قرن. ۱۵).

□ «عیسایی که من به شما اعلام می کنم همان مسیح است» در نسخه های یونانی، اختلافات زیادی در آخرین واژگان این جمله وجود دارد.

۱. "مسیح، عیسی (هر دو با حرف اضافه معین)" - نسخه B
۲. "مسیح، عیسی (عیسی بدون حرف اضافه معین)" - برخی از ترجمه های والگیت و کپتیک
۳. "مسیح عیسی" (بدون حرف اضافه) - نسخه های  $D, A, P^{74}$
۴. "مسیح عیسی (بدون هیچ حرف اضافه)" - نسخه آلف
۵. "عیسی مسیح (بدون هیچ حرف اضافه)" - نسخه E و ترجمه کپتیک بوهایریک (Bohairic Coptic version)
۶. "مسیح (با حرف اضافه معین)" - ترجمه گرجستان (Georgian version)

بسیاری از پژوهشگران واژگان شماره ۱ (واتیکانوس) را بخاطر غیرعادی بودنش برمی گزینند.

در چهارچوب اعتقادی کنیسه، "مسیح (با حرف اضافه معین)" به معنی آن یگانه مسح شده موعود عهد عتیق، یعنی ماشیح، است. سه منصب مسح شده در عهد عتیق وجود داشت: پادشاهان، انبیا، کاهنان. کارکرد عیسی مربوط به هر سه می گردید (ر.ک. عبر. ۱: ۳-۱). مسح شدن، نمادی از گزینش خدا و تجهیز برای کار خدمت بود. نگاه کنید به عنوان خاص در ۴: ۲۷.

۴: ۱۷

NASB, NKJV,  
NRSV  
TEV, NJB  
«پذیرفتند»  
«متقاعد شدند»

این اصطلاح یونانی فقط در این قسمت از عهد جدید یافت می شود. در اصل معنی آن "تعیین کردن بوسیله قرعه" است. در این مضمون به معنی "متابعت کردن" یا "پیوستن" می باشد. "قرعه" یک شیوه عهد عتیقی برای دانستن اراده خدا بود. مفهوم تلویحی (۱) حرف اضافه (*pros*)؛ (۲) ریشه (*-kle-poo*)؛ و (۳) حالت مفعولی، نشانگر عمل الهی است. خدا قلب آنها را نیز مانند لیدیه باز کرد (ر.ک. ۱۶: ۲۴).

□ «**یونانیان خداترس**» آنان پیرو یهودیت بودند ولی هنوز کاملاً بدان نگرورده بودند، که لازمه اش (۱) مختون شدن؛ (۲) تعمید خود؛ و (۳) گذراندن قربانی در وقت ممکن در معبد اورشلیم بود.

□ «**زنهای سرشناس**» زنان در مقدونیه (مانند لیدیه) از آزادی زیادی برخوردار بودند. الگوی انطاکیه پیسیدیه در اینجا نیز تکرار شد (ر.ک. ۱۳: ۴۳، ۴۵، ۵۰). نسخه های غربی یونانی عبارتی را به آیه ۴ می افزایند که این زنان همسران مردان سرشناس بودند. تعدادی از پژوهشگران نوین بر این اعتقادند که تصحیح کننده متن نسخه های غربی اغلب متن را به گونه ای تغییر می داد که زنان را کم بها کند (ر.ک. آیه ۱۲).

۱۷: ۵ «**یهودیان ... حسد برده**» بی ایمانی یهودیان از نظر من اندوهبار است (ر.ک. ۲: ۱۴)، اما حسد بردن ایشان (ر.ک. ۵: ۱۷) فجع می باشد! انگیزه آنان مثل پولس، نه غیرت مذهبی ایشان، بلکه حسد بود! شمار ایمان آورندگان (ر.ک. ۱۳: ۴۵) آنها را به جوش و خروش می آورد، نه مفهوم موعظه.

لوقا از واژه "یهودیان" معمولاً همانند پولس (ر.ک. I تسا. ۲: ۱۵-۱۶)، در معنای منفی و تحقیرآمیز استفاده می کند. این واژه مترادف با کسانی می گردد که با انجیل مخالفت می ورزند و در برابر آن مقاومت می کنند.

□ «**از ارادل و اوباش بازاری**» توصیف کسی است که در اطراف بازار بی کار و بی عار ولگردی می کند.

۱۷: ۶ «**یاسون ... را ... کشیدند**» برخی بر این باورند که این یاسون همان یاسون مورد اشاره در روم. ۱۶: ۲۱ است، ولی این موضوع نامشخص می باشد.

□ «**و چند برادر**» این ساختار تلویحاً نشان می دهد که یاسون هنوز به مسیح ایمان نیاورده بود. چگونگی پذیرایی یاسون از گروه بشارتی نامشخص است. احتمال دارد که (۱) پولس یا سیلاس برای او کار می کردند؛ (۲) آنان فضایی را از او اجاره کرده بودند؛ یا (۳) در خانه او اقامت داشتند. فعل پذیرفتن در آیه ۷ به معنی "پذیرفتن به عنوان میهمان" است (ر.ک. لوقا ۱۰: ۳۸؛ ۱۹: ۶؛ یعقوب ۲: ۲۵).

□ «**حکام شهر**» عبارت مزبور "politarch"، به معنی رهبران شهر است. این عبارت اسم مخصوصی برای رهبران حکومتی محلی در مقدونیه بود. عبارت مزبور به صورت بسیار نادر، فقط در اینجا و در آیه ۸ بکار رفته است، و کاربرد آن نشانگر درک لوقا از آن منطقه و دقت تاریخ نگاری وی در کتاب اعمال است. لوقا در آن عصر که تاریخ نگاری دقیق امری نادر بود، به دقت جزئیات تاریخی را به رشته تحریر درآورده است. او بر اساس ایمانی که ایمانداران به عنوان الهام از آن یاد می کنند، کار خود را به انجام رسانید.

۶: ۱۷

NASB «**ربع مسکون را شورانیده اند**»

NKJV, NRSV, «**دنیا را به هم ریخته اند**»

NJB

«**همه جا را به هم ریخته اند**»

TEV

تلویحاً به آنها اتهام شورش و فتنه جویی زدند (ر.ک. ۲۱: ۳۸). این عبارتی بسیار قوی است. به استفاده پولس از همین عبارت در غلا. ۵: ۱۲ توجه کنید. از I تسا. ۲: ۱۴-۱۶ می دانیم که کلیسای تسالونیک با آزار و شکنجه شدیدی روبرو بود.

۱۷:۷ «احکام قیصر» برخی چنین می‌پندارند که این احکام مربوط به کلودیوس (۴۱-۵۴ م.) بود که در ۴۹-۵۰ م. به تصویب رسید و اجرای آیین یهود در روم را ممنوع می‌ساخت. مصوبه مربوطه در عمل موجب گردید که جمعیت یهودیان ساکن روم، آنجا را ترک کنند. اما به عقیده من متن به طور واضح اشاره به موعظه انجیل ایشان می‌کند. هیچکس قانوناً حق نداشت موجب گرویدن یک تبعه رومی به مذهبی دیگر شود.

□ «ادعا دارند پادشاه دیگری به نام عیسی وجود دارد» اتهام مزبور می‌توانست به دلایل زیر باشد: (۱) تأکید زیاد موعظه‌های پولس بر آخرت شناسی در تسالونیک، یا (۲) القابی که مسیحیان به عیسی نسبت می‌دادند مشابه القابی بود که رومیان برای قیصر (شاه، خداوند، و نجات دهنده) بکار می‌بردند.

۱۷:۹ «ضمانت» احتمالاً ضمانت مزبور شامل مقدار زیادی پول می‌گردید که بر نوایمانان تحمیل گردید (ر.ک. آیات ۴، ۶، ۱۰) تا اینکه مطمئن شوند پولس دیگر به موعظه در آن شهر ادامه نخواهد داد. برخی این موضوع را به I تسا. ۲: ۱۸ مربوط می‌دانند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۷: ۱۰-۱۵

۱۰ به محض اینکه هوا تاریک شد، ایمانداران، پولس و سیلاس را به بیریه روانه کردند و وقتی به آنجا رسیدند به کنیسه یهود رفتند. ۱۱ یهودیان مقیم آنجا از یهودیان تسالونیک روشن‌فکرتر بودند. آنها با اشتیاق کامل به پیام پولس و سیلاس گوش می‌دادند و هر روز کتاب مقدس را مطالعه می‌کردند تا ببینند آیا آن سخنان با کتب سازگار است یا خیر. ۱۲ بنابراین بسیاری از آنان و عده زیادی از زنهای متنفذ یونانی و مردان یونانی نیز ایمان آوردند. ۱۳ ولی وقتی یهودیان در تسالونیک اطلاع یافتند، که پولس در بیریه نیز کلام خدا را منتشر ساخته است به آنجا آمدند تا مردم را بشوراند. ۱۴ به این جهت ایمانداران فوراً پولس را به ساحل دریا فرستادند و سیلاس و تیموتاؤس هر دو در همان‌جا ماندند. ۱۵ همراهان پولس او را تا شهر آتن همراهی کردند. سپس پولس به آنان دستور داد که به بیریه بازگردند و هرچه زودتر سیلاس و تیموتاؤس را نزد او بفرستند.

۱۷:۱۰ «بیریه» در روزگار پولس شهر بزرگی در ۶۰ مایلی غرب و بسیار نزدیک به جاده اصلی ایگناتی (Ignatian Highway) بود. جماعت یهودی در آن سکونت داشتند، جماعتی که نسبت به شنیدن پیام پولس و بررسی الهیات او از روی متونی که از عهد عتیق می‌آورد، گشاده بودند.

□ «به کنیسه یهود رفتند» متن به طور تلویحی نشان می‌دهد که آنان به محض رسیدن، پس از یک شب تمام مسافرت، فوراً به کنیسه رفتند. شاید آن روز سبت بوده و شاید هم می‌دانستند که اغتشاشگران به دنبالشان هستند. گوهر زمان بسیار باارزش بود. ایمانداران غربی امروزی توجه به اولویت و فوریت بشارت را از دست داده‌اند!

۱۷:۱۱ «روشن‌فکرتر بودند» اصطلاحی که برای طبقه ثروتمند، تحصیل کرده و والای مردم به کار می‌رفت (ر.ک. ترجمه هفتاد ایوب ۱: ۳؛ لوقا ۱۹: ۱۲). این تعریف تحت اللفظی فراخور حال یهودیان بیریه نبود؛ بنابراین اصطلاح مزبور به عنوان استعاره ای به نشانه اشتیاق ایشان به شنیدن افکار جدید و ارزیابی آنها، آمده است. این تفکر باز شاید مشخصه شهروندان طراز اول آن شهر بوده که در کنیسه عبادت می‌کردند (ر.ک. آیه ۱۲).

□ «هر روز کتاب مقدس را مطالعه می‌کردند تا ببینند آیا آن سخنان با کتب سازگار است یا خیر» این تنها راه برای ارزیابی حقیقت است. روش موعظه پولس نقل قول آوردن از عهد عتیق و نشان دادن کاربرد آن در عیسی بود.

عبارت ("آیا آن سخنان با کتب سازگار است") حاوی جمله شرطی از نوع چهارم است (یعنی: *ei* با صیغه آرزو، ر.ک. ۱۷: ۲۷؛ ۲۰: ۲۴؛ ۱۹: ۲۷؛ ۱۲)، که مشخص می‌کند چه چیز به دور از واقعیت (کمتر محتمل) است. برخی پاسخ دادند؛ برخی ندادند (راز انجیل).



۱۲:۱۷ «بسیاری از آنان ... ایمان آوردند» تلویحاً بیان می‌دارد که بسیاری از یهودیان آن کنیسه و بسیاری از «خداترسان» پاسخ ایمان دادند. نگاه کنید به عنوان خاص در ۸: ۱۲ و ۴: ۴.

□ «متنفذ» اصطلاحی که در اصل ترکیب "خوب" و "شکل" یا "ظاهر" است. از آن در مورد افراد مورد احترام، مشهور و با نفوذ استفاده می‌شد (ر.ک. ۱۳: ۵۰ و یوسف رامه ای در مرقس ۱۵: ۴۳).

۱۳:۱۷ مخالفت مغرضانه دشمنان یهودی پولس را نشان می‌دهد. بسیاری از ایشان یهودیان صادق و خالصی بودند که از روی انگیزه مذهبی عمل می‌کردند (مانند آنچه سولس می‌کرد). اما روشهای آنها پرده از وضعیت روحانی شان برمی‌دارد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۶-۲۱

۱۶ پولس وقتی در آتن در انتظار سیلاس و تیموتاؤس بود، از اینکه شهر را آن‌طور پر از بت می‌دید عمیقاً متأثر شد. ۱۷ و به این دلیل در کنیسه با یهودیان و خدایپرستان و هر روز در میدان شهر با رهگذران به گفت‌وگو می‌پرداخت. ۱۸ عده‌ای از فلسفه‌دانان اپیکوری و رواقی به او برخورد کردند و با عقایدش به مخالفت پرداختند. بعضی از آنها می‌گفتند: «این یاوه‌گو چه می‌خواهد بگوید؟» دیگران می‌گفتند: «گویا مبلغ خدایان بیگانه است.» (زیرا به عیسی و رستائیز بشارت می‌داد) ۱۹ پس او را گرفته به شورای کوه مریخ بردند و گفتند: «ممکن است ما بدانیم این تعالیم تازه‌ای که تو پیشنهاد می‌کنی چیست؟ ۲۰ سخنان تو به گوش ما عجیب می‌آید. ما می‌خواهیم معنی آن را بفهمیم.» ۲۱ (آتنی‌ها و خارجی‌های ساکن آنجا همه وقت خود را صرف گفت و شنود در خصوص عقاید تازه می‌کردند).

۱۶:۱۷ «آتن» بزرگترین شهری که میراث فرهنگی یونان را در خود داشت و همچنان مرکز روشنفکران جهان روم بود. این شهر به سرازیری سنت، خرافات و بی اخلاقی و فساد افتاده بود.

□ «روح او» نسخه‌های الفبایی یونانی عهد جدید دارای موارد زیر نبود: (۱) فاصله میان واژه‌ها؛ (۲) علائم نقطه گذاری در جمله‌ها؛ (۳) شروع واژگان با حروف بزرگ (همه حروف، بزرگ بودند)؛ (۴) تقسیم بندی آیات و بابها. بنابراین، تنها مضمون متن لزوم وارد کردن واژگان با حروف ابتدایی بزرگ را تعیین می‌کرد. معمولاً واژگان با حرف ابتدایی بزرگ به منظوره‌های زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد: (۱) اسامی الهی؛ (۲) اسم مکان؛ و (۳) اسم افراد. واژه "روح" می‌تواند اشاره به موارد زیر باشد: (۱) روح‌القدس (ر.ک. مرقس ۱: ۵)؛ (۲) جنبه وجدانی فردی انسان (ر.ک. مرقس ۸: ۱۲؛ ۱۴: ۳۸)؛ یا (۳) موجودیتی در قلمرو روحانی (مثال: ارواح ناپاک، ر.ک. مرقس ۱: ۲۳). در این مضمون اشاره به پولس به عنوان یک شخص است.

در چند متن از نوشته‌های پولس، از این ساختار دستوری برای توصیف آنچه روح‌القدس در فرد ایماندار ایجاد می‌کند، استفاده شده است:

۱. "روح بندگی را نیافته ایم، بلکه روح فرزندخواندگی را"، رومیان ۸: ۱۵
۲. "روح حلم"، I قرن. ۴: ۲۱
۳. "روح ایمان (وفاداری)"، II قرن. ۴: ۱۳
۴. "روح حکمت و کشف"، افس. ۱: ۱۷

از مضمون متن واضح است که منظور پولس از "روح" روشی برای اشاره به خودش است (ر.ک. ۲: ۱۱؛ ۵: ۴؛ II قرن. ۲: ۱۳؛ ۷: ۱۳؛ روم. ۱: ۹؛ ۸: ۱۶؛ ۴: ۲۳).

۱۶:۱۷	
NASB	«در درونش برافروخته شده بود»
NKJV	«در درونش برافروخته گشت»
NRSV	«عمیقاً و به شدت مضطرب شد»
TEV	«عمیقاً متاثر شد»
NJB	«منقلب شد»

فعل اخباری مجهول ناکامل (ساده) - *paroxuno* است که در اصل به معنی "تیز کردن" می باشد اما در اینجا به گونه تمثیلی به معنای "تحریک کردن" آمده است. از همین واژه (به صورت اسم) برای توصیف مشاجره میان پولس و برنابا بر سر یوحنا مرقس در ۱۵: ۳۹ استفاده شده است. در عبر. ۱۰: ۲۴ به صورت مثبت آمده است.

۱۷: ۱۷ پولس علاقمند به یهودیان ("در کنیسه...مباحثه می نمود") و غیریهودیان بود، چه آنانی که جذب یهودیت شده بودند (خداترسان) و چه ملحدان و بت پرستان ("در بازار"). او این گروههای مختلف را به شیوه های گوناگون مخاطب می ساخت، بدین ترتیب که: با یهودیان و خداترسان از عهد عتیق استفاده می کرد، اما با ملحدان و بت پرستان می کوشید تا زمینه ای مشترک بیابد (ر.ک. آیات ۲۲-۳۱).

۱۸: ۱۷ «اپیکوریین» این گروه معتقد بودند که خوشگذرانی و شادی بالاترین نیکویی و هدف زندگی است. باورشان این بود که هیچ زندگی جسمانی یا شخصی بعد از مرگ وجود ندارد. "از زندگی فعلی لذت ببر" شعار آنان بود (شکلی از لذت گرایی: hedonism). اعتقاد آنان این بود که خدایان توجهی به انسانها ندارند. گروه مزبور نام خود را از Epicurus، فیلسوفی آتنی، ۳۴۱-۲۷۰ ق.م، گرفته بودند اما نتیجه گیری بنیانی او را مورد اغراق و گزافه گویی قرار می دادند. اپیکوروس لذت را در معنایی وسیعتر از لذت شخصی یا لذت جسمی (یعنی بدن سالم و فکر راحت) می دید. "از اپیکوروس نقل قول شده است که: [اگر می خواهید کسی را خوشحال کنید، به اموالش نیفزایید بلکه از خواسته هایش بکاهید]." (*The New Schaff-Herzog Encyclopedia of Religious Knowledge*, vol. IV, p. 153).

□ «رواقی» این گروه بر این باور بودند که خدا (۱) نفس-جهانی یا (۲) موجود و حاضر در کل جهان خلقت (همه خدایی) است. آنان تصریح می نمودند که انسانها باید در هماهنگی با طبیعت (یعنی خدا) زندگی کنند. از دید ایشان استدلال والاترین نیکویی ها و هدف اصلیشان قوه خودداری، خودبستگی و ثبات احساسات در هر شرایطی بود. آنها اعتقادی به زندگی پس از مرگ شخصی نداشتند. موسس این گروه Zeno، یکی از فیلسوفان قبرس بود که در حدود سال ۳۰۰ ق.م. به آتن نقل مکان کرد. گروه مزبور نام خود را از این واقعیت که Zeno در رواق نقاشی شده آتن تعلیم می داد، گرفتند.

□ «یاوه گو» این واژه برای گنجشکانی که در مزرعه دانه می خوردند، به کار می رفت. معنای استعاری آن به معلمانی اطلاق می گردید که از اینجا و آنجا تکه هایی از اطلاعات را برمی چینند و در عوض پول به خورد مردم می دهند. در ترجمه *R.S.V. Interlinear* آقای Alfred Marshall، برگردان این واژه: "سارقان ادبی جاهل - ignorant plagiarist" است. ترجمه NJB آن را "طوطی" ترجمه کرده است.

□ «واعظ به خدایان غریب» در اصل "بیگانه *daimo-n*" به معنی قدرتهای روحانی یا خدایان است (ر.ک. I قرن. ۱۰: ۲۰-۲۱). این فیلسوفان آتنی مشرکان مذهبی (معبد تمام خدایان و ادیان المپ - Olympic pantheon) بودند.

این امکان وجود دارد که این فیلسوفان یونانی آتنی، از سخنان پولس، اشاره به دو تن خدایان را برداشت کردند:

۱. الهه سلامتی

حتی امکان دارد که آنان از سخنان پولس یکی را مرد (عیسی) و یکی را زن (رستاخیز در یونانی یک اسم مونث است) می دیدند. همین امر تشریح کننده اتهام ایشان در این آیه است، که منظورشان اشاره به حکم قیصر در سال ۴۹-۵۰ م. نبود، بلکه از واژگان انجیل پولس دچار سردرگمی شدند.

□ «زیرا به عیسی و رستاخیز بشارت می داد» سنگ لغزش انجیل برای یهودیان "مسیح رنج دیده" و برای یونانیان "رستاخیز" بود (ر.ک. I قرن. ۱: ۱۸-۲۵). زندگی پس از مرگ جسمی و شخصی با درک یونانیان از خدایان و نوع بشر همخوانی نداشت. آنها در هر انسان، بارقه الهی را که در جسم فیزیکی به تله افتاده و زندانی شده، مشاهده می کردند. از دید ایشان، نجات عبارت از رهایی از جسم و پیوستن دوباره به الوهیت نیمه شخصی یا غیرشخصی بود.

۱۷: ۱۹ «او را گرفته به شورای کوه مریخ بردند» واژه *areopages* به معنی کوه مریخ (خدای جنگ) است. در روزگار زرین آتن، این کوه محل اجتماع عمومی فلاسفه این شهر مشهور روشنفکران بود. آنجا دادگاه قضایی نبود بلکه محل اجتماع شهر بود. نمونه ای از موعظه پولس برای بت پرستان در اینجا آورده شده، چنانکه در ۱۳: ۱۶ به بعد نمونه موعظه او برای غیریهودیان خداترس ارائه شده است. خدا را شکر کنیم برای این نمونه های اتصال پیامهای پولس.

□ «آیا می توانیم یافت که این تعلیم تازه ای که تو می گویی چیست» تفاوت میان کنجکاوی روشنفکرانه (ر.ک. آیات ۲۰-۲۱) و مکاشفه همینجاست. خدا ما را کنجاو آفریده است (ر.ک. جامعه ۱: ۸-۹، ۱۸: ۳، ۱۰-۱۱)، ولی روشنفکری انسانی نمی تواند آرامش و شادی به ارمغان آورد. تنها انجیل قادر به این کار است! پولس تفاوت میان حکمت انسان و مکاشفه خدا را در I قرن. ۱-۴ شرح می دهد.

۱۷: ۱۹-۲۰ این سخنان بسیار از لحاظ اجتماعی با ادب و احترام بیان می شد. آن مجمع به معنایی، یک زمینه دانشگاهی داشت.

۱۷: ۲۱ این آیه نشان می دهد که ادب و احترام آیات ۱۹-۲۰ مقتضای روشنفکری حقیقی نبود بلکه در فرهنگ رایج ایشان مد روز بود. آنها فقط از شنیدن و مباحثه لذت می بردند و می کوشیدند تا جلال گذشته آتن را احیا کنند. فاجعه موجود آن بود که آنان نمی توانستند میان حکمت انسان و مکاشفه الهی تفاوتی قایل شوند (امروز هم در دانشگاههای ما همین موضوع وجود دارد)!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۷: ۲۲-۳۱

۲۲ پس پولس در میان «شورای کوه مریخ» برخاست و فرمود: «ای مردم شهر آتن، من می دانم که شما در کلیه امور دینی بسیار دقیق و باریک بین هستید ۲۳ زیرا وقتی در شهر شما می گشتم و آنچه را مورد پرستش شماست مشاهده می کردم، به قربانگاهی رسیدم که بر آن نوشته شده بود 'تقدیم به خدای ناشناخته'. من همان کسی را که شما می پرستید اما نمی شناسید به شما اعلام می کنم. ۲۴ آن خدایی که دنیا و آنچه در آن است آفرید و صاحب آسمان و زمین است در معابد ساخته شده به دست انسان ساکن نیست ۲۵ و به چیزی که آدمیان با دستهای خود برای او فراهم نمایند نیازی ندارد، زیرا خداست که نفس و حیات و همه چیز را به جمیع آدمیان می بخشد. ۲۶ او جمیع ملل را از نسل یک انسان آفرید تا در تمام سطح زمین ساکن شوند و برای آنان زمانی را مقرر فرمود و برای مرز و بومشان حدودی معین کرد، ۲۷ تا خدا را بچویند و کورکورانه پی او بگردند تا شاید او را ببابند و حال آنکه او از هیچ یک از ما دور نیست، ۲۸ زیرا در او زندگی می کنیم و در او حرکت و هستی داریم. چنانکه بعضی از شاعران خودتان گفته اند: 'ما نیز فرزندان او هستیم.' ۲۹ پس چون همه ما فرزندان خدا هستیم نباید گمان کنیم که ذات الهی مانند پیکره ای از طلا و نقره و سنگ است که با هنر و مهارت آدمی تراشیده می شود. ۳۰ خدا دوران جهالت را نادیده گرفت، اما اکنون در همه جا بشر را امر به توبه می فرماید، ۳۱ زیرا روزی را معین فرمود که جهان را با راستی و درستی به وسیله شخصی که برگزیده خود اوست داوری فرماید و برای اثبات این حقیقت او را پس از مرگ زنده کرد.»

۱۷:۲۲ «شما را ... بسیار دیندار یافته ام» در اصل "ترس از خدایان - *daimo-n*". این عبارت می تواند دو معنی داشته باشد: (۱) از جنبه منفی، "خرافات"، مانند آنچه در ترجمه KJV آمده است، یا (۲) از جنبه مثبت، "بسیار دقیق در انجام جزئیات دینی" (NKJV، ر.ک. ۲۵:۱۹). این مردمان کنجکاوی روشنفکرانه داشتند و برای امور دینی احترام قایل بودند، اما فقط در ابعادی مشخص (سنتهایشان).

□ «هر جهت» به تعداد دفعاتی که پولس در این سخنرانی از واژه فراگیر "هر" یا عبارات مترادف با آن استفاده می کند، توجه نمایید.

۱. "هر جهت"، آیه ۲۲
۲. "آنچه در آن است"، آیه ۲۴
۳. "به همگان حیات و نفس..."، آیه ۲۵
۴. "جمع چیزها"، آیه ۲۵
۵. "هر امت"، آیه ۲۶
۶. "بر تمامی روی زمین"، آیه ۲۶
۷. "هیچ یک از ما"، آیه ۲۷
۸. "ما" (دو بار)، آیه ۲۸
۹. "هر جا"، آیه ۳۰
۱۰. "ربع مسکون" (همه زمینهای مسکونی)، آیه ۳۱
۱۱. "همه"، آیه ۳۱

مژده پولس این بود که خدا تمامی انسانها را محبت می نماید و برای ایشان راهی را تدارک دیده است تا او را بشناسند و آمرزیده شوند.

۱۷:۲۳ «بر آن نوشته بود: تقدیم به خدای ناشناخته» یونانی می ترسیدند که مبدا خدای پراهمیتی را در عبادات خود فراموش کرده یا از قلم انداخته باشند و او برایشان ایجاد زحمت نماید، پس معمولاً یادبودی از این دست درست می کردند (ر.ک. Pausanias, *Description of Greece* 1:1:4 and Philostratus, *Life of Apollonius* 6:3:5). این امر ترس ایشان را از قلمرو روحانی و خدایان بسیارشان را نشان می دهد.

□ «پس آنچه را شما ناشناخته می پرستید» در اینجا بازی با کلمات میان "ناشناخته" و "نادانی/نشناختن" وجود دارد. واژه انگلیسی "agnostic" - لاادری، منکر وجود خدا" از این واژه یونانی برگرفته شده است. پولس ارائه انجیل را با اعتقاد بت پرستانی که به جهان نفسانی غیرشخصی اعتقاد داشتند، وفق می دهد.

□ «من به شما اعلام می کنم» پولس به روشنی اظهار می دارد که یک "یاوه گو" (آیه ۱۸) نیست و خدای متعالی را که آنان نمی شناختند، به راستی می شناسد.

۱۷:۲۴ «آن خدایی که دنیا و آنچه در آن است آفرید» نکته اول الهیاتی پولس آن است که خدا آفریننده است (ر.ک. پید. ۱-۲؛ مز. ۱۰۴؛ ۱۴۶؛ اش. ۴۲:۵). یونانیان معتقد بودند که روح (خدا) و جسم (اتمها) هر دو جاودانی اند. پولس از دیدگاه پیدایش ۱ اظهار می دارد که یک خدای شخصیت دار و هدفمند هم آسمانها و هم زمین (این سیاره و تمامی کیهان) را می آفریند.

□ «در معابد ساخته شده به دست انسان ساکن نیست» نقل قولی است از (۱) عهد عتیق (ر.ک. I پاد. ۸:۲۷؛ اش. ۶۶:۱-۲) یا (۲) یک فیلسوف یونانی به نام Euripides، قطعه ۹۶۸. نقل قولهای زیادی در این مضمون از نویسندگان یونانی به جا مانده است (ر.ک. آیات ۲۵ و ۲۸). پولس در مورد متفکران یونانی نیز آموزش دیده بود.

۱۷: ۲۵ «گویا محتاج چیزی باشد» همین تفکر را می توان در نوشته های فیلسوفان زیر نیز مشاهده کرد: (۱) Euripides' *Heracles* 1345f؛ (۲) افلاطون: *Euthyphro* 14c؛ (۳) آریستوبولوس، قطعه ۴؛ یا (۴) مزامیر ۵۰: ۹-۱۲. معابد یونان معمولاً به عنوان مکانی شمرده می شدند که خدایان در آنجا غذا می خوردند و از ایشان مراقبت می شد.

□ «بلکه خود به همگان حیات و نفس و جمیع چیزها می بخشد» امکان دارد اشاره به اش. ۴۲: ۵ باشد. این روش الهیاتی پولس برای اظهار این موارد است: (۱) محبت خدا نسبت به بشریت (رحم، فیض) و (۲) تدارک فیض آمیز خدا برای بشریت (مشیت الهی). حقیقتی مشابه این را Zenو بنیان گذار فلسفه رواقی، بیان نموده که در کتاب کلیمت اسکندریه: *Stromateis* 5:76:1 به ثبت رسیده است. توجه کنید که "autos" به معنی خود او است! شنیدن و پذیرفتن این حقیقت چقدر برای غیریهودیان بت پرست شگفت انگیز بود.

۱۷: ۲۶ «او جمیع ملل را از نسل یک انسان آفرید» نسخه های یونانی غربی شامل "از یک خون آفرید" هستند. اما نسخه های یونانی P<sup>74</sup>، آلف، A، B فاقد این واژه اند. در اصل اشاره به آدم است. اگر منظور اشاره به فلسفه یونان باشد، بازتابی از اتحاد بشریت در ماده اولیه شان است. این عبارت به روشنی بیانگر همبستگی تمامی بشریت و از لحاظ الهیاتی اثبات می نماید که تمامی انسانها به صورت و شباهت خدا آفریده شده اند (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷). مابقی این آیه را نیز می توان اشاره به روایت پیدایش دانست. به انسانها فرمان داده شده است که بارور باشند و زمین را پر سازند (ر.ک. ۱: ۲۸؛ ۹: ۱، ۷). افراد بشر نسبت به جدا شدن از همدیگر و پر ساختن زمین تمایلی نشان ندادند. برج بابل (ر.ک. پید. ۱۰-۱۱) نشانگر طرز عمل خدا برای انجام این امر است.

□ «برای آنان زمان را مقرر فرمود و برای مرز و بومشان حدودی معین کرد» پولس اظهار می دارد که خدا نه فقط همه چیزها را آفرید بلکه همه چیز را هدایت می کند. شاید این اشاره ای به تث. ۳۲: ۸ باشد. اما این حقیقت در سایر متنهای عهد عتیق نیز مورد تأکید است (ر.ک. ایوب ۱۲: ۲۳؛ مز. ۴۷: ۷؛ ۶۶: ۷).

۱۷: ۲۷ شاید این نقل قولی دیگر از آراتوس، شاعر یونانی است.

□ «شاید» یک جمله شرطی نوع چهارم که به معنای دور بودن از واقعیت است. انسانها باید نیاز خود را دریابند. هر دو فعل ماضی از صیغه آرزو و تمنا، معلوم و نامعین هستند.

۲۷: ۱۷

NASB, NKJV, NRSV «شاید او را تفحص کنند»

TEV «تا خدا را بجویند و کور کورانه در پی او بگردند»

NJB «مردم در جستجوی خدا باشند»

واژه به کار رفته در اصل به معنی "لمس کردن" یا "احساس کردن" است (ر.ک. لوقا ۲۴: ۳۹). این عبارت تلویحا کورمال در پی چیزی گشتن از سر ظلمت و پریشانی را می رساند. آنان می کوشند خدا را بیابند، اما این کار آسانی نیست. الحاد و خدانشناسی، نیروی کورکننده ای است که مشخصه سقوط انسان می باشد، و بت پرستی و خرافات نیز مشابه آن هستند (ر.ک. روم. ۱-۲)، ولی خدا در همه جا حاضر است! □ «او از هیچ یک از ما دور نیست» چه حقیقت شگفت انگیزی. خدا ما را آفرید، او طرفدار ما و با ماست (ر.ک. مز. ۱۳۹)! پولس به گونه ای موثر بر محبت، مراقبت و حضور خدا با همه آدمیان تأکید می ورزد. این حقیقت انجیل است (ر.ک. افس. ۲: ۱۱-۳: ۱۳).

شاید پولس به تث. ۴: ۷ اشاره کرده، آن را به تمامی انسانها تعمیم می دهد. این راز پنهان عهد و پیمان جدید است!

۱۷: ۲۸ «چنانکه بعضی از شاعران خودتان گفته اند» عبارت پیشین: "در او زندگی می کنیم و در او حرکت و هستی داریم" نقل قولی است از:

۱. Cleanthes' *Hymn to Zeus* (سرودی برای زئوس اثر کلیانثس). او از ۲۶۳ الی ۲۳۲ ق.م. رهبر مکتب رواقی بود، یا
۲. شعر *Phainomena* اثر Aratus (آراتوس - اهل سولی، شهری در نزدیکی طرسوس)، خط پنجم. آراتوس اهل قلیقه و دوران عمرش از ۳۱۵-۲۴۰ ق.م. بود. این نقل قول بر یکی از دو موضوع زیر تأکید می نماید:
  - أ. همه جا حاضر بودن خدا (ر.ک. آیه ۲۷) یا
  - ب. آفرینش تمامی انسانها توسط خدا (ر.ک. آیه ۲۶).

پولس از اپیکوریین نیز در I قرن. ۱۵: ۳۲ و از *Thais* اثر Menander (میناندر) در I قرن. ۱۵: ۳۳ نقل قول می کند. او احتمالاً در طرسوس که یکی از شهرهای دانشگاهی عمده روم بود، در ادبیات و علم معانی بیان یونانی تحصیل کرده بود.

□ «ما نیز فرزندان او هستیم» نقل قولی دیگر، احتمالاً از Epimenides، که Diogenes Laertius در کتاب *Lives of the Philosophers* 1:112 نقل قول نموده است.

۱۷: ۲۹ این خاتمه و اثبات اشتباه بت پرستی از راه استدلال در سخنرانی پولس است (ر.ک. مز. ۱۱۵: ۱-۱۸؛ اش. ۴۰: ۱۸-۲۰؛ ارم. ۱۰: ۶-۱۱؛ حبق. ۲: ۱۸-۱۹). فاجعه سقوط بشریت در آن است که آنها بدنبال حقیقت روحانی و مشارکت از بتهای ساخته دست انسان هستند که نه می توانند سخن بگویند و نه کمکی بکنند!

۱۷: ۳۰ «دوران جهات را نادیده گرفت» جنبه شگفت انگیز رحمت خدا (ر.ک. روم. ۳: ۲۰، ۲۵: ۴؛ ۱۵: ۵؛ ۱۳: ۵؛ ۲۰: ۷؛ ۵: ۷-۸؛ I قرن. ۱۵: ۵۶). ولی اکنون دیگر آنها پیام انجیل را شنیده اند و از لحاظ روحانی مسئول هستند!

□ «خدا... الآن تمام خلق را در هر جا حکم می فرماید» این عبارت بیانگر آن است که خدا می خواهد تمامی انسانها در همه جا توبه کنند، که جهان شمول بودن رحمت و محبت خدا را نشان می دهد (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ I تیمو. ۲: ۴؛ II پطرس. ۳: ۹). این امر مفهوم جامعیت (universalism) و نجات همگانی نیست (ر.ک. آیات ۳۲-۳۳)، بلکه بدین معناست که خدا می خواهد همه انسانها توبه کنند و به عیسی برای نجات یافتن ایمان آورند. عیسی برای همه مرد! همه می توانند نجات یابند! راز شرارت این است که همه نجات نمی یابند.

□ «توبه» واژه عبری به معنی "تغییر رفتار" است، در حالیکه واژه یونانی به "تغییر تفکر" اشاره دارد. هر دو اینها اساسی هستند. هر دو مکتب فلسفی مورد اشاره در آیه ۱۸ این موضوع را نمی پذیرفت و رد می کرد، اما به دلایل مختلف. به عنوان خاص: توبه در ۲: ۳۸ مراجعه کنید.

۱۷: ۳۱ «زیرا روزی را معین فرمود که جهان را ... داوری فرماید» پیام پولس به روشنی و مکرراً، بر رحمت و تدارک خدا تأکید می گذارد. اما این فقط نصف پیام است. خدای محبت و رأفت، خدای عدالت نیز هست و اراده او برقراری عدل و داد است. انسانها که به صورت او آفریده شده اند می بایست نسبت به نظارت بر هدیه زندگی که دریافت کرده اند، حساب پس بدهند. موضوع عهد جدید مبنی بر اینکه خدا جهان را داوری خواهد کرد، مرتباً تکرار شده است (مثال: متی ۱۰: ۱۵؛ ۱۱: ۲۲، ۲۴؛ ۱۶: ۲۷؛ ۲۲: ۳۶؛ ۲۵: ۳۱-۴۶؛ مکا. ۲۰: ۱۱-۱۵).

□ «به آن مردی که معین فرمود» این مفهوم روز داوری بر اساس شراکت ایمانی ما با عیسای ناصری که قیام کرده است، در نظر شنوندگان روشنفکر یونانی باورنکردنی و بی سابقه بود (ر.ک. I قرن. ۱: ۲۳)، اما همین موضوع قلب پیام انجیل است (ر.ک. ۱۰: ۴۲؛ متی ۲۵: ۳۱-۳۳).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۷: ۳۲-۳۴

۳۲ وقتی این مطلب را در خصوص رستاخیز مردگان شنیدند عده‌ای او را مسخره کردند ولی عده‌ای گفتند: «خوب، درباره این چیزها در فرصت دیگر به سخن تو گوش خواهیم داد.» ۳۳ به این ترتیب پولس شورا را ترک کرد. ۳۴ چند نفر از جمله دیونیسیوس که عضو آن شورا بود و زنی به نام دامرس و چند تن دیگر به او گرویدند و ایمان آوردند.

۱۷: ۳۲ «چون ذکر قیامت مردگان شنیدند» یونانیان، به غیر از اپیکورین، معتقد به جاودانگی روح بودند، نه جاودانگی کالبد انسان. قیام، سنگ لغزش بزرگی برای یونانیان بود (ر.ک. آیه ۱۸؛ I قرن. ۱: ۲۳).

□ «استهزا» این واژه فقط در این قسمت از کتاب عهد جدید آمده، اما شکل تشدید شده آن در اعمال ۵: ۳۰ و ۲۶: ۲۱ نیز موجود است. ریشه یونانی آن (*chleusma* یا *chleusmos*) چند بار در ترجمه هفتاد به معنی "مایه تمسخر" یا "استهزا" به کار رفته است (ر.ک. ایوب ۱۲: ۴؛ مز. ۷۹: ۴؛ ارم. ۲۰: ۸).

□ «بعضی گفتند مرتبه دیگر در این امر از تو خواهیم شنید» پیام پولس از محبت و مراقبت الهی برای همه مردم بی اندازه جدید بود تا حدی که این شنوندگان را به خود جذب کرد، ولی کاملاً قانع نساخت. خدا به ما که او را اعلام می کنیم، یاری دهد تا نسبت به این اشخاص حساس باشیم!

۱۷: ۳۴ «چند نفر از جمله دیونیسیوس ... به او گرویدند و ایمان آوردند» می توان به سه صورت به انجیل پاسخ گفت: (۱) عدم پذیرش، "بعضی استهزا نمودند" (آیه ۳۲)؛ (۲) تعویق تصمیم گیری، "در فرصت دیگر به سخن تو گوش خواهیم داد" (آیه ۳۲)؛ و (۳) ایمان، "چند نفر ... به او گرویدند و ایمان آوردند" (آیه ۳۴؛ I تسا. ۱: ۹-۱۰). این امر مطابق با مثل برزگر است (ر.ک. متی ۱۳).

□ «دیونیسیوس آریوپاخی» او حتماً یکی از شرکت کنندگان دائمی این مباحثات فیلسوفانه بر کوه مریخ بود. دست کم یکی از روشنفکران، به مسیح ایمان آورد.

اوسیبوس در *Eccl. His. 3:4:6-7 and 4:23:6* می گوید، وی نخستین اسقف آتن گردید. اگر این گفته صحت داشته باشد، چه تغییر عظیمی در او رخ داد! انجیل در کار تغییر مردم است!

## پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا پولس از شهرهای بزرگی مانند آمفی پولیس و آپولونیا عبور کرد؟
۲. چرا رنج بردن مسیح تا این حد از نظر یهودیان ناراحت کننده بود؟
۳. چرا پاسخ شهر بیریه به انجیل تا این اندازه قابل توجه و دلگرم کننده است؟
۴. چرا پولس از وضعیت روحانی آتنی ها عمیقاً متأثر شد؟
۵. چرا سخنرانی پولس در کوه مریخ بسیار مهم تلقی می شود؟ (آیات ۲۲-۲۴)



**کارهای رسولان فصل ۱۸**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
بنیانگذاری کلیسا در قرن‌تس ۴-۱:۱۸	در قرن‌تس ۴-۱:۱۸	بنیانگذاری کلیسا در قرن‌تس ۴-۱:۱۸	خدمت در قرن‌تس ۱۷-۱:۱۸	پولس در قرن‌تس ۴-۱:۱۸
۱۱-۵:۱۸	۸-۵:۱۸	۱۱-۵:۱۸		۱۱-۵:۱۸
یهودیان پولس را به دادگاه می‌برند ۱۷-۱۲:۱۸	۱۱-۹:۱۸	۱۷-۱۲:۱۸		۱۷-۱۲:۱۸
	۱۳-۱۲:۱۸	۱۷-۱۲:۱۸		۱۷-۱۲:۱۸
	۱۷-۱۴:۱۸			
بازگشت به انطاکیه و شروع سفر سوم ۱۸:۱۸	بازگشت به انطاکیه ۲۱-۱۸:۱۸	پایان سفر دوم بشارتی و آغاز سومین سفر ۲۱-۱۸:۱۸	بازگشت پولس به انطاکیه ۲۳-۱۸:۱۸	بازگشت پولس به انطاکیه ۲۳-۱۸:۱۸
۲۱-۱۹:۱۸				
۲۳-۲۱:۱۸	۲۳-۲۲:۱۸	۲۳-۲۲:۱۸		
موعظه آپولس در افسس و آپولس قرن‌تس ۲۶-۲۴:۱۸	آپولس در افسس و قرن‌تس ۲۸-۲۴:۱۸	آپولس در افسس ۲۸-۲۴:۱۸	خدمت آپولس ۲۸-۲۴:۱۸	موعظه آپولس در افسس ۲۸-۲۴:۱۸
۲۸-۲۷:۱۸				

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیش‌ارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می‌کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می‌باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۸: ۱-۴

۱ پس از این پولس آتن را ترک کرد و رهسپار قرنتس شد ۲ و در آنجا با مردی یهودی به نام اکیلا که از اهالی پنطس بود آشنا شد. اکیلا به همراه همسر خود پرسکله تازه از ایتالیا به قرنتس آمده بود، زیرا کلودیوس قیصر حکم کرده بود که همه یهودیان از روم بیرون بروند. پولس نزد آنان رفت ۳ و چون مانند ایشان کارش خیمه‌دوزی بود، همان‌جا ماند و با هم کار می‌کردند. ۴ او همچنین در روزهای سبت در کنیسه صحبت می‌کرد و می‌کوشید که یهودیان و یونانیان را متقاعد سازد.

۱۸: ۱ «آتن را ترک کرد و رهسپار قرنتس شد» قرنتس در ۵۰ مایلی غرب آتن بر روی تنگه ای باریک قرار داشت. پولس در آتن و مدت کوتاهی در قرنتس نیز، تنها بود (ر.ک. آیه ۵). او مشکلی در ناحیه چشم داشت (خاری در جسم، ر.ک. II قرن. ۱۲) و تنهایی برایش دشوار بود.

## عنوان خاص: شهر قرنتس

- أ. خطوط کشتیرانی زمستانی در اطراف نقطه جنوب یونان (یعنی: Cape Malea) بسیار خطرناک بود. بنابراین، سفر از طریق جاده زمینی با کوتاهترین فاصله ممکن بسیار شاخص می‌نمود. قرنتس از لحاظ جغرافیایی بر روی تنگه باریکی میان خلیج قرنتس (دریای آدریاتیک) و خلیج سارونیک (دریای اژه) قرار داشت و همین امر از آن شهری ساخت که مرکز عمده تجاری (کشتیرانی و مرکز تبادل کالا بخصوص انواع ظروف سفالین و نوع بخصوصی از آلیاژ برنج) و نظامی بود. در روزگار پولس آن شهر به واقع، محلی بود که فرهنگهای شرق و غرب با هم تلاقی می‌کردند.
- ب. قرنتس مرکز عمده فرهنگی جهان یونانی-رومی نیز بود چه، این شهر میزبان دوسالانه بازیهای تنگه (در محل معبد Poseidon) بود که از سال ۵۸۱ ق.م. آغاز گردید. تنها بازیهای المپیک آتن که هر چهارسال یکبار برگزار می‌شد، از لحاظ اهمیت و اندازه رقیب بازیهای مزبور بود (Thucydides, *Hist.* 1.13.5).
- ج. در سال ۱۴۶ ق.م.، قرنتس درگیر شورش علیه روم (هم پیمانان اخائیه) گردید و توسط لوسیوس مامیوس (Lucius Mummius)، ژنرال رومی ویران شد و جمعیتش پراکنده گردید. بخاطر اهمیت اقتصادی و نظامی، آن شهر در ۴۶ یا ۴۸ ق.م. توسط ژولیوس سزار بازسازی گردید و تبدیل به یک مستعمره رومی شد که سربازان رومی در آنجا بازنشسته می‌گردیدند. از لحاظ معماری و فرهنگی، شهر قرنتس را به تقلید از روم ساختند، در ۲۷ ق.م. آن را مرکز اداری استان رومی (سناتوری) اخائیه نمودند، که در سال ۱۵ ق.م. تبدیل به استانی سلطنتی گردید.
- د. قلعه قرنتس قدیم، که بیش از ۱۸۸۰ پا بر فراز آن دشت سربرکشیده بود، محل معبد آفرودیت بود. یک هزار فاحشه وابسته به این معبد بودند (Strabo, *Geography*, 8.6.20-22). "قرنتسی" (*Korinthiazesthai*)، که آریستوفانس [۴۵۰-۳۸۵ ق.م.] به عنوان طنزی آشنا و رایج در میان مردم مطرح ساخت) لقبی بود مترادف با زندگی بی بند و بار و آشوبگرانه بود. این معبد، مانند قسمت اعظم شهر، در زمین لرزه ای که حدود ۱۵۰ سال پیشتر از سفر پولس به آنجا واقع گردید، و نیز در سال ۷۷ م. ویران گردید. مشخص نیست که کیش باروری در روزگار پولس همچنان رواج داشته است یا خیر. از آنجایی که رومیان آن شهر را در سال ۱۴۶ ق.م. ویران کردند و تمامی اهالی شهر را کشتند یا به اسارت بردند، ویژگی و مزه یونانی شهر جای خود را به موقعیت مستعمراتی رومی داد (Pausanias, II.3.7).

۱۸: ۲ «مردی یهودی به نام اکیلا ... پرسکله» نام پرسکله که به نام پرسکا نیز خوانده می شد، معمولاً در ابتدا قرار می گرفت (ر.ک. ۱۸: ۱۸، ۲۶؛ I قرن. ۱۶: ۱۹؛ II تیمو. ۴: ۱۹)، که در آن فرهنگ بخصوص بسیار غیرعادی می نمود. نام او همانند نام یکی از خانواده های متمول رومی (gens Prisca) است. هرگز گفته نشده است که او یهودی بوده. چه داستان عشقی زیبایی می شد اگر به واقع او بانوی رومی متمولی بود که به دام عشق یک خیمه دوز یا چرم کار یهودی دوره گرد می افتاد! آنان بواسطه همین کار با پولس دوست شدند و همکار وی در فروش کارهایشان گردیدند.

□ «تازه» آقایان Newman و Nida در کتاب *A translator's Handbook on the Acts of the Apostles*، صفحه ۳۴۷، نکته شایان توجهی را درباره قید *prosphato-s* بیان می دارند. در اصل این قید به معنی "تازه کشته شده" است، ولی معنای استعاری "به تازگی" یافته بود. این نمونه خوبی است که نشان می دهد چگونه ریشه شناسی واژه‌ها همواره بهترین راه برای درک و ارائه معنی آنها نیست. واژگان را می بایست در چهارچوب متن و معنایی که به آنها در زمان نگارش اطلاق می شده است، درک نمود. بسیاری از اشتباهات تفسیری کتاب مقدس از عدم درک مفسر از استفاده استعاری و تمثیلی باستان واژگان مورد نظر، ناشی می گردد.

□ «به همراه همسر خود پرسکله ... از ایتالیا به قرنتس آمده بود، زیرا کلودیوس قیصر حکم کرده بود که همه یهودیان از روم بیرون بروند» Orosius در کتاب *Historia Contra Pahanus* 7.6.15، می گوید تاریخ این حکم ۴۹ م. بوه است. Suetonius، در کتاب *Life of Claudius* 25.4 اظهار می دارد که حکم مزبور به دلیل بلوایی که در محله یهودیان به دلیل اغوای مردی به نام *Chrestus* صادر گردید. رومیان نام *Christus* را اشتباهاً *Chrestus* می پنداشتند (ر.ک. Tacitus, *Annals* 25: 44: 3). Dio Cassius در کتاب *Histories* 60.6 می گوید یهودیان را بیرون نراندند، بلکه ایشان را از انجام سنتهای پدرانشان منع کردند. وجه وصفی "آمده بود" یک وجه وصفی کامل معلوم است که تلویحاً نشان می دهد جابجایی ایشان با فرض دائمی یا بلند مدت بودن انجام گرفته است. حکم (فرمان) کلودیوس از لحاظ دستوری، یک مصدر مجهول کامل است.

۱۸: ۳ «چونکه با ایشان هم‌پیشه بود» معمولاً چنین پنداشته می شود که پیشه آنان خیمه دوزی بود، اما واژه مزبور می تواند اشاره به کار با چرم نیز باشد. زمینه معلم یهود بودن پولس چنین ایجاب می کرد که او شغل یا پیشه ای غیرمذهبی داشته باشد. هیچیک از معلمان یهود بخاطر تعلیم دادن پول نمی گرفت و عایدی نداشت. قلیقیه، موطن پولس بخاطر مو و چرم بز شهرت داشت.

۱۸: ۴ «هر سبت در کنیسه مکالمه کرده» پولس هر سبت در "استدلال کردن" و "سعی در متقاعد کردن" (هر دو این افعال استمراری [ناکامل] هستند) یهودیان فعالیت می نمود. او ابتدا نزد یهودیان می رفت زیرا: (۱) عیسی این نمونه را گذاشته بود (ر.ک. متی ۱۰: ۵-۶)؛ (۲) یهودیان با عهد عتیق آشنا بودند؛ (۳) خدا ترسان یونانی در کنیسه، معمولاً به پیام وی پاسخ می دادند (ر.ک. روم. ۱: ۱۶). کنیسه در هنگام اسارت بابل به عنوان محل عبادت، یادگیری و دعا شکل گرفت. تشکیل آن اساساً به منظور پرورش و حفظ فرهنگ یهودی بود.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۸: ۵-۱۱

۵ وقتی که سیلاس و تیموتاؤس از مقدونیه آمدند پولس همه وقت خود را وقف اعلام پیام خدا نمود و برای یهودیان دلیل می آورد که عیسی همان مسیح موعود است. ۶ و اما چون عده‌ای از یهودیان با او مخالفت و نسبت به او بد زبانی می نمودند، او دامن ردای خود را تکان داد و به ایشان گفت: «خون شما به گردن خودتان است. من از آن میراً هستم و از این پس نزد غیر یهودیان خواهم رفت.» ۷ پس آنان را ترک کرد و برای اقامت به خانه یک غیر یهودی به نام تیتوس یوستس که مردی خداپرست بود رفت. خانه او در جنب کنیسه یهودیان واقع بود. ۸ کرسپس که سرپرست کنیسه بود در این موقع با تمام اهل خانه‌اش به خداوند ایمان آورد. به علاوه، بسیاری از اهالی قرنتس که به پیام خدا گوش می دادند، ایمان آوردند و تمعید گرفتند. ۹ یک شب خداوند در رؤیا به پولس گفت: «هیچ واهمه‌ای نداشته باش، به تعالیم خود ادامه بده و دست از کار بر ندار. ۱۰ زیرا من با تو هستم و هیچ کس قادر نخواهد بود به تو آزاری برساند و در این شهر افراد بسیاری هستند که متعلق به من می باشند.» ۱۱ به این سبب پولس مدت یک سال و شش ماه در آنجا ماند و کلام خدا را به ایشان تعلیم می داد.

۱۸:۵ «سیلاس و تیموتائوس از مقدونیه آمدند» آنها ظاهراً پیشکش محبتانه ایمانداران فیلیپی را با خود آورده بودند، که به پولس اجازه می داد به طور تمام وقت به موعظه انجیل پردازد (ر.ک. II قرن. ۱۱: ۹؛ فیل. ۴: ۱۵). تیموتائوس اخباری درباره کلیسای تسالونیکه نیز داشت که موجب شد پولس رسالات I و II تسالونیکیان را بنویسد (ر.ک. ۱۷: ۱۴). به نظر می رسد که مانند لوقا که در فیلیپی باقی ماند تا ایمانداران را به سلوک در شاگردی تعلیم دهد، تیموتائوس در تسالونیکه و سیلاس در بیریه مانده بودند. پولس بسیار به تعلیم و تربیت مسیحیان جدید توجه داشت. او می خواست در هر شهری که از آن دیدن می کرد، کلیسایی فعال، در حال رشد و بشارت بیشتر، بوجود آورد.

	۵:۱۸
«پولس خودش را کاملاً وقف کلام خدا کرد»	NASB
«پولس در روح مجبور شد»	NKJV
«پولس تمام اوقات کلام خدا را بیان می کرد»	NRSV
«پولس تمام وقت خود را وقف اعلام پیام خدا نمود»	TEV
«پولس تمام وقت خود را وقف موعظه نمود»	NJB

در این عبارت یک اختلاف نسخه ای یونانی وجود دارد. متون قدیمی تر و بهتر حالت مفعولی غیرصریح *Logos* را در خود دارند (ر.ک. نسخه های آلف، <sup>74</sup>D,B,A,P, و نیز ترجمه های والگیت، Peshitta، و گپتیک). در نسخه های بعدی یونانی کم اهمیت تر، واژه "روح (القدس)" (*pneumatti*) به چشم می خورد.

□ «برای یهودیان دلیل می آورد که عیسی همان مسیح موعود است» روش استدلال و متقاعد ساختن (فعل اخباری مجهول ناکامل [استمراری] - *sunecho*، به معنی تنگ کردن یا فشار آوردن) پولس را در ۹: ۲۲ با ۱۷: ۳ مقایسه کنید. می توان به روشنی تشابه زیاد آنها با روش و غیرت استیفان را مشاهده کرد (ر.ک. اعمال ۷). نگاه کنید به یادداشت ۲: ۴۰. این تأکید الهیاتی کلید تمامی موارد دیگر است!

۱۸:۶ «مخالفت نموده، کفر می گفتند» هر دو فعل وجه وصفی حال میانی هستند که بر ادامه درگیری شخصی تأکید می ورزند. متأسفانه این پاسخ معمول از یهودیان دیاسپورا (*Diaspora*) بود.

□ «دامن ردای خود را تکان داد» نمادی یهودی به معنی عدم پذیرش و مردود شمردن (ر.ک. نحمیا ۵: ۱۳؛ اعمال ۱۳: ۵۱؛ لوقا ۹: ۵؛ ۱۰: ۱۱). به یادداشت کامل ۱۳: ۵۱ مراجعه کنید.

□ «خون شما بر سر شماست» این تمثیل عهد عتیقی چند مفهوم دارد.

۱. مسئولیت یک دیدبان، چه فردی و چه به طور جمعی، حزق. ۳: ۱۶ به بعد؛ ۳۳: ۱-۶
۲. مسئولیت شخصی، یوشع ۲: ۱۹؛ II سمو. ۱: ۱۶، حزق. ۱۸: ۱۳؛ اعمال ۱۸: ۶؛ ۲۰: ۲۶
۳. مسئولیت مشترک اجداد یا ملتها، II سمو. ۳: ۲۸-۲۹؛ II پاد. ۲: ۳۳
۴. ترکیب عهد جدید از شماره ۲ و شماره ۳، متی ۲۷: ۲۵

خون، زندگی بخش محسوب می شد (ر.ک. لوقا. ۱۷: ۱۱، ۱۴). ریختن خون شخص را بخاطر رخداد مرگ در برابر خدا جوابگو می ساخت (ر.ک. پید. ۴: ۱۰؛ ۹: ۴-۶).

□ «من بری هستم» تشبیه قربانی عهد عتیقی در مورد مسئولیت شخصی. پولس دیگر از لحاظ روحانی مسئول (ر.ک. حزق. ۳۳) نبود که یهودیان در این شهر پیام انجیل را بشنوند. او پیام انجیل را با ایشان در میان گذاشت و آنها پاسخی ندادند. آیا ما بری هستیم؟

□ «بعد از این به نزد امتهای می روم» این روند بشارت و لعنت، از هنجارهای کار پولس شده بود (ر.ک. ۱۳: ۴۶؛ ۱۸: ۶؛ ۲۶: ۲۰؛ ۲۸: ۲۸). پولس احساس تعهد می کرد که در پیروی از عیسی (ر.ک. متی ۶: ۱۰؛ ۱۵: ۲۴؛ مرقس ۷: ۲۷)، ابتدا در خانه اسرائیلیان موعظه کند. او این امر را در روم. ۱: ۳، ۵، ۹-۱۱ از لحاظ الهیاتی، و در اعمال ۹: ۱۵؛ ۲۲: ۲۱؛ ۲۶: ۱۷ از لحاظ احساسی توضیح می دهد (ر.ک. روم. ۱۱: ۱۳؛ ۱۵: ۱۶؛ غلا. ۱: ۱۶؛ ۲: ۷-۹؛ افس. ۳: ۲، ۸؛ I تیمو. ۲: ۷؛ II تیمو. ۴: ۱۷).

۷: ۱۸ «تیتوس یوستس» چند امکان مختلف برای شناسایی این "خدایپرست" که خانه اش در کنار کنیسه قرننس قرار داشت، وجود دارد.

۱. اسم کامل او غایوس تیتوس یوستس است و کلیسای قرننس در خانه وی جمع می شود (ر.ک. روم. ۱۶: ۲۳)

۲. شاید او همان غایوسی است که در I قرن. ۱: ۱۴ اشاره شده که پولس وی را تعمید داد

۳. یک اختلاف در نسخه های یونانی مربوط به این نام وجود دارد.

أ. *Titiou Ioustou*، نسخه های B و D<sup>2</sup>

ب. *Titou Ioustou*، نسخه های آلف، E، P

ج. *Ioustou* نسخه های A، B<sup>2</sup> و D\*

د. *Titou*، ترجمه های پیشینا و کپتیک

□ «خدایپرست» کنیه ای آفرودیسسیاس (قرن سوم میلادی) از عبارت "خدایپرست" برای غیریهودانی که با کنیسه در ارتباط بودند و در مراسم آن شرکت می کردند، مورد استفاده قرار گرفته است. پس "خدایترس" (۱۰: ۱-۲، ۲۲؛ ۱۳: ۱۶، ۲۶) مترادف با "خدایپرست" است (ر.ک. ۱۳: ۵۰؛ ۱۶: ۱۴؛ ۱۸: ۶-۷).

معنی کردن این عبارت دشوار است. همین عبارت برای لیدیه در ۱۶: ۱۴ و چند یونانی در تسالونیک در ۱۷: ۴ و بیریه: ۱۷: ۱۷ به کار می رود. به نظر می رسد که آنها یونانی بودند که جذب یهودیت شده بودند و در وقت امکان در کنیسه حضور می یافتند، اما کاملاً به یهودیت نگرویده بودند. اما عبارت "جدیدان خدایپرست" برای کسانی که کار می رفتند که کاملاً یهودی شده بودند و در کنیسه پرچه پمفلیه در ۱۳: ۴۳ حضور داشتند.

۸: ۱۸ «کرسپوس» این مرد سازمان دهنده و ناظر کنیسه محلی بود (ر.ک. I قرن. ۱: ۱۴).

□ «با تمامی اهل بیتش به خداوند ایمان آوردند» کتاب اعمال در موارد مختلف، این امر را ثبت می نماید که هر جا سر یک خانواده ایمان می آورد، تمامی خاندان گسترده اش تعمید می یابند (ر.ک. ۱۱: ۱۴؛ ۱۶: ۱۵، ۳۱-۳۴؛ ۱۸: ۸). غربی ها فراموش کرده اند که جایگاه خانواده گسترده در جهان مدیترانه باستان چگونه بوده است. خانواده اولویت اول داشت. بر فردیت در آن زمان تأکید نمی شد. هرچند این وضعیت با درک فردی ما از بشارت تفاوت دارد، اما آن موقعیتها نباید در چشممان نابجا یا کم اهمیتتر جلوه کند.

اما باید به این امر نیز توجه داشت که تمامی اعضای خاندانهای نجات یافته که به کلیسا می رفتند، ایمان نداشتند و نجات نیافته بودند. اونیسیموس غلامی در منزل فیلمون بود که کلیسایی در آنجا جمع می شد، اما او تا وقتی که با پولس در زندان برخورد نکرد، نجات نیافته بود.

□ «بسیاری از اهل قرننس چون شنیدند، ایمان آورده، تعمید یافتند» بسیاری از اهل قرننس با میل و اشتیاق پیام پولس را پذیرفتند، اما پولس نومید شده بود و می بایست بوسیله رویای مخصوص الهی انرژی تازه می گرفت (ر.ک. آیه ۱۰ب). این کلیسا (کلیسای خانگی) دشوارترین و مشکل آفرینترین جماعت تشکیل شده توسط پولس بود. او ایشان را بسیار دوست می داشت، ولی آنها موجب رنج و الم فراوان شخصی وی گردیدند (ر.ک. I و II قرننیا).

یک متن شبیه به این در I قرن. ۱: ۱۴-۱۷ وجود دارد. در زیر به یکی از یادداشتهایم از تفسیر اول قرننیا اشاره می کنم:

۱۷: ۱ «زیرا که مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم» به معنی انکار فضیلت تعمید دادن نیست بلکه واکنش نسبت به روح نفاق در کلیسای قرننس است که برخی از رهبران را والاتر می شمردند. با اینحال، عبارت مزبور نشان می دهد که به تعمید به عنوان یک

"مراسم مذهبی" نماینده فیض، نگریسته نمی شد. شگفت آور است که برخی نوشته های پولس را در مفهوم آیین و مراسم تفسیر می کنند در حالیکه در تمامی نوشته های او فقط یکبار به شام خداوند در I قرن. ۱۱ و دوبار به تعمید در روم. ۶: ۱-۱۱ و کول. ۲: ۱۲ اشاره شده است. اما، تعمید یافتن اراده خدا برای هر ایماندار است.

۱. نمونه عیسی است

۲. فرمان عیسی است

۳. از هر ایماندار انتظار می رود که در روند طبیعی تعمید بگردد

من معتقد نیستم که تعمید کانالی برای دریافت فیض خدا یا روح القدس باشد. تعمید برای نوایمانان موقعیتی عمومی را بوجود می آورد تا به ایمانشان به روشی بسیار عمومی و مصمم اعتراف کنند. هیچ ایماندار به عهد جدید نمی پرسد: "آیا من باید تعمید بگیرم تا نجات یابم؟" عیسی تعمید گرفت! عیسی به کلیسا فرمود تا تعمید بدهد! پس آن را انجام بدهید! تعمید همچنان اعلام عمومی مصممانه شخص در مورد ایمانش است، خصوصاً در فرهنگهای غیرمسیحی!

۹: ۱۸ «هیچ واژه ای نداشته باش» یک فعل حال امری میانی با پیشوند منفی، که معمولاً به معنی توقف در انجام عملی است که در حال انجام می باشد. پولس واژه داشت و نیازمند پشت گرمی مسیح بود. لوقا این رویاهای مخصوص دلگرمی را در ۲۲: ۱۷-۱۸؛ ۲۳: ۱۱؛ ۲۷: ۲۳-۲۴ به ثبت می رساند. اگر شخصی مانند پولس از انجام نیکویی خسته و مانده می شد، آیا خسته شدن شما به نظرتان تعجب آور است؟ عیسی با ما نیز هست! فرمان بزرگ همچنان هدف هدایتگر و اصلی ماست.

□ «بلکه سخن بگو و خاموش مباش» هر دو فعل امری (حال معلوم و نامعین معلوم) هستند. ترس و واژه نباید اعلام کننده به انجیل را به سکوت وادارند! احساسات ما پستی و بلندی دارد، اما اعمال ۱: ۸ همچنان چراغ راهنمای ماست (ر.ک. II تیمو. ۴: ۲-۵).

۱۰: ۱۸ «من با تو هستم» هیچ وعده ای بهتر و والاتر از این نیست (ر.ک. پید. ۲۶: ۲۴؛ خرو. ۳: ۱۲؛ ۳۳: ۴؛ مز. ۲۳: ۴؛ متی ۲۸: ۲۰؛ عبر. ۱۳: ۵). توجه کنید که او با ماست، نه بخاطر راحتی یا امنیت شخصی ما، بلکه به منظور شهادت یافتن در بشارت (در کتاب اعمال، پر شدن از روح القدس نیز به همین هدف است). حضور روح القدس فقط برای داشتن آرامش شخصی نیست بلکه به جهت اعلام انجیل است.

□ «در این شهر افراد بسیاری ... متعلق به من می باشند» این تأکیدی بر تقدیر و پیش دانی الهی است (ر.ک. روم. ۹؛ افس. ۱). آه، ایکاش می توانستیم کتاب حیات را همین حالا بخوانیم! شهادت کلیسا موثر است (ر.ک. مکا. ۱۳: ۸). دلگرمی شخصی به منظور شهادت در اعلام انجیل است نه بلیطی به مقصد آسمان به هنگام مرگ ایمانداران!

۱۱: ۱۸ این آیه به ما کمک می کند تا تاریخ سفرهای بشارتی پولس را دریابیم. هرچند عبارت مزبور تا حدودی مبهم است اما به طور تلویحی نشانگر یک خدمت موعظه و بشارت ۱۸ ماهه در قرنتس می باشد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۸: ۱۲-۱۷

۱۲ اما هنگامی که غالیون به سمت فرماندار رومی در یونان مأمور خدمت شد، یهودیان دسته جمعی بر سر پولس ریخته او را به دادگاه کشیدند ۱۳ و گفتند: «این شخص مردم را وامی دارد که خدا را با روشهایی که برخلاف قانون است پرستش نمایند.» ۱۴ پولس هنوز حرفی نزده بود که غالیون خطاب به یهودیان گفت: «ای یهودیان، اگر جرم و جنایتی در بین باشد، البته باید به ادعاهای شما گوش بدهم. ۱۵ اما چون این مسائل مربوط به کلمات و عناوین و القاب و شریعت خودتان می باشد، باید خودتان آن را حل و فصل نمایید. من مایل نیستم در چنین اموری قضاوت کنم.» ۱۶ سپس آنان را از دادگاه بیرون کرد. ۱۷ در این موقع آنها سوستانیس را که سرپرست کنیسه بود گرفتند و در جلوی مسند قاضی کتک زدند، اما غالیون توجهی به این جریان نداشت.

۱۸:۱۲ «غالین» از منابع کتاب مقدسی و غیرکتاب مقدسی درمی یابیم که او رهبر سیاسی عادل و شایسته ای بوده است. برادر وی، سنه کا درباره او می گوید: "حتی کسانی که برادر من غالین را با تمامی توانشان دوست می دارند هم او را به اندازه کافی دوست نمی دارند" و "هیچکسی تابحال به اندازه ای که غالین با همگان به شیرینی رفتار می کند، با کسی اینگونه رفتار نکرده است". این فرد برجسته به ما کمک می کند تا تاریخ سفرهای پولس را دریابیم. او از سال ۵۱م. به مدت دو سال و نیم مقام فرمانداری را حفظ کرد.

□ «غالین والی اخائیه بود» لوقا تاریخ نگاری دقیق است. اسامی صاحب منصبان رومی در این منطقه از سال ۴۴ م. تغییر یافته بود؛ "والی/فرماندار" (ر.ک. ۱۳:۷؛ ۱۹:۳۸) واژه ای صحیح بود زیرا کلودیوس قیصر این استان را به دست مجلس سنا سپرده بود.

□ «یهودیان یکدل شده» لوقا از این عبارت بارها برای بیان اتحاد ایمانداران استفاده می کند (ر.ک. ۱:۱۴؛ ۲:۱، ۴:۴۶؛ ۵:۲۴؛ ۸:۱۲؛ ۶:۱۵؛ ۲۵)، اما در اینجا تأکید بر اتحاد حسد ورزانه و عصیان ضد انجیل یهودیان قرنس است (ر.ک. آیه ۶). سایر نمونه های استفاده از این عبارت در مفهوم منفی عبارتند از: ۷:۵۷؛ ۱۲:۲۰؛ و ۱۹:۲۹. واژه "یهودیان" معمولاً در نوشته های لوقا حاوی مفهومی تحقیرآمیز است.

□ «او را بر مسند حاکم بردند» واژه یونانی *be-ma* (در اصل: "پله") این مسند یا سکوی بلند عدالت رومی بود (ر.ک. متی ۲۷:۱۹؛ یوحنا ۱۹:۱۳؛ اعمال ۲۵:۶، ۱۰، ۱۷؛ II قرن. ۵:۱۰).

۱۸:۱۳ «خدا را برخلاف شریعت عبادت کنند» این یهودیان مدعی بودند که مسیحیت از شریعت آنان تخطی می ورزید و بنابراین دوری ایشان از یهودیت موضوع قانونی بسیار مهمی محسوب می شد. در صورتی که غالین حکمی بر این ادعا می کرد، مسیحیت یک مذهب غیررسمی می گردید. اما با پاسخ او، مسیحیان از حفاظت سیاسی (مسیحیت به عنوان فرقه ای یهودی پنداشته می شد و همین امر به آن وجهه ای قانونی می بخشید) در قوانین روم بهره مند گردیدند تا حدود ۱۰-۱۲ سال پس از آن که نرون به آزار و شکنجه ایشان پرداخت. امکان زیادی وجود دارد که یکی از مقاصد لوقا از نوشتن اعمال ارائه سندی باشد مبنی بر اینکه مسیحیت هیچگونه تهدیدی برای قدرت روم محسوب نمی گردد. هر صاحب منصب رومی بر اساس اسناد و مدارک این موضوع را درمی یافت.

۱۸:۱۴ «اگر» جمله شرطی از نوع دوم. این گونه جمله های شرطی ساختاری نادر دارند که عبارت نادرستی را به منظور ارائه یک نکته یا ادامه بحث ایجاد می کنند. معمولاً آن را شرط "خلاف واقعیت" می خوانند. آن را می توان اینگونه تعریف کرد: "اگر آن را جرمی اشتباه و تبه کارانه تلقی کنیم، که اینچنین نیست، پس منطقی آن است که من با شما سازش کنم، که این امر نیز صادق نیست."

۱۸:۱۵ «چون» یک جمله شرطی از نوع اول. مسئله قانونی عنوان شده در واقع یک مسئله مذهبی بود. غالین حکیمانانه انگیزه واقعی یهودیان را دریافت. او نه می توانست و نه می خواست که در اینگونه موارد داوری کند.

۱۸:۱۶ «ایشان را از پیش مسند براند» تنها مورد استفاده از این فعل در عهد جدید است، ولی بارها در ترجمه هفتاد به کار رفته است (ر.ک. I سمو. ۶:۸؛ حزق. ۳۴:۱۲). این فعل شکل تشدید شده *-elauno*، به معنی به زور بیرون راندن می باشد.

۱۸:۱۷ «و همه سوستانیس ... را گرفته» "همه" اشاره به یهودیان آیه ۱۲ یا احتمالاً یونانیان است که در این صورت نشانگر ضدسامی بودن غیرآشکار شهرهای یونانی نشین می باشد. در I قرن. ۱: ۱ به شخص به نام سوستانیس اشاره شده است؛ این امر که او همان شخص مورد اشاره در اینجاست یا نه مشخص نمی باشد اما این اسمی بسیار کمیاب و نادر بود. این سوستانیس جانشین کرسپوس در رهبری کنیسه بود. این امر که به چه علت یهودیان می بایست او را بزنند، مشخص نیست. شاید او به پولس اجازه سخنرانی در کنیسه را داده بود.

□ «اما غالین توجهی به این جریان نداشت» رهبر سیاسی رومی، برخلاف پیلاطس، تحت تأثیر جمعیت مردم قرار نمی گرفت.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۸: ۱۸-۲۱

۱۸ پولس مدتی در آنجا ماند و سرانجام با ایماندارن خداحافظی کرد و با کشتی عازم سوریه شد و پرسکله و اکیلا را هم با خود برد. در شهر کنخریه پولس نذر کرده سر خود را تراشید. ۱۹ وقتی آنها به افسس رسیدند، پولس از همسفران خود جدا شد و به تنهایی به کنیسه رفت و با یهودیان به مباحثه پرداخت. ۲۰ از او خواهش کردند که بیشتر آنجا بماند اما او قبول نکرد. ۲۱ او از ایشان خداحافظی کرد و گفت: «اگر خدا بخواهد، باز نزد شما بر می‌گردم» و افسس را ترک کرد.

۱۸: ۱۸ «کنخریه» این یکی از دو بندر ساحلی قرنتس بود. شهر مزبور در دریای اژه، در جانب شرقی تنگه باریکی که قرنتس در آنجا واقع بود، قرار داشت. در روم. ۱: ۱۶ دیگر بار از آن به عنوان جایگاه یکی از کلیساها یاد می‌شود.

□ «نذر کرده بود» اشاره به نذری که از لحاظ زمانی محدود بود و در اعد. ۶: ۱-۲۱ تشریح شده است، می‌باشد (F. F. Bruce, *Answers to Questions*, p. 52). پولس این کار را دوباره در اعمال ۲۱: ۲۴ تکرار می‌کند (به یادداشت آن آیه مراجعه کنید). کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر نشانگر خاتمه دوره نذر بود.

A.T. Robertson و M. R. Vincent هر دو بر این عقیده اند که این یک نذر نبوده است زیرا نذر را طبق رسوم یهود فقط می‌شد در اورشلیم پایان داد. پولس همه کس را همه چیز می‌شد تا برخی را برهاند (ر.ک. I قرن. ۹: ۱۹-۲۳). می‌توانیم مطمئن باشیم که هدف از این نذر نیز بشارت انجیل بوده نه شریعتگرایی! و البته این امکان وجود دارد که اکیلا سر او را تراشیده باشد.

۱۸: ۱۹ «افسس» شهر بزرگ بازرگانی در غرب آسیای صغیر. پس از تخریب بندر میلیتس توسط لجن‌گیری رودخانه میندر (Maeander)، مبادلات بازرگانی به سواحل افسس نقل مکان کرد که بندری طبیعی بود. در دوران عهد جدید، روزگار طلایی افسس به سر آمده بود. هنوز شهر بزرگ و پرنفوذی تلقی می‌گردید، اما هرگز به پای جلال و شکوه گذشته اش نمی‌رسید.

۱. افسس بزرگترین شهر در استان رومی آسیای صغیر بود. آنجا مرکز استان نبود هر چند که فرماندار رومی در آنجا اقامت داشت. این شهر مرکز بازرگانی محسوب می‌شد زیرا بندر بسیار ممتاز طبیعی بود.

۲. افسس شهری آزاد بود، همین امر به آن اجازه تشکیل دولت محلی و آزادی زیادی را می‌داد و هیچگونه پادگان نظامی در آن وجود نداشت.

۳. تنها شهر بود که اجازه برگزاری بازیهای آسیایی دوسالانه داشت.

۴. جایگاه معبد آرتیمیس (در زبان لاتینی: دیانا) بود که یکی از عجایب هفتگانه جهان در روزگار خود محسوب می‌شد. معبد مزبور مساحتی برابر ۲۲۰×۴۲۵ فوت مربع با ۱۲۷ ستون داشت که در هر یک ۶۰ فوت ارتفاع داشتند؛ ۸۶ عدد از این ستونها با طلا روکش شده بودند (مراجعه کنید به Pliny's *Hist. Nat.* 36:95 ff). چنین پنداشته می‌شد که تمثال آرتیمیس شهاب سنگی آسمانی بوده که به شمایل یک زن با پستانهای متعدد شباهت داشته است. این بدان معنا بد که فاحشه‌های پرشماری که خود را وقف این کیش کرده بودند در شهر وجود داشتند (ر.ک. اعمال ۱۹). شهر افسس شهری چند فرهنگی و بسیار فاسد بود.

۵. پولس بیش از سه سال در آنجا اقامت گزید (ر.ک. اعمال ۱۸: ۱۸ به بعد؛ ۲۰: ۱۳).

۶. سنت و روایات بیان می‌دارند که پس از مرگ مریم در فلسطین، یوحنا در این شهر مقیم گردید.

□ «خود به کنیسه در آمده، با یهودیان مباحثه نمود» پولس قوم خود را بسیار دوست می‌داشت (ر.ک. روم. ۹: ۱-۵). او به گونه ای شکست ناپذیر می‌کوشید تا آنان را با انجیل و برای انجیل جذب نماید.



۱۸: ۲۰ این یهودیان اهل بیریه و مشتاق گوش کردن، بودند. در این متن به دلیل عدم تمایل پولس در باقی ماندن در آن شهر اشاره ای نشده است، ولی در آیه ۲۱ مشخص می گردد که او مشتاق بازگشت به آن شهر با هدایت الهی و در زمان آینده بود.

۱۸: ۲۱ «اگر خدا بخواهد، باز به نزد شما خواهیم برگشت» پولس باور داشت ک زندگی اش در دستهای خداست نه در دست خودش (ر.ک. روم. ۱: ۱۰؛ ۱۵: ۳۲؛ I قرن. ۴: ۱۹؛ ۱۶: ۷). این جهان بینی کتاب مقدسی است (ر.ک. عبر. ۶: ۳؛ یعقوب ۴: ۱۵؛ I پط. ۳: ۱۷). پولس بدانجا بازگشت و افسس تمرکز اصلی وی در سومین سفر بشارتی اش گردید.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۸: ۲۲-۲۳

۲۲ وقتی به ساحل قیصریه رسید به اورشلیم رفت و پس از سلام و احوالپرسی با اهل کلیسا به طرف انطاکیه حرکت کرد. ۲۳ پس از اینکه مدتی در آنجا اقامت کرد بار دیگر به راه افتاد و در سرزمینهای غلاطیه و فریجیه می گشت و شاگردان را تقویت می کرد.

۱۸: ۲۲ آیه ۲۱ با سفر دریایی پولس به افسس پایان می یابد. آیه ۲۲ از فرود آمدن وی در فلسطین (قیصریه)، دیدار از کلیسای اورشلیم (از لحاظ الهیاتی "برآمد") و سپس به انطاکیه سوریه (فرود) آمد. باید به یاد داشت که لوقا سفرنامه جامع روزانه نمی نویسد، بلکه از یک واقعه مهم الهیاتی به واقعه دیگر می جهد. کتاب اعمال تاریخ‌نگاری نوین نیست، بلکه تاریخی به جای خود خوب و دقیق است! آیه ۲۲ دومین سفر بشارتی را خاتمه می دهد و آیه ۲۳ سومین سفر بشارتی را آغاز می نماید.

۱۸: ۲۳ «همه شاگردان را استوار می نمود» پولس فرمان بزرگ متی ۲۸: ۱۹-۲۰ را جدی گرفته بود. خدمات او شامل بشارت (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹) و شاگردسازی (ر.ک. ۱۵: ۳۶؛ متی ۲۸: ۲۰) می گردید.

□ «سرزمینهای غلاطیه و فریجیه» عبارت "سرزمینهای غلاطیه" همچنان منع اختلاف میان پژوهشگران است که آیا مقصود بخشهای نژادی غلاطیه است یا قسمتهای سیاسی آن در میان مرکز ترکیه امروزی.

به منطقه فریجیه ابتدا در ۲: ۱۰ اشاره شده است. برخی از کسانی که در تجربه پنتیکاست شریک بودند از این ناحیه می آمدند. پولس در ۱۶: ۶ از موعظه در این منطقه منع گردید.

معلوم نیست که عبارت "همه شاگردان را استوار می نمود" در بخش آخر آیه ۲۳، اشاره به ایمان آوردندگان روز پنتیکاست ساکن فریجیه است یا به کسانی که توسط موعظه پولس در دربه، لستره و ایقونیه ایمان آوردند که بخشهای جنوبی پیسیدیه در استان رومی غلاطیه اشاره می کند.

این آغاز سومین سفر بشارتی پولس است (ر.ک. ۱۸: ۲۳-۲۱: ۱۶).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۸: ۲۴-۲۸

۲۴ در این هنگام مردی یهودی به نام آپولس که متولد اسکندریه بود به افسس آمد. او ناطقی فصیح و به کتاب مقدس وارد بود. ۲۵ و در طریق خداوند تربیت یافته و پر از شور و شوق روحانی بود. او حقایق زندگانی عیسی را بدرستی تعلیم می داد اگرچه فقط از تعمید یحیی آگاهی داشت. ۲۶ او در کنیسه بدون ترس و واهمه شروع به سخن گفتن کرد و در آنجا بود که پرسکله و اکیلا سخنان او را شنیدند و او را نزد خود آوردند و طریقه الهی را با تفصیل بیشتری برایش شرح دادند. ۲۷ وقتی می خواست به یونان سفر کند ایمانداران از او حمایت کردند و به ایمانداران در آن سرزمین نوشتند که با گرمی از او استقبال نمایند و او از موقع ورود خود به آنجا به کسانی که از راه فیض الهی ایمان آورده بودند، یاری بسیار نمود؛ ۲۸ زیرا در مقابل همه با کوشش بسیار بی اساس بودن ادعاهای یهودیان را ثابت می کرد و با استفاده از کتاب مقدس دلیل می آورد که عیسی، همان مسیح موعود است.

۱۸: ۲۴ «مردی یهودی به نام آپولس» برای یک یهودی بسیار غیرمعمول است که نامش برگرفته از یکی از خدایان یونان باشد. او شخصی بسیار تحصیل کرده و واعظی سخنور بود (ر.ک. ۱۸: ۲۴-۱۹: ۱). خدمات او در قرن‌س مفید بود، اما هنگامی که یکی از سه فرقه (حامیان پولس، پطرس، آپولس، ر.ک. ۱ قرن. ۱-۴) وی را پیشوای خود ساختند، مشکل ساز شد. او از بازگشت به قرن‌س امتناع ورزید (ر.ک. I قرن. ۱۶: ۱۲).

□ «که متولد اسکندریه بود» دومین شهر بزرگ در امپراتوری روم که بخاطر کتابخانه بزرگ و حال و هوای علمی اش معروف بود. جمعیت یهودیان آن شهر بسیار زیاد بود (به همین دلیل کتاب مقدس عبری توسط ترجمه هفتاد به یونانی ترجمه شد) و زادگاه فیلو، پژوهشگر تمثیل گرای یهودی نوافلاطونی بود.

□ «به افسس آمد» کتاب اعمال یک نوشته دارای تسلسل جزئی تاریخی نیست. پولس تازه آنجا را ترک کرده بود (ر.ک. آیه ۲۳).

□ «مردی فصیح» این عبارت در یونانی Koine می تواند به معنی فصیح یا تحصیل کرده باشد. در ترجمه هفتاد، *logios* در مورد الهامات و پیشگویی های الهی مورد استفاده قرار گرفته است. آپولس آشکارا از لحاظ سخنوری عمومی (فن بیان یونانی) بهتر از پولس بود (I قرن. ۱: ۱۷؛ ۲: ۱؛ II قرن. ۱۰: ۱۰؛ و ۶: ۱۱ را با هم مقایسه کنید). او واعظی مقتدر بود!

□ «و در کتاب توانا بود» واژه "کتاب" اشاره به کتاب عهد عتیق است. در عهد جدید تمامی اشارات موجود به نوشته های الهامی، مربوط به عهد عتیق می گردد (ر.ک. I. تسا. ۲: ۱۳؛ II تیمو. ۳: ۱۶؛ I پتر. ۱: ۲۳-۲۵؛ II پتر. ۱: ۲۰-۲۱)، به غیر از II پتر. ۳: ۱۵-۱۶ که در آن به نوشته های پولس (بر اساس قیاس) شأن الهامی بودن اطلاق شده است. آپولس کاملاً به کتاب عهد عتیق خود وارد بود. واژه "توانا" در یونانی *dunatos* می باشد که در مورد توانایی عیسی در کلام و رفتار در لوقا ۲۴: ۱۹، و نیز درباره موسی در اعمال ۷: ۲۲ به کار رفته است.

۱۸: ۲۵ «تربیت یافته» فعل ماضی بعید مجهول دارای حشو و زواید (ر.ک. لوقا ۱: ۴). او در تعالیم عیسی فقط تا اندازه یا مدت زمانی محدود، تربیت یافته بود. آقای Curtis Vaughan در کتاب *Acts*، صفحه ۱۱۸، پانوش ۲، فهرستی از آنچه آپولس می دانست و موعظه می کرد، ارائه داده است:

۱. یحیی طلایه دار مسیح بود.

۲. او مسیح را به عنوان بره خدا که گناه جهان را برمی دارد، معرفی می کند.

۳. عیسی ناصری، مسیح موعود بود.

من همچنین فکر می کنم که او در موعظه هایش احتمالاً بر توبه تأکید می ورزید زیرا این موضوع در موعظه های یحیی و عیسی مورد تأکید قرار می گرفت.

□ «در طریق خداوند» اهل "طریق" یا "طریقت" نخستین عنوانی بود که پیروان عیسی را توصیف می کرد (ر.ک. ۹: ۲؛ ۱۹: ۹، ۲۳؛ ۲۲: ۴؛ ۲۴: ۲۴؛ ۲۲: ۱۴؛ ۶). در عهد عتیق، اغلب از این عبارت به عنوان سبک زندگی ایمانی سخن می رود (ر.ک. تث. ۵: ۳۲-۳۳؛ ۳۱: ۲۹؛ مز. ۲۷: ۱۱؛ اش. ۳۵: ۸). این امر که در این متن نیز همان معنا را داشته باشد، مشخص نیست (ر.ک. ۱۸: ۲۶).

آپولس چیزهایی درباره عیسی می دانست، ولی ظاهراً این دانسته‌ها محدود به خدمات اولیه عیسی بوده و نه انجیل پس از جلجتا و قیام وی. او نیاز به شنیدن "بقیه داستان" داشت (Paul Harvey).

□ «پر از شور و شوق روحانی» در اصل به معنی "در روح می سوخت". مقصود از این عبارت توصیف شوق و غیرت آپولس در بیان آن چیزهایی است که درباره زندگی و تعالیم عیسی می دانست و درک می کرد.

□ «**فقط از تعلیم یحیی آگاهی داشت**» این عبارت در مورد آپولس، می تواند شگرد ادبی لوقا برای معرفی پیروان یحیی در ۱۹: ۱-۷ باشد. در قرن اول در فلسطین بدعت‌های زیادی در رابطه با تعلیم و موعظه یحییای تعمید دهنده نشو و نما یافت. یحیی به راستی آخرین نبی عهد عتیق بود که راه را برای آمدن ماشیح آماده نمود (ر.ک. اش. ۴۰: ۳؛ متی ۳: ۳)، ولی او نخستین واعظ انجیل نبود. اگر تمرکز اصلی موعظه آپولس بر یحیی می بود، دیگر نمی توانست اهمیت عیسی را به طور کامل بیان نماید. یحیی و عیسی هر دو بر "توبه"، "ایمان" و "زندگی خداپسندانه" تأکید داشتند. هر دو ایشان در ابتدا یهودیان را به سرسپردگی جدیدی به ایمان و رفتار (وفاداری به عهد و ایمان شخصی به YHWH) فرا می خواندند. اما پیام عیسی به سوی اثبات جایگاه مرکزی خودش پیشرفت نمود (به عنوان مثال: یوحنا ۱۰ و ۱۴)، و احتمالاً این همان چیزی بود که آپولس کم داشت.

۱۸: ۲۶ «**او در کنیسه بدون ترس و واهمه شروع به سخن گفتن کرد**» همین فعل در مورد سخنگویی پولس با یهودیان در کنیسه در ۱۳: ۱۴؛ ۱۴: ۳؛ ۱۹: ۸ و در برابر فستوس در ۲۶: ۲۶ به کار رفته است. آپولس واعظی قدرتمند و تأثیرگذار بود.

□ «**در کنیسه**» توجه داشته باشید که پرسکله و اکیلا نیز در آنجا حضور داشتند. روش معمول پولس نیز چنین بود.

□ «**پرسکله و اکیلا**» نام پرسکله بارها در ابتدا آمده است، ۱۸: ۱۸، ۲۶: ۱۸، روم. ۱۶: ۳؛ II تیمو. ۴: ۱۹. این امر بسیار غیرعادی است. احتمالاً او شخصیت قویتری داشت یا از اشراف رومی بود. در اعمال ۱۸: ۲، اکیلا شخصی یهودی معرفی شده است، ولی پرسکله هرگز چنین معرفی نگردیده است. آنان به سبب حکم کلودیوس قیصر در ۴۹م. مجبور به ترک روم شدند و در قرنتس پولس را دیدند و با او دوست شده وی را تا افسس دنبال کردند. هر سه نفر ایشان خیمه دوز بودند.

□ «**او را نزد خود آوردند**» یا "او را کناری بردند." عبارت مزبور به معنی پذیرفتن یا قبول کسی به دوستی به کار می رفت. مشخص نیست که پرسکله و اکیلا، آپولس را چگونه و در کجا به نزد خود بردند. امکان دارد که ایشان به طور خصوصی با او صحبت کرده یا او را با خود به خانه شان برده باشند. توجه کنید که آنها وی را در ملاءعام به چالش نکشیدند و شرمسار نکردند!

□ «**طریقه الهی را با تفصیل بیشتری برایش شرح دادند**» او شخص تعلیم پذیری بود. خصیصه ای که در مورد انسانهای با استعداد و تحصیل کرده، نادر است! او آشکارا به اطلاعات کاملتر ایشان درباره عیسی پاسخی مثبت داد.

۱۸: ۲۷ «**عزیمت سفر اخائیه کرد**» نسخه یونانی D "بنا به ترغیب مسیحیان قرنتس" را نیز به این آیه می افزاید. او واعظ مهربان ایشان بود (با شیوه سخنوری بدیع یونانی).

□ «**برادران ... نوشتند**» توصیه نامه های کلیسایی به کلیسای دیگر در روم. ۱۶: ۱؛ II قرن. ۳: ۱؛ II یوحنا مورد اشاره قرار گرفته است. این روش کلیسای اولیه برای اجتناب از واعظان دروغین و نفاق افکن سیار بود.

□ «**آنانی را که به وسیله فیض ایمان آورده بودند، اعانت بسیار نمود**» دو روش برای درک این عبارت وجود دارد:

۱. اشاره به ایماندارانی است که پیشتر از راه فیض نجات یافته بودند (ترجمه های NASB, NKJV, NRSV, TEV)

۲. اشاره به قدرت بخشیدن فیض آمیز خدا به آپولس است (ترجمه NJB)

فعل اصلی در اینجا اعانت کرد است که فعل ماضی اخباری میانی نامعین است. آپولس یک برکت بود!

وجه وصفی "ایمان آورده بودند" در اصل یک فعل ماضی نقلی معلوم است که تلویحاً نشانگر ایماندار بودن قبلی ایشان می باشد. آپولس در قرنتس کارش بشارت دادن نبود بلکه شاگردسازی می کرد.

۱۸: ۲۸ آپولس همانند پطرس، استیفان و پولس از عهد عتیق استفاده می کرد. نشان دادن این امر از عهد عتیق که عیسی، ماشیح است، الگویی تکرار شونده در سخنرانیهای خطاب به یهودیان، در کتاب اعمال است.

## پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا معمولاً نام پرسکله در عهد جدید اول آورده می شود؟
۲. چگونه پولس با پرسکله و اکیلا آشنا شد؟ دلیل این آشنایی چه بود؟
۳. آیا پرسکله و اکیلا باز به روم بازگشتند؟ این موضوع را از کجا می توان دریافت؟
۴. شیوه های موعظه پولس و آپولوس را با هم مقایسه کنید.
۵. آیا آپولوس پیش از اینکه با اکیلا و پرسکله آشنا شود مسیحی بود؟

کارهای رسولان فصل ۱۹  
تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
شاگردان یحیی در افسس ۷-۱:۱۹	پولس در افسس ۱:۱۹-۲الف ۲:۱۹ ۳الف ۳:۱۹ ۴:۱۹	خدمات دراز مدت پولس در افسس ۷-۱:۱۹	پولس در افسس ۱۰-۱:۱۹	پولس در افسس ۷-۱:۱۹
پایه‌گذاری کلیسا در افسس ۱۰-۸:۱۹	۷-۵:۱۹ ۱۰-۸:۱۹	۱۰-۸:۱۹		۱۰-۸:۱۹
یهودیان اخراج‌کننده ارواح ۱۲-۱۱:۱۹ ۱۷-۱۳:۱۹	پسران اسیکوا ۱۴-۱۱:۱۹ ۱۵:۱۹ ۲۰-۱۶:۱۹	۲۰-۱۱:۱۹	جلال مسیح در معجزات ۲۰-۱۱:۱۹	پسران اسیکوا ۲۰-۱۱:۱۹
نقشه‌های پولس افسس: شورش ۲۲-۲۱:۱۹	شورش در افسس ۲۲-۲۱:۱۹	۲۲-۲۱:۱۹	شورش در افسس ۴۱-۲۱:۱۹	شورش در افسس ۲۷-۲۱:۱۹
نقره‌سازان ۳۱-۲۳:۱۹ ۴۱-۳۲:۱۹	۲۷-۲۳:۱۹ ۳۴-۲۸:۱۹ ۴۱-۳۵:۱۹	۲۷-۲۳:۱۹ ۴۱-۲۸:۱۹		۴۱-۲۸:۱۹

قراوت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیش‌رویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می‌کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

## مطالعه عبارات و واژگان

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۹: ۱-۷

۱ در آن زمان که آپولس در شهر قرنتس بود، پولس در نواحی داخلی آن استان مسافرت می کرد تا به افسس رسید و در آنجا با تعدادی شاگرد برخورد کرد. ۲ از آنان پرسید: «آیا وقتی ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟» آنها در پاسخ گفتند: «خیر، ما حتی خبر هم نداشتیم که روح القدس وجود دارد.» ۳ پولس به ایشان گفت: «پس چه نوع تعمیدی گرفتید؟» گفتند: «تعمید یحیی.» ۴ پولس فرمود: «تعمیدی که یحیی می داد، نشانه توبه بود و در ضمن به مردم می گفت که به آن شخصی که بعد از او می آید، یعنی به عیسی، ایمان بیاورند.» ۵ وقتی آنها این را شنیدند به نام عیسی خداوند تعمید گرفتند و ۶ هنگامی که پولس بر سر آنان دست نهاد، روح القدس بر آنانازل شد و به زبانها صحبت کرده و نبوت می نمودند. ۷ این مردان جمعاً در حدود دوازده نفر بودند.

۱۹: ۱ «نواحی بالا» اشاره به راهی دیگر از میانه ناحیه ای بالاتر است به سوی کلیساهایی که پولس در فعالیتهای بشارتی سفر پیشینش در جنوب غلاطیه بنیانگذاری کرده بود.

۱۹: ۲ «آیا وقتی ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟» این واقعیت که آنها "شاگردان" (آیه ۱) خوانده شده اند عبارت "وقتی ایمان آوردید" تلویحاً نشان می دهد که این افراد ایماندار بوده اند. سؤال مزبور دو مورد زیر را به هم مربوط می سازد: (۱) دریافت شخصی روح القدس در زمان ایمان آوردن شخص (فعل ماضی اخباری معلوم نامعین و ماضی وصفی معلوم نامعین) و (۲) عمل آماده کننده روح القدس که بدون آن هیچکس نمی تواند ایمان آورد (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵؛ روم. ۸: ۹). سطوح و مراحل برای کار روح القدس وجود دارد (ر.ک. یوحنا ۸: ۱۱-۱۵). کتاب اعمال به خودی خود باید هشدار برای مفسرین امروزی باشد که در عناصر "ضروری" و ترتیب نجات، متعصب نباشند. اعمال آنچه روخ داده است را ثبت می نماید نه آنچه هربار می بایست اتفاق می افتاد. نجات یک ارتباط شخصی است که تمامیت شخص را درگیر می سازد، ولی اغلب بنا بر عمیقتر شدن ارتباط تجربه ای پیش رونده است و در طی آن اطلاعات کتاب مقدسی بیشتری را می توان درک کرد.

□ «خیر، ما حتی خبر هم نداشتیم که روح القدس وجود دارد» موعظه یحیی نمی توانست بدون روح القدس تأثیر روحانی داشته باشد (ر.ک. روم. ۸: ۱۱-۶؛ ۱ قرن. ۱۲: ۳؛ ۱ یوحنا ۴: ۲). یحیی در موعظه خود به روح القدس اشاره می کرد (ر.ک. متی ۳: ۱۱؛ مرقس ۱: ۸؛ لوقا ۳: ۱۶؛ یوحنا ۱: ۳۲-۳۳)، ولی باید به یاد داشت که پیام او پیام آماده کننده بود، نه پیام تحقق یافتن (ر.ک. اش. ۴۰: ۳؛ متی ۳: ۳). یحیی

آخرین نبی عهد عتیق و واعظ مرحله انتقالی بود. او راه را برای آمدن ماشیح آماده می ساخت و مردم را به سوی عیسی رهنمون می گشت (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۹-۴۲).

۱۹: ۳ «پس به چه چیز تعمید یافتید» آنها پیروان یحییای تعمید دهنده بودند. ظاهراً نسبت به پرتو نوری که داشتند وفادار بودند، اما درست مانند آپولس (ر.ک. ۱۸: ۲۴-۲۸)، نیاز به توضیح بیشتری درباره زندگی، مرگ، قیام و صعود (یعنی انجیل) عیسی داشتند.

۱۹: ۳-۴ «تعمید یحیی» تعمید یحیی شامل توبه و انتظار بود (ر.ک. متی ۳: ۱۱؛ مرقس ۱: ۱۵). اما می بایست در ایمان به عیسی تکمیل می گردید. از شواهد تاریخی چنین برمی آید که چند گروه بدعتگزار در قرن اول شکل گرفتند که مدعی بودند پیروان یحییای تعمید دهنده هستند (*Recognitions of Clement*، فصل ۶۰). شاید لوقا از این شیوه برای خنثی کردن اثر این گروهها استفاده کرده است. خدمات یحیی ارتباطی با شخص خودش نداشت و همگی اشاره به عیسی داشت (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۹-۴۲).

۱۹: ۵ «به نام خداوند عیسی» لوقا تعمید را "به نام عیسی" توصیف می کند (ر.ک. ۲: ۳۸؛ ۸: ۱۲، ۱۶؛ ۱۰: ۴۸). نگاه کنید به عنوان خاص: نام خداوند در ۲: ۲۲. متی تعمید را "به نام پدر و پسر و روح القدس" وصف می کند (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹). کلید نجات در قاعده تعمید یافتن نیست، بلکه در قلب شخصی که تعمید می یابد. اگر قاعده تعمید را به عنوان کلید بنگریم، تأکید را بر جای اشتباهی گذارده ایم. نجات یافتن انجام درست یک مراسم دینی نیست، بلکه داخل شدن به ارتباط توبه/ایمان با عیسی است. به یادداشت ۲: ۳۸ مراجعه کنید. تا جایی که ما می دانیم، آپولس که فقط تعمید یحیی را می شناخت، دیگر دوباره تعمید نگرفت! روح القدس آشکار در موعظه و تعلیم مقتدرانه او حضور داشت.

۱۹: ۶ «چون پولس دست بر ایشان نهاد، روح القدس بر ایشان نازل شد» به دست نهادن، معمولاً در ارتباط با روح القدس اشاره شده است (ر.ک. ۸: ۱۶-۱۷؛ ۹: ۱۷)، اما نه همیشه (ر.ک. ۱۰: ۴۴). نگاه کنید به عنوان خاص در ۶: ۶. کتاب مقدس روح القدس را به سه طریق مختلف با ایماندار مربوط می نماید: (۱) در زمان ایمان آوردن؛ (۲) در زمان تعمید؛ و (۳) با نهادن دستها. این گوناگونی به ما در مورد برخورد متعصبانه و جزمی با این موضوع هشدار می دهد. منظور کتاب اعمال تعلیم یک روش معین نیست بلکه شرح حرکت پویای روح القدس می باشد.

باید اعتراف کنم که سخن گفتن این دوازده شاگرد یحیی به زبانها برای من حیرت انگیز است. معمولاً در کتاب اعمال، زبانها نشانه و مدرکی برای اعلام کنندگان یهودی ایماندار است که خدا گروه جدیدی را پذیرفته یا محدودیت جغرافیایی را در هم شکسته است (نگاه کنید به یادداشت کامل ۲: ۴ب). اما این شاگردان نماینده چه گروهی بودند؟ آنها پیشتر هم شاگرد بودند (ر.ک. آیه ۱). چرا لوقا این واقعه برگزید و به ثبت رسانید؟ او مقدمه ای از آپولس نیز در باب ۱۸ برای این واقعه بیان می دارد. واقعه مزبور با الگوی قبلی همخوانی ندارد، به همین دلیل احتمالاً مفسرین امروزی باید مراقب باشند که نکوشند تا دستور مشخص یا شبکه تفسیری خاصی را در نوشته لوقا ایجاد نکنند که با آن هم آهنگی نداشته باشد! شاید هم این واقعه سخن گفتن به زبانها بیشتر شبیه سخن گفتن به زبانهای قرنیتیان باشد!

□ «نبوت می نمودند» این عبارت اشاره به رفتار جذبه ای عهد عتیقی دارد (ر.ک. I سمو. ۱۰: ۱۰-۱۲؛ ۱۹: ۲۳-۲۴). شاید مضمون متن این تفسیر را تأیید کند. با این وجود در I و II قرنیتیان (ر.ک. ۱۱: ۴، ۵، ۹؛ ۱۴: ۱، ۳-۵، ۲۴، ۳۱، ۳۹) تلویحاً به نوعی اعلام شجاعانه انجیل اشاره می شود. تعریف نبوت در عهد جدید دشوار است. از آنجایی که پر شدن از روح القدس اغلب در رابطه با اعلام شجاعانه انجیل است، شاید مفهوم اصلی این متن نیز همین امر باشد.

۱۹: ۷ «این مردان جمعاً در حدود دوازده نفر بودند» دوازده یکی از چند عددی است که اغلب به طور نمادین در کتاب مقدس به کار می رود، ولی در اینجا به نظر می رسد صرفاً تاریخ نگاری مورد نظر است. نگاه کنید به عنوان خاص: دوازده در ۱: ۲۲.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۹: ۸-۱۰

۸ پولس به کنیسه رفت و مدت سه ماه در آن شهر با شهادت تمام صحبت می کرد و با استدلال گفت و گو می نمود و می کوشید که شنوندگان را در مورد پادشاهی خدا متقاعد سازد. ۹ اما عده‌ای از آنان سنگدل بودند و ایمان نمی آوردند و برعکس، از طریقه الهی نزد مردم بدگویی می کردند. بنابراین پولس از آنان کناره گیری کرد و شاگردان را به جای دیگری برد و همه روزه در تالار سخنرانی طیرانس مجلس بحثی برپا می کرد. ۱۰ این برنامه به مدت دو سال ادامه داشت و نتیجه آن این شد که جمیع ساکنان استان آسیا اعم از یهودی و یونانی پیام خداوند را شنیدند.

۱۹: ۸ «به کنیسه رفت» الگوی معیار پولس همین بود (ر.ک. ۹: ۲۰؛ ۱۳: ۵؛ ۱۴: ۱۴؛ ۱: ۱۷؛ ۲: ۱۰؛ ۱۸: ۴، ۱۹، ۲۶).

□ «با شهادت تمام صحبت می کرد» فعل اخباری کامل میانی. این یکی از نتایج "پری روح القدس" بود (ر.ک. ۴: ۱۳، ۲۹، ۳۱؛ ۹: ۲۸، ۲۹؛ ۱۴: ۳؛ ۱۸: ۲۶). پولس برای همین امر در افسس. ۶: ۱۹ دعا می کند.

□ «سه ماه» این کنیسه در افسس ظاهراً به پولس اجازه موعظه کردن، تعلیم دادن و استدلال آوردن برای ایشان را تا چندین سبت داده بود. این موضوع به خودی خود نشانگر میزان باز بودن نسبت به انجیل و نیز تمجید از تواناییهای خداداده پولس است.

□ «پادشاهی خدا» این موضوع مرکزی موعظه عیسی بود. منظور، سلطنت خدا در زندگی انسان در زمان حال و تکمیل آن در آینده بر تمامی زمین مانند آسمان است (ر.ک. متی ۶: ۱۰). نگاه کنید به عنوان خاص در ۸: ۱۲.

۱۹: ۹ «بعضی سنگدل گشته ایمان نیاوردند» همه کسانی که انجیل را می شنوند حق انتخاب دارند (ر.ک. ۱۷: ۳۲، ۳۴). این امر بازتابی از مثل برزگر است (ر.ک. متی ۱۳؛ مرقس ۴) و راز شرارت را نشان می دهد (ر.ک. II قرن ۴: ۴).

واژه "سنگدل گشته" (*ske-runo-*) یک فعل اخباری مجهول غیر کامل است (ایمان نیاوردند یا در اصل نامطیع شدند، یک فعل اخباری معلوم ناکامل می باشد)، که تلویحاً آغاز کاری یا تکرار عملی را در گذشته بیان می دارد. در رومیان ۹: ۱۸ از همین واژه برای توصیف آنکه خدا قلب اسرائیل را سخت کرد و نیز همین فعل به صورت تکرار شونده در عبرانیان ۳ و ۴ (ر.ک. ۳: ۸، ۱۳، ۱۵؛ ۴: ۷) در مورد سخت دلی اسرائیل در طی دوران سرگردانی در بیابان آمده است. خدا عملاً دل کسانی را که محبت می نماید و در شباهت او آفریده شده اند، سخت نمی سازد اما اجازه می دهد عصیان انسان خود را نشان بدهد (ر.ک. روم. ۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸) و شخصیت شرارت بر کسانی که آفریده است، نفوذ نماید (ر.ک. افسس. ۲: ۱-۳؛ ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۰-۱۸).

□ «پیش روی خلق، طریقت را بد می گفتند» انجیل تفاوت کلی با ذهنیت انحصارگرا و آیین مدار یهودی گرای دارد و بیان می کند که در صورتی که اصول اساسی انجیل پذیرفته نشود، امکان یافتن زمینه مشترک وجود ندارد.

الگوی تکرار شونده لوقا مبنی بر آن است که مخالفت پرخاشگرانه یهودیان نسبت به انجیل ادامه دارد (ر.ک. ۱۳: ۴۶-۴۸؛ ۱۸: ۵-۷؛ ۱۹: ۸-۱۰؛ ۲۸: ۲۳-۲۸).

□ «طریقت» نگاه کنید به یادداشت ۱۸: ۲۵.

□ «مدرسه شخصی طیرانس نام» نسخه قدیمی D، Bezae، از قرن پنجم، اضافه می کند که پولس از ساعت ۱۱ صبح تا ۴ بعدازظهر تعلیم می داد، یعنی هنگامی که وقت استراحت اکثر اهالی شهر بود و می توانست از آن ساختمان استفاده کند. شاید این موضوع از روایات سینه به سینه برگرفته شده باشد. پولس در ساعات معمول کار به پیشه خود مشغول بود و سپس در هنگام استراحت به تعلیم می پرداخت (ر.ک. ۲۰: ۳۴).



برای شناسایی طیرانس، چند نظریه مختلف ارائه شده است:

۱. سویداس او را یک سوفسطایی معرفی کرده است. سویداس در قرن دهم این امر را نگاشته است، اما او از منابع معروف در دوران کلاسیک استفاده می نمود. آثار ادبی او مانند دایره‌المعارفی از افراد سیاست مدار، ادیب و منسوب به کلیسا است.

۲. او یک معلم دینی یهود (بنا به گفته Meyer) که مدرسه خصوصی برای تعلیم شریعت موسی را اداره می کرد، ولی هیچگونه مدرک نوشته شده ای در مورد این منصب وجود ندارد.

۳. آن ساختمان در اصل یک ورزشگاه بود که بعدها به تالار سخنرانی تبدیل شد و صاحب آن طیرانس بود و یا نام آن تالار از اسم طیرانس برگرفته شد.

پولس مجبور به ترک کنیسه شد و ظاهراً شمار کسانی که ایمان آوردند بسیار بیشتر از آن بود که در یک خانه جای بگیرند، لذا او یک تالار سخنرانی را اجاره کرد. این امر به او اجازه می داد تا با شهروندان افسس تماس حاصل کند.

۱۹:۱۰ «دو سال» در ۲۰:۳۱ پولس تمامی طول مدتی که در آن استان مانده بود، بیان می کند (۳ سال).

□ «تمامی اهل آسیا ... شنیدند» آشکار صنعت مبالغه است. عیسی اغلب با مبالغه سخن می گفت. به طور ساده، این بخشی از ذات اصطلاحات ادبیات شرقی می باشد.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۹:۱۱-۲۰

۱۱ خدا به دست پولس معجزات بزرگ نشان می داد. ۱۲ به طوری که مردم دستمالها و پیش‌بندهایی را که با بدن پولس تماس یافته بود، می بردند و بر بدن مریضان می گذاشتند و آنان از امراض خود شفا می یافتند و ارواح پلید از آنان خارج می گشت. ۱۳ اما در این زمان عدّه‌ای از جنگیران دوره گرد یهودی در صدد برآمدند، که با ذکر نام عیسی خداوند ارواح پلید را اخراج نمایند. آنان چنین می گفتند: «تو را به عیسایی که پولس بشارت می دهد قسم می دهیم.» ۱۴ و هفت نفر از پسران شخصی به نام اسکیوا، که یکی از سران کاهنان بود، این روش را به کار می بردند. ۱۵ اما روح پلید پاسخ داد: «من عیسی را می شناسم و درباره پولس اطلاع دارم اما شما چه کاره اید؟» ۱۶ مردی که روح پلید داشت، با چنان قدرتی به آنان حمله کرد که همه مغلوب شدند و برهنه و زخمی از آن خانه فرار کردند. ۱۷ این موضوع به گوش همه ساکنان افسس اعم از یهودی و یونانی رسید و همه را به وحشت انداخت و نام عیسی خداوند در میان ایشان بیشتر مورد احترام قرار گرفت. ۱۸ عدّه زیادی از کسانی که ایمان آورده بودند پیش آمدند و اعتراف کردند، که قبل از آن به جادوگری مشغول بودند ۱۹ و عدّه کثیری از ساحران کتب جادوگری خود را جمع کردند و پیش مردم سوزانیدند. کتابها را که قیمت گذاشتند، معلوم شد که ارزش آنها برابر پنجاه هزار سگّه نقره بود. ۲۰ به این ترتیب کلام خداوند منتشر می شد و قدرت بیشتری می یافت.

۱۹:۱۱ این نخستین باری نیست که خدا از معجزات خارق العاده برای تأیید سخنگوی خود و حقیقت وجودش استفاده می کند (ر.ک. ۳:۱-۱۰:۵؛ ۱۵:۸؛ ۱۳:۹؛ ۴۰-۴۲؛ ۱۳:۱۱-۱۲؛ ۱۴:۸-۱۱). خرافات و انجام آیین سَری در افسس شایع و پیشرفت غیرقابل کنترل بود. خدایی که رحمتش بی حد است، اجازه داد تا قدرت و اقتدار ماوراءطبیعی ساکن در مسیح او، خود را در برابر این مردمان اسیر شیطان از طریق پولس نشان دهد. آه که رحمت خدا چقدر عظیم است!

۱۹:۱۲ «دستمالها» احتمالاً سربندهایی بودند که به هنگام کار می بستند.

□ «پیش بندها» اشاره به پیش بندهای کار، چیزی شبیه پیش بند نجاران است. این شفاها رأفت و قدرت خدا را نشان می‌داد و انجیل و خدمات پولس را تأیید می‌کرد.

□ «ارواح پلید ... خارج می‌گشت» در اینجا دیوها (ر.ک. لوقا ۱۰: ۱۷؛ اعمال ۸: ۲)، "ارواح پلید" خوانده شده اند (ر.ک. متی ۱۲: ۴۵؛ لوقا ۷: ۲۱؛ ۸: ۲؛ ۱۱: ۲۶؛ اعمال ۱۹: ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶). اما لوقا آنها را "ارواح ناپاک" نیز می‌خواند (ر.ک. ۵: ۱۶؛ ۸: ۷). در اعمال ۱۶: ۱۶، به دیو نام "روح فالگیری (غیبگویی)" داده شده است. تمامی این عبارات گویی مترادف هستند. پولس اغلب از انواع دیوها سخن می‌گوید مثل "هر ریاست و قوت و قدرت و سلطنت" (افس. ۱: ۲۱)، "ارباب ریاستها و قدرتها در جایهای آسمانی" (افس. ۳: ۱۰)، یا "با ریاستها و قدرتها و جهان داران این ظلمت و با فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی" (افس. ۶: ۱۲). اینها می‌بایست اشاره ای به برخی از سطوح ارواح شیطانی سازماندهی شده باشد. ولی چگونه، چرا، کجا و چه کس بودن ایشان همه گمانه زنی است زیرا کتاب مقدس، توصیف دقیق و جزئی از قلمرو روحانی را آشکار نمی‌سازد. کلام خدا به روشنی قدرت مسیح (و رسولان او) را بر شیطان و پادشاهی ظلمت و مرگ آشکار می‌کند. "نام" عیسی بالاتر از هر نامی است! شناخت او نجات، سلامتی، تمامیت، ترمیم و سلامتی را به ارمغان می‌آورد.

۱۹: ۱۳-۱۶ «جنگیران ... یهودی» جنگیران یهودی در همه جا بودند (ر.ک. لوقا ۱۱: ۱۹). این متن به روشنی نشان می‌دهد که اخراج ارواح توسط قواعد جادویی (نامها) انجام نمی‌گیرد بلکه بواسطه ارتباط شخصی با عیسی صورت می‌پذیرد. چنانچه این متن آنقدر اندوهناک نبود، متن طنزآلودی محسوب می‌گردد! یوسفوس در کتاب *Antiq. 8.2.5* آداب اخراج روح توسط شخصی به نام الیعازر را بازگو می‌کند که از وردهای سلیمان استفاده می‌نماید.

۱۹: ۱۳ «ارواح پلید» اشاره به دیوهاست. عهد جدید اغلب از این واقعیت روحانی سخن می‌گوید ولی ریشه آن و جزئیات سازمان دهی و فعالیتهايش را شرح نمی‌دهد. کنجکاوی، ترس و ضروریات خدمت عملی موجب خیال پردازیها و گمانه زنیهای بسیار شده است. در عهد جدید هرگز اخراج ارواح (جن گیری) در فهرست عطایا دیده نمی‌شود اما ضرورت آن واضح و آشکار است. برخی از کتابهای مفید در این مورد عبارتند از: (۱) *Christian Counseling and the Occult* نوشته Kouch؛ (۲) *Biblical Demonology* و *Demns in the World Today* نوشته Unger؛ (۳) *Pricipalities and Powers* نوشته Montgomery؛ (۴) *Christ and the Powers* نوشته Hendrik Berkhof؛ و (۵) *Crucial Questions About Spiritual Warfare* نوشته Clinton E. Arnold. به عنوان خاص: دیوزدگی در ۵: ۱۶ مراجعه کنید.

۱۹: ۱۴ «اسکیوا، رئیس کهنه یهود» پژوهشگران امروزی نتوانسته اند این نام را در هیچیک از نوشته های دیگر بیابند. برای یک رئیس کهنه یهود (*archiereus*) بودن در افسس، مشکل ساز است. در آنجا یک کنیسه محلی وجود داشت، اما تنها معبد یهود در اورشلیم بود. لوقا همین واژه را بارها در انجیل خود و اعمال برای رئیس کهنه و خانواده اش در اورشلیم به کار می‌برد. برخی گمان می‌کنند که این مرد به نوعی با خاندان رئیس کهنه نسبتی داشته یا احتمالاً در رأس یکی از بیست و چهار رتبه کهناتی که داود برقرار نمود، بوده است (ر.ک. I توآ. ۲۴: ۷-۱۹).

اگر این مرد و پسرانش کاهن بوده اند، بسیار حیرت آور است که از نام YHWH به عنوان اسم قدرتمند برای تسلط بر ارواح، به عوض سحر و جادو استفاده نمی‌کردند.

۱۹: ۱۵ «عیسی را می‌شناسم و درباره پولس اطلاع دارم» نخستین فعل *gino-sko* و فعل دوم *epistamai* است. این دو به نوعی هم معنی هستند. در کتاب اعمال اغلب از هر دو فعل استفاده می‌شود اما در این متن آشکارا تمایزی میان آشنایی این دیو با عیسی به عنوان مسیح و شناخت پولس به عنوان سخنگوی او وجود دارد.

۱۹:۱۷ لوقا این رویداد را ثبت می کند تا نشان دهد چگونه روح القدس به تکریم عیسی می پردازد (فعل اخباری مجهول ناکامل).

۱۸:۱۹ «کسانی که ایمان آورده بودند» فعل وصفی مجهول کامل (ماضی نقلی یا بعید). سؤال اینجاست که آیا ایشان ایمانداران به سحر و جادو بودند یا این عبارت به ایمان جدید ایشان به انجیل اشاره دارد؟ این امکان نیز وجود دارد که نوایمانان به انجیل همچنان در ابتدا تحت تأثیر خرافات پیشینشان بودند. نگاه کنید به عنوان خاص: افعال یونانی مورد استفاده برای نجات در ۲: ۴۰.

امکان دارد پیروان پیشین سحر و جادو، بواسطه آنچه برای جنگیران یهودی در آیات ۱۳-۱۶ رخ داد، متقاعد شده باشند. پیام اصلی این واقعه که نشانگر قدرت شخصیت/نام عیسی بود، به سرعت منتشر گردید (ر.ک. آیه ۱۷). این مردم یقیناً نسبت به قدرت "نام عیسی" کاملاً هشیار گردیدند.

□ «پیش آمدند» یک فعل وصفی میانی ناکامل (ساده یا استمراری) است.

□ «به اعمال خود اعتراف کرده، آنها را فاش می نمودند» مدیترانه باستان لبریز از سحر و جادو بود. اعتقاد عموم بر آن بود که افشای قواعد جادوگری هر شخص، آنها را بی اثر می سازد. بدینوسیله آنها فعالیتهای جادوگری پیشینشان را مردود می شمردند. نوعی ادبیات جادویی مشهور در جهان باستان به نام "نوشته های افسسی" وجود داشت! این واقعه نشانگر برتری انجیل بر سحر و جادوست (ر.ک. آیه ۲۰).

### عنوان خاص: اعتراف

A. از همین ریشه یونانی دو واژه برای اعتراف و اقرار، یعنی: *homolegeo-* و *exomologeoo-* استفاده شده است. واژه مرکبی که در یعقوب به کار رفته ترکیبی از *homo-* همان، *lego-* سخن و *ex-* از میان، می باشد. معنی بنیادی واژه مزبور: "گفتن همان چیز" یا "موافقت با" است. پیشوند *ex* که به آن افزوده شده، اعلام عمومی را دربردارد.

B. ترجمه های انگلیسی این گروه واژه عبارتند از:

۱. ستایش
۲. موافقت
۳. اعلام
۴. اقرار
۵. اعتراف

C. این گروه واژه دو مورد استفاده به ظاهر مخالف با هم دارد:

۱. ستایش (خدا)
۲. اقرار گناه

اینها ممکن است از حس بشری قدوسیت خدا و گناهکاربودن خود ناشی شده باشد. برای تشخیص یک حقیقت باید هر دو حقیقت را بازشناخت.

D. موارد استفاده عهد جدید از گروه واژه مزبور عبارتند از:

۱. قسم خوردن (ر.ک. متی ۱۴: ۷؛ اعمال ۷: ۱۷)
۲. معترف شدن یا اقرار نمودن به چیزی (ر.ک. یوحنا ۱: ۲۰؛ لوقا ۲۲: ۶؛ اعمال ۲۴: ۱۴؛ عبر. ۱۱: ۱۳)
۳. ستایش کردن (ر.ک. متی ۱۱: ۲۵؛ لوقا ۱۰: ۲۱؛ روم. ۱۴: ۱۱؛ ۱۵: ۹)

۴. اقرار کردن به

- a. یک شخص (ر.ک. متی ۱۰:۳۲؛ لوقا ۱۲:۸؛ یوحنا ۹:۲۲؛ ۱۲:۴۲؛ روم. ۱۰:۹؛ فیلی. ۲:۱۱؛ مکا. ۳:۵)
- b. یک حقیقت (ر.ک. اعمال ۲۳:۸؛ II قرن. ۱۱:۱۳؛ I یوحنا ۴:۲)
۵. اعلام عمومی کردن (حس مشروعیتی که به تأیید مذهبی می انجامد، ر.ک. اعمال ۲۴:۱۴؛ I تیمو. ۶:۱۳)
- a. بدون اقرار به خطا (ر.ک. I تیمو. ۶:۱۲؛ عبر. ۱۰:۲۳)
- b. همراه با اقرار به خطا (ر.ک. متی ۳:۶؛ اعمال ۱۹:۱۸؛ عبر. ۴:۱۴؛ یعقوب ۵:۱۶؛ I یوحنا ۱:۹)

۱۹:۱۹ «جادوگری» نگاه کنید به عنوان خاص در ۸:۹.

"کتابها" (*bibulous*) می تواند اشاره به کتابهای بزرگ یا تومارهای کوچک پایروس باشد که بر روی آنها سوگندها و لعنتها نوشته شده بود. اینها را به عنوان طلسم و جادو به خود می آویختند. قیمت گزاف یاد شده نشان می دهد: (۱) این مردمان تا چه اندازه خرافاتی بودند و (۲) چگونه انجیل ایشان را آزاد ساخته بود!

□ «در حضور خلق سوزانیدند» این کتابها و نسخه های خطی روی پوست آهو، بسیار کمیاب و قیمتی بودند. سوزاندن آنها نشانه توبه عمومی آن نویمانان و اعتراف ایشان به ایمان به مسیح بود، نه به "قدرتها"!

۱۹:۲۰ به پیام انجیل شخصیت داده می شود و به اختصار بیان می شود. ارائه خلاصه وضعیت توسط لوقا به ما کمک می کند تا اعمال را به شش بخش تقسیم کنیم (ر.ک. ۶:۷؛ ۹:۳۱؛ ۱۲:۱۲؛ ۲۴:۱۶؛ ۵:۱۹؛ ۲۰:۲۸؛ ۳۱).

متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۹:۲۱-۲۲

۲۱ پس از این وقایع پولس تصمیم گرفت، که از مقدونیه و یونان دیدن نماید و از آنجا به اورشلیم برود. او گفت: «بعد از رفتن به آنجا شهر روم را هم باید ببینم.» ۲۲ پس دو نفر از دستیاران خود یعنی تیموتاؤس و ارسطوس را به مقدونیه فرستاد و خود او مدت بیشتری در استان آسیا اقامت نمود.

۲۱:۱۹

«پولس در روح مصمم شد»

NASB

«پولس در روح مصمم شد»

NKJV

«پولس در روح تصمیم گرفت»

NRSV

«پولس تصمیم گرفت»

TEV, NJB

«پولس با هدایت روح تصمیم گرفت»

TEV (پانویس)

این ترکیبی از قدرت مطلق خدا و اراده آزاد بشریت است. مشخص نیست که استفاده از واژه "روح" در اینجا بازمی گردد به:

۱. روح القدس یا

۲. روح انسان (ر.ک. ۷: ۵۹؛ ۱۷: ۱۶؛ ۱۸: ۲۵؛ روم. ۱: ۹؛ ۸: ۱۶؛ I قرن. ۲: ۱۱؛ ۵: ۴؛ ۱۶: ۱۸؛ II قرن. ۲: ۱۱؛ ۷: ۱۳؛ ۱۲: ۱۸؛ ۱۸: ۶؛ ۱۸: ۴؛ فیل. ۴: ۲۳).

اگر منظور روح القدس باشد، این هم نمونه دیگری از هدایت الهی و پاسخ مناسب انسانی است.

لوقا اغلب در مقدمه وقایع بعدی روایتش، توضیح مختصری ارائه می دهد. مطمئناً این امکان وجود دارد که لوقا، تصمیم پولس در رفتن به اورشلیم را ناشی از هدایت خدا بداند (*die* در آیه ۲۱)، و نه در نتیجه شورش که دیمتریوس و صنف نقره سازان افسس به راه انداختند (ر.ک. آیات ۲۳-۴۱).

□ «شهر روم را نیز باید ببینیم» پولس می خواست (*dei*) از کلیسای روم (ر.ک. ۹: ۱۵؛ روم ۱: ۱۰) در راه رفتن به اسپانیا دیدن کند (ر.ک. روم ۱۵: ۲۴، ۲۸). او از آنها انتظار داشت تا او را بشناسند و از کار و خدمت او پشتیبانی کنند. او همچنین می خواست برکت و عطای خود را نیز برای ایشان به ارمغان ببرد.

۱۹: ۲۲ «ارسطوس» در روم. ۱۶: ۲۳ به شخصی بدین نام اشاره شده است. او به عنوان خزانه دار شهر قرنتس معرفی شده است. همین نام بار دیگر در II تیمو. ۴: ۲۰ دیده می شود. امکان دارد اشاره به همین شخص باشد، اما این موضوع مشخص نیست.

□ «خود در آسیا چندی توقف نمود» انجیل با فرّ و جلال منتشر شده بود و بر آن استان تأثیر گذاشته عده زیادی ایمان آورده بودند (ر.ک. I قرن. ۱۶: ۹).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۹: ۲۳-۲۷

۲۳ در این روزها سر و صدای زیادی درباره این طریقه در افسس بلند شد. ۲۴ در آنجا شخصی بود به نام دیمتریوس نقره ساز، که تصاویر نقره‌ای از بتکده آرتیمیس (دیانا) می ساخت و به این وسیله برای صنعتگران شغل خوب و مفیدی فراهم ساخته بود. ۲۵ پس او انجمنی مرکب از آنان و همچنین صاحبان حرفه‌های مشابه تشکیل داد و خطاب به ایشان گفت: «ای آقایان، می دانید که سعادت زندگی ما وابسته به این صنعت است ۲۶ و به طوری که می بینید و می شنوید این پولس با تبلیغات خود نه فقط در شهر ما افسس، بلکه تقریباً در سرتاسر استان آسیا عده فراوانی را به طرف خود کشیده و منحرف ساخته است و می گوید که چیزهای ساخته شده به دست انسان به هیچ وجه خدایان نیستند. ۲۷ پس خطر تنها در این نیست که شغل ما از اعتبار بیفتد بلکه این خطر هم هست که پرستشگاه الهه ما آرتیمیس بی ارزش گردد و طولی نخواهد کشید که عظمت خود الهه که مورد پرستش تمام مردم استان آسیا و سراسر جهان است، از بین برود.»

۱۹: ۲۳ «طریقت» این اولین نامی بود که بر مسیحیت نهاده شد. این نام از دیدگاه عهد عتیق (مثال: مز. ۱: ۱، ۶؛ ۵: ۸؛ ۲۵: ۴، ۸، ۹، ۱۲؛ ۲۷: ۱۱؛ ۳۷: ۵، ۷، ۲۳، ۳۴) و از سبک زندگی ایمانی (ر.ک. ۹: ۲؛ ۱۹: ۹، ۲۳؛ ۲۲: ۴؛ ۲۴: ۱۴، ۲۲؛ و نیز احتمالاً ۱۸: ۲۵-۲۶) سخن می گوید.

۱۹: ۲۴ «تصاویر بتکده ... از نقره» اشاره به تصاویر نقره کوچک (۱) از بتکده آرتیمیس یا (۲) شهاب سنگی که شبیه زنی با پستانهای متعدد بود. باستانشناسان تمثالهای نقره زیادی از این الهه یافته اند اما از خود بتکده (معبد) تصویر یا شمایل پیدا نکرده اند. این بتکده یکی از عجایب هفتگانه جهان بود. پایه آن مساحتی برابر ۱۰۰ پا در ۳۴۰ پا داشت. معبد مزبور دارای ۱۷۷ ستون بود که هر یک ۵۵ پا ارتفاع و ۶ پا ضخامت داشتند. این معبد چهار برابر وسیعتر از پارتئون آتن بود (Pliny, Nat. Hist. 36:95-97, 179).

□ «آرتمیسی» آرتمیسی که افسسیان می پرستیدند را نباید با دیانای معبد تمام خدایان روم یکی دانست. این الهه بیشتر به سیبل (Cybele)، الهه مادر نزدیک است. اعمال مذهبی مربوط به آن دارای نقاط مشترک زیادی با آیینهای باروری کنعان داشت (نگاه کنید به M. R. Vincent, *Word Studies*, vol. 1, p. 271).

□ «شغل خوب» آزار و اذیت آنها اساسی اقتصادی داشت (ر.ک. آیات ۲۵، ۲۷).

□ «صنعتگران» از این واژه یونانی، واژه انگلیسی "technician" (تکنیسین) ریشه گرفته است. در جهان باستان مدیترانه اصناف یا اتحادیه های صنعتگران بسیار قدرتمند و معروف بودند. پولس هم احتمالاً عضو صنف خیمه سازان بوده است.

۱۹: ۲۶-۲۷ این بیانات، بینشی از موفقیت و نفوذ خدمات پولس در آسیا به ما می دهد.

□ «اینهایی که به دستها ساخته می شوند، خدایان نیستند» بازتابی از دیدگاه عهد عتیق از پوچی بت پرستی است (ر.ک. تث. ۴: ۲۸؛ مز. ۱۱۵: ۴-۸؛ ۱۳۵: ۱۵-۱۸؛ اش. ۴۴: ۹-۱۷؛ ارم. ۱۰: ۳-۱۱).

۱۹: ۲۷ متون پرشمار ادبیات یونان قرن اول میلادی به آرتمیسی افسسیان اشاره می نمایند. ظاهراً سی و نه شهر مجزا در جهان مدیترانه به پرستش باروری این الهه مادر می پرداختند.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۹: ۲۸-۴۱

۲۸ وقتی آنها این را شنیدند غضبناک گشتند و فریاد می زدند: «بزرگ است آرتمیسی افسسیان.» ۲۹ شهر به هم ریخت و مردم غایوس و آرسترخُس را که از اهالی مقدونیه و از همراهان پولس بودند دستگیر کردند و کشان کشان به تماشاخانه شهر بردند. ۳۰ پولس می خواست که با جمعیت روبه رو شود، اما ایمانداران نگذاشتند. ۳۱ حتی عده ای از بزرگان استان آسیا که با پولس رفاقت داشتند، نزد او فرستاده و اصرار کردند که در تماشاخانه شهر جان خود را به خطر نیندازد. ۳۲ در این میان دسته ای یک چیز می گفتند و دسته ای چیز دیگر، زیرا آن جماعت بسیار آشفته بود و اغلب آنان اصلاً مقصود جمع شدن خود را نمی دانستند. ۳۳ اما عده ای گمان بردند اسکندر مسئول است، چون یهودیان او را به جلوی جمعیت فرستاده بودند. پس او با اشاره دست از مردم خواست، که ساکت باشند و سعی او این بود که در نزد آن جماعت دفاع نماید. ۳۴ اما وقتی مردم فهمیدند که اسکندر یهودی است، همه با یک صدا به مدّت دو ساعت پشت سرهم فریاد می زدند: «بزرگ است آرتمیسی افسسیان.» ۳۵ سرانجام شهردار مردم را ساکت کرد و گفت: «ای مردان افسس، همه بدون استثناء می دانند که شهر ما افسس، حافظ پرستشگاه آرتمیسی بزرگ و حافظ سنگ مقدّسی است که از آسمان به زمین آمده است. ۳۶ و از آنجا که این حقایق غیر قابل انکار است صلاحتان بر این است که آرام باشید و ندانسته کاری نکنید. ۳۷ این مردانی که شما به عنوان متهّم به اینجا آورده اید، نه به معبد ما دستبرد زده اند و نه نسبت به الهه ما سخن کفرآمیز گفته اند. ۳۸ پس اگر دیمتریوس و همکارانش ادّعایی علیه کسی دارند، در دادگاهها باز است و فرمانداران رومی حاضرند، آنها می توانند در آنجا علیه یکدیگر شکایت نمایند. ۳۹ اگر مسائل دیگری در پیش است، باید در یک جلسه رسمی حل و فصل نمایند. ۴۰ زیرا این خطر در پیش است که به خاطر کار امروز متهّم به اخلاص شویم. درحالی که هیچ دلیلی برای آن وجود ندارد و هیچ جوابی هم برای توجیه این شورش نداریم.» ۴۱ این را گفت و حاضران مجلس را مرخص کرد.

۱۹: ۲۸ این آیه نشانگر ارتباط نزدیک میان مذهب و سنتهای محلی در جهان باستان است. بسیاری از مردم از طرق مرتبط با معابد بت پرستی محلی امرار معاش می کردند.

- «**بزرگ است آرتمیسی افسسیان**» این الهه باروری را اغلب "بزرگ" می خواندند. این احتمالاً شعار پرستشی آن معبد بوده است.
- ۱۹: ۲۹ «**به تماشاخانه ... می کشیدند**» ویرانه های این تماشاخانه بزرگ رومی تا به امروز باقی است. گنجایش تماشاخانه مزبور بین ۲۵ تا ۵۶ هزار نفر بوده است (تخمین ها متفاوت هستند).
- «**متفقاً**» کتاب اعمال اغلب از عبارت "یکدل" برای توصیف اتحاد و شراکت ایمانداران استفاده می کند (ر.ک. ۱: ۱۴؛ ۲: ۱، ۴: ۴۶؛ ۲۴: ۵؛ ۱۲: ۸؛ ۶: ۱۵؛ ۲۵)، ولی در عین حال به این امر که چگونه پلیدی هم می تواند متحد شود اشاره می نماید (ر.ک. ۷: ۵۷؛ ۱۲: ۲۰؛ ۱۸: ۱۲). اتحاد به خودی خود، هدف نیست. مقصود از اتحاد است که امری اساسی و تعیین کننده می باشد.
- «**غایوس**» او اهل دربه بود (ر.ک. ۲۰: ۴). این نام بسیار رواج داشت و لذا شناسایی دقیق افراد با این نام، دشوار است (ر.ک. I قرن. ۱: ۱۴؛ III یوحنا ۳).
- «**ارسترخس**» او از اهالی تسالونیک بود (ر.ک. ۲۰: ۴؛ ۲۷: ۲؛ ۲: ۴؛ ۱۰-۱۱؛ فیل. ۲: ۴).
- ۱۹: ۳۰ «**شاگردان او را نگذاشتند**» پولس مرد باراده ای بود! اما می گذاشت سایر ایمانداران در برخی تصمیمات تأثیرگذار باشند (ر.ک. آیه ۳۱)
- ۱۹: ۳۱ «**برخی از بزرگان استان آسیا**» این عبارت به معنی "صاحب منصبان منتخب محلی" است و در مفاهیم مختلف از آن استفاده می شد. همین عبارت، اصطلاح فنی دیگری برای صاحب منصبان سیاسی محلی است که لوقا با دقت به کار می برد. ظاهراً آنان نیز به مسیح ایمان آورده یا دستکم دوستان پولس بودند. لوقا باز هم نشان می دهد که مسیحیت تهدیدی برای اولیای امور دولت محلی نیستند. آیاتی مانند این موجب شده برخی از مفسران چنین برداشت کنند که کتاب اعمال به منظور قرائت در محاکمه پولس در روم نوشته شده است. کلیسا بارها و بارها درگیر کشمکش با یهودیان شد، اما هرگز ناسازگاری ای با دولت پیدا نکرد!
- ۱۹: ۳۲ «**آن جماعت**» همان واژه یونانی (*ekklesia*) است که برای کلیسا استفاده می شود. در اعمال ۱۹: ۳۲، ۳۹ و ۴۱ به جماعتی از مردم شهر اشاره دارد.
- کلیسای اولیه این واژه را بخاطر کاربرد آن در ترجمه هفتاد برای "جماعت اسرائیل" برگزید.
- «**اکثر نمی دانستند که برای چه جمع شده اند**» یک صحنه غوغا و ازدحام بارز بود.
- ۱۹: ۳۳ «**اسکندر**» یهودیان محلی می خواستند معلوم شود که آنها از این مبشرین دوره گرد جدا هستند، ولی نتیجه معکوس گرفتند. این امر که اسکندر همان فرد مورد اشاره در II تیمو. ۴: ۱۴ باشد مشخص نیست، اما I تیمو. ۱: ۲۰ خواننده را مردد می سازد.
- «**او با اشاره دست**» این شیوه ای فرهنگی برای طلب سکوت و اجازه سخن گفتن بود (ر.ک. ۱۲: ۱۷؛ ۱۳: ۱۶؛ ۱۹: ۳۳؛ ۲۱: ۴۰).
- «**دفاع**» واژه انگلیسی "apology" از همین واژه یونانی گرفته شده است که اشاره به دفاع قانونی دارد. لوقا اغلب از این فعل (ر.ک. لوقا ۱۲: ۱۱؛ ۲۱: ۱۴؛ اعمال ۱۹: ۳۲؛ ۲۴: ۱۰؛ ۲۵: ۸؛ ۲۶: ۱، ۲، ۲۴) و صورت اسمی آن در اعمال ۲۲: ۱ و ۱۶: ۲۵ استفاده می کند.
- ۱۹: ۳۴ (۱) نشانگر ضدسامی گری جهان یونانی-رومی است، یا اینکه (۲) خشم آن جماعت را نسبت به خدمات پولس نشان می دهد.

۱۹: ۳۵ «مستوفی شهر» رئیس شهرداری که به عنوان رابط میان دولت روم در این شهرها با معابد مشهور عمل می کرد. واژه یونانی *grammateus* است که اکثر اوقات در اعمال برای کاتبان یهود مورد استفاده قرار می گیرد (ر.ک. ۴: ۵؛ ۶: ۱۲؛ ۲۳: ۹). در ترجمه هفتاد اشاره به رهبران مصر بود که به مسئولین بالاتر از خود (ر.ک. خرو. ۵: ۶) و نیز به سروران یهود است (ر.ک. تث. ۲۰: ۵).

□ «شهر ... افسس، حافظ پرستشگاه ... است» واژه ای که حافظ ترجمه شده در اصل "فراش معبد" (*neo-kos* نگهبان معبد) است. این عنوان قابل احترام بود هرچند در اصل به پست ترین خدمه معبد مربوط می گشت.

□ «آن صنمی ... که از مشتری نازل شد» ظاهراً شهاب سنگی به شکل یک زن با پستانهای زیاد بود. برای آیین پرستش باروری، این یک بت ایده آل محسوب می شد. در اصل همین "از مشتری (*dios, Zeus*) نازل شد" است که در برخی ترجمه ها آن را "آسمان" برگردانیده اند.

۱۹: ۳۷ شورش مزبور هیچ اساس درستی نداشت بنابراین مشمول تنبیه رومی قرار گرفت (ر.ک. آیه ۴۰).

۱۹: ۳۸-۳۹ «ادعایی بر کسی دارند» می توانند از مجرای مناسب که برای طرح شکایت تدارک دیده شده است، پیش بروند. این دو آیه دو جمله شرطی نوع اول هستند.

۱۹: ۳۸ «داوران» در آن دوران دو نوع استان رومی وجود داشت، آنهایی که توسط امپراتور اداره می شدند و آنهایی که اداره شان به مجلس سنا سپرده شده بود (*Acts of Settlement*، ۲۷ ق.م.). استانهای رومی توسط مراجع زیر اداره می شدند:

۱. استانهای سناتوری توسط فرمانداران و کنسولها
۲. استانهای سلطنتی توسط نماینده تام الاختیار کشوری
۳. سایر استانهایی زیردستتر و مشکل دار، توسط صاحب منصب با مسئولیت محدود (*praefectus*)
۴. شهرهای آزاد توسط رهبران محلی، اما تحت نظر رهنمودهای روم
۵. ایالتهای زیردست مانند فلسطین توسط رهبران محلی، اما با محدودیتها و ممنوعیتها

افسس یک استان سناتوری بود و به همین جهت یک "مستوفی/فرماندار" داشت. به این "مستوفی ها" سه بار اشاره شده است:

۱. سرژیوس پولس، قبرس، اعمال ۷-۸، ۱۲
۲. گالیون، اخائیه، اعمال ۱۸: ۱۲
۳. بی نام، افسس، اعمال ۱۹: ۳۸

۱۹: ۳۹-۴۰ «جلسه رسمی» این واژه *ekklesia* است که توسط ایالات یونانی به معنی شورای شهر به کار می رفت. همین واژه برای جمع کلیسایی به کار می رفت زیرا در ترجمه هفتاد برگردان واژه "جماعت" (*Qahal*) عبری بود.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.



۱. آیا باید آیات ۲-۶ را توجیه مستدل برای  
 (أ) تعمیم دوباره برخی از ایمانداران بر شمرده  
 (ب) دست نهادن برای دریافت برکت متعاقب سخن گفتن به زبانها دانست؟
۲. نبوت کردن را تعریف کنید (آیه ۶)
۳. چرا اعمال برخورد پولس با آپولس و این دوازده شاگرد یحیی تعمیم دهنده را به ثبت می رساند؟
۴. آیا آیات ۱۱-۱۲ برای کلیسا در تمام اعصار و فرهنگها یک معیار است؟ دلیل پاسخ مثبت/منفی شما چیست؟
۵. چرا جن گیری و اخراج ارواح پلید در فهرستهای عطیای روحانی نیامده است؟
۶. چرا به ایمانداران اطلاعات کتاب مقدسی بیشتری در باره موضوع بالا داده نشده است؟
۷. هدف از این رویدادهای معجزه آسا چه بود؟ (ر.ک. آیه ۱۷)

**کارهای رسولان فصل ۲۰**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
سفر پولس به مقدونیه و یونان	سفر به مقدونیه و اخائیه	آخرین دیدار از یونان	سفر به یونان	سفر پولس به مقدونیه و یونان
۶-۱:۲۰	۶-۱:۲۰	۶-۱:۲۰	۶-۱:۲۰	۶-۱:۲۰
آخرین بازدید پولس از تروآس	آخرین دیدار پولس از تروآس	بازگشت پولس به فلسطین (۷:۲۰-۲۱:۱۴)	خدمت در تروآس	آخرین بازدید پولس از تروآس
۱۲-۷:۲۰	۱۲-۷:۲۰	۱۲-۷:۲۰	۱۲-۷:۲۰	۱۲-۷:۲۰
سفر دریایی از تروآس به میلپتس	از تروآس به میلپتس	از تروآس به میلپتس	از تروآس به میلپتس	سفر دریایی از تروآس به میلپتس
۱۶-۱۳:۲۰	۱۶-۱۳:۲۰	۱۶-۱۳:۲۰	۱۶-۱۳:۲۰	۱۶-۱۳:۲۰
سخن پولس با رهبران کلیسای افسس	سخنرانی خداحافظی پولس با رهبران کلیسای افسس	سخن پولس با رهبران کلیسای افسس	پند و تشویق رهبران کلیسای افسس	سخن پولس با رهبران کلیسای افسس
۲۴-۱۷:۲۰	۲۴-۱۷:۲۰	۲۴-۱۷:۲۰ (الف)	۳۸-۱۷:۲۰	۲۴-۱۷:۲۰
۲۱:۲۰ (ب)		۲۴-۱۸:۲۰ (الف)		
۲۴-۲۲:۲۰		۳۵-۲۵:۲۰		
۲۷-۲۵:۲۰	۳۱-۲۵:۲۰			۳۵-۲۵:۲۰
۲۸:۲۰				
۳۲-۲۹:۲۰				
	۳۵-۳۲:۲۰			
۳۵-۳۳:۲۰				
۳۸-۳۶:۲۰	۳۸-۳۵:۲۰	۳۸-۳۶:۲۰		۳۸-۳۶:۲۰

قراوت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

### بینشهای مضمونی آیات ۱-۶

- أ) این قسمت، خلاصه‌ای بسیار کوتاه و تا حدودی گیج‌کننده از خدمات پولس در مقدونیه و یونان در سومین سفر بشارتی اش است.
- ب) بهترین روش برای درک خدمات پولس در این ناحیه، مراجعه به رسالات وی خصوصاً I و II قرن‌تیان است.
- ج) لوقا می‌کوشد تا شرح جزئیات سفر پولس را با مشخصات زمانی و نام مکانها ارائه دهد، ولی اجمال زیاد موجب سردرگمی خواننده می‌شود.

### مطالعه عبارات و واژگان

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۰: ۱-۶

۱ همین که سر و صداها خوابید، پولس به دنبال شاگردان فرستاد و پس از تشویق آنان خداحافظی کرد و عازم مقدونیه شد. ۲ او در آن نواحی می‌گشت و همه‌جا با سخنان خود به شاگردان دلگرمی می‌داد و به این ترتیب به یونان رسید. ۳ پس از سه ماه اقامت در آنجا، هنگامی که خواست با کشتی به سوریه برود، یهودیان علیه او توطئه چیدند. بنابراین او تصمیم گرفت از راه مقدونیه بازگردد. ۴ همراهان او عبارت بودند از سوپاترس بیریه‌ای و آرستَرخُس و سکندس تسالونیک‌ی و غایوس دربه‌ای و تیموتاؤس و تیخیکاس و تروفیمس که از اهالی استان آسیا بودند. ۵ اینها زودتر از ما رفتند و در شهر تروآس در انتظار ما ماندند. ۶ خود ما پس از روزهای عید فطیر از فیلیپی سوار کشتی شدیم و پنج روز بعد در بندر تروآس به آنان رسیدیم و یک هفته در آنجا ماندیم.

۲۰: ۱ «بعد از تمام شدن این هنگامه» عبارتی مبهم است. منظور این نیست که بخاطر شورش‌ی که دیمیتریوس آغاز کرد، پولس افسس را بی‌درنگ ترک نمود. همچنانکه سخنان دیمیتریوس به روشنی نشان می‌دهد (ر.ک. ۱۹: ۲۶)، پولس آنجا را بخاطر شورش ترک نکرد بلکه به دلیل آنکه کار بشارتی اش به پایان رسیده بود.

□ «پولس به دنبال شاگردان فرستاد و پس از تشویق آنان» برای پولس هم بشارت دادن اهمیت داشت و هم شاگردسازی (ر.ک. آیه ۲؛ متی ۲۸: ۱۸-۲۰). هرچند هر فرد ابتدا به تنهایی انجیل را می‌پذیرد، اما سپس عضو خانواده‌ای می‌شود که نسبت به آن تعهد خدمت دارد (ر.ک. I قرن. ۱۲: ۷). هدف ایمانداران محلی، تشکیل یک کلیسا است!

۲۰: ۲ «در آن نواحی می‌گشت» احتمالاً اشاره به (۱) الیریکوم (ر.ک. روم. ۱۵: ۱۹) یا (۲) شهرهای مقدونی یعنی فیلیپی، تسالونیک‌ی و بیریه، است.

□ «به یونان رسید» یونان (*Hellas*) یعنی استان رومی اخائیه (ر.ک. ۱۹: ۲۱). عمدتاً اشاره به شهر قرنتس است. پولس خدمات گسترده‌ای در این منطقه انجام داده بود. در طول همین مدت، رساله به رومیان را نوشت. او نگران کلیسا در قرنتس بود، چنانکه I قرن. ۱۶: ۵-۹ و II قرن. ۲: ۱۲-۱۳ به روشنی نشان می‌دهد.

۲۰:۳ این آیه مربوط به نقشه‌های پولس برای سفر است. او اغلب بخاطر شرایط ناچار به تغییر آنها می‌شد. در این برهه از زمان به نظرش غیرعقلانه بود که به کشتی زیارتی که به سمت اورشلیم حرکت می‌کرد سوار شود، پس از راه زمینی به مسافرتش ادامه داد.

□ «هنگامی که خواست با کشتی ... برود، یهودیان علیه او توطئه چیدند» احتمال دارد نقشه او سفر با کشتی زیارتی بود که در همه بنادر سر راه زائران یهودی را برای اعیاد به اورشلیم می‌برد.

□ «سوپاترس، ارسترخس، سکندس، غایوس، تیموتائوس، تیخیکاس، تروفیمس» اینان احتمالاً کسانی از کلیساهای مختلف بودند که برای حمل هدیه نقدی خاص پولس، اعزام شدند که وی را تا کلیسای اورشلیم همراهی کنند (ر.ک. I قرن. ۱۶: ۱-۳؛ II قرن. ۸-۹). امکان دارد سوپاترس همان سوسیپاترس روم. ۱۶: ۲۱ باشد. به ارسترخس در اعمال ۱۹: ۲۹؛ ۲۷: ۲ و کول. ۴: ۱۰ اشاره شده است. به تیخیکاس در افس. ۶: ۲۱-۲۲؛ کول. ۴: ۷-۸؛ II تیمو. ۴: ۱۲ و تیطس ۳: ۱۲ اشاره شده است. متن زیر از تفسیر I قرن‌تیان که من نوشته ام برگرفته شده است:

«جمع آوری» *Logia* واژه ای است که در پاپیروسهای یونانی در مصر به عنوان هدیه نقدی برای منظوری مذهبی به کار رفته، و ارتباطی به مالیات معمول نداشته است (ر.ک. Moulton, Milligan, *The Vocabulary of the Greek Testament*, p. 377). معلوم نیست که در این متن، اشاره به هدیه معمول است، یا منظور هدیه فوق العاده ای برای کلیسا می‌باشد. پولس توجه به فقرا در یهودیه را از صحبتی که با یعقوب، پطرس، یوحنا و برنابا در غلا. ۲: ۱۰؛ ۶: ۱۰ داشت، آغاز کرد. جمع آوری این هدیه مخصوص از کلیسای اطاکیه شروع شد که پولس و برنابا در آن مشغول خدمت بودند، اعمال ۱۱: ۲۷-۳۰. به این هدیه در چند کتاب عهد جدید اشاره شده است (ر.ک. روم. ۱۵: ۲۶؛ II قرن. ۸-۹؛ I قرن. ۱۶: ۱). این کار به منزله تلاشی برای صحه گذاشتن بر روابط میان کلیسای مادر عبرانی و کلیساهای غیریهودی بود.

پولس این شراکت یکباره را به نامهای مختلف خوانده است:

۱. صدقه، اعمال ۲۴: ۱۷

۲. ذکات/اعانه، روم. ۱۵: ۲۶، ۲۷؛ II قرن. ۸: ۴؛ ۹: ۱۳

۳. ادای دین، روم. ۱۵: ۲۷

۴. خدمت، روم. ۱۵: ۲۷؛ II قرن. ۹: ۱۲"

از II قرن. ۸: ۶، ۱۶ چنین به نظر می‌رسد که شاید تیطس نیز یکی از نمایندگان کلیسا بوده است. بسیار عجیب است که لوقا هرگز به نام تیطس در کتاب اعمال اشاره نمی‌کند. فرضیه ارائه شده آن است که تیطس برادر لوقا بوده و فروتنی و شکسته نفسی مانع از آوردن اسم وی شده است. همین امر می‌تواند توضیحی برای برادر بی نام در II قرن‌تیان ۸: ۱۶ باشد که بسیار می‌پندارند لوقا بوده است (سندی از اریجن در Eusebius' *His. Eccl.* 6.25.6; A.T. Robertson's, *Word Pictures in the New Testament*, p. 245).

F.F. Bruce در کتاب *Paul: Apostle of the Heart Set Free*، توضیحی درباره برادر بودن تیطس و لوقا می‌دهد:

"تعبیری درباره سکوت لوقا درمورد تیطس که نایب مورد اعتماد پولس بود، این است که او برادر لوقا بوده؛ ر.ک. W. M. Ramsay, *St. Paul the Traveller and the Roman Citizen* (London, 1895), p. 390; *Luke the Physician and Other Studies* (London, 1908), pp. 17 f. Y. A. Souter, 'A Suggested Relationship between Titus and "The Relationship between Titus and Luke"', *ibid.*, pp. 18 (1906-7), p. 285 و نیز Luke', *Expository Times* 18 (1906-7), p. 335f. ولی اگر این رابطه محفوظ باشد، آنگاه امکان اینکه لوقا "برادر" مورد نظر در II قرن‌تیان ۸: ۱۸ به بعد باشد (ر.ک. ص. ۳۲۰) حذف می‌گردد زیرا هدف پولس از فرستادن آن "برادر" همراه تیطس این بود که وی تضمینی مستقل در دقت عمل رسانیدن اعانات باشد و در

صورتی که منتقدان به رابطه برادری آن دو پی می بردند، این هدف باطل می گردید. هیچگونه محاسبه بهتری برای پروردن تردیدهای کنونی وجود ندارد. " (صفحه ۳۳۹، پانوش شماره ۵).

۲۰: ۵ «ما» لوقا دیگر بار شاهد عینی وقایع است، پس از وقفه ای که از توقفش در فیلیپی بوجود آمد (ر.ک. اعمال ۱۶). بخشهایی که ضمیر "ما" در آنها به کار رفته عبارتند از: ۱۶: ۱۰-۱۷؛ ۲۰: ۵-۱۵؛ ۲۱: ۱-۱۸ و ۲۷: ۱-۲۸: اب.

۲۰: ۶ «روزهای عید فطیر» این عید هفت روزه در میانه ماه آوریل همراه بود با عید یک روزه فصیح (ر.ک. خرو. ۱۳). زمینه یهودی پولس بر شیوه نگرش وی به تقویم، تأثیرگذار بود. ما چیزی درباره یهودیان یا کنیسه فیلیپی نمی دانیم، به همین ترتیب پولس نیز به منظور به ثبت رسانیدن چیزی نبود که این عید را نگاه می داشت (ر.ک. I قرن. ۹: ۱۹-۲۳). احتمالاً به این موضوع فقط به دلیل نقشه پولس برای رسیدن به اورشلیم در عید پنتیکاست، اشاره شده است (ر.ک. ۲۰: ۱۶).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۰: ۷-۱۲

۷ در شب یکشنبه وقتی ما برای پاره کردن و خوردن نان دور هم جمع شدیم، پولس به علت آنکه روز بعد عازم سفر بود، به تفصیل برای آنان صحبت کرد و تا نصف شب به سخنان خود ادامه داد. ۸ در بالا خانه ای که ما در آن جمع شده بودیم، چراغهای زیادی روشن بود. ۹ جوانی به نام افیخس جلوی پنجره نشسته بود و همین طور که پولس صحبت می کرد رفته رفته خواب گرفت، بالاخره خواب کاملاً بر او غالب شد و از طبقه سوم به زیر افتاد و وقتی او را برداشتند مرده بود. ۱۰ پولس پایین رفت و خود را روی او انداخت و او را در آغوش گرفت و به آنان گفت: «ناراحت نباشید، او هنوز زنده است.» ۱۱ پس پولس دوباره بالا رفت و نان را پاره کرد و خورد. و پس از گفت و گوهای بسیار که تا سپیده صبح به طول انجامید پولس شهر را ترک کرد. ۱۲ و آنان آن جوان را زنده به خانه بردند و خاطر همه از این بابت کاملاً راحت شد.

۲۰: ۷ «در اول هفته چون شاگردان به جهت شکستن نان جمع شدند» نشانگر روند جلسات کلیسای اولیه در روزهای یکشنبه است که همراه با شراکت گروهی در غذا خوردن (آیه ۱۱) و شام یادبود ("شکستن نان" اصطلاح عهد جدید برای شام خداوند) است. عیسی شخصاً سابقه عبادت یکشنبه را در ظهورهای پس از قیامش برقرار کرد (ر.ک. یوحنا ۲۰: ۱۹، ۲۶؛ ۲۱: ۱؛ لوقا ۲۴: ۳۶؛ I قرن. ۱۶: ۲). سری کتابهای کمک ترجمه (*The Acts of the Apostles*) نوشته نیومن و نیدا، صفحه ۳۸۴ بیان می دارد که لوقا به زمانبندی یهودیان اشاره می کند و زمان مورد نظر، شنبه شب بوده است (ر.ک. ترجمه TEV)، اما ترجمه های دیگر که می گویند "روز اول هفته" دقیقتر هستند. این تنها مورد استفاده این عبارت در کتاب اعمال است. پولس فقط در I قرن. ۱۶: ۲ از عبارت "روز اول هفته" استفاده می کند که تلویحاً به معنی روز یکشنبه است.

□ «سخن او ... طول کشید» پولس در نظر داشت که تا جای ممکن به ایشان تعلیم دهد و تشویقشان کند (ر.ک. آیات ۲، ۳۱).

□ «تا نصفه شب» یهودیان روز را بخاطر پید. ۱، از غروب آفتاب شروع می کردند در حالیکه روز رومیان از نصفه شب آغاز می شد.

۲۰: ۸ «چراغهای زیادی روشن بود» جو موجود در آن محیط حتماً گرم، شلوغ، و حتی دودآلود بوده است. به نظر می رسد که لوقا می کوشد تا به خواب رفتن افیخس را توجیه کند.

۲۰: ۹ «جوانی» واژه به کار رفته در اینجا به مردی در اووان زندگی اشاره دارد. واژه متفاوتی در آیه ۱۲ استفاده شده که به یک بچه اشاره می کند. افیخس یک جوان بالغ بود.

- «**افتیخس ... خواب سنگین او را در ربود و چون پولس کلام را طول می داد**» این فعل وصفی حال مجهول، همزمان نشانگر گواه کتاب مقدسی بر موعظه های طولانی و شنوندگان خواب آلود است!
- «**او را مرده برداشتند**» ظاهراً او مرده بود! نگاه کنید به آیه ۱۲.

۲۰: ۱۰ «**خود را روی او انداخت و او را در آغوش گرفت**» رفتار پولس بسیار شبیه ایلیا و الیشع در عهد عتیق است که مرده را به همین شیوه زنده کردند (ر.ک. I پاد ۱۷؛ ۲۱؛ II پاد. ۴: ۳۴). او به حاضران می گفت، ناراحت نباشند اما احساس می کنم که یقیناً پولس از لحاظ منطقی خودش بواسطه این واقعه مضطرب شده بود!

- «**ناراحت نباشید**» فعل امری حال با پیشوند منفی است که معمولاً به معنی توقف در عملی است که در حال انجام می باشد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۰: ۱۳-۱۶

۱۳ ما قبل از دیگران به طرف کشتی رفتیم، و به طوری که، پولس قبلاً قرار گذاشته بود به سوی آسس حرکت کردیم تا در آنجا پولس را سوار کنیم. زیرا او قصد داشت که از راه خشکی به آنجا برود. ۱۴ وقتی پولس در آسس به ما ملحق شد، او را سوار کشتی نمودیم و به بندر میلیتس آمدم. ۱۵ روز بعد از دریا به مقابل جزیره خیوس رسیدیم و در روز دوم از آنجا به جزیره ساموس رفتیم. فردای آن روز وارد بندر میلیتس شدیم، ۱۶ زیرا پولس تصمیم گرفته بود، که از کنار افسس عبور نماید تا از اتلاف وقت در استان آسیا جلوگیری شود زیرا او اشتیاق بسیار داشت که در صورت امکان قبل از روز پنتیکاست در اورشلیم باشد.

۲۰: ۱۳ «**کشتی**» بخاطر توطئه ای که علیه جان پولس کشیده شده بود، او به ناچار برنامه سفر دریایی اش را تغییر داد (ر.ک. آیه ۳). احتمالاً پولس می خواست از سایر مسافران کشتی اطلاع حاصل کند. او زمینی از راه تروآس به آسوس رفت، و از آنجا کشتی او را سوار کرد. تمامی کسانی که در آیه ۴ مورد اشاره قرار گرفتند، از قبل در این کشتی بودند.

۲۰: ۱۴ «**به بندر میلیتس آمدم**» شهر اصلی جزیره لسوس. این بزرگترین جزیره از بندر آسیای صغیر (غرب ترکیه) به بعد محسوب می گردید.

۲۰: ۱۵-۱۶ اطلاعات لوقا درباره کشتیرانی بسیار شگفت انگیز است. او از اصطلاحات فنی کشتیرانی زیادی در این رویدادها (بخشهای همراه با ضمیر "ما") در کتاب اعمال استفاده می کند. چند بخش با ضمیر "ما" در طول سفرهای دریایی بوده اند. او آشکارا مردی تحصیل کرده، با سابقه زیاد مسافرت دریایی بود.

۲۰: ۱۵ «**خیوس**» جزیره دیگری در دریای اژه، که جزیره ای دراز و باریک در نزدیکی بندر بود.

- «**ساموس**» جزیره دیگری در آنسوی ساحل غربی آسیای صغیر، در نزدیکی افسس.

□ «**میلیتس**» این جزیره روزگاری یک شهر بندری بزرگ و مهم در جنوب ساحل افسس در دهانه رودخانه میاندر بود. پولس در اینجا پیاده شد و کسانی را به دنبال رهبران کلیسای افسس فرستاد که حدوداً تا آنجا ۳۰ مایل فاصله داشت.

۲۰: ۱۶ «**پولس تصمیم گرفته بود، که از کنار افسس عبور نماید**» گویی تلویحاً بدین معناست که پولس نظارتی ارادی بر آن کشتی داشته است. اگر چنین بوده، پس یا (۱) آنها یک کشتی را برای خود اجیر کرده بودند یا (۲) آنها کشتی ای گرفته بودند که در افسس توقف نمی کرد.

□ «پنتیکاست» عید یهود، که پنجاه روز پس از فصح جشن می گرفتند. پولس بخاطر آیه ۳ به عید فصح نرسید.

□ «اگر» جمله شرطی از نوع چهارم (*ei* همراه با صیغه آرزو)، که آرزویی را بیان می دارد.

### بینشهایی از روی مضمون اعمال ۱۶:۲۱-۱۷:۲۰

- أ) عنصری از دفاع شخصی در این متن وجود دارد، گویی کسانی همچنان به شخص پولس حمله می کردند (ر.ک. آیه ۳۳).
- ب) این تنها نمونه در کتاب اعمال است که در آن، پولس برای ایمانداران موعظه می کند. در اعمال ۱۳:۶۶ به بعد مخاطبین او یهودیان هستند، در ۱۴:۱۵ به بعد و ۱۷:۲۲ به بعد خطابش به یونانیان ملحد یا بت پرست است.
- ج) این پیام، چنانکه انتظار می رود، بسیار به رسالات پولس شباهت دارد. واژگان بی همتای پولس به سهولت در این خطابه خداحافظی منعکس می گردد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۷:۲۰-۱۸الف

۱۷ پولس از میلیتس پیامی به افسس فرستاد و رهبران کلیسا را فراخواند. ۱۸ وقتی آنها رسیدند به آنان گفت:

۱۷:۲۰ «میلیتس» بندری واقع در حدود سی مایلی جنوب افسس.

□ «رهبران/کشیشان» در اصل مشایخ از واژه یونانی *presbuteros* است که واژگان "Presbyter" یا "Presbyterian" در زبان انگلیسی از آن ریشه می گیرد. بخاطر اعمال ۱۷:۲۰، ۲۸، تیتس ۱:۵، ۷، واژگان "مشایخ" (*presbuteroi*) و "اسقفان" (*episcopoi*) با واژه "شبان" مترادف تلقی می شوند. واژه "شیخ" دارای زمینه یهودی (رهبران قبایل یهود) و "اسقف" یا "ناظر" دارای زمینه یونانی رتبه شهری سیاسی/اداری هستند.

در کتاب عهد جدید فقط به دو گروه از رهبران کلیسای محلی اشاره شده است یعنی به شبانان و شماسان (ر.ک. فیل. ۱:۱). در I تیمو. ۳ شاید بتوان سه گروه را یافت که شامل نقش بیوه زنان و شماسه‌ها (شماسان زن) نیز می گردد (ر.ک. روم. ۱۶:۱). توجه داشته باشید که این واژه به صورت جمع آمده است و لذا احتمالاً به رهبران کلیساهای خانگی اشاره دارد (ر.ک. ۱۱:۳۰؛ ۱۴:۲۳؛ ۱۵:۲، ۴، ۶، ۲۲-۲۳؛ ۱۶:۴؛ ۲۱:۱۸؛ I تیمو. ۵:۱۷، ۱۹؛ تیتس ۱:۵؛ یعقوب ۵:۱۴؛ I پطرس. ۵:۱).

□ «کلیسا» واژه یونانی (*ekklesia*) که برای شورای شهر به کار می رفت (ر.ک. ۱۹:۳۹). اما دلیل استفاده از آن برگردان واژه عبری (*qahal*) در ترجمه هفتاد برای "جماعت اسرائیل" بود. کلیسای اولیه این نام را برای توصیف بدن جدید ایمانداران برگزید زیرا ایشان را در رده قوم خدا در عهد عتیق قرار می داد. کلیسای عهد جدید خود را به عنوان تحقق واقعی وعده عهد عتیق می نگریست زیرا عیسی ناصری، ماشیح حقیقی بود.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۰:۲۰-۱۸ب-۲۴

«شما می دانید که از اولین روزی که من به استان آسیا پا گذاشتم، در تمام اوقاتی که با شما بودم چگونه رفتار نمودم. ۱۹ یعنی با کمال تواضع و با اشکها و زحماتی که به وسیله دسیسه‌های یهودیان برای من پیش می آمد، مانند یک غلام خداوند را خدمت کردم. ۲۰ شما می دانید که من برای خیر و صلاح شما از هیچ چیز مضایقه نکردم. من پیام را به شما رساندم و شما را پیش مردم، در خانه‌هایتان تعلیم دادم. ۲۱ من به یهودیان و یونانیان اخطار کردم که آنها باید از گناهان خود توبه کنند و به خدا روی آورند و به خداوند ما عیسی ایمان داشته باشند. ۲۲ اکنون در بندگی روح القدس

در راه اورشلیم هستیم و از آنچه به سرم خواهد آمد چیزی نمی‌دانم. ۲۳ جز اینکه روح القدس در هر شهر به طور آشکار مرا مطلع می‌سازد، که حبس‌ها و سختی‌ها در انتظار من است. ۲۴ اما ادامه زندگی برای من آن قدر ارزش ندارد که نگران جان خود باشم. تنها آرزوی من این است که مأموریت خود را انجام دهم و خدمتی را که عیسی خداوند به من سپرده بود، یعنی اعلام مژده فیض خدا به پایان برسانم.

۲۰: ۱۸ «شما می‌دانید ... در تمام اوقات ... با شما بودم» رفتار و گفتار پولس موید ارتباط او با مسیح است. این واقعیت که پولس با قدرت در آیات ۱۸-۱۹ بیان می‌کند، نشانگر حضور منتقدان است.

۲۰: ۱۹ «با کمال تواضع ... خداوند را خدمت کردم» این عبارت فهرستی از خصایص مسیحی را به دنبال دارد که بوجود آورنده اتحاد است (ر.ک. افس. ۴: ۲-۳). "تواضع" یک خصیصه مسیحی بی‌مانند است که در فهرست خصوصیات اخلاقی یونان (Stoics) جایی نداشت. هم موسی (ر.ک. اعد. ۱۲: ۳) و هم عیسی (ر.ک. متی ۱۱: ۲۹) با این عبارت توصیف شده‌اند. پولس چند بار از واژه تواضع استفاده می‌کند (ر.ک. افس. ۴: ۲؛ فیل. ۲: ۳؛ کول. ۲: ۱۸، ۲۳؛ ۳: ۱۲).

□ «با اشکها و زحمات» پولس فهرستی از مسائل جسمی و احساسی که با آن به عنوان رسول امته با آن مواجه بود در II قرن. ۴: ۷-۱۲؛ ۶: ۳-۱۰؛ ۱۱: ۲۴-۲۸ ارائه می‌دهد. برای خدمت کردن باید بهایی پرداخت کرد!

□ «به وسیله دسیسه‌های یهودیان» چند نمونه از این دسیسه‌ها در کتاب اعمال آمده است (ر.ک. ۹: ۲۴؛ ۱۳: ۴۵، ۵۰؛ ۱۴: ۲، ۴، ۵، ۱۹؛ ۱۷: ۵، ۱۳؛ ۱۸: ۱۲؛ ۲۰: ۳؛ ۲۱: ۲۷؛ ۲۳: ۱۲، ۲۷، ۳۰؛ ۲۴: ۵-۹، ۱۸-۱۹).

۲۰: ۲۰ «دریغ نداشتم» این یک اصطلاح دریانوردی بود (ر.ک. ۲۰: ۲۷، یک وجه ماضی وصفی میانی نامعین) برای تصادم بادبانها هنگامی که کشتی به دماغه بندر نزدیک می‌شد.

۲۰: ۲۱ «به یهودیان و یونانیان ... شهادت می‌دادم» برای هر دو گروه یک پیام وجود دارد. اغلب اوقات طرز ارائه پیام متفاوت است ولی مفهوم آن یکی است، همچنانکه موعظه‌های کتاب اعمال (*kerygma*) نشان می‌دهد. پولس ارائه اول انجیل به یهودیان را سرلوحه خدماتش قرار داده بود (ر.ک. روم. ۱: ۱۶؛ I قرن. ۱: ۱۸، ۲۴).

□ «توبه به سوی خدا و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح» توبه تغییر فکر (واژه یونانی)، و به دنبال آن تغییر رفتار (واژه عبری) است. توبه یکی از دستکم دو مقتضیات نجات است. اقتضای دوم، ایمان به خداوند ما عیسی مسیح است (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹). یکی منفی (رویگرداندن از نفس و گناه) و یکی مثبت (رویگرداندن به سوی عیسی و کفاره او بجای ما) می‌باشد. هر دو ضروری هستند. به عقیده من در کتاب عهد جدید ضروریات دیگری نیز وجود دارد. یقیناً توبه و ایمان اولیه و سپس توبه و ایمان مداوم جای خود را دارند، اما اطاعت و پایداری نیز جزء ضروریات نجات هستند.

اختلافاتی در متون یونانی در مورد "خداوند ما عیسی مسیح" وجود دارد. در نسخه Vaticanus B عنوان "مسیح" حذف شده است، ولی در نسخه‌های P<sup>74</sup>، آلف، A و C حضور دارد. مانند اکثر اختلافات دیگر، این تفاوتها مفهوم متن را عوض نمی‌کنند. متن یونانی UBS<sup>4</sup> بر آن است که متن کوتاهتر "تقریباً مسلم" است زیرا دلیلی وجود ندارد که کاتبان چیزی را حذف کنند، اما شواهدی وجود دارد که آنان برای قرار دادن عبارت کامل، عبارتها را گسترده تر می‌نوشتند.

۲۰: ۲۰ «چیزی را از آنچه برای شما مفید باشد» پولس هر چیزی را در ارتباط با انجیل به آنها آموخت: اینکه چگونه آن را بپذیرند، چگونه زندگی کنند، چگونه از آن دفاع کنند، چگونه در آن ترقی کنند.



□ «خانه به خانه شما را اخبار و تعلیم می نمودند» احتمالاً به معنی آن است که پولس نه تنها در جلسات گروهی عمومی بزرگ (نه جلسات سرّی)، بلکه در خانه های افراد (یا احتمالاً کلیساهای خانگی) نیز تعلیم می داد. نکته اینجاست که آنها کاملاً می دانستند پولس چگونه در میانشان عمل کرده و چه گفته است.

پولس حتماً توسط برخی از گروههای محلی مورد حمله قرار می گرفت. این روش او برای دفع انتقاد بود.

۲۲:۲۰	
NASV	«در روح بسته شده»
NKJV	«در روح بسته شده»
NRSV	«اسیر روح القدس»
TEV	«در بندگی روح القدس»
NJB	«در اسارت روح القدس»

یک وجه وصفی مجهول کامل است. این نشانگر حس هدایت الهی پولس می باشد (ر.ک. ۱۸: ۲۱؛ ۱۹: ۲۱؛ ۲۰: ۲۳؛ I قرن. ۴: ۱۹؛ ۷: ۴۰؛ ۱۶: ۷). به یادداشت ۱۹: ۲۱ مراجعه کنید. به روح القدس در آیه ۲۳ اشاره شده است.

۲۳: ۲۰ «جز اینکه روح القدس در هر شهر شهادت داده، می گوید که بندها و زحمات برایم مهیا است» احتمالاً انبیای متفاوت را روح القدس بر آن داشته بود که به پولس هشدار دهند (ر.ک. اعمال ۹: ۱۶؛ ۲۱: ۴، ۱۰-۱۲). اغلب اوقات خدا آنچه را که به نظر منفی می آید، به روشهای هدفمند و مثبت سر راه ما می فرستد و به کار می برد (ر.ک. اش. ۵۵: ۸-۱۱). پولس تا جایی که باور داشت سختیایی که با آن مواجه می شود، در خدمت اهداف خداست، از این دشواریهای شخصی واهمه ای نداشت.

۲۴: ۲۰ «جان خود را عزیز نمی دارم» این طرز فکر بر خلاف طرز تفکر خودمحمور بشر سقوط کرده است. مسیحیان جهان بینی متفاوتی دارند. آنها نسبت به نفس خود (توبه) و نسبت به گناه مرده اند و نسبت به خدا زنده می باشند (ر.ک. روم. II قرن. ۵: ۱۴-۱۵؛ غلا. ۲: ۲۰؛ I یوحنا ۳: ۱۶). مرگ نسبت به ظلم و بیداد نفس، آزادی خدمت فارغ از خویشتن را به ارمغان می آورد.

□ «دور خود را ... به انجام رسانم» یک اصطلاح ورزشی برای دویدن در میدان مسابقه است. پولس عاشق استفاده کردن از تشبیهات ورزشی است. او اغلب از زندگی خود به عنوان یک واقعه ورزشی سخن می گوید (ر.ک. I قرن. ۹: ۲۴-۲۷؛ غلا. ۲: ۵؛ ۷: ۵؛ فیل. ۲: ۱۶؛ ۳: ۱۴؛ II تیمو. ۲: ۵؛ ۷: ۴). پولس معتقد بود که خدا یک اراده، نقشه و هدف مشخص برای زندگی او دارد.

□ «خدمتی را که عیسی خداوند به من سپرده بود» پولس در دمشق به خدمت فراخوانده شد (ر.ک. اعمال ۹). همه ایمانداران خادمان فراخوانده شده و عطا یافته هستند (ر.ک. افس. ۴: ۱۱-۱۲). دریافت این موضوع و اینگونه جهان بینی شیوه زندگی ما را عوض می کند (ر.ک. II قرن. ۵: ۱۸-۲۰). ما مردان و زنانی در حال خدمت و مأموریت هستیم! ما نجات یافته ایم تا خدمت کنیم. همه ما خدمتگزاران انجیل و عطایی که داریم، هستیم!

□ «بشارت فیض خدا» تنها امید بشریت سقوط کرده، رحمت پر فیض و تغییرناپذیر خداست. خدای تثلیث هر آنچه را که لازمه یک زندگی وافر و غنی است برای ما فراهم آورده است. امید ما به موجودیت او و عملکرد اوست.

شگفت انگیز است که لوقا از "انجیل" به صورت اسم بسیار کم استفاده می کند (در لوقا اصلاً و فقط دو بار در اعمال ۱۵: ۷ و ۲۴: ۲۴)، اما حالت فعلی آن در هر دو کتابش بسیار بسیار زیاد به کار می رود.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۰: ۲۵-۳۵

۲۵ «و اکنون خاطر جمع هستم که هیچ‌یک از شما که برای اعلام پادشاهی خدا با شما رفت و آمد داشته‌ام، دیگر روی مرا نخواهد دید. ۲۶ بنابراین امروز به شما می‌گویم: اگر کسی از شما هلاک شود من مسئول نیستم، ۲۷ زیرا برای اعلام جمیع مقاصد الهی به شما از هیچ کاری کوتاهی نکرده‌ام. ۲۸ مواظب خود و مواظب آن گله‌ای باشید که روح‌القدس شما را به نظارت آن برگزیده است و چون شبانان، کلیسایی را که خداوند با خون خود خریده است پرورش دهید. ۲۹ من می‌دانم که بعد از رفتن من گرگهای درزده به میان شما خواهند آمد، که به گله ترحمی نخواهند کرد. ۳۰ و حتی در میان خود شما افرادی پیدا خواهند شد که حقیقت را تغییر داده، پیروانی را به دنبال خود خواهند کشید. ۳۱ پس آگاه باشید و فراموش نکنید که چگونه دائماً مدت سه سال روز و شب شما را تعلیم دادم و برای شما اشک ریختم. ۳۲ «اکنون شما را به خدا و کلام فیض بخش او می‌سپارم. کلامی که قادر است شما را بنا کند و برکاتی را که میراث مقدسان اوست، به شما عطا فرماید. ۳۳ من به پول یا لباس کسی چشم ندوخته‌ام. ۳۴ خودتان می‌دانید که با این دستها زحمت کشیده‌ام و نیازمندیهای خود و همراهانم را تأمین کرده‌ام. ۳۵ من عملاً به شما نشان داده‌ام که ما باید زحمت بکشیم و ناتوانان را یاری نماییم. و سخنان عیسی خداوند را به یاد داشته باشیم که فرمود: «دادن از گرفتن فرخنده‌تر است.»

۲۰: ۲۵ «**خاطر جمع هستم که هیچ یک از شما ... دیگر روی مرا نخواهد دید**» او نقشه رفتن به اسپانیا را می‌کشید ولی اینجا احتمالاً به زندانی شدن قریب الوقوع و یا مرگش در اورشلیم اشاره می‌کند. اگر رسالات شبانی شرح چهارمین سفر بشارتی پولس باشند، آنگاه او بعدها دوباره به این ناحیه بازگشت:

۱. افسس، I تیمو. ۱: ۳؛ ۳: ۱۴؛ ۴: ۱۳

۲. میلیتس، II تیمو. ۴: ۲۰

۳. احتمالاً حتی تروآس، II تیمو. ۴: ۱۳.

پولس بواسطه ایمان به هدایت خدا می‌زیست. او دقیقاً از آینده خبر نداشت.

□ «**اعلام پادشاهی**» به یادداشت ۲: ۳۵ مراجعه کنید.

۲۰: ۲۶ «**من از خون همه بری هستم**» این یک ضرب‌المثل یهودی مانند اعمال ۱۸: ۶، یا دقیقتر مثل حرق. ۳: ۱۶ به بعد و ۳۳: ۱ به بعد است. پولس وفاداران انجیل را ارائه کرده بود (ر.ک. II قرن. ۲: ۱۷). حال بار تصمیم کسانی که پاسخ دادند و آنانی که نپذیرفتند، بر خودشان است. یکی خدمت را برگزیده و دیگری هلاکت را انتخاب کرده است (ر.ک. II قرن. ۲: ۱۵-۱۶).

۲۰: ۲۷ «**کوتاهی نکردم**» به یادداشت ۲۰: ۲۰ مراجعه کنید.

□ «**تمامی اراده خدا**» ما همواره باید پیام کامل خدا را اعلام کنیم، نه تنها بخشی را که دوست می‌داریم! شاید این کنایه‌ای به یهودی‌گرایان باشد که مدعی بودند پولس بخشی از پیام خدا (یعنی شریعت موسی - یهودی‌گرایی) را از قلم می‌اندازد و کاریزماتیکیهای (عطایاگرایان) I قرن. ۱۲ که می‌پنداشتند پولس عاری از تجربیات روحانی است. اراده خدا همچنانکه هدفش در ابتدای خلقت نیز بود، این است که انسانها به مشارکت کامل با او بازگردند.

۲۰: ۲۸ «**مواظب خود ... باشید**» یک فعل امری حال معلوم. این تذکر در I قرن. ۱۶: ۱۳؛ کول. ۲: ۴؛ I تسلا. ۵: ۶، ۱۰ نیز داده شده است. زندگی مسیحی دارای هر دو جنبه الهی و انسانی است. خدا همواره قدم اول را برمی‌دارد و برنامه را می‌ریزد، ولی ایمانداران نیز باید پاسخ مناسب را نه تنها یکبار، بلکه به طور پیوسته بدهند. از یک نظر، ما مسئول زندگی روحانی‌مان هستیم (ر.ک. فیل. ۲: ۱۲-۱۳). آنچه برای فرد فرد ایمانداران صحت دارد، برای رهبران کلیسا نیز صحیح است (ر.ک. I قرن. ۳).

□ «و تمامی آن گله» این تشبیهی از قوم خداست (ر.ک. مز. ۲۳؛ لوقا ۱۲: ۳۲؛ یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷). ریشه اصطلاح "شبان" نیز از همینجاست. به یادداشت ۱۷: ۲۰ مراجعه کنید. رهبران کلیسا در برابر خدا، مسئول خود و کلیسایشان هستند (ر.ک. I قرن. ۳).

□ «روح القدس شما را مقرر فرمود» نشانگر فراخوانده شدن رهبران کلیسا توسط گزینش الهی است.

□ «اسقف» به یادداشت ۱۷: ۲۰ مراجعه کنید.

□ «کلیسای خدا» واژه "خدا" در نسخه های قدیمی یونانی  $P, A, C, D, E$  موجود است، در حالیکه در نسخه های آلف و B، واژه "خداوند" آمده است. پولس از عبارت "کلیسای خدا" اغلب استفاده می کند ولی هرگز عبارت "کلیسای خداوند" را به کار نمی برد. مضمون متن از درستی "کلیسای خداوند" پشتیبانی می نماید زیرا عبارت بعدی یعنی "به خون خود" یقیناً اشاره به مسیح دارد. اما، این فقط تغییر تحریری در تألیف است که دور از انتظار نمی باشد. بنابراین متن یونانی  $UBS^4$  واژه "خدا" را همچنان باقی گذاشته ولی به آن رده "C" داده است. "خداوند" قرائتی کاملاً غیرعادی و دشوار است.

این متن نمونه خوبی است از این موضوع که چگونه کاتبان متون را به دلایل الهیاتی تغییر می دادند. مباحثه جالبی در این مورد در کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture* نوشته Bart D. Ehrmans صفحات ۸۷-۸۹ موجود است. کاتبان متون را تغییر می دادند تا آنها را از لحاظ آموزه ای، در برابر بدعتهای مسیح شناسی دوران خود، قویتر سازند. اعمال ۲۰: ۲۸ ایجاد تغییراتی را احتمالاً در رابطه با تشهای تاریخی/الهیاتی، ارائه می دهد.

پیش از اینکه به نشانه تسلیم و نومیدی دستهایمان را بالا ببریم، باید به یاد داشته باشیم که عهد جدید سنت متنی ممتازی، بسیار والاتر از هر نوشته باستانی دیگری را داراست. هرچند ما نمی توانیم کاملاً از واژه بندی دستخطهای اصلی اطمینان حاصل کنیم، اما همواره می توانیم مطمئن باشیم که متنی قابل اطمینان و دقیق در دسترس داریم! این اختلافات بر هیچ آموزه اصلی و عمده ای تأثیر نمی گذارد! به کتاب *Rethinking New Testament Textual Criticism* به تألیف David Alan Black مراجعه کنید.

□ «به خون خود خریده است» بازتابی از دیدگاه جایگزینی قربانی در عهد عتیق است (ر.ک. لائو. ۱-۷؛ اش. ۵۳). همچنین احتمالاً اشاره قوی ای به الوهیت عیسی می باشد. پولس اغلب اوقات از عباراتی استفاده می کند که به این حقیقت اشاره دارند (ر.ک. روم. ۹: ۵؛ کول. ۲: ۹؛ تیطس ۲: ۱۳).

می توان عبارت مزبور یونانی را "از طریق شخص منسوب به خودش" یعنی خویشاوند نزدیکش (پسرش عیسی)، نیز ترجمه کرد. F. F. Bruce در کتاب *Commentary on the book of the Acts*، صفحه ۴۱۶، شماره ۵۹، می گوید که این عبارت را می بایست "به وسیله خون آن یگانه منسوب به خود" ترجمه کرد که بنا به اظهار او کاملاً منطبق با پاپیروسهاست.

□ ۲۹: ۲۰ «گران درنده به میان شما درخواهند آمد» استعاره ای بر مبنای تشبیه "گله" و "شبان" مورد استفاده قبلی است. این استعاره مشکل معلمان دروغین را چه از بیرون (آیه ۲۹) و چه از درون (آیه ۳۰) برجسته تر نشان می دهد. آنها هر دو در لباس گوسفند ظاهر می شوند (ر.ک. متی ۷: ۱۵-۲۳؛ لوقا ۱۰: ۳؛ یوحنا ۱۰: ۱۲، و نیز در ادبیات مکاشفه ای میان دو عهد عتیق و جدید: I خونخ ۸۹: ۱۰-۲۷؛ IV عزرا ۵: ۱۸). ایمانداران باید کسانی که را مدعی اند از سوی خدا سخن می گویند، امتحان کنند (ر.ک. I یوحنا ۴: ۱). باید آنان را بوسیله وفاداریشان به انجیل، چه در گفتار و چه در رفتار امتحان نمود (ر.ک. آیات ۱۸-۲۴؛ روم. ۱۶: ۱۷-۱۸).

□ ۳۰: ۲۰ «سخنان کج خواهند گفت» "سخن... خواهند گفت" یک فعل حال وصفی معلوم است، در حالیکه "کج" در واقع به صورت وجه وصفی مجهول کامل، به شکل موصوف (مفعول بی واسطه) آمده است. معنی اصلی آن "چرخاندن" است. از این واژه برای توصیف جامعه انسانی استفاده شده است (ر.ک. لوقا ۹: ۴۱؛ فیلی. ۲: ۱۵). همین عمل در II پطرس ۳: ۱۶-۱۵ (با واژه ای متفاوت) شرح داده شده است.

□ «تا شاگردان را در عقب خود بکشند» سؤال الهیاتی این است که: "آیا کسانی که کشیده می شوند، از نظر روحانی از دست می روند یا سردرگم می شوند؟" (ر.ک. متی ۲۴: ۲۴). کوه فکری و جزم اندیشی غیرممکن است، اما ایمان حقیقی ادامه می یابد! (ر.ک. I یوحنا ۲: ۱۸).

۲۰: ۳۱ «بیدار باشید» فعل امری حال معلوم (ر.ک. مرقس ۱۳: ۳۵)، که هم راستا با آیه ۲۸ است که می گوید: "مواظب خود... باشید". رهبران برگزیده خدا و کلیسای خدا باید همواره مراقب معلمان دروغین باشند- نه آنهایی که ارجحیتهای شخصی ما را نادیده می گیرند، بلکه کسانی که اعتنایی به انجیل و مفاهیم تلویحی مربوط به روش زندگی آن ندارند.

□ «مدت سه سال» اشاره به دوره اقامت پولس در افسس است. این عبارت زمانی شامل تمامی فعالیتهای پولس در آن ناحیه می گردد. او نزد ایمانداران آن ناحیه بیش از هر شهر، کلیسا یا ناحیه دیگری مانده بود. آنان انجیل را می دانستند. حال می بایست از آن محافظت می کردند و منتشرش می ساختند!

۲۰: ۳۲ «شما را به خدا... می سپارم» به معنی "به امانت سپردن" (ر.ک. ۱۴: ۲۳) است. ما در مورد انجیلی که به امانت به ما سپرده شده است، نسبت به خدا مسئولیم (ر.ک. I تیمو. ۱: ۱۸). ما مسئول سپردن آن به کسانی هستیم که آنها هم به نوبه خود به سایرین بسپارندش (ر.ک. II تیمو. ۲: ۲).

اسم "خدا" در نسخه های P<sup>74</sup>، آلف، A، C، D، و E آمده است. واژه "خداوند" در نسخه B به چشم می خورد. USB<sup>4</sup> به *Theos* رتبه "B" (تقریباً حتمی) داده است.

□ «و کلام فیض او» به یادداشت آیه ۲۴ مراجعه کنید. عبارت مزبور مترادف با "انجیل" است.

□ «شما را بنا کند» توجه داشته باشید که شخص خدا و حقیقت خدا (انجیل) است که ما را به سوی بلوغ (ر.ک. ۹: ۳۱) هدایت می کند. پولس اغلب اوقات از این تشبیه استفاده می کند. این واژه یونانی را می توان "بالا بردن بنا" یا "تقویت کردن" ترجمه نمود (ر.ک. I قرن. ۱۴). نه فقط بلوغ فرد ایماندار بلکه بلوغ تمامی کلیسا، هدف غایی انجیل است.

□ «شما را میراث بخشید» در عهد عتیق، خدا میراث لاویان و کاهنان بود. در عهد جدید، خدا میراث تمامی ایمانداران است زیرا ایمانداران از طریق شخص و کار مسیح، فرزندان خدا شده اند (ر.ک. روم. ۸: ۱۵، ۱۷؛ غلا. ۴: ۱-۷؛ کول. ۱: ۱۲).

□ «در میان جمیع مقدسین» یک وجه وصفی کامل مجهول. به عنوان خاص: قدوسیت در ۹: ۳۲ مراجعه کنید.

۲۰: ۳۳ «نقره یا طلا یا لباس» اینها نشانه ثروت و دارایی هستند. پولس از رفتار و نیتهای خود دفاع می کند. در عهد جدید، تشویق به طمع ورزی و اعمال خلاف جنسی، اغلب نشانه های معلمان دروغین است (ر.ک. I قرن. ۳: ۱۰-۱۷).

۲۰: ۳۴ «در رفع احتیاجات خود... خدمت می کرد» پولس کمک کلیساهایی را که در آن مشغول خدمت بود، بخاطر تهمت‌های همیشگی معلمان دروغین در مورد نیت‌هایش، نمی پذیرفت. پولس شخصاً امرار معاش می کرد (ر.ک. I قرن. ۴: ۱۲؛ II قرن. ۷-۱۱: ۱۱-۱۲؛ ۱۲: ۱۲؛ I تسا. ۲: ۹؛ II تسا. ۳: ۶-۱۳). همچنین بخاطر آنکه او معلم تعلیم دیده یهود بود، تردیدهای شخصی در مورد پذیرش پول به خاطر تعلیم دادن داشت. اما اظهار می دارد که خادمین انجیل باید دستمزد بگیرند (ر.ک. I قرن. ۹: ۳-۱۸؛ I تیمو. ۵: ۱۷-۱۸).

تاریخچه مختصر بسیار خوبی از جهان مدیترانه در قرن اولیه میلادی نوشته James S. Jeffers به نام *The Greco-Roman World of the New Testament Era* موجود است. در این تاریخچه ذکر شده است که پولس به کار کردن به دستهای خودش برای تأمین نیازهای جسمی اش در هر سه سفر بشارتی که رفت، اشاره می نماید (ر.ک. صفحه ۲۸):

۱. سفر اول، I قرن. ۴: ۱۲؛ ۹: ۶؛ I تسلا. ۲: ۹
۲. سفر دوم، اعمال ۱۸: ۳
۳. سفر سوم، اعمال ۱۹: ۱۱-۱۲؛ ۲۰: ۳۴؛ II قرن. ۱۲: ۱۴

۲۰: ۳۵ توجه داشته باشید که سختکوشی ایمانداران بخاطر نفع شخصی یا بدست آوردن تجملات نیست بلکه بخاطر سایر نیازمندان در نام مسیح است (ر.ک. II قرن. ۹: ۸-۱۱). نقل قول پولس از عیسی را نمی توان در هیچ یک از اناجیل یافت. بنابراین، نقل قول مزبور باید یک روایت سینه به سینه بوده باشد.

مقصود از واژه "ضعفا"، مسیحیانی نیست که بیش از حد وسواسی بودند (ر.ک. روم. ۱۴: ۱؛ ۱۵: ۱؛ I قرن. ۸: ۹-۱۳؛ ۹: ۲۲)، بلکه منظور نیازمندان و فقراى جسمی است. پولس کار می کرد تا احتیاجات خودش و سایر ایمانداران نیازمند را رفع کند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۰: ۳۶-۳۸

۳۶ وقتی پولس سخنان خود را به پایان رسانید، با همه آنان زانو زد و دعا کرد. ۳۷ همه با صدای بلند گریه می کردند و او را در آغوش می گرفتند و می بوسیدند. ۳۸ آنچه بیش از هر چیز آنان را غمگین می ساخت این بود که پولس گفته بود دیگر آنها روی او را نخواهند دید. پس او را تا کشتی بدرقه نمودند.

۲۰: ۳۶ «زانو زد» این طرز قرار گرفتن به هنگام دعا در زمینه یهودی پولس نبود. احتمالاً زانو زدن حالت عبادتی وقف کردن خود به طور مخصوص بوده است (ر.ک. آیه ۳۲؛ ۲۱: ۵).

□ «برگردن پولس آویخته» این ترجمه اصلی تری از "در آغوش گرفتن" است که در ترجمه انگلیسی NKJV نیز آمده است. خدا را شکر برای رهبران کلیسا که به کمک ما می آیند!

□ «بسیار متألم شدند خصوصاً به جهت آن سخنی که گفت» اشاره به آیه ۲۵ است.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید. پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا پولس در آیه ۴ با افراد زیادی از شهرهای مختلف سفر می کرد؟
۲. هدف الهیاتی از آیات ۷-۱۰ چیست؟
۳. چرا آیه ۱۳ تا این اندازه سردرگم کننده است؟
۴. چرا پولس از خودش در برابر مشایخ افسس دفاع می کند؟
۵. چرا پولس با وجود هشدار انبیا به او درباره عواقب بد سفر او به اورشلیم، همچنان روانه اورشلیم بود؟ (آیات ۲۲-۲۳)
۶. چرا انبیای دروغین در هر عصر و مکانی عمومیت می یابند؟ آیا آنها رهایی از گناهان را یافته اند؟ آیا کسانی که از ایشان پیروی می کنند رهایی از گناه را دارند؟ نبی دروغین به چه معنی است؟
۷. چرا باید آیات ۳۶-۳۸ موجب می گردد که ما رهبران کلیسای محلی خود را دوست بداریم و برایشان دعا کنیم؟

**کارهای رسولان فصل ۲۱**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
سفر پولس به اورشلیم	پولس به اورشلیم می‌رود	بازگشت پولس به فلسطین (۲۰:۷-۲۱:۱۴)	هشدارهایی در مورد سفر به اورشلیم	سفر پولس به اورشلیم
۶-۱:۲۱	۶-۱:۲۱	۶-۱:۲۱	۱۴-۱:۲۱	۶-۱:۲۱
۱۴-۷:۲۱	۱۱-۷:۲۱	۱۴-۷:۲۱		۱۴-۷:۲۱
پولس به اورشلیم می‌رسد	۱۳-۱۲:۲۱	همنویایی پولس با یهودیت	تلاش پولس برای برقراری صلح	
۱۶-۱۵:۲۱	۱۶-۱۵:۲۱	۱۶-۱۵:۲۱	۲۵-۱۵:۲۱	۱۶-۱۵:۲۱
	دیدار پولس از یعقوب			دیدار پولس از یعقوب
۲۵-۱۷:۲۱	۲۵-۱۷:۲۱	۲۶-۱۷:۲۱	بازداشت در معبد	۲۶-۱۷:۲۱
۲۶:۲۱	۲۶:۲۱		۳۶-۲۶:۲۱	
بازداشت پولس	بازداشت پولس در معبد بزرگ	بازداشت و دفاع پولس (۲۹:۲۲-۲۷:۲۱)		بازداشت پولس در معبد بزرگ
۲۹-۲۷:۲۱	۲۹-۲۷:۲۱	۳۶-۲۷:۲۱		۳۶-۲۷:۲۱
۳۶-۳۰:۲۱	۳۶-۳۰:۲۱			
	دفاع پولس		سخنی با مردم اورشلیم	دفاع پولس
۴۰-۳۷:۲۱	(۵:۲۲-۳۷:۲۱)	۴۰-۳۷:۲۱	(۲۱:۲۲-۳۷:۲۱)	۵:۲۲-۳۷:۲۱
	۳۷:الف			
	۳۸-۳۷:ب			
	۳۹:۲۱			
	۲:۲۲-۴۰:۲۱			

قراوت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

## مطالعه عبارات و واژگان

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۱: ۱-۶

۱ ما از آنان خداحافظی کرده آنجا را ترک نمودیم و از راه دریا یکسره به جزیره کاس آمدیم و روز بعد به بندرگاه جزیره رودس وارد شدیم و از آنجا به پاترا رفتیم. ۲ در آنجا کشتی‌ای دیدیم که عازم فیقیه بود، پس سوار آن شدیم و حرکت کردیم. ۳ همین که قبرس از دور نمایان شد، ما از طرف جنوب آن گذشتیم و به سفر خود به سوی سوریه ادامه دادیم و در بندر صور لنگر انداختیم. زیرا قرار بر این بود که بار کشتی را در آنجا خالی کنند. ۴ در آنجا ایمانداران را پیدا کردیم و هفت روز نزد آنان ماندیم. آنها با الهام روح خدا به پولس اصرار کردند، که از رفتن به اورشلیم منصرف شود. ۵ و چون وقت ما به پایان رسید، بار دیگر راه سفر را در پیش گرفتیم و جمیع آنان با زنهار و بچه‌هایشان ما را تا خارج شهر بدرقه کردند. آنگاه در ساحل دریا زانو زدیم و دعا کردیم ۶ و با یکدیگر خداحافظی نمودیم. وقتی ما سوار کشتی شدیم، آنان به خانه‌های خود بازگشتند.

۲۱: ۱ «به راه راست ... آمدیم» اصطلاحی دریانوردی برای کشتیرانی در مسیر مستقیم (ر.ک. ۱۶: ۱۱). لوقا با اصطلاحات دریانوردی آشنایی زیادی داشت (ر.ک. آیه ۳). اکثر بخشهای با ضمیر "ما" در کتاب اعمال شامل دریانوردی می شود.

□ «کاس» به معنی "قله و ستیغ" است. نام یک جزیره و همچنین بزرگترین شهر آن بود. این جزیره موطن بقراط (قرن پنجم ق.م.) و محل مدرسه پزشکی بزرگی بود. جزیره مزبور یک ایالت آزاد و بخشی از استان رومی آسیا محسوب می شد. این جزیره در حدود چهل مایلی جنوب میلپتس قرار داشت.

□ «رودس» نام یک جزیره و شهر اصلی آن بود. جزیره تجاری مزبور به خاطر (۱) گلهای سرخ و (۲) دانشگاهش با تخصص در علم بیان و فن سخنرانی، مشهور بود. در گذشته (۲۹ ق.م.) بخاطر مجسمه غول پیکر برنزی به ارتفاع ۱۰۴ پایی مردی که در کنار بندرگاه ایستاده بود، شهرت جهانی داشت. مجسمه مزبور به عنوان چراغ دریایی عمل می کرد.

□ «پاترا» در نسخه های یونانی غربی (ر.ک.  $D, P^{41}$ ) عبارت "و مايرا" را نیز اضافه می کند (به احتمال زیاد افزوده شده از ۲۷: ۵)، که بزرگترین بندر کشتیهایی بود که به سوریه می رفتند. پاترا یک شهر ساحلی در لیسیه بود. این بندر به خاطر الهامات آپولو که زمانی حتی هم-آورد دلفی بود، مشهور گردید.

۲۱: ۲ «کشتی ای یافتیم که عازم فیقیه بود» این حتماً یک کشتی بزرگتر بوده است. کشتیهای کوچکتر در بندر کناره گرفته بودند. این کشتی با مسیر مستقیمش از لحاظ زمانی، آنها را سریعتر از هر کشتی دیگری به مقصد می رسانید.

۲۱: ۳ «قبرس از دور نمایان شد» این دورنما حتماً اندیشه برنابا و سفر اول بشارتی را به یاد می آورد.

□ «صور» پایتخت و ساحل اصلی فینیقیه.

۲۱:۴ «شاگردی چند» کلیسایی در این شهر بود که احتمالاً پس از کشته شدن استیفان بوجود آمد (ر.ک. ۸: ۴؛ ۱۱: ۱۹). ایمانداران در این دوران در پی ماندن نزد سایر ایمانداران بودند (ر.ک. آیات ۷، ۱۶).

□ «به الهام روح به پولس گفتند به اورشلیم نرو» اشاره به حضور انبیا در این جماعت محلی دارد (ر.ک. ۲۳: ۲۰؛ ۲۱: ۱۰-۱۲). پیام آنان در مورد آزار و اذیت درست بود و با اینحال ظاهراً سفر پولس اراده خدا بود (ر.ک. آیه ۱۴). عیسی، از طریق حانیا، به پولس گفته بود که در طول عمرش می بایست چکار کند (ر.ک. اعمال ۹: ۱۵-۱۶). رنج بردن بخشی از آن بود، اما در عین حال او به پادشاهان نیز شهادت می داد.

۲۱:۵ «در ساحل دریا زانو زدیم و دعا کردیم» تصویر زیبایی از محبت و توجه مسیحی است. شاید جلسه مخصوصی مانند ۲۰: ۳۲، ۳۶ برگزار شد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۱:۲-۱۴

۷ از صور به سفر دریایی خود ادامه دادیم و به شهر بطلمیوس رسیدیم. در آنجا ایمانداران را ملاقات نمودیم و روزی را با آنان به سر آوردیم. ۸ روز بعد آنجا را ترک کرده به قیصریه آمدیم و به خانه فیلیپس مبشر که یکی از آن هفت نفری بود که در اورشلیم انتخاب شده بودند، رفتیم و نزد او ماندیم. ۹ فیلیپس چهار دختر باکره داشت که همگی نبوت می کردند. ۱۰ پس از چند روز یک نفر نبی به نام آکابوس از یهودیه به آنجا رسید. ۱۱ او نزد ما آمد و کمر بند پولس را برداشت و دست و پای خود را با آن بست و گفت: «آنچه روح القدس می گوید: این است که یهودیان مقیم اورشلیم، صاحب این کمر بند را این طور خواهند بست و او را به دست بیگانگان خواهند سپرد.» ۱۲ وقتی این را شنیدیم، هم ما و هم اهالی آن شهر به پولس التماس نمودیم که از رفتن به اورشلیم صرف نظر نماید. ۱۳ اما پولس در جواب گفت: «این چه کاری است که شما می کنید؟ چرا با اشکهای خود دل مرا می شکنید؟ من نه فقط حاضرم زندانی شوم، بلکه حاضرم در اورشلیم به خاطر عیسی خداوند بمیرم.» ۱۴ چون سخنان ما در او اثری نکرد، دست برداشتیم و گفتیم: «باشد! هر چه خداوند می خواهد همان بشود.»

۲۱:۷ «بطلمیوس» نام این شهر از فرمانده لشکر اسکندر کبیر برگرفته شد، که در مصر حکومت می کرد و جدّ بطلمیوس دوم، سازنده این شهر در ۲۶ ق.م. بود. این تنها بندر طبیعی در ساحل فلسطین محسوب می شد. در عهد عتیق شهر مزبور، عگّو (ر.ک. داوران ۱: ۳۱) خوانده شده است و امروزه نام آن از سرداری که به جنگهای صلیبی فرستاد، آکر (Acre) است.

□ «برادران» در کتاب اعمال، این نام مترادف با شاگردان است (ر.ک. آیات ۴، ۱۶).

□ «با آنان به سر آوردیم» به یادداشت آیه ۴ مراجعه کنید.

۲۱:۸ «ترک کرده ... آمدیم» مشخص نیست که سفر ایشان زمینی بوده یا دریایی.

«قیصریه» محل استقرار رومیان در فلسطین. آنجا شهر ساحلی با بندری ساخته شده بود. فیلیپس مبشر در اینجا می زیست (ر.ک. ۸: ۴۰).

□ «مبشر» اصطلاحی که تنها سه بار در عهد جدید آمده است (ر.ک. افس. ۴: ۱۱ و II تیمو ۴: ۵). برای ما دقیقاً معلوم نیست که این عطا شامل چه خدماتی می گردید. اصطلاح مزبور به خودی خود به معنی "کسی که انجیل را اعلام می کند" است.



□ «که یکی از آن هفت نفر ... بود» اشاره به مشکل کلیسای اورشلیم و شکایت تقسیم ناعادلانه غذا به بیوه زنان یونانی زبان است. کلیسا هفت نفر را برای رفع این نیاز برگزید. همه آنان دارای اسامی یونانی، و همگی واعظانی قدرتمند بودند. آنها اولین کسانی بودند که دید جهانی انجیل را دریافتند (ر.ک. اعمال ۶).

۲۱:۹ «چهار دختر باکره داشت که همگی نبوت می کردند» ما باید در مورد جایگاه زنان در منصبهای رهبری کلیسا (ر.ک. یوئیل ۲: ۲۸-۳۲؛ اعمال ۲: ۱۶-۲۱) بر اساس شواهد عهد جدید، تجدید نظر کنیم. به عنوان خاص: زنان در کتاب مقدس در ۲: ۱۷ مراجعه کنید. این موضوع به صورت گنگ و مبهم مطرح گردیده است. سنت کلیسا می گوید که فیلیپس و خانواده اش به آسیای صغیر (فریجیه) رفتند و دخترانش تا پایان عمر طولانشان خدا را خدمت می کردند. این روایت و سنت را اوسیوس از پلیکارپ و پاپیاس نقل قول می کند (ر.ک. Eccl. Hist. 3:31:2-5).

۲۱:۱۰ «یک نفر نبی به نام آکابوس» می توان این عبارت را به دو صورت درک کرد: (۱) در رسالات قرنیتیان، منظور از نبوت، در میان گذاشتن و اعلام انجیل است (ر.ک. ۱۴: ۱) و (۲) در کتاب اعمال به انبیا اشاره شده است (ر.ک. ۱۲: ۲۷-۲۸؛ ۱۳: ۱؛ ۱۵: ۳۲؛ ۲۱: ۱۰، و حتی نیه ها، ۲۱: ۹).

مشکل این اصطلاح در چگونگی ارتباط میان عطای نبوت در عهد جدید و انبیای عهد عتیق است. انبیای عهد عتیق نویسندگان کتاب مقدس هستند. در عهد جدید، این خدمت به دوازده رسول اصلی عیسی و دستیاران ایشان اعطا گردید. با این وجود که عطای "رسالت" همچنان ادامه دارد (ر.ک. افس ۴: ۱۱)، اما پس از مرگ دوازده رسول اصلی عیسی، کارکرد این خدمت عوض شده است و همین موضوع در مورد نبوت نیز صادق می باشد. الهام گرفتن خاتمه یافته است؛ دیگر نمی توان کلام الهام شده نوشت (ر.ک. یهودا ۲۰). اولویت کار انبیای عهد جدید، اعلام انجیل است، ولی آنان در عین حال کاربرد حقایق عهد جدید در شرایط و احتیاجات جاری زندگی را نیز نشان می دهند. به عنوان خاص: نبوت در عهد جدید در ۱۱: ۲۷ مراجعه کنید.

۲۱:۱۱ آکابوس، مانند ارمیا و حزقیال، انبیای عهد عتیق، مکاشفه ای که یافته بود به نمایش گذاشت.

۲۱:۱۲ «التماس نمودیم» وجه وصفی غیر کامل که می تواند دو معنی داشته باشد: (۱) شروع یک عمل یا (۲) ادامه یا تکرار عملی در زمان گذشته.

۲۱:۱۳ ایجاد تعادل میان این عمل نبوتی و حس پولس مبنی بر اینکه رفتن به اورشلیم اراده خدا بود، کار دشواری است (ر.ک. آیه ۴).

۲۱:۱۴ «آنچه اراده خداست بشود» یک فعل امری حال میانی که با دعا ادا شده است. خدا نقشه و هدفی برای زندگی پولس داشت. پولس احساس می کرد که می داند اراده خدا چیست، حتی با روبرو شدن با نبوت مشخص و تکرار شونده درباره مشکلاتی که پیشرویش بود. حتماً احساس پولس این بود که نبوتهای مزبور برای آماده سازی روحانی و فکری اوست و نه ممانعت از رفتنش.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۱: ۱۵-۱۶

۱۵ بعد از چند روز ما بار سفر خود را بستیم و عازم اورشلیم شدیم. ۱۶ چند نفر از شاگردان مقیم قیصریه هم ما را همراهی کردند و ما را به خانه مناسبی که اهل قبرس و یکی از ایمانداران اولیه بود، بردند.

۲۱:۱۵ «تدارک سفر دیده» ترجمه انگلیسی King James Version می گوید "بارهایمان را برداشتیم" (ترجمه NKJV می گوید: "بارمان را بستیم"). این عبارتی تمثیلی برای تدارک سفر است که در عهد جدید فقط در اینجا به کار رفته است.

□ «اورشليم» حدود ۶۴ مایل از آنجا فاصله داشت.

۱۶:۲۱ «مناسون» او یک یهودی مسیحی از قبرس (مانند برنابا) بود. او نیز مانند آن هفت نفر در اعمال ۶، یک یهودی یونانی زبان محسوب می شد. ظاهراً از همان روزهای اول به مسیح ایمان آورده بود؛ امکان دارد لوقا برای نگارش انجلیش با وی در هنگام اقامت در فلسطین در دوران زندانی بودن پولس در قیصریه، مصاحبه کرده باشد.

### بینشهایی مربوط به مضمون متن اعمال ۲۱: ۱۷-۲۳: ۳۰

ج) رؤس خلاصه مطالب اعمال ۲۱: ۱۷-۲۶: ۳۲ (زندانی شدن و دفاع پولس در اورشليم و قیصریه رخ داد).

- |             |  |
|-------------|--|
| ۴۰-۱۷:۲۱    | ۱. شورش و بازداشت در معبد                  |
| ۲۲-۱:۲۲     | ۲. دفاع پولس در برابر جمعیت                |
| ۳۰-۲۳:۲۲    | ۳. بازجویی رومی                            |
| ۱۰-۱:۲۳     | ۴. بازجویی شورای یهودیان                   |
| ۳۵-۱۱:۲۳    | ۵. توطئه علیه جان پولس                     |
| ۲۳-۱:۲۳     | ۶. پولس در برابر فلیکس                     |
| ۲۷-۲۴:۲۴    | ۷. دفاع خصوصی پولس در برابر فلیکس و دروسله |
| ۱۲-۱:۲۵     | ۸. پولس در برابر فستوس                     |
| ۳۲:۲۶-۱۳:۲۵ | ۹. پولس در برابر اغریپاس دوم و برنیکی      |

### د) عناصر مشترک دفاع پولس

عناصر مشترک	پولس در برابر جمعیت	پولس در برابر شورای یهود	پولس در برابر فلیکس	پولس در برابر فستوس	پولس در برابر اغریپاس دوم
۱. زمینه یهودی او	۳:۲۲	۱۴:۲۴ و ۱۷-۱۸			۴:۲۶
۲. تربیت و غیرت فریسی او	۳:۲۲	۹-۶:۲۳	۲۱ و ۱۵:۲۴		۸-۵:۲۶
۳. آزار او به اهل «طریقت»	۵-۴:۲۲				۱۱-۹:۲۶
۴. شهادت ایمان او	۱۶-۶:۲۲				۱۶-۱۲:۲۶
۵. خواننده شدگی او	۲۲-۱۷:۲۲				۲۳-۱۷:۲۶
به خدمتی ویژه					

## ج) مقایسه صدوقیان و فریسیان

فریسیان	صدوقیان	سر منشأ
دوران مکابیان	دوران مکابیان	معنای اسم
"جدا شدگان"	"راست گویان"	موقعیت اجتماعی
افراد عادی طبقه متوسط	اشراف سالاری کاهنان	اعتقادات کتاب مقدسی
شریعت مکتوب و شفاهی	فقط شریعت مکتوب	الهیات
و نیز انبیا و کانون عهد عتیق	(خصوصاً پیدایش تا تثبیه)	محافظه کار
پیش رو		
- فرشته شناسی پیشرفته	- درست برخلاف فریسیان که متهم به اثرگیری از	
- اعتقاد به حیات پس از مرگ و قیامت	زرتشتیان بودند (ر.ک. ۲۳: ۸)	
- قوانین محکم زندگی روزمره		

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۱: ۱۷-۲۶

۱۷ وقتی به اورشلیم رسیدیم ایمانداران با گرمی از ما استقبال کردند. ۱۸ روز بعد پولس به اتفاق ما به دیدن یعقوب رفت و تمام رهبران کلیسا آنجا حضور داشتند. ۱۹ پس از سلام و احوالپرسی، پولس از کارهایی که خدا به وسیله او در میان ملل غیر یهود انجام داده بود گزارش کاملی به آنها داد. ۲۰ آنان وقتی این را شنیدند خدا را ستایش کردند و سپس به پولس گفتند: «ای برادر، همان طور که می بینی هزاران نفر از یهودیان ایمان آورده اند و همه آنها نسبت به شریعت تعصب بسیار دارند. ۲۱ در میان آنان شایع شده است که تو به یهودیانی که در کشورهای بیگانه سکونت دارند، تعلیم می دهی که از شریعت موسی اطاعت ننموده فرزندان خود را ختنه نکنند و دیگر رسوم خود را نگاه ندارند. ۲۲ تکلیف چیست؟ آنان حتماً از آمدن تو باخبر خواهند شد. ۲۳ پس هر چه به تو می گویم، انجام بده. در اینجا چهار نفر هستند که نذری نموده اند. ۲۴ تو همراه آنان برو و به اتفاق آنها مراسم تطهیر را به جای بیاور و مخارج ایشان را هم قبول کن تا آنها بتوانند سرهایشان را بتراشند و به این ترتیب همه خواهند فهمید که در این شایعات هیچ حقیقتی وجود ندارد بلکه برعکس، تو هم مطابق شریعت زندگی می کنی. ۲۵ و اما در خصوص غیر یهودیانی که ایمان آورده اند، ما قبلاً حکم خود را کتباً به اطلاع آنها رسانده ایم تا از خوردن غذاهایی که به بُتها تقدیم می گردد، خون، گوشت حیوان خفه شده و از زنا پرهیز کنند.» ۲۶ پس روز بعد پولس آن چهار نفر را همراه خود برد و به اتفاق آنان مراسم تطهیر را بجا آورد و بعد از آن وارد معبد بزرگ شد و تعداد روزهای دوره تطهیر را، که در آخر آن باید برای هر یک از آنان قربانی گذرانیده شود، اعلام نمود.

۲۱: ۱۷ استقبال گرم ایمانداران اورشلیم از پولس و ایمانداران غیریهودی، نشانه خوبی بود (ر.ک. لوقا ۸: ۴۰؛ ۹: ۱۱؛ اعمال ۲: ۴۱؛ ۱۸: ۲۷؛ ۲۱: ۱۷؛ ۲۴: ۳؛ ۲۸: ۳۰)، ولی در کلیسای اورشلیم، تعصب نیز به چشم می خورد (ر.ک. آیات ۲۰-۲۱).

۲۱: ۱۸-۱۹ «پولس ما را برداشته، نزد یعقوب رفت» هیچگونه اشاره خاصی در اینجا به هدیه کلیساهای غیریهودی نیست (ر.ک. ۲۴: ۱۷). پولس گزارشی مشابه ۱۵: ۱۲ به یعقوب داد. یعقوب برادر ناتنی عیسی و رهبر مورد احترام کلیسای اورشلیم بود (ر.ک. اعمال ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳).

۲۱: ۱۸ «و همه کشیشان حاضر شدند» توجه داشته باشید که هیچگونه اشاره ای به رسولان نیست. ظاهراً آنان در سفرهای مأموریتی در خارج از کشور بودند یا شاید هم در گذشته بودند. این استفاده از "کشیشان" یا در ترجمه دیگر "مشایخ" بازتابی از کاربرد یهودی دارد (ر.ک. ۴: ۵، ۸، ۲۳؛ ۶: ۱۲؛ ۱۱: ۳۰؛ ۱۵: ۲، ۴، ۶، ۲۲، ۲۳؛ ۱۶: ۴؛ ۲۳: ۱۴؛ ۲۴: ۱، ۲۵؛ ۲۵: ۱۵؛ عبر. ۱۱: ۲؛ یعقوب ۵: ۱۴)، نه استفاده بعدی آن توسط کلیسا برای شبانان (ر.ک. ۱۴: ۲۳؛ ۲۰: ۱۷، ۱۸؛ ۲۳: ۱؛ تیمو. ۵: ۱۷، ۱۹؛ تیطس ۱: ۵؛ I پتر. ۵: ۱؛ II یوحنا ۱؛ III یوحنا ۱).

۲۱: ۱۹ برخی از مفسران چنین می اندیشند که استقبال سردی از پولس شد و هدیه کلیساهای غیریهودی مورد تقدیر قرار نگرفت. دلایل ایشان به عبارت زیر است:

۱. پولس در منزل یکی از یهودیان یونانی زبان اقامت گزید، و نه در خانه یکی از رهبران کلیسای اورشلیم.
۲. هیچگونه بیان قدردانی از هدیه دیده نمی شود. این هدیه حتی مورد اشاره نیز قرار نمی گیرد.
۳. رهبری کلیسا بی مقدمه از عدم علاقه هزاران تن از اعضای کلیسای اورشلیم نسبت به پولس می گویند.
۴. هیچگونه اشاره ای به پشتیبانی آن کلیسا از پولس در هنگام زندانی بودن یا محاکمات وی دیده نمی شود.

باید اعتراف کرد که کشمکش و سردرگمی در مورد پیام و خدمت پولس وجود داشت. اما آیه ۱۹ به نظر من مثبت می آید!

۲۱: ۲۰ «چند هزارها از یهودیان» چه شهادت شگفت انگیزی از قدرت انجیل و محبت خدا نسبت به قوم یهود در اورشلیم است. باقیمانده یهودی ایماندار و وجود داشتند.

□ «ایمان آورده اند» فعل وصفی معلوم کامل. این امر یقیناً به ایمان نجات بخش حقیقی ایشان اشاره دارد. هر شخص می تواند بدون درک کامل و حتی با وجود سوء تفاهم نسبت به همه مسائل الهیاتی نجات یابد (ر.ک. اعمال ۱: ۶؛ لوقا ۱۱: ۱۹). پولس اینگونه مسیحیان را "ضعیف" می خواند (ر.ک. روم. ۱۴: ۱-۱۵؛ ۱۳: I قرن. ۸؛ ۱۰: ۲۳-۳۳). او خم می شد تا ایشان را تشویق نماید، البته تا زمانی که "ضعف" آنها صدمه ای به انجیل نمی زد (مانند یهودی گرایان غلاطیه).

□ «جمیعاً در شریعت غیورند» نشانگر شمار زیاد فریسیان، غیوران و یا اسنها (Essenes) است که مسیح ایمان آورده بودند. اما، ایمان آوردن دیدگاه یکجانبه مذهبی ایشان را از بین نبرد. این عبارت شباهت زیادی با یهودی گرایان غلاطیه دارد.

۲۱: ۲۱ «در میان آنان شایع شده است که تو به یهودیانی که در کشورهای بیگانه سکونت دارند، تعلیم می دهی که از شریعت موسی اطاعت ننموده...» عبارت "شایع شده است" انعکاسی از تمثیل عبری "در گوششان صدا کرده" است، که تلویحاً اشاره به تعلیم شنیداری دارد. این عبارت با فعل "تعلیم می دهی" که یک فعل زمان حال است ترکیب شده تا نشان بدهد که یهودیان اورشلیم به طور پیوسته درباره فعالیت های پولس به گونه ای یکجانبه و منفی می شنیدند. این اتهامات جدیدتر از موعظه به غیریهودیان بود و موجب دردسر گردید (ر.ک. اعمال ۱۵). اصطلاح "اطاعت نمودن/انحراف نمودن" اصطلاحی بسیار قوی است که ریشه واژه انگلیسی "apostasy" (ارتداد، ترک عقیده) گردیده است (ر.ک. II تسا. ۲: ۳). این مسئله الهیاتی که چگونه یهودیان ایماندار می باید به عهد عتیق می نگریستند، هنوز جا نیفتاده بود.

۲۱:۲۳ «در اینجا چهار نفر هستند که نذری نموده اند» ظاهراً اینها اعضای کلیسا بوده اند. اشاره به نذر محدود است (ر.ک. اعد. ۶: ۸-۱). پولس پیشتر نذر مشابهی کرده بود (ر.ک. ۱۸: ۱۸). اینگونه نذر محدود برای ما کاملاً ناآشناست (ر.ک. نذر ۱: ۳).

۲۱:۲۳-۲۵ این متن بینشی از دیدگاه پولس درباره رابطه مسیحیان یهودی با شریعت موسی به دست می دهد. ممکن است پولس سنتهای یهودی را (ر.ک. ۱۸: ۱۸؛ ۲۰: ۶) دستکم به سبب تلاش برای بشارت به یهودیان نگاه می داشته است (ر.ک. I قرن. ۹: ۱۹-۲۳). امکان دارد که این امر تأییدی بر مشارکتهای یهودی مسیحایی در زمان حاضر باشد.

۲۱:۲۴ «خرج ایشان را بده» در این مرحله، شاید پولس شخصاً نذری نداشت، اما مخارج قربانی مورد لزوم سایرین را پرداخت کرد. معلمان یهود تعلیم می دادند که پرداخت مخارج نذر کسانی که نذر کرده اند، افتخار بزرگی است (Ned. 10a).

### عنوان خاص: نذر نذیره (نذر کسی که نذر کرده است)

I. هدف از نذر

- ا. هر شخص، چه مرد و چه زن (ر.ک. اعد. ۶: ۱)، خارج از قبیله لاوی می توانست خود را به خدمت خدا وقف کند ("برای خداوند تقدیس نماید"). نذیره به معنی "کسی که جدا شده است" می باشد که ریشه فکری واژه عبری مقدس را شامل می گردد.
- ب. در عهد عتیق یک نذر تمامی عمر (عمره) وجود داشت
۱. سامسون (داور. ۱۳: ۷)
  ۲. سموئیل (I سمو. ۱: ۲۱)
  ۳. یحیای تعمید دهنده
- ج. یهودی گرای نوعی نذر نذیره کوتاه مدت را بوجود آورد (احتمالاً از واژگان موجود در اعد. ۶: ۵). کوتاهترین دوره آن سی روزه بود. این دوره کوتاه نذر در هنگام تراشیدن سر و سوزانیدن موی تراشیده شده همراه با گذرانیدن قربانی در معبد به اوج می رسید.
- د. مقتضیات مخصوص نذر (ر.ک. اعد. ۶: ۱-۸)
۱. اجتناب از خوردن شراب یا نوشیدنی قوی، و نیز هرگونه محصول انگور (ر.ک. اعد. ۶: ۳-۴)
  ۲. اجتناب از کوتاه کردن موی سر
  ۳. اجتناب از لمس کردن بدن شخص مرده. این امر موجب می شد که شرکت در هرگونه مراسم خاکسپاری یهودی غیرممکن شود.
  ۴. تدبیری برای تخطی غیرعمدی و تصادفی در اعد. ۶: ۹ اندیشیده شده است. ظاهراً شرایط پولس در اعمال ۲۱: ۲۳-۲۵ شامل این مسئله می گردید. یک دوره طهارت و نیز یک قربانی در این مورد تجویز شده بود (ر.ک. اعد. ۶: ۹-۱۲).

□ «سر خود را بتراشند» درباره نذر نذیره در اعد. ۶ بحث شده است. کسانی که نذر دائمی می کردند اجازه تراشیدن موی سرشان را نداشتند. اما نذر کوتاه مدت با تراشیدن سر در پایان دوره زمانی نذر مشخص می گردید. این آیه نشان می دهد که پولس چگونه خود را با فرهنگی مطابقت می داد که می کوشید به وابستگان آن بشارت بدهد (ر.ک. I قرن. ۹: ۱۹-۲۳؛ ۱۰: ۲۳-۳۳).

۲۱:۲۵ «کتباً به اطلاع ... رسانده ایم» اشاره به بیانیه رسمی کلیسای اورشلیم است (ر.ک. اعمال ۱۵: ۱۹-۲۰، ۲۸-۲۹). این سند عمدتاً موانع آیینی و محدودیتهای غذایی میان ایمانداران یهودی و غیریهودی را در کلیساهای دیاپورا (خارج از فلسطین) از بین می برد. اما این مدرک به ارتباط یهودیان ایماندارا به عهد موسی اشاره ای نمی کرد.

۲۱:۲۶ «وارد معبد بزرگ شد» این کار مشکل ساز شد، نه حل کننده آن!

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۱: ۲۷-۳۶

۲۷ هنوز دوره هفت روزه تطهیر به پایان نرسیده بود که بعضی از یهودیان مقیم استان آسیا پولس را در معبد بزرگ دیدند. آنان مردم را تحریک کردند و پولس را گرفتند ۲۸ و فریاد زدند: «ای مردان اسرائیلی کمک کنید، این همان کسی است که در همه جا برضد قوم ما و شریعت موسی و این مکان تعلیم می دهد و از آن گذشته یونانیان را نیز به این معبد بزرگ آورده و این مکان مقدّس را ناپاک کرده است.» ۲۹ (آنان قبلاً تروفیمس از اهالی افسس را همراه پولس در شهر دیده بودند و تصوّر می کردند که پولس او را به معبد بزرگ آورده است.) ۳۰ تمام شهر شلوغ شد، مردم هجوم آوردند و پولس را گرفته از معبد بزرگ بیرون کشیدند و فوراً درهای معبد بزرگ بسته شد. ۳۱ وقتی مردم در صدد قتل او بودند، به فرمانده هنگ رومی خبر رسید که همه ساکنان اورشلیم شورش کرده اند. ۳۲ او بی درنگ با سربازان و افسران خود به سوی جمعیت شتافت. وقتی یهودیان فرمانده و سربازان را دیدند از زدن پولس دست برداشتند، ۳۳ در این موقع سرهنگ به پولس نزدیک شد و او را دستگیر ساخت و دستور داد که او را با دو زنجیر ببندند. آنگاه او پرسید: «این مرد کیست و چه خطایی کرده است؟» ۳۴ بعضی از آنان با صدای بلند یک چیز می گفتند و بعضی ها چیز دیگر و چون به علت جنجال بسیار نتوانست از حقیقت امر مطلع شود، فرمان داد که او را به سربازخانه ببرند. ۳۵ وقتی به پله های پادگان رسیدند، سربازان به سبب خشم جماعت مجبور شدند پولس را روی شانه های خود حمل کنند ۳۶ زیرا مردم به دنبال آنان افتاده و دائماً فریاد می زدند: «او را بکشید.»

۲۱: ۲۷ «یهودیان مقیم آسیا» دشمنان قدیمی پولس نیز برای برگزاری عید به اورشلیم آمده بودند. اکنون پولس تحت پوشش یهودی گرایان قرار داشت.

۲۱: ۲۸ «آن کس که ... تعلیم می دهد» یهودیان آسیا تعلیم پولس را خلاف یهودیت تفسیر می کردند در حالیکه تعلیم او مربوط به تحقق وعده های عهد عتیق بود. اتهاماتی که به استیفان زده می شد مشابه همین اتهامات بود (ر.ک. ۶: ۱۳). امکان دارد در آن زمان خود پولس آنها را بیان کرده باشد؛ او مطمئناً با این موضع گیری الهیاتی یهودیان پیش از برخوردش با مسیح در راه دمشق موافقت داشت (ر.ک. ۲۲: ۲۰). پیام مسیح، شریعت گرایی و آیین گرایی محبوب یهودیت قرن اول را از اساس تخریب می کرد! این امر نه تنها در پیام جهانی پولس - یعنی نجاتی که در دسترس "همه آدمیان" است - نمود می یافت بلکه در تأکید الهیاتی نجات انحصاری فقط به واسطه ایمان به مسیح نیز مشاهده می شد.

□ «از آن گذشته یونانیان را نیز به این معبد بزرگ آورده» این واقعه فرضی در صحن اسرائیل در ضلع جنوب شرقی که نذرهای نذیره ها به انجام می رسید، رخ داده بود. غیریهودیان قانوناً می توانستند فقط به صحن خارجی معبد داخل شوند. اتهام وارده کذب و دروغ بود (ر.ک. آیه ۲۹).

۲۱: ۲۹ «تروفیمس افسسی» یهودیان آسیا (افسس) به خوبی پولس و تروفیمس را می شناختند اما از قبل برای کشتن پولس، دسیسه چیده بودند (ر.ک. ۲۰: ۳). اکنون موقعیت را برای به بازی گرفتن نژادگرایی متعصبانه یهودیان مناسب می دیدند تا به منظور خود برسند (ر.ک. آیات ۳۱، ۳۶).

۲۱: ۳۰ «درها را بستند» ظاهراً دروازه میان صحن اسرائیل و صحن زنان را بستند. معبد، نیروی انتظامی خود را از لاویان داشت که نظم معبد را حفظ می کردند. این عمل به سبب (۱) نگهداری معبد از بی حرمت شدن یا (۲) بازداشتن پولس از تلاش برای بازگشت به معبد برای حفظ ایمنی اش، انجام گرفت.

این یهودیان دقیقاً به روش ازدحام مردم در افسس عمل کردند.

۲۱:۳۱ «فرمانده هنگ رومی» در اصل او فرمانده یک هزار سرباز بود. این بالاترین منصب رسمی در ارتش (سواره نظام) روم محسوب می شد که در روزهای عید هنگامی که جمعیت به سه برابر شمار معمول ساکنین اورشلیم افزایش می یافت، در آنجا مستقر می گردید. وظیفه او برقرار نظم بود.

□ «هنگ» آنها در قلعه آنتونیا که مسلط و مشرف به صحن معبد بود اقامت داشتند. این قلعه توسط هیروودیس کبیر به عنوان یک قصر ساخته شد، اما رومیان از آن به عنوان استقرارات نظامی خود استفاده می کردند (ر.ک. کتاب یوسفوس: Wars 5.5.8).

۲۱:۳۲ «با سربازان و افسران» افسر یا یوزباشی در اصل فرمانده یکصد سرباز بود. قلعه آنتونیا مشرف به محوطه معبد بود. شمار زیادی از سربازان و نظامیان خصوصاً در روزهای عید، در این قلعه مستقر می شدند.

۲۱:۳۳ «او را با دو زنجیر ببندند» این کار می توانست به دو معنا باشد: (۱) دستها و پاهای او را بستند یا (۲) میان دو سرباز رومی او را بستند. ظاهراً سربازان پنداشتند که او یک یاغی و شورشگر است (ر.ک. آیه ۳۸).

۲۱:۳۴-۳۵ نشانگر خشونت و هیجان ازدحام مردم است (ر.ک. آیه ۳۰).

۲۱:۳۵ «پله های پادگان» به این پلکان که از قلعه آنتونیا به داخل محوطه معبد کشیده می شد، به طور تلویحی در آیه ۳۲ نیز با عبارت "بر سر ایشان تاخت" اشاره شده است. دو پلکان از قلعه به دو قسمت متفاوت معبد منتهای می گردید. رومیان می خواستند هرگونه شورشی را به سرعت فروبشانند. روزهای عید معمولاً روزهای ناآرامی ملی بود.

۲۱:۳۶ «او را هلاک کن» اینها همان سخنانی است که جمعیت برای عیسی نیز سردادند (ر.ک. ۲۲:۲۲؛ لوقا ۲۳:۱۸؛ یوحنا ۱۹:۱۵). چند عبارت مترادف توسط یهودیان و رومیان در مورد پولس و عیسی به کار رفته است.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۱:۳۲-۴۰

۳۷ هنوز وارد سربازخانه نشده بودند که پولس رو به سرهنگ کرد و پرسید: «اجازه می دهی چیزی بگویم؟» سرهنگ پاسخ داد: «تو یونانی هم می دانی؟! ۳۸ پس تو آن مصری ای نیستی که چندی پیش فتنه ای برپا کرد و چهارهزار آدمکش را با خود به بیابان برد.» ۳۹ پولس گفت: «من یهودی هستم، اهل شهر طرسوس قلیقیه و تبعه یک شهر بزرگ و مهم هستم. خواهش می کنم اجازه بده تا با مردم صحبت کنم.» ۴۰ وقتی فرمانده به او اجازه داد، او بالای پله ایستاد و بلند کردن دست خود از جمعیت خواست ساکت باشند و همین که کاملاً ساکت شدند، به زبان عبری خطاب به آنان چنین گفت:

۲۱:۳۷ «آیا زبان یونانی را می دانی» فرمانده از اینکه پولس به زبان یونانی Koine سخن می گفت، شگفت زده شد، زیرا ظاهراً می پنداشت که پولس یک مصری شورشی است که قبلاً درباره اش اخباری شنیده بود (ر.ک. آیه ۳۸ و کتاب یوسفوس: Antiq. 2:13:5; 20:8:6). این شورش مصر در میان سالهای ۵۲-۵۷ م. صورت گرفت.

۲۱:۳۸ «آدمکش» این واژه لاتینی *sicarii* به معنی آدمکشان یا چاقو کشان است. در دوره عهد جدید، آنها را معمولاً "غیوران" می خواندند (ر.ک. لوقا ۶:۱۵؛ اعمال ۱:۱۳). آنان گروهی از یهودیان سرسپرده بودند که در نظر داشتند با خشونت دولت روم را سرنگون کنند.

آقای A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament*، جلد سوم، صفحه ۳۸۲ اشاره می کند که این واژه توسط یوسفوس برای توصیف پیروان شورشی مصری مزبور به کار می رفت (ر.ک. یوسفوس، Wars 2:13:5؛ Antiq. 20:8:6,10).

۲۱: ۳۹ «شهری که بی نام و نشان نیست» ضرب المثلی (*litotes*) که پولس به منظور اشاره به شهروندی خود در یک شهر دانشگاهی معروف جهانی، مورد استفاده قرار داد. پیش از آن در اداره حکومت روم، یک شخص نمی توانست در عین حال تبعه یک شهر غیررومی و یک شهر رومی باشد، اما در زمان پولس این قانون تغییر کرده بود. متن چیزی در مورد تحت تأثیر قرار گرفتن افسر رومی نمی گوید.

۲۱: ۴۰ «به او اجازه داد» فرمانده مزبور همچنان می خواست بداند دلیل اینهمه غوغا چیست!

□ «به زبان عبری خطاب به آنان چنین گفت» پولس با ازدحام مردم به زبان آرامی سخن گفت (یهودیان طی سالهایی که تحت حکومت ایران بودند، زبان آرامی را آموختند). این کار جمعیت را مدتی ساکت گردانید (ر.ک. ۲: ۲۲).

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا پولس با وجود هشدار انبیا در شهرهای مختلف در مورد اینکه به اورشلیم نرود، باز هم به اورشلیم رفت؟
۲. یهودیان ایماندار باید با عهد موسی چگونه ارتباطی داشته باشند/می داشتند؟
۳. آیا اتهامات یهودیان آسیا علیه پولس در آیه ۲۸ الف صحت داشت؟
۴. آیا سخن فرمانده رومی (آیه ۳۹) تلویحاً نشان می دهد که شمار کمی از یهودیان به زبان یونانی سخن می گفتند یا اینکه او می پنداشت پولس شخصی مصری است؟



**کارهای رسولان فصل ۲۲**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
سخنرانی پولس برای مردم اورشلیم	دفاع پولس (۵:۲۲-۳۷:۲۱)	بازداشت و دفاع پولس (۲۹:۲۲-۲۷:۲۱)	خطابه به جمعیت اورشلیم ۲۱:۲۲-۳۷:۲۱	دفاع پولس ۵:۲۲-۳۷:۲۱
۵-۱:۲۲		۲:۲۲		
	۵-۳:۲۲	۵-۳:۲۲		
	سخنان پولس درباره ایمان خود به مسیح			سخنان پولس درباره ایمان خود به مسیح
۱۱-۶:۲۲	۱۱-۶:۲۲	۱۱-۶:۲۲		۱۱-۶:۲۲
۱۶-۱۲:۲۲	۱۶-۱۲:۲۲	۱۶-۱۲:۲۲		۱۶-۱۲:۲۲
	فراخواندگی پولس برای موعظه به غیریهودیان			مأموریت پولس در میان غیریهودیان
۲۱-۱۷:۲۲	۲۱-۱۷:۲۲	۲۱-۱۷:۲۲		۲۱-۱۷:۲۲
	پولس، تبعه روم		تابعیت رومی پولس	پولس و سرهنگ رومی
۲۹-۲۲:۲۲	۲۵-۲۲:۲۲	۲۹-۲۲:۲۲	۲۹-۲۲:۲۲	۲۹-۲۲:۲۲
	۲۶:۲۲			
	۲۷الف:۲۲			
	۲۸ب:۲۲			
	۲۹:۲۲			
حضور در برابر شورای یهود	پولس در حضور شورای یهود		دو دستگی شورای یهود	پولس در حضور شورای یهود
(۱۱:۲۳-۳۰:۲۲)	(۱۱:۲۳-۳۰:۲۲)			(۱۱:۲۳-۳۰:۲۲)
۳۰:۲۲	۳۰:۲۲	۳۰:۲۲	۱۰:۲۳-۳۰:۲۲	۵:۲۳-۳۰:۲۲

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

## مطالعه عبارات و واژگان

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۲: ۱

۱ «ای برادران و پدران، به دفاعی که هم اکنون به عرض شما می‌رسانم توجه فرمایید.»

۱:۲۲

NASB

«پدران و برادران»

NKJV

«مردان، پدران و برادران»

NRSV

«پدران و برادران»

TEV

«هم ایمانان یهودی من»

NJB

«پدران و برادران من»

کتاب *A Translator's Handbook on the Acts of the Apostles* نوشته Newman and Nida بیان می‌دارد که این

اشاره تلویحی به اشخاصی هم سن پولس یا مسن تر از اوست (ر.ک. صفحه ۴۱۹). من معتقدم که عبارت فوق یک اصطلاح رایج بوده (ر.ک. ۲:۷) زیرا پولس در آن زمان بیش از ۶۰ سال عمر داشت که یقیناً حداقل سن جمعیت اینقدر نبوده است.

احتمالاً ایماندارانی نیز در میان جمعیت حضور داشتند و اصطلاح "برادران" منحصرأ اشاره به آنهاست. اما در عین حال پولس همواره خود را با هم نژادان و هم ملیتهایش یکی می‌دانست (ر.ک. روم. ۹: ۱-۵؛ فیل. ۳: ۵).

□ «دفاع» واژه انگلیسی "apology" (مدافعه) از واژه یونانی (*apologia*) ریشه می‌گیرد. معنای این واژه دفاع شفاهی رسمی و قانونی است. این واژه چند بار در اعمال در رابطه با محاکمه پولس به کار رفته است (ر.ک. ۲۵: ۱۶؛ II تیمو. ۴: ۱۶).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۲: ۲

۲ وقتی آنها دیدند پولس به زبان عبری با ایشان صحبت می‌کند ساکت تر شدند و گوش دادند. پولس ادامه داد و گفت:

۲:۲۲ «زبان عبری» اشاره به زبان آرامی است. تمامی واژه هایی که در اناجیل به صورت جمع آمده اند، جاهایی هستند که عیسی در واقع به زبان آرامی سخن گفته است. آرامی زبان هم ریشه عبری باستانی بود. پارسیان و ایرانیان در زمان امپراتوری پارس به این زبان سخن می‌گفتند.

یهودیان آن را هنگامی که تحت سلطه ایشان بودند، آموختند. به عنوان مثال، در نحμία ۸ جایی که عزرا شریعت موسی را به زبان عبری می خواند، لایوان می بایست آن را به زبان آرامی برای مردم ترجمه می کردند (ر.ک. نحμία ۸: ۷).

□ «بیشتر خاموش شدند» مقدمه مودبانه پولس همراه با آرامی روان وی و نیز این واقعیت که بسیاری در این جمعیت یا او را می شناختند یا درباره اش خبرهایی شنیده بودند، موجب آرامش ناگهانی و تعجب آوری گردید. آنها می خواستند سخنان او را بشنوند- و این یک فرصت کامل برای موعظه به رهبران یهود بود.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۲: ۳-۵

۳ «من یک نفر یهودی از اهالی طرسوس قلیقیه هستم. ولی در این شهر در خدمت غمالائیل پرورش یافتم و شریعت آبا و اجدادی خود را به دقت آموختم و همین طور که شما امروز نسبت به خدا غیور و متعصب هستید، من هم بودم. ۴ و تا سرحد مرگ پیروان این طریقه را آزار می رسانیدم و آنان را، چه مرد و چه زن به زندان می انداختم. ۵ کاهن اعظم و تمام اعضای شورای یهود شاهد هستند، زیرا ایشان نامه هایی به برادران یهودی در دمشق نوشتند و مرا به آنها معرفی کردند. پس من به طرف دمشق رفتم تا مسیحیان را دست بسته، برای تنبیه به اورشلیم بیاورم.

۲۲: ۳ «من یک نفر یهودی از اهالی طرسوس ... هستم» پولس می کوشد تا خود را با این جمعیت یهود هماهنگ سازد. او بر یهودی بودنش تأکید می ورزد (ر.ک. II قرن. ۱۲: ۲۲؛ فیل. ۳: ۵-۶). شنوندگان در اینجا درمی یابند که او یک یهودی یونانی زبان دیازپورا (ساکن خارج اورشلیم) است.

عبارت "تربیت یافته بودم" می تواند اشاره دستوری به دو مورد باشد: (۱) در طرسوس یا (۲) در اورشلیم. در مضمون اصلی، منظور اورشلیم است. اگر چنان باشد، تربیت پولس در فن بیان یونانی می بایست در جایی خارج از طرسوس صورت گرفته باشد.

□ «در خدمت غمالائیل» او یک معلم یهود بسیار مورد احترام بود (ر.ک. ۵: ۳۴-۴۰). چند بار در کتاب *Mishnah* از وی نقل قول شده است. پولس از شاگردان مدرسه تربیت معلم یهود آزاد اندیش هیلل بود. جمعیت حتماً در اینجا تحت تأثیر بیان او قرار گرفتند. به عنوان خاص: غمالائیل در ۵: ۳۴ مراجعه کنید.

□ «شریعت آبا و اجدادی خود را به دقت آموختم» می تواند بدین معنا باشد که او یک فریسی بود (ر.ک. ۲۳: ۶؛ ۲۶: ۵) و آن هم یک فریسی غیور (ر.ک. آیه ۴). فریسیان سرسپرده اطاعت دقیق از سنتهای شفاهی (تلمود) بودند که عهد عتیق را تفسیر می نمودند.

□ «چنانکه همگی شما امروز می باشید» پولس سرسپردگی و اشتیاق ایشان را ارج می نهد. او هم زمانی مثل آنان بود!

□ ۲۲: ۴ «آزار می رسانیدم» پولس در تمامی مدت خدماتش با افسوسی عمیق به عقب و به آن روزها می نگریست. او اغلب اوقات به آن دوران اشاره می کند (ر.ک. ۹: ۱، ۱۳، ۲۱؛ ۲۲: ۴، ۱۹؛ ۲۶: ۱۰-۱۱؛ غلا. ۱: ۱۳، ۲۳؛ فیل. ۳: ۶؛ I تیمو. ۱: ۱۳). پولس بخاطر همین آزارها، معمولاً به خود به عنوان کمترین مقدسین اشاره می نماید (ر.ک. I قرن. ۱۵: ۹؛ II قرن. ۱۲: ۱۱؛ افس. ۳: ۸؛ I تیمو. ۱: ۱۵).

□ «این طریقت» اولین نام کلیسای مسیح (ر.ک. ۹: ۲؛ ۱۹: ۹، ۲۳؛ ۲۲: ۴؛ ۲۸: ۱۴، ۲۲). اشاره به (۱) عیسی به عنوان "راه" است (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۶) و (۲) به ایمان کتاب مقدسی به عنوان روش زندگی اشاره می نماید (ر.ک. تث. ۵: ۳۲-۳۳؛ ۳۱: ۲۹؛ مز. ۲۷: ۱۱؛ اش. ۳۵: ۸).

□ «**تا سرحد مرگ**» پولس برخی از مسیحیان را کشت (ر.ک. ۸، ۱، ۳؛ ۲۶: ۱۰)؛ او مطمئناً در مرگ استیفان دخیل بود (ر.ک. ۷: ۵۸، ۸۱).

□ «**آنان را، چه مرد و چه زن به زندان می انداختم**» این واقعیت که پولس با زنان نیز چنین رفتاری می کرد، شدت آزارهای او را به راستی نشان می دهد.

۲۲: ۵ پولس شرایطی را که او را به دمشق کشانید و ایمان خود به مسیح در راه دمشق را با ایشان در میان می گذارد (ر.ک. اعمال ۹).

□ «**تمامی اهل شورا**» در اصل "تمامی مشایخ" می باشد. لوقا از همین اصطلاح برای شورای یهود نیز در لوقا ۲۲: ۶۶ استفاده کرده است. این واژه معمول برای اشاره به بدنه رسمی رهبران یهود در اورشلیم (شورای عالی یهود) نیست. احتمالاً منظور او یک زیر کمیته اداری از آن بدنه اصلی می باشد.

□ «**از ایشان نامه ها ... گرفته**» F. F. Bruce در کتاب *Paul: Apostle of the Heart Set Free*، بحث و مدارک جالبی از حقوق شورای عالی یهود در مورد استرداد مجرمین کشورهای اطراف ارائه می دهد (صفحه ۷۲). برای کسب اطلاعات بیشتر به I مکاب. ۱۵: ۲۱ و یوسفوس مراجعه کنید.

□ «**آنانی ... که در آنجا باشند**» این عبارت به صورت تلویحی نشان می دهد که آنها ایمانداران یهودی بودند که از آزارهای اورشلیم گریخته بودند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۲: ۶-۱۱

۶ «اما وقتی در راه بودم، در حوالی دمشق نزدیک ظهر ناگهان نور عظیمی از آسمان به اطراف من درخشید. ۷ من به زمین افتادم و صدایی شنیدم که می گفت: 'ای شائول، شائول، چرا بر من جفا می کنی؟' ۸ پرسیدم: 'ای خداوند، تو کیستی؟' پاسخ داد: 'من عیسای ناصری هستم که از تو جفا می بینم.' ۹ همراهان من نور را می دیدند اما صدای کسی را که با من صحبت می کرد، نمی شنیدند. ۱۰ من عرض کردم: 'خداوندا چه کنم؟' خداوند به من گفت: 'برخیز و به سوی دمشق برو و در آنجا کارهایی که به تو واگذار می شود به تو گفته خواهد شد.' ۱۱ چون به علت درخشندگی آن نور من نابینا شده بودم، همراهانم دست مرا گرفتند و مرا با خود به دمشق بردند.

۲۲: ۶ «**نزدیک ظهر**» این جزئیات اضافه ای است که در ۹: ۳ وجود ندارد.

۲۲: ۷ این آیه تکرار ۹: ۴ است.

۸: ۲۲

NASB, NJB «**عیسای ناصری**»

NKJV, NRSV, TEV «**عیسی ناصری**»

پولس شهادت زندگی خود را سه بار در کتاب اعمال ۹: ۱-۳۱؛ ۲۶: ۴-۱۸ در میان می گذارد اما فقط در اینجا و ۲۶: ۹ است که از این اسم خاص استفاده می کند. اسم مزبور در اصل "عیسی نذیره" است. این اصطلاحی استهزا آمیز در ۲۴: ۵ و اصطلاح نبوتی در متی ۲: ۲۳ می باشد. احتمال دارد که این اسم جغرافیایی نبوده و فقط عنوانی مسیحایی برگرفته از "شاخه" (ر.ک. اش. ۱۱: ۱؛ ۵۳: ۲) از واژه عبری *ne-ser* باشد (ر.ک. ارم. ۲۳: ۵؛ ۳۳: ۱۵؛ زکر. ۳: ۸؛ ۱۲: ۱). به عنوان خاص در ۲: ۲۲ مراجعه کنید.

□ «که تو بر وی جفا می کنی» به یادداشت کامل در ۹: ۴ مراجعه کنید.

۹: ۲۲ «ولی آواز ... را نشنیدند» هیچگونه تناقضی بین روایتهای ۹: ۷ و ۹: ۲۲ از ایمان آوردن پولس وجود ندارد. دستور زبان یونانی تلویحاً نشان می دهد که آنها صدایی را شنیدند، اما آن را درک نکردند. بحث جامعتری از این موضوع در ۹: ۷ انجام شده است.

۱۰: ۲۲ «آنچه برایت مقرر است» یک فعل وصفی مجهول کامل. نمایانگر سخنان عیسی به حنانيا در ۹: ۱۵-۱۶ می باشد. پولس مأموریت بسیار مخصوص و دشواری داشت که می باید به انجام می رسانید. مأموریت و رویای پولس از چند جنبه شبیه و پیرو انبیای عهد عتیق است (ر.ک. اش. ۶؛ ارم. ۱؛ حزق. ۲-۳).

۱۱: ۲۲ به اعتقاد من همین واقعه موجب "خاری در جسم" پولس گردید. برخی از نظریه های مربوط به خار جسم پولس عبارتند از:

۱. پدران کلیسای اولیه، لوتر و کالوین می گویند او مشکلات روحانی با طبیعت سقوط کرده اش ("در جسم") داشت
۲. کریسوستوم می گوید این یک مشکل با افراد دیگر بوده است (ر.ک. اعد. ۳۳: ۵۵؛ داو. ۲: ۳)
۳. برخی می گویند او بیماری صرع داشته است
۴. سِر ویلیام رمزی می گوید پولس دچار مالاریا بوده است
۵. من فکر می کنم او التهاب کره چشم داشته، مشکل رایج چشم (غلا. ۴: ۱۳-۱۵ را با ۶: ۱۱ مقایسه کنید) که در اثر کوری اولیه وی در راه دمشق ایجاد و یا تشدید شده است (ر.ک. اعمال ۹، احتمالاً اشاره به عهد عتیق در یوشع ۲۳: ۱۳).

#### متن مژده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۲: ۱۶-۱۲

۱۲ در دمشق شخصی به نام حنانيا زندگی می کرد که مردی خدا ترس، مطیع شریعت، و در بین یهودیان نیک نام بود. ۱۳ او نزد من آمد و در کنار من ایستاد و گفت: 'ای برادر شائول، بینا شو.' که فوراً بینا شدم و به او نگاه کردم. ۱۴ او ادامه داده گفت: 'خدای نیاکان ما تو را برگزیده است تا اراده او را درک نمایی و بنده عادل او را ببینی و صدای او را از دهان خودش بشنوی، ۱۵ زیرا تو در برابر همه جهانیان شاهد او می شوی و به آنچه دیده و شنیده ای شهادت خواهی داد. ۱۶ حالا چرا معطل هستی؟ برخیز، تعمید بگیر و به خدا روی آور و از گناهان خود پاک شو.'

۱۲: ۲۲ توصیف بسیار کاملتری از حنانيا از ۹: ۱۰ است. او شخصی عادی معرفی شده که ظاهراً مانند پولس به معیارهای شریعت موسی بسیار سرسپرده بود. شاید تلویحاً اشاره به فریسی بودن او داشته باشد. لوقا شمعون را که در هنگام کودکی عیسی، او را در معبد ملاقات کرد، نیز به همین شکل توصیف می کند (ر.ک. لوقا ۲: ۲۵). لوقا به همین شکل یهودیان دیازپورا را که در روز پنتیکاست به اورشليم آمده بودند، در هنگام نزول قدرتمندانه روح القدس، وصف می نماید (ر.ک. اعمال ۲: ۵). لوقا سومین بار مردانی را که استیفان را پس از سنگسار شدن دفن کردن به همین ترتیب توصیف می کند (ر.ک. اعمال ۸: ۲).

بنابراین، اصطلاح مزبور به اندازه ای پیرو صادق یهودیت را توصیف می کند، مربوط به فرد ایماندار به مسیح نمی شود. او در ۹: ۱۰ "شاگرد" خوانده شده است، لذا او به مسیح ایمان آورده بود. با این وجود هرچند مسیحی بود، هنوز به جماعت یهودی دمشق احترام می گذاشت.

۱۳: ۲۲ خدمت حنانيا به پولس نشان می دهد که هیچگونه تقسیم بندی روشنی در ایمانداران عهد جدید بین روحانیون (گروهی که به خدمتی خاص دستگذاری شده اند) و افراد عادی وجود ندارد. سخنانی که عیسی به حنانيا گفت، به او اقتدار بخشید تا:

۱. بر پولس دست بگذارد (ر.ک. ۹: ۱۰) و فرمان شفا بدهد (فعل امر معلوم ماضی نامعین، آیه ۱۳)
۲. اراده و خواست عیسی برای خدمت پولس را آشکار سازد (آیه ۱۵)

۳. به پولس بگوید که تعمید یابد (ممکن است پولس طبق آنچه یهودیان از گروندگان به یهودیت می خواستند، شخصاً خود را تعمید داده باشد، فعل امری میانی ماضی نامعین، آیه ۱۶)
۴. وسیله شود تا پولس پر از روح القدس گردد (ر.ک. ۹: ۱۷)

می توانید احساس کنید که حنایا وقتی به آن جانی آزارگر می گوید "برادر شائول" (ر.ک. ۹: ۱۳-۱۴) چگونه قلبش می زند.

۱۴: ۲۲ «**خدای پدران ما**» این عبارت خدایی را که یهودیان می پرستند، وصف می کند. پولس می خواهد روشن سازد که شخص YHWH بدینوسیله با او ارتباط برقرار کرده و بواسطه پسرش عیسی وی را مأمور ساخته بود. پولس را هیچ خدای دیگری بجز خدای یهود فرانخوانده بود!

▣ «**اراده او را درک نمایی**» اراده نخست خدا برای انسانها این است که عیسی را بشناسند (ر.ک. یوحنا ۶: ۲۹، ۴۰). خواست بعدی خدا برای پولس این بود که به عنوان رسول بشارت دهنده به غیر یهودیان خدمت کند (ر.ک. ۹: ۱۵؛ ۲۲: ۱۵؛ ۲۶: ۱۶).

▣ «**آن عادل را ببینی**» عنوان مسیحایی است (ر.ک. مز. ۴۵؛ ۷۲؛ اعمال ۳: ۱۴؛ ۷: ۵۲؛ I یوحنا ۲: ۱). پولس افتخار دیدن مکاشفه شخصی از عیسای جلال یافته را داشت (همانند استیفان، ر.ک. ۷: ۵۵-۵۶). به عنوان خاص: عدالت در ۳: ۱۴ مراجعه کنید.

▣ «**صدای او را از دهان خودش بشنوی**» گویی اشاره به صدایی از آسمان در آیه ۸ است، اما می تواند مربوط به آیات ۱۷-۲۱ نیز باشد. همچنین امکان دارد به چند روایی که پولس در طی خدماتش دید اشاره کند. به فهرستی که در آیات ۱۷-۲۱ اشاره شده، مراجعه فرمایید.

جالب است که در طی دوره میان ملاکی تا یحیای تعمید دهنده، در اسرائیل نبوتی وجود نداشت. در این دوره، یهودیان ایمان داشتند که خدا برای تأیید هر موضوعی از آسمان سخن می گوید (*Bath Kol*). YHWH از همین سازوکار و باور یهود برای تأیید پسرش چه به هنگام تعمید او (ر.ک. لوقا ۹: ۳۵) و چه در هنگام تبدیل هیأتش (ر.ک. متی ۱۷: ۵) استفاده کرد. ظهور عیسی بر پولس و خصوصاً آواز او، نیز می توانست مویده همین مقصود باشد (یعنی اطمینان بخشیدن به پولس که این کار YHWH است).

۱۵: ۲۲ «**در برابر همه جهانیان شاهد او می شوی**» حقیقتی حیرت انگیز که انجیل عیسی مسیح برای همه مردمان است (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ I تیمو. ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیطس ۲: ۱۱؛ II پتر. ۳: ۹؛ I یوحنا ۲: ۲). همگان این حقیقت را دریافت نمی کنند، همگان شاید آن را به روشنی نشوند، اما همه مشمول محبت خدا و قربانی عیسی و موعظه پولس می گردند؟ این درست همان حقیقتی است که جمعیت مزبور رد کردند (ر.ک. آیه ۲۲).

پولس از روی قصد از واژه "غیر یهود" که حنایا از سوی عیسی به او گفت (ر.ک. ۹: ۱۵)، استفاده نمی کند. او می دانست این اصطلاح خفت بار *go'im* (امتها یا ملت‌های دیگر) برای این گروه یهودیان بسیار محافظه کار باعث انفجار هیجان‌ناشان می گردد. تکبر نژادی و دید یک بعدی آنان حتی انبیای عهد عتیق را نیز از نبوتشان می ربود!

▣ «**آنچه دیده و شنیده‌ای**» فعل اول یک فعل وصفی معلوم کامل و فعل دوم یک فعل وصفی معلوم ماضی نامعین است. دلیل تفاوت این افعال مشخص نیست. به نظر می رسد که آنها همسان باشند. پولس خاطره این برخورد را تا آخر عمرش با خود داشت. او سه بار در کتاب اعمال به آن اشاره می کند. احتمالاً در همه کنیسه‌هایی که در آنها موعظه می کرد، یادی از این خاطره نیز می نمود.

۱۶: ۲۲ «**تعمید بگیر و ... از گناهان خود پاک شو**» هر دو فعل مورد استفاده افعال امری میانی ماضی نامعین هستند. اشاره به غسل‌های آیینی عهد عتیق است (ر.ک. لوقا. ۱۱: ۲۵، ۲۸، ۴۰؛ ۱۳: ۶، ۳۴، ۵۶؛ ۸-۹: ۱۵؛ ۵-۱۳، ۲۱-۲۲، ۲۷؛ ۱۶: ۲۶، ۲۸؛ ۱۷: ۱۵-۱۶؛ اعد. ۸: ۷، ۲۱؛

۱۹: ۱۹؛ ۲۳: ۱۱). از این اصطلاح در اینجا به عنوان نمادی از پاک شدن روحانی ما در مسیح استفاده شده است (ر.ک. I قرن. ۶: ۱۱؛ افس. ۵: ۲۶؛ تیطس ۳: ۵؛ عبر. ۱۰: ۲۲). تعمید اعتراف عمومی کلیسای اولیه به ایمان بود. بحث کاملتر الهیاتی را در ۲: ۳۸ ملاحظه کنید. توجه داشته باشید که آوای میانی در اینجا اشاره به تعمید (فعل امری میانی ماضی نامعین) و پاک شدن (فعل امری میانی ماضی نامعین) دارد. پولس نمی توانست گناهایش را بشوید، ولی می توانست خود را تعمید دهد (کاری که گروندگان به یهودیت می کردند). اغلب اوقات گفته می شود که فرورفتن در آب تنها روش ارائه شده توسط عهد جدید است (ر.ک. روم. ۶ و کول. ۲)، ولی در اینجا تعمید مربوط به تمثیل شستن می باشد (ر.ک. ۲: ۳۸؛ I قرن. ۶: ۱۱؛ افس. ۵: ۲۶؛ تیطس ۳: ۵؛ عبر. ۱۰: ۲۲). I پطرس. ۳: ۲۱ از لحاظ الهیاتی نشان می دهد که تعمید یک نماد است نه یک آیین دینی!

مفسران امروزی باید مراقب باشند که بیش از اندازه بر آوای مجهول یا میانی تفسیرشان را بیان نکنند زیرا این آواها در شکل مجهول یونانی Koine ترکیب می شدند. می گویند پولس در ۹: ۱۸ تعمید یافت (فعل مجهول). موضوع اصلی شکل تعمید پولس نیست بلکه خود تعمید اوست که در اینجا موضوع اصلی را تشکیل می دهد!

□ «نام خداوند را خوانده» خواندن "نام خداوند" یک قاعده جادویی نیست بلکه بازشناسی مالکیت عیسی در جمع عمومی و آغاز ارتباط شخصی با اوست (وجه وصفی میانی ماضی نامعین است که به صورت امری به کار رفته)، که پی آمد آن دیدگاه و شیوه زندگی مسیح گونه می باشد. قاعده تعمید کلیسای اولیه این بود که تعمید گیرنده به طور شفاهی می گفت "عیسی خداوند است" (ر.ک. روم. ۱۰: ۹-۱۳؛ I قرن. ۱: ۲؛ II تیمو. ۲: ۲۲). کلید اصلی نه واژگان دقیق یا قاعده تعمید (آیین گرای دینی)، بلکه قلب تعمید گیرنده (ایمان، پذیرفتن) است. به یادداشت ۲: ۳۸ مراجعه کنید.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۲: ۱۷-۲۱

۱۷ «وقتی دوباره به اورشلیم آمدم، یک روز در معبد بزرگ دعا می کردم که به حالت خلسه فرو رفته ۱۸ و در رؤیا عیسی را دیدم که می گفت: 'زود برخیز و اورشلیم را ترک کن. زیرا اهالی این شهر شهادت تو را درباره من قبول نخواهند کرد.' ۱۹ گفتم: 'خداوندا اینان می دانند که من همان شخصی هستم که مؤمنان تو را به زندان می انداختم و در کنیسه ها آنان را می زدم ۲۰ و وقتی خون آن شاهد تو استیفان ریخته شد، من در آنجا ایستاده بودم و با آن کار موافقت کردم و مواظب لباسهای قاتلان او بودم.' ۲۱ اما او به من فرمود: 'برو، من تو را به جاهای دور و نزد ملل غیر یهود خواهم فرستاد.'»

۲۲: ۱۷-۲۱ نمونه دیگری از رویاهای مخصوص پولس است (ر.ک. ۱۸: ۹-۱۰؛ ۲۳: ۱۱؛ ۲۷: ۲۳-۲۴). در این متن، رویای مزبور با نبوت آیه ۱۴ همخوانی دارد.

۲۲: ۱۷ «وقتی دوباره به اورشلیم آمدم» در شهادت پولس در باب ۹ و هم اینجا، گویی تلویحاً اشاره به این امر است که او درست پس از ایمان آوردنش به اورشلیم بازگشته است، اما غلا. ۱: ۱۱-۲۴ نشان می دهد که او مدتی بعد (حدود سه سال بعد) به اورشلیم رفته است.

□ «به حالت خلسه فرورفتم» به یادداشت ۱۰: ۱۰ مراجعه کنید.

۲۲: ۱۸ عیسی دو فعل امری معلوم ماضی نامعین در سخن عیسی به پولس وجود دارد: "بشتاب" و "روانه شو". هشدار عیسی در توطئه یهودیان یونانی زبان برای کشتن پولس تصویر می شود که در ۹: ۲۹ به ثبت رسیده است.

۲۲: ۱۹ «خداوند» مرجع دستوری آن می تواند "خدای پدران ما" (آیه ۱۴) یا "آن عادل" (آیه ۱۴) باشد. برداشت جمعیت یهودیان از این اصطلاح، YHWH بود ولی هر فرد ایمانداری در آنجا متوجه می شد که اشاره به عیسی است. انتقال این نام از YHWH به عیسی در نقل قولهای عهد جدید از عهد عتیق، مشهود است. این امر به ابهام ما از "خدای یگانه تثلیث" باز می گردد!

□ «من ... به زندان می انداختم و ... می زدم» افعال معلوم غیر کامل با حشو و زواید که نشانگر عمل مکرر در گذشته هستند. نگاه کنید به یادداشت کامل در ۲۲: ۴.

۲۲: ۲۰ به یادداشت ۷: ۵۸-۵۹ و ۸: ۱ مراجعه کنید. پولس اعمال گذشته دردناک خود را با افعال وصفی غیر کامل دارای حشو و زواید توصیف می نماید.

۱. در میان جمعیت ایستاده بود

۲. با سنگسار استیفان موافقت داشت

۳. مواظب لباسهای سنگسار کنندگان استیفان بود.

سخنرانی و مرگ استیفان تأثیر عمیقی بر پولس داشت.

۲۲: ۲۱ «من تو را به سوی اتمهای بعید می فرستم» اشاره ای آشکار به سفرهای بشارتی پولس و نهایتاً شهادت دادن وی در برابر صاحب منصبان دولتی روم در فلسطین و نیز در روم برابر شخص قیص است (ر.ک. ۲۳: ۱۱).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۲: ۲۲-۲۹

۲۲ جمعیت تا اینجا به او گوش می دادند، اما وقتی این جمله را به زبان آورد، بار دیگر فریاد کردند: «او را بکشید، چنین کسی نباید زنده بماند.»  
۲۳ در همان وقت که مردم با هیاهو لباسهای خود را در هوا تکان می دادند و گرد و خاک بلند می کردند، ۲۴ سرهنگ دستور داد، پولس را وارد سربازخانه نمایند و با تازیانه از او بازجویی کنند تا معلوم شود به چه علت این هیاهو علیه او برپا شده است. ۲۵ وقتی او را برای شلاق زدن بستند، پولس از سروانی که آنجا ایستاده بود پرسید: «آیا شما اجازه دارید یک نفر رومی را بدون آنکه محکوم شده باشد، بزنید؟» ۲۶ وقتی سروان این را شنید، نزد سرهنگ رفت و گفت: «هیچ می دانی چه می کنی؟ این مرد یکی از اتباع روم است.» ۲۷ سرهنگ نزد پولس رفت و از او پرسید: «بگو ببینم، آیا تو رومی هستی؟» پولس گفت: «آری.» ۲۸ سرهنگ گفت: «برای به دست آوردن این تابعیت من قیمت گزافی پرداخته ام.» پولس گفت: «اما من با آن به دنیا آمدم.» ۲۹ پس آنها که می خواستند از پولس بازجویی کنند، با عجله از آنجا دور شدند و سرهنگ هم، که به دستور او پولس را بسته بودند، وقتی فهمید او تبعه روم است، بسیار ترسید.

۲۲: ۲۲ تعصبات نژادی و مذهبی ایشان آشکار می گردد. همه انسانها نسبت به تاریخ و فرهنگشان جهت گیری می کنند.

۲۳: ۲۲

«لباس های خود را پرت می کردند» NASB

«لباس های خود را پاره می کردند» NKJV

«ردای خود را پرت می کردند» NRSV

«لباس خود را تکان می دادند» TEV

«رداهای خود را تکان می دادند» NJB



این دریدن و تکان دادن لباسها یا به هوا انداختن آنها همگی نشانه های عهد عتیق از سوگواری و ماتم علیه کفرگویی است ( *English* Lexicon, Louw and Nida, vol. 1, p. 213, ر.ک. ۱۴: ۱۴).

□ «**خاک به هوا می ریختند**» پولس خوش اقبال بود که سنگی در آنجا وجود نداشت. خاک بر سر ریختن نشانه ماتم و سوگواری بود (ر.ک. یوشع ۷: ۶؛ I سمو. ۱: ۲؛ ایوب ۲: ۱۲)، و در اینجا نشان از ماتم در اثر کفرگویی داشت (ر.ک. اش. ۴۷؛ مراثی ۲: ۱؛ میکا ۱: ۱۰).

۲۲: ۲۴ «**سرهنگ**» این واژه *chiliarch* یونانی است (ر.ک. آیات ۲۷-۲۹) به معنی رهبر ۱۰۰۰ سرباز، چنانکه واژه *centurion* (ر.ک. آیات ۲۵، ۲۶) به معنی رهبر ۱۰۰ سرباز می باشد. اما این اعداد نسبی هستند. او افسر مأمور هنگ رومی در اورشلیم بود.

□ «**سربازخانه**» اشاره به قلعه آنتونیا است که مشرف بر محوطه معبد و مرتبط با آن بود. این قلعه در دوران امپراتوری پارسیان در روزگار نحمیا ساخته شد (ر.ک. نحمیا ۲: ۸؛ ۷: ۲). هیروودیس کبیر نام مارک آنتونی را بر آن نهاد. در طی روزهای عید، جمعیت اورشلیم به سه برابر جمعیت معمول افزایش می یافت. رومیان سربازان زیادی از قیصریه به قلعه آنتونیا به منظور حفظ امنیت می فرستادند.

□ «**به تازیانه امتحان کنند**» تلویحاً می گوید: "با تازیانه از او اطلاعات بگیرند". تازیانه زدن شکل بی رحمانه ای از شکنجه بود. بسیاری زیر تازیانه جان می دادند. این شکنجه بسیار شدیدتر از شلاق زدن یهودیان یا چوب زدن رومیان بود. ترکه های چرمی بافته شده که در میانشان تکه های تیز آهنی، استخوان یا سنگ می گذاشتند، این تازیانه ها را تشکیل می داد.

۲۲: ۲۵ «**به ریمان می بستند**» معمولاً قربانیان را دولا می کردند و به تیر کوتاهی می بستند و بعد تازیانه می زدند.

□ «**آیا بر شما جایز است**» سربازان مزبور در آن میان از چند جنبه قوانینشان را زیر پا می گذاشتند: (۱) یک تبعه روم را نمی توانستند ببندند (ر.ک. ۲۱: ۳۳ و ۲۲: ۲۹)؛ (۲) یک تبعه روم را نباید تازیانه می زدند (ر.ک. *Livy, History 10:9:4; Cicero, Pro Rabirio* 12-13: 4) و نهایتاً (۳) پولس پیش از آن محاکمه و محکوم نشده بود (ر.ک. ۱۶: ۳۷).

۲۲: ۲۷ «**آیا تو رومی هستی؟**» تأکید بر ضمیر "تو" است. این سرهنگ رومی نمی توانست باور کند که پولس یکی از اتباع روم است.

۲۲: ۲۸ «**برای به دست آوردن این تابعیت من قیمت گزافی پرداخته ام**» هر شخص از سه راه می توانست تبعه روم شود: (۱) تولد؛ (۲) پاداش خدمت مخصوص به دولت روم؛ و (۳) خرید تابعیت (Dio Cassius, *Rom. Hist.* 60:17:5-6). اسم آن سرباز تلویحاً نشان می دهد که او تحت حکومت کلودیوس قیصر تابعیت روم را خریداری کرده و اینکه او فردی یونانی تبار بود (کلودیوس لیسپاس، ر.ک. ۲۳: ۲۶). مسالین، همسر کلودیوس قیصر، اکثر اوقات در مقابل دریافت مبلغی گزاف، تابعیت روم را می فروخت.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۲: ۳۰

۳۰ در روز بعد چون سرهنگ می خواست، علّت موضوع و حقیقت امر را بداند، بندهای پولس را باز کرد و دستور داد سران کاهنان و شورای یهود تشکیل جلسه دهند و سپس پولس را به آنجا آورد و از او خواست در برابر آنان بایستد.

۲۲:۳۰ «دستور داد سران کاهنان و شورای یهود تشکیل جلسه دهند» نشان دهنده قدرت روم است. شورای عالی یهود ناچار به تشکیل جلسه گردید، آن هم احتمالاً در قلعه آنتونیا. به نظر می رسد این جلسه غیررسمی و بدون تشریفات برگزار گردید.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا پولس حتی در برابر این جمعیت نیز می خواست از خود دفاع کند؟
۲. چرا لوقا سه بار شهادت ایمان آوردن پولس در راه دمشق را به ثبت می رساند؟
۳. استفاده از حنانیا توسط روح القدس چگونه توالی و نیابت رسولان را رد می کند؟
۴. رویاهای خاص پولس را فهرست وار بنویسید. چرا او محتاج به اینهمه ماوراءطبیعی بود؟
۵. چگونه حاصل دفاعیه پولس در برابر جمعیت معبد با نقشه خدا همخوانی دارد؟

**کارهای رسولان فصل ۲۳**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
حضور در برابر شورای یهود (۲۲: ۳۰-۲۳: ۱۱)	پولس در حضور شورای یهود (۲۲: ۳۰-۲۳: ۱۱)	پولس در حضور شورای یهود (۲۲: ۳۰-۲۳: ۱۰)	دودستگی شورای یهود	پولس در حضور شورای یهود ۵: ۲۳-۳۰: ۲۲
	۳-۱: ۲۳			
	۴: ۲۳			
	۵: ۲۳			
	۶: ۲۳			
	۹-۷: ۲۳			
	۱۰: ۲۳	اعزام پولس به قیصریه	توطئه علیه پولس	
۱۱: ۲۳	۱۱: ۲۳	۱۱: ۲۳	۲۲-۱۱: ۲۳	۱۱: ۲۳
دسیسه یهودیان علیه پولس ۱۵=۱۲: ۲۳	توطئه علیه جان پولس ۱۵=۱۲: ۲۳	۱۵=۱۲: ۲۳		توطئه علیه جان پولس ۲۲=۱۲: ۲۳
۲۲-۱۶: ۲۳	۱۸-۱۶: ۲۳	۲۲-۱۶: ۲۳		
	۱۹: ۲۳			
	۲۱-۲۰: ۲۳			
	۲۲: ۲۳			
انتقال پولس به قیصریه	اعزام پولس نزد فلیکس فرماندار		اعزام نزد فلیکس	اعزام پولس نزد فلیکس فرماندار
۲۵-۲۳: ۲۳	۲۵-۲۳: ۲۳	۲۵-۲۳: ۲۳	۳۵-۲۳: ۲۳	۳۰-۲۳: ۲۳
۳۰-۲۶: ۲۳	۳۰-۲۶: ۲۳	۳۰-۲۶: ۲۳		
۳۵-۳۱: ۲۳	۳۵-۳۱: ۲۳	۳۵-۳۱: ۲۳		۳۵-۳۱: ۲۳

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

## مطالعه عبارات و واژگان

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۳: ۱-۵

۱ پولس با دقت به اعضای شورا نگاه کرد و گفت: «برادران، من تا به امروز در حضور خدا با وجدانی پاک زندگی کرده‌ام.» ۲ در این هنگام حنایا کاهن اعظم به کسانی که در کنار پولس ایستاده بودند، دستور داد که به دهانش مشت بزنند. ۳ پولس به او گفت: «ای دیوار سفید شده، خدا تو را خواهد زد. تو آنجا نشسته‌ای که مطابق قانون در مورد من قضاوت نمایی و حالا برخلاف آن دستور می‌دهی که مرا بزنند.» ۴ حاضران گفتند: «به کاهن اعظم خدا اهانت می‌کنی؟» ۵ پولس گفت: «ای برادران، من نمی‌دانستم که او کاهن اعظم است. می‌دانم که تورات می‌فرماید: 'به پیشوای قوم خود ناسزا نگو.'»

۱: ۲۳

NASB, NRSV «با دقت توجه کردن»

NKJV «مشتاقانه نگاه کردن»

TEV «مستقیماً نگریستن»

NJB «بی وقفه نگریستن»

به یادداشت کامل در ۱: ۱۰ مراجعه کنید. لوقا اغلب از این اصطلاح استفاده می‌نماید. در اینجا در مورد پولس به کار رفته است. پولس فقط از این اصطلاح در II قرن. ۳: ۷، ۱۳ استفاده می‌کند.

□ «شورا» به عنوان خاص: شورای عالی یهود در ۴: ۵ مراجعه کنید.

□ «برادران» پولس چند بار یهودیان را "برادران" خطاب می‌کند (۱۳: ۲۶، ۳۸؛ ۲۲: ۱۱، ۱؛ ۵: ۲۳؛ ۱، ۵، ۶). یهودیان در ۱۳: ۱۵ پولس را برادر خطاب می‌نمایند. حنایا در ۹: ۱۷ و نیز کلیسای اورشلیم در ۲۱: ۲۰ او را برادر خواندند. اما یهودیان ایماندار نیز با همین عنوان خوانده می‌شوند (مثال: ۹: ۳۰؛ ۱۰: ۲۳؛ ۱۱: ۱، ۱۲؛ ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۳، ۷، ۱۳، ۲۲). این واژه مرتبط با عنوان "شاگرد" در ۱۱: ۲۹؛ ۱۸: ۲۷ است. همین عنوان در مورد ایمانداران یونانی در ۱۶: ۲، ۴۰ نیز به کار می‌رود. لذا عنوانی مبهم است و می‌بایست به متن یا گروه خاصی مرتبط باشد.

□ «در حضور خدا ... زندگی کرده‌ام» یک فعل اخباری میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم) کامل (ماضی نقلی) از ریشه یونانی *politeuo-* که واژگان انگلیسی "political or policy" (سیاسی یا سیاست) از آن گرفته شده‌اند. این اصطلاح دلالت ضمنی بر یک تبعه دارد (ر.ک. فیل. ۱: ۲۷). پولس تأکید می‌ورزد که با وفاداری مسئولیتهای یک فرد یهودی را در برابر خدا ادا کرده است.

۱:۲۳	
«با وجدانی کاملاً پاک»	NASB
«با وجدانی کاملاً نیک»	NKJV
«وجدانی پاک»	NRSV
«وجدان من کاملاً پاک است»	TEV
«با وجدانی کاملاً پاک»	NJB

پولس اغلب در رسالات به قرن‌تین از واژه "وجدان" استفاده می‌کند (ر.ک. I قرن. ۴: ۴؛ ۸: ۷، ۱۰؛ ۱۲: ۱۰؛ ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹؛ II قرن. ۱: ۱۲؛ ۴: ۲؛ ۵: ۱۱). این واژه به حس درونی اخلاقی از آنچه شایسته است و آنچه شایسته و مناسب نیست، اشاره دارد (ر.ک. اعمال ۲۳: ۱). وجدان می‌تواند تحت تأثیر زندگی گذشته ما و انتخابات ضعیفمان و یا تحت تأثیر روح خدا باشد. وجدان هدایتگری عیبی نیست، اما حدود ایمانی فردی ما را معین می‌کند. بنابراین ناراحت کردن وجدانی که حتی ضعیف یا به خطا باشد، مشکل ایمانی عمده‌ای را ایجاد می‌نماید. وجدان شخص ایماندار نیازمند آن است که هر چه بیشتر توسط کلام خدا و روح خدا شکل بگیرد (ر.ک. I تیمو. ۳: ۹). خدا ایمانداران را بوسیله نوری که دارند (چه ضعیف و چه قوی) داوری می‌کند، اما همه ما باید نسبت به کتاب مقدس و روح القدس گشاده باشیم تا نوری بیشتر بیابیم و در شناخت خداوند عیسی مسیح رشد کنیم.

□ «تا به امروز در حضور خدا» پولس در II قرن. ۱: ۱؛ II تیمو. ۱: ۳ نیز بر همین امر تأکید می‌کند. او به طمعکاری پیشین خود معترف است (ر.ک. روم. ۷: ۲۳، خصوصاً آیه ۷). بحث الهیاتی او در رومیان ۱-۸ بر اساس این است که هر انسانی از شریعت و وجدانش تخلفی کرده است (ر.ک. ۳: ۲۰؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۲۰).

۲:۲۳ «حنانیا کاهن اعظم» نامی به زبان عبری. او همان حنانیای لوقا ۳: ۲، یوحنا ۱۸: ۱۳ یا اعمال ۴: ۷ نیست، بلکه پس از او (حنانیا، پسر نِدِبائوس - Nedebaeus) توسط هیرودیسیس کالسیس که از ۴۷-۵۹ م. حکومت کرد، به این سمت منصوب گردید.

یوسفوس در نوشته‌هایش مطالب زیادی درباره این کاهن اعظم بیان می‌دارد:

۱. تاریخ انتصاب او به کهانت اعظم، *Antiq.* 20:5:2 و *Wars*, 2.12.6.
۲. تاریخ دستگیری و اعزام او و پسرش (حنا - Ananus) به روم، *Antiq.* 20.6.2.
۳. تاریخ کشته شدن او و برادرش توسط شورشیان، *Wars*, 2.17.9.

یوسفوس اغلب اوقات تنها منبع باستانی ما در مورد وقایع و افراد یهودی در فلسطین آن دوران است.

□ «به دهانش بزند» این به نشانه کفرگویی بود (ر.ک. یوحنا ۱۸: ۲۲).

۳:۲۳ «خدا تو را خواهد زد» این گفته با جزئیات زیاد در کتاب یوسفوس: *Wars* 2.17.9 به ثبت رسیده است.

□ «ای دیوار سفید شده» منظور پولس کاملاً مشخص نیست: (۱) یهودیان از این تمثیل برای ریاکاری استفاده می‌کردند (ر.ک. متی ۲۳: ۲۷) یا (۲) امکان دارد کنایه به حزق. ۱۳: ۱۰-۱۵ باشد.

□ «به ضد شریعت» شاید اشاره به لاو. ۱۹: ۱۵ باشد. همچنین به یوحنا ۷: ۵۱ مراجعه کنید.

۲۳: ۵ «ای برادران، من نمی دانستم که او کاهن اعظم است» فرضیه هایی که ندانستن پولس را اثبات می کنند عبارتند از: (۱) دید ضعیف چشم؛ (۲) پولس چند سال در خارج از اورشلیم به سر برده بود و با وی آشنایی نداشت؛ (۳) کاهن اعظم لباس رسمی نپوشیده بود و به این جهت قابل تشخیص نبود؛ (۴) پولس متوجه شخص سخنگو نشد؛ یا (۵) نامناسب بودن رفتار کاهن اعظم (ریشخند و طعنه).

□ «زیرا مکتوب است» پولس با نقل قول از خروج ۲۲: ۲۸، نشان می دهد که شریعت را می داند و به آن احترام می گذارد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۳: ۶-۱۰

۶ وقتی پولس فهمید که بعضی از آنان صدوقی و بعضی فریسی هستند، با صدای بلند گفت: «ای برادران، من فریسی و فریسی زاده‌ام و مرا به خاطر ایمان و امید به رستخیز مردگان در اینجا محاکمه می کنند.» ۷ با این سخن میان فریسیان و صدوقیان اختلاف افتاد و مردم به دو دسته تقسیم شدند. ۸ (صدوقیان منکر روز قیامت و وجود فرشته یا روح هستند ولی، فریسیان به وجود اینها اعتقاد دارند.) ۹ سر و صدای زیادی در مجلس بلند شد و چند نفر از علمای فرقه فریسی برخاسته گفتند: «ما در این مرد هیچ تقصیری نمی بینم. از کجا معلوم است که روح یا فرشته‌ای با او سخن نگفته باشد» ۱۰ اختلاف زیادتر شد و سرهنگ از ترس اینکه مبادا پولس را تکه تکه کنند، فرمان داد سربازان به مجلس وارد شوند و پولس را از میان جمعیت خارج ساخته و به سربازخانه ببرند.

۲۳: ۶ «فهمید» شاید پولس متوجه شد که نمی تواند حکم عادلانه ای از این کاهن اعظم صدوقی بگیرد.

□ «صدوقیان» به عنوان خاص در ۴: ۱ مراجعه کنید.

□ «فریسیان» پولس بیشتر فریسی بود (ر.ک. ۲۶: ۵؛ فیل. ۳: ۵-۶). به عنوان خاص در ۱۵: ۵ مراجعه کنید.

□ «برای امید و قیامت مردگان از من باز پرس می شود» پولس موضوع الهیاتی را که مورد اختلاف صدوقیان و فریسیان بود، مطرح ساخت. صدوقیان منکر زندگی پس از مرگ بودند، اما فریسیان آن را تأیید می کردند (ر.ک. ایوب ۱۴: ۱۴؛ ۱۹: ۲۳-۲۷؛ دان. ۱۲: ۲). این امر موجب بپا خاستن دو فرقه تشکیل دهنده شورا بر علیه همدیگر شد (ر.ک. آیات ۷-۱۰).

۲۳: ۷ «جماعت دو فرقه شدند» معنی اصلی این اصطلاح "پاره شدن" است (ر.ک. لوقا ۵: ۳۶؛ ۲۳: ۴۵). از آن به عنوان تمثیلی برای اختلاف در میان گروهها استفاده می شد (ر.ک. اعمال ۱۴: ۴؛ ۲۳: ۷). اختلاف میان این دو فرقه یهودی همواره غیرقابل رویت بود. پولس آتش زیر خاکستر را شعله ور کرد.

۲۳: ۸ «منکر... وجود فرشته یا روح» آیا این عبارت تلویحاً نشان می دهد که دو طبقه موجودات روحانی وجود دارند یا فقط یک طبقه؟ ریشه هر دو نظریه در کتاب مقدس مبهم است، ولی عبر. ۱: ۵، ۱۳ و ۱۴ بیان می دارد که هر دو طبقه در واقع یکی هستند. آنچه صدوقیان منکر می شدند، دوگانگی موجودیت روحانی نیکی و شرارت بود (دوگانگی رزق‌تشتی). فریسیان استادانه دیدگاه عهد عتیق را به دوگانگی ایرانی سخت و بی انعطاف بسط داده بودند و حتی گروه فرشتگان خیر و شر را نیز تشکیل داده بودند (هفت رهبر برای هر دسته).

۲۳: ۹ «کاتبان» اینها متخصصان قانونی شریعت شفاهی (تلمود) و مکتوب (عهد عتیق) بودند. اکثر آنان فریسی بودند.

□ «این شخص» استفاده از این عبارت اسمی در متن مزبور نشان می دهد که عبارت به طور خودکار منفی نیست.

□ «اگر» جمله شرطی نوع اول ناکامل یا جزئی است. کاتبان تأکید داشتند که پولس چیزی از عالم روح را به چشم دیده است ولی یقین نداشتند که چه دیده است. دفاع ناگهانی و نیرومند آنها از پولس نشان می دهد که تا چه اندازه نسبت به فرقه خودشان تعصب دارند. ظاهراً آنها از صدوقیان بیش از یک فریسی فرضاً خائن، بدشان می آمد.

به سبب آنکه این یک ساختار دستوری ناکامل است، در Textus Receptus پیرو نسخه های القبایی یونانی H,L و P جمله "با خدا جنگ نباید نمود" را از اعمال ۵: ۳۹ به آن افزوده است.

□ «فرمود تا سپاهیان پایین آمده، او را از میانشان برداشته ...» دولت روم تا کنون دوبار زندگی پولس را در اورشلیم نجات داده بود. جای تعجب نیست که پولس دولت را به عنوان خادم خدا می نگریست (ر.ک. روم. ۱۳). این امر می تواند به "مهارکنندگی" دولت در II تسا. اشاره داشته باشد.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۱: ۳۴

۱۱ در شب همان روز خداوند به پولس ظاهر شد و فرمود: «دل قوی دار، چون همان طور که در اورشلیم درباره من شهادت دادی در روم نیز باید جان کنی»

۲۳: ۱۱ «خداوند نزد پولس آمده» این هم یک روای شخصی دیگر برای تشویق پولس (ر.ک. ۱۸: ۹-۱۰؛ ۲۲: ۱۷-۱۹؛ ۲۷: ۲۳-۲۴). پولس خالی از نومی و شک نبود.

□ «خاطر جمع باش» فعل امری حال معلوم. در نوشته های لوقا فقط در اینجا از این اصطلاح استفاده شده است. حتماً پولس این رویا را با لوقا در میان گذاشته بود. عیسی چند بار از این اصطلاح استفاده کرد (ر.ک. متی ۹: ۲، ۲۲: ۱۴؛ ۲۷: ۱۶؛ یوحنا ۱۶: ۳۳).

□ «باید در روم هم شهادت دهی» اراده خدا برای پولس این بود که زندانی شود تا بتواند در برابر قیصر بایستد. انجیل در روم نیز موعظه خواهد شد (ر.ک. ۱۹: ۲۱؛ ۲۲: ۲۱)!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۱۲-۱۵: ۲۳

۱۲ وقتی روز شد، بعضی از یهودیان دور هم جمع شدند و سوگند یاد کردند که تا پولس را نکشند به هیچ خوردنی و یا نوشیدنی لب نزنند. ۱۳ در این توطئه بیش از چهل نفر شرکت داشتند. ۱۴ آنان نزد سران کاهنان و مشایخ رفتند و گفتند: «ما سوگند خورده ایم تا پولس را نکشیم لب به غذا نزنیم. ۱۵ بنابراین شما و اعضای شورا به بهانه اینکه می خواهید در سوابق پولس تحقیقات بیشتری نمایید، از سرهنگ تقاضا کنید او را فردا نزد شما بیاورد. ما ترتیبی داده ایم که او را قبل از اینکه به اینجا برسد، بکشیم.»

۲۳: ۱۲-۱۵ در این پاراگراف از میثاق ترور برخی از یهودیان اطلاع می یابیم. این هم یک نقشه قتل دیگر (ر.ک. آیه ۲۱) مانند آنچه است که یهودیان برای عیسی کشیدند.

۲۳: ۱۳ «بیش از چهل نفر» چهل یک عدد تمثیلی برای یهودیان در مورد مدت زمان طولانی و نامشخص بود، ولی اینجا در مورد تعداد نفرات آورده شده و احتمالاً دقیق است.

۲۳: ۱۴ «سران کاهنان و مشایخ» این روش دیگری برای اشاره به شورای عالی یهود بود. به عنوان خاص ۴: ۵ مراجعه کنید.

«ما سرسختانه عهد بستیم که به قسم خود متعهد باشیم»

«ما خود را به قسم بزرگی متعهد می‌دانیم»

«ما خیلی جدی خود را متعهد به قسم خود می‌دانیم»

«ما سرسختانه قسم یاد کرده‌ایم»

«ما سرسختانه قسم خورده‌ایم»

ترجمه های انگلیسی بالا کوشیده اند تا ضرب المثلی مشابه: "هر لعنتی که به زبان آوری به سر خودت می آید" را ترجمه کنند. این سوگندخوردگان پولس را نکشتند. نمی دانم، شاید هم تا به حد مرگ گرسنگی کشیدند! ظاهراً سنت و روایت شفاهی راهی برای گریز از این سوگندهای خونین داشت.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۳:۱۶-۲۵

۱۶ اما خواهرزاده پولس از این توطئه باخبر شد و به سربازخانه رفت و پولس را مطلع ساخت. ۱۷ پولس یکی از افسران را صدا زده گفت: «این جوان را نزد سرهنگ ببر، می‌خواهد موضوعی را به عرض او برساند.» ۱۸ سروان او را نزد سرهنگ برد و به او گفت: «پولس زندانی به دنبال من فرستاد و تقاضا کرد که این جوان را نزد شما بیاورم. او می‌خواهد موضوعی را به عرض برساند.» ۱۹ سرهنگ دست او را گرفته به کناری کشید و محرمانه از او پرسید: «چه می‌خواهی بگویی؟» ۲۰ او گفت: «یهودیان نقشه کشیده‌اند که از شما تقاضا نمایند پولس را فردا به شورا ببرید. بهانه آنان این است، که می‌خواهند در مورد او اطلاعات دقیقتری به دست آورند. ۲۱ به حرفهای آنان توجه نکنید، زیرا بیش از چهل نفر از ایشان در کمین او نشسته‌اند و قسم خورده‌اند که تا او را نکشند چیزی نخورند و نیشامند. آنان اکنون حاضر و آماده هستند و فقط در انتظار موافقت شما می‌باشند.» ۲۲ به این ترتیب سرهنگ آن جوان را مرخص کرد و به او اخطار نمود که نباید از اطلاعاتی که در اختیار او گذاشته است کسی باخبر شود. ۲۳ سپس سرهنگ دو نفر سروان را صدا زد و به آنها گفت: «دویست سرباز پیاده و هفتاد سواره نظام و دویست نیزه دار آماده کنید تا امشب ساعت نه به قیصریه بروند ۲۴ و چند اسب برای پولس حاضر کنید تا به این وسیله او را سالم به فلیکس فرماندار تحویل دهید.» ۲۵ او نامه‌ای هم به این شرح نوشت:

۲۳:۱۶ «خواهرزاده پولس» پاسخ سئوالات بسیار ما درباره خانواده پولس در پرده ای از سکوت باقی می ماند. چگونگی باخبر شدن وی نیست نامعلوم است. او نیز به احتمالی فریسی بود.

۲۳:۲۱ این حمله یقیناً شامل کشتن نگهبانان رومی نیز می گردید!

۲۳:۲۳ شمار سربازان همراه پولس ظاهراً یا (۱) ۲۰۰ سرباز پیاده، ۷۰ سواره نظام و ۲۰۰ نیزه دار؛ و یا (۲) ۲۰۰ نیزه دار و ۷۰ سواره نظام بوده است.

□ «نیزه‌دار» معنی واژه *dexiolabos* نامشخص است. در اصل به معنی "کسی که در جانب راست مسلح است" (*dexios*) می باشد. اشاره به نوعی سرباز با سلاحی سبک است (ر.ک. ترجمه NEB، که در پیروی از نسخه A نیزه یا کمان به کار برده است). در ترجمه NJB "نیروهای کمکی" آمده است. ممکن است اشاره به کسانی باشد که از سمت راست به زندانی بسته می شدند، یا حتی کسانی که اسب دوم را می بردند و یا حتی کسانی که پهلوئی یکان پیش می رفتند. اینهمه گزینه نشانگر آن است که مفسرین معاصر دقیقاً معنای عبارت مزبور را نمی دانند.



□ «ساعت سوم» آشکار منظور زمانبندی رومی است. آنها شب را از ساعت ۶ عصر آغاز می کردند و لذا ساعت سوم، یعنی ساعت ۹ شب.

□ «قیصریه» مرکز فرماندهی نیروهای اشغالگر رومی در فلسطین.

۲۴:۲۳ «فلیکس» تاسیتوس، مورخ رومی (*Histories 5:9, Annals 12:54*) آنتونیوس فلیکس را ظالم و حریص می خواند. او مقام خود را از طریق برادرش، پالاس (هر دوی ایشان غلامان آزاد شده بودند) به دست آورد که دوست نزدیک کلودیوس قیصر بود. او به عنوان یازدهمین فرمانده فلسطین در سالهای ۵۲-۵۹ م. به این خدمت منصوب گردید.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۳:۲۶-۳۰

۲۶ «کلودیوس لیسپاس به حضرت فرماندار فلیکس سلام می‌رساند. ۲۷ این مرد را یهودیان گرفته‌اند و قصد داشتند او را بکشند اما وقتی فهمیدم که او یک نفر رومی است، من با سربازان خود به آنجا رفتم، او را از چنگ ایشان بیرون آوردم ۲۸ و از آنجا که مایل بودم علت اتهام او را بفهمم او را به شورای ایشان بردم. ۲۹ اما متوجه شدم که موضوع مربوط به اختلاف عقیده آنها در خصوص شریعت خودشان است و او کاری که مستوجب اعدام یا زندان باشد نکرده است. ۳۰ پس وقتی فهمیدم که آنها در صدد سوء قصد نسبت به جان او هستند، بی‌درنگ او را نزد شما فرستادم و به مدعیان او نیز دستور داده‌ام که دعوی خود را در پیشگاه شما به عرض برسانند.»

۲۳:۲۶-۳۰ متن نامه ضروری تشریح مورد قضایی پولس توسط افسر مسئول (ر.ک. ۲۵:۱۲ به بعد). این نامه جریان وقایع را بیان می‌دارد، اما فقط به جنبه‌های مثبت رفتار لیسپاس در آن اشاره شده است.

۲۳:۲۶ در این آیه نام فرماندار آورده شده است.

۲۳:۲۹ این آیه در هماهنگی با الگوی نگارش لوقا در نشان دادن مسیحیت و رهبران آن است که هرگاه در برابر صاحب منصبان دولتی اتهامی به ایشان وارد شده، همواره میرا و بی‌گناه بوده‌اند. لزومی نداشت که روم از اهل "طریقت" بپراسد!

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۳:۳۱-۳۵

۳۱ سربازان طبق دستوراتی که گرفته بودند، پولس را تحویل گرفته و او را شبانه به انتیپاترس رسانیدند. ۳۲ فردای آن روز همه به جز سوارانی که پولس را تا به مقصد همراهی می‌کردند به سربازخانه برگشتند. ۳۳ سواران به محض رسیدن به قیصریه نامه مذکور را به فرماندار تقدیم نموده و پولس را به او تحویل دادند. ۳۴ فرماندار وقتی نامه را خواند از پولس پرسید که اهل کدام استان است و چون فهمید که اهل قیلیقیه است ۳۵ به او گفت: «وقتی مدعیان تو برسند به دفاع تو گوش خواهم داد.» و فرمان داد او را در کاخ هیروودیس تحت نظر نگاه دارند.

۲۳:۳۱ «او را شبانه به انتیپاترس رساندند» هیروودیس کبیر آن شهر را ساخته و نام پدرش، انتیپاتر دوم را بر آن نهاده بود. آنها راهی طولانی در حدود ۳۰-۴۰ مایل را طی کردند. محل دقیق شهر نامشخص است. دلیل بازگشت سربازان پیاده (آیه ۳۲) در این نقطه به دلایل زیر بود: (۱) شهر مزبور در درجه اول ناحیه غیریهودی بود و (۲) آن منطقه در ناحیه جغرافیایی باز و همواری قرار داشت و خطر حمله ناگهانی بسیار کم بود.

۲۳:۳۳ «فرماندار» در اصل "والی-procurator) آمده است. لوقا در ثبت عناوین صاحب منصبان رومی و محلی بسیار دقیق عمل کرده است.

۲۳:۳۴ «اهل کدام استان است» این سؤال برای تعیین حوزه قضایی بود. از آنجایی که پولس نیز اهل استانی سلطنتی بود، فلیکس مجاز به بازرسی از وی بود. سه حوزه قضایی در امپراتوری روم وجود داشت: (۱) سلطنتی (مربوط به قیصر)؛ (۲) سناتوری و (۳) محلی (مانند هرودیسها).

۲۳:۳۵ «وقتی مدعیان تو برسند» منظور یهودیان آسیا بود که پولس را به آوردن غیریهود به داخل محوطه مخصوص یهود در معبد، متهم کرده بودند. حضور نیافتن آنها به منزله مختومه شدن دعوی تلقی می گردید. ولی طبق معمول، سیاستهای محلی بر اجرای عدالت تأثیرگذار است!

□ «در سرای هیروودیس نگاه دارند» رومیان تا زمانی که پولس تحت توقیف ایشان بود، با او مهربان بودند (ر.ک. ۲۴:۲۳). پولس در کاخی که هیروودیس کبیر ساخته بود، و پیش از آن محل اقامت وی بود، سکنی گزید. آن کاخ در آن زمان به عنوان مرکز فرماندهی رومیان مورد استفاده بود.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فراویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. دفاعیات پولس را با هم مقایسه کنید و عناصر مشترک آنها را فهرست وار بنویسید.
۲. آیا پولس خود را یک یهودی وفادار می دانست؟
۳. آیا می توان از کتاب اعمال در مورد بستگان پولس اطلاعاتی کسب کرد؟

**کارهای رسولان فصل ۲۴**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
شکایت علیه پولس فلیکس ۹-۱: ۲۴	شکایت علیه پولس ۲۴: ۱-۲ الف ۲۴: ۲=ب ۹	پولس در حضور فلیکس ۲۴: ۱-۲ الف ۲۴: ۲=ب ۸ ۲۴: ۹	متهم به فتنه و آشوب ۹-۱: ۲۴	شکایت علیه پولس ۹-۱: ۲۴
دفاع پولس در حضور فلیکس ۲۴: ۱۰ الف	دفاع پولس در حضور فلیکس ۲۴: ۱۰ الف	۲۴: ۱۰ الف	دفاع در حضور فلیکس ۲۴: ۱۰-۲۱	دفاع پولس در حضور فلیکس ۲۴: ۱۰-۲۱
سخنرانی پولس در حضور والی روم ۲۴: ۱۰-۱۳ ۲۴: ۱۴-۱۶ ۲۴: ۱۷-۲۱	۲۴: ۱۰-۱۶	۲۴: ۱۰-۲۱		
زندانی شدن پولس در قیصریه ۲۴: ۲۲-۲۳	۲۴: ۲۲-۲۳	۲۴: ۲۲-۲۳	طرفه رفتن فلیکس ۲۴: ۲۲-۲۷	۲۴: ۲۲-۲۳
پولس در حضور فلیکس و دروسله ۲۴: ۲۴-۲۶ ۲۴: ۲۷	پولس در حضور فلیکس و دروسله ۲۴: ۲۴-۲۶ ۲۴: ۲۷	۲۴: ۲۴-۲۶ ۲۴: ۲۷		زندانی شدن پولس ۲۴: ۲۴-۲۶ ۲۴: ۲۷

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۴: ۱-۱۲الف**

۱ بعد از پنج روز حنانيا کاهن اعظم به اتفاق چند نفر از مشايخ و يک وکیل دعاوی به نام تِرْتُلُس به قيصریه رسیدند و شکایت خود را علیه پولس به اطلاع فرماندار رسانیدند. ۲ وقتی پولس را احضار کردند تِرْتُلُس شکایت خود را این طور شروع کرد:

۲۴: ۱ «حنانيا کاهن اعظم» به یادداشت کامل ۲۳: ۲ مراجعه کنید.

□ «رسیدند» در اصل: "فرود آمدند". از نظر یهودیان، اورشليم همواره در "بالا" قرار داشت و تمامی مناطق جغرافیایی دیگر "پایین" بودند.

□ «مشايخ» در عهد عتیق، این اصطلاح مربوط به رهبران سالمندتر قبیله ای بود. در دوران پس از اسارت اصطلاح مزبور برای افراد متمول و با نفوذ اورشليم به کار می رفت. در عهد جدید، اغلب شورای یهود اینگونه توصیف می شود: "کاهنان اعظم، کاتبان و مشايخ". آنها احتمالاً اعضای شورای عالی یهود و پشتیبان صدوقیان بودند. رهبری معبد مشاهده کرده بود که حضور فریسیان، ایجاد مشکل می کند (ر.ک. ۲۳: ۶-۱۰).

□ «توتلس» او یک وکیل (وکیل دعاوی) یا خطیب و سخنوری (ر.ک. ترجمه NKJV) استخدام شده بود. این شکلی از واژه یونانی *re-ma* به معنی "سخن گفته شده" است. ظاهراً او شکایت شورای یهود را به گونه ای قابل قبول در قالب قانون روم، احتمالاً به زبان لاتین ارائه می کرد.

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۴: ۲ب-۹**

«ای فلیکس، عالیجناب، با توجه به اینکه در روزهای زمامداری شما و در سایه اقدامات ارزنده ای که برای بهبود وضع ملت ما به عمل آورده اید، از نعمت امنيت کامل برخوردار هستیم، ۳ وظیفه خود می دانیم پیوسته و در هر جا سپاسگزاری عمیق خود را تقدیم آن جناب بنماییم. ۴ و اما، برای اینکه زیاد مزاحم نشویم، تقاضا دارم با آن لطف همیشگی خودتان به عرایض مختصر ما توجه فرمایید. ۵ به ما ثابت شده است که این شخص یک آشوبگر فاسدی است که در سراسر عالم میان همه یهودیان اختلاف انداخته و سر دسته بدعت گذاران ناصری است ۶ و حتی سعی می کرد معبد بزرگ پاک ما را آلوده گرداند. اما ما او را دستگیر کردیم. [و می خواستیم، مطابق قانون خودمان محاکمه کنیم. ۷ ولی لیسپاس فرمانده آمد و با زور او را از دست ما گرفت ۸ و به مدعیان او دستور داد به حضور شما بیایند.] اگر خود شما از او بازجویی نمایید، حقیقت ادعای ما برایتان روشن خواهد شد.» ۹ یهودیان تمام حرفهای تِرْتُلُس را در این باره تأیید کردند.

۲۴: ۲ب-۴ مقدمه ارائه شده گذشته از اینکه اقدامی برای چاپلوسی (احتمالاً مورد انتظار) بود، در واقع هیچگونه پایه و اساسی نیز نداشت. فلیکس مرد بیرحمی بود (ر.ک. تاسیتوس: *Annals* 12:2 و *Histories* 5:9). فلیکس تنها به خاطر برادرش پالاس به این مقام رسیده بود، که او هم مانند فلیکس غلام آزاد شده ای توسط آنتونیا (دختر مارک آنتونی)، یا کلودیوس، مادر امپراتور بود. او بعدها به درخواست مردم توسط نرون از این مقام عزل گردید (ر.ک. یوسفوس: *Wars* 2.12.8-13.7 و *Antiq.* 20.7.7-8.9).

۲:۲۴ «در آسایش کامل» برخی معتقدند که منظور تلاش او برای متوقف ساختن اعمال افراط‌گرایان یهودی بود که *sicarii* (خنجر داران) خوانده می شدند. به کتاب یوسفوس: Wars 2.13.2 مراجعه کنید.

۲:۲۴ ۵ «این شخص را ... یافته ایم» هدف لوقا در سراسر کتاب اعمال نشان دادن کذب اتهاماتی است که به مسیحیت در جهان روم زده می شد. به همین دلیل، لوقا محاکمات زیادی در دادگاههای رومی و در حضور مقامات رسمی را به ثبت می رساند. پولس متهم به سه چیز بود: (۱) ایجاد مزاحمت؛ (۲) رهبری یک فرقه جدید؛ و (۳) هتک حرمت معبد.

۵:۲۴

NASB «شخصی فاسد»

NKJV «شخصی مزاحم»

NRSV «شخصی فتنه انگیز»

TEV «آشوبگری فاسد»

NJB «فتنه انگیزی فاسد»

این عبارت از واژه ای به معنی بلا و طاعون می آید (ر.ک. لوقا ۲۱: ۱۱). در عهد عتیق (ترجمه هفتاد) به معنی بلا یا طاعون نیز به کار رفته است، اما به صورت تشبیهی در مورد افراد نیز استفاده می شد (ر.ک. امثال ۱۹: ۲۵).

□ «سراسر عالم» یقیناً یک سخن اغراق آمیز هدفمند است و در عین حال تعریف فوق العاده ای از تأثیر خدمات پولس در دیاسپورا می باشد.

□ «سردسته» یک واژه مرکب یونانی از "اول" و "ایستادن" است. در ترجمه هفتاد ایوب ۱۵: ۲۴ به "پادشاه مهبیای جنگ" برگردانده شده است. در عهد جدید فقط در اینجا از واژه مزبور استفاده شده و در هیچیک از پاپیروسهای Koine که در مصر پیدا شده، به کار نرفته است.

□ «بدعت» واژه *haireisis* در اصل به معنی "فرقه" یا "بخش" است (در اصل کلمه: "انتخاب کردن"). کم کم این واژه حالتی منفی به خود گرفت، چنانکه در واژه انگلیسی "heresy" (بدعت) نیز که از همان ریشه یونانی است، مشاهده می شود. همین واژه در "طایفه" صدوقیان ۵: ۱۷ و نیز در "فرقه" فریسیان ۱۵: ۵ به کار رفته است. در این متن کتاب اعمال، پولس مسیحیت را به عنوان بخشی هماهنگ با ایمان و امید یهودیت تاریخی برمی شمارد (ر.ک. آیه ۱۴).

□ «نصرانی» اشاره به پیروان عیسای ناصری است. برخی تأکید می نمایند که واژه مزبور مربوط به شهر ناصره است ولی سایرین آن را با *nezer* یا "شاخه" که عنوانی مسیحایی است (ر.ک. اش. ۱۱: ۱؛ ۵۳: ۲) مرتبط می دانند. به عنوان خاص ۲: ۲۲ مراجعه کنید.

۲:۲۴ ۷ آیه ۷ و بخشهایی از آیات ۶ و ۸ (که در ترجمه نوین انگلیسی NASB در داخل پرانتز قرار گرفته اند) در نسخه های قدیمتر یونانی P<sup>74</sup>، آلف، A یا B موجود نیستند. در نسخه های یونانی بعدی هم تفاوتی وجود دارد. آنها بخشی از نسخه اصلی دستنوشته لوقا نیستند. کمیته UBS<sup>3</sup> به آن درجه "D" (درجه زیاد شک و تردید) داده است.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۴: ۱۰-۲۱

۱۰ وقتی فرماندار به پولس اشاره کرد او به این اتهامات جواب داده گفت:

«با اطلاع از اینکه شما سالیان درازی است که بر این ملت دادگستری می کنید، با اطمینان خاطر در حضور شما از خود دفاع می کنم. ۱۱ حقیقت امر بر شما معلوم خواهد شد. از روزی که من به زیارت اورشلیم رفته بودم، بیش از دوازده روز نمی گذرد ۱۲ و هیچ کس مرا ندیده است که در معبد بزرگ و یا در کنیسه ها و یا در داخل شهر با کسی مباحثه کنم و یا مردم را به گرد خود جمع نمایم. ۱۳ برای اثبات اتهاماتی که علیه من می آورند، هیچ گونه مدرکی در دست ندارند. ۱۴ اما در حضور شما اعتراف می کنم که در پرستش خدای پدرانمان، طریقه ای را که آنان بدعت می خوانند پیروی می نمایم. من به هر چه در تورات و نوشته های انبیا آمده است، اعتقاد دارم. ۱۵ من همان امیدی را به خدا دارم که خود اینها دارند و آن این است که هم برای نیکان و هم برای بدان قیامتی در پیش است. ۱۶ بنابراین با چنین امیدی، نهایت کوشش خود را می کنم که در همه احوال در برابر خدا و انسان وجدان آسوده ای داشته باشم. ۱۷ «من پس از سالیان دراز به اورشلیم رفتم تا اعاناتی برای ملت خود ببرم و قربانی بگذرانم. ۱۸ در معبد بزرگ پس از انجام مراسم تطهیر مشغول این کارها بودم، نه جمعیتی به دور من جمع شده بود و نه اغتشاشی در کار بود ۱۹ که چند تن از یهودیان استان آسیا مرا در آنجا دیدند و به نظر من ایشان هم باید در اینجا نزد شما حاضر شوند تا اگر از من شکایتی دارند، خودشان آن را اظهار نمایند، ۲۰ یا اینها بگویند که وقتی در حضور شورا ایستاده بودم چه خطایی از من سر زده ۲۱ جز اینکه در میان آنان با صدای بلند گفتم: 'من به خاطر ایمان و امید به رستاخیز مردگان در اینجا محاکمه می شوم.'»

۲۴: ۱۰ پولس هم مانند وکیل شورای یهود، با مقدمه رسمی، سخنش را آغاز کرد.

□ «دفاع» واژگان انگلیسی "apology" یا "apologetics" (دفاعیات)، ریشه در همین واژه یونانی دارند. معنی اصلی آن دفاعیه قانونی در دادگاه بوده است.

۲۴: ۱۱-۱۲ پولس اظهار می دارد که فعالیتهای عمومی وی در اورشلیم به هیچ وجه غیرعادی یا ستیزه جویانه نبوده است. او متهم به هتک حرمت معبد شد ولی در واقع، در حال انجام مراسمی قابل قبول دستگیر شده بود.

۲۴: ۱۴ «طوبیقت» این عنوان اولیه مسیحیان بود که بر عیسی به عنوان تنها طریق و راه به سوی خدا (یوحنا ۱۴: ۶) و شراکتی که شیوه زندگی را تشکیل می دهد، اشاره داشت (ر. ک. ۹: ۲؛ ۱۹: ۹، ۲۳؛ ۲۲: ۴؛ ۲۴: ۲۲ و احتمالاً ۱۸: ۲۵-۲۶).

□ «تورات و انبیا» اینها دو قسمت از سه قسمت تشکیل دهنده کانون عهد عتیق هستند که عبارتند از:

۱. تورات (شریعت) - پیدایش-تثنیه

۲. انبیا

ا. انبیای پیشین - یوشع-پادشاهان (به غیر از روت)

ب. انبیای متأخر - اشعیا-ملاکی (به غیر از مراثنی ارمیا و دانیال)

۳. نوشته ها

ا. Megiloth - روت، استر، جامعه، غزل غزلها و مراثنی ارمیا

ب. ادبیات حکمت - ایوب، مزامیر، امثال

ج. تاریخ پس از اسارت - I و II تواریخ، عزرا و نحμία

۲۴: ۱۵ «به خدا امیدوارم چنانکه ایشان نیز قبول دارند» پولس تأکید می کند که جهتگیری مذهبی او، به غیر از دیدگاه وی نسبت به رستاخیز، درست مانند متهم کنندگانش است (ر.ک. آیه ۱۶). او می کوشد تا از خود با نشان دادن این امر که مشاخره بر سر موضوعات الهیاتی درون یهودیت است، از خود دفاع کند، که روم تمایلی به درگیر شدن در اینگونه مباحث را نداشت. به عنوان خاص: امید در ۲: ۲۵ مراجعه کنید.

□ «هم برای نیکان و هم برای بدان قیامتی در پیش است» اشاره به الهیات فریسیان است، نه رهبری معبد که صدوقیان بر عهد داشتند. یوسفوس در کتاب *Antiq.* 18:1:3 بیان می دارد که حتی برخی از فریسیان نیز قیامت بدان را نمی پذیرفتند (برای اطلاع از دیدگاه نوین فنا به کتاب *The Fire That Consumes* نوشته Edward Fudge مراجعه کنید). کتاب مقدس انباشته از دیدگاه قیامتی عمومی است (ر.ک. اش. ۲۵: ۸؛ دان. ۱۲: ۲؛ متی ۲۵: ۴۶؛ یوحنا ۵: ۲۹؛ روم. ۲: ۶-۱۱؛ مکا. ۲۰: ۱۱-۱۵).

□ «نهایت کوشش خود را می کنم که... وجدان آسوده ای داشته باشم» همین عبارت بود که در ۲۳: ۱-۲ کاهن اعظم را به خشم آورد. پولس دیگر بار در حضور او آن را تکرار می کند. او به همین مبحث تلاش شخصی در آقرن. ۹: ۲۴-۲۷ اشاره می نماید. به انجام رسانیدن و نگهداری کفّ نفس و خودداری که برای فلیکس (ر.ک. آیه ۲۵) شرح می دهد، آسان نیست. قوه خودداری یکی از ثمرات روح القدس در غلا. ۵: ۲۲ است و احتمالاً سنگ آخر و دستاورد نهایی فهرست ثمرات نیز می باشد!

دوست و همکارم Dr. David King تفسیرهای مرا می خواند و پیشنهادات ارزنده ای به من می دهد. او درباره این متن نوشته است: "یک میوه، تکه های مختلف - درست مثل پرتقال".

۲۴: ۱۷ «آدم تا صدقات و هدایا برای قوم خود بیاورم» در مورد "صدقات" به عنوان خاص ۳: ۲ مراجعه کنید. این واژه اشاره به شراکت کلیساهای غیر یهودی در احتیاجات کلیسای اورشلیم دارد (ر.ک. روم. ۱۵: ۲۵-۲۷؛ I قرن. ۱۶: ۱-۴؛ II قرن. ۸-۹). تعجب آور است که در ۲۱: ۱۵ به بعد اشاره ای به این موضوع نشده است. این امر شاید نشانگر عدم استقبال از آن هدیه توسط کل کلیسای اورشلیم باشد. مقابله با تعصب نژادی دیرینه حتی برای ایمانداران نیز کار سختی است.

۲۴: ۱۸ «مرا در هیکل مطهر یافتند» انجام مراسم مزبور به تحریک یعقوب و مشایخ کلیسا صورت گرفت (ر.ک. ۲۱: ۱۷-۲۶). منظور از اجرای آن، تسکین ایمانداران یهودی شریعت گرا در کلیسا بود، ولی در عمل این کار یهودیان آسیا را مشتعل ساخت.

□ «یهودیان آسیا ... که می بایست» این یک نکته قانونی حائز اهمیت در دفاعیه پولس بود (ر.ک. آیه ۱۹). شاکسانی که شاهد عینی بودند، حضور نداشتند! کسانی که پولس را متهم به بدرفتاری جهانی می کردند، هیچ مدرکی دال بر تجربه در دست نداشتند (ر.ک. آیه ۲۰)!

۲۴: ۱۹ اب «اگر» جمله شرطی از نوع چهارم و راهی برای بیان احتمالی است که تقریباً امکان پذیر نیست. A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament*، صفحه ۴۲۰ این را یک شرط مخلوط با نتیجه گیری نوع دوم می داند (یعنی: ولی آنها حضور ندارند، آیه ۱۹ الف). *Grammer* (کتاب دستور زبان) او (صفحه ۱۰۲۲) فهرستی از جمله های شرطی مخلوط دیگر را در نوشته های لوقا ارائه می دهد (ر.ک. لوقا ۱۷: ۶ و اعمال ۸: ۳۱).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۴: ۲۲-۲۳

۲۲ فلیکس که خودش از این طریقه اطلاع کاملی داشت، محاکمه را به تعویق انداخت و گفت: «من فتوای خود را موکول به آمدن سرهنگ لیسپاس می کنم.» ۲۳ و به یک سروان دستور داد، که پولس را تحت نظر بگیرد و تا اندازه ای او را آزاد بگذارد و مانع آمد و رفت دوستان او که برای رفع احتیاجاتش می آمدند نشود.

۲۴:۲۲ ظاهراً فلیکس درباره عیسی و مسیحیت چیزهایی شنیده بود. احتمالاً به عنوان یکی از صاحب منصبان روم، اطلاعات مختصری درباره شرایط محلی منطقه ای که در آن منصوب شد، کسب نمود.

همسر فلیکس یهودی بود (ر.ک. آیه ۲۴)، و به این ترتیب او موقعیت عملی برای آشنایی با تعلیم یهودیت داشت. طریقت به عنوان بدعتی در میان یهودیان تلقی می شد و در نتیجه در امپراتوری روم یک مذهب "قانونی" محسوب می گردید.

۲۴:۲۳ نشان دهنده آن است که فلیکس پولس را به عنوان یک تهدید نمی نگریست و اجازه داد کمی از آزادی و دسترسی به احتیاجات و دوستانش برخوردار شود. اینجا دیگر بار یک مقام رسمی رومی حس نمی کند که مسیحیت مشکلی سیاسی داشته باشد.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۴-۲۷

۲۴ چند روز بعد فلیکس با دروسله، همسر خود که زنی یهودی بود، به آنجا آمد و دنبال پولس فرستاد و به سخنان پولس درباره ایمان به مسیح عیسی گوش داد. ۲۵ اما وقتی دنباله سخن به نیکویی، پرهیزکاری و داوری آینده کشیده شد، فلیکس هراسان شد و اظهار داشت: «عجالتاً کافی است، هرگاه فرصت مناسبی دست دهد، باز هم دنبال تو می فرستم.» ۲۶ در عین حال از پولس توقع پول داشت و به همین دلیل غالباً او را احضار می کرد و با او گفت و گو می نمود. ۲۷ پس از دو سال پرکیوس فستوس جانشین فلیکس گردید. فلیکس چون می خواست رضایت یهودیان را جلب نماید، پولس را همچنان در زندان نگه داشت.

۲۴:۲۴ «دروسله» او کوچکترین و ظاهراً زیباترین دختر هیرودیس اغریپاس اول و خواهر برنیکی و اغریپاس دوم بود. دروسله سومین زن فلیکس بود که او از آزیروس (Azizus) پادشاه ایسا گرفت (ر.ک. یوسفوس، *Antiq.* 20:7:2). او هنگامی که به همسری فلیکس درآمد به گفته یوسفوس در *Antiq.* 19:9:1 فقط شانزده سال داشت.

۲۴:۲۴-۲۵ پولس اغلب اوقات (ر.ک. آیه ۲۶ ب) انجیل را برای فلیکس و دروسله موعظه می کرد. این دقیقاً همان کاری بود که عیسی از او انتظار داشت (ر.ک. ۹: ۱۵). فلیکس شخصی جانی و حریص بود (انتظار داشت پولس رشوه ای به او بدهد) و حکم خود را به تأخیر می انداخت (ر.ک. آیه ۲۶).

۲۴:۲۶ ظاهراً پولس در این دوران زندانی بودنش مقداری درآمد داشت. امکان دارد این درآمد از (۱) میراث شخصی یا (۲) کمک کلیساها (مانند فیلیپی یا تسالونیک) بوده باشد. فلیکس اغلب اوقات پولس را احضار می کرد، نه برای شنیدن سخنانش، بلکه به این امید که رشوه ای از او بگیرد.

۲۴:۲۷ «پس از دو سال» بسیاری معتقدند که در این دوران بود که لوقا اطلاعات شاهدان عینی در فلسطین را برای نگارش انجیل خود جمع آوری کرد (ر.ک. لوقا ۱: ۴-۱). برای شخص پرتکاپویی مثل پولس، این دوران می بایست بسیار نومید کننده بوده باشد! اما او از راه رشوه دادن در پی آزادی نرفت. او می دانست که در اراده خدا گام برمی دارد.

□ «پرکیوس فستوس» اختلافاتی در میان سوتیوس و تاسیتوس، مورخین رومی در مورد آغاز انتصاب او به این مقام وجود دارد. فلیکس در سال ۵۵م. محاکمه شد ولی معلوم نیست که حکم وی در آن سال یا در سال ۵۹م. محکومیت بود یا تبرئه گردید. فستوس در سال ۶۲ م. درگذشت، در حالیکه همچنان در همین مقام خدمت می کرد (ر.ک. یوسفوس: *Antiq.* 20.9.1). اطلاعات کمی در مورد او موجود است (ر.ک. یوسفوس، *Antiq.* 20.8.9-10 و *Wars* 20.14.1).



□ «فلیکس ... پولس را در زندان نگه داشت» آزاد کردن همه زندانیان در زمان تغییر مقام ریاست مرسوم بود. این آیه نشانگر شرایط سیاسی فلسطین و ضعف رهبران رومی، و نیز قدرت شورای عالی یهود است.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. معنی واژه "نصرانی" چیست؟
۲. مفاهیم تلویحی "طریقت" که نخستین عنوان کلیسا در کتاب اعمال بود، چیست؟
۳. اهمیت آیه ۱۵ را توضیح دهید.

**کارهای رسولان فصل ۲۵**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
دادخواهی پولس از قیصر ۵-۱:۲۵ ۱۲-۶:۲۵	دادخواهی پولس از امپراتور ۵-۱:۲۵ ۸-۶:۲۵ ۹:۲۵ ۱۱-۱۰:۲۵ ۱۲:۲۵	دادخواهی از امپراتور ۵-۱:۲۵ ۱۲-۶:۲۵	دادخواهی پولس از قیصر ۱۲-۱:۲۵	دادخواهی پولس از قیصر ۵-۱:۲۵ ۱۲-۶:۲۵
پولس در برابر اغریپاس پادشاه ۲۲-۱۳:۲۵	پولس در برابر اغریپاس و برنیکی ۲۱-۱۳:۲۵ ۲۲:۲۵ ب ۲۲:۲۵	دفاع پولس در برابر اغریپاس (۳۲:۲۶-۱۳:۲۵) ۲۲-۱۳:۲۵	پولس در برابر اغریپاس ۲۷-۱۳:۲۵	پولس در برابر اغریپاس و برنیکی ۲۲-۱۳:۲۵
۱:۲۶-۲۳:۲۵	۲۷-۲۳:۲۵	۲۷-۲۳:۲۵		۲۷-۲۳:۲۵

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۵: ۱-۵**

۱ فستوس سه روز بعد از آنکه زمام امور را در دست گرفت، از قیصریه به اورشلیم رفت. ۲ سران کاهنان و رهبران یهود اتهامات و دعاوی خود را علیه پولس به اطلاع او رسانیدند و از فستوس تقاضا کردند ۳ که به آنان لطفی نماید و پولس را به اورشلیم بفرستد. آنان در کمین بودند تا بین راه او را به قتل برسانند. ۴ فستوس پاسخ داد: «پولس در قیصریه تحت نظر است و خود من بزودی به آنجا برمی‌گردم. ۵ بنابراین کسانی از شما که برایشان مقدور است با من به آنجا بیایند و چنانچه این شخص خطایی کرده است، علیه او اقامه دعوی نمایند.»

**۲۵: ۱ «فستوس»** جانشین فلیکس بود. او شخصیتی شریفتر از فلیکس داشت ولی آشکارا زیر همان فشار سیاسی و چهارچوب فکری بود. او دو سال در این مقام بود و در سال ۶۲ م. در حال انجام همین وظیفه درگذشت.

□ **«سه روز بعد»** نشان می‌دهد رهبری یهود چقدر در مورد پولس ناراحت و مُصر بودند. فستوس نیز می‌خواست از ابتدا اثر خوبی بر آنها بگذارد.

**۲۵: ۲ «رئیس کهنه و اکابر یهود»** می‌تواند اشاره به شورای عالی یهود باشد که متشکل از ۷۰ رهبر یهود اهل اورشلیم بود. آنها بالاترین بدنه قضایی یهودیان را از لحاظ سیاسی و مذهبی تشکیل می‌دادند. به عنوان خاص ۴: ۵ مراجعه کنید. اما همین عبارت می‌تواند اشاره به سایر شهروندان منتخب ثروتمند اورشلیم نیز باشد که بسیار علاقمند به دیدار با فرماندار جدید روم و آغاز برقراری ارتباطی خوب با وی بودند.

امکان زیادی وجود دارد که اشاره به هر دو گروه فوق در کنار هم باشد. پس از گذشت دو سال، کاهن اعظم جدیدی به نام اسماعیل بر روی کار آمده بود. او نیز مایل به استقرار در این مقام بود و بهترین شیوه برای این کار را حمله به پولس، فریسی خائن می‌دانست.

□ **«بدو التماس نموده»** یک فعل اخباری معلوم ناکامل مبنی بر تکرار استدعایشان است.

**۲۵: ۳** نشانگر دشمنی با پولس از سوی این رهبران مذهبی است. آنها پولس را به عنوان یک دشمن داخلی محسوب می‌کردند!

□ **«(در کمین بودند که او را در راه بکشند)»** تدابیر رهبری یهود تغییری نکرده بود (ر.ک. ۲۳: ۱۲-۱۵).

**۲۵: ۵ «اگر»** جمله شرطی نوع اول است که در آن درستی گزاره از دید نویسنده یا در جهت اهداف او مفروض است (ر.ک. A. T. Robertson, *Word Pictures in the New Testament*, vol. 3, p. 429). دکتر بروس تانکرسل، متخصص زبان یونانی Koine در دانشگاه تگزاس شرقی می‌گوید جمله مزبور میتواند از نوع سوم باشد زیرا هیچ فعلی در مقدمه آن وجود ندارد. فستوس پولس را گناهکار می‌دانست زیرا از نظر او دلیل دیگری نداشت که رهبران اورشلیم تا این اندازه مُصر و سرسخت باشند.

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۵: ۶-۱۲**

۶ فستوس در حدود هشت یا ده روز در اورشلیم به سر برد و سپس به قیصریه بازگشت. روز بعد در دادگاه حضور یافت و دستور داد پولس را آورند. ۷ وقتی پولس وارد شد، یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند دور او را گرفتند و اتهامات سختی علیه او بیان کردند که قادر به اثبات آنها نبودند. ۸ پولس از خود دفاع کرده گفت: «من نه نسبت به شریعت یهود مرتکب خطایی شده‌ام و نه علیه معبد بزرگ یا قیصر اقدامی کرده‌ام.» اما فستوس که مایل بود مورد توجه یهودیان قرار گیرد، رو به پولس کرد و گفت: «آیا می‌خواهی به اورشلیم بروی و در آنجا در حضور خود من محاکمه شوی؟» ۱۰ پولس جواب داد: «من هم اکنون در دادگاه قیصر یعنی در آنجایی که باید محاکمه شوم ایستاده‌ام. چنانکه خود شما به خوبی آگاهید، من مرتکب هیچ جرمی علیه یهودیان نشده‌ام. ۱۱ اگر مجرم هستم و چنانکه کاری کرده‌ام که مستوجب اعدام است، از مرگ نمی‌گریزم. اما اگر مرتکب هیچ‌یک از کارهایی که این اشخاص به من نسبت می‌دهند نشده‌ام، هیچ‌کس حق ندارد مرا به دست آنان بسپارد. من تقاضا می‌کنم که قیصر شخصاً به پرونده من رسیدگی نماید.» ۱۲ فستوس پس از تبادل نظر با مشاوران خود پاسخ داد: «حال که از قیصر دادخواهی می‌کنی به پیشگاه قیصر خواهی رفت.»

۲۵: ۶-۹ این وقایع به پولس نشان داد که هیچ امیدی به دادگری فستوس وجود ندارد. او می دانست که در اورشلیم چه چیزی در انتظارش است (ر.ک. آیه ۳). او همچنین می دانست که عیسی می خواهد او به روم برود (ر.ک. ۹: ۱۵).

۲۵: ۶ «چون بیشتر از ده روز در میان ایشان توقف کرده بود» می توانم تصور کنم که رهبران یهود چه پذیرایی شایانی از فستوس کردند. آنها تمامی صاحب منصبان رومی را مجذوب خود نمودند.

۲۵: ۱۰-۱۱ پولس اظهار می دارد که در آن لحظه درجای مناسب و برابر مقام مسئول مناسب قرار گرفته است. لوقا در آیه ۱۱، دادخواهی رسمی پولس از قیصر را به ثبت می رساند.

حق دادخواهی از قیصر در ابتدا در سال ۳۰ ق.م. توسط اکتاوین آغاز شد (ر.ک. Dio Cassius, *History*, 51.19). این فرمان اولیه برای گسترش ممنوعیت کور کردن، تازیانه زدن و شکنجه نمودن تابعین روم بود که از قیصر دادخواهی می کردند (ر.ک. Paulus, *Sententiae* 5.26.1).

مبحث خوبی درباره قانون روم قرن اول میلادی در کتاب *Roman Society and Roman Law in the New Testament* نوشته A. N. Sherwin-White، قسمت "lectue four: Paul before Felix and Festus" صفحات ۴۸-۷۰ موجود است.

۲۵: ۱۱ «هرگاه ... اگر» دو جمله شرطی نوع اول که از دیدگاه نویسنده و در جهت اهداف نگارش وی، صحیح فرض می شوند. این دو جمله در یک متن نشان می دهند که این ساختار دستوری چگونه برای اثبات یک نکته به کار می رفت. نخستین جمله نسبت به واقعیت، غلط است (ولی دقیقاً همین جمله شرطی را فستوس در آیه ۵ بیان کرده بود)؛ دومین جمله کاملاً صحت دارد.

□ «از مردن دریغ ندارم» پولس قدرت حکومت را دریافته بود (ر.ک. روم. ۱۳: ۴). دیدگاه عهد عتیق در مورد مجازات مرگ را می توان در پید. ۹: ۶ یافت. به مبحث جالبی در مورد مجازات مرگ در کتاب *Hard Sayings of the Bible* صفحات ۱۱-۱۱۶ مراجعه کنید.

۲۵: ۱۱

NASB, TEV «هیچ کس نمی تواند مرا به آنها تسلیم کند»

NKJV «هیچ کس نمی تواند مرا نزد آنها ببرد»

NRSV «هیچ کس نمی تواند مرا نزد آنها باز گرداند»

NJB «هیچ کس نمی تواند مرا به آنها تحویل دهد»

واژه *charizomai* در اصل به معنی "مفتخر کردن" یا "واگذار کردن به منظور لطف" است. پولس دریافت که فستوس می کوشد تا با استرداد او به رهبری یهود، ایشان را تحت تأثیر قرار دهد!

با اینحال امکان دارد که تلاش فستوس برای متمسک شدن به حکم ژولیوس سزار (ر.ک. یوسفوس، *Antiq.* 14.10.2) باشد که صاحب منصبان رومی در فلسطین را تشویق به انجام خواسته های کاهن اعظم می کرد.

□ «به قیصر رفع دعوی می کنم» این حق قانونی هر تبعه رومی در مجازاتهای اساسی بود.

۲۵: ۱۲ «مشاوران خود» اشاره به متخصصین رومی که مشاوران قانونی فستوس بودند است، نه به رهبران یهود.

ا. هیروдіس اغریپاس دوم (Marcus Julius Agrippa)

۱. پسر هیروдіس اغریپاس اول (ر.ک. اعمال ۱۲) که حاکم سیاسی یهودیه بود و بر معبد و کهنات نظارت داشت (۴۱-۴۴ م.) و نوه هیروдіس کبیر نیز بود.
۲. در روم تحصیل کرده بود و طرفدار جدی حکومت روم بود. او پس از جنگ با یهودیان در سال ۷۰ م. به روم بازگشت و در سال ۱۰۰ م. در همانجا درگذشت.
۳. در سن هفده سالگی پدرش را از دست داد، ولی جوانتر از آن بود که به جای او بر تخت بنشیند.
۴. در سال ۵۰ م. هیروдіس کالسیس، عموی اغریپاس اول، پادشاه کالسیس (پادشاهی کوچکی در فلسطین شمالی) درگذشت و اغریپاس اول توسط امپراتور کلودیوس به پادشاهی در آنجا منصوب گردید. همچنین نظارت بر کار معبد و کهنات اعظم نیز به او سپرده شد.
۵. در سال ۵۳ م. او این پادشاهی کوچک را با استانداری هیروдіس فیلیپ (ایتوریه و تراکونیتیس) و نیز لیسانیوس (آبیلین) عوض کرد.
۶. بعدها، امپراتور نرون شهرها و روستاهای اطراف دریای جلیل را نیز به قلمرو تحت نظارت وی افزود. پایتخت او قیصریه فیلیپی بود که او نامش را به نرونیاس تغییر داد.
۷. مراجع تاریخ نگاری در این مورد عبارتند از:

ج) یوسفوس، *Jewish Wars* 2.12.1, 7-8; 15.1; 16.4; 7.5.1

د) یوسفوس، *Antiquities of the Jews* 19.9.2; 20.5.2; 6.5; 7.1; 8.4; 9.6

ب. برنیکی

۱. او بزرگترین دختر هیروдіس اغریپاس اول بود.
۲. خواهر اغریپاس دوم و گفته می شود که مدتی معشوقه او بود (به غیر از شایعات، هیچ مدرکی در این مورد وجود ندارد). او بعدها معشوقه امپراتور تیطس در حینی که فقط مقام سرهنگی داشت، شد. تیطس سرهنگ رومی بود که اورشلیم و معبد را در سال ۷۰ م. ویران کرد.
۳. خواهر دروسله بود (ر.ک. ۲۴: ۲۴)
۴. با هیروдіس کالسیس (برادر هیروдіس اغریپاس اول که عموی او بود) ازدواج کرد ولی پس از مرگ وی، با برادرش همخانه شد.
۵. بعدها با پولمن، پادشاه قلیقه ازدواج کرد، ولی او را ترک نمود و به نزد برادرش که به تازگی عنوان "پادشاهی" گرفته بود، بازگشت.
۶. او معشوقه امپراتور و سپازیان و نیز سرهنگ تیطس (که بعدها امپراتور گردید) بود.
۷. منابع تاریخ نگاری:

ج) *Josephus' Jewish Wars* 2.1.6; 15.1; 17.1

د) *Josephus' Antiquities of the Jews* 19.9.1; 15.1; 20.1.3

ه) *Tacitus' History* 2.2

و) *Seutonius' Life of Titus* 7

ز) *Dio Cassius' Histories* 65.15; 66.18

ح) *Juvenal's Satire* 61.156-157

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۵: ۱۳-۲۲**

۱۳ پس از مدتی اغریپاس پادشاه و همسرش برنیکی به قیصریه آمدند تا به فستوس خیرمقدم بگویند ۱۴ و چون روزهای زیادی در آنجا ماندند، فستوس سوابق پولس را در اختیار پادشاه گذاشت و گفت: «یک زندانی در اینجا است، که فیلیکس او را به من تحویل داده است. ۱۵ وقتی به اورشلیم رفتم، سران کاهنان و مشایخ یهود از او رسماً به من شکایت کردند و تقاضای محکومیت او را داشتند. ۱۶ من به آنان جواب دادم که شیوه روم این نیست که متهمی را به مدعیان تسلیم نماید، مگر آنکه اول او را با مدعیان خود روبه‌رو نموده و به او فرصتی بدهد که در مورد این اتهامات از خود دفاع کند. ۱۷ پس وقتی به اینجا آمدند، من بدون اتلاف وقت در روز بعد در دادگاه حاضر شدم و دستور دادم او را بیاورند. ۱۸ وقتی مدعیان او برخاستند و علیه او صحبت کردند، او را به هیچ‌یک از جرم‌هایی که من انتظار داشتم، متهم نساختند. ۱۹ فقط درباره دین خودشان و شخصی به نام عیسی که مرده و پولس ادعا می‌کند زنده است، اختلاف عقیده داشتند. ۲۰ چون در بررسی این امور تردید داشتم، از او پرسیدم که آیا مایل است به اورشلیم برود تا در آنجا به این موضوع رسیدگی شود. ۲۱ اما وقتی پولس تقاضا کرد که تا زمانی که امپراتور به کارش رسیدگی نکرده تحت نظر بماند، من دستور دادم او را تحت نظر نگاه دارند تا در وقت مناسب او را به حضور قیصر بفرستم.» ۲۲ اغریپاس به فستوس گفت: «بسیار مایلم شخصاً سخنان او را بشنوم.» فستوس پاسخ داد: «بسیار خوب! فردا سخنان او را خواهید شنید.»

**۲۵: ۱۳ «اغریپاس پادشاه»** اشاره به اغریپاس دوم است. او برادر دروسله و برنیکی بود. تحصیلاتش را در روم به انجام رسانید و نسبت به سیاستها و برنامه های حکومتی روم بسیار وفادار بود.

**۲۵: ۱۳ به بعد** این قسمت دیگر بار یکی از اهداف ادبی و الهیاتی لوقا را آشکار می‌سازد که عبارت بود از نشان دادن این امر که مسیحیت یک تهدید سیاسی برای روم نیست (ر.ک. آیه ۲۵). در دهه های اول قرن نخست میلادی، مسیحیت به عنوان یک فرقه از یهودیت تلقی می‌شد که از نظر دولت روم مذهبی رسمی بود. روم هیچگونه مجادله میان فرقه های مذهبی یهودی را تاب نمی‌آورد!

**۲۵: ۱۸ «مدعیانش برپا ایستاده، از آنچه من گمان می‌بردم هیچ ادعا بر وی نیاوردند»** نشانگر شدت و ماهیت ضدیت یهودیان بود. این شکایت سیاسی نبود بلکه ماهیتی مذهبی داشت.

**۲۵: ۱۹ «مذهب»** در اصل این واژه ترکیبی از "ترس" و "خدایان" است. واژه مزبور می‌تواند به معنی "خرافات" نیز باشد و این دقیقاً همان تفکری بود که رهبران رومی مزبور درباره مذهب یهود داشتند. اما فستوس نمی‌خواست به عالی رتبه‌گان یهودی توهین کند و لذا سخنی مبهم گفت (همچنین پولس در ۱۷: ۲۲).

□ **«در حق عیسی نامی که مرده است و پولس می‌گوید که او زنده است»** قیام یکی از ستونهای مرکزی موعظه‌ها (*kerygma*) به عنوان خاص ۲: ۱۳ مراجعه کنید) در کتاب اعمال (ر.ک. ۲۶: ۸) است. افت و خیز مسیحیت بر اثبات الهیاتی ادعاست (ر.ک. I قرن. ۱۵).

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۵: ۲۳-۲۷**

۲۳ روز بعد اغریپاس و برنیکی با تشریفات تمام به دربار وارد شدند و با گروهی از سرهنگان و بزرگان شهر در آنجا جلوس نمودند. به فرمان فستوس پولس را حاضر کردند. ۲۴ در این وقت فستوس گفت: «ای اغریپاس پادشاه و ای تمام کسانی که در اینجا حضور دارید، شما مردی را روبه‌روی خود می‌بینید که اکثر یهودیان، چه در اورشلیم و چه در اینجا، نزد من از او شکایت کرده‌اند و با فریاد خواسته‌اند که او نباید دیگر زنده بماند. ۲۵ نظر خود من این است که کاری نکرده که مستوجب مرگ باشد، ولی چون از امپراتور تقاضای دادخواهی کرده است، تصمیم گرفتم

وی را به پیشگاه او بفرستم. ۲۶ و چون مطلب مخصوصی ندارم که به امپراتور بنویسم، او را در اینجا نزد شما و مخصوصاً به حضور شما اغریپاس پادشاه آوردم تا در نتیجه این بازجویی مقدّماتی، بتوانم مطلبی تهیه نموده برای او بنویسم، ۲۷ زیرا معقول به نظر نمی‌رسد که یک زندانی را بدون مدارک کافی به نزد امپراتور بفرستم.»

۲۵: ۲۳ چه موقعیت عجیبی برای موعظه انجیل!

□ «میین باشیان» واژه *chiliarch*، به معنی رهبران هزار سرباز، چنانکه یوزباشی به معنی رهبر صد سرباز است. از کتاب *Josephus' Antiq.* 19.19.2، درمی یابیم که در قیصریه آن دوره پنج رسته کمکی وجود داشت. بنابراین امکان دارد نظامیان مورد اشاره در اینجا سرداران همین پنج رسته بوده باشند.

۲۵: ۲۶ «مطلب مخصوصی ندارم که ... بنویسم» فستوس همان مشکل لیسایس، فرمانده اورشلیم را داشت. او طبق قانون روم مجبور به تنظیم ادعای علیه پولس همراه با هرگونه مدرک یا اظهار نظر قضایی بود. پولس از نظر این رهبران رومی یک معما بود.

□ «خداوندگار» واژه یونانی *kurios* به معنی صاحب، ارباب و سرور است. این نخستین مورد استفاده ثبت شده از *kurios* به عنوان لقب مستقل نرون است. اکتاوایان/اغسطوس و تیریس دو امپراتور دیگر روم این لقب را بخاطر نزدیکی زیادش به واژه لاتینی *rex* (شاه) که موجب ناراحتی مردم و سنای روم می‌گردید، مردود شمردند. اما این لقب به طور معمول در هنگام امپراتوری نرون و پس از آن به چشم می‌خورد. و سپاریان و تیتوس از لقب "نجات دهنده" و دومیتین از لقب "خدا" برای خود استفاده می‌کردند (ر.ک. *James S. Feffers, The Greco-Roman World* صفحه ۱۰۱). اصطلاح *kurios* مرکز توجه اصلی در آزار و شکنجه مسیحیان گشت که از آن فقط برای عیسی مسیح استفاده می‌کردند. آنها از به کار بردن این واژه در هنگام گذراندن قربانی خوشبو و ادای سوگند تابعیت روم امتناع می‌ورزیدند.

□ «تا بعد از تفحص» اصطلاح *sebastos* یونانی که مترادف واژه لاتینی *augustus* است. ریشه این واژه به معنی "تکریم"، "ستایش"، "بزرگداشت" یا "پرستش" است. نخستین بار در سال ۲۷ ق.م. مجلس سنای روم آن را برای اکتاوایان به کار برد. در اینجا در مورد نرون به کار رفته است. به نظر می‌رسد که نرون بدعت پرستش امپراتور را گسترش داده بود.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدّس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فراوریش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا رهبران یهود از پولس هراس و انزجار داشتند؟

۲. این باب چگونه یکی از اهداف لوقا در نوشتن کتاب اعمال را منعکس می‌سازد؟

۳. هدف پولس از دفاع از خود در برابر اغریپاس و برنیکی چه بود؟

**کارهای رسولان فصل ۲۶**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
حضور در برابر اغریپاس پادشاه ۱:۲۶-۱۳:۲۵	دفاع پولس از خود در حضور اغریپاس	دفاع پولس در حضور اغریپاس (۳۲:۲۶-۱۳:۲۵)	زندگی اولیه پولس	دفاع پولس در حضور اغریپاس
سخنرانی در حضور اغریپاس پادشاه ۳-۲:۲۶	۱:۲۶	۱:۲۶	۱۱-۱:۲۶	۱۱-۱:۲۶
۸-۴:۲۶	۳-۲:۲۶	۳-۲:۲۶		
۱۱-۹:۲۶	۸-۴:۲۶	۸-۴:۲۶		
	۱۱-۹:۲۶	۱۱-۹:۲۶		
۲۳-۱۹:۲۶	پولس درباره ایمانش سخن می گوید ۲۳-۱۹:۲۶	۲۳-۱۹:۲۶	پولس ایمان آوردنش را تعریف می کند ۲۳-۱۹:۲۶	سخنان پولس درباره ایمان خود ۲۳-۱۹:۲۶
واکنشهای شنوندگان ۲۹-۲۴:۲۶		۲۹-۲۴:۲۶		دعوت اغریپاس به ایمان ۲۹-۲۴:۲۶
	۲۴:۲۶		۳۲-۲۴:۲۶	
	۲۷-۲۵:۲۶			
	۲۸:۲۶			
	۲۹:۲۶			
۳۲-۲۴:۲۶	۳۲-۳۰:۲۶	۳۲-۲۴:۲۶		۳۲-۲۴:۲۶

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...



**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶: ۱**

۱ اغریاس خطاب به پولس گفت: «ما به تو اجازه می‌دهیم که از خود دفاع کنی» پولس دستهای خود را گشود و از خود چنین دفاع کرد:

۲۶: ۱ «دست خود را دراز کرده» این حرکتی بود به نشانه درود و مقدمه سخنرانی (ر.ک. اعمال ۱۲: ۱۷؛ ۱۳: ۱۶ و ۲۱: ۴۰، که در آن حرکات دست برای جلب توجه و دعوت به سکوت مورد استفاده قرار می‌گرفت).

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶: ۲-۳**

۲ «ای اغریاس پادشاه، برای من کمال خوشوقتی است که امروز در پیشگاه آن حضرت در خصوص شکایاتی که یهودیان از من دارند به دفاع برمی‌خیزم. ۳ و بیشتر از این خوشوقتم که آن جناب به همه آداب و رسوم یهودیان و اختلافات بین آنان آشنایی کامل دارید. تمنا دارم لطف فرموده به عرایض بنده توجه نمایید.

۲۶: ۲-۳ پولس دفاعیه خود را مانند محاکمه اش در برابر فلیکس (ر.ک. ۲۴: ۱۰)، به شیوه ای مرسوم و تملق آمیز آغاز می‌کند. او تجربه تلخی را که در برابر شورای یهود داشت، به یاد می‌آورد (ر.ک. ۲۳: ۱-۱۰).

۲۶: ۲ «درباره همه شکایتهایی که یهود از من دارند» اغریاس دوم مسئول نظارت بر معبد و کهنات یهود بود. هرچند او شخصی طرفدار روم و تحصیل کرده در روم بود، از ریزه کاریهای ایمان یهود نیز خبر داشت (ر.ک. آیه ۳).

□ «سعادت» این همان واژه ای است که برای خوشابه حالهای متی ۵ و مز ۱: ۱ در ترجمه هفتاد به کار رفته است.

۳: ۲۶

NASB, NKJV «همه رسوم و مسائل»

NRSV «تمام رسوم و ستیزه‌گری‌ها»

TEV «تمام رسوم و اختلافات»

NJB «رسوم و مباحث»

واژه اول یونانی *etho-n* است که واژه انگلیسی "ethnic" یا دیدگاه فرهنگی یک گروه خاص از مردم از آن ریشه می‌گیرد. واژه دوم معمولاً در کتاب اعمال در مورد بحثها و جدالها بر سر جنبه های یهودیت معلمین یهود به کار می‌رود (ر.ک. ۱۵: ۲؛ ۱۸: ۱۵؛ ۲۳: ۱۹؛ ۲۵: ۱۹؛ ۲۶: ۳). این گونه مباحث به سبب وجود فرقه های مختلف یهودیت قرن اول یعنی صدوقیان، فریسیان (همچنین فرقه های الهیاتی شمّای و هیلل) و غیوران، عمومیت داشتند.

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶: ۴-۸**

۴ «همه یهودیان به خوبی می‌دانند که جوانی من چگونه گذشته است و می‌دانند که از همان ابتدا چگونه در بین ملت خودم و در اورشلیم زندگی کردم. ۵ آنان مرا از اول می‌شناختند و اگر بخواهند می‌توانند آن را تصدیق کنند. آنها می‌دانند که من عمری را در فریسی‌گری یعنی پیروی از دقیقترین فرقه‌های دین خود گذرانده‌ام. ۶ و حالا به‌خاطر امید به آن وعده‌ای که خدا به نیاکان ما داده است محاکمه می‌شوم. ۷ این همان وعده‌ای است که دوازده طایفه ما امید دارند که روزی انجام آن را ببینند و از صمیم قلب شب و روز عبادت می‌کنند. آری، به‌خاطر همین امید است که یهودیان از من شکایت کرده‌اند. ای پادشاه، ۸ چرا به نظر آن جناب محال می‌آید که خدا مردگان را زنده گرداند؟

۲۶:۴ «رفتار مرا از جوانی، ... تمامی یهود می دانند» پولس این موضوع را بارها تکرار کرده است (ر.ک. اعمال ۲۲:۳-۵؛ ۲۳:۱؛ ۲۴:۱۶؛ ۲۵:۸). زندگی او در میان یهودیان اورشلیم نمونه و سرمشق بود (ر.ک. آیه ۵).

□ «قوم خود» مشخص نیست که پولس در کجا بزرگ شده است. این گفته می تواند اشاره به (۱) طرسوس قلیقیه یا (۲) اورشلیم باشد.

۲۶:۵ «اگر» جمله شرطی از نوع سوم که معنی عمل قابل انجام دارد. در این متن پولس می داند که آنها می توانستند درباره گذشته او شهادت دهند، ولی این کار را نمی کردند.

□ «به قانون پارساترین فرقه دین خود، فریسی می بودم» فرقه الهیاتی از یهودیت که در دورا مکابیان شکل گرفت. اعضای این فرقه سرسپرده سنن شفاهی و کتبی یهودیت بودند. به عنوان خاص ۵:۳۴ یا ۱۵:۱۵ مراجعه کنید.

۲۶:۶ «به خاطر امید به آن وعده ای که خدا به نیاکان ما داده است» اشاره به نبوت عهد عتیق از (۱) آمدن ماشیح موعود یا (۲) قیامت مردگان (ر.ک. ۲۳:۶؛ ۲۴:۱۵؛ ایوب ۱۴:۱۴-۱۵؛ ۱۹:۲۵-۲۷؛ دان. ۱۲:۱۲) است. پولس "طریقت" را به عنوان تحقق عهد عتیق می نگریست (ر.ک. متی ۵:۱۷-۱۹؛ غلا. ۳). به عنوان خاص: امید در ۲:۲۵ و Kerygma در ۲:۱۴ مراجعه کنید.

۲۶:۷ «دوازده سبط ما» اعقاب قبیله ای (فرزندان یعقوب) همچنان برای یهودیان حائز اهمیت بود. بسیاری از ده قبیله شمالی هرگز از اسارت آشور بازنگشتند (۷۲۲ ق.م.). از عهد جدید می توان اطلاعاتی در مورد قبایل بدست آورد:

۱. مریم، یوسف و عیسی از قبیله یهودا بودند (ر.ک. متی ۱:۲-۱۶؛ لوقا ۳:۲۳-۳۳؛ مکا. ۵:۵)

۲. حنا از قبیله اشیر بود (ر.ک. لوقا ۲:۳۶)

۳. پولس از قبیله بنیامین معرفی شده است (ر.ک. روم. ۱۱:۱؛ فیلی. ۳:۵)

هیروودیس کبیر با حسادت، اسناد معبد در مورد شجره نامه ها را سوزانید. به عنوان خاص: دوازده در ۱:۲۳ مراجعه کنید.

□ «امید» نمی توان دریافت که منظور پولس کدام امید است. از متن کلی می توان امید به قیامت را برداشت کرد. نگاه کنید به عنوان خاص: امید در ۲:۲۵.

□ «شبانه روز به جد و جهد عبادت می کنند» پولس هم نژادان خود را بسیار دوست می داشت (ر.ک. روم. ۹:۱-۳). او می دانست آنها چقدر می کوشند تا YHWH را عبادت کنند. او به گونه ای خاص خطر شریعت گرای، تعصب و نخبه سالاری را می دانست.

"شبانه روز" اصطلاحی در مورد شدت و مداومت در کار بود (ر.ک. ۲۰:۳۱؛ لوقا ۲:۳۷).

۲۶:۸ «شما چرا محال می پندارید» مخاطب پولس دو گروه هستند: (۱) اغریپاس و سایر یهودیان حاضر و (۲) غیریهودیان حاضر مانند فستوس.

□ «اگر» در ترجمه های فارسی "که" برگردانیده شده است. جمله شرطی از نوع اول که از دید نویسنده یا در جهت اهداف ادبی او صحت دارد.

□ «خدا مردگان را برخیزاند» عبارتی که از امید یهودیان به قیامتی عمومی سخن می گوید، ولی پولس مشخصاً قیام مسیح را در نظر داشت (ر.ک. I قرن. ۱۵). صدوقیان شاکی در اینجا بسیار عصبی می گشتند (ر.ک. ۲۳:۱-۱۰).

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶: ۹-۱۱

۹ «خود من روزی این را وظیفه خود می دانستم که به هر وسیله‌ای با عیسی ناصری مخالفت نمایم. ۱۰ و در اورشلیم همین کار را کردم و با اختیاراتی که از سران کاهنان گرفتم، بسیاری از مقدّسان را به زندان انداختم و وقتی آنان را می‌کشتند برضدشان رأی می‌دادم. ۱۱ مدّت مدیدی ایشان را در کنیسه‌ها می‌زدم و سعی می‌کردم آنان را به انکار ایمانشان مجبور سازم. خشم و غضب من به جایی رسید که تا شهرهای دوردست آنها را تعقیب می‌کردم و آزار می‌رساندم.

۲۶: ۹ پولس (-ego، "من" و -emauto، "خودم") اقرار به گمراهی پیشین خود در غیرت مذهبی اش می‌کند که اکنون دریافته بود که اراده خدا نبوده است (ر.ک. I تیمو. ۱: ۱۳). او چنین می‌پنداشت که با آزار و شکنجه پیروان عیسی خدا را خدمت و خشنود می‌سازد. دنیای پولس و جهان بینی او در راه دمشق، کاملاً تغییر کرد (ر.ک. اعمال ۹).

□ «عیسای ناصری» نگاه کنید به عنوان خاص ۲: ۲۱ و ۲: ۲۷.

۲۶: ۱۰ «مقدسین» در اصل لغت: "افراد مقدس/وقف شده". پولس اکنون دقیقاً می‌دانست کسانی را که زجر داده و کشته است، قوم خدا بودند! رویای دمشق پولس می‌بایست چه شوک، اندوه و روشنگری بزرگی بوده باشد که یک تغییر مسیر کلی در فکر و زندگی اش بوجود آورده بود! به عنوان خاص ۹: ۱۳ مراجعه کنید.

□ «از ... قدرت یافته» پولس شکنجه گر "رسمی" شورای عالی یهود بود.

□ «چون ایشان را می‌کشتند» نشانگر شدت آزار و شکنجه است. "طریقت" یک موضوع کم اهمیت نبود؛ موضوعی مربوط به مرگ و زندگی بود و همچنان هم هست!

□ «در فتوا شریک می بودم» واژه فنی یونانی برای رأی رسمی در شورای عالی یهود یا کنیسه محلی است. اما از آنجا که کنیسه های محلی مجاز به صدور حکم مرگ نبودند، احتمالاً اشاره به آرای شورای عالی یهود است. اگر منظور شورای عالی یهود باشد، آنگاه پولس اجباراً می‌بایست متأهل می‌بود. اصطلاح به کار رفته در اصل به معنی "یک سنگریزه" بود که برای رأی گیری مورد استفاده قرار می‌گرفت، چه با رنگ سیاه و چه با رنگ سفید (ر.ک. مکا. ۲: ۱۷).

۲۶: ۱۱ «مجبور می ساختم» فعل ماضی استمراری (ناکامل) یونانی که به معنی مجبور کردن یا واداشتن است (ر.ک. ۲۸: ۱۹)، ولی در اینجا به معنی آزمودن آمده است. فعل مزبور به انجام مستمر عملی در گذشته اشاره دارد.

□ «کفر گویند» شائول می‌کوشید تا ایشان را وادارد تا در ملأ عام به ایمانشان به عیسی به عنوان مسیح اعتراف کنند و سپس محکومشان می‌کرد.

۱۱: ۲۶

«به شدت خشمگین شدن»

NASB

«به حد زیاد خشمگین شدن»

NKJV

«من به شدت خشمگین شدم»

NRSV

«من خیلی عصبانی بودم»

TEV

«خشم من نسبت به آنها خیلی زیاد بود»

NJB

قیدی بسیار پرشدت ("بسیار بیشتر") و فعل وصفی (میانی به ظاهر مجهول ولی معلوم حال). فستوس از ریشه همین واژه در مورد پولس استفاده می کند ("دیوانه" در ۲۶:۲۴).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶:۱۲-۱۸

۱۲ «در چنین حالی با داشتن اختیارات تام و دستوراتی از جانب سران کاهنان به دمشق می‌رفتم که ۱۳ در هنگام ظهر در بین راه، ای پادشاه، نوری از آسمان روشتر از نور خورشید به دور من و همسفرانم تابید. ۱۴ همگی به زمین افتادیم. بعد من صدایی شنیدم که به زبان عبری به من می‌گفت 'ای شائول، ای شائول، چرا بر من جفا می‌کنی؟ بر میخها لگدزدن کار آسانی نیست.' ۱۵ پرسیدم: 'خداوندا تو کیستی؟' خداوند گفت: 'من همان عیسانی هستم که تو به من جفا می‌رسانی. ۱۶ بلند شو و روی پای خود بایست. من به تو ظاهر شدم تا تو را به خدمت خود منصوب کنم. تو باید درباره آنچه امروز دیده‌ای و آنچه در آینده خواهی دید شهادت دهی. ۱۷ من تو را از دست این قوم و نیز از دست ملت‌های بیگانه که تو را نزد آنان می‌فرستم خواهم رهانید. تو را می‌فرستم ۱۸ تا چشم‌های آنان را باز کنی و ایشان را از تاریکی به روشنایی و از قلمرو شیطان به سوی خدا بازگردانی تا از راه ایمان به من، گناهانشان آمرزیده شود و در بین مقدسین خدا سهمی داشته باشند.'

۲۶:۱۲ پولس شهادت شخصی خود را سه بار در کتاب اعمال به ثبت می‌رساند یعنی در ۹: ۱-۳۱؛ ۲۲: ۳-۲۱ و اینجا. رحمت و برگزیدگی الهی در مورد شائول کاملاً بدیهی است. اگر خدا در مسیح می‌تواند این مرد را ببخشد و به کار ببرد، پس حتماً شما را نیز می‌تواند ببخشد و به کار ببرد!

۲۶:۱۳ به یادداشت کامل در ۹: ۳ نگاه کنید.

این واقعیت که تفاوت‌هایی در جزئیات هر سه قسمتی که پولس از ایمان آوردنش به مسیح سخن می‌گوید وجود دارد، نشان دهند دقت نظر لوقا در ثبت دفاعیه‌های قانونی (و لذا، همچنین، موعظه‌های) پولس در کتاب اعمال است!

۲۶:۱۴ به یادداشت کامل در ۹: ۴ مراجعه کنید.

آقای Frank Stagg در کتاب *New Testament Theology* قسمت بسیار زیبایی درباره ارتباط حیاتی میان عیسی و کلیسایش

نوشته است:

"مهمترین اصل درباره داوری این است که ما در رابطه با مسیح داوری می‌شویم. این به نوبه خود یک داوری در رابطه با قوم اوست. رابطه حقیقی ما با او در رابطه ما با قوم او بازتاب می‌یابد. خدمت کردن به قوم او به منزله خدمت به او فروگذاری نسبت به ایشان، همانا فروگذاری نسبت به اوست (متی ۲۵: ۳۱-۴۶). عهد جدید هرگز به کسی اجازه نمی‌دهد تا ارتباط با مسیح را جدا از ارتباط با سایر مردم بینگارد. شکنجه و آزار ایشان، به منزله شکنجه و آزار اوست (اعمال ۹: ۱-۲، ۴-۵؛ ۲۲: ۴، ۷-۸؛ ۲۶: ۱۰-۱۱، ۱۴-۱۵). گناه کردن نسبت به برادران، گناه کردن نسبت به مسیح می‌باشد (I قرن ۸: ۱۲). هرچند ما بواسطه کارهایمان نجات نمی‌یابیم، اما بخاطر آنها داوری می‌شویم؛ زیرا منعکس کنند ارتباط حقیقی ما با مسیح و فیض او هستند. داوری برای کسانی که پذیرای آن هستند و نیز کسانی که رخسند و بخشنده اند، رحمت آمیز بخشایشگر است (متی ۵: ۷)" (صفحه ۳۳۳).

□ «عبری» در سه شهادت شخصی پولس در کتاب اعمال، این تنها شهادتی است که در آن به جزئیات سخن گفتن عیسی به زبان آرامی اشاره می‌کند.

□ «ای شائول، ای شائول» بخش دوم آیه ۱۴ و قسمت دوم آیه ۱۵ همانند آیات ۱۶-۱۸ نقل قولی از سخنان عیسی به پولس در راه دمشق است.

□ «**تو را بر میخها لگد زدن دشوار است**» عبارتی بی همتا در این متن که احتمالاً ضرب المثلی یونانی/لاتینی بود، نه عبری. پولس همواره می دانست که برای چه کسانی سخن می گوید و چگونه باید با آنان ارتباط برقرار کند! ضرب المثل مزبور اشاره دارد بر (۱) یک سیخ نوک تیز که برای هدایت گاوها در گاری یا گاوآهن به کار می رفت یا (۲) برآمدگیهای جلوی گاری یا بارکشاها که حیوانات را از لگد زدن به عقب بازمی داشت. این ضرب المثل برای یادآوری بیهوده بودن مقاومت انسان در برابر ابتکارات الهی است.

۱۵:۲۶ به یادداشت کامل در ۹:۵ مراجعه کنید.

□ «**عیسای ... که تو به من جفا می کنی**» نشانگر ارتباط نزدیک میان عیسی و کلیسای اوست، (ر.ک. متی ۱۰:۴۰؛ ۲۵:۴۰، ۴۵). آزار آنان به منزله آزار او است!

۱۶:۲۶ «**لیکن برخاسته، برپا بایست**» دو فعل امری ماضی نامعین معلوم. بسیار شبیه به فراخواندن نبوتی ارمیا ۱:۷-۸ و حزقیال ۲:۱، ۳ است.

□ «**بر تو ظاهر شدم تا ...**» خدا مأموریت خاصی برای پولس داشت. ایمان آوردن پولس و فراخواندگی اش، عادی نیست، بلکه واقعه ای غیرعادی می باشد! رحمت خدا و گزینش الهی برای خدمت به پادشاهی و نیز رشد پادشاهی خدا با قدرت به نمایش در می آید.

□ «**بر تو ظاهر شدم ... ظاهر خواهم شد**» دو شکل از واژه *horao-* که اولی ماضی نامعین اخباری مجهول و دومی مضارع اخباری مجهول است. عیسی به نوعی به پولس وعده رویارویی های شخصی در آینده را می دهد. پولس چند رویاهای الهی در طی خدماتش داشت (ر.ک. ۱۸:۹-۱۰؛ ۲۲:۱۷-۲۱؛ ۲۳:۱۱؛ ۲۷:۲۳-۲۴). پولس همچنین به دوران تربیت خود در عربستان توسط عیسی اشاره می کند (ر.ک. غلا. ۱:۱۲، ۱۷، ۱۸).

□ «**مقرر گردانیم**» در اصل "استخدام کردن" است. اصطلاحی برای تقدیر و سرنوشت بود (ر.ک. ۲۲:۱۴؛ ۲۶:۱۶).

□ «**خادم و شاهد**» واژه اولی در اصل لغب اشاره به قسمت "پاروژنی زیر کشتی" است. این واژه تمثیلی برای خادم و خدمتگذار شده بود.

واژه انگلیسی "martyr" (شهید)، از واژه دوم یونانی یعنی، *martus* گرفته شده است. این واژه دو معنا داشت:

۱. شاهد و گواه (ر.ک. لوقا ۱۱:۴۸؛ ۲۴:۴۸؛ اعمال ۱:۸؛ ۲۲:۵؛ ۳۲:۱۰؛ ۳۹:۴۱؛ ۲۲:۱۵)

۲. شهید (ر.ک. اعمال ۲۲:۲۰).

هر دو مفهوم، تجربه شخصی اکثر رسولان و ایمانداران بسیار زیادی در طول اعصار بوده است!

۱۷:۲۶ «**تو را رهایی خواهم داد**» فعل مضارع اخباری میانی. در آوای میانی، این واژه معمولاً به معنی برگزیدن یا انتخاب کردن است. به طور معمول آن را "نجات دادن یا رها کردن" ترجمه می کنند (ر.ک. ۷:۱۰، ۳۴:۱۲؛ ۱۱:۲۳؛ ۲۷). در اینجا مراقبت آینده نگر خدا مشهود است. پولس چند رویا در طی دوران خدماتش به منظور تشویق و پشت گرمی، دریافت کرد. احتمالاً این امر اشاره ای به قرائت ترجمه هفتاد از اش. ۴۸:۱۰ یا ارم. ۱:۷-۸، ۱۹ دارد.

□ «**از دست این قوم و نیز از دست ملت‌های بیگانه**» پولس با رنج و زحمت مخالفت از سوی هر دو گروه مواجه خواهد بود (ر.ک. II قرن. ۱۱:۲۳-۲۷).

□ «که تو را به نزد آنها خواهیم فرستاد» مانند آیه ۱۵ اینجا نیز تأکید بر کلمه "من" (*ego-*) است. فعل *apostello* (حال اخباری معلوم)، ریشه واژه انگلیسی "Apostle" است. همچنانکه خدای پدر، عیسی را فرستاد، عیسی نیز شاهدان خود یعنی رسولان (ر.ک. یوحنا ۲۰: ۲۱) را می فرستد.

۱۸:۲۶ «تا ... باز کنی ... برگردند» هر دو فعل به صورت ماضی نامعین مصدری آمده اند. شاید اشاره به اش. ۷: ۴۲ باشد. مسیح چشمان کوران را باز خواهد کرد تمثیلی از باز کردن چشمان روحانی آدمیان است (ر.ک. یوحنا ۹). دانش و فهم انجیل می بایست مقدم بر فراخوانی به پاسخی ارادی (توبه و ایمان) باشد. شیطان می کوشد تا فکرها و دلهای ما را ببندد (ر.ک. II قرن. ۴: ۴) و روح القدس تلاش می کند تا آنها را باز نماید (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵؛ ۱۶: ۸-۱۱).

□ «از ظلمت ... از قدرت شیطان» به توازی عبارات توجه کنید. "قدرت" از واژه یونانی *exousia* است که معمولاً اقتدار و قدرت ترجمه می شود (ر.ک. ترجمه های انگلیسی NKJV, NRSV, TEV). جهان تحت نفوذ شرارت شخصیت داری قرار گرفته است (ر.ک. افس. ۲: ۲؛ ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۰-۱۸؛ II قرن. ۴: ۴؛ کول. ۱: ۱۲-۱۳).

در عهد عتیق، خصوصاً در نبوتهای اشعیا، مسیح می بایست دید کوران را به ایشان باز می گردانید. این هم یک پیشگویی جسمی و هم تمثیلی از راستی بود (ر.ک. اش. ۲۹: ۱۸؛ ۳۲: ۳؛ ۳۵: ۵؛ ۴۲: ۷، ۱۶).

□ «به سوی نور ... به جانب خدا» به هماهنگی و توازن توجه کنید. مردم باستان از تاریکی هراسان بودند. تاریکی تشبیهی از شرارت و پلیدی بود. از سوی دیگر نور تشبیهی از حقیقت، شفا و پاکی گردید. یوحنا ۳: ۱۷-۲۱، متن موزونی درباره نور انجیل است.

□ «تا ... بیابند» فعل این جمله نیز به صورت ماضی نامعین مصدری آمده است. در متن یونانی هیچگونه "مگر" یا "یکاش" مانند ترجمه های انگلیسی TEV, NJB وجود ندارد. تنها عبارت شرطی این متن "ایمانی که بر من است" می باشد که در آخر جمله یونانی و با کمترین تأکید آمده است. تمامی برکات خدامشروط بر پاسخ ایمان به فیض اوست (ر.ک. افس. ۲: ۸-۹). این نقطه مقابل عهدهای شرطی عهد عتیق در عهد جدید می باشد.

□ «آموزش گناهان» لوقا از این واژه *aphesis* اغلب اوقات استفاده می کند:

۱. در لوقا ۴: ۱۸ استفاده از آن به نقل قول از اش. ۶۱: ۱ در عهد عتیق و به معنی رهایی یافتن است که انعکاس ترجمه هفتاد از کاربرد خروج ۱۸: ۲ و لاو. ۱۶: ۲۶ می باشد.

۲. در لوقا ۱: ۷۷؛ ۳: ۳؛ ۲۴: ۴۷؛ اعمال ۲: ۳۸؛ ۵: ۳۱؛ ۱۰: ۴۳؛ ۱۳: ۳۸؛ ۲۶: ۱۸، به معنی "زدوده شدن جرم گناه" است که بازتاب کاربرد ترجمه هفتاد از تث. ۳: ۱۵ در معنای فسخ بدهی می باشد. استفاده لوقا از واژه مزبور، بازتابی از وعده عهد جدید در ارم. ۳۱: ۳۴ است.

□ «و میراثی» اصطلاح یونانی *kle-ros* که نشانگر انداختن قرعه (ر.ک. لاو. ۱۶: ۸؛ یونس ۱: ۷؛ اعمال ۱: ۲۶) به منظور تعیین ارثیه مانند پید. ۴۸: ۶؛ خرو. ۶: ۸؛ و یوشع ۱۳: ۷-۸ است. در عهد عتیق، لایوان زمینی به میراث نمی گرفتند و فقط ۴۸ شهر لایوان از آن ایشان بود (ر.ک. تث. ۱۰: ۹؛ ۱۲: ۱۲)، ولی خود خداوند میراث ایشان بود (ر.ک. اعد. ۱۸: ۲۰). اکنون در عهد جدید تمامی ایمانداران کاهن هستند (ر.ک. I پط. ۲: ۵، ۹؛ مکا. ۱: ۶). خداوند (YHWH) میراث ماست؛ ما فرزندان اویم (ر.ک. روم. ۸: ۱۵-۱۷).

□ «مقدسین» در اصل "کسانی که تقدیس شده اند" با فعل ماضی نقلی (کامل) وصفی مجهول است. ایمانداران (باورکنندگان) از راه ایمان به مسیح تقدیس شده اند و همچنان تقدیس می شوند (ر.ک. ۲۰: ۲۱). نگاه کنید به عنوان خاص ۹: ۳۲. نه شیطان و نه هیچ اجنه و ارواح پلیدی نمی تواند این موقعیت را از ما بگیرد (ر.ک. روم. ۸: ۳۱-۳۹).

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶: ۱۹-۲۳

۱۹ «بنابراین ای اغریپاس پادشاه، من نسبت به رؤیای آسمانی نافرمانی نکردم، ۲۰ بلکه اول به یهودیان ساکن دمشق و اورشلیم و سرتاسر یهودیه و سپس در میان ملل غیر یهود اعلام می‌کردم که باید توبه کنند و به سوی خدا برگردند و طوری زندگی کنند که شایسته این توبه باشد. ۲۱ به همین دلیل یهودیان مرا در معبد بزرگ گرفتند و می‌خواستند مرا بکشند. ۲۲ اما به یاری پروردگار امروز در اینجا ایستاده‌ام و به همه، به کوچک و بزرگ، شهادت می‌دهم و چیزی جز آنچه انبیا و موسی از پیش خبر داده‌اند به زبان نمی‌آورم، ۲۳ یعنی مسیح باید متحمل درد و رنج شود و نخستین کسی باشد که پس از مرگ زنده می‌شود تا طلوع نور را به این قوم و ملل دیگر اعلام فرماید.»

۲۶: ۱۹ «آن وقت ای اغریپاس پادشاه» پولس می‌کوشد تا این مرد را به ایمان به انجیل نزدیک سازد (ر.ک. آیات ۲۶-۲۹).

□ «نافرمانی نورزیدم» واژه یونانی *pitheo-* از نام الهه تشویق و قانع کننده آمده است. در این متن پیشوند منفی (ALPHA PRIVATE) دارد و اشاره به "نافرمانی" می‌باشد (ر.ک. لوقا ۱: ۱۷؛ روم. ۱: ۳۰؛ II تیمو. ۳: ۲؛ تیطس ۱: ۱۶؛ ۳: ۳). پس به نوعی در زبان یونانی Koine روش مزبور برای منفی کردن واژه به کار می‌رفت اما در این متن در اصل روشی برای تأکید پولس از فرمانبرداری است!

□ «رویای آسمانی» اشاره به رویارویی پولس در راه دمشق با مسیح قیام کرده جلال یافته است.

۲۶: ۲۰ «دمشق ... اورشلیم» در مورد خدمات پولس در دمشق نگاه کنید به اعمال ۹: ۱۹-۲۵، ۲۷؛ درباره خدمات پولس در اورشلیم به ۹: ۲۶-۳۰ و احتمالاً در مورد خدمات وی در یهودیه به ۹: ۳۱ مراجعه نمایید.

□ «توبه کنند و به سوی خدا بازگشت نمایند» پیام پولس همان پیام یحیی تعمید دهنده (ر.ک. متی ۳: ۱-۱۲؛ مرقس ۱: ۴-۸) و نیز پیام اولیه عیسی (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵) بود.

واژه یونانی توبه به معنی تغییر فکر است. همین واژه در عبری به معنی تغییر رفتار می‌باشد. هر دو معنی در توبه واقعی دخیل هستند. نگاه کنید به عنوان خاص در ۲: ۳۸. دو مقتضای عهد جدید (که مقتضیات عهد عتیق نیز بودند) برای نجات عبارتند از توبه (روی برگردانیدن از نفس و گناه) و ایمان (روی آوردن به خدا در مسیح، ر.ک. آیه ۱۸؛ مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۸؛ ۲۰: ۲۱؛ ۲۶: ۱۸، ۲۰).

□ «اعمال لایقه توبه را به جا آورند» شیوه زندگی شخص ایماندار (فعل حال توصیفی معلوم) موید سرسپردگی ایمان اولیه اوست (ر.ک. متی ۳: ۸؛ لوقا ۳: ۸؛ افس. ۲: ۸-۱۰؛ یعقوب و I یوحنا). خدا قومی را می‌خواهد که شخصیت او را منعکس سازند. ایمانداران خوانده شده‌اند تا شبیه مسیح باشند (ر.ک. روم. ۸: ۲۸-۲۹؛ غلا. ۴: ۱۹؛ افس. ۱: ۴؛ ۲: ۱۰). انجیل شخصیتی است که باید به او خوش آمد گفت، حقیقت درباره آن شخص است که باید به آن ایمان آورد و زندگی شبیه آن شخص است که باید به آن ادامه داد.

۲۶: ۲۱ دیدگاه‌های الهیاتی پولس نبود که شورش در معبد را بوجود آورد بلکه موعظه او و شامل نمودن "امتها" (ر.ک. آیه ۲۰) آن بلوا را ایجاد کرد.

□ «قصد قتل من کردند» یک فعل ماضی استمراری (حالت پی در پی و غیرکامل) اخباری میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم) با مصدر (کشتن) میانی به صورت ماضی نامعین. یهودیان (اعمال ۹: ۲۴) از آسیا (ر.ک. ۲۰: ۳، ۱۹؛ ۲۱: ۲۷، ۳۰) چند بار کوشیدند تا پولس را به قتل رسانند.

۲۶:۲۲ «خرد و بزرگ را اعلام می کنیم» یک ضرب المثل سامی فراگیر است. پولس تأکید می کند (مانند پطرس در ۱۰: ۳۸) که او نیز مانند خدا طرفداری نمی کند (ر.ک. تث. ۱۰: ۱۷؛ II تو. ۱۹: ۷، به یادداشت کامل ۱۰: ۳۴ مراجعه نمایید). او به همه انسانها موعظه می کند.

□ «حرفی نمی گویم، جز آنکه انبیا و موسی گفتند» پولس اظهار می دارد که پیام و شنوندگان او (یعنی غیریهودیان) هیچگونه بدعت و نوآوری نبود بلکه نبوت عهد عتیق بود. او به سادگی از راهبردها، وعده‌ها و حقایق عهد عتیق پیروی می کرد.

۲۶:۲۳ توجه کنید که پیام پولس شامل سه قسمت بود: (۱) مسیح برای آمرزش انسان رنج کشید؛ (۲) قیام مسیح نوبر قیام همه ایمانداران است؛ و (۳) این مژده برای یهودیان و غیریهودیان است. این سه جنبه الهیاتی باید با آیه ۲۰ که نشان می دهد ما چگونه شخصاً مسیح را شخصاً می پذیریم (توبه، رویگردانی از نفس و گناه؛ ایمان، روی کردن به خدا در مسیح) ترکیب شوند.

□ «که مسیح می بایست زحمت بیند» این سنگ لغزشی برای یهودیان بود (ر.ک. I قرن. ۱: ۲۳) اما در عهد عتیق پیشگویی شده بود (ر.ک. پید. ۳: ۱۵؛ مز. ۲۲؛ اش. ۵۳).

"مسیح" در زبان یونانی انعکاس "ماشیح" در زبان عبری است. پولس اظهار می دارد که عیسایی که مصلوب گردید به راستی مسیح، همان یگانه موعود، آن یگانه مسح شده است (ر.ک. ۲: ۳۶؛ ۳: ۶، ۱۸، ۲۰؛ ۴: ۱۰، ۲۰؛ ۴: ۱۰، ۲۶؛ ۱۰: ۴؛ ۱۰: ۲۶؛ ۱۳: ۳۳؛ ۱۷: ۳؛ ۲۶: ۲۳).

□ «می بایست ... نوبر قیامت مردگان گشته» به سبب این متن و روم. ۱: ۴ بدعتی به نام "عیسی فرزندخوانده خدا" بوجود آمد که بیان می نمود عیسی بخاطر زندگی خوبی که داشت، از مردگان برخیزانیده شد. اما مسیح شناسی گمراه کننده تمامی متونی را که درباره موجودیت ازلی عیسی بود، مانند یوحنا ۱: ۱؛ فیل. ۲: ۶-۱۱؛ کول. ۱: ۱۵-۱۷؛ و عبر. ۱: ۲-۳ را نادیده می گرفت. عیسی همواره موجودیت داشته است، او وجود الهی بوده است؛ او در برهه ای از زمان بر خود جسم گرفت.

□ «نور» نور تشبیهی باستانی از حقیقت و پاکی است (ر.ک. آیه ۱۸؛ اش. ۹: ۲؛ ۴۲: ۶-۷).

□ «قوم و امتها» برای هر دو گروه فقط یک انجیل وجود دارد (ر.ک. افس. ۲: ۱۱-۳: ۱۳). این رازی بود که عصرها پوشیده ماند، اما اکنون در مسیح کاملاً هویدا شده است. تمامی انسانها به صورت و شباهت خدای یگانه آفریننده خلق شده اند (ر.ک. پید. ۱: ۲۶-۲۷). پیدایش ۳: ۱۵ وعده می دهد که خدا نجات را برای بشریت حبوط کرده مهیا ساخته است. اشعیا مویذ جهان شمولی مسیح است (مثال: اش. ۴۲: ۴، ۱۰: ۶-۱۲؛ ۴۵: ۲۰-۲۵؛ ۴۹: ۶؛ ۵۱: ۴؛ ۵۲: ۱۰؛ ۶۰: ۱-۳؛ و همچنین میکا ۵: ۴-۵).

### متن مژده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶: ۲۴-۲۹

۲۴ وقتی دفاع پولس به اینجا رسید، فستوس فریاد زد: «ای پولس، عقلت را از دست داده‌ای! زیادی علم تو را دیوانه کرده است.» ۲۵ پولس پاسخ داد: «خیر عالیجناب فستوس، دیوانه نیستم، بلکه در کمال هشجاری عین حقیقت را بیان می کنم. ۲۶ پادشاه از این چیزها اطلاع دارند و من می توانم آزادانه پیش آن جناب صحبت کنم. فکر نمی کنم در این باره چیزی از نظر ایشان دور مانده باشد، زیرا هیچ یک از آنها در خفا صورت نگرفته است. ۲۷ ای اغریپاس پادشاه، آیا شما به انبیا عقیده دارید؟ می دانم که عقیده دارید.» ۲۸ اغریپاس به پولس گفت: «خیال می کنی به این زودی می توانی مرا مسیحی کنی؟» ۲۹ پولس گفت: «از خدا می خواهم که دیر یا زود نه تنها حضرتعالی بلکه جمیع کسانی که امروز سخنان مرا می شنوند مثل من بشوند، البتّه نه مثل من در این زنجیرها.»

۲۶:۲۴ «فستوس به آواز بلند گفت» پیام پولس از نظر او باورنکردنی بود. جهان بینی و فرهنگ، تحصیل و موقعیت او قدرت فهمش را یکسویه کرده بود.



□ «کثرت علم تو را دیوانه کرده است» به طور غیرمستقیم همین عبارت نشانگر عمق، وضوح و قانع کننده بودن دفاع پولس است.

۲۶:۲۵ «عین حقیقت» واژه یونانی *so-phrosune* از دو واژه به معنی "سالم" و "فکر" می آید. واژگان مزبور به معنی برخورد متعادل با زندگی و تفکر است. این واژه متضاد با واژه "دیوانه" یا "بی فکر" است (ر.ک. آیه ۲۴).

□ «حقیقت/راستی» به عنوان خاص زیر مراجعه کنید.

### عنوان خاص: «راستی» در نوشته های پولس

استفاده پولس از واژه راستی/حقیقت و اشکال وابسته به آن از معادل عهد عتیقی آن، *emet* به معنی قابل اعتماد و وفادار می آید. در نوشته های یهودی دوره میانه عهد عتیق و عهد جدید، از آن به عنوان راستی در مقابل کذب و خطا استفاده شده است. شاید نزدیکترین معادل آن در طومارهای دریای مرده، "سرودهای شکرگزاری" باشد که در آن به عنوان آموزه های آشکار شده، مورد استفاده قرار می گیرد. اعضای جامعه اینها "شاهدان راستی" گردیدند.

پولس از این واژه به عنوان شیوه ای برای اشاره به انجیل عیسی مسیح استفاده می کند.

۱. رومیان ۱: ۱۸، ۲۵؛ ۲: ۸، ۲۰؛ ۳: ۷؛ ۱۵: ۸
۲. I قرن تیان ۱۳: ۶
۳. II قرن تیان ۴: ۲؛ ۶: ۷؛ ۱۱: ۱۰؛ ۱۳: ۸
۴. غلاطیان ۲: ۵، ۱۴؛ ۵: ۷
۵. افسسیان ۱: ۱۳؛ ۶: ۱۴
۶. کولسیان ۱: ۵، ۶
۷. II تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۱۲، ۱۳
۸. I تیموتائوس ۲: ۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۳؛ ۶: ۵
۹. II تیموتائوس ۲: ۱۵، ۱۸؛ ۳: ۲۵؛ ۷: ۸؛ ۴: ۴
۱۰. تیطس ۱: ۱، ۱۴

پولس از این واژه برای بیان آنکه سخنش راست و دقیق است نیز استفاده می کند:

۱. اعمال ۲۶: ۲۵
۲. رومیان ۹: ۱
۳. II قرن تیان ۷: ۱۴؛ ۱۲: ۶
۴. افسسیان ۴: ۲۵
۵. فیلیپیان ۱: ۱۸
۶. I تیموتائوس ۲: ۷

او آن را برای توصیف انگیزه های خود در I قرن. ۵: ۸ و شیوه زندگی اش (همچنین شیوه زندگی همه مسیحیان) در افس. ۴: ۲۴؛ ۵: ۹؛ فیل.

۴: ۸ نیز به کار می برد. گاهی نیز از آن برای مردم استفاده می کند:

۱. خدا، رومیان ۳: ۴ (ر.ک. یوحنا ۳: ۳۳؛ ۱۷: ۱۷)

۲. عیسی، افس. ۴: ۲۱ (همانند یوحنا ۱۴: ۶)

۳. شهادت رسولان، تیطس ۱: ۱۳

۴. پولس، II قرنثیان ۶: ۸

فقط پولس است که از شکل فعل این واژه (یعنی: *ale-theuo*) در غلا. ۴: ۱۶ و افس. ۴: ۱۵ استفاده می کند و در آنها به انجیل اشاره می نماید.

برای مطالعه بیشتر به کتاب زیر مراجعه کنید: Colin Brown (ed), *The New International Dictionary of New Testament Theology*, vol. 3, pp. 784-902

۲۶: ۲۶-۲۸ «پادشاه ... از این امور مطلع است» درباره این آیات بحث زیادی شده است. ظاهراً پولس می خواست از اغریپاس دوم استفاده کند تا شهادت وی را تأیید نماید و اگر ممکن باشد او را به پذیرش این حقیقت هدایت نماید. آیه ۲۸ را می توان چنین ترجمه کرد: "آیا می خواهی من یک شاهد مسیحی باشم؟"

۲۶: ۲۶ «در حضور او به دلیری سخن می گویم» لوقا اغلب اوقات از این اصطلاح در کتاب اعمال و همواره در ارتباط با پولس استفاده می کند (ر.ک. ۹: ۲۷، ۲۸؛ ۱۳: ۴۶؛ ۱۴: ۳؛ ۱۸: ۲۶؛ ۱۹: ۸). اصطلاح مزبور معمولاً به صورت "سخن گفتن با دلیری" ترجمه می شود (ر.ک. I.T.S. ۲: ۲). این یکی از تظاهرات پری روح القدس است. پولس برای این منظور در افس. ۶: ۲۰، تقاضای دعا می کند. اعلام انجیل با دلیری و شهادت هدف روح القدس برای هر ایماندار است.

□ «زیرا این امور در خلوت واقع نشد» پطرس بارها همین موضوع را به شنوندگان موعظه های نخست خود در اورشلیک تکرار می کرد (ر.ک. ۲: ۲۲، ۳۳). واقعیت های انجیل تاریخی هستند و می توان آنها را مورد تحقیق قرار داد.

۲۶: ۲۷ پولس می دانست که اغریپاس از عهد عتیق آگاهی دارد. او ادعا می کند که پیام انجیل وی به روشنی از مطالب عهد عتیق قابل تشخیص است. این یک پیام "جدید" یا "ابتکاری" نبود! بلکه تحقق نبوتها بود.

۲۸: ۲۶

«در اندک زمانی تو مرا ترغیب می کنی که مسیحی شوم»

NASB

«تو تقریباً مرا بر آن داشتی که مسیحی شوم»

NKJV

«به همین زودی می خواهی مرا قانع کنی که مسیحی شوم؟»

NRSV

«خیال می کنی به این زودی می توانی مرا مسیحی کنی؟»

TEV

«کمابیش، داری با مباحثات خودت مرا مسیحی می کنی»

NJB

گزینه های واژگان در مورد درک و ترجمه واژه یونانی *oligo* (به معنی کوچک یا کم) عبارتند از "در وقتی کوتاه" (NASB, TEV, NRSV) و "با تلاشی اندک" (NKJV, NJB). همین سردرگمی در آیه ۲۹ نیز وجود دارد.

اختلافی در متن این عبارت نیز وجود دارد: در نسخه های P74، آلف، A (*poieo*) "انجام دادن" یا "ساختن" و در نسخه E و نیز در

ترجمه های والگیت و پشیتا "شدن" آمده است.

معنی متن کلی آشکار است. پولس در نظر داشت که انجیل را به شیوه ای ارائه دهد که کسانی که با عهد عتیق آشنایی داشتند و برایشان

قابل قبول بود (اغریپاس) در مورد به انجام رسیدن پیشگوییهای عهد عتیق قانع شوند یا دستکم آن را تأیید کنند.

□ «مسیحی» اهل "طریقت" (پیروان مسیح) اولین بار در انطاکیه سوریه مسیحی خوانده شدند (ر.ک. ۱: ۲۶). تنها جای دیگری که این اسم در کتاب اعمال ظاهر می شود از دهان اغریپاس دوم است که خود به معنی شهرت عمومی این نام می باشد.

۲۶: ۲۹ «از خدا خواهش می داشتیم» آیه ۲۹ یک جمله شرطی نوع چهارم جزئی (an با صیغه آرزویی) است که بیانگر آرزو برای چیزی است که بعدها به حقیقت پیوندد. این گونه جمله‌ها معمولاً به صورت دعا یا آرزو بیان می شوند. پولس آرزو داشت که همه شنوندگان او اعم از رومی و یهودی، مانند او به ایمان به مسیح روی آورند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶: ۳۰-۳۲

۳۰ آنگاه پادشاه از جا برخاست و فرماندار و برنیکی و بقیّه حاضران هم برخاستند. ۳۱ وقتی از تالار بیرون رفتند به یکدیگر گفتند: «این شخص کاری که مستوجب اعدام یا زندان باشد انجام نداده است.» ۳۲ اغریپاس به فستوس گفت: «اگر از قیصر دادخواهی نکرده بود، می توانست آزاد شود.»

۲۶: ۳۰ لوقا از کجا این اطلاعات را بدست آورده بود؟ این یک صحبت خصوصی میان رهبران دولتی (و خانواده های آنان) بود. امکان دارد که یکی از خدمه آن را شنیده و به لوقا انتقال داده باشد؟ امکان دارد که لوقا از بیانهای بعدی آنان این سخنان را حدس زده باشد. لوقا از این فرصت استفاده می کند تا هدف ادبی خود را مبنی بر اینکه نه پولس و نه مسیحیت هیچکدام تهدیدی برای روم محسوب نمی شوند، تشدید نماید.

۲۶: ۳۱-۳۲ «اگر از قیصر دادخواهی نکرده بود، می توانست آزاد شود» نشانگر یکی از اهداف لوقا در نگارش کتاب اعمال است که مسیحیت خیانتی نسبت به دولت روم مرتکب نشده است. این یک جمله شرطی نوع دوم است که با بیانی کذب، حقیقتی را برجسته می نماید. این مرد می توانست آزاد شود (که البته نشد) اگر از قیصر دادخواهی نکرده بود (که البته کرده بود).

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. این دفاعیه با دفاعیه در حضور فستوس و فلیکس چه تفاوتی دارد؟
۲. شهادت شخصی پولس چگونه با دفاعیه وی به طور کلی هماهنگی دارد؟
۳. چرا یک مسیح رنج کشیده برای یهودیان تا این اندازه دور از ذهن می نماید؟
۴. چرا تفسیر آیه ۲۸ دشوار است؟
۵. مباحثه میان فستوس، اغریپاس و برنیکی (آیات ۳۰-۳۱) چگونه با هدف لوقا از نگارش کتاب اعمال هماهنگی دارد؟

**کارهای رسولان فصل ۲۷**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
عزیمت از روم	سفر دریایی پولس به روم	سفر دریایی به مالت	سفر دریایی به روم	سفر دریایی پولس به روم
۳-۱: ۲۷	۶-۱: ۲۷	۸-۱: ۲۷	۸-۱: ۲۷	۸-۱: ۲۷
۶-۴: ۲۷				
۸-۷: ۲۷	۸-۷: ۲۷		نادیده گیری هشدار پولس	
۱۲-۹: ۲۷	۱۲-۹: ۲۷	۱۲-۹: ۲۷	۱۲-۹: ۲۷	۱۲-۹: ۲۷
توفان و شکسته شدن کشتی	توفان دریا		در توفان	توفان دریا
۲۰-۱۳: ۲۷	۲۰-۱۳: ۲۷	۲۰-۱۳: ۲۷	۳۸-۱۳: ۲۷	۲۰-۱۳: ۲۷
۲۶-۲۱: ۲۷	۲۶-۲۱: ۲۷	۲۶-۲۱: ۲۷		۲۶-۲۱: ۲۷
۳۲-۲۷: ۲۷	۳۲-۲۷: ۲۷	۳۲-۲۷: ۲۷		۳۲-۲۷: ۲۷
۳۸-۳۳: ۲۷	۳۸-۳۳: ۲۷	۳۸-۳۳: ۲۷		۳۸-۳۳: ۲۷
	درهم شکسته شدن کشتی		درهم شکسته شدن کشتی	درهم شکسته شدن کشتی
۴۱-۳۹: ۲۷	۴۱-۳۹: ۲۷	۴۴-۳۹: ۲۷	در مالت	شکن کشتی
۴۴-۴۲: ۲۷	۴۴-۴۲: ۲۷		۴۴-۳۹: ۲۷	۴۴-۳۹: ۲۷

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. الی آخر...

## بینشهایی از مضمون متن

ا. لوقا دانش وسیعی در زمینه دریانوردی (A. T. Robertson, *Word Pictures in the New Testament*, vol. 3, p. 456) بیان می‌دارد که لوقا از نه ترکیب برای واژه *pleo-* به معنی دریانوردی استفاده کرده است) و نیز ادبیات، پزشکی، تاریخ و الهیات داشت. در زیر فهرستی از عبارات و اصطلاحات فنی و مربوط به دریانوردی آمده است:

۱. از راه دریا... برویم (ر.ک. ۱۳: ۴؛ ۱۴: ۲۶؛ ۲۰: ۱۵؛ ۲۷: ۱)
۲. در زیر بادپناه (ر.ک. ۲۷: ۴، ۷)
۳. لنگر (ر.ک. ۲۷: ۱۳)
۴. *euraiquilo* (ر.ک. ۲۷: ۱۵)
۵. خلاف جهت باد (ر.ک. ۲۷: ۱۵)
۶. در پناه... (ر.ک. ۲۷: ۱۶)
۷. اطراف کشتی را محکم بستیم (ر.ک. ۲۷: ۱۷)
۸. با لنگر بستن (*skeuos*) (ر.ک. ۲۷: ۱۷؛ طنابها و وسایل قایق (*skeue-n*) (ر.ک. ۲۷: ۱۹)
۹. عمق پیمایی (ر.ک. ۲۷: ۲۸ [دو بار])
۱۰. واحد عمق پیمایی (ر.ک. ۲۷: ۲۸ [دو بار])
۱۱. چهار لنگر پشت کشتی (ر.ک. ۲۷: ۲۹، ۴۰)
۱۲. ریسمان لنگرها (ر.ک. ۲۷: ۴۰)
۱۳. بادبان جلوی کشتی را بالا کشیدن (ر.ک. ۲۷: ۴۰)
۱۴. تغییر سمت حرکت کشتی نسبت به باد (نسخه‌های P74، آلف، A – ر.ک. ۲۸: ۱۳)

ب. کتابی قدیمی که برای مفسرین بسیار یاریگر بوده است: James Smith's *The Voyage and Shipwreck of St. Paul*, 1848.

ج. این سفر به روم در دوره خطرناک سال برای دریانوردی انجام یافت (ر.ک. ۲۷: ۱، ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۴). معمولاً ماههای نوامبر تا فوریه (آبان تا بهمن) خطرناکترین دوره برای سفر با دو سه هفته دوره احتیاط بیشتر و پس تر از این دوره در نظر گرفته می‌شد. حمل و نقل گندم به مقصد روم حدود ده تا چهارده روز به طول می‌انجامید، ولی بخاطر جهت باد، سفر بازگشت می‌توانست تا شصت روز هم به درازا کشد.

د. در این متن به سه یا احتمالاً چهار کشتی مختلف اشاره شده است:

۱. کشتی ساحلی که در هر بندر توقف می‌کرد و در ساحل کناره می‌گرفت.
۲. دو کشتی مصری گندم که گندم را از مصر به ایتالیا می‌بردند
۳. احتمالاً یک سفر با قایق میان ناپل تا ۴۳ مایلی جنوب روم

دنبال کردن گزارش لوقا از این سفر دریایی از روی نقشه مدیترانه، جالب توجه است.

متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۷: ۱-۸

۱ وقتی قرار بر این شد که ما از راه دریا به ایتالیا سفر کنیم، پولس و چند زندانی دیگر را به سروانی به نام یولیوس از هنگ اوغسطس تحویل دادند. ۲ به کشتی ادرامیتینی که عازم بندرهای استان آسیا بود سوار شدیم و حرکت کردیم و آرسترخس مقدونی از اهالی تسالونیکي همراه ما بود. ۳ روز بعد در بندر صیدون لنگر انداختیم و یولیوس به پولس محبت کرد و اجازه داد که در آنجا به دیدن دوستان خود برود و ما یحتاج خود را از آنان بگیرد. ۴ از آنجا بار دیگر راه دریا را در پیش گرفتیم و چون باد از جهت مخالف می‌وزید از حاشیه قبرس که باد پناه بود، عبور نمودیم و ۵ پس از گذشتن از آبهای قلیقیه و پمفیلیه به میرای لیکیه رسیدیم. ۶ سروان در آنجا یک کشتی اسکندریه‌ای را که عازم ایتالیا بود پیدا کرد و ما را سوار آن نمود. ۷ روزهای زیادی به آهستگی پیش می‌رفتیم و با زحمت فراوان به بندر قنیدوس رسیدیم و چون باد مخالف ما بود، جهت دیگر را در پیش گرفتیم و از کنار دماغه سلْمونی و ساحل جزیره کریت که پناهگاه بود، رانندیم. ۸ به سختی از آنجا گذشته به نزدیکی‌های شهر لسائیه به محلی به نام «بندر نیک» رسیدیم.

۲۷: ۱ «وقتی قرار بر این شد که ما از راه دریا به ایتالیا برویم» فستوس آنها را در وقت خطرناک سال به سفر دریایی فرستاد. ضمیر "ما" اشاره به پولس و لوقا (و احتمالاً سایرین) دارد. اکثر بخشهای با ضمیر "ما" در کتاب اعمال دارای عنصر سفر دریایی نیز هستند (ر.ک. ۱۶: ۱۰-۱۷؛ ۲۰: ۵-۱۵؛ ۲۱: ۱-۱۸؛ ۲۷: ۱-۲۸؛ ۱۶).

□ «چند زندانی دیگر» ما چیزی درباره آنها نمی دانیم جز اینکه آنها نیز زندانیان سلطنتی بودند که به روم می رفتند.

□ «یوزباشی» در عهد جدید همواره این مردان را با نظر مثبت توصیف کرده است (ر.ک. متی ۸؛ لوقا ۷؛ ۲۳: ۴۷؛ اعمال ۱۰؛ و محاکمات پولس در ۲۱-۲۸).

□ «از سپاه اوغسطس» پنداشته می شد که آنها قاصدان رسمی میان روم و استانها بوده اند (ر.ک. W.M. Ramsay, *St. Paul the Traveler and Roman Citizen* صفحات ۳۱۵ و ۳۴۸)، اما این فقط یک پنداشت بدون مدرک پیش از زمان Hadrin (۱۱۷-۱۳۸ م.) بوده است.

۲۷: ۲ «کشتی ادرامیتینی» یک کشتی خط ساحلی که در هر بندری توقف می کرد. بندر اصلی این کشتی بندر میسیه در آسیای صغیر بود. این نخستین مرحله از سفر دراز و پرمخاطره به روم بود.

□ «آرسترخس» او در تسالونیکي منزل داشت؛ احتمالاً به خانه بازمی گشت (ر.ک. اعمال ۱۹؛ ۲۹؛ ۲۰: ۴؛ کول. ۴؛ ۱۰؛ فیلمون ۲۴). شاید سگندوس نیز او را همراهی می کرد (ر.ک. ۲۰: ۴ و برخی از نسخه های یونانی غربی از این آیه).

۲۷: ۳ «صیدون» شهری در فینیقیه که در حدود شصت و هفت مایلی شمال قیصریه قرار داشت. مرکز قدیمی حکومت فینیقیه بود، اما مدتها بود که تحت الشعاع صور قرار داشت.

۳: ۲۷

«با ملاحظه» NASB

«با محبت» NKJV, NRSV

«با محبت بود» TEV

«با ملاحظه بود» NJB

یک اصطلاح مرکب از "محبت" (*philos*) و "انسانیت" (*anthro-pos*) است. اصطلاح مزبور دوبار در کتاب اعمال به کار رفته، به صورت اسم در ۲۸: ۲ (ر.ک. تیطس ۳: ۴) و به صورت قید در اینجا ۲۷: ۳. یولیوس شخص رؤوفی بود (صفتی تعجب آور برای یک سرباز اشغالگر رومی). او احتمالاً درباره مورد پولس از قبل چیزهایی شنیده بود.

□ «دوستان خود» احتمالاً اشاره به مسیحیان آن ناحیه است. یولیوس به پولس اعتماد داشت، اما احتمالاً یک نگهبان رومی نیز با او می رفت.

□ «نوازش یابد» متن مشخص نمی کند که چه نوع توجهی (احساسی، فیزیکی یا مالی) به او می کردند.

□ «از حاشیه قبرس» عبارتی سردرگم کننده است زیرا خواننده می اندیشد منظور از "جنوب قبرس" است ولی در واقع منظور از شمال قبرس می باشد. سایر اسامی مورد اشاره در جنوب و غرب سواحل ترکیه امروزی هستند.

۲۷: ۶ «کشتی اسکندریه که به ایتالیا می رفت» یک کشتی بزرگتر بود (۲۷۶ نفر روی عرشه به علاوه مقدار زیادی گندم) که از مصر به سوی روم می رفت. مردمان امروزی درباره این کشتیهای بزرگ از تصاویر روی دیوارهای پُمپی و از نوشته های لوسین در حدود ۱۵۰ م. اطلاع دارند. مایرا بندر اصلی این کشتیهای بزرگ گندم بود.

۲۷: ۷ «قنیدوس» یک شهر آزاد ساحلی در جنوب غربی ساحل استان رومی آسیا بود. اکثر کشتیهای رومی از این بندر استفاده می کردند (ر.ک. Thucydides, Hist. 8.35). دارای دو لنگرگاه بود زیرا در یک شبه جزیره قرار داشت.

□ «سلمونی» شهری در دماغه شرقی جزیره کریت بود. بخاطر مخاطره آمیز بودن آن وقت سال، آنها می کوشیدند تا راه غرب را از کناره جزیره به پیش گیرند.

۲۷: ۸ «بندر نیک» خلیجی کوچک در نزدیکی جنوب شهر لسائیه در کریت است. این بندر یک لنگرگاه نیست بلکه خلیجی کوچک می باشد. ماندن در آنجا در طول زمستان دشوار بود.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۷: ۹-۱۲

۹ مدت زیادی در آنجا گذرانیده بودیم و دیگر ادامه سفر ما با خطر روبه‌رو بود، زیرا مدت زیادی از روز کفاره، که در اوایل پاییز است می گذشت. پس پولس به آنها نصیحت نموده ۱۰ گفت: «آقایان، می بینم که سفر ما از اینجا به بعد پرخطر خواهد بود. به کشتی و بار آن خسارت و زیان خواهد رسید و برای خود ما هم تلفات جانی خواهد داشت.» ۱۱ اما سروان به حرفهای ناخدای کشتی و صاحب آن بیشتر توجه داشت تا به سخنان پولس ۱۲ و نظر به اینکه آن بندر برای اقامت زمستانی نامناسب بود، اکثر آنان صلاح دانستند که از آنجا حرکت کنند تا شاید به فینکاس برسند و زمستان را در آنجا که بندری کریتی و رو به شمال غربی و جنوب غربی است بگذرانند.

۲۷: ۹ در مواقع مشخصی از سال (ماههای زمستانی) حرکت جبهه‌ها و جهت بادهای توفانی، دریانوردی را در دریای مدیترانه مخاطره آمیز می ساخت.

□ «ایام روزه» اشاره به روز کفاره (ر.ک. لاو. ۱۶). این تنها روزی بود که در نوشته های موسی به عنوان روز روزه مشخص شده بود. با این اشاره، وقت سفر دریایی حدوداً میان ماههای سپتامبر و اکتبر (میان شهریور تا میانه آبان) تخمین زده می شود. ماه اکتبر، حاشیه خطرناک سفر دریایی محسوب می گردید.

□ «پولس ایشان را نصیحت کرده» فعل ماضی استمراری است که می تواند بر (۱) تکرار عملی در گذشته یا (۲) آغاز عملی در گذشته دلالت داشته باشد. در این متن گزینه شماره ۲ درست تر به نظر می رسد.

۲۷: ۱۰ پولس هشدار جدی و مشخص می دهد. اما در واقع، آنچه گفت به انجام نرسید. آیا پولس نظر شخص خود را می گفت ("می بینم که") یا خدا تغییری در اراده خود دارد و بر آن شد که جان مسافری کشتی را حفظ کند (ر.ک. آیه ۲۴)؟

۱۱: ۲۷

«ناظر و ناخدای کشتی» NASB

«سکان دار و مالک کشتی» NKJV

«ناخدا و صاحب کشتی» NRSV

«ناخدا و مالک کشتی» TEV, NJB

این عبارت بیانگر دو شخص متفاوت است:

۱. ناخدا (*kuberne-te-s*)، اشاره به سکان دار و هدایت کننده کشتی است (ر.ک. مکا. ۱۸: ۱۷)

۲. صاحب کشتی (*naukle-ros*)، ترکیب "کشتی" [*naus*] و "به میراث بردن" یا "قرعه" [*kle-ros*]، این واژه می تواند به معنی "صاحبان کشتی" باشد (ر.ک. F. F. Bruce, *The Book of Acts*, در صفحه ۵۰۷ نقل قولی از Ramsay, *St. Paul the Traveler*, صفحه ۳۲۴ می آورد که آن هم نقل قولی است از *Inscriptiones Graecae*, 14.918). کاربرد آن در پاپیروسهای Koine "کاپیتان" است. تفاوت دقیق میان این دو واژه مشخص نیست (ر.ک. Louw and Nida, *Greek-English Lexicon*, vol. 1, p. 548 در مقابل Harold Moulton, *The Analytical Greek Lexicon Revised*, p. 275)، ولی احتمالاً بر روی کشتی ای به این اندازه (کشتی گندم اسکندریه) به غیر از ملوانان عادی، چند رده مسئول و سرپرست هم بوده اند.

۲۷: ۱۲ «اگر» جمله شرطی نوع چهارم است. کسانی که مصمم به ادامه سفر بودند می دانستند این کار خطرناکی است، ولی می پنداشتند که از عهده آن برخواهند آمد.

□ «فینیکس» بندری در ساحل جنوبی جزیره کریت، در غرب جزایر نیک. تردیدهای از سوی منابع باستانی در مورد محل دقیق آن وجود دارد (Strabo, *Geography*, 10.4.3 در مقابل Ptolemy, *An Egyptian Geography* 3.17.3). کشتیرانی در نزدیکی ساحل جنوبی کریت همچنان ادامه دارد.

□ «رو به شمال غربی و جنوب غربی» ظاهراً در فینیکس، دو شهر توسط پیشرفتگی ای در دریا از هم جدا شده بودند. یک بندر نسبت به جهت بادهای یک جانب مناسب بود و دیگری مناسب جهت بادهای سوی دیگر بود. ماههای سال، تعیین کننده بندر بهتر بودند.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۷: ۱۳-۲۰

۱۳ پس وقتی نسیم جنوبی برخاست به تصور آنکه به مقصود خود رسیده اند، لنگر کشتی را برداشتند و از نزدیک کناره کریت گذشتیم. ۱۴ اما طولی نکشید که باد شدیدی که به باد شمال شرقی معروف است از خشکی به طرف ما برخاست و ۱۵ به کشتی زد و ما قادر نبودیم کشتی را مستقیماً در خلاف جهت باد هدایت کنیم، بنابراین خود را به دست باد سپردیم تا با جریان آن پیش رویم. ۱۶ در پناه جزیره کوچکی به نام کاودا با زحمت زیاد توانستیم قایق کشتی را به اختیار خود در آوریم. ۱۷ آنان قایق را به کشتی سوار کردند و با طناب اطراف کشتی را محکم بستند و از ترس اینکه مبادا کشتی در جاهای کم عمق خلیج صید را گیر کند، بادبان کشتی را پایین کشیدند و ما همچنان با جریان باد پیش می رفتیم. ۱۸ باد شدید ادامه داشت، به طوری که روز دوم بار کشتی را به دریا ریختند ۱۹ و در روز سوم اسباب و لوازم کشتی را با دست خود به دریا انداختند. ۲۰ روزهای متمادی نه آفتاب به چشم می خورد و نه ستارگان. باد همچنان با شدت می وزید و دیگر هیچ امیدی به نجات ما نبود.



	۱۳:۲۷
«بادی شدید»	NASB, NRSV
«طوفانی شگرف»	NKJV
«بادی بسیار شدید»	TEV
«طوفانی عظیم»	NJB

واژه مرکب یونانی *tupho-n* (توفان) + *ikos* (آسا) در مورد بادی ناگهانی و بسیار تند بود. این باد احتمالاً توسط کوههای ۷۰۰۰ پایی کرت تشدید می شد.

	۱۴:۲۷
«اور کیکو»	NASB
«اور کلیدون»	NKJV
«باد شمال شرقی»	NRSV, TEV
«باد شمال خاوری»	NJB

نام مخصوصی است که ملوانان به این باد در فصل مزبور داده بودند و ترکیبی است از (۱) واژه یونانی *euros* "باد شرقی" و (۲) واژه لاتینی *aquilo* "باد شمالی". یک باد شمال شرقی ناگهانی شدید بود. از آنجایی که نام *(eukakulo-n)* به یک اصطلاح فنی دریانوردی تبدیل شده بود، برخی از کاتبان در سده های بعدی آن را درست نمی فهمیدند و لذا می کوشیدند تا به روشهای مختلف برای با معنی کردن متن، آن را تغییر دهند.

۱۵:۲۷ «قادر نبودیم ... در خلاف جهت باد هدایت کنیم» کشتیهای باستانی در هر طرف سینه کشتی نقشهایی از چشم داشتند. بعدها اشکال انسان یا حیوان بر روی سینه کشتی نقش بست (ر.ک. ۲۸:۱۱). حتی امروزه نیز ما کشتیها را به عناوین مونث شخصیت می بخشیم. این عبارت در اصل "برخلاف" (*anti*) بعلاوه "چشم" (*ophthalmos*) می باشد. آنها نمی توانستند کشتی را برخلاف باد برانند.

۱۶:۲۷ «کلودی» جزیره ای کوچک که در حدود پنجاه مایلی به دور از ساحل جنوبی کریت واقع است. آنها اکنون درمانده در برابر یک باد شمال شرقی شدید قرار داشتند. از حفاظ کوچکی در برابر باد، سود جستند تا اینکه کشتی را برای دریای متلاطم آماده سازند.

اختلافاتی در نسخه های یونانی در مورد نام این جزیره وجود دارد:

۱. *Kauda*، نسخه های P<sup>74</sup>، آلف ۲، B
۲. *Klauda*، نسخه های آلف\*، A
۳. *Klaude-n*، نسخه های P,L,H و بسیاری از نسخه های کوچکتر دیگر
۴. *Gaude-n*، متن یونانی که ژروم به کار می برد
۵. *Klaudion*، برخی از نسخه های کوچک

UBS<sup>3</sup> و UBS<sup>4</sup> به شماره ۱ درجه "B" (تقریباً مطمئن) می دهد. دو گزینه اول ممکن است شکل یونانی و شکل لاتینی نام مزبور باشند.

□ «قایق کشتی را به اختیار خود درآوریم» اشاره به قایق کوچکتری در دنباله کشتی است (ر.ک. آیات ۳۰، ۳۲). قایق مزبور اصطلاحاً ایجاد می کرد که پیشروی کشتی را مشکل می ساخت.

۲۷: ۱۷ «با طناب اطراف کشتی را محکم بستند» اشاره به بستن طنابهای مخصوصی به دور بدنه کشتی است که کمک می کرد در طوفان از هم باز نشود (ر.ک. Aristotle, *Rhetoric* 2.5.18).

□ «جاهای کم عمق خلیج صیدرا» کانونهای متحرک شنی دور از ساحل شمالی آفریقا. آنها را صیدرای بزرگ و صیدرای کوچک می خواندند (ر.ک. Pliny, *Nat. Hist.* 5.4,27). آنها آرامگاه بسیاری از کشتیها بودند. برای اجتناب از صیدرای بزرگ، ملوانان کشتی را به کناره می کشیدند تا به آرامی به سمت جنوب برود.

□ «بادبان کشتی» کلید تفسیر درست این متن واژه "پایین کشیدن" است. آنچه آنها پایین کشیدند: (۱) لنگر کشتی بود یا (۲) بادبان آن؟ هدف از این کار پایین آوردن سرعت کشتی و در عین حال کنترل کمی بر آن بود. لنگر کشتی لنگری نبود که از زیر آن را نگاه می داشت بلکه پارچه بزرگ چترمانندی بود که با استفاده از وزن آب درون خود مانع کشیده شدن کشتی به سمت جنوب می گردید (ر.ک. متن قدیمی لاتین و ترجمه های انگلیسی NJB, NRSV, NASB). چند ترجمه انگلیسی این عبارت را "پایین کشیدن بادبان" ترجمه کرده اند (ر.ک. NKJV, TEV, NJB و ترجمه پشینتا به انگلیسی). واژه یونانی در اصل به معنی "چیز" است (ر.ک. Louw & Nida, *Greek-English Lexicon*, vol. 2, p. 223) و می بایست در رابطه با متنی مشخص تفسیر شود. چند متن پایروسی بخصوص موجود هستند که بیان می دارند منظور بادبان است (ر.ک. Moulton & Milligan, *The Vocabulary of the Greek Testament*, p. 577). اگر چنین باشد، آنها بخشی از بادبان را پایین کشیدند نه همه آن را. آنها می بایست کنترلی هر قدر هم ناچیز حفظ می کردند تا به آهستگی هر چه بیشتر از خط کناره عبور کنند.

۲۷: ۱۸-۱۹ نشانگر شدت و خطر آفرین بودن این طوفان در نظر آن ملوانان کارکشته است (ر.ک. ۲۰).

□ «بار کشتی را بیرون انداختند» نشان می دهد که ملوانان مزبور به راستی نگران جانشان بودند.

۲۷: ۱۹ «اسباب و لوازم کشتی» مشخص نیست این عبارت دقیقاً به چه اشاره می کند، احتمالاً منظور بادبان اصلی و طنابها و ابزار آن است. واژه به کار رفته مبهم می باشد. همین اصطلاح در آیه ۱۷ به لنگر کشتی یا بخشی از بادبانها اشاره می کند.

۲۷: ۲۰ «روزهای بسیار آفتاب و ستارگان را ندیدند» ظاهراً این عبارت نشان می دهد که آنها هیچ سرنخی از مکانی که در آن بودند، نداشتند. آنان می ترسیدند که به سواحل شمال آفریقا برخورد کنند اما نمی توانستند فاصله شان را تخمین بزنند (ر.ک. آیه ۲۹). بدون دیدن ستارگان و خورشید، نمی توانستند جهت یابی کرده موقعیتشان را تشخیص بدهند.

□ «دیگر هیچ امید نجات برای ما نماند» این عبارت صحنه را برای دلگرمی پولس از رویای پیشینش آماده می سازد (ر.ک. آیات ۲۱-۲۶). آنان دیگر هیچ منبع امیدی نداشتند!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۶-۲۷:۲۱

۲۱ وقتی که مدت مدیدی بدون غذا راه پیمودند، پولس در میان ایشان ایستاد و گفت: «ای دوستان، کاش به حرفهای من گوش می دادید و از کزیت سفر نمی کردید تا از این همه آسیب و زیان در امان باشید. ۲۲ خوب، حالا که این طور شده از شما می خواهم که خود را نبازید. هیچ آسیبی به جان کسی نخواهد رسید، فقط کشتی از دست خواهد رفت، ۲۳ زیرا دیشب فرشته آن خدایی که من از آن او هستم و او را می پرستم در کنار من ایستاد ۲۴ و گفت: ای پولس نترس. زیرا تو باید در حضور امپراتور حاضر شوی و خدا جان همه همسفرانت را به تو بخشیده است. ۲۵ پس آقایان باید قویدل باشید، زیرا من به خدا ایمان دارم و می دانم همان طور که به من گفته است خواهد شد. ۲۶ ولی به کناره یکی از این جزایر رانده خواهیم شد.»

۲۷: ۲۱ «وقتی که مدت مدیدی بدون غذا راه پیمودند» در رابطه با آیه ۳۳، دستکم سه معنای ممکن وجود دارد: (۱) شاید بخاطر توفان شدید و طولانی، دریازده شده بودند؛ (۲) به قصد نجات جانسان مشغول دعا و روزه بودند (رسم بت پرستی، ر.ک. آیه ۲۹)؛ یا (۳) آنقدر در تلاش برای نجات کشتی بودند که اهمیتی به خوردن نمی دادند.

□ «کاش به حرفهای من گوش می دادید» پولس می گوید: "من که به شما گفتم!" این واقعه به پولس فرصت داد تا به عنوان سخنگوی روح القدس عمل کند.

۲۷: ۲۲ «فقط کشتی از دست خواهد رفت» (dei، ر.ک. آیه ۲۶).

۲۷: ۲۳ «فرشته آن خدایی که...» شخص عیسی و یا یک فرشته بارها برای تشویق پولس به او ظاهر شدند (ر.ک. ۱۸: ۹-۱۰؛ ۲۲: ۱۷-۱۹؛ ۲۳: ۱۱؛ ۲۷: ۲۳-۲۴). خدا نقشه و هدف بشارتی برای زندگی پولس داشت (ر.ک. آیه ۲۶؛ ۹: ۱۵) و یک توفان نمی توانست جلوی آن را بگیرد.

۲۷: ۲۴ «ای پولس، ترسان مباش» یک فعل حال میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم) با پیشون منفی که معمولاً برای بازداشتن عملی که در جریان است به کار می رود (ر.ک. اعمال ۲۳: ۱۱؛ امثال ۳: ۵-۶).

□ «خدا جان همه همسفرانت را به تو بخشیده است» فعل ماضی نقلی (کامل) اخباری میانی (به ظاهر مجهول ولی معلوم). خدا نقشه و هدفی از خدمات پولس داشت (ر.ک. ۹: ۱۵؛ ۱۹: ۲۱؛ ۲۳: ۱۱). او می بایست (dei) در روم به حضور روسای دولت و ارتش شهادت دهد.

زندگی و ایمان پولس بر سرنوشت همراهانش تأثیر گذاشت. همین گستره فیض را می توان در تث. ۵: ۱۰؛ ۷: ۹؛ I قرن. ۷: ۱۴ مشاهده کرد. این امر مسئولیت شخصی را از بین نمی برد بلکه تأثیر بالقوه خانواده، دوستان و همکاران ایماندار را برجسته می سازد.

۲۷: ۲۵ تذکر پولس در آیه ۲۲ "خود را نبازید" که یک فعل حال مصدری است در اینجا تکرار می شود: "قویدل باشید" که یک فعل امری حال معلوم می باشد.

□ «زیرا من به خدا ایمان دارم» رویارویی پولس با مسیح زنده او را قادر به توکل بر کلام خدا می ساخت ("همان طور که به من گفته است خواهد شد" که دارای فعل اخباری کامل مجهول می باشد). ایمان دستی است که هدایای خدا - نه فقط نجات بلکه تدارکات الهی - را دریافت می کند.

Romaine, *Life of* Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* عبارت و نقل قول بزرگی از

*Faith* دارد که چنین است:

"اکنون با تمایزی روشن میان ایمان در یک سو و توکل و امید در سوی دیگر با عهد جدید روبرو می شویم. ایمان پذیرش کلام خداست در حالیکه توکل و پایداری و نیز امید ثمرات مناسب ایمان هستند و به شکلهای مختلف نشانگر اطمینانی است که ایماندار احساس می کند. پیامی از سوی بوجود آورنده ام دریافت می کنم؛ این پیام شاید یک تهدید، یک وعده و یا یک دستور باشد. اگر آن را با "بلی و آمین" دریافت کنم، این ایمان است و عملی که عمل **amunah** یا وفاداری خدا را موجب می گردد. ایمان بر اساس کلام خدا گویی تلویحاً اشاره به کلام، پیام یا مکاشفه دارد. پس Romaine دانا در کتاب *Life of Faith* بیان می دارد که: "ایمان نشانگر باور داشتن به حقیقت کلام خداست؛ مربوط می گردد به سخنی که او گفته یا وعده ای که داده است و مبین باوری است که شخص شنونده نسبت به درستی آن دارد؛ او آن را می پذیرد، بر آن تکیه می کند و برطبق آن عمل می نماید: این همانا ایمان است." اینگونه ایمان بود که موجب شد نوح کشتی بسازد، ابراهیم پسرش را به عنوان قربانی بگذراند، موسی از اینکه پسر دختر فرعون خوانده شود امتناع ورزد، و قوم اسرائیل در اطراف دیوارهای اریحا

رژه بروند. من سخن خدا را باور می کنم که همانگونه که به من گفته است، خواهد شد- این تصویری از یک روند پویاست که کتاب مقدس آن را ایمان می خواند" (ص. ۱۰۴-۱۰۵).

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۷: ۲۷-۳۲

۲۷ وقتی شب چهاردهم فرا رسید و ما هنوز در دریای آدریاتیک از این سو به آن سو رانده می شدیم نزدیک نصف شب ملاحان احساس کردند که به خشکی نزدیک می شوند. ۲۸ پس عمق پیمایی کردند و به عمق تقریباً سی و هشت متر رسیدند و به فاصله کوتاهی دوباره اندازه گیری نمودند و به عمق بیست و هفت متری رسیدند ۲۹ و چون می ترسیدند که به صخره ها بخوریم، چهار لنگر از پشت کشتی به دریا انداختند و دعا می کردند که زودتر روز شود. ۳۰ ملاحان می خواستند کشتی را ترک کنند و برای عملی ساختن نقشه خود به بهانه اینکه می خواهند لنگرها را از جلوی کشتی به دریا بیندازند قایق را به آب انداختند. ۳۱ اما پولس به سروان و سربازان گفت: «اگر ملاحان در کشتی نمانند نجات شما ممکن نخواهد بود.» ۳۲ پس سربازان طنابهای قایق را بریدند و آن را رها کردند.

۲۷: ۲۷ «شب چهاردهم» این فاصله زمانی دقیقاً متناسب با مدت زمان وضعیت کشیده شدن آنهاست (توسط لنگر کشتی). آنها ۴۷۶ مایل را با سرعتی معادل ۳۶ مایل در هر ۲۴ ساعت پیمودند.

□ «دریای آدریاتیک» اشاره به جنوب مرکزی مدیترانه (آدریا) است، نه به دریای آدریاتیک امروزی که می شناسیم.

□ «گمان بردند که خشکی نزدیک است» آنها احتمالاً صدای شکست امواج را شنیدند یا پرندگان و ماهیان بخصوصی را دیدند.

□ «پیمایش کرده» شکلی از یک فعل به معنی "انداختن سرب" است که اشاره به انداختن یک طناب وزنه دار با علامتهای نشانگر عمق آب بود.

□ «قامت» فاصله میان دو دست در حالتی است که دستها به اطراف کشیده شده اند. نشانگر میزان اندازه گیری مورد استفاده ملوانان برای بیان عمق آب است.

۲۷: ۲۹ هوا هنوز تاریک بود. آنها دقیقاً نمی دانستند کجا هستند. می خواستند سرعت کشتی را کم کنند یا آن را متوقف سازند تا زمانی که ببینند کشتی به کدام سمت می رود.

۲۷: ۳۰ ملوانان مزبور مردان ایمان نبودند. آنها هر چه می توانستند برای نجات جانشان می کردند.

۲۷: ۳۱ در رابطه با رویای اخیر پولس و وعده خدا، شرایطی وجود داشت (جمله شرطی نوع سوم).

□ «نجات» این مفهوم عهد عتیقی از نجات جسمی و فیزیکی است (ر.ک. یعقوب ۵: ۱۵). ملوانان، سربازان و همسفران پولس با آشنایی وی، پیام انجیل را نیز شنیدند که مفهوم عهد جدیدی نجات روحانی را در بر داشت. چه فاجعه ای می بود اگر از مرگ جسمی نجات می یافتند و به مرگ جاودانی می مردند!

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۷: ۳۳-۳۸

۳۳ کمی قبل از سپیده دم پولس به همه اصرار می کرد که چیزی بخورند. او گفت: «امروز چهارده روز است که در بلا تکلیفی به سر می برید و چیزی نخورده اید. ۳۴ تمناً دارم چیزی بخورید زیرا نجات جان شما بسته به آن است. مویی از سر هیچ یک از شما کم نخواهد شد.» ۳۵ با این سخنان نان را برداشت و در حضور همه آنان پس از آنکه خدا را شکر نمود پاره کرد و شروع به خوردن نمود. ۳۶ پس همه قویدل گشتند و غذا خوردند. ۳۷ (تعداد ما در کشتی جمعاً دویست و هفتاد و شش نفر بود.) ۳۸ پس از آنکه سیر شدند، بقیه غله را به دریا ریختند تا کشتی را سبک نمایند.

۲۷: ۳۴ «مویی از سر هیچ یک از شما کم نخواهد شد» پولس سخنانی مشابه سخنان عیسی را بیان می‌دارد (ر.ک. لوقا ۱۲: ۷؛ ۲۱: ۱۸). این یک ضرب‌المثل عبری در مورد حفاظت بود (ر.ک. I سمو. ۱۴؛ ۴۵؛ II سمو. ۱۴؛ I پاد. ۱: ۵۲).

۲۷: ۳۵ اشاره به شام خداوند است، ولی ایمان پولس را در میانه بحران نیز نشان می‌دهد. ایمان پولس بر دیگران اثر می‌گذاشت (ر.ک. آیه ۳۶).

۲۷: ۳۷ «دویست و هفتاد و شش» شامل خدمه کشتی و مسافران می‌گشت. نسخه B (قرن چهارم میلادی) دارای عدد "۷۶" است در حالیکه نسخه‌های آلف (قرن چهارم) و C (قرن پنجم) همین عدد "۲۷۶" را دارند. نسخه A (قرن پنجم) دارای "۲۷۵" است. تمامی ترجمه‌های نوین انگلیسی عدد ۲۷۶ را مرقوم کرده‌اند. <sup>4</sup>UBS به این عدد رتبه "B" (تقریباً حتمی) را داده است.

۲۷: ۳۸ این یک کشتی بزرگ گندم از مصر بود. آنها تقریباً تمامی بار و وسایل کشتی را به دریا ریخته بودند (ر.ک. آیه ۱۸).

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۷: ۳۹-۴۴

۳۹ وقتی صبح شد، ملاحان خشکی را نشناختند اما متوجه خلیجی با ساحل شنی شدند. تصمیم گرفتند که در صورت امکان کشتی را در آنجا به گل بنشانند. ۴۰ سپس ریسمان لنگرها را بریدند و آنها را در دریا رها کردند و همان موقع بندهای سگان را هم شل کردند و بادبان جلوی کشتی را بالا کشیدند و کشتی را یگراست به طرف ساحل راندند. ۴۱ کشتی به یکی از تپه‌های زیر آب برخورد کرد و در آنجا گیر نموده دماغه کشتی ثابت و بی‌حرکت ماند ولی قسمت عقب در نتیجه برخورد با امواج شدید درهم شکست. ۴۲ در این موقع سربازان فکر می‌کردند بهتر است زندانیان را بکشند، مبادا کسی از ایشان به وسیله شنا فرار کند. ۴۳ اما سروان که می‌خواست پولس را سالم به مقصد برساند، مانع انجام نقشه آنان شد. او دستور داد اول کسانی که شنا بلد بودند، از کشتی به داخل آب بپرند و خود را به خشکی برسانند. ۴۴ و بقیه یا روی تخته پاره‌ها و یا روی قطعات کشتی به دنبال آنان بروند. به این ترتیب همه ما صحیح و سالم به خشکی رسیدیم.

۲۷: ۳۹ آنها هنوز تا حدودی بر کشتی تسلط داشتند (ر.ک. آیه ۴۰).

یک اختلاف نسخه‌ای در نسخه‌های یونانی در مورد "کشتی را بر آن برانند" (ر.ک. نسخه‌های آلف، A، B<sup>2</sup>) و "کشتی را با ایمنی بنشانند" (ر.ک. نسخه‌های B\* و C) وجود دارد. این دو واژه به نظر بسیار شبیه می‌آیند (*exo-sai* در برابر *ekso-sai*). نسخه‌های قدیمی یونانی اغلب اوقات توسط یک نفر قرائت می‌شد و تعداد زیادی آن را می‌نوشتند. واژه‌های هم‌آوا اغلب اوقات مخلوط می‌شدند.

۲۷: ۴۰ تپه‌های دریایی کنار ساحل موجب درهم شکستن بسیاری از کشتیها می‌شدند. در این مورد یک تپه در میانه امواج دریایی و آبهای ساحلی بوجود آمده بود.

۲۷: ۴۰

NASB, NKJV,  
NJV

«چوب‌های هدایت کننده» NRSV, TEV

اشاره به سکانهای دوگانه است که در کشتیهای بزرگتر به کار می‌رفت. یعقوب ۳: ۴ از همین واژه برای "سکان" استفاده کرده است.

«دماغه» واژه‌ای نادر است ولی می‌بایست اشاره به بادبان کوچکی بر روی سینه کشتی باشد (ر.ک. Juvenal, Sat. 12.69).

۲۷:۴۲ «سپاهیان قصد قتل زندانیان کردند» اگر آنها می گریختند، سربازان مجبور به تحمل مجازات ایشان می گردیدند!

۲۷:۴۳ سخنان، ایمان و اعمال پولس، سرپرست هنگ رومی را قانع ساخته بود که به او اعتماد کند و از وی حفاظت نماید.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. گزارش لوقا از سفر دریایی پولس به روم دارای اصطلاحات فنی دریانوردی زیادی است. این امر چه چیزی را نشان می دهد؟

۲. چرا آیه ۲۰ از لحاظ الهیاتی تا این اندازه حائز اهمیت است؟

**کارهای رسولان فصل ۲۸**  
**تقسیم بندی پاراگرافی ترجمه‌های نوین**

NJB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
انتظار در مالت	در مالت	پولس در مالت	خدمات پولس در مالت	پولس در جزیره مالت
۶-۱:۲۸	۶-۱:۲۸	۶-۱:۲۸	۱۰-۱:۲۸	۱۰-۱:۲۸
۱۰-۷:۲۸	۱۰-۷:۲۸	۱۰-۷:۲۸		
از مالت تا روم	از مالت تا روم	سفر به روم	رسیدن به روم	رسیدن پولس به روم
۱۴-۱۱:۲۸	۱۵-۱۱:۲۸	۱۵-۱۱:۲۸	۱۶-۱۱:۲۸	۱۵-۱۱:۲۸
۱۶-۱۵:۲۸	در روم	۱۶:۲۸		۱۶:۲۸
	۱۶:۲۸			
ارتباط پولس با یهودیان روم		پولس و یهودیان روم	خدمات پولس در روم	بشارت پولس در روم
۲۰-۱۷:۲۸	۲۰-۱۷:۲۸	۲۲-۱۷:۲۸	۳۱-۱۷:۲۸	۲۲-۱۷:۲۸
۲۲-۲۱:۲۸	۲۲-۲۱:۲۸			
اعلام پولس به یهودیان روم				
۲۷-۲۳:۲۸	۲۷-۲۳:۲۸	۲۹-۲۳:۲۸		۲۹-۲۳:۲۸
۲۸:۲۸	۲۸:۲۸			
سخن آخر	۲۹:۲۸	خاتمه		
۳۱-۳۰:۲۸	۳۱-۳۰:۲۸	۳۱-۳۰:۲۸		۳۱-۳۰:۲۸

**قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه خوب کتاب مقدس» صفحه vii مقدمه)**

**دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف**

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیشارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش الی را در تفسیر ایفا می کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ۵ ترجمه نوین کتاب مقدس مقایسه نمایید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۸: ۱-۶

۱ وقتی صحیح و سالم به ساحل رسیدیم، فهمیدیم که نام آن جزیره مالت است. ۲ مردم آن جزیره به ما محبت بسیار کردند و چون هوا سرد بود و باران می‌بارید آتش بزرگی افروختند و از ما پذیرایی کردند. ۳ پولس مقداری هیزم جمع کرده بود و وقتی آن را روی آتش گذاشت به علت حرارت آتش ماری از میان آن بیرون آمد و به دست او چسبید. ۴ همین که بومیان مار را به دست او آویزان دیدند، به یکدیگر گفتند: «این شخص حتماً قاتل است که با وجود اینکه از دریا نجات پیدا کرد، الهه عدالت اجازه نمی‌دهد که او زنده بماند.» ۵ اما پولس مار را روی آتش انداخت و اصلاً آسیبی ندید. ۶ آنان منتظر بودند که هر لحظه بدنش ورم کند و یا ناگهان نقش زمین گردد. اما وقتی مدتی زیادی منتظر ماندند و دیدند که هیچ آسیبی به او نرسیده است، عقیده آنها عوض شد و گفتند که او یکی از خدایان است.

۲۸: ۱ «چون رستگار شدند» واژه یونانی *so-zo-* (ر.ک. ۲۷: ۳۱) با پیشوند *dia* این واژه به طور معمول برای کسی که به امنیت می‌رسید مورد استفاده قرار می‌گرفت (ر.ک. ۲۳: ۲۴؛ ۲۷: ۴۴؛ ۲۸: ۱، ۴). لوقا آن را در لوقا ۷: ۳ برای شفای جسمی نیز بکار می‌برد.

فعل ماضی نامعین وصفی مجهول نشان می‌دهد که لوقا این امنیت و سلامتی را به تدارک الهی (آوای مفعولی) بر طبق کلام او (ر.ک. ۲۷: ۲۱-۲۶) نسبت می‌داد.

□ «مالت» ملوانان فینیقی این جزیره را ملیته نیز می‌خواندند، که واژه ای کنعانی به معنی "پناهگاه" بود. آن جزیره در اصل یک مستعمره فینیقی بود و در میان سیسیل و شمال آفریقا قرار داشت. حدود هیجده مایل درازا و هشت مایل پهنا داشت، اما موقعیت آن استطاعت و ارزش تجارتي دریایی زیادی داشت و چندین بندر خوب در آن موجود است.

۲۸: ۲ «مردم آن جزیره» در اصل "بربریان"، که عنوان تحقیرآمیزی نمی‌باشد، بلکه به سادگی اشاره به هرکسی است که به زبان یونانی و لاتینی سخن نمی‌گوید.

۲: ۲۸

NASB, NKJV, NRSV «محبت بسیار»

NJB «محبتی غیر قابل انتظار»

TEV «بسیار دوستانه»

این عبارت تشدید شده دارای اصطلاح *philanthro-pos* است که از لحاظ لغوی مانند ۲۷: ۳ به معنی "مردم دوست" می‌باشد. مراقبت و پذیرایی مخصوص اهالی، بخاطر دیدن رویارویی معجزه آسای پولس با یک مار در کنار ساحل بود. این و سایر اعمال معجزه آسا (ر.ک. آیات ۷-۱۰) در بشارت را گشود! ذهن پولس همواره او را به اعلام انجیل سوق می‌داد (ر.ک. ۱۹: ۹-۲۳).

۲۸: ۳ «پولس مقداری هیزم جمع کرده بود» در واقع نشانگر تواضع پولس است. او همراه با سایرین مشغول به کار شد. هیچگونه گزیده سالاری پس از راه دمشق وجود نداشت!

□ «افعی ای ... بر دستش چسبید» معنی اصلی این اصطلاح "چسبیدن/متصل شدن" است. می‌تواند به معنی "گاز گرفتن/گزیدن" یا "پیچیدن به دور چیزی" نیز باشد.



۲۸:۴ «جانور» همین واژه "جانور" تبدیل به اصطلاح پزشکی برای مارهای سمی گردید (ر.ک. ۱۰:۱۲).

□ «عدل نمی گذارد که زیست کند» "عدل" یا "سرنوشت" نام یکی از الهه های ایشان بود. آنها این وضعیت را با طنز و کنایه بیان می کنند درست مانند عاموس ۵: ۱۹. آیه ۶ نسان می دهد که اهالی آن جزیره بت پرستانی خرافاتی بودند.

۲۸:۶ اهالی آن جزیره تجربه شخصی از مارهای آن ناحیه داشتند. تغییر ناگهانی نظر آنها مشابه واکنش بت پرستان اعمال ۱۴: ۱۱-۱۳ از معجزه بود.

□ «آماس کند» یکی از چندین اصطلاح پزشکی که لوقا به کار می برد (ر.ک. آیه ۸). این اصطلاح فقط در این آیه از کتاب عهد جدید آمده است.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۸: ۷-۱۰

۷ در نزدیکی های آن محل املاکی وجود داشت که متعلق به پوبلیوس، حاکم آن جزیره بود. این شخص ما را به خانه برد و مدت سه روز با کمال مهربانی از ما پذیرایی کرد. ۸ از قضا پدر پوبلیوس بستری و مبتلا به تب نوبه و اسهال خونی بود. پولس به بالین او رفت و پس از دعا بر او دست گذاشت و او را شفا داد. ۹ پس از این جریان سایر بیماران آن جزیره هم آمدند و شفا یافتند. ۱۰ آنان در مقابل، هدایای فراوانی به ما دادند و وقتی خواستیم آنجا را ترک کنیم چیزهایی که در سفر مورد احتیاج ما بود برای ما به کشتی آوردند.

۲۸:۷ «رئیس جزیره» این واژه به معنی نوعی صاحب منصب دولتی، از لحاظ لغوی "مرد اول" (ر.ک. ۱۳: ۵۰؛ لوقا ۱۹: ۴۷، "از مردم"؛ ۱۶: ۱۲ "در شهری") است. این واژه در دو کتیبه که در جزیره مزبور پیدا شده یکی به زبان یونانی و دیگری به زبان لاتینی موجود است. روم به این جزیره اجازه خودمختاری داده بود و در برهه ای تابعیت کامل روم را بدیشان اعطا کرد.

۲۸:۸ «رنج تب و اسهال عارض شده، خفته بود» مالت بخاطر تبی که از میکروبهای موجود در شیر بز آنجا موجود بود، شهرت داشت.

□ «دست بر او گذارده، او را شفا داد» به عنوان خاص: نهادن دستها در ۶: ۶ مراجعه کنید.

۲۸:۹ هر دوی این افعال غیر کامل (استمراری) هستند که نشانگر عمل مکرر یا مداوم در زمان گذشته است (حالت اخباری). آنها همچنان می آمدند. خدا به شفا دادن ایشان توسط پولس ادامه می داد.

فعل یونانی "شفا یافتند"، *therapeuo* است که واژه انگلیسی "therapy" (معالجه) از آن گرفته شده است. این اصطلاح را می توان برای "خدمت" نیز در عوض "شفا" به کار برد. فقط معنی مشخص متن است که تعیین می کند کدام مفهوم صحیح است.

#### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۸: ۱۱-۱۵

۱۱ پس از سه ماه اقامت در آن جزیره با یک کشتی اسکندریه ای، که علامت دو پیکر جوزا داشت و زمستان را در آنجا توقف کرده بود، به راه افتادیم. ۱۲ در شهر سراکیوس لنگر انداختیم و سه روز در آنجا توقف نمودیم. ۱۳ بار دیگر با کشتی از آنجا حرکت کرده به ریغیون رفتیم. بعد از یک روز باد جنوبی برخاست و دو روز طول کشید که به بندر پوطیولی رسیدیم. ۱۴ در آنجا ایمانداران را پیدا کردیم و به دعوت آنان مدت یک هفته در آنجا ماندیم و به این ترتیب به روم رسیدیم. ۱۵ مسیحیان آن شهر وقتی شنیدند که ما در راه هستیم تا بازار آپیاس و دهکده ای به نام «سه میخانه» به استقبال ما آمدند و چون پولس آنان را دید، خدا را شکر نموده و دلگرم شد.

۲۸: ۱۱ «کشتی ... که زمستان را در جزیره بسر برده بود» دریای مدیترانه در طول ماههای زمستان توفانی و غیرقابل دریانوردی است. راههای کشتیرانی در اواخر ماه فوریه یا مارس (اواسط اسفند) باز می شد.

□ «کشتی اسکندریه ای» احتمالاً یک کشتی بزرگ گندم دیگر بود که از مصر به سوی بندر ناپل می رفت (ر.ک. ۲۷: ۶، ۳۸).

□ «علامت دو پیکر جوزا داشت» اشاره به دو پسر دوقلوی زئوس، کاستر و پولوکس است. آنها حافظان دریانوردان در پانتئون (معبد تمام خدایان) روم بودند. پوسیدون (خدای دریا در افسانه های یونان) به ایشان قدرت و تسلط بر باد، امواج و توفانها را بخشیده بود. صورت فلکی مخصوص آنها جوزا (دو پیکر) بود. ظاهراً روی سینه آن کشتی نقش آن دو مرد کوچک جن مانند حکاکی شده بود.

۲۸: ۱۲ «سراکیوس» شهر اصلی سیسیل، واقع در ساحل شرقی آن منطقه بود. این بندر در هشتاد مایلی شمال مالت قرار داشت.

۲۸: ۱۳ «دور زده» نسخه های قدیمی با ترتیب حروف الفبایی آلف (Siniaticus) و B (Vaticanus) دارای "لنگر وزنی" هستند که یک اصطلاح فنی دریانوردی است (بنا بر مشخصه لوقا)، اما سایر نسخه های قدیمی P<sup>74</sup>، آلف<sup>c</sup>، و A دارای "گذر کردن از کنار" مانند ۱۶: ۸ هستند.

□ «ریغیون» شهری که در دماغه جنوب غربی ایتالیا قرار دارد.

□ «پوطیولی» مرکز واردات گندم برای روم در بندر ناپل بود. آنها حدود ۱۸۰ مایل را در طی دو روز پیمودند.

۲۸: ۱۴ «در آنجا برادران یافته» جماعتی مسیحی در ایتالیا (ر.ک. آیه ۱۵) و روم بودند که از پولس استقبال کردند.

۲۸: ۱۵ «بازار آپیاس» این پایان سفر با کرجی از جنوب ایتالیا و آغاز جاده اصلی روم بود که جاده آپیان خوانده می شد. از آنجا تا روم چهل و سه مایل فاصله بود.

□ «سه میخانه» یک استراحتگاه میانه راه در حدود سی و سه مایلی روم بود.

□ «پولس ... دلگرم شد» ظاهراً پولس دوباره دلسرد شده بود. او گویی همواره مستعد دلسردی بود. عیسی چند بار شخصاً به او ظاهر شد تا او را تشویق کند و دلگرمی دهد.

**متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۸: ۱۶**

۱۶ وقتی به روم رسیدیم، پولس اجازه یافت که با یک نگهبان رومی در خانه ای جداگانه زندگی کند.

۲۸: ۱۶ «وقتی به روم رسیدیم» پولس انتظار نداشت بدینگونه به روم بیاید. اما این شیوه تدارک خدا برای پولس بود تا با روسای دولتی، نظامی و رهبران مذهبی روم سخن گوید.

□ «پولس اجازه یافت که با یک نگهبان رومی در خانه ای جداگانه زندگی کند» پولس تحت بازداشت خانگی قرار گرفت. شهادت افسری که او را با خود برده بود در این تصمیم گیری سودمند بود.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۸: ۱۷-۲۲

۱۷ بعد از سه روز پولس رهبران یهودیان آنجا را دعوت کرد و وقتی آنها جمع شدند به ایشان گفت: «ای برادران، من که هرگز عملی علیه ملت و یا آیین نیاکانمان انجام نداده‌ام، در اورشلیم دستگیر و تسلیم رومیان شدم. ۱۸ رومیان از من بازپرسی نمودند و می‌خواستند مرا آزاد سازند زیرا پی بردند که من هیچ کاری نکرده‌ام که مستوجب مرگ باشم. ۱۹ اما یهودیان مخالفت کردند و من هیچ راهی نداشتم جز اینکه از امپراتور دادخواهی نمایم، البته من هیچ شکایتی هم علیه ملت خود ندارم. ۲۰ به این سبب از شما دعوت کردم تا شما را ببینم و با شما گفت‌وگو کنم. زیرا من به‌خاطر همان امیدی که اسرائیل دارد، به طوری که می‌بینید، گرفتار زنجیرم.» ۲۱ به او گفتند: «هیچ نامه‌ای درباره‌ی تو از یهودیه به ما نرسیده است و از برادران ما هم کسی به اینجا نیامده است که درباره‌ی تو گزارشی داده باشد و یا سخن بدی به زیان آورده باشد. ۲۲ اما ما مایل هستیم عقاید و نظرات تو را از زیان خودت بشنویم. آنچه ما درباره‌ی این فرقه جدید می‌دانیم آن است که همه از آن ایراد می‌گیرند.»

۲۸: ۱۷ «پولس بزرگان یهود را طلبید» این رویکرد معمول پولس بود (ر.ک. روم. ۱: ۱۶؛ ۲: ۹). او شرایط جاری خود را توضیح می‌دهد و در را برای ارائه انجیل می‌گشاید.

۲۸: ۱۸-۱۹ در اینجا باز هم قصد دفاعیاتی لوقا را می‌توان به روشنی مشاهده کرد! مسیحیت تهدیدی برای دولت روم محسوب نمی‌شد.

۲۹: ۱۹ «یهود مخالفت نمودند» به نظر می‌رسد اینگونه عبارت بردازی از نظر بزرگان یهودی در روم عجیب می‌نمود. لوقا از واژه *Ioudaios* (یهود) به دو معنا استفاده می‌کند:

۱. ملیت - ۲: ۵، ۱۱؛ ۹: ۲۲؛ ۱۰: ۲۲، ۲۸؛ ۱۱: ۱۹؛ ۱۳: ۵۶؛ ۱۴: ۱۶؛ ۱۶: ۱، ۳؛ ۲۰: ۱۷؛ ۱: ۱۷؛ ۱۰: ۱۷؛ ۱۸: ۲، ۴، ۵، ۱۹؛ ۱۹: ۱۰، ۱۷.

۲۰: ۳۴؛ ۲۱: ۲۱؛ ۲۱: ۲۱؛ ۲۱: ۲۱؛ ۲۲: ۳۹؛ ۲۲: ۳؛ ۲۴: ۱۲؛ ۲۴: ۵، ۹؛ ۲۴: ۲۴؛ ۲۵: ۲۵؛ ۲۵: ۸، ۹؛ ۲۴: ۲۰؛ ۲۷: ۱۷

۲. کسانی که شاهد عینی وقایع هفته آخر زندگی عیسی بودند - ۲: ۱۵؛ ۱۰: ۳۹

۳. در جهت منفی - ۹: ۲۳؛ ۱۲: ۳؛ ۱۱: ۱۳؛ ۴۵؛ ۵۰؛ ۱۴: ۲، ۴، ۵؛ ۱۹: ۱۷؛ ۵؛ ۱۳؛ ۱۸: ۱۲، ۱۴؛ ۲۸؛ ۱۹: ۱۳؛ ۱۴؛ ۳۳؛ ۲۰: ۳؛ ۱۹: ۲۱؛

۱۱؛ ۲۷؛ ۲۲؛ ۳۰؛ ۲۳: ۱۲، ۲۰؛ ۲۷؛ ۲۴؛ ۱۹: ۲۵؛ ۲، ۷، ۱۰؛ ۱۵؛ ۲۶: ۲، ۲۱؛ ۲۸: ۱۹

۴. در معنای مثبت - ۱۳: ۴۳؛ ۱۴: ۱؛ ۱۸: ۲؛ ۲۴: ۲۱؛ ۲۰

احتمالاً بهترین متن در اعمال که معانی مختلف این واژه را نشان می‌دهد ۱۴: ۱-۲ است.

۲۸: ۲۰ «بجهت امید اسرائیل» پولس بزرگان یهود را به گونه‌ای مخاطب قرار می‌دهد که با شنوندگانش ارتباط برقرار کند. او می‌کوشد تا زمینه مشترکی با ایشان در "امید اسرائیل" بیابد. برای پولس، امید اسرائیل عیسی بود، برای ایشان، آن یگانه‌ای که وعده آمدنش داده شده بود یعنی ماشیح یا احتمالاً قیامت از مردگان امیدشان بود!

۲۸: ۲۱ این عدم اطلاع درباره پولس در پرتو سه سفر بشارتی پولس و وقایع و شایعات اورشلیم، شگفت آور است.

۲۸: ۲۲ آشکار است که اخبار مربوط به عیسی در حال انتشار بود و بسیار به انجیل پاسخ مثبت می‌دادند. در محافل یهود، این خبر خوشی نبود! اما، بزرگان یهودی مزبور مشتاق شنیدن سخنان پولس بودند.

□ «این فرقه» به عنوان خاص: عیسی ناصری در ۲: ۲۲ مراجعه کنید.

## متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۸: ۲۳-۲۹

۲۳ پس روزی را تعیین کردند و عدهٔ زیادی برای دیدن او به منزلش آمدند. او به تفصیل از صبح تا شب دربارهٔ پادشاهی خدا برای آنها سخن گفت و کوشید با مراجعه به تورات موسی و نوشته‌های انبیا آنان را نسبت به عیسی متقاعد سازد. ۲۴ بعضی از آنها سخنان او را قبول کرده ایمان آوردند، ولی دیگران در بی‌ایمانی خود باقی ماندند. ۲۵ آنها بدون آنکه بین خودشان توافقی حاصل شود متفرق گشتند. اما قبل از رفتن آنها پولس اظهار داشت: «روح‌القدس به وسیلهٔ اشعیای نبی به نیاکان شما چه خوب گفته است: ۲۶ 'پیش این قوم برو و به آنها بگو: بسیار خواهید شنید ولی درک نخواهید کرد و پیوسته خواهید نگرست ولی نخواهید دید، ۲۷ زیرا دل‌های این قوم سخت و گوش‌هایشان سنگین و چشمانشان بسته شده است مبادا با چشم خود ببینند و با گوش خود بشنوند و با قلب خود بفهمند و برگردند و من آنان را شفا بخشم.' ۲۸» پس بدانید که این نجات الهی در اختیار غیر یهودیان گذاشته شده است و آنها آن را خواهند پذیرفت.» [ ۲۹ چون پولس این سخنان را گفت، یهودیان رفتند و با یکدیگر بشدت مباحثه می‌کردند.]

۲۸: ۲۳ «بسیاری نزد او به منزلش آمدند ... از صبح تا شام» پولس تمام روز ایمان مسیحی را برای این یهودیان توضیح می‌داد! چه موقعیت حیرت‌آوری ایجاد شده بود.

□ «پادشاهی خدا» این موضوع اصلی موعظه و تعلیم (مثل‌های) عیسی بود. حقیقتی که در حال حاضر در زندگی ایمانداران موجود است و در آینده با حکمرانی خدا بر زمین سقوط کرده به کمال می‌رسد (ر.ک. متی ۶: ۱۰). این عبارت آشکارا فقط مربوط به اسرائیل نیست اما بخشی جدایی‌ناپذیر از امید اسرائیل بوده است (ر.ک. آیه ۲۰). به عنوان خاص ۲: ۳۵ مراجعه کنید.

□ «تورات موسی و انبیا» دو بخش از سه بخش کانون عبری که تمامی عهد عتیق را تشکیل می‌دادند (ر.ک. متی ۵: ۱۷؛ ۷: ۱۲؛ ۲۲: ۴۰؛ لوقا ۱۶: ۱۶؛ ۲۴: ۴۴؛ اعمال ۱۳: ۱۵؛ ۲۸: ۲۳). روش و اسلوب پولس (نشانه‌شناسی و نبوت پیش‌گویانه مربوط به مسیح‌شناسی) قرار دادن متون عهد عتیق در کنار زندگی عیسی بود.

۲۸: ۲۴ انعکاسی از راز انجیل است. این امر که چرا برخی ایمان می‌آوردند و برخی نه، رازی است از قادر متعال بودن خدا و اراده آزاد انسان. از یک نظر، خدمت پولس به بزرگان یهود در روم یک جنبه کوچک از خدمات وی است. او ابتدا انجیل را با یهودیان در میان می‌گذاشت. انجام یافتن کلام عهد عتیق توسط عیسی را بیان می‌نمود. برخی ایمان می‌آوردند ولی اکثراً ایمان نمی‌آوردند. این موضوع هم در عهد عتیق پیشگویی شده بود (ر.ک. اش. ۶: ۹-۱۰).

۲۸: ۲۵-۲۷ «روح‌القدس به وسیله اشعیای نبی ... چه خوب گفته است» نمایانگر دیدگاه پولس از راز بی‌ایمانی اسرائیل است! نقل قول آیات ۲۶-۲۷ از اش. ۶: ۹-۱۰ است. عیسی از این آیه اغلب در مورد بی‌ایمانی انسان استفاده می‌کرد (ر.ک. متی ۱۳: ۱۴-۱۵؛ مرقس ۴: ۱۲؛ لوقا ۸: ۱۰؛ یوحنا ۱۲: ۳۹-۴۰). پولس تا این زمان رومیان ۹-۱۱ را نگاهشته بود (چرا اسرائیل ماشیح خود را نمی‌پذیرفت؟). اسرائیل عهد عتیق نیز کاملاً نمی‌خواست ایمان آورد/یا عملاً ایمان نمی‌آورد. بقیه وفاداری ایمان می‌آوردند اما اکثراً بی‌ایمان می‌ماندند.

۲۸: ۲۸ «نجات خدا نزد امتها فرستاده می‌شود» شاید کنایه از مز. ۶۷، خصوصاً آیه ۲ باشد. این جنبه جهان‌شمول بودن مسیحیت بود که موجب اغتشاش در اورشلیم گردید و همچنان در میان بسیاری از یهودیان ناآرامی ایجاد می‌کرد. این جنبه از نظر پید. ۱: ۲۶، ۲۷؛ ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳ منطقی است. در اشعیای، میکا و یونس در مورد آن پیشگویی شده بود. این امر در افس. ۲: ۱۱-۱۳؛ ۳: ۱۳ به روشنی به عنوان نقشه‌ازلی خدا توسط پولس شرح داده شده است!

□ «ایشان خواهند شنید» این حقیقت روم. ۹-۱۱ است. یهودیان ماسیح را رد کردند زیرا او با انتظارات ایشان متناسب نبود و زیرا انجیل در ایمان را برای همه مردمان باز می نمود.

مسئله عهد جدید در واقع مسئله میان یهودیان در مقابل یونانیان نبود بلکه مسئله ایمانداران در مقابل غیرایمانداران بود. این مسئله توجهی به اینکه مادر شما کیست ندارد بلکه مربوط می شود به اینکه آیا قلبتان در برابر روح خدا و پسر خدا باز هست یا خیر؟! ۲۸:۲۹ در نسخه های قدیمی یونانی P<sup>74</sup>، آلف، A، B و E این آیه حذف شده است. در هیچ یک از نسخه های یونانی تا نسخه P که به قرن ششم میلادی بازمی گردد، موجود نیست.

### متن مؤده برای عصر جدید: کارهای رسولان ۲۸:۳۰-۳۱

۳۰ پولس دو سال تمام در منزل اجاره ای خود زندگی کرد و در خانه اش به روی همه باز بود. ۳۱ او پادشاهی خدا را اعلام می کرد و درباره عیسی مسیح خداوند بسیار صریح و بدون هیچ مانعی تعلیم می داد.

۲۸:۳۰ «دو سال تمام» این احتمالاً (۱) دوره زمانی معمول و مقتضی برای دیدن قیصر بود؛ (۲) زمان لازم برای دریافت مدارک جدید از ستوس بود؛ (۳) دوره انتظار الزامی برای شاهدان آسیا یا اورشلیم بود؛ یا (۴) نزدیک به دوره محدودیتهای قانونی بود. در طی این دوره بود که پولس رسالات زندان خود (کولسیان، افسسیان، فیلمون و فیلیپیان) را نگاشت.

□ «در خانه اجاره ای خود» پولس منبع درآمد داشت: (۱) او خیمه دوزی یا چرم کاری می کرد؛ (۲) کلیساها (تسالونیک و فیلیپی) به او کمک مالی می کردند؛ یا (۳) مبلغی پول به ارث برده بود.

□ «می پذیرفت» لوقا اکثر اوقات از این اصطلاح به مفهوم "استقبال قلبی" استفاده می کند (ر.ک. ۱۸:۲۷؛ ۲۸:۳۰ و -*paradecho* *mai* در ۱۵:۴). این واژه در مورد جمعیتی که در لوقا ۸:۴۰ و ۹:۱۱ از عیسی استقبال کردند، به کار رفته است. از همین واژه برای استقبال از انجیل هنگامی که پطرس آن را در اعمال ۲:۴۱ موعظه کرد، استفاده شده است.

□ «هر که به نزد او می آمد» مشکل در همینجا بود. انجیل پولس مربوط به همه جهانیان بود. این "مؤده" برای تمامی انسانها بود نه فقط یهودیان!

۲۸:۳۱ «موعظه می نمود ... تعلیم می داد» کلیسای اولیه پس از رسولان تمایزی میان این دو روش ارائه حقیقت قایل می شد. بدنه موعظات ثبت شده در کتاب اعمال (پطرس، استیفان، پولس) *Kerygma* خوانده می شود (به معنی اعلام، ر.ک. ۲۰:۲۵؛ ۲۸:۳۱؛ روم. ۱۰:۸؛ غلا. ۲:۲؛ I قرن. ۹:۲۷؛ II تیمو. ۴:۲)، در حالیکه تفسیر تعلیم عیسی در رسالات، *Didache* (تعلیم، ر.ک. ۲:۴۲؛ ۵:۲۸؛ ۱۳:۱۲؛ روم. ۱۶:۱۷؛ I قرن. ۱۴:۲۰) خوانده می شود.

۲۸:۳۱ «پادشاهی خدا» موضوع موعظه عیسی بود. اشاره به حکومت خدا در دل انسان در حال حاضر است که روزی بر زمین نیز مانند آسمان به کمال می رسد. این متن همچنین نشان می دهد که موضوع مزبور فقط برای یهودیان نبود. به عنوان خاص ۲:۳۵ مراجعه کنید.

□ «خداوند» "خداوند" ترجمه واژه عبری *adon* به معنی "صاحب، شوهر، ارباب یا سرور" است. یهودیان از به زبان آوردن نام مقدس YHWH بیم داشتند مبادا آن را بیهوده بر زبان آورند و فرمان اول را بشکنند. هرگاه آنها کتاب مقدس را می خواندند، واژه *Adon* را به

جای YHWH به کار می بردند. به همین دلیل است که در ترجمه های انگلیسی از واژه Lord به جای YHWH در عهد عتیق استفاده می شود. با اطلاق این عنوان (*kurios* در زبان یونانی) به عیسی، نویسندگان عهد جدید الوهیت او و برابری اش با خدای پدر را تثبیت می کنند.

□ «عیسی» نامی است فرشته به نوزاد بیت لحم بخشید (ر.ک. متی ۱: ۲۱). این نام از دو اسم عبری تشکیل شده است: "YHWH"، نام خدای عهد و "نجات" (مانند هوشع). نام یوشع و عیسی در عبری یک نام مشترک است. هنگامی که به تنهایی استفاده می شود، اشاره به عیسی ناصری، پسر مریم است (مثال: متی ۱: ۱۶، ۲۵؛ ۲: ۱۳؛ ۳: ۱۳، ۱۵، ۱۶).

□ «مسیح» ترجمه از واژه *Messiah* عبری (به معنی مسح شده) است. تأکید بر عنوان عهد عتیقی عیسی است از آن موعود YHWH که مقرر بود تا عصر جدید عدالت و دادگستری را مستقر سازد.

۳۱: ۲۸

«با آزادی و بی پروا» NASB

«با اعتماد کامل و بدون اینکه کسی مانع شود» NKJV

«با شهامت و بدون ترس» NRSV

«بسیار صریح و بدون هیچ مانعی سخن می گفت» TEV

«مطلقاً بدون ترس و بدون اینکه از کسی پروایی داشته باشد» NJB

این آیه نشان می دهد که مقامات رومی مسیحیت را مخرب یا خطرآفرین تلقی نمی کردند. متن یونانی با قید "بی ممانعت" یا "بدون جلوگیری" پایان می یابد. گویی تأکید بر ماهیت پیش رونده کار اعلام و قدرت روح القدس است.

بسیاری بر اساس استفاده اعمال ۱: ۱ از واژه "اول" چنین برداشت کرده اند که منظور بیش از دو است و لوقا در نظر داشت جلد سوم نیز بنگارد. برخی حتی چنین می پندارند که جلد سوم ممکن است رسالات شبانی (I تیموتائوس، II تیموتائوس و تیتوس) باشد. در مورد واژه یونانی *parrhesia* که در ترجمه انگلیسی NASB "آزادی" ترجمه شده است، به عنوان خاص ۴: ۲۹ مراجعه کنید.

### پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر، یک تفسیر راهنما است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که فرارویش است گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده اند، به شما کمک می کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. اینها به عنوان برانگیزنده فکر ارائه شده اند، نه به عنوان نظرات قطعی و تعیین کننده.

۱. چرا کتاب اعمال در حالی خاتمه می یابد که پولس همچنان در زندان است؟ چرا چنین ناگهانی پایان می یابد؟
۲. چرا لوقا اینهمه به توصیف سفر پولس و اقامت وی در روم می پردازد؟
۳. چرا پولس همواره می کوشید تا ابتدا به یهودیان شهادت دهد؟
۴. تفاوت میان *Didache* و *Kerygma* را توضیح بدهید.